

# رسالت جهانی حضرت مهدی عج





# البيعة لله

رسالت جهانی حضرت مهدی (عج)

مؤلف: فریده گل محمدی آرمان

مرکز انتشارات دارالنشر اسلام - قم

گل محمدی آرمان، فریده، ۱۳۲۷  
البیعة لله / مؤلف: فریده گل محمدی آرمان  
(ویرایش ۲) - قم: دارالنشر اسلام، ۱۳۷۹.  
۴۴۸ ص.

۱۶۰۰ تومان با جلد سلیفون: 4 - 00 - 475 - 964 ISBN

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا  
(فهرست نویسی پیش از انتشار).

کتابنامه: ص. (۴۴۸)

محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۶ ق. -  
الف. عنوان

۹ ب ۸ گ / ۵۱ BP ۲۹۷ - ۹۵۹

۱۳۷۹

کتابخانه ملی ایران ۱۶۵۷ - ۷۸ م

\*\*\*\*\*

مرکز انتشارات دارالنشر اسلام - قم

نام کتاب: البيعة لله (رسالت جهانی حضرت مهدی (عج))

مؤلف: فریده گل محمدی آرمان

نوبت چاپ سوم زمستان ۱۳۸۰ با اضافات

تیراژ: ۵۰۰۰ نسخه

قطع: وزیری

گرافیک: ناصر بهزادی

حروف نگار: خدمات کامپیوتری شباهنگ

چاپ: ولیعصر

لیتوگرافی: کانون تبلیغات سیوند

صحافی: قاسم

شابک: ۴ - ۰۰۰ - ۴۷۵ - ۹۶۴

قیمت با جلد سلیفون: ۱۶۰۰ تومان

صندوق پستی تهران: ۱۶۷۶۵/۶۷۸

«حق چاپ و تکثیر فقط برای مؤلف محفوظ است»

## فهرست

پیش‌گفتار: ..... ۹

مقدمه: ..... ۲۹

### فصل اول

اجداد حضرت مهدی: ..... ۷۱

نام‌ها و لقب‌های حضرت مهدی علیه السلام: ..... ۸۶

نهی از بردن نام حضرت مهدی علیه السلام: ..... ۸۷

ادیان در آخرالزمان: ..... ۸۸

آئین زردشتی ..... ۸۹

آئین هندویی ..... ۹۱

آئین بودایی ..... ۹۳

آئین یهودی ..... ۹۳

آئین مسیحیت ..... ۹۵

آئین اسلام ..... ۹۸

سیما و روش ملکوتی حضرت مهدی علیه السلام: ..... ۱۰۷

راز طول: ..... ۱۱۵

شباهت حضرت مهدی علیه السلام به پیامبران علیهم السلام: ..... ۱۲۰

۱۲۰	.....	شباہت بہ حضرت آدم علیہ السلام
۱۲۱	.....	شباہت بہ حضرت نوح علیہ السلام
۱۲۱	.....	شباہت بہ حضرت ہود علیہ السلام
۱۲۲	.....	شباہت بہ حضرت ابراہیم علیہ السلام
۱۲۳	.....	شباہت بہ حضرت لوط علیہ السلام
۱۲۳	.....	شباہت بہ حضرت یوسف علیہ السلام
۱۲۴	.....	شباہت بہ حضرت خضر علیہ السلام
۱۲۵	.....	شباہت بہ حضرت شعیب علیہ السلام
۱۲۶	.....	شباہت بہ حضرت موسیٰ علیہ السلام
۱۲۸	.....	شباہت بہ حضرت یوشع علیہ السلام
۱۲۹	.....	شباہت بہ حضرت داوود علیہ السلام
۱۳۱	.....	شباہت بہ حضرت سلیمان علیہ السلام
۱۳۱	.....	شباہت بہ حضرت ایوب علیہ السلام
۱۳۵	.....	شباہت بہ حضرت عیسیٰ علیہ السلام
۱۳۸	.....	شباہت بہ حضرت خاتم الانبیاء علیہ السلام
۱۳۹	.....	مواریث انبیا:
۱۴۳	.....	مدت حکومت:
۱۴۸	.....	موقعیت علمی:
۱۵۶	.....	اقامتگاہ حضرت مہدی:
۱۵۸	.....	تشریف:

## فصل دوم

۱۶۷	.....	ضرورت وجود امام:
۱۷۲	.....	دوران زندگی حضرت مہدی علیہ السلام:
۱۷۳	.....	حکمت غیبت:
۱۷۹	.....	نواب اربعہ:

۱۸۲	.....	غیبت کبری:.....
۱۸۷	.....	رجعت در رستاخیز صغری:.....
۱۹۱	.....	رجعت حضرت رسول اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small>
۱۹۳	.....	رجعت حضرت علی <small>علیه السلام</small>
۱۹۷	.....	رجعت حضرت حسین <small>علیه السلام</small>

### فصل سوم

۲۱۱	.....	نشانه‌های ظهور حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> :.....
۲۸۴	.....	قیام سفیانی:.....
۳۰۱	.....	قیام عوف سلمی:.....
۳۰۳	.....	قیام یمانی:.....
۳۰۵	.....	قیام سید هاشمی:.....
۳۰۷	.....	قیام سید خراسانی:.....
۳۱۰	.....	قیام نفس زکیه:.....
۳۱۲	.....	بانگ آسمانی:.....

### فصل چهارم

۳۲۳	.....	یاران حضرت ولی عصر <small>علیه السلام</small> :.....
۳۳۸	.....	وقوع رستاخیز صغری:.....
۳۹۱	.....	رجعت حضرت عیسی <small>علیه السلام</small> :.....
۴۱۱	.....	فهرست آیات.....
۴۲۱	.....	فهرست احادیث و روایات.....
۴۴۲	.....	فهرست موضوعی کتاب.....
۴۴۷	.....	منابع.....

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

### پیش گفتار:

﴿وَالْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ﴾<sup>۱</sup>

«سوگند به عصر، که آدمیان همه در زیانند مگر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند و یکدیگر را به حق سفارش کرده و به شکیبایی و استقامت توصیه نموده‌اند.»

با سپاس و ستایش به درگاه بیکران پروردگار عالمیان و با درود و تحیت به ارواح مکرم پیامبران و اولیاء الله و با عرض ادب و سلام به یگانه گوهر گیتی و آئینه جمال حق حضرت حجت بن الحسن العسکری و با کسب اجازه از ساحت مقدس سرور کون و مکان از انگیزه خود در مورد تدوین کتاب «البیعة لله رسالت جهانی حضرت مهدی عج» سخن آغاز می‌کنم به امید نجات هرآن کس که می‌شنود، می‌خواند و یا خبر به او می‌رسد، شاید به نظر رسد مخاطب اوراق چاپ شده فردی از افراد شیعه فقط به مسلمانان جهان اختصاص داشته باشد ولی بنده عرض می‌کنم: این افتخار مرا بس که خدمتگزار عالمیان باشم حتی اگر امکان پذیرش پیام اندک باشد، خوب می‌دانم با ارسال اخباری که باید به سمع و نظر شما بندگان خوب خدا برسد؛ بنده به وظیفه خود عمل کرده و شاید برسید وظیفه اینجانبه چیست؟

پس از سلام به شما بندگان خوب خدا می‌گویم: در یک حدیث قدسی، کلام شیوا و پر از مهر و محبت خداوند جَلَّ جَلَّالُه را خواندم که فرموده‌اند: «بندگان مرا همچون اهل



بیت من بدانید و من می خواهم اهل بیتم را دوست داشته باشید.»<sup>۱</sup>  
 در همین رابطه من نیز طبق فرمان خدای مهربان، بندگان خدا را دوست دارم، همانان که در جای جای این کره خاکی ساکن هستند، همان عزیزانی که خداوند را به یکتایی یاد می کنند و هدفشان رستگار شدن است ولی آیا هستند آن عده از بندگان خدا، که خالق خویش را فراموش کرده و سعادت ابدی برایشان بهایی نداشته باشد.

باید گفت: همانطور که در دنیا هر موجودی با عنوان مؤنث و مذکر و یا هر شیئی با عنوان مثبت و منفی مطرح است پس افراد با تقوا و بی تقوا در دنیا هستند و آنان نیز به موازات هم حرکت دارند به طوری که راه مؤمن حقیقت است و او خود را در لحظه لحظه های عمر در محضر خدا می بیند و اوست که در بیداری قدم بر می دارد و هدفش رسیدن به لذات دنیای باقی است و هیچ وقت سراب را آب نمی داند و بر عکس کسی که مؤمن به خدا و دنیای جاوید نیست خود را در محضر خدا نمی بیند و راه او زینت و غرور است، اوست که در خواب و غفلت به سر می برد و همیشه به دنبال لذات دنیا است و متأسفانه سراب از نظر او آب است و شکی نیست انسان با این عمر کوتاه، خیلی زود به نتیجه می رسد که خسارت بزرگی شامل حال او گشته که غیر قابل جبران می باشد پس بنده می گویم: افتخار می کنم که در خدمت بندگان خدا باشم، حتی اگر تا آخرین لحظه عمر آنان را نبینم ولی می توان گفت: شاید در پایان این دوره از زندگی در جهان توفیق دیدار وجود داشته باشد، توفیق دیدار در رستاخیز صغری؛ زیرا ما شیعیان طبق اخبار صادر شده از جانب اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام بر این امر قائلیم که جهان باردار یک دگرگونی عظیم است که اعظم این دگرگونی در عصر ظهور پر میمنت آخرین فرزند از فرزندان پیامبر اکرم حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله تجربه خواهد شد و یا امت حضرت عیسی بن مریم علیه السلام که بر نزول مجدد منجی خود قائل و در انتظار آن حضرت هستند و دیگر امم نیز در انتظار نجات دهنده خویش زمان را پشت سر می گذارند؛ زیرا باور دارند صالحان در سایه آن واقعه (قیامت کوچک) روی خوشبختی و سعادت را خواهند دید و با آن تحول برادری و برابری، عدل و احسان، اتحاد و انسجام و... بر جهان حاکم خواهد گشت و نسیم آزادی و امنیت نشاط همیشگی را به ارمغان خواهد آورد و از همه

مهمتر فقر، بیماری، خیانت، ظلم، شرک و... برای همیشه رخت بر خواهد بست، غربت و مظلومیت بار سفر بسته و بندگان دربند خدا را به حال خود خواهد گذاشت تا عالمیان در سایه حاکمی عادل نفسی تازه بکشند و جان مجدد بگیرند و خدا را به یکتایی یاد کرده و برای آن همه سعادت‌تی که نصیب آنان گشته خالق خویش را شاکر و سپاسگزار باشند، آیا به نظر شما خوانندگان گرامی رسیدن به چنین دورانی که بشر کره خاکی به آن آسایش و جلال بی نظیر دست یابد بعید است؟

خداوند در کتاب آسمانی قرآن فرموده است:

﴿أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ﴾<sup>۱</sup>

«آیا زمان آن فرا نرسیده، تا آنان که به ما ایمان آورده‌اند دل‌هایشان با یاد خدا نرم شود و با شنیدن آیات ما خاشع شوند و مانند امت‌های پیشین نباشند که به واسطه طولانی شدن مدت (غیبت پیامبر خود) دل‌هایشان را قساوت گرفت و مبتلا به گناه شدند.»

حال بنده به عنوان بنده‌ای از بندگان خدای رحمان! پیروی از پیروان حضرت محمد بن عبدالله! شیعه‌ای از شیعیان حضرت علی بن ابی طالب و منتظری از منتظران حضرت مهدی علیه السلام عرض می‌کنم: به خدای لا شریک له قسم اگر بندگان خدا به خود بیاندیشند و به معرفت لازم دست یافته و در سایه آگاهی مبادرت به توبه کنند و با اعمال شایسته و دوری از گناه در میان روسپیدان عالم جای گیرند درک چنین خوشبختی بعید نیست بلکه همگان طبق علائم ظهور و شواهد موجود و اخباری ویژه در رابطه با رستاخیز صغری شاهد خواهند بود که دنیا به زودی جوان خواهد شد درحالی که پیر شدن او را شاهد بوده و هستیم، دنیا به زودی طراوت از دست رفته خود را باز خواهد یافت همان‌گونه که خشک و نابود شدن آنرا شاهدیم، دنیا به زودی سلامت و سعادت گمشده‌اش را خواهد یافت درحالی که فتنه‌های تیره و تاریک سر تا پایش را پوشانده است و در عصر حاضر می‌توان امید داشت به پیامی پویا و آسمانی از جانب نجات

دهنده عالمیان حضرت بقیة الله الاعظم ولی عصر و زمان که طبق عنایات الهی وقوع رستاخیز صغری را به نفع مظلومان و ضعیفان جهان نوید می دهند و من به عنوان یک مسلمان قصد ندارم به بندگان خدا بگویم چه راهی را باید برگزینند تا رستگار شوند ولی به دلایلی بسیار والا خود را موظف می دانم تا به مسلمانان و دیگر مردم جهان بگویم: همگان به زودی در سایه شناخت حقایق درخواهند یافت که نجات دهنده آنان کیست و از ایشان چه انتظاری دارند و من نیز به شما بزرگواران در جای جای این دنیای پر از فتنه و هرج و مرج می گویم: کتاب فوق را برای یکبار هم که شده مطالعه فرمائید؛ زیرا هدف از نوشتن این کتاب همچون ارسال یک نامه از یک دوست به دوست دیگر می باشد و آن دوست، دوست خود را به ضیافتی با شکوه و مبارک دعوت می کند و اگر گیرنده نامه بی توجهی کند در فردایی نه چندان دور حقیقت را در خواهد یافت و همگان باید حساسیت این دوره از زندگی را احساس کنیم و برای فردایی روشن حرکت سازنده ای را آغاز نمائیم و آیا به نظر شما عزیزان، وقت آن نرسیده است تا هر یک از ما بندگان خدا برای ایجاد وحدت و صلح دائمی بین تمامی مذاهب قدمی جدی برداشته و برای آینده خود توشه ای در شأن و شخصیت یک موحد برچینیم؟

آیا وقت آن نرسیده است تا هر یک از ما بندگان خدا با کمک گرفتن از ذهن و اندیشه شخصی، به جستجوی نجات دهنده خویش شتافته تا از هلاک شوندگان نباشیم؟  
 آیا وقت آن نرسیده است تا از آخرین فرصت باقیمانده استفاده مفید به دست آورده تا جبران خسارات گذشته گردد؟ جبران خسارات برای آن همه بی تفاوتی، ناباوری و عدم شناخت نسبت به حقیقتی عظیم، بطور مثال: آیا در این برهه از زمان، امتی از امم صالحه می توانند به نویدی از بشارات پیامبر اولوالعزم حضرت مسیح علیاً بی اعتنا باشند، بی اعتنا به پیام پیامبری بزرگوار که به خواست خداوند در قرآن شریف به آن اشاره شده است از جمله می خوانیم:

﴿وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ﴾<sup>۱</sup>

«هنگامی که عیسی پسر مریم گفت: ای فرزندان اسرائیل! من فرستاده خدا به

سوی شما هستم، تورات را که پیش از من بوده تصدیق می‌کنم و به فرستاده‌ای که پس از من می‌آید و نام او (احمد) است بشارت‌گرم.»

در واقع این آیه شریفه، بشارت انجیل مقدس را صریحاً اعلام می‌کند و در انجیل یوحنا باب ۱۴ بند ۱۶ آمده است:

«و من از پدر خواهم خواست و او فریقلیط<sup>۱</sup> دیگری به شما خواهد داد که تا ابد با شما خواهد ماند.»

همچنین حکمی نبی ﷺ که یکی از پیامبران بنی اسرائیل است آمدن «احمد» را بشارت داده چنان‌که می‌خوانیم:

«خداوند لشکرها<sup>۲</sup> می‌فرماید: تمامی ملل (طوائف) را تکان خواهم داد و حمده همه ملتها خواهد آمد و من این خانه<sup>۳</sup> را مملو از جلال خواهم کرد.

خداوند لشکرها می‌فرماید: نقره از آن من است و طلا از آن من است.

خداوند لشکرها می‌فرماید: خانه آخرین من از خانه اولین من جلال و عزت عظیم‌تری خواهد داشت و خداوند لشکرها می‌فرماید: در این مکان به شما شالوم خواهم بخشید.»<sup>۴</sup>

۱ - نام فریقلیط یا (فارقلیط) پس از تغییر صورت در انجیل مختلف به معنای تسلی دهنده، مدافع، شفیع، حامی و... ترجمه شده است. (محمد در تورات و انجیل، ص ۲۳۴) معنای دقیق و ریشه‌ای فریقلیط ستوده‌ترین، برگزیده‌ترین و ارجمندترین است. (همان، ص ۲۳۸) که عیناً مانند ترجمه کلمه احمد و یا محمد در عربی است، در نسخه سریانی (البسیط) کتاب مقدس هم، عین کلمه Paraklyte به صورت پَرَکلیط بدون آن‌که حتی معنی آن در لغت نامه انتهای کتاب داده شود ذکر شده است در نسخه قدیمی (لاتینی) ژرم هم از همان «تسلی دهنده» استفاده شده است ولی در نسخه‌های زبان آرامی از کلمات مَحْمَدَة و حَمِیْدَة که عیناً معادل محمد و احمد در عربی و پریکلیت در یونانی است استفاده شده است (همان، ص ۲۳۹) از شرح و توصیف مذکور در انجیل یوحنا به وضوح استنباط می‌شود که پریکلیت فردی است با روح قدسی که خواهد آمد تا رسالتی را که خداوند بر عهده او گذاشته به سرانجام رساند (همان، ص ۲۴۰) در حال حاضر همگان، بالاخص شیعیان بر این امر واقف هستند که این واقعه با شکوه تحقق یافته و به استناد (آیه ۶ در سوره صف) می‌توان به حقیقت پیام حضرت عیسی ﷺ پی برد، در همین رابطه در انجیل یوحنا باب ۱۶ بندهای ۹ - ۸ آمده است «وقتی او می‌آید جهان را بر عدم گناه و اجرای عدالت و داوری ملزم خواهد کرد و گناه را نشان خواهد داد چون به من ایمان نیاوردند.» (همان، ص ۲۴۴)

۲ - یَهْوَه صباوث.

۳ - منظور از این خانه (مسجد الاقصی) می‌باشد.

۴ - حکمی نبی، فصل ۲، آیه ۷.

در نسخه‌ای از تورات و انجیل کلمات حَمَدَه و شالوم به ترتیب زیر (آرزو، میل و...) و (صلح، آشتی و...) ترجمه کرده‌اند اگرچه مفسران یهودی و عیسوی کلمه حمده را نوعی پیشگویی مبنی بر آمدن یک «مسیحا» دانسته‌اند.<sup>۱</sup>

در زبان عربی فعل حَمَدَ از همان ریشه سامی به معنای (ستایش کردن) ترجمه شده است در انجیل یوحنا که به زبان یونانی نوشته شده به جای حَمَدَه از کلمه «فارقلیط» استفاده شده که معادل حَمَدَه یا حَمِیدَه در زبان آرامی است و اگر کلمه حَمِیدَه را به صورت اسم ذات، یعنی: یک شخص معین با واقعیتی مشخص در نظر آوریم پس پیشگویی مذکور در شخص «احمد» و استقرار اسلام «شالوم» به حقیقت پیوسته است.<sup>۲</sup>

همچنین کارشناسان زبان سامی می‌دانند که کلمه شالوم و کلمه اسلام هر دو از یک ریشه واحد مشتق شده و هر دو به معنای صلح، تسلیم و رضامندی است.<sup>۳</sup> مرویست: در آخرین کتاب تورات از ملاکی یا (ملاخی) نبی علیه السلام نقل شده است: «به هوش باشید که رسول خدا را خواهیم فرستاد و او راه را در برابر ما آماده خواهد ساخت، او ناگهان به هیکل (این معبد)<sup>۴</sup> خواهد آمد؛ سروری است که آرزوی ما دارید و رسول میثاق است که از او شادمان خواهید شد، خداوند لشکرها می‌فرماید: بدانید که او می‌آید.»<sup>۵</sup>

در همین رابطه قرآن کریم از رسول اکرم به عنوان رسولی که میثاق گرفت و رسولی که به معبد رفت یاد کرده و در آیات فوق این چنین نقل شده است:

﴿سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَا الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنَ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾<sup>۶</sup>

۱ - محمد در تورات و انجیل، ص ۲۰.

۲ - همان.

۳ - محمد در تورات و انجیل، ص ۲۱.

۴ - منظور از هیکل، قصر و معبد حضرت سلیمان نبی علیه السلام است که در شهر بیت المقدس واقع شده و نیمی از معبد زیر مسجد الاقصی و نیمی دیگر از آن زیر کلیسای قیامت می‌باشد که توسط باستان شناسان کشف شده است. (یوم الخلاص، ص ۶۹۲؛ منتظر تاریخ، ص ۶۸)

۵ - کتاب ملائکی (و یا ملاخی) نبی، فصل ۳، آیه ۱.

۶ - سورة الاسراء (۱۷) آیه ۱.

«پاک و منزّه است خدایی که در مبارک شبی بنده خود (محمد) را از مسجد الاحرام به مسجد الاقصی که پیرامونش را مبارک و پر نعمت ساخت، سیر داد تا آیات و اسرار غیب را به او بنماید که خدا به حقیقت شنوا و بیناست.»<sup>۱</sup>

آری، خداوند به حقیقت شنوا و بیناست، خداوندی که رسول خود را در مبارک شبی با جسم زمینی و روح آسمانی به یک عروج شبانه از مسجدالحرام تا مسجد الاقصی و از مسجد الاقصی تا هفت آسمان دعوت کرد تا بخشی از آیات عظمت خود را به او نشان دهد و این افتخار از آن محمد بود که احمد شد و احمد بود که به احد نزدیک گشت تا آنجا که فاصله او به خداوند سبحان به اندازه دو کمان یا کمتر رسید همانجا که خداوند آنچه را وحی کردنی بود به بنده اش (محمد) وحی کرد. در همین رابطه خداوند برای اثبات این سفر روحانی و آنچه به رسول اکرم وحی شده بود اشاره کرده و این چنین فرموده است:

﴿ مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ ۲﴾

«که هرگز دوست شما (محمد) منحرف نشده و مقصد را گم نکرده است.»

﴿ وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ ۳﴾

«و (او) هرگز از روی هوای نفس سخن نمی گوید.»

﴿ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ ۴﴾

«آنچه آورده چیزی جز وحی نیست که به او وحی شده است.»

آری، به محمد وحی شد به همان محمدی که هرگز دروغ نگفت و چشم مبارکش دچار خطا و طغیان نشد تا آنجا که خداوند به جاهلان منحرفی که در عصر پیامبر اکرم می زیستند و رسالت و معراج آن حضرت را باور نداشتند فرموده است:

﴿ أَفْتَمَارُوهٗ عَلٰی مَا يَرٰوْنَ ۳﴾

«آیا با او درباره آنچه دیده است مجادله می کنید؟»

۱ - امید است همگان با خواندن آیات شریفه بی به حقیقت برده و بدانند آن رسولی که می بایست به معبد می رفت کسی جز آخرین رسول خدا حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله نبوده و نخواهد بود.

۲ - سوره نجم (۵۳) آیه ۲.

۳ - همان، آیه ۱۲.

آیا به راستی جاهلان با او مجادله کردند و شأن و مقامش را باور نداشتند! با او که در این سفر روحانی به جنت الماوی رسید، همان جنتی که وسعتش به اندازه آسمانها و زمین است؟

وا حسرتا که با او مجادله کرده و خصومت روا داشتند! با او که در سدره المنتهی نزول اجلال فرموده و نشانه‌های عظمت خداوند را مشاهده کرده است و به تحقیق منظور از مشاهده، همان شهود باطنی است<sup>۱</sup> که آن حضرت در آن شرایط حساس و ملکوتی به لقاء الله افتخار یافتند و حقاً در شهود باطنی خطائی وجود ندارد چنانکه خداوند در سوره اسراء به آن اشاره کرده و فرموده است:

﴿لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا﴾

«تا آیات خود را به او نشان دهیم.»

اگر تقدیر خداوند بر آن مقدر شده است که آیات خود را به رسول خویش این چنین عرضه کند پس هرگز احتمال خطا وجود نخواهد داشت و به تحقیق او تنها رسولی است که به این افتخار عظمی مفتخر گردیده است، رسولی که در آن عروج ملکوتی مشاهدات خود را این گونه نقل کرده، چنانکه می خوانیم:

«رَأَيْتُ عَلَى كُلِّ وَرْقَةٍ مِنْ أَوْرَاقِهَا مَلِكًا قَائِمًا يُسَبِّحُ اللَّهَ تَعَالَى.»<sup>۲</sup>

«من بر هر یک از برگهای آن (سدره) فرشته‌ای دیدم که ایستاده بود و تسبیح خداوند را می کرد.»

«إِنْتَهَيْتُ إِلَى سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى، وَإِذَا الْوَرَقَةُ مِنْهَا تَطَّلُ أُمَّةً مِنَ الْأُمَّةِ.»<sup>۳</sup>

«من به سدره المنتهی رسیدم و در سایه هر برگگی از آن امتی (از امم) را دیدم که قرار گرفته اند.»

۱ - مرویست: وقتی حضرت رسول به آسمان هفتم رسیدند حجاب‌هایی از نور را مشاهده کردند همانجا که سدره المنتهی و جنت الماوی قرار دارد، روایت است: پیامبر اکرم در آن جهان به اوج شهود باطنی و قرب الی الله رسیدند و خداوند در این سفر، آن حضرت را مخاطب قرار داده و دستورات بسیار مهمی را به ایشان فرمودند که مجموعه‌ای از آن به صورت احادیث قدسی برای ما به یادگار مانده است. (تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۵۰۵)

۲ - مجمع البیان، ذیل آیات مورد بحث.

۳ - نورالثقلین، ج ۵، ص ۱۵۵.

همچنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید، در شب معراج از خداوند سبحان سؤال کردم:

«يَا رَبِّ أَيُّ الْأَعْمَالِ أَفْضَلُ؟»<sup>۱</sup>

«پروردگارا! کدام عمل افضل است؟»

خداوند متعال فرمودند:

«لَيْسَ شَيْءٌ عِنْدِي أَفْضَلُ مِنَ التَّوَكُّلِ عَلَيَّ، وَالرِّضَا بِمَا قَسَمْتُ، يَا مُحَمَّدُ! وَجِبْتُ مُحَبَّتِي لِلْمُتَحَابِّينَ فِي، وَجِبْتُ مُحَبَّتِي لِلْمُتَعَاظِفِينَ فِي، وَجِبْتُ مُحَبَّتِي لِلْمُتَوَاصِلِينَ فِي، وَجِبْتُ مُحَبَّتِي لِلْمُتَوَكِّلِينَ عَلَيَّ، وَلَيْسَ لِمُحَبَّتِي عِلْمٌ وَلَا غَايَةٌ وَلَا نِهَآيَةٌ»<sup>۲</sup>

«هیچ چیز نزد من برتر از توکل بر من و رضا به آنچه قسمت کرده‌ام نیست، ای محمد! آنان که به خاطر من یکدیگر را دوست دارند محبتم شامل حال ایشان است و کسانی که به خاطر من مهربانند و به خاطر من پیوند دوستی دارند آنان را دوست دارم و نیز محبتم برای کسانی که توکل بر من می‌کنند فرض و لازم است و برای محبت من حد و حدود و مرز و نهایتی نیست.»

بارالها! تو را به همان محمدی قسم می‌دهیم که پیامهای دلنشین و پر از مهر و عطوفت را بر قلب پاکش نازل فرمودی، دیگر همه بندگان را از بند اسارتی که بر هستی آنان حاکم شده رهایی بخش و به حرمت همان محمد! همان احمد! همان مصطفی و همان ابوالقاسم صلی الله علیه و آله اذن ظهور فرزندش حضرت مهدی علیه السلام را فرمان ده و همگان را زیر چتر حکومت آن بزرگوار حیات بخش و جهان ویران شده و ظلمانی ما را با وجود آخرین فرزند از این خانواده به گلستانی تبدیل کن که بهشت برین در روی کره زمین به نمایش درآید و به واقع جهان در عصر ایشان به گلستانی با طراوت تبدیل خواهد شد.

آری، به امید تو خدای مهربان زمان را پشت سر می‌گذاریم تا آن روز هر چه زودتر فرا رسد که تو خالق یکتا! همان‌گونه اذن دهی که آرزوی ماست. ان شاء الله

همچنین در مورد رسول میثاق می‌توان از آیات و روایاتی یاد کرد که رسول میثاق را به ما معرفی می‌کند از جمله: هنگامی که خداوند اولین بار خلق را در عالم ذر

۱ - تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۵۰۷.

۲ - حدیث قدسی، تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۵۰۷.



آفرید، آنان را در مقابل خود به صف کرد آنگاه حضرت محمد ﷺ را برانگیخت؛ گروهی به او ایمان آوردند و گروهی او را انکار کردند، خداوند فرمود:

﴿ هَذَا نَذِيرٌ مِنَ النُّذُرِ الْأُولَى ﴾<sup>۱</sup>

«او بیم دهنده‌ای از بیم دهندگان پیشین است.»

در واقع حضرت محمد ﷺ پیامبری است که آدمیان را در عالم ذر بیم داد.<sup>۲</sup>

در سوره مدثر نیز می‌خوانیم:

﴿ نَذِيرًا لِلْبَشَرِ ﴾

«بیم دهنده همه انسان‌هاست.»

امام محمد باقر علیّه السلام در تفسیر این آیه فرموده‌اند:

«منظور از (نذیر) در این آیه رسول اکرم است که در رجعت همه انسان‌ها را بیم

خواهد داد.»<sup>۳</sup>

آری، حقاً او «محمد» بیم دهنده همه انسان‌هاست و اگر در این برهه از زمان که جهان در تلاطم خاصی به سر می‌برد همگان به خود نیابند و حقیقت را باور نکنند، بالاچاره به خود خواهند آمد اگرچه خواست خداوند این است که پیام حق همراه با صلح و آشتی بر سر بندهانش سایه افکند مگر نه این که محمد پیامبر آخرالزمان رحمة للعالمین است.

به تحقیق حضرت محمد رحمت برای عالمیان است که خداوند نعمتش را به وسیله آن حضرت کامل گردانید و پیامبرانش را به وجود مقدس آن حضرت ختم نمود و او را برای همه مردم مبعوث کرد، مردمی که می‌بایست به عهد و میثاق بسته شده وفادار باشند، چنان‌که خداوند سبحان در کتاب آسمانی قرآن بارها به پیامبر اکرم ﷺ بشارت داده و فرموده‌اند:

﴿ وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ

مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَتَنْصُرُنَّهُ ﴾<sup>۴</sup>

۱ - مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۱۴۸.

۲ - بحار الأنوار، ج ۵، ص ۲۳۴.

۳ - همان، ج ۵۳، ص ۴۲ و ۶۴.

۴ - سوره آل عمران (۳) آیه ۸۱.

«و (به خاطر آور) هنگامی که خداوند از پیامبران پیمان گرفت که هر گاه به شما کتاب و حکمتی دادم سپس پیامبری خواهد آمد که همه شما را تصدیق خواهد کرد، به او ایمان بیاورید و او را یاری کنید.»

﴿ مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا ﴾<sup>۱</sup>

«محمد پدر کسی از مردان شما نیست ولی محققاً پیامبر خداست و ختم کننده مقام نبوت است.»

خداوند نیز این چنین به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نوید داده و در آیات فوق فرموده اند:

﴿ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ ﴾<sup>۲</sup>

«ما تو را جز برای رحمت جهانیان نفرستادیم.»

﴿ قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ فَاٰمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيُّ الَّذِي يَأْتِيكُم بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴾<sup>۳</sup>

«بگو: ای مردم! من فرستاده خدا به سوی همه شما هستم، همان خدایی که حکومت آسمان‌ها و زمین از آن اوست، معبودی جز او نیست، زنده می‌کند و می‌میراند پس به خدا و فرستاده‌اش ایمان بیاورید، آن پیامبر درس نخوانده‌ای که به خدا و کلماتش ایمان دارد و از او پیروی کنید تا هدایت یابید.»

امید است همگان در سایه شناخت دقیق متحد و منسجم شوند و برای دستیابی به یک حقیقت شکوهمند تلاش کنند و آیا به راستی ﴿ أَلَيْسَ الصُّنْحُ بِقَرِيبٍ ﴾<sup>۴</sup> «مگر صبح نزدیک نیست» به تحقیق صبح پیروزی نزدیک است.

آری، صبح پیروزی و بهروزی نزدیک است، نزدیک برای آن عده از بندگان صالح خدا که مورد لطف حق تعالی قرار می‌گیرند و بشارات خداوند شامل حال ایشان می‌شود چنان‌که در سوره انبیا آمده است:

۱ - سوره الاحزاب (۳۳) آیه ۴۰.

۲ - سوره انبیاء (۲۱) آیه ۱۰۷.

۳ - سوره اعراف (۷) آیه ۱۵۸.

۴ - سوره هود (۱۱) آیه ۸۱.

﴿لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾<sup>۱</sup>

«در حقیقت، در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد.»

همچنین خداوند در مورد دیگر ادیان نوید داده و مشرکان را انداز فرموده‌اند از جمله در آیات فوق می‌خوانیم:

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لُوكِرَهُ الْمُشْرِكُونَ﴾<sup>۲</sup>

«او خداوندی است که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاد تا او را بر همه ادیان پیروز گرداند اگرچه مشرکان آن را خوش ندارند.»

حضرت امیر مؤمنان علیه السلام هنگامی که آیه «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ...» را تلاوت فرمود و آنگاه از یاران خود پرسید: «إِظْهَرُ ذَلِكَ» «آیا این پیروزی حاصل شده است؟»

یاران عرض کردند: آری!

حضرت فرمودند:

﴿كَلَّا؛ فَوَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ حَتَّىٰ لَا يَبْقَىٰ قَرْيَةٌ إِلَّا وَ يُنَادِي فِيهَا بِشَهَادَةٍ إِنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بِكُرْهُ وَعَشْيًا﴾<sup>۳</sup>

«خیر! سوگند به کسی که جانم به دست اوست این پیروزی آشکار نمی‌شود مگر زمانی که هیچ آبادی روی زمین باقی نماند تا این که هر صبح و شام بانگ لا اله الا الله از آن به گوش رسد.»

در همین رابطه در حدیث دیگری از امام محمد باقر علیه السلام می‌خوانیم:

﴿إِنَّ ذَلِكَ يَكُونُ عِنْدَ خُرُوجِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ فَلَا يَبْقَىٰ أَحَدًا إِلَّا إِقْرَبَ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ﴾<sup>۴</sup>

«این پیروزی به هنگام قیام مهدی از آل محمد خواهد بود، آن چنان که هیچ کس در جهان باقی نمی‌ماند مگر این که اقرار به محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خواهد کرد.»

۱ - سورة انبياء (۲۱) آیه ۱۰۵.

۲ - سورة توبه (۹) آیه ۳۳.

۳ - مجمع البیان، ذیل آیه ۹، تفسیر سورة صف.

۴ - تفسیر برهان، ج ۲، ص ۱۲۱.

خداوند سبحان در سوره شریفه فتح اخبار فوق را با آیه‌ای از آیات قرآن این چنین تأیید فرموده‌اند از جمله می‌خوانیم:

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا﴾<sup>۱</sup>

«او خدایی است که رسول خود را با قرآن و دین حق به عالم فرستاد تا او را بر همه ادیان دنیا غالب گرداند و بر حقیقت این سخن، گواهی خدا کافی است.»  
به تحقیق او خداوندی است که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاد تا او را بر همه ادیان پیروز گرداند،<sup>۲</sup> همان پیامبری که خداوند به وجود شریفش بالیده و خطاب به آن بنده صالحش فرموده است:

یا محمد «لَوْلَاكَ لَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلَاقَ»<sup>۳</sup>

«اگر تو نمی‌بودی من افلاک را خلق نمی‌کردم.»

سپس درباره وصی آن حضرت این چنین فرموده‌اند:

«وَلَوْلَا عَلِيٌّ لَمَا خَلَقْتُكَ»<sup>۴</sup>

«و اگر علی نبود تو (محمد) را خلق نمی‌کردم.»

«وَلَوْلَا فَاطِمَةُ لَمَا خَلَقْتُكُمَا»<sup>۵</sup>

«و اگر فاطمه نبود شما دو نفر (محمد و علی) را خلق نمی‌کردم.»

حال ای بندگان خوب خدا! اگر به واقع دنیا طفیل وجود آن بزرگواران است پس وقت آن رسیده که او و منسوبانش را بشناسیم تا به امید حق نجات در دنیای فانی و رستگاری در دنیای باقی از آن ما گردد. ان شاء الله

در همین رابطه پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خطاب به وصی خود حضرت علی عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَام فرموده‌اند:

۱ - سوره فتح (۴۸) آیه ۲۸.

۲ - بدون شک عالم هستی تا به حال شاهد این واقعه خجسته نبوده است، بلکه دین حق؛ دینی است که خداوند فرمان به اجرای آن داده و در آینده توسط آخرین حجت از حجج الهیه (که همان حضرت مهدی «عج» است) به بندگان خدا معرفی خواهد شد، حجتی که رسولان الهی به آمدن ایشان بشارت داده‌اند و حقاً نجات بشر در روی کره خاکی به دست آن بزرگوار محقق می‌شود. ان شاء الله

۳ - بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۴۰۶ روایت ۱.

۴ - القطره، ج ۱، ص ۱۶۴، به نقل از الخصائص الفاطمیه، مستدرک سفینه البحار ماده خلق.

۵ - همان.

«لَمَّا عُرِجَ بِي إِلَى السَّمَاءِ نَظَرْتُ إِلَى سَاقِ الْعَرْشِ فَإِذَا مَكْتُوبٌ بِالنُّورِ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، أَيَّدْتُهُ بِعَلِيِّ وَنَصَرْتُهُ بِهِ وَرَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ اسْمًا مَكْتُوبًا بِالنُّورِ عَلَى سَاقِ الْعَرْشِ بَعْدَ عَلِيٍّ: الْحَسَنَ، الْحُسَيْنَ، عَلِيًّا، عَلِيًّا، مُحَمَّدًا، مُحَمَّدًا، جَعْفَرًا، مُوسَى، الْحَسَنَ وَالْحُجَّةَ. فَقُلْتُ: إِلَهِي وَسَيِّدِي! مَنْ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَكْرَمْتَهُمْ وَقَرَنْتَ أَسْمَاءَهُمْ بِاسْمِكَ؟ فَتَوَدَّيْتُ: يَا مُحَمَّدًا! هُمْ الْأَوْصِيَاءُ بَعْدَكَ وَالْأئِمَّةُ، فَطُوبَى لِمُحِبِّهِمْ وَالْوَيْلُ لِمُبْغِضِهِمْ.»<sup>۱</sup>

«هنگامی که (خداوند) مرا به سوی آسمان بالا بردند بر جانب عرش نگریستم و در آنجا نوشته‌ای از نور یافتم که: خدایی جز پروردگار یکتا نیست، محمد فرستاده خداست و او را به سبب علی یاری و پشتیبانی نمودم.

من نیز یازده نام را دیدم که از نور نوشته شده بود آن نام‌ها عبارت بودند از: حسن، حسین، علی، علی، محمد، محمد، جعفر، موسی، حسن و حجت.

عرضه داشتم: ای معبود و سرور من! اینان کیستند که تو گرامیشان داشته‌ای و نام‌هایشان را قرین نام خود فرموده‌ای؟

ندا آمد: ای محمد! آنان جانشینان تو و پیشوایان پس از تو هستند، پس درخت طوبی<sup>۲</sup> پادشاه دوستدارشان و چاه ویل<sup>۳</sup> سزای دشمن ایشان می‌باشد.»

در همین رابطه مرویست: خداوند وعده داده است او را (آخرین حجت از این خاندان شریف که حضرت مهدی است) در پناه و حفظ و حمایت خود از شر دشمنان حراست و محافظت نماید و حق را به وجود او به پا داشته و باطل را به او سرنگون سازد تا دین حق بر تمام جهان حاکم گردد، در واقع دین اسلام به اذن خداوند و در عصر بعثت، توسط خاتم الانبیاء حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله معرفی شد، بار دیگر در عصر ظهور، دین اسلام توسط آخرین حجت از حجج الهیه بر جهان حاکم خواهد گشت و بالأخره نوید پروردگار مهربان در عصر جدید تجلی خواهد یافت و جهانیان در سایه یک دین، یک کتاب، یک پرچم و یک هدف ادامه راه خواهند داد و بدون شک آنان که طالب رستگاری و سعادت هستند بی‌درنگ

۱ - کفایة الاثر، ص ۱۸۵ - ۱۱۸۶ بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۴۸، ح ۲۱۷.

۲ - طوبی نام درختی در بهشت است.

۳ - چاه ویل چاهی از چاه‌های جهنم است.

حق را در خواهند یافت و مطیع اوامر الهی خواهند شد و ان شاء الله بزرگترین و والاترین بیعت در عصر ظهور تحقق خواهد یافت و به راستی این بیعت، این پیوند بر بیعت کنندگان مبارک باد؛ زیرا فلاح و خوشبختی در دو جهان از آن عزیزانی خواهد بود که تسلیم حق خواهند شد.

قرآن کریم در این باره یادآور می شود که خداوند سبحان در ابتدای بعثت خطاب به حضرت محمد ﷺ فرمودند:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُلُّ اللَّهُ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَتَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِ﴾<sup>۱</sup>

«به راستی آنان که با تو بیعت می کنند با خدا بیعت می کنند، دست خدا بالای دست آنان است پس هر کس بیعت خود را بشکند به ضرر خود شکسته است.»  
نقل شده است: اول کسی که از مردان دعوت پیامبر اکرم ﷺ را پذیرفت حضرت علی عليه السلام بود که از هر کسی نزد خدا و رسول مقرب تر است چنان که خداوند در قرآن مجید به آن اشاره فرموده اند:

﴿وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَٰئِكَ الْمُقَرَّبُونَ﴾<sup>۲</sup>

«والسابقون پیشگامان پیشگامند، آنان مقربان درگاه پروردگار هستند.»

به تحقیق حضرت علی پیشگام ترین پیشگامان به سوی خدا و رسول و مقرب ترین مقربان نزد خدا بود و هست، امید است هر یک از بندگان خوب خدا در عصر ظهور و حضور به مولای متقیان حضرت علی عليه السلام اقتدا کرده و برای بیعت با فرزند برومند آن بزرگوار پیشگام شوند و سبب خشنودی پروردگار عالمیان باشند و به راستی چه تماشایی است بیعت در عصر ظهور، در عصری که پرچم لا اله الا الله! محمد رسول الله! علی ولی الله! بر بام کعبه به اهتزاز در خواهد آمد.

آری، چه تماشایی است بیعت دل ها با نور، بیعت فرزندان آدم با یگانه منجی عالم بشریت حضرت حجت بن الحسن العسکری، همان حجتی که پیام خداوند مهربان را این چنین به بندگان خدا ابلاغ خواهند فرمود:

۱ - سورة فتح (۴۸) آیه ۱۰.

۲ - سورة واقعه (۵۶) آیه ۱۰.

﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ﴾<sup>۱</sup>

«در حقیقت، دین نزد خدا همان اسلام است.»

﴿وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾<sup>۲</sup>

«هر کس دینی جز دین اسلام بپذیرد، هرگز از وی پذیرفته نمی‌شود و وی در آخرت از زیانکاران است.»

﴿وَلَا أَسْأَلُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ﴾<sup>۳</sup>

«آیا جز دین خدا را می‌جویند؟ حال آن‌که هر کس در آسمان‌ها و زمین است خواه و ناخواه سر به فرمان او (خدا) نهاده و به سوی او باز گردانیده می‌شوند.»

و این ندای زائران کوی آن حضرت است که می‌گویند:

«السَّلَامُ عَلَى الْمَهْدِيِّ الَّذِي وَعَدَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِهِ الْأُمَّةَ أَنْ يَجْمَعَ بِهِ الْكَلِمَ وَيَلْمَ بِهِ الشُّعْتَ وَيَمْلَأَ بِهِ

الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا وَيُمَكِّنَ لَهُ وَيُنْجِزَ بِهِ وَعَدَ الْمُؤْمِنِينَ.»<sup>۴</sup>

«سلام بر مهدی! آن کس که خدای عزوجل آمدنش را به امت‌ها نوید داده تا به وجودش خلق‌های پراکنده را یکی کرده و جهان را کران تا کران از داد و دادگری پر نماید و بدین سان وعده مؤمنان را جامه عمل پوشاند.»

آری، طبق فرموده انبیا و اولیا! مهدی آخرین سفیر کبیر خداوند است که با ظهور مبارکش هستی جان مجدد می‌گیرد و با آمدن اوست که آسایش و آرامش بر عالم و عالمیان حاکم می‌شود و در عصر حکومت آن حضرت، جهان آشفته و نابسامان ما به سامان می‌رسد و دردمندان ورنجدیدگان جهان، خوشبختی را لمس کرده و سعادت را تجربه خواهند کرد و این خواسته و تقاضای ما منتظران است که می‌گوئیم:

پس تو ای درفش همیشه به اهتزاز درآمده هدایت! ای عصا عالم خلقت! ای قبله هر قافله! ندای عاشقانت، منتظرانت، همه آنانی که هر صبح و شام تو را می‌خوانند و از خدا تو را طلب می‌کنند صلا ده که آنان در لحظه لحظه‌های زمان سعی دارند تا رو به سوی تو آرند، سر بر آستان تو ساینند و چنگ بر ریسمان تو زنند.

۱ - سورة آل عمران (۳) آیه ۱۹.

۲ - همان، آیه ۸۵.

۳ - همان، آیه ۸۳.

۴ - مفاتیح الجنان، قسمتی از زیارت حضرت صاحب الامر.

ای مهدی! ای گل سر سبد گلشن هستی بیا، ای تنها محور کائنات بیا، بیا بر بلندای کعبه بایست و با بانگ تکبیرت همه را فراخوان و به آنان بشارت دیدار ده، بشارت به آن بندگان صالح خدا که برای رسیدن به اهداف عالیة اسلام تلاش و ایثار بی‌امان داشته و اصالت گهربار اسلام محمدی را حافظ هستند.

به راستی مژده باد بر عاشقان کوی مهدی که در روز موعود سوار بر مرکب عشق شده و با نسیم آزادی حرکت نوینی را آغاز خواهند کرد، همانان که با یک دنیا شور و اشتیاق تا بیکران هستی، زمان را پشت سر خواهند گذاشت.

حال تو ای بنده خدا! امت محمد! شیعه علی! یاور مهدی! و ای مؤمن به خدا و رسولان الهی برخیز و مددی ده، مددی تا صبح پیروزی، تا همان روزی که یگانه اختر تابناک چشم به راهان بر آسمان جهان درخشیدن گیرد و با طلوعش دنیای تیره و تاریک ما منور شود، که به تحقیق تنها حجت زمان اوست که می‌آید و بشارت خدای منان را به سمع و نظر همگان می‌رساند چنان‌که خداوند به مؤمنان بشارت داده و فرموده است:

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴾<sup>۱</sup>

«ای اهل ایمان از خدا بترسید چنان‌که شایسته خدا ترس بودن است (پیوسته به یادش باشید و شکر نعمتش به جای آرید) زینهار جز به دین مبین اسلام نمیرید.»

اگر به راستی پذیرش دین اسلام باعث خشنودی خداوند و سبب رستگاریست، پس خوب است همگان تجزیه و تحلیلی در این باره داشته باشند، در واقع دین پدیده‌ای است که از دیرباز در زندگی بشر نقش حساسی را ایفا کرده و با هدفی معین دنبال شده است.

دین هدیه‌ای از جانب خداوند است تا به انسان بگوید: تو مهمل نیستی بلکه جزئی از مجموعه کون هستی و از این دنیا به جای دیگری خواهی رفت، معرف دین پیامبران بوده‌اند که خداوند آنان را در بین مردم برانگیخته است تا پیمان خداوند را یادآوری نمایند و به بندگان خدا بگویند: از کجا آمده و به کجا می‌روند و



در این دنیا چه وظایفی بر عهده دارند و دیگر این که پیامبران آمدند تا امت خود را از بت پرستی، دنیا پرستی و هر نوع عملی که سعادت بشر را به خطر می اندازد منع کرده و آنان را با توجه به دروسی که در مکتب خدا پرستی مطرح شده است به سوی رستگاری دعوت کنند و بدون شک موحدین باور دارند که خداوند آنان را در طول زندگیشان آزمایش می کند و در پایان، عملکرد همه بندگان است که مورد ارزیابی قرار می گیرد و در آن روز به حساب تک تک ما رسیدگی خواهد شد و اگر امروز با دید باز و با افکاری سالم و با اعمالی شایسته حافظ دین و اهداف مقدس خود نباشیم و اگر به جهان آشفته که از سر تا پایش فتنه و آتش می بارد توجه نکنیم ضرر و زیان آن را خواهیم دید، در واقع وضع نابسامان جهان به ما هشدار می دهد که بیدار و هوشیار باشیم و از این روزگار نگون بخت که در سرایشی عمر خود قرار دارد و شب ظلمانی را پشت سر می گذارد بهره کافی برده و برای فردا توشه لازم را جمع آوری نمائیم و باید باور کرد که عالمیان در مقابل یک سری ناملایمات، هجوم مشکلات، ناامنی، فقر و حوادث غیر مترقبه قرار گرفته اند و از طرفی طبق علائم و شواهد باید باور کنیم که با آن روزهای خوش و خوشبختی فاصله ای نداریم اگرچه در حال حاضر ما مردم در دنیای تاریکی همچون یک تونل مخوف سرگردانیم و باید برای رسیدن به آن سمت تونل که عین روشنایی و سرسبزی است تلاش کنیم و از هیچ گونه ایثار و کوشش روی گردان نبوده و در سایه تطهیر جسم و روح به همراه عبادت و اطاعتی بیشتر از گذشته به استقبال فردا برویم، فردایی که بسیار درخشان و پر امید است و آرزوهای بشر ان شاء الله به کمال می رسد و مراحل تکاملی سرشار از رشد و شکوفایی دنبال خواهد شد و ای کاش می شد ما بندگان خدا برای رستگار شدن و ایجاد اتحاد و انسجام همچون یک خانواده متحد باشیم، خانواده ای که برای یک هدف و خواسته حرکت کرده و برای پیشبرد هدفشان به درگاه باری تعالی عرض نیاز می کنند و از عمق وجودشان تقاضای برکات الهی را دارند.

آری، می بایست در واپسین روزهای این دوره از زندگی با قلبی مشتاق خدا! به خود و اهدافمان بیاندیشیم و با یکدیگر مهربان باشیم و برای بقای خود و تک تک مردم جهان دعا کنیم تا همگان از گزند فتنه ها و بلاهای آخرالزمان در امان باشند؛

زیرا به نظر می‌رسد جهان ما به علت آلودگی و اشتباهات آدمیان به طغیان آمده و قصد دارد با یک خانه تکانی خود را پاکیزه گرداند و سپس آماده ضیافتی باشد که آن ضیافت بسیار مبارک است، ضیافت در روی کره زمین همراه با صلح و آرامش، آزادی و رفاه، سلامت و سعادت، مهر و محبت و دوستی در کنار سفیران الهی که حجج الهیه هستند و به تحقیق زندگی ایده‌آل در کنار سفیران الهی میسر خواهد بود، سفیرانی همچون حضرت مهدی! حضرت عیسی! حضرت خضر! حضرت ادریس! حضرت الیاس و... علیهم‌السلام که هر یک از آنان همچون پدرانی مهربان همراه با صالحان خواهند زیست و آنان را هدایت خواهند کرد، همانان که بندگان خدا را همچون خانواده‌ای بزرگ بر سر یک سفره خواهند نشاند، خانواده‌ای که در عصر جدید، رشد و تکامل را پشت سر گذاشته و دارای قابلیت‌های بس عظیم خواهند شد.

باشد ستاره بخت همگان پرفروغ و برگ سبز خوشبختی از آن همگان گردد و ان‌شاءالله هر چه سریع‌تر زمینه آن انقلاب سرنوشت ساز مهیا شود مگر نه این‌که هر حادثه‌ای در جهان مژده دیدار وصی احمد! آن گل سرسبد آل الله را می‌دهد، حوادثی تلخ که در نهایت نوید و بشارت دیداری مبارک را به همراه دارد.

امید است به اذن خدای سبحان و در سایه الطاف الهی و در پرتو حکومت عدل و داد، عزت و آسایش از آن مستضعفان عالم گردد و به امید حق! صالحان و مؤمنان به الله پرچمدار آن قافله باشند، پرچمدار قافله‌ای که در انتظار پیروزی حق بر باطل هستند و بدون شک طالبان حق در سایه آن پیروزی سعادت و خوشبختی واقعی را تجربه خواهند کرد. ان‌شاءالله

وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

تقدیم فرازی از انگیزه مؤلف به عاشقان حق و به امید انسجام و اتحاد در

میان دیگر ادیان با مسلمانان جهان. ان‌شاءالله

تذکر: کتاب فوق به زبان‌های متعددی ترجمه شده است.



## مقدمه:

حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که آفریننده خلق و عالم است و جهان هستی در برابر عظمتش خوار و ذلیل و جمیع اهل آسمانها و زمین به خداوندیش معترف اند و تمام مخلوقات به توحید و یگانگی او اقرار و ایمان دارند، ایمان به پروردگاری که بر عرش و فرش احاطه دارد و به همه غیب و شهود عالم آگاه است.

﴿قُلِّلِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمَوَاتِ وَرَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾<sup>۱</sup>

«باری ستایش و سپاس مخصوص پروردگار است، پروردگار آسمانها و پروردگار زمین، پروردگار جهانیان.»

﴿تَبَارَكَ الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَعِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ﴾<sup>۲</sup>

«خجسته است کسی که فرمانروایی آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو است از آن اوست و علم قیامت پیش اوست.»

﴿يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾<sup>۳</sup>

«هر چه در زمین و آسمانهاست همه به تسبیح و ستایش خدا مشغولند که مُلک هستی و ستایش اهل عالم برای اوست که بر هر چیز تواناست.»

۱ - سوره جاثیه (۴۵) آیه ۳۶.

۲ - سوره زخرف (۴۳) آیه ۸۵.

۳ - سوره تغابن (۶۴) آیه ۱.

﴿ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقَدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيَّمُ الْعَزِيزُ  
الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِي الْمُصَوِّرُ لَهُ  
الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴾<sup>۱</sup>  
«اوست خدایی که نیست خدایی مگر او، پادشاه پاک بری از نقص و عیب،  
ایمن گرداننده نگهبان، عزیز بزرگوار در نهایت کبریا، خدا پاک است از  
آنچه شریک می‌سازند، اوست خدای آفریننده، پدید آورنده صورت بخش،  
مر اوراست نام‌های نیکو، او را تسبیح می‌کند آنچه در آسمان‌ها و زمین  
است و اوست عزیز حکیم.»

آری، حمد و سپاس خدای دو جهان را سزااست که هیچ معبودی جز او نیست،  
او فرمانروای هستی است، فرمانروایی که مُلک و ملکوت برای او تسبیح می‌گویند و  
تمام مخلوقات او را به آسمانش تقدیس می‌نمایند به راستی منزّه است خدایی که  
پروردگار ملائکه، روح و آدمیان است.

منزه است پروردگاری که به انسان بیش از هر مخلوق دیگری بها داده و او را به  
عنوان هسته مرکزی جهان آفرینش و جهان واپسین و سرآمد تمامی مخلوقات  
معرفی کرده است و انسان از جانب پروردگار که خیر محض است با بی‌نهایت  
نیروی نهفته در درون، متکامل آفریده شد و او نیز باید مظهر نیکی‌ها و خیرات باشد  
تاسیب خشنودی خداوند شود؛ خداوندی که مرگ و حیات را آفرید تا بندگانش را  
ببازماید که کدام یک از حیث عمل نیکوکارترند چنان‌که در قرآن کریم می‌خوانیم:

﴿ هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ فَمِنْكُمْ كَافِرٌ وَمِنْكُمْ مُؤْمِنٌ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴾<sup>۲</sup>  
«اوست خدایی که شما آدمیان را آفرید (تا آفریننده را شناخته و کافر  
نشوید) باز شما بندگان، گروهی کافر و بعضی مؤمن هستید و خدا به هرچه  
کنید کاملاً آگاه است.»

﴿ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَانِ مِنْ تَفَاوُتٍ

۱ - سورة حشر (۵۹) آیه ۲۳ - ۲۴.

۲ - سورة تغابن (۶۴) آیه ۲.

فَأَرْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَىٰ مِنْ فُطُورٍ<sup>۱</sup>

«همان کسی که هفت آسمان را بر فراز یکدیگر آفرید؛ در آفرینش خداوند رحمان هیچ تضاد و عیبی نمی‌بینی؛ بار دیگر نگاه کن آیا هیچ شکاف و خللی مشاهده می‌کنی؟»

﴿ثُمَّ أَرْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ﴾<sup>۲</sup>

«باز دوباره (به عالم هستی) نگاه کن، سرانجام چشمانت (در جستجوی خلل و نقصان ناکام مانده) به سوی تو باز می‌گردد درحالی‌که خسته و ناتوان است.»

همچنین در هنگامه آفرینش آمده است:

﴿وَهُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ

لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَيْكُمْ إِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ﴾<sup>۳</sup>

«او خدایی است که شما را جانشین گذشته‌گان اهل زمین مقرر داشت و درجات بعضی از شما را بالاتر از بعضی دیگر قرار داد تا شما را به وسیله آنچه در اختیارتان قرار داده بیازماید؛ همانا پروردگارت زود کیفر است، به درستی که او به حق پویان مهربان می‌باشد.»

نقل شده است: گذشته‌گان اهل زمین، مخلوقی از جن و نسناس بودند که هفت هزار سال قبل از خلقت آدم ابوالبشر<sup>علیه السلام</sup> بر روی زمین زندگی می‌کردند در همین رابطه از امیرمؤمنان<sup>علیه السلام</sup> سؤال شد که آیا قبل از آدم و ذریه او، خلقی از مخلوقات در روی زمین بوده است که خداوند را عبادت کنند؟

حضرت فرمودند: مخلوقاتی در آسمان‌ها و زمین بودند که شب و روز خداوند را تسبیح و تقدیس می‌کردند و خدا را بزرگ می‌شمردند و به خدای سبحان افترا نمی‌بستند، پس همانا خداوند عزوجل چون زمین‌ها را خلق کرد قبل از آن آسمان‌ها و پس از آن ملائکه روحانیین را خلق نمود که بال داشتند و با آن پرواز می‌کردند

۱ - سوره ملک (۶۷) آیه ۳.

۲ - همان، آیه ۴.

۳ - سوره انعام (۶)، آیه ۱۶۵.

خداوند آنان را بین طبقات آسمانها ساکن گردانید و آنان شب و روز خالق هستی را تقدیس می‌کردند آنگاه خداوند از بین آنان اسرافیل، میکائیل و جبرئیل را انتخاب کرد و سپس در روی زمین روحانیین جن را آفرید که بال داشتند و آنان را در بین طبقات زمین و بر روی آن سکنی داد و آنان نیز خداوند را تقدیس می‌کردند و افترا نمی‌بستند، خداوند بعد از اینها مخلوقی آفرید که بدن و روح داشتند و بدون بال بودند آنان می‌خوردند و می‌آشامیدند آنان نسناس (اشباه خلقهم) بودند و آنان با جنیان، خداوند را شب و روز در روی زمین تقدیس می‌کردند و جن در آسمانها پرواز می‌کرد و ملائکه را می‌دید به آنان سلام کرده و از ایشان خبر دریافت می‌کرد سپس خداوند طایفه‌ای از جن و نسناس را آفرید آنان در میان زمین ساکن بودند، (آنان بر خلاف آن عده که خداوند را می‌پرستیدند) تمرد کرده و از امر خدا سرپیچی کردند و در زمین تکبر ورزیدند و بعضی بر بعضی برتری جسته، خونریزی کردند و در بین خودشان فساد را اشاعه دادند و منکر ربوبیت خداوند شدند و عده‌ای از اجنه بر رضای خداوند و طاعت حق تعالی استقامت نمودند خداوند آن دو طایفه که سرپیچی کرده بودند از بقیه جدا کرده و بال‌های آن جنیان را که سرپیچی و تمرد کرده بودند به خاطر گناهانشان قطع کرد تا قادر به پرواز در زمین و آسمان‌ها نباشند و همچنین امکان ملاقات با ملائکه را نداشته باشند و ابلیس که نامش حارث بود بر ملائکه ظاهر می‌شد و از متابعان جن بود.

پس لباس ملائکه، جن و نسناس از برگ درختان بود و شربت ایشان از چشمه و در میان آنان جنس مؤنث وجود نداشت.

گفته شد: یا امیرالمؤمنین! ابلیس با آنان چه می‌کرد؟

حضرت فرمودند: آنان جز خدای بی شریک را نمی‌شناختند و به گناهی آلوده نمی‌شدند و خدا را عبادت می‌کردند و افترا نمی‌بستند.

سپس حضرت فرمودند: ولی خداوند دوست داشت خلقی بیافریند در حالی که هفت هزار سال از خلقت جن و نسناس گذشته بود و چون خداوند گفت وگویی ملائکه را در آسمان‌ها شنید، خطاب به ایشان فرمود: من آدم را در زمین خلیفه خود قرار می‌دهم تا حجت من در روی زمین باشد در این دوره از حیات، اهل آسمان از

رفتار اهل زمین بی اطلاع بودند وقتی خداوند خواست آدم را بیافریند حجاب را از جلوی چشم آنان برداشت و فرمود: ای فرشتگانم به طرف زمین نگاه کنید و ساکنان اهل زمین را ببینید که جن و نسناس هستند و بدانید آنان چه می‌کنند، فرشتگان به زمین نگریستند، آنان را دیدند که به کارهای زشت مشغولند و خون به ناحق می‌ریزند و فرمان خدا را نمی‌برند،<sup>۱</sup> «پس هنگامی که پروردگار به فرشتگان فرمود: من در زمین خلیفه‌ای (از بشر) خواهم گماشت.

گفتند: پروردگارا! آیا کسانی را در روی زمین خواهی گماشت که فساد کنند و خونها ریزند و حال آن‌که ما خود، تو را تسبیح و تقدیس می‌کنیم؟

خداوند فرمود: من حقایقی را (از اسرار خلقت بشر) می‌دانم که شما نمی‌دانید،<sup>۲</sup>

پس اراده خداوند بر این امر تعلق گرفت که آدم و فرزندان او را بیافریند که در میان این فرزندان ۱۲۴ هزار نبی و پیامبر آفریده شد و در میان این عده نیز مهربان درگاه ربوبی خلق شدند سپس خداوند از روح خویش بر آدم دمید، آنگاه به فرشتگان و ملائکه امر کرد همه و همه با تکریم و احترام بر آدم سجده نمایند و آن همه کرنش و تواضع به خاطر آن عده از بندگان مقررش بود که خداوند دنیا را به یمن وجود آنان بنا نهاد و وجود مقدس ایشان آغازی برای زندگی نو در عالم هستی شد زندگی در کره خاکی، به امید رسیدن به فلاح و سعادت ابدی، آن هم در سایه آن عده از فرماندهان خداوند که قافله سالاران آن مرکبی هستند که باید تا دروازه بهشت ره پیمایند.

پروردگارا! حمد و سپاس خدای لم یزلی را سزااست.

پروردگارا! تو را می‌پرستیم و از تو یاری می‌جوئیم از تو که بر بندگان برگزیده‌ات نظر کرده و حریم آنان را عزت بخشیدی تا بر خلق روی زمین آموزگار و نگهبان باشند و بندگان را تا رسیدن به خوشبختی در عالم فانی و رستگاری در عالم باقی هدایت کنند.

۱ - مطالب فوق از کتب بحارالانوار، ج ۱۱، ر.ک: ص ۱۰۳ تا ۱۰۵، به نقل از تفسیر علی بن ابراهیم، ص ۳۴ - ۳۲ بحارالانوار، ج ۶۱، ص ۲۹۸، روایت ۷. اصول کافی، ج ۸، ص ۲۴۴، روایت ۳۳۹ اقتباس یافته است.

۲ - سوره بقره (۲) آیه ۳۰.



به راستی آن بزرگواران کیستند بالاخص خاتم پیامبران حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله که خداوند به وجود شریف ایشان می‌بالد و در همین رابطه آن حضرت خطاب به وصی و جانشین خود علی بن ابی طالب علیه السلام چنین فرمودند:

«یا علی! خدا خلق نکرده خلقی را که از من بهتر و گرامی‌تر نزد او باشد.

حضرت علی یار باوفای حضرت رسول اکرم عرض می‌کند:

یا رسول الله! شما افضل‌ی یا جبرئیل؟

حضرت رسول در مقام جواب فرمودند:

یا علی! خداوند تبارک و تعالی انبیای مرسل را افضل از ملائکه مقرب گردانیده و مرا بر جمیع پیامبران برتری داده و بعد از من، تو و ائمه بعد از تو را بر همه برتری بخشیده است و ملائکه خدمتگزاران ما و خدمتکاران دوستان ما هستند (یا علی!)

«آن عده از فرشتگان که حاملان عرشند و بر دور عرش می‌باشند تسبیح و تحمید خداوند خود کنند و استغفار برای آن جماعتی می‌کنند،<sup>۱</sup> که ایمان به ولایت ما دارند.

یا علی! اگر ما<sup>۲</sup> نبودیم خدای سبحان، نه آدم را خلق می‌کرد و نه حوا را و نه بهشت را و نه دوزخ را و نه آسمان را و نه زمین را، پس چگونه است که ما از ملائکه افضل نباشیم و حال آنکه ما پیش از ایشان خداوند را شناختیم و تسبیح و تقدیس پروردگار کردیم؛ زیرا اول مخلوقی را که باری تعالی خلق کرد ارواح ما بود پس ما را گویا به توحید و ستایش خود گردانید که او را به یگانگی یاد کرده و حمد و سپاس او را گرامی بداریم و بعد از آن خداوند ملائکه را خلق کرد و چون ارواح ما یک نور بود، نور ما در نظر ایشان بسیار عظیم جلوه کرد.

ما گفتیم: «سُبْحَانَ اللَّهِ» تا ملائکه بدانند، ما خلق خدایی هستیم که منزّه از آن است که به ما شباهتی داشته باشد، چون ملائکه تسبیح ما را شنیدند خدا را تسبیح

۱ - سورة مؤمن (۴۰)، آیه ۷.

۲ - منظور از ما! چهارده گسهر هستی از جمله: رسول اکرم صلی الله علیه و آله، دخت گرامی ایشان حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، همچنین پسر عم و وصی رسول اکرم حضرت علی و یازده فرزند برومند ایشان علیهم السلام می‌باشند که همگی از منادیان حق و عدالت هستند در همین رابطه در حدیثی از رسول اکرم نقل شده است: خداوند چهارده نور از نور عظمت خود بیافرید چهارده هزار سال پیش از آنکه حضرت آدم علیه السلام را بیافریند. (ناسخ التواریخ، ج ۱، ص ۵)

و تقدیس نموده و مقام پروردگار جَلَّ جَلَالُهُ را منزّه از صفات ما دانستند زمانی که فرشتگان شأن ما را مشاهده کردند: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» گفتیم تا ملائکه بدانند که خداوند شریکی ندارد و او یگانه پروردگار عالمیان است.

پس ایشان تبعیت کرده و گفتند: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» چون ملائکه رفعت و درجه ما را دیدند! گفتیم: «اللَّهُ أَكْبَرُ» تا ملائکه بدانند خدا بزرگتر از آن است که به وصف آید. آنگاه آنان گفتند: «اللَّهُ أَكْبَرُ».

ملائکه که از قدرت و توانایی ما آگاه شدند، گفتیم: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» نیست نیرو و نه پشتیبانی به جز خداوند، چون دانستند که خداوند پشتیبان ماست؛ ما گفتیم: «الْحَمْدُ لِلَّهِ» حمد و سپاس خدای را سزااست.

گفتیم: تا ملائکه بدانند که خدا از جانب ما مورد حمد و ثناست، حمد بر نعمت‌هایی که به ما انعام فرموده، پس ملائکه نیز گفتند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ».

آنگاه ملائکه به برکت ما هدایت یافته و به تسبیح و تهلیل و تمجید خداوند مشغول شدند و حق تعالی حضرت آدم را خلق فرمود و ما را در صُلب او به ودیعه نهاد و به ملائکه امر کرد که حضرت آدم را برای تعظیم و تکریم ما (اهل بیت) سجده کنند که در صلب آدم بودیم و سجود ایشان، سجده بندگی خدا بود (و از طرفی هم) سجده اکرام و اطاعت آدم بود که ما در صلب او بودیم، پس ای علی! چگونه ما افضل از ملائکه نباشیم و حال آنکه جمیع ملائکه سجده آدم را برای تکریم به ما کردند؛ به درستی که چون مرا به آسمان‌ها عروج دادند جبرئیل اذان و اقامه گفت و عرض کرد: یا محمد پیش بایست تا با تو نماز به جای آورم.

گفتم: جبرئیل آیا من بر تو تقدم جویم؟

جبرئیل عرض کرد: آری؛ زیرا که خداوند پیامبرانش را بر جمیع ملائکه برتری بخشیده، بالاخص تو ای محمد بر جمیع خلق عالم برتری داری.

پس من مقدم شدم و ملائکه با من نماز گذاردند، پس از نماز به همراه جبرئیل حرکت آغاز کرده و چون به حجاب‌هایی از نور رسیدیم جبرئیل عرض کرد: یا محمد! پیش برو و من همین جا می‌مانم، گفتم: آیا در چنین جایی مرا تنها می‌گذاری؟ جبرئیل گفت: یا محمد! خداوند تا همین مکان به من اجازه سفر داده

است و اگر از این حد درگذرم بالهائم خواهد سوخت.  
 آنگاه من نیز پس از فرو رفتن به دریاهاى نور به آنجایی رسیدم که خداوند می خواست.  
 سپس ندا به من رسید یا محمد! گفتم: «لَبَّيْكَ يَا رَبِّي وَ سَعْدَيْكَ، تَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ.»  
 بار دیگر ندا رسید ای محمد! من پروردگار تو هستم و تو بنده من هستی، مرا  
 عبادت کن و بس، بر من در جمیع امور توکل نما، به درستی که تو نور منی در میان  
 بندگانم و فرستاده منی به سوی خلقم و حجت منی بر جمیع خلایق، برای تو و  
 متابعت بهشت را خلق کرده ام و کرامت و بزرگی را بر اوصیایت واجب گردانیده ام  
 و برای شیعیان ایشان ثواب خود را واجب ساخته ام.

در همین بین خطاب به پروردگار عالمیان عرض کردم:

خداوندا! اوصیای من کیستند؟

ندا رسید: یا محمد! اوصیای تو همانان هستند که نام ایشان بر ساق عرش نوشته  
 شده است چون نظر به ساق عرش کردم دوازده نور دیدم که بر هر نوری، سطری  
 سبز و بر آن سطر، نام وصیی از اوصیای من نوشته شده بود که اول ایشان  
 علی بن ابی طالب و آخر ایشان مهدی امت من بود.

بار دیگر عرض کردم: خداوندا! آیا این ها بعد از من اوصیایم هستند؟

ندا رسید: یا محمد! این ها اولیا و برگزیدگان من هستند و حجت های من بعد از  
 تو بر جمیع خلایق می باشند، ایشان اوصیا و خلفای تو هستند و بهترین خلق من، به  
 عزت و جلال خودم سوگند که به ایشان دین خود را ظاهر کرده و کلمه حق را بلند  
 گردانم و به (وسیله) آخرین نفر از ایشان، زمین را از دشمنان خود پاک کرده و او را بر  
 مشرق و مغرب زمین مسلط خواهم کرد و او را بر آسمان ها بالا خواهم برد و به  
 لشکریان خود یاریش کرده و ملائکه را مددکارش گردانم تا این که دین حق بلند شود  
 و جمیع خلایق به یگانگی من اقرار کنند، پس مُلک و پادشاهی او را دائم گردانم و  
 دولت حق تا روز قیامت از دوستان من به در نرود.<sup>۱</sup>

بارالها! حمد و ثنا مخصوص توست، امید است همان گونه شود که می خواهی،  
 خداوندا! ای یگانه قدرت هستی، ای صاحب فرمان و اندازه ها، ای آن که همه

قصدها به سوی توست به راستی هیچ معبود حقی جز تو نیست، تویی آفریننده که یاد بلند و ستایش آشکاری را بر مخلوق خویش مقدم داشتی و فرشتگان را بر آنان فرو فرستادی و ایشان را به وحی خویش گرامی داشتی و به علم خود یاریشان فرمودی و آنان را سبب‌هایی به سوی خویش و وسیله‌ای به سوی رضوانت قرار داده، آنگاه یکی از ایشان<sup>۱</sup> را در بهشت خود سکونت دادی و در قرآن مجید اوصاف او این‌گونه بیان شده است:

﴿إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾<sup>۲</sup>

«چون پروردگار تو به فرشتگان گفت: من در زمین جانشین خواهم گماشت، گفتند: آیا در روی زمین آن کس<sup>۳</sup> را قرار می‌دهی که فساد می‌کند و خون می‌ریزد؟ حال آن‌که ما تسبیح تو می‌گوئیم و تقدیس تو می‌نمائیم. خداوند فرمود: می‌دانم آنچه را که شما نمی‌دانید.»

قرآن درباره علم آدم می‌فرماید:

﴿عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾<sup>۴</sup>

«خداوند به آدم تمامی نام‌ها را آموخت و سپس آن‌ها را بر فرشتگان عرضه کرد و فرمود: اگر راست می‌گوئید از اسامی این‌ها به من خبر دهید.»

فرشتگان در مقام عذر خواهی عرض کردند:

﴿سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ﴾<sup>۵</sup>

۱ - منظور: حضرت آدم ابوالبشر عليه السلام است که به عنوان اولین خلق شده در روی زمین و در مکانی شبیه بهشت ساکن گشت و او نیز اولین پیامبر برای دیگر بندگان خداوند بود که می‌بایست آنان را نسبت به پروردگار یکتا و مسئولیت در دوران حیاتشان در روی کره زمین آگاه می‌ساخت.

۲ - سوره بقره (۲) آیه ۳۰.

۳ - بحارالانوار، ج ۱۱، ر.ک: ص ۱۰۳ تا ۱۰۵، به نقل از تفسیر علی بن ابراهیم، ص ۳۴ - ۳۲.

۴ - سوره بقره (۲)، آیه ۳۱.

۵ - همان، آیه ۳۲.

«منزهی تو! جز آنچه (خود) به ما آموخته‌ای هیچ دانشی نیست، تویی  
داناى حكيم.»

سپس خداوند فرمود:

﴿ يَا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ فَلَمَّا أَنْبَأَهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ  
غَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ ﴾<sup>۱</sup>

«ای آدم! ایشان را از اسامی آنان خبرده و چون (آدم) ایشان را از اسمانشان  
خبر داد، (خداوند) فرمود: آیا به شما نگفتم که من نهفته آسمان‌ها و زمین را  
می‌دانم و می‌دانم آنچه را آشکار می‌کنید و آنچه را پنهان می‌داشتید.»

﴿ إِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ  
مِنَ الْكَافِرِينَ ﴾<sup>۲</sup>

«چون فرشتگان را فرمودیم برای آدم سجده کنید، پس به جز ابلیس که سر  
باز زد و کبر ورزید و از کافران شد (همه) به سجده درافتادند.»

آنگاه آدم به خواست خداوند و با صفات ملکوتی به تمام حقایق راه یافت و با  
عنایت خدای سبحان برتری خود را اعلام کرد تا آنجا که فرشتگان در برابر او تعظیم  
کردند، تعظیم در مقابل انسانی که می‌تواند به سوی رشد و کمال حرکت کند تا مظهر  
خوبی‌ها، زیبایی‌ها و خیرات و نشانگر رحمت و رأفت باری تعالی باشد و در صراط  
مستقیم پایداری کند و با اعمال نیک مالک نفس مطمئنه شود و در جوار قرب و  
رحمت الهی پناه گیرد، در روزی که هول و هراس و اضطراب شامل حال آدمیان  
می‌شود، همان روزی که خداوند منان با یک دنیا لطف و محبت بنده مؤمن و با  
تقوای خود را مخاطب قرار داده و خواهند فرمود:

﴿ يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي  
عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّاتِي ﴾<sup>۳</sup>

«ای نفس قدسی مطمئن و دل آرام به یاد خدا! امروز به حضور پروردگارت

۱ - سورة بقره (۲) آیه ۳۳.

۲ - همان، آیه ۳۴.

۳ - سورة فجر (۸۹) آیه ۲۷ - ۳۰.

باز آی که تو خوشنود (به نعمت‌های ابدی او) و او راضی از تو است، باز آی و در صف بندگان خاص من در آی و در بهشت من داخل شو.»

به راستی خوشا به حال آنان که با فرمانبرداری از خالق یکتا، سبب خشنودی آفریدگار گشته و به هدف عالی که همان رستگاری است دست می‌یابند، مگر نه این که ما از خدائیم و بازگشت ما به سوی خداست، خدایی که برای بشر ذلت و پستی را نمی‌خواهد و انسان را مخاطب قرار داده و می‌فرماید:

﴿إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ مَسْحَرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾<sup>۱</sup>

«در حقیقت، پروردگار شما آن خدایی است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید؛ سپس به خلقت عرش پرداخت و روز را به شب پوشاند که شتابان آن را می‌طلبد، و (نیز) خورشید و ماه و ستارگان را (پدید آورد) که به فرمان او رام شده‌اند، ای بندگان آگاه باشید که مُلک آفرینش از آن اوست؛ که منزّه و فرخنده خدایی است پروردگار جهانیان.»

﴿الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَّكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾<sup>۲</sup>

«همان (خدایی) که زمین را برای شما فرشی (گسترده) و آسمان را بنایی (افراشته) قرارداد و از آسمان آبی فرود آورد و بدان از میوه‌ها رزقی برای شما خارج کرد؛ پس برای خدا همتیانی قرار ندهید، درحالی که خود می‌دانید.»

﴿هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهَا فِي ظُلُمَاتِ اللَّيْلِ وَالْبَحْرِ قَدْ فَضَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ﴾<sup>۳</sup>

«اوست کسی که ستارگان را برای شما قرار داده تا به وسیله آن‌ها در

۱ - سورة اعراف (۷) آیه ۵۴.

۲ - سورة بقره (۲) آیه ۲۲.

۳ - سورة انعام (۶) آیه ۹۷.

تاریکی های خشکی و دریا راه یابید، به یقین ما دلایل (خود) را برای گروهی که می دانند به روشنی بیان کرده ایم.»

﴿أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا وَجَعَلَ الشَّمْسَ سِرَاجًا﴾<sup>۱</sup>

«آیا ندیدید که خداوند چگونه هفت آسمان را به طبقاتی (محکم) خلق کرد و در آن آسمان ها، ماه شب را فروغی تابان و خورشید روز را چراغی فروزان ساخت.»

در مورد خلقت انسان نیز در قرآن می خوانیم:

﴿الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ﴾<sup>۲</sup>

«اوست دانای نهان و آشکار، که شکوهمند مهربان است، همان کسی که هر چیزی را نیکو آفریده و آفرینش انسان را از گِل آغاز کرد؛ سپس (تداوم) نسل او را از چکیده آبی پست مقرر فرمود، آنگاه او را درست اندام کرد و از روح (قدسی) خویش در او دمید و برای شما گوش و دیدگان و دل ها قرار داد؛ چه اندک سپاس می گزارید.»

در همین رابطه خداوند سبحان، بندگان خود را مخاطب قرار داده و این چنین فرمودند:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾<sup>۳</sup>

«ای مردم! ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید، در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شماست و خداوند (بر نیک و بد، ظاهر و باطن خلق) کاملاً آگاه است.»

۱ - سوره نوح (۷۱) آیه ۱۵ - ۱۶.

۲ - سوره سجده (۳۲) آیه ۶ - ۹.

۳ - سوره حجرات (۴۹) آیه ۱۳.

﴿ هَلْ أُنبِئُ عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُن شَيْئاً مَّذْكُوراً إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِن نُّطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَّبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعاً بَصِيراً ﴾<sup>۱</sup>

«آیا بر انسان روزگارانی نگذشت که چیزی نبود و نامی از او نمی بردند؟ ما انسان را از نطفه‌ای آمیخته آفریدیم تا او را بیازمائیم؛ پس او را شنوا و بینا ساختیم.»

﴿ أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِمْ مَّا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَإِنَّ كَثِيراً مِّنَ النَّاسِ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ لَكَافِرُونَ ﴾<sup>۲</sup>

«آیا با خود نمی اندیشند (که) خدا آسمان‌ها و زمین و آنچه را که میان آن دو است، نیافرید مگر به حق و تا وقت معین و بی شک بسیاری از مردم به دیدار پروردگارشان کافرند.»

خداوند نیز در آیه‌ای دیگر می فرماید:

﴿ إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِراً وَإِمَّا كَفُوراً ﴾<sup>۳</sup>

«ما به حقیقت راه را به انسان نمودیم، خواه سپاسگزار باشد (و شکر این نعمت گوید) و خواه ناسپاسی کند (و کفران نعمت نماید).»

باشد به عظمت و قدرت خدای مقتدر پی برده و فرمانبردار او باشیم که سفیران خود را با کتاب‌های آسمانی به مدد مخلوق فرستاد تا آنان را در لحظه لحظه‌های حیات هدایت فرمایند و به سوی نفع و کمال سوق دهند، مخلوقی که به خواست خداوند مختار آفریده شد، همراه با قدرت تشخیص و انتخاب، همچنین او قادر است تا با اختیار هر آنچه را که نظرش است اعلام نماید اگرچه گاهی انسان در این آزادی انتخاب، دچار اشتباه شده و می شود.

به طور مثال: می توان عالم قبل<sup>۴</sup> از این عالم را به عنوان یک گذرگاه مطرح کرد که آدمیان نیز در آنجا به شکل ذراتی دارای شعور، ادراک و فطرتی ملکوتی بودند و در

۱ - سوره انسان (۷۶) آیه ۲ - ۱.

۲ - سوره روم (۳۰) آیه ۸.

۳ - سوره انسان (۷۶) آیه ۳.

۴ - عالم ذر، عالم عهد و میثاق، عالمی که در آن یک مواجهه حضوری بین خداوند سبحان و بندگان خدا صورت گرفت نتیجه این مواجهه، آزمایش آدمیان در انتخاب بود، انتخابی که ادامه راه را به دنبال دارد.



آن مکان طرح سؤال از جانب خدای متعال مطرح شد و انسان خلق شده خداوند، قادر به جوابگویی گشت و در مقام پاسخ به خداوند اعلام موجودیت کرد. در بعضی از تفاسیر در مورد عالم ذر نقل شده است: وقتی خداوند حضرت آدم را آفرید از ذرات گلی که از آدم باقی مانده بود اقرار گرفته شد و یا از ذراتی که در پشت آدم بود اقرار و پیمان گرفته شد.

همچنین مرویست: «وقتی خدای سبحان آدم را خلق کرد پشت او را مسح نمود و نسل او را از پشتش بیرون آورد که به شکل ذرات ریزی بودند و به آنان عقل داد و نمایاند که او پروردگار و آنان بندگانش هستند و آنان نیز اقرار به خدای خدا و گواهی بر بندگی خود نمودند...»<sup>۱</sup>

نقل شده است: «سپس همه این ذرات به صلب آدم (یا به گل آدم) بازگشتند و به همین جهت این عالم را (عالم ذر) و این پیمان را (پیمان الست) می نامند.»<sup>۲</sup> از جمله می خوانیم: ندای جانفزای پروردگار عالمیان را که در عالم ذر (عالم اشباح و اظله)<sup>۳</sup> طی آیه شریفه در سوره اعراف خطاب به همه مخلوقات بلند شد و

۱ - بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۲۱۶.

۲ - تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۶.

۳ - عالم ذر را نیز می توان این گونه تعریف کرد به طور مثال: اتافی را در نظر می گیریم که استوانه ای از نور آفتاب در آن تابیده است معمولاً در آن استوانه ذرات ریزی از گرد و غبار دیده می شود، پس آدمیان به همان اندازه کوچک، ولی دارای شعور و قادر به دیدن، شنیدن همراه با قدرت تشخیص و انتخاب بوده و آنچه در آن زمان رخ داده، به خواست خداوند از یاد بندگان خدا رفته است و اما اثر مثبت و منفی آن تا انتهای حیات در جهان و حیات در عقبی باقی می باشد؛ زیرا وقتی خداوند در مقام سؤال برآمد، بندگان خدا هم در مقام جواب همان گونه گفتند که در دوران حیات خویش عمل می کنند، در واقع افراد در عالم ذر خود را معرفی کرده و گفته اند: چه راهی را طی خواهند کرد و اصولاً انتخاب اولیه در عالم ذر انجام شد و بندگان خدا همانی را برگزیدند که میل ایشان بوده است و عده ای هم به عهد بسته شده وفا نکردند، بطور مثال: از افرادی می توان یاد کرد که در عالم ذر، مسئولیت یک فرد موحد را پذیرفته ولی در عالم هستی همچون کفار عمل کرده و می کنند.

در همین رابطه در قرآن می خوانیم: «کسانی که عهد خدا را پس از محکم بستن، می شکنند و رشته ای که آنان را امر به پیوند آن کرده می گسلند و در زمین و میان اهل آن فساد می کنند آنان به حقیقت زیان کاران عالمند.» (سوره بقره آیه ۲۷)

اصولاً افرادی که در دنیای فانی دچار زیان و خسران می شوند، گاهی در مقام بی گناه بودن می گویند: «خدا را از این مثل چه مقصود است؟ گمراه می کند به آن مثل بسیاری را و هدایت می کند بسیاری را.» (سوره بقره آیه ۲۶) خداوند در جواب آنان که عهد بسته و وفای به عهد نکردند، این گونه می فرماید: «(خداوند) گمراه نمی کند به آن مگر فاسقان را.» (سوره بقره، آیه ۲۷)

فرمود: به خاطر آور ﴿وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِن بَنِي آدَمَ مِن ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ...﴾<sup>۱</sup> «هنگامی که خدای تو از پشت فرزندان آدم ذریه آنان را برگرفت و آنان را بر خود گواه ساخت...» و فرمود: ﴿أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ﴾

«آیا من خدای شما نیستم که شما را خلق کرده‌ام؟»

جميع مخلوقات متفق الكلمه در جواب عرض کردند:

﴿قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا﴾

«بله! تو خدای مایی و ما به خدایی تو گواهی می‌دهیم.»

پس زمانی که بنی آدم اقرار به یکتایی خداوند کردند، از آنان برای حج بیت الله الحرام پیمان گرفته شد، خداوند صفحه‌ی نازکی لطیف‌تر از آب آفرید و به قلم فرمان داد؛ وفاداری خلقم را به خانه‌ام بنویس، قلم هم وفاداری بنی آدم را در آن صفحه نوشت، سپس به حجر گفته شد:

«دهانت را باز کن آنگاه آن صفحه را در دهانش فرو کرد و به حجر فرمود: این عهد و پیمان بندگانم را نگهدار و به وفاداری آنان گواهی ده و حجر نیز به اطاعت امر حق تعالی سر تعظیم فرود آورد...»<sup>۲</sup>

بار دیگر صدای خالق هستی بلند شد:

﴿أَلَيْسَ مُحَمَّدٌ نَّبِيُّكُمْ؟﴾<sup>۳</sup>

«آیا محمد پیامبر شما نیست؟»

بعضی در پاسخ اقرار کردند که او پیامبر است و بعضی از مردم سکوت نموده و هیچ جواب ندادند.

خداوند در مرتبه سوم فرمودند:

﴿أَلَيْسَ عَلِيٌّ بِأَمِيرِكُمْ؟﴾<sup>۴</sup>

«آیا علی امیر شما نیست؟»

بسیاری از آنان که اقرار به توحید و نبوت کرده بودند، ساکت شده و جواب

۱ - سورة اعراف (۷) آیه ۱۷۲.

۲ - بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۲۲۷.

۳ - جامع النورین، ص ۳.

۴ - همان.

ندادند و آن عده که اعتراف کردند علی امیرالمؤمنین است و اولاد او حجت‌های خدایند، حق تعالی از پیامبران و امت‌های ایشان، از همه نوشته گرفت.

چنان‌که در سوره شریفه احزاب می‌خوانیم:

﴿وَ إِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَ مِنْكَ وَ مِنْ نُوحٍ وَ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى وَ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَ أَخَذْنَا مِنْهُم مِيثَاقًا غَلِيظًا﴾<sup>۱</sup>

«یاد آر آنگاه که ما از پیامبران پیمان گرفتیم، هم از تو، هم پیش از تو، از نوح، ابراهیم، موسی و عیسی بن مریم پیمانی سخت که باید با هر زحمت و مشقت است تبلیغ رسالت کنند».

نقل شده است: خداوند متعال در عالم ذر بر یگانگی خود، نبوت حضرت محمد، ولایت حضرت علی و یازده فرزند ایشان اقرار گرفته و به آنانی که به نبوت و ولایت اعتراف داشته تأکید فرمودند: که بر محبت و اطاعت این دودمان پاک استوار مانده و آنان را اولی به نفس خویش بدانند.

در همین رابطه امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرماید:

«كَانَ الْمِيثَاقُ مَا أَخُوذًا عَلَيْهِمْ لِلَّهِ بِالرُّبُوبِيَّةِ وَ لِرَسُولِهِ بِالنُّبُوَّةِ وَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأَئِمَّةِ بِالْإِمَامَةِ، فَقَالَ: أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ وَ مُحَمَّدٌ نَبِيُّكُمْ وَ عَلِيُّ إِمَامَكُمْ وَ أئِمَّةُ الْهَادِينَ أَيْمَتَكُمْ؟ قَالُوا: بَلَى.»<sup>۲</sup>

«از آنان برای ربوبیت خداوند متعال میثاق و پیمان گرفته شد و همچنین برای رسول خدا به نبوت و برای امیرمؤمنان و امامان معصوم به امامت، آنگاه خداوند تبارک و تعالی فرمود: آیا من پروردگار شما نیستم؟

آیا محمد پیامبرتان و علی امامتان و ائمه هدایتگر پیشوایانتان نمی‌باشند؟  
(همه) گفتند: آری.»

در همین رابطه از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام نقل شده است:

«وَلَايَةُ عَلِيٍّ مَكْتُوبَةٌ فِي جَمِيعِ صُحُفِ الْأَنْبِيَاءِ، وَلَنْ يَبْعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا بِنُبُوَّةِ مُحَمَّدٍ وَ وَلَايَةِ وَصِيِّهِ عَلِيٍّ.»<sup>۳</sup>

۱ - سوره احزاب (۳۳)، آیه ۷.

۲ - تفسیر برهان، ج ۳، ص ۲۹۴

۳ - بصائر الدرجات، ص ۷۲، ح ۱.

«ولایت و سرپرستی امیرمؤمنان در تمام کتاب‌های انبیا نوشته شده است و خداوند هرگز پیامبری را به رسالت مبعوث نساخته مگر با اقرار به نبوت و پیامبری حضرت محمد و ولایت و سرپرستی وصی او حضرت علی.»

همچنین روایت شده از حضرت موسی بن جعفر و از جدش امام محمد باقر علیه السلام در تفسیر و بیان معنی و قول خداوند متعال که انسان ذاتاً: ﴿فَطَرَتِ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا﴾<sup>۱</sup> اخلق شده، در واقع «با همان فطرتی که خداوند مردم را بر آن آفریده است.»

یعنی: «خداوند متعال همه مردم را بر آن فطرتی خلق نموده که خود نیز بر همان فطرت است، پس فطرت خدا عبارت از «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ! مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ! عَلِيُّ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَلِيُّ اللَّهِ!» است سپس حضرت فرمودند: توحید تا همین جااست؛ زیرا ولایت رکن توحید است.»

جابر انصاری همی گوید، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «شبی که مرا به آسمان بردند امر شد که بهشت و دوزخ را بر من عرضه نمایند، پس تمام آنها را دیدم؛ بهشت و انواع نعمت‌های آن، آتش و اقسام عذابش را و برهشت در بهشت نوشته شده بود: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ! مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ! عَلِيُّ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَلِيُّ اللَّهِ»<sup>۲</sup>

به راستی خوشا به حال آن بندگان خوب خدا که پس از اقرار به وحدانیت خداوند، نبوت رسول اکرم، ولایت وصی او علی بن ابی طالب را باور داشته و تأیید کرده‌اند. امام محمد باقر علیه السلام نیز در این باره می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى حَيْثُ خَلَقَ الْخَلْقَ خَلَقَ مَاءَ عَذْبًا وَمَاءَ مَالِحًا أُجَاجًا، فَأَمْرَجَ الْمَاءَ أَنْ يَأْخُذَ طِينًا مِنْ أَدِيمِ الْأَرْضِ فَعَرَكَهُ عَرَكًا شَدِيدًا. فَقَالَ لِأَصْحَابِ الْيَمِينِ وَهُمْ كَالذَّرِّ يَدْبُونَ إِلَى الْجَنَّةِ بِسَلَامٍ، وَقَالَ لِأَصْحَابِ الشَّمَالِ إِلَى النَّارِ وَلَا أُبَالِي. ثُمَّ قَالَ ﴿أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى، شَهِدْنَا، أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ﴾ قَالَ: ثُمَّ أَخَذَ الْمِيثَاقَ عَلَى النَّبِيِّينَ فَقَالَ: أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ وَأَنَّ هَذَا مُحَمَّدٌ رَسُولِي وَأَنَّ هَذَا امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ؟ قَالُوا: بَلَى، فَثَبَّتَ لَهُمُ النَّبُوَّةَ، وَأَخَذَ الْمِيثَاقَ عَلَى أَوْلِي الْعِزْمِ أَنِّي رُبُّكُمْ وَمُحَمَّدٌ رَسُولِي وَعَلِيٌّ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَأَوْصِيَاؤُهُ مِنْ بَعْدِهِ وَوَلَاةُ

۱ - سورة روم (۳۰) آية ۳۰.

۲ - بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۱۱.

أَمْرِي وَخُزَّانُ عِلْمِي، وَ أَنَّ الْمَهْدِيَّ أَنْتَصِرُ بِهِ لِدِينِي وَأُظْهِرُ بِهِ دَوْلَتِي وَ أَنْتَقِمُ بِهِ مِنْ أَعْدَائِي وَ أُعْبَدُ بِهِ طَوْعاً وَ كَرْهاً. قَالُوا. أَقْرَبْنَا يَا رَبَّ وَ شَهِدْنَا.<sup>۱</sup>

«خدای یگانه چون آفرینش را آغاز کرد، آبی گوارا و آبی شور و تلخ آفرید، سپس دو آب را با یکدیگر آمیخت و خاکی از سطح زمین برگرفت و آن را سخت درهم فشرد، پس اصحاب یمین را که بسان ذره در جنبش بودند، (خطاب به آنان) فرمود: با سلامت به سوی بهشت روان شوید و اصحاب شمال را فرمان داد به سوی دوزخ حرکت کنید<sup>۲</sup> و از این امر باک ننمود، آنگاه فرمود: آیا من پروردگار شما نیستم؟ همه عرض کردند: بلی! ما بر این حقیقت گواهی می دهیم؛ آگاه باشید (این پاسخ و پرسش از آن روانجام گرفت که شما آدمیان) در روز باز پسین نگوئید که ما از ربوبیت خدا غافل بودیم.

سپس از پیامبران چنین پیمان گرفت که: آیا من پروردگار شما نیستم؟ این محمد فرستاده من نیست؟ این علی پیشوای مؤمنان نیست؟

پاسخ همه مثبت بود و بدین گونه نبوت ایشان تحقق پذیرفت.

پروردگار بار دیگر از پیامبران اولی العزم پیمان گرفت که: من خدای شمایم، محمد فرستاده من و علی سرور مؤمنان است و جانشینان بعد از او فرمانروایان و جایگاه های دانش من هستند و مهدی کسی است که به سبب او دین خود را یاری می کنم، دولت خود را به دست او آشکار می سازم، به وسیله او از دشمنانم انتقام می جویم و در سراسر زمین مورد پرستش قرار می گیرم، چه آفریدگان بخواهند و چه کراهت ورزند، پس همه مخاطبین اقرار کرده و گواهی دادند.»

۱ - بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۲۷۹، ح ۱۲۲؛ اصول کافی، کتاب الایمان و الکفر، باب ۳، ج ۲، ص ۶.

۲ - بدون شک خداوند سبحان به احوالات اصحاب یمین و اصحاب شمال واقف بوده و قبل از طرح سؤال و اخذ عهد و پیمان، آنان را به جایگاه خود سوق داده اند، در واقع این سؤال و جواب برای خود آدمیان بوده است نه برای خداوند؛ زیرا خداوند به همه نظام آفرینش آگاه است و آفرینش در مسیر اصلی و مستقیم به کمال دست می یابد و در مسیر انحراف به ضلالت می رسد و خداوند برای این که، انسان به خطا نرفته و مسیر فلاح و رستگاری را طی کند حضرات انبیاء علیهم السلام را به عنوان مذکر و معلمانی دلسوز قرار داده است تا بندگان خدا پیام پروردگار را از ایشان بشنوند و هیچ بهانه ای برای اهل کره زمین وجود نداشته باشد، به تحقیق هر کس در گرو عمل خویش به جایگاهی که در شأن اوست سوق داده خواهد شد.

در همین رابطه حق تعالی فرمودند:

آنانی که (محمد و علی) را پذیرفتند نامشان را بنویسید و به «حجر» بسپارید که او ملکی از ملائک است<sup>۱</sup>، مرویست: حجر ابتدا ملکی بود که به آنچه خداوند در مورد آن پیمان گرفت، اقرار کرد و محبت او نسبت به حضرت محمد و آل او از همه بیشتر بود، پس خداوند او را جوهری کرد و به سوی حضرت آدم علیه السلام فرستاد و او نیز مونس آدم بود تا این که آدم راهی مکه شد درحالی که آن جوهر را برگردن خود گرفته بود، گویند: حجر یا قوتی از شیر سفیدتر بود که از بهشت نزول کرد و بر اثر مَسْ کُفار و فُساق سیاه شد و در عصر پیامبری حضرت ابراهیم علیه السلام به شکل سنگی سیاه به دیوار کعبه نصب گردید تا علامت مبدأ طواف برگرد کعبه باشد و این سنگ از طرف مسلمین، نصاری و یهود مورد احترام می باشد و زائر خانه خدا با دست زدن به آن سنگ مقدس با خدا تجدید عهد و پیمان می کند چنان که در حدیث فوق می خوانیم:

«الْحَجَرُ الْأَسْوَدُ يَمِينُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ.»

«حجر الاسود دست راست خدا در زمین اوست.»

«پس زائرین با دست راست آن را مس کرده و تجدید پیمان می کنند<sup>۲</sup> و می گویند: ای ملک شاهد باش ما از محبان و دوستان علی و اولادش هستیم و نقض عهد و میثاق نکرده ایم.»<sup>۳</sup>

ابن سنان از حضرت امام رضا علیه السلام پرسید: علت لمس کردن حجرالاسود چیست؟ آن حضرت در جواب فرمودند:

«عَلَّةُ إِسْتِلَامِ الْحَجَرِ، أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمَّا أَخَذَ مَوَائِقَ بَنِي آدَمَ الْقَمَّةَ الْحَجَرَ، فَمِنْ ثَمَّ كَلَّفَ النَّاسَ بِمُعَاهَدَةِ ذَلِكَ الْمِيثَاقِ وَ مِنْ ثَمَّ يُقَالُ عِنْدَ الْحَجَرِ: (أَمَانَتِي أَدِّيْتُهَا وَمِيثَاقِي تَعَاهَدْتُهُ لِتَشْهَدَ لِي بِالْمُؤَافَاةِ).»<sup>۴</sup>

«علت لمس کردن حجرالاسود این است که خداوند تبارک و تعالی عهد و میثاقی را که از بنی آدم گرفت در وجود حجرالاسود قرار داد، از این روست که

۱ - امروز حجر به صورت سنگی سیاه به نام حجرالاسود در کعبه معظمه می باشد.

۲ - قصص قرآن، ص ۳۵۰؛ الخصائص الحسنية، ص ۳۸۱ - ۳۸۰.

۳ - بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۲۲۴؛ علل الشرايع، ص ۲۲۹.

۴ - همان، ص ۲۲۰؛ همان، ص ۲۲۴.

خداوند مردم را مکلف کرد تا به عهد خود عمل نمایند، پس هنگامی که مردم حجرالاسود را زیارت می‌کنند، هر یک از آنان خطاب به آن سنگ متبرک می‌گویند: امانتم را ادا کردم و به عهد خود وفا نمودم؛ ای حجر بر زیارت و عهد من گواه باش. در واقع انسان این عهد را در فطرت و ذات خویش درک کرده و همراه با عقل و تصمیم شخصی به عرضه آن پرداخته است و باید گفت: با درک و شناخت اولیه است که بنده خدا به سوی خالق جذب می‌شود، پس اگر انسان خودش را بشناسد به شناخت خالق خویش موفق می‌شود و به اوج همه معارف و دانش‌ها می‌رسد. در همین رابطه از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله سؤال کردند:

«كَيْفَ الطَّرِيقُ إِلَى مَعْرِفَةِ الْحَقِّ»<sup>۱</sup>

«راه رسیدن به شناخت پروردگار چگونه است.»

حضرت فرمودند: «مَعْرِفَةُ النَّفْسِ»؛ «خودشناسی.»

بدون تردید کسی که خود را شناخت پروردگارش را شناخته است.

مولی الموحدين حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

«أَفْضَلُ الْمَعْرِفَةِ مَعْرِفَةُ الْإِنْسَانِ نَفْسَهُ»<sup>۲</sup>

«بهترین راه شناخت، شناخت انسان نسبت به خودش است.»

شناخت با همان فطرتی که خداوند مردم را بر آن سرشته است.

همچنین آن حضرت در احادیث دیگر می‌فرماید:

«أَصْلُ الْإِنْسَانِ لُبُّهُ وَعَقْلُهُ دِينُهُ وَمَرْوَتُهُ حَيْثُ يَجْعَلُ لِنَفْسِهِ»<sup>۳</sup>

«جوهر انسان خود اوست و خود او دین و مروّت اوست.»

«قِيَمَةُ كُلِّ أَمْرٍ مَا يُخْسِنُهُ»<sup>۴</sup>

«قیمت و ارزش هرکس به اندازه کاری است که به خوبی انجام دهد.»

در واقع انسان در روز ازل پس از شناخت خویش و یک مواجهه حضوری با

۱ - بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۷۲، ح ۲۳.

۲ - این حدیث در بحارالانوار چنین است: «... وأفضل العقل معرفة الانسان نفسه...» بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۳۵۲ و ۳۵۵، ح ۹.

۳ - همان، ج ۱، ص ۸۲، ح ۲.

۴ - نهج البلاغه، حکمت ۸۱.

خالق یکتا توانست به موجود بودن خود پی ببرد و به قدرت تصمیم خود واقف باشد، در این میان عده‌ای لبیک گوی ندایی شدند که در مقام سؤال برآمده بود و عده‌ای هم بلی گفتند، البته تنها با زبان نه از روی حقیقت، غافل از این‌که هدف خداوند از گرفتن این عهد و پیمان برای آن بود که خلایق آگاه شده و روز قیامت نگویند ما ناآگاه بودیم و خبر نداشتیم و یا این و آن ما را به غیر تو دعوت کرده‌اند. چنان‌که در سوره شریفه اعراف می‌خوانیم:

﴿أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ﴾<sup>۱</sup>

«تا مبادا روز قیامت بگوئید ما از این (امر) غافل بودیم.»

پس اگر این اقرار و گواهی بندگان خدا بر یکتایی خالق و روز قیامت نبود، آنان می‌توانستند مشرک بودن خود را حق و استحقاق عذاب آتش را از خود دفع کنند ولی همین پیمان، خود گواهی است بر آن‌که هیچ کس قادر به این ترفند نبوده و راه بر همه بسته است مگر این‌که تسلیم امر خدا باشند و بندگی به معنای واقعی اجرا شود که در نهایت رستگاری و سعادت ابدی از آن بندگان مؤمن خدا خواهد بود. نعیم صحاف می‌گوید از امام جعفر صادق علیه السلام درباره فرمایش خداوند که فرموده‌اند: ﴿فَمِنْكُمْ كَافِرٌ وَمِنْكُمْ مُؤْمِنٌ﴾<sup>۲</sup>؛ «برخی از شما کافرند و برخی مؤمن» سؤال کردم.

حضرت فرمودند:

«خدای تعالی معیار ایمان آنان را ولایت ما و معیار کفر آنان را انکار ولایت ما قرار داد و آن‌روز که مردم به صورت ذراتی در پشت حضرت آدم علیه السلام بودند، خداوند از آنان پیمان گرفت.»<sup>۳</sup>

ابن مسکان نیز از امام صادق علیه السلام درباره قول خداوند: ﴿وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ أَصْحَابَ الْآدَمِ...﴾ سؤال کرد که آیا این مطلب به صورت بصری و قابل دید بوده است؟ حضرت فرمود: «آری، شناخت در قلب آنان تثبیت شد ولی آنان، آن موقعیت را

۱ - سوره اعراف (۷) آیه ۱۷۲.

۲ - سوره تغابن (۶۴) آیه ۲.

۳ - بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۲۳۴.



فراموش کردند و بعد یادشان خواهد آمد و اگر چنین نبود، هیچ کس آفریدگار و روزی دهنده خود را نمی‌شناخت و بعضی در عالم ذر به زبان اقرار نمودند ولی در دل ایمان نداشتند.<sup>۱</sup>

خداوند در مورد منکران این چنین فرموده‌اند:

﴿فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ﴾<sup>۲</sup>

«ایمان نمی‌آورند به آنچه قبلاً تکذیب کرده‌اند.»

اصولاً کمال و ارزش واقعی هر انسان به میزان معرفت و عرفان او نسبت به پروردگار متعال بستگی دارد و همین معرفت و شناخت اوست که به انسان ارزش می‌بخشد، در واقع شناخت انسان هر چقدر باشد کمالش نیز به همان اندازه است و انسان در این حرکت مقدس به سر منزل مقصود نمی‌رسد مگر این‌که همان طریقی را طی کند که مؤمنان در گذشته دنبال کردند، همان مؤمنانی که پیام پیامبران عصر خود را با گوش جان شنیدند و با ندای دل پاسخ گفتند و صداقت کلامشان را در باور خود گنجاندند و به سبب همین باورها بود که نام مؤمن بر آنان اطلاق شد و همان بس که مؤمنان مصداق این آیه شریفه باشند که خطاب به همه آن بندگان صالح خدا گفته شده است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ﴾<sup>۳</sup>

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر خدا را یاری کنید یاریتان می‌کند و

گام‌هایتان را استوار می‌دارد.»

همه می‌دانیم که خداوند به یاری بشر نیاز ندارد بلکه این یاری و مساعدت نسبت به دین و آئین و حاملان آن می‌باشد، همانان که از جانب خداوند برگزیده شده و برای هدایت بشر به سوی بندگان خدا فرستاده شده‌اند، از جمله رسول اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی از معراج می‌فرمایند:

﴿إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَوْحَى إِلَيَّ لَيْلَةَ أُسْرَى بِي: يَا مُحَمَّدُ، مَنْ خَلَقْتَ فِي الْأَرْضِ؟ وَهُوَ أَعْلَمُ

۱ - بحار الانوار، ج ۵، ص ۲۳۷، ح ۱۴.

۲ - سورة يونس (۱۰) آية ۷۴.

۳ - سورة محمد (۴۷) آية ۷.

بِذَلِكَ قُلْتُ: يَا رَبِّ أَخِي. قَالَ: يَا مُحَمَّدُ، عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ؟ قُلْتُ: نَعَمْ، يَا رَبِّ. قَالَ: يَا مُحَمَّدُ، إِنِّي أَطَلَعْتُ إِلَى الْأَرْضِ إِطْلَاعَةً فَاخْتَرْتُكَ مِنْهَا فَلَا أُذَكِّرُ حَتَّى تُذَكَّرَ مَعِيَ، أَنَا الْمَحْمُودُ وَ أَنْتَ مُحَمَّدٌ. ثُمَّ إِنِّي أَطَلَعْتُ إِلَى الْأَرْضِ إِطْلَاعَةً أُخْرَى فَاخْتَرْتُ مِنْهَا عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ فَجَعَلْتُهُ وَصِيَّكَ، فَأَنْتَ سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ وَعَلِيُّ سَيِّدُ الْأَوْصِيَاءِ. ثُمَّ اسْتَقْتْتُ لَهٗ أَسْمَاءَ مِنْ أَسْمَائِي، فَأَنَا الْأَعْلَى وَ هُوَ عَلِيُّ. يَا مُحَمَّدُ، إِنِّي خَلَقْتُ عَلِيًّا وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ الْأَيْمَةَ مِنْ نُورٍ وَاحِدٍ. ثُمَّ عَرَضْتُ لِوَالِيَّتِهِمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ، فَمَنْ قَبِلَهَا كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ، وَ مَنْ جَحَدَهَا كَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ. يَا مُحَمَّدُ، لَوْ أَنَّ عَبْدًا مِنْ عِبَادِي عَبْدَنِي حَتَّى يَنْقَطِعَ النَّفْسُ، ثُمَّ لَقِيَنِي بِجَاهِدٍ لِيُؤَلِّيَتِهِمْ أَدْخَلْتُهُ نَارِي. ثُمَّ قَالَ: يَا مُحَمَّدُ، أَتُحِبُّ أَنْ تَرَاهُمْ؟ قُلْتُ: نَعَمْ. قَالَ: تَقَدَّمْ أَمَامَكَ. فَتَقَدَّمْتُ أَمَامِي فَإِذَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، وَ الْحَسَنُ، وَ الْحُسَيْنُ، وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ، وَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ، وَ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ، وَ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى، وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ، وَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ، وَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ، وَ الْحُجَّةُ الْقَائِمُ كَأَنَّهُ كَوْكَبٌ دُرِّي فِي وَسْطِهِمْ، فَقُلْتُ: يَا رَبِّ مَنْ هَؤُلَاءِ؟ فَقَالَ: هَؤُلَاءِ الْأَيْمَةُ وَ هَذَا الْقَائِمُ يُجِلُّ خَلَالِي وَ يَحْرُمُ حَرَامِي وَ يَنْتَقِمُ يَا مُحَمَّدُ مِنْ أَعْدَائِي. يَا مُحَمَّدُ، أَخِيَّةٌ وَ أَحِبُّ مَنْ يُحِبُّهُ.»<sup>۱</sup>

«به درستی که خدای تعالی در شب معراج به من وحی فرستاد: یا محمد! چه کسی را جانشین خود قرار دادی؟ خدای تعالی، داناتر به این قضیه بود.

عرض کردم: ای پروردگار، برادرم را.

(خداوند) فرمود: یا محمد! علی بن ابی طالب را؟

عرض کردم: بلی ای پروردگار.

خداوند فرمود: ای محمد! من به زمین نظر کردم، پس تو را از آن برگزیدم و من یاد نمی شوم مگر این که تو هم با من یاد شوی، من (محمود) هستم و تو (محمد) سپس من به زمین اطلاع دیگری یافتم، پس علی بن ابی طالب را از آن برگزیدم، او را وصی تو گردانیدم، تو سرور پیامبرانی و علی سرور جانشینان پیامبران است، آنگاه برای او اسمی از اسم هایم را جدا کردم، پس من اعلی هستم و او علی است.

یا محمد! من، علی و فاطمه و حسن و حسین و ائمه را از یک نور واحد آفریدم، سپس ولایت ایشان را بر ملائکه عرضه داشتم، پس هر کدام از ملائکه آن را قبول نمود، از مقربین شد و هر که انکارش کرد از کافران گشت.

ای محمد! اگر بنده‌ای از بندگانم، آن قدر مرا عبادت کند تا نفسش قطع شود، سپس مرا ملاقات کند درحالی که منکر ولایت ایشان است، او را در آتشم داخل می‌کنم.

آنگاه خدای تعالی فرمود: یا محمد! آیا دوست داری ایشان را ببینی؟

عرضه داشتم: بلی. (خداوند) فرمود: پیش برو، من پیش رفتم، در آن هنگام علی بن ابی طالب، حسن، حسین، علی بن الحسین، محمد بن علی، جعفر بن محمد، موسی بن جعفر، علی بن موسی، محمد بن علی، علی بن محمد، حسن بن علی و حجة القائم را دیدم که مانند ستاره درخشان در میان ایشان بود.

عرض کردم: پروردگارا! اینان کیانند؟

خداوند فرمود: اینان ائمه هستند و این قائم است که حلال مرا حلال و حرام مرا حرام می‌دارد، ای محمد! از دشمنانم انتقام می‌گیرد.

ای محمد! او را دوست دارم و دوست دارم هر کس که او را دوستش می‌دارد. آری، آنان هادیان و شافعان بشر هستند که یکی پس از دیگری رسالت خویش را با مشقتی طاقت فرسا به پایان رساندند، به امید آن که بشر متمرّد از روز ازل را از تاریکی و جهل نجات داده و آنان را در سایه ایمان و عمل صالح به سوی بهشت روانه کنند و حال از میان صدویست و چهار هزار پیامبر و دوازده امام و پیشوایی که همگی از جانب خداوند و مبدأ هستی انتخاب شده‌اند یک بزرگوار بیشتر برای انجام این رسالت خطیر باقی نمانده و دنیا در حال حاضر به یمن وجود شریف ایشان برقرار است اگرچه بندگان خدا نسبت به یگانه سرمایه هستی که تنها حجت جهان می‌باشد بیگانه هستند و او را نمی‌شناسند و همین عدم شناخت باعث شده تا فاصله‌ای طولانی از گذشته‌های دور تا به حال بین آن وجود شریف و بندگان خدا به وجود آید و گویا در عصر حاضر اهل عالم متوجه تحول دگرگون کننده‌ای شده‌اند که در کل جهان حاکم است از جمله: حوادثی مانند جنگ، قحطی، آتشفشان، سیل، زلزله، طوفان، مرگ و بیماری، قتل و غارت و دیگر گرفتاری‌ها که هر یک حساس بودن زمان را گوشزد می‌کند، تا آنجا که انسان عصر تمدن و شگفتی‌ها به خود آمده که شاید امروز همان روزی نباشد که خداوند زمین را پس از مرگش زندگی می‌بخشد، همان طور که در سوره حدید می‌خوانیم:

﴿اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا﴾<sup>۱</sup>

«بدانید که خداوند زمین را پس از مرگش زنده می‌کند.»

سلام بن مستنیر از امام محمد باقر علیه السلام در مورد تفسیر این آیه سؤال کرد و حضرت فرمودند:

«يَعْنِي بِمَوْتِهَا كُفْرَ أَهْلِهَا؛ وَالْكَافِرُ مَيِّتٌ يُحْيِيهَا اللَّهُ بِالْقَائِمِ عليه السلام فَيُعْدِلُ فِيهَا فَتُحْيِي الْأَرْضَ وَيُحْيِي أَهْلَهَا بَعْدَ مَوْتِهِمْ»<sup>۲</sup>

«مرگ در این آیه به معنی کفر است و کافر هم در واقع مرده است؛ خداوند زمین را به واسطه قائم علیه السلام زنده می‌کند و عدل را در سرتاسر آن جریان می‌دهد، پس زمین و اهل آن زنده می‌شوند.»

شیخ صدوق در کتاب خود (کمال الدین) از حضرت امام محمد باقر درباره آیه شریفه ﴿اعلموا أن الله يحيي الأرض بعد موتها﴾<sup>۳</sup> فرمود:

«خداوند زمین را به قائم آل محمد عليه السلام اصلاح فرماید، یعنی پس از جور و ستم اهل زمین.»

حافظ قندوزی حنفی گوید: از سلام بن مستنیر، از امام محمد باقر درباره قول خداوند متعال: ﴿اعلموا أن الله يحيي الأرض بعد موتها﴾ روایت شده است که فرمود: «خداوند آن را توسط (قائم) زنده می‌سازد، پس در آن عدالت برقرار می‌کند و زمین را توسط عدل، پس از مردنش به واسطه ظلم، زنده می‌سازد.»<sup>۴</sup>

حضرت موسی بن جعفر علیه السلام درباره آیه ﴿يحيي الأرض بعد موتها﴾ فرمود:

«البتة نه به وسیله باران بلکه خداوند عزوجل مردانی بر می‌انگیزد پس زمین زنده می‌شود به سبب برپایی و زنده شدن عدالت و اقامه حد در آن که از چهل روز باران سودمندتر است.»<sup>۵</sup>

۱ - سورة حدید (۵۷) آیه ۱۷.

۲ - تفسیر برهان، ج ۴، ص ۲۹۱؛ بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۳۲۵، ح ۳۹.

۳ - مکیال المکارم، ج ۱، ص ۱۰۹.

۴ - ینابیع الموده، ص ۵۱۴.

۵ - المحجة البيضاء، ص ۷۵۲.

سدیر روایت می‌کند که امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

«یک حد در زمین بر پا می‌شود که پاکیزه‌تر از چهل شب و روز باران است.»<sup>۱</sup>  
 خداوند در همین رابطه به انبیا دستور داده است تا مؤمنان را بر اساس ایمان و داشتن عمل صالح تربیت کنند، مؤمنی که در دل جامعه خدمتگزار باشد و از درد و غم دیگران آگاه و برای برطرف کردن مشکلات و حوایج بندگان خدا قدم خیر بردارد، مؤمنی که برای پیشبرد اهداف مقدس و آئین محمدی اهتمام ورزد که این‌ها همگی خشنودی خدای بزرگ و رضایت انبیا و اولیاء علیهم السلام را به همراه دارد، چنان‌که در قرآن کریم می‌خوانیم:

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ ﴾<sup>۲</sup>

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید خدا و رسول را اطاعت کنید، هر گاه شما را فرا خوانند بدانچه شما را زنده می‌کند.»

﴿ وَ لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ ﴾<sup>۳</sup>

«و به درستی که خداوند یاری می‌کند هر کسی که او را یاری کند، همانا خداوند در منتهای قدرت و توانایی است.»

بی‌تردید خداوند تبارک و تعالی، یاری می‌دهد کسانی را که اولیا و نگهبانان دین را یاری دهند، پس مراد به یاری و نصرتی که امر فرموده آن است که اولیای او را یاری کنند و امروز بهترین روز از روزگاران است که هر مؤمن خداجویی لبیک‌گوی آن ندای ملکوتی باشد که بندگان خوب خدا را به سوی خویش فرا می‌خواند، در واقع از دیر زمان آرزوی هر مؤمن و مؤمنه است که اگر می‌بودیم به ندای غریبانه سالار شهیدان حضرت حسین بن علی علیه السلام لبیک می‌گفتیم و چه نیکوست و چه افتخاری بالاتر از آن‌که در این برهه از زمان لبیک‌گوی آن ندای ملکوتی باشیم که ما را با این کلام «هَلْ مِنْ نَاصِرٍ يَنْصُرُونِي»<sup>۴</sup> به سوی خویش دعوت می‌نماید، آن‌هم برای استقرار حکومت الهی که در جهان مورد ظلم و ستم قرار گرفته و در حال حاضر هم

۱ - مکیال المکارم، ج ۱، ص ۱۰۹.

۲ - سورة انفال (۸) آیه ۲۴.

۳ - سورة حج (۲۲) آیه ۴۰.

۴ - «کجاست یاری کننده‌ای که یاریم کند؟»

هجوم جاهلان بی دین را شاهدیم که اصرار دارند تا بر غربت این دین مقدس افزوده شود. در همین رابطه نقل شده است:

«إِنَّ الْإِسْلَامَ بَدَأَ غَرِيبًا، وَسَيَعُودُ غَرِيبًا كَمَا بَدَأَ فَطُوبَى لِلْغُرَبَاءِ»<sup>۱</sup>

«اسلام در آغاز غریب بود و در پایان نیز غریب می شود، خوشا به حال آن غریبان.»  
 آری، خوشا به حال غریبان، غریبانی که در اوج غربت چشم انتظار وصل و پیروزی اند، از یک سو امام و پیشوای مسلمین جهان در انتظار اذن ظهور از جانب خدای لایزال است تا پس از استقرار حق و عدالت، ستمدیدگان عالم را از آن همه غربت، رنج، اندوه و گرفتاری رهایی بخشد و از سوی دیگر بینوایان عالم، منتظران و عاشقان راه آن حضرت نیز برای دیدار سرورشان لحظه شماری می کنند، شاید چنین سؤالی برای عده ای از اقشار جامعه پیش آید که آیا آقا امام زمان، فقط پیشوا و سرور بینوایان و نجات دهنده منتظران و عاشقان است و آیا بقیه افراد نقشی ندارند؟

باید گفت: بسیاری از اقشار جوامع کنونی در جهان به علتی مظلوم واقع شده و در مقام یک بینوا و ضعیف شده مطرح می باشند، مظلومانی که در هر لحظه از عمرشان در انتظار منجی خود به سر می برند به امید آن که «او» بیاید و حق آنان را از ظالمان بستاند و اگر این مردم مورد ستم واقع شده در جای جای جهان می دانستند تنها نجات دهنده بشر درمانده در عصر تاریکی همان یگانه گوهر گیتی، آخرین فرزند خاتم الانبیاء حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله می باشند بدون شک دست به دامان ایشان شده و بارها آن سرور کون و مکان را از خداوند طلب می کردند ولی و الاسف که به آنان آدرس صحیح داده نشده تا آنان به سراغ آن طبیعی بروند که دوی درد همه در نزد ایشان است ولی یک مسلمان معتقد به قرآن و عترت اطمینان دارد نجات دهنده بشر تنها ولی عصر و زمان، حضرت مهدی می باشد و یک مسلمان منتظر در عصر غیبت، خود را بینواترین بینوایان می داند؛ زیرا او در این عصر که دنیا زیر چتر و چکمه ستمکاران عالم قرار گرفته، انتظار دارد ضعف و زبونی او با وجود مقدس آقا امام زمان به پایان رسد و اگر شما برادر و خواهر مسلمان، خود را بینوا می دانید و اگر شما علاقمند به کسی هستید که با آمدنش جهان آشفته ما سامان

گیرد، پس لبیک گوی ندایی باشید که بارها بندگان خدا را به سوی خویش فرا خوانده است همان طور که جد مطهر آن حضرت، سالار شهیدان حضرت حسین بن علی علیه السلام در مسیر مکه به سوی کوفه ندای «هَلْ مِنْ نَاصِرٍ يَنْصُرُونِي» او را هر کس و ناکسی شنید که می فرمود: آیا یاری کننده ای هست که مرا یاری دهد؟ البته این ندا بیشتر جنبه آزمایش داشت تا حُسن ظن و لیاقت افراد شناسایی شود که به راستی چه کسی توفیق و لیاقت دارد تا بنده و برگزیده خدا را یاری رساند و چه کسی لیاقت دارد تا در رکاب بهترین خلق خدا با دشمنان فرومایه مبارزه کند؟

مروست: در میان این عده افراد قلیلی بودند که به ندای مظلومانه آن حضرت لبیک گفتند اگرچه لبیک آنان نیز لبیکی واقعی نبود بلکه آنان تابع نفسشان شده و سرورشان را تنها گذاشتند سروری که برای احقاق حق و احیای دین حرکت آغاز کرده بود.

حال ای ابا عبدالله الحسین و تو ای خونین کفن دشت کربلا ای عزیزی که جاهلان تنهایت گذاشتند و دشمنان تو را در حیطة ستم، مورد آزار و شکنجه قرار دادند و با تو به مکر و حيله پرداختند تا آن که برایت یار و یآوری باقی نگذاشتند ولی تو ای پیشوای دین، دشمنانت را موعظه فرمودی و به طاعت و عبادت پروردگار واداشتی و از جنایت و طغیان نهی فرمودی ولی آنان با تو به جنگ اصرار ورزیدند و تو را همچنان به پیکار مجبور کردند و در نهایت تو را از چهار طرف محاصره کرده و بین تو و خاندانت حایل شدند با آن که خسته و مجروح روی خاک کربلا افتاده بودی باز هم خیل دشمن به سوی تو حمله کرده و طاغیان و یاغیان اطراف تو را گرفتند تو خود در همان حال با خدایت مشغول راز و نیاز بودی که اسب بی صاحب خون آلود با زین و ازگون، مهمه کنان، اشک ریزان به سوی خیامت بازگشته و چون زنان و فرزندان او را دیدند که با موهای ژولیده و یال پر خون برگشته بر سر و صورت خود زدند و گریبانها دریدند و چادر عزا به سر بستند و به صدای بلند «واحسینا» و «وامحمدا» و «واعلیا» گفتند و پابرنه به سوی قتلگاه تو شتافتند و چون به تو رسیدند شمر (لعنة الله علیه) را دیدند که بر سینه تو نشسته و خنجر بر کف گرفته و رگهای گردن تو را می برد. انا لله و انا الیه راجعون.

الهی! سلام ما را بر آن حسین سلحشور برسان که در آخرین نفس که می‌کشید این چنین فرمود: «بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ»  
 آری، سلام بر حسین بنده شایسته خدا و سلام بر او و پدران بزرگوارش که برای دفاع از توحید و حریم مکتب امید بخش اسلام قیام کردند و با دشمنان خدا جهاد نمودند. سلام بر تو ای شهید مظلوم! پدر و مادرم فدای تو باد که عمری به سعادت زندگی کردی و مظلوم کشته شدی و به مقام رفیع شهادت نائل گشتی، خداوند ظالمان در حق شما را از خلق اولین و آخرین لعنت کند و آنان را به قعر دوزخ افکند که این چنین ستم را بر شما خاندان روا داشتند.

پروردگارا! بر محمد و آل محمد درود فرست و از ما امت پریشان بر آن ارواح پاک، بهترین سلام و تحیت را برسان و از آن بزرگواران هم به ما پاسخ سلاممان را بازگردان البته با اذن ظهور فرزند برومند این خاندان شریف که تو خدای مهربان می‌دانی فقط با ظهور آن عزیز است که قلب شریف اهل بیت عصمت و طهارت به شادی و سرور وصل شده و غم و اندوه طولانی آنان به نشاط و خوشحالی مبدل خواهد شد، امید است خدای مهربان دعای همه بینوایان عالم را به اجابت رساند و به تنها حجت هستی مدد دهد که هر صبح و شام خطاب به جد مطهرش ابا عبدالله الحسین می‌فرماید:

«یا جداه! چه کنم که دنیا بین من و تو جدایی انداخت و من از یاری رساندن به تو دور ماندم و از این که نبودم تا با دشمنانت جنگ کنم و با بدخواهانت پیکار نمایم بسیار غمگینم و اشک هجران می‌ریزم و به جای اشک در مصیبت تو خون از دیده می‌بارم و آه سرد از دل پر درد بر این فاجعه می‌کشم.»

الهی! باشد که به غربت این خاندان شریف پایان بخشی و به آن دل پردردی که ناله‌اش بلند است و به آن چشمان مبارکی که خون از آن جاری است عنایت کرده و دعایش را به اجابت رسانی که از تو خدای مهربان یاری می‌جوید و تقاضای اذن ظهور دارد.

الهی! ای خدای مهربان با اذن ظهور فرزند برومند ابا عبدالله الحسین بر دل‌های



خسته مرهم بگذار و غم و اندوه فرزند خانم حضرت زهرا عليها السلام را که از قدیم الايام درد غربت بوده است به سرور مبدل کن و خط بطلان بر دار غربت بکش که به راستی درد غربت عجب دردی است که داروی آن فقط وصل است، وصلی که تا به حال تحقق نیافته، تا آنجا که امام زمان و پیشوای میلیاردها نفوس مانند جدش سالار شهیدان از غربت در میان اهل زمین شکوه کرده و می فرماید:

«اگر دیروز اهل کوفه جدم حسین بن علی را تنها گذاشتند، امروز اهل کربلا زمین مرا تنها گذاشته اند.»

در واقع درد غربت از گذشته های دور به علت جهل عده ای از جاهلان، حاکم بر سرنوشت امامان بزرگواری بوده که اثر سوء آن تا این لحظه باقی است به راستی چه غربتی بالاتر از آن که خداوند، امیرمؤمنان و یازده فرزند برومند ایشان را به ولایت بر مؤمنان و جانشینی رسول اکرم صلی الله علیه و آله اختصاص داد و در عالم ذر از تمام مخلوقات حتی پیامبران بر ولایت و اطاعت رسول گرامی اسلام و جانشینان آن حضرت پیمان گرفته شد و پیامبر اسلام در غدیر خم پیشوای مسلمین را به مردم معرفی کرده و درباره عظمت علی بن ابی طالب نخستین شاه ولایت به عنوان آغاز و حضرت بقیه الله الاعظم به عنوان پادشاه غایب جهان آگاه گردانید که نهمین فرزند سالار شهیدان حضرت امام حسین علیه السلام است و همچنین اطاعت آنان را برای تأمین اهداف متعالی بر بندگان خدا واجب شمرده و بر عصمت و ولایتشان تأکید فرموده اند و با خلق خدا عهد بستند که بر محبت و اطاعت این دودمان پاک استوار باشند و آنان را اولی به نفس خویش بدانند و رسالت آنان را دنبال کنند، ولی و اسفا بر خائنان جاه طلبی که راه را بر حجت تعیین شده از جانب خداوند بسته و به حریم مقدس آن بزرگوار تجاوز کردند و بذر غم و اندوه بی پایان را بر قلوب پاک خاندان عصمت و طهارت پاشیدند تا آنجا که رسول گرامی در واپسین لحظات عمر شریفشان خطاب به مولای انس و جان حضرت علی ابن ابی طالب علیه السلام فرمودند:

«ای علی تو در امان نیستی از کینه هایی که از تو در سینه خود حبس کرده و ظاهر

نخواهند کرد مگر بعد از مرگ تو، پس خدا لعنت کرد آنان را<sup>۱</sup> و لعنت می کنند آنان را لعنت کنندگان.

پس نبی مکرم گریست، اصحاب گفتند: یا رسول الله چرا می گریی؟ آن حضرت فرمودند: جبرئیل مرا خبر داد که اصحاب من بر او ظلم خواهند کرد و حق او را مانع خواهند شد و با او جنگ کرده و آزارش می نمایند.<sup>۲</sup> نقل شده: رسول گرامی در حالی که این جمله را می فرمودند، غم تمام وجود شریف ایشان را احاطه کرده بود.

آری، آن حضرت غمگین بودند برای یاور دین خدا که از حریم رسول اکرم صلی الله علیه و آله نگاهبانی کرده و در راه خدا و رسولش خیرخواه و ایثارگر و برای اهل ایمان پدری مهربان و دلسوز و در دفاع از حق و مبارزه با دشمنان، شجاع، فداکار و در برابر مشرکان، گشاده ای خشمگین و تحمل ناپذیر بودند.

به راستی چه خوب بود قول جورج جورداق، نویسنده لبنانی به واقعیت می پیوست که گفت:

«ای جهان چه می شد اگر هر چه قدرت و قوت داری به کار می بردی و در هر زمان، یک علی با آن عقلش، با آن قلبش، با آن زبانش، با آن ذوالفقارش به عالم می بخشیدی.»<sup>۳</sup> آری، تو ای خدای مهربان ببخش کسی را که همچون علی است مگر نه این که ما شیعیان در عصر حاضر در انتظار «مهدی» آئینه تمام نمای سرورمان مولا علی علیه السلام هستیم؟ همان علی که در عصر و زمان خودش در میان مردمی می زیست که دل به رأی و مفاخر دنیا بسته، عهد شکن، کوردل و کژاندیش بودند و در زمان حکومت حقه، حق مسلم حجت و برگزیده خدا را غصب کردند، آزارش نموده و بر او افترا بستند. افترا به امامی بستند که دارای اخلاق فاضله و صفات پسندیده بود، امامی که

۱ - ما نیز لعن می کنیم لعن شدگان را که در خانه خدا می نشستند و بلا تشبیه حجت برگزیده پروردگار عالمیان را «لعن» می کردند و این عمل به منزله عبادت آنان بود که عبادت شیاطین (بنی امیه و پیروانش) بهتر از این نیست و نخواهد بود پس ما نیز تا روز موعود تا لحظه ای که زنده هستیم لعن بر دشمنان خاندان رسالت و هدایت را فراموش نخواهیم کرد تا شاید با این حرکت موجب خستودی خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام شویم. ان شاء الله

۲ - قسمتی از خطبه رسول اکرم صلی الله علیه و آله در غدیر خم.

۳ - کتاب صوت العدالة الانسانیة.

بنده و سفیر خاص خدا، امیر اهل ایمان، حافظ و ناطق قرآن بود.

به راستی و احسرتا بر اهل باطل، همان مردمی که خیانت کردند و در بیابان جهل و حیرت، تحت رهبری شیطان به سر بردند و در آن عصر ستم خیز و ظلمانی راه را بر حجت خدا بستند حجتی که پیکره توحید و آئینه عرفان بود، حجتی که تنها سکان دار کشتی بندگان خدا بود که می بایست آنان را به ساحل خوشبختی رهنمون باشد اگرچه منحرفین در آن عصر، اهداف مقدس آن بزرگوار را نادیده گرفته و ایشان را به مدتی طولانی خانه نشین کردند، او را که فریاد پروردگار عالمیان و مظهر حق و حق پرستی بود، به سکوت دعوت نمودند؛ او نیز در لحظه لحظه های غربت از جفای مردم نادان و ستمگر شکوه ها داشت و هر روز را با غم و اندوه فراوان سپری می کرد و در انتظار غروب خورشید بود تا در دل تاریکی به نخلستان ها پناه برد، سر درچاه کرده و از غم ها و دردهایش و از رنج ها و سکوتش گوید، آیا به راستی علی چه می گفت که امروز ما همه بی خبریم، بی خبریم از همان آیت الهی که تنهاترین مرد زمانش بود، همان علی که در میان امتش بیگانه و غریب بود، غریب بود چون او را و حقیقت مقام و قدر او را نمی شناختند و نمی دانستند او کیست، همان طور که امروز جماعتی «مهدی» را نمی شناسند و نمی دانند او کیست.

همانی که به یمن وجود شریفش حیات برقرار و عرشیان به وجود مقدسش سرفرازند و اگر او نباشد زمین و آسمان باقی نخواهد ماند، او که در عصر حاضر با وجود دشمنان بیشمار در میان دوستان هم غریب است! به راستی چه غریبی که یک هزار و یکصد و شصت و اندی سال است که در پشت پرده غیبت و در اوج غربت به سر می برد، چرا که شیعیان و دوستان آن حضرت برای رهایی آن محبوب در پس پرده غیبت مانده تلاش نکرده و نمی کنند مگر دلباختگانی که جز به او و اهدافش نمی اندیشند و غیر از نجات و رفاه او آرزوی دیگری ندارند و حتی حاضرند جان خود را برای ایشان و در راه ایشان فدا کنند، به این امید که ظهور آن حضرت هر چه زودتر محقق گردد.

حال ای تنها بازمانده الهی و ای نقطه اوج دین و ای موعود عدالت آفرین! کاش محبین و دوستدارانت می مردند و هیچ وقت خبر غربت تو را نمی شنیدند، همان

محبانی که برای مظلومیت امامان خویش حسرت خورده و می‌گیرند، همان‌هایی که آبشان، اشک چشمانشان شده و خوراکشان غم و اندوه و جدایی از توست و آنان همچنان خواهند گریست و در میان اشک‌های غلطیده از هجران که بر دشت خشکیده‌گونه‌هایشان جاری است و با هر فریاد که در سینه‌هایشان حبس شده تو را طلب می‌کنند، تو را که قادر به نجات بشر در کره‌خاکی هستی، همان بشری که از فرط فتنه و مشکلات زمانه به ستوه آمده و تنها امیدش به تو یاور همیشه زنده بسته شده است به تو که بیایی و او را از این قفس و اسارت رهایی بخشی.

آری، آنان در همیشه روزگار منتظر تو هستند و منتظرت خواهند بود، آنان چشم امید به نویدهایی دوخته‌اند که از جانب خدا، پیامبران و خاندان عصمت و طهارت علیهم‌السلام شنیده و دل خوش دارند به پیام‌های آنان و نویدهای شیرین و بسیار دلنشین شما که فرمودید:

«خواهم آمد، خواهم آمد تا پدر یتیمان باشم، خواهم آمد تا پسر مادران باشم، خواهم آمد تا یاور ستم‌دیدگان باشم، خواهم آمد تا همه کس من شماها باشید و همه کس شماها من باشم.»

آری بیا! بیا و قدم‌های مبارکت را بر روی چشمان خسته و گریان ما بگذار و تو باش همه کس ما!

بیا! بیا و بیش از این فراق را بر ما منتظران روا مدار و تو ای قلب تپنده عالم بیا که قلب ما دیگر یارای این همه انتظار را ندارد.

حال ای خدای مهدی! تو را قسم به جان پاک مهدی بر خاندان محمد پیامبرت و علی وصی پیامبرت و به زهرای اطهر و یازده فرزند برومند ایشان درود فرست و آنان را قَرَج و گشایشی بس عظیم عطا فرما و به سبب آن بزرگواران غم‌ها و محنت‌ها را بر طرف کن و زمین را به وجود آن عزیزان پر از عدل و احسان نما همچنان‌که از ظلم و فقر پر شده است و آنچه به ایشان وعده فرموده‌ای با ظهور یگانه پرچمدار حق و حقیقت تحقق بخش و دعای سپه سالار شهیدان حضرت حسین بن علی علیه‌السلام را به اجابت رسان که فرمودند:

«بارالها! ردای قَرَج را بر تن مهدی آل محمد بپوشان تا قیام کرده و انتقام

خون‌های به ناحق ریخته شده ما را بگیرد.»

پروردگارا و ای خالق هستی! ما نیز از تو خدای خوب و مهربان می‌خواهیم تا آنچه از دین تو معطل مانده، توسط آن فاتح بزرگ گیتی تجدید فرمایی و برای حضرت حسین بن علی و یاران باوفایش خونخواهی کنی و آن فراخی و خوشحالی را با ظهور حضرت مهدی به ما بنمایانی، و تو ای خدای بزرگ اذن ظهور مولایمان را صادر فرما تا با او و تحت فرمانروایی او سوار بر کشتی نجات شده و به همراه او به سرزمین خوشبختی‌ها قدم گذاریم همان‌طور که خود وعده داده‌ای:

«سَيَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ، وَيَمْلِكُ مَنْ هُوَ بَيْنَهُمْ غَرِيبًا. يَمْلِكُ بِإِذْنِ الْمُسْلِمِينَ بِأَمَانٍ وَيَصْفُو لَهُ الزَّمَانَ، وَيُطِيعُهُ الشُّيُوخُ وَالْفَتِيَانِ، وَتَعْمُرُ الْأَرْضَ وَتَصْفُو، وَتَزْهُو بِمَهْدِيَّهَا، وَتُعْدِمُ الْفِتْنَ وَتَكْثُرُ الْخَيْرُ وَالْبَرَكَاتُ.»<sup>۱</sup>

«خداوند قومی را می‌آورد که آنان را دوست می‌دارد و آنان نیز او را دوست می‌دارند، کسی که در میان آنان غریب است، بر آنان حکومت می‌کند، همه ممالک اسلامی را با امنیت و آسایش تحت سیطره خود اداره می‌نماید، روزگار با او سازگار می‌شود، پیر و جوان از او فرمان می‌برند، زمین آباد می‌شود و به وسیله مهدی سرسبز و خرم می‌گردد، فتنه‌ها از بین می‌رود، خیر و برکت فراوان می‌شود.»  
آری، با آمدن اوست که عدالت، امنیت، خوشبختی، سعادت، آزادی، رفاه و... شامل حال بندگان تو خدای سبحان خواهد شد.

به راستی ای عزیز طه و ای یوسف کنعان و ای نوح زمان! آیا بر ما فرصتی هست که گذشته را جبران کنیم؟ گذشته‌ای که با عدم شناخت امام حی و حاضر سپری شده است.

آیا ما را عمری هست که از خجالت برآئیم و خودمان را برای آینده‌ای روشن آماده سازیم؟ آینده‌ای بسیار با شکوه و زیبا، همراه با طراوت و شادابی، شادابی که پایان نخواهد یافت، ما نیز امید به عنایت خدای لایزال داریم که یاریمان دهد تا در سایه بیدار باش جبران آن خسران‌ها و بی‌محبتی‌ها را کرده و قلب پاک ولی عصر و

۱ - منابع الموده، ج ۳، ص ۱۳۱، يوم الخلاص، ص ۶۰۸.

زمان را شاد کنیم و از باری تعالی می‌خواهیم به ما آن توفیق لازم را بدهد تا برای مدد رساندن به آن یار مظلومان قد علم کنیم و ما نیز در هر لحظه از زندگی پر از نشیب و فراز خود می‌گوئیم:

ای خدای بزرگ و ای ایزد یکتا! عنایتی کن و صدایی ده تا فریادش زنیم، چشمی ده که او را استقبال کننده باشیم و لیاقتی ده تا میزبانش شده و در خدمتش از سر و جان بگذریم و سرورمان حضرت مهدی و یارانش را تا مرز پیروزی یاری رسانیم، یاری به همه آن انسان‌های درمانده‌ای که به مساعدت هم نوع خود نیاز دارند و امروز بهترین یاری رساندن آن است که همدیگر را به سوی مقدسات فرا خوانده و برای فردایی بهتر تلاش داشته باشیم و در این حرکت روحانی و مقدس، بندگان خدا را برای تجدید بیعت با تنها احیاء کننده دین خدا دعوت کنیم؛ زیرا طبق علائم و شواهد موجود به نظر می‌رسد وقت برای هر یک از ما بندگان خدا بسیار تنگ است. در همین رابطه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با علم به آینده، وضع مردمان را در نسل‌های مختلف مورد توجه قرار داده و آهی از اعماق دل کشیده و فرمودند:

«به خداوند شکایت می‌کنم از کسانی که مرا در موضوع حضرت مهدی تکذیب کرده و گفتار مرا در حق او انکار می‌کنند و امت مرا از راه او منحرف می‌سازند در حالی که همه پیامبران و سفیران الهی به عنوان جزئی از رسالت خود به مردم وعده یک مصلح غیبی را داده‌اند که در آخرالزمان ظهور می‌کند و پیامبران اولوالعزم از شش هزار سال پیش خبر داده‌اند که همه باید ویژگی این تنها رهبر را بدانند و آگاه به علائم ظهور بوده و برای آن دیدار با شکوه آمادگی لازم را به دست آورند.»<sup>۱</sup>

ما نیز باید باور کنیم آمادگی برای چنین هدف والایی، آسان نیست، بلکه باید در مورد آن حساس و دقیق بوده و از غفلت و بی‌محتبی اجتناب شود و به وسعت عمق و عظمت آن تحول واقف و با عشق و انس، خواهان آن سعادت وعده داده شده باشیم.

حال ای امام زمان و ای سرلوحه شرف و عظمت الهی! مردم دنیا چه بخواهند و

چه نخواهند تو همچون خورشیدی فروزان، بر محور چرخ گردون خواهی تابید، ولی چه بهتر ما مسلمانان جهان در بیداری به سر بریم تا در آن روز که روز دیدار است شرمنده شما نباشیم و این سخن شیوا از گفته‌های شماست که فرمودید: «این مردم چه باور کنند و چه باور نکنند من دیگر خواهم آمد و از این که می بینم عده‌ای برای دیدار من لحظه شماری می کنند خوشحالم و همین عده ما را بس.» و این وعده دلنشین و کلام زیبا از شماست که فرمودید: «من آنقدر ناگهانی خواهم آمد که بسیاری از دوستانان هم از دیدارم تعجب خواهند کرد.»

شما فرمودید:

«ما می آئیم تا به حسابها رسیدگی کنیم، ما می آئیم برای انتقام گرفتن از خون شهدا، و خواهیم گفت: چرا به یتیمان سفارش شده کمک نکردید و اصلاً مگر شماها از خدا نمی ترسیدید که هر روز بی پروا گناه می کردید، حال به همه بگوئید: برای همه چیز دیر شده است حتی برای توبه! به همه بگوئید: بسیار استغفار کنند و لا اله الا الله بگویند؛ زیرا در روز موعود هیچ قدرتی در مقابل ما دوام نخواهد داشت.»

یا بن رسول الله شما فرمودید:

«فرصت‌ها تمام شده است و آنقدر که مردم برای استقبال در هر بهار آماده هستند برای ورود ما آماده نیستند، شما فرمودید: من می آیم تا آنان را در حیرتی عظیم نگاه دارم و آن روز دیر نیست و شما فرمودید:

«می بایست این خبر را به دوستانمان برسانید و به آنان بگوئید: توشه آخرتشان را بیشتر کنند به صرف این که در هر فصل بهار به شکوفایی طبیعت برخورد می کنند غرق در زیبایی آن نشوند؛ زیرا اینها همگی لحظه‌ای و گذراست و ما می آیم که می آئیم با عمل شماها.»

تو ای جلوه یزدان و ای محبوب منتظران بیا و از خداوند منان بخواه که آن لحظه مبارک هر چه زودتر فرا رسد و انتظار در عصر تاریکی پایان یابد و ان شاء الله محبان و منتظران شما بیش از گذشته نسبت به وجود یگانه گوهر هستی حساس باشند و از خود بپرسند، ما او را چقدر می شناسیم و برای رسیدن به او چقدر تلاش کرده ایم،

به واقع اگر ظهور پر میمنت آن حضرت در عصر ما تحقق پذیرد آیا ما همچون پروانه به دور شمع وجودش اجتماع خواهیم کرد، سلامش کرده و جواب را خواهیم شنید؟ آیا ما منتظر ظهورش هستیم که بیاید تا مسیر راهش را بوسه باران کرده و با اشک چشمانمان غبار راهش را بشوئیم؟  
به راستی او کیست؟

﴿وَيَسْتَشِيبُونَكَ أَحَقُّ هُوَ؟ قُلْ: إِي وَرَبِّي إِنَّهُ لَحَقٌّ وَمَا أَنْتُمْ بِمُفْجِرِينَ﴾<sup>۱</sup>

ای محمد! «از تو می پرسند آیا آن حق است؟! بگو: آری، به پروردگارم

سوگند که به راستی آن حق است و شما هرگز راه فراری ندارید.»

نبی مکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در این باره می فرماید:

«لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَقُومَ قَائِمٌ لِلْحَقِّ مِثِّي، وَذَلِكَ حِينَ يَأْذُنُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ. وَمَنْ تَبِعَهُ نَجَا، وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهُ هَلَكَ. أَللَّهُ أَلَّهُ عِبَادَ اللَّهِ، فَأَتَوْهُ وَلَوْ حَبْوًا عَلَى الثَّلْجِ، فَإِنَّهُ خَلِيفَةُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَخَلِيفَتِي.»<sup>۲</sup>

«قیامت برپا نمی شود جز هنگامی که قائمی از ما بر حق قیام کند و این هنگامی است که خداوند اذن ظهورش دهد؛ کسی که از او پیروی کند نجات می یابد و کسی که از او تخلف کند هلاک می شود، ای بندگان خدا بترسید، هر کجا باشید او را دریابید اگرچه مجبور شوید که از روی برفها سینه خیز عبور کنید، که او خلیفه خدای تبارک و تعالی و جانشین من است.»

در همین رابطه حضرت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده اند:

«هُوَ ابْنُ سَيِّدَةِ الْأَمَاءِ.»<sup>۳</sup>

«او پسر بانوی کنیزان است.»<sup>۴</sup>

«هُوَ مِنْ وُلْدِي وَلَدَهُ يَزْدَجِرْدُ بْنُ شَهْرِيَّارَ.»<sup>۵</sup>

۱ - سورة یونس (۱۰) آیه ۵۳.

۲ - عیون الأخبار، ج ۲، ص ۶۰.

۳ - اعلام الوری، ص ۴۰۸.

۴ - منظور از بانوی کنیزان: شاهزاده ملیکا، نوه امپراتور روم و مادر بزرگوار حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام است.

۵ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۶۴.



«او از نسل من و از تبار یزدجرد بن شهریار است.»

«الْمَهْدِيُّ مِنْ عِثْرَتِي مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ يُقَاتِلُ عَلِيَّ سُنَّتِي كَمَا قَاتَلْتُ أَنَا عَلِيَّ الْوَحْي.»<sup>۱</sup>

«مهدی از عترت من و از فرزندان فاطمه است، او بر اساس سنت من پیکار کند

چنان‌که من بر اساس وحی پیکار نمودم.»

همچنین نقل شده است: رسول اکرم ﷺ در آخرین روزهای حیات خویش، با

دست مبارک به شانه امام حسین عليه السلام زد و خطاب به حضرت زهرا عليها السلام فرمود:

«مِنْ هَذَا مَهْدِيٍّ هَذِهِ الْأُمَّةُ... لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَقُومَ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ يَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا

مَلِئْتُ ظُلْمًا وَجَوْرًا.»<sup>۲</sup>

«مهدی امت از نسل اوست؛ دنیا سپری نمی‌شود جز این‌که مردی از اولاد

حسین به پا خیزد و جهان را پر از عدل کند، چنان‌که پر از ظلم و ستم شده باشد.»

بار دیگر آن حضرت با دست مبارکش به سوی امام حسن و امام حسین عليهما السلام

اشاره کرده و فرمودند:

«مِنْهُمَا مَهْدِيٌّ هَذِهِ الْأُمَّةُ.»<sup>۳</sup>

«مهدی امت از آنان است.»

در این باره مرویست:

«دختر امام حسن مجتبی عليه السلام مادر امام محمد باقر عليه السلام است از این رهگذر

امامان بعدی را حسنی و حسینی گویند، در واقع حضرت مهدی نوه پسر امام

حسین و نوه دختری امام حسن عليهما السلام می‌باشد.»<sup>۴</sup>

رسول اکرم در این باره این چنین اشاره فرموده‌اند:

«وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ، إِنَّ مِنْهُمَا مَهْدِيٌّ هَذِهِ الْأُمَّةُ إِذَا ضَارَتِ الدُّنْيَا هَرْجًا مَرْجًا، وَتَظَاهَرَتِ

الْفِتْنُ، وَتَقَطَّعَتِ السُّبُلُ، وَأَغَارَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ فَلَا كَبِيرَ يَرْحَمُ صَغِيرًا، وَلَا صَغِيرَ يُوقِرُ كَبِيرًا.

يَبْعَثُ اللَّهُ عِنْدَ ذَلِكَ مِنْهُمَا مَنْ يَفْتَحُ حُصُونَهُ الضَّلَالَةِ، وَقُلُوبًا غُلْفًا. يَقُومُ بِالذِّينِ فِي آخِرِ الزَّمَانِ

۱ - البيان، ص ۶۳.

۲ - همان، ص ۸۰ منتخب الانوار، ص ۱۹۹.

۳ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۷۸ بشارة الاسلام، ص ۲۸۰ و ۲۹۲.

۴ - نور الانوار، ص ۱۲۳.

كَمَا قُمْتُ فِي أَوَّلِ الزَّمَانِ<sup>۱</sup>

«قسم به پروردگاری که مرا به حق مبعوث کرد، مهدی امت از اینهاست، هنگامی که دنیا هرج و مرج شد و فتنه‌ها آشکار گشت و راه‌ها نا امن شد و مردم از چپاول یکدیگر در امان نبودند و بزرگترها بر کوچکترها رحم نکرده و کوچکترها احترام بزرگترها را رعایت نکردند، خداوند در چنین زمانی از نسل این دو (امام حسن و امام حسین) کسی را برمی‌انگیزد که قلعه‌های ضلالت را به تسخیر خود درمی‌آورد و دل‌های نفوذ ناپذیر را تحت سیطره خود قرار می‌دهد، (او) برای احیای شریعت در آخر الزمان قیام می‌کند، آن‌چنان‌که من در اول زمان قیام کردم.»

به امید فرا رسیدن آن روز موعود، روزی که حجت زمان به اذن پروردگار بیایند و حق بر باطل پیروز شود و بنای عدل و داد بر جهان هستی سایه افکند، بدیهی است در چنین شرایطی اثری از کدورت‌های گذشته باقی نمانده، بلکه در این دوره از زندگی، همگان شاد و مسرور خواهند زیست آن هم همراه با مقتدا و سروری همچون آقا امام زمان علیه السلام. ان شاء الله

«اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَ وَلِيِّكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ وَاجْعَلْ فَرَجَنَا مَعَ فَرَجِهِمْ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»<sup>۲</sup>

«خدایا! فرج و گشایش امر (حکومت) ولایت و فرزند ولایت را زودتر برسان و گشایش وضع ما را با فرج ایشان قرار ده، ای مهربانترین مهربانان.»

بارالها! سلام و درود بی‌پایان ما بندگان نثار رسولان الهی، بالأخص بر عصا بر سرگزیدگان و خاتم پیامبران و سرچشمه زلال نور و هدایت حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله که قلب مبارکش تجلیگاه و محل نزول آیات رحمت بوده است و سلام گرم و صمیمانه شیعیان و آن انسان‌های دریند عالم بر مهدی یگانه منجی جهان هستی و سلام بر دارنده شمشیر بُرّان و کوبنده برفرق ستمکاران که با قیام مبارکش به رسالت تمامی انبیا و اولیا حیات دوباره خواهد بخشید، او که تحقق بخش وعده‌های همه انبیای الهی از حضرت آدم ابوالبشر تا پیامبر آخر الزمان حضرت ابوالقاسم احمد علیه السلام است، حال به امید دیدار آن حضرت. ان شاء الله

۱ - منتخب الاثر، ص ۸۵ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۸.

۲ - مکیال المکارم، ج ۲، ص ۸۶.

# فصل اول

اجداد حضرت مهدی علیه السلام

نام‌ها و لقب‌های حضرت مهدی علیه السلام

نهی از بردن نام حضرت مهدی علیه السلام

ادیان در آخرالزمان

سیما و روش ملکوتی حضرت مهدی علیه السلام

راز طول عمر شریف حضرت مهدی علیه السلام

شبهت حضرت مهدی علیه السلام به پیامبران علیهم السلام

مواریث انبیا

مدت حکومت حضرت مهدی علیه السلام

موقعیت علمی حضرت مهدی علیه السلام

اقامتگاه حضرت مهدی علیه السلام

تشریف

## اجداد حضرت مهدی علیه السلام

حجت بن الحسن المهدی علیه السلام دوازدهمین ستاره آسمان ولایت، که نام مقدسش «م ح م د» است، نام مبارکی که مسلمانان طبق فرمان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام تا زمان ظهور نباید آن حضرت را با این نام «م ح م د» در محافل یاد کنند. پدر و اجداد آن حضرت عبارتند از: الحسن العسکری بن علی الهادی، بن محمد الجواد، بن علی الرضا، بن موسیٰ الکاظم، بن جعفر الصادق، بن محمد الباقر، بن علی زین العابدین، بن الحسین الشهید، بن علی بن ابی طالب امیرالمؤمنین علیه السلام. مادر آن بزرگوار، حضرت نرجس علیها السلام دختر یسوعا پسر امپراتور و فرمانروای مقتدر روم و لقب او ملیکاست، آن حضرت به سوسن، صیقل، ریحانه، خمط و حکیمه نیز ملقب شده است.

مادر آقا امام زمان علیه السلام زندگی خود را این‌گونه بیان فرموده‌اند:<sup>۱</sup>  
من ملیکا! دختر یسوعا فرزند امپراتور روم هستم، مادرم از فرزندان شمعون، وصی حضرت عیسیٰ مسیح است، هنگامی که سیزده ساله بودم جدم خواست مرا به عقد برادرزاده خود درآورد، دستور داد تا کشیشان و راهبان را جمع کرده و سیصد نفر از میان آنان انتخاب کردند و هفتصد نفر هم از امرای لشکر و صاحب منصبان کشور و چهار هزار نفر از معتمدان و اشراف و اعیان را حاضر کرده و تختی از خزانه قصر بیرون آوردند که به انواع جواهرات تزیین شده بود و در میان کاخ

۱ - مبحث فوق از کتب نجم الثاقب، بحار الانوار، ج ۱۳، آخرین سفیر و... اقتباس یافته است.

امپراتوری خویش بر روی پایه‌هایی استوار ساخته، بت‌ها و چلیپاهای (صلیب) خود را بر بلندی‌ها قرار داده و آنگاه امپراتور برادر زاده خود را بر روی تخت نشانده، خدم و خشم کمرها به خدمت بسته لباس رسمی پوشیده، راهبان کتاب آسمانی انجیل را باز کرده خواستند قرائت کنند و خطبه عقد را بخوانند که ناگهان کاخ به لرزه درآمد بت‌ها و چلیپاها سرنگون شده و به زمین افتادند و پایه‌های تخت از جای خود به در رفته و برادر زاده امپراتور از بالای تخت به زیر افتاد و بی‌هوش شد، در این لحظه رنگ از روی کشیشان پریده، لرزه بر اندام همگی سایه افکند و رئیس کشیشان رو به امپراتور کرده و گفت: قیصر به سلامت باشد ما را از مشاهده این اوضاع منحوس بیم فرا گرفته، از امپراتور روم تقاضا می‌شود ما را از انجام این عقد معاف فرمایند؛ زیرا نحوست‌ها روی آورده که نشان دهنده زوال کیش مسیحیت و علامت انقراض سلسله قیصری است.

پس جدم این امر را فال بد دانست و به کشیشان فرمود: این تخت را بار دیگر برپا کنید و چلیپاها را بر جای خود قرار دهید و حاضر گردانید و برادر دیگر را بیاورید تا دختر را به او تزویج کنیم، باشد با این وصلت نحوست‌ها برطرف شود. امپراتور در آن روز برادر زاده دیگرش را بر تخت نشانید که مرا به عقد او درآورد و امید داشت که نحوست برطرف شود و این بار نیز تخت از لرزه قصر سرنگون شد و هول و هراس برپا گردید که همه میهمانان متفرق شدند، به همین دلیل جدم با اندوه فراوان به حرمسرا باز گشت و از این قضیه به تفکر فرو رفت و من هم محزون و غمگین در گوشه‌ای پنهان شدم تا شب شد و به خواب رفتم و در عالم خواب دیدم حضرت مسیح و حضرت شمعون و جمعی از یاران مسیح در قصر جدم جمع شده‌اند و منبری از نور به جای تختی که جدم گذاشته بود نصب کرده که از رفعت به آسمان سربلندی می‌نمود.

آنگاه خاتم الانبیاء را دیدم که با وصی و دامادش علی بن ابی طالب و جمعی از امامان بزرگوار آن قصر را به نور قدوم خویش منور ساختند، پس حضرت مسیح از روی تعظیم و اجلال به استقبال حضرت رسالت پناه شتافته و دست در گردن مبارک آن جناب درآورد، در همین بین آن حضرت فرمودند: یا روح الله آمده‌ام ملیکا فرزندی

وصی تو شمعون را برای فرزند سعادت‌مند خود امام حسن عسکری خواستگاری کنم.  
پس حضرت عیسی مسیح نظر به سوی شمعون افکند و سپس فرمود: ای  
شمعون شرف دو جهان به تو روی آورده، پیوند کن و با این وصلت با میمنت  
موافقت نما، پس شمعون عرض کرد: موافقم.

سپس حضرت رسالت پناه بالای منبر رفته و خطبه عقد را خواندند و مرا به  
ابی محمد تزویج کرده و حضرت مسیح و یارانش را گواه گرفتند، چون از خواب  
برخاستم از بیم جان خواب خود را برای خانواده و جدم نقل نکردم و همواره آن  
سر آسمانی را در دل نگاهداشته و با هیچ کس در میان نگذاشتم و مطمئن بودم که  
روزی خواب من تعبیر خواهد شد، ولی نمی دانستم چگونه این جریان به وقوع  
می پیوندد، بعد از آن شب چنان قلبم از محبت ابی محمد امام حسن عسکری موج  
می زد که از خوردن و آشامیدن باز ماندم و کم کم نحیف و رنجور گشته و سخت بیمار  
شدم، در همین رابطه جدم سراغ تمامی طبیبان رفت به گونه ای که طبیبی در شهر  
روم نماند مگر این که او را برای معالجه من حاضر کرد و از دواي درد من از او سؤال  
نمود و معالجه هیچ یک از آنان نتیجه نداشت و چون جدم از زندگی من نا امید شده  
بود، گفت: ای فرزند دلبندم! ای نور چشم من آیا خواهشی داری که بگویی تا در  
انجام آن بکوشم و آیا در خاطر آرزویی هست تا به عمل آورم؟

گفتم: ای پدر جان! من که درهای فرج را به روی خود بسته می بینم ولی اگر  
شکنجه و آزار را از اسیران مسلمان برداری و آنان را از قید و بند و زندان آزاد  
گردانی، امید است حضرت مسیح و مریم مقدس مرا شفا دهند.

سپس قیصر روم پدر بزرگم جمعی از زندانیان مسلمان را که در آن زمان جنگ  
میان روم و کشور آنان برپا شده بود آزاد ساخت و برخی را از کيفر تخفیف داد و من  
نیز به ظاهر اظهار بهبودی کردم و کمی غذا خوردم، پس جدم از این واقعه خوشنود  
گردید و سعی در رعایت حال اسیران مسلمان و احترام آنان نمود.

بار دیگر بعد از چهارده شب در خواب دیدم که حضرت فاطمه همراه حضرت  
مریم که هزار کنیز از حوران بهشتی به همراهشان بود به عیادت من آمدند.

حضرت مریم روی به من نمود و فرمود: بنگر این اسوه بانوان جهان که مادر

شوهر تو است، پس به دامن مبارکش افتاده و گریستم و شکایت کردم که حضرت ابی محمد به من جفا می کند و به دیدن من نمی آید.

آن حضرت فرمودند: فرزند من چگونه به دیدن تو آید و حال آن که به خدا شرک می آوری و پیرو مذهب نصاری هستی و این خواهر من مریم است که از دین تو به خداوند پناه می برد و اگر رضای خدا و مسیح را می خواهی باید اسلام اختیار کنی تا به زیارت ابی محمد نایل شوی.

گفتم: از جان و دل حاضرم، در همین بین صدای بانویم را شنیدم که فرمودند: بگو «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ»

چون این کلمات طیبه را تلفظ کردم حضرت سیده النساء مرا مورد لطف و عنایت خویش قرار داده و فرمودند: دلخوش دار که به زودی به دیدار ابی محمد موفق شوی و من همچنان آن کلمات طیبه را می گفتم که از خواب بیدار شدم، بیشتر شوق دیدار او مرا به گریه انداخت باز خواب مرا فرا گرفت که حضرت امام حسن عسکری را خواب دیدم در حالی که از گذشته شکوه می نمودم و خطاب به آن بزرگوار عرضه داشتم که ای محبوب من! شما که دلم را به محبت خویش فریفتی و اسیر خود گردانیدی حال چرا جفا می کنی؟

آنگاه امام حسن عسکری فرمودند: تأخیر من از دیدار، شرک تو بود و این که تو در آئین مسیحیت بودی اکنون که مسلمان شده ای هر شب به ملاقات تو می آیم تا روزی که حق تعالی فراق ما را مبدل به وصال گرداند، بدین ترتیب شبی نبود که وجود نازنینش را به خواب نبینم تا این که شبی ابی محمد به من فرمود: جد تو به زودی لشکری را به جنگ مسلمانان خواهد فرستاد و خود نیز فرماندهی لشکر را به عهده خواهد گرفت و ما هم از تو می خواهیم با لباس خدمتکاران به همراه عده ای از کنیزان از فلان راه به آنان ملحق شده و از پی جد خود روانه شوی و از فلان راه رفته تا ما به تو رسیدیم؛ پس چنان کردم که دستور فرموده بودند که ناگاه طلبعه لشکر مسلمانان به ما برخوردند و ما را اسیر کرده و آخر کار من این بود که به عنوان غنیمت نصیب برده فروش پیری به نام «عمر بن زید» شدم که او نام مرا پرسید و من

گفتم: نام من نرجس<sup>۱</sup> است و او گفت: این نام که نام کنیزان است! من صحبت را ادامه نداده که یکدفعه متوجه شدم کشتی ما برکناره پل فرات پهلو گرفت، درحالی که غم و ضعف و اضطراب مرا در بر گرفته بود و من نیز در گوشه‌ای انتظار قاصد را می‌کشیدم تا بیاید و مرا که در قفس سرنوشت اسیر بودم آزاد کند، بالأخره انتظار به پایان رسید و بعد از مدت‌ها چشم انتظاری، صدای مردی را شنیدم که به برده فروش می‌گفت: آیا به جز این کنیزان، کنیز دیگری هم داری؟

برده فروش گفت: آری، کنیزی دارم که بیمار است و در گوشه‌ای آرمیده، بار دیگر صدای آن قاصد را شنیدم که گفت: می‌خواهم آن کنیز را ببینم، من که پیام حق را شنیده بودم سراسیمه از جا برخاسته و خود را به آنان رساندم و قاصد مهربان، «بشرین سلیمان» را دیدم که نامه‌ی محبوب مرا به همراه کیسه‌ی زری به دست داشت و سر آن با خاتم مبارک مهر شده بود و من با دیدن آن نامه که به خط و زبان رومی بود به برده فروش گفتم: یا مرا به همین مرد می‌فروشی و یا در غیر این صورت خود را هلاک خواهم کرد. پس از مدتی گفت‌وگو، قاصد مرا به قیمت دویست و بیست اشرفی که حضرت امام علی النقی فرستاده بود از برده فروش خرید و سپس من به همراه آن مرد راه افتادم درحالی که نامه‌ی عزیزترین عزیزان را در دست داشتم که خداوند بخت و طالع مرا با سرنوشت او عجین کرده بود، همان عزیزی که در فراقش روز و شب را به تلخی سپری کرده و حال من بوی عزیزانم را به وسیله آن نامه استشمام می‌کردم، درحالی که گریه امانم نمی‌داد و از طرفی قاصد که تعجب کرده بود، رو به من کرده و گفت: می‌بینم نامه‌ای را می‌بویی و می‌بوسی که صاحبش را نمی‌شناسی! من به آن قاصد گفتم: عجب است که شما صاحب خود را نمی‌شناسی و من او را بهتر از شما می‌شناسم و می‌دانم او کیست.

قاصد بار دیگر گفت: تعجب دارم از این که رومی الاصل هستید ولی زبان عربی را به این فصاحت می‌دانید!

گفتم: جدم مرا بسیار دوست می‌داشت و علاقه‌مند بود من زبان‌های مختلف را بدانم به همین دلیل معلمانی را برای من استخدام کرد و آنان مرا به زبان عربی هم

۱ - نرجس از نام‌های رایج در میان کنیزان بود.



آشنا ساختند، سپس من خود را به آن مرد معرفی کرده و گفتم: من ملیکا دختر یسوعا فرزند قیصر پادشاه روم هستم و مادرم از فرزندان شمعون بن صفا وصی حضرت عیسی بن مریم است و داستانی بسیار عجیب دارم که با انتظاری غم انگیز توأم بوده و من به آن قاصد گفتم آنچه را که باید می‌گفتم و او هم مرا متواضعانه همراهی کرد تا این‌که به خانه امید، به خانه خوشبختی، به خانه پدر شوهرم حضرت امام علی النقی رسیدیم و آن سرور انتظار مرا می‌کشید، در بدو ورود آن حضرت فرمودند: دخترم عزت اسلام و ذلت نصاری و شرف خاندان پیامبر را چگونه دیدی؟

گفتم: درباره چیزی که شما از من دانایتر می‌باشید چه عرض کنم.

آنگاه آن حضرت فرمودند: می‌خواهم تو را گرامی دارم به ده هزار اشرفی و یا بشارتی به شرف ابدی! هر کدام را که بهتر می‌دانی انتخاب کن، من گفتم: به مال نیازی نیست بلکه بشارت شرف می‌خواهم.

آن حضرت فرمودند: پس بشارت باد تو را به فرزندی که پادشاه مشرق و مغرب عالم شود و زمین را پر از عدل و داد نماید بعد از آن‌که پر از ظلم و جور شده باشد.

آنگاه من پرسیدم این فرزند از آن چه کسی است؟

آن حضرت فرمودند: از آن کسی که پیامبر اسلام ﷺ در فلان شب و فلان ماه و فلان سال رومی تو را برای او خواستگاری کرد و خطبه عقد را جاری ساخت.

من گفتم: آیا به فرزند دلبند شما؟

ایشان فرمودند: او را می‌شناسی؟

عرض کردم: از شبی که به دست بزرگ بانوی دو جهان حضرت فاطمه زهرا که سلام بر او باد اسلام آورده‌ام، شبی نبود که او به دیدن من نیامده باشد.

سپس آن حضرت، خادم خود «کافور» را طلبید و فرمود: برو حکیمه خاتون نجواهرم را بگو نزد من بیاید.

چون آن بانوی محترمه آمد، حضرت فرمودند: ای خواهر عزیز این است آن مکرمه‌ای که در انتظار دیدار او بودی و آنگاه آن بانوی بزرگوار مرا در آغوش گرفت و نوازش کرد و مورد محبت قرار داده و تبریک گفت.

بار دیگر آن حضرت خطاب به حکیمه خاتون فرمودند: ای دختر رسول خدا! او را به خانه خود ببر و واجبات و سنت‌ها را به او بیاموز که او همسر حضرت امام حسن عسکری علیه السلام و مادر خاتم اوصیا، مهدی قائم آل محمد صلی الله علیه و آله خواهد بود.

حکیمه خاتون می‌فرماید: من طبق دستور برادرم، آن شاهزاده خانم رومی را به خانه خود بردم و برای این‌که جاسوسان حکومت از شخصیت واقعی دختر پادشاه روم اطلاع پیدا نکنند همواره سعی می‌کردم مشخصات ایشان آشکار نشده و هویت اصلی آن عزیز پنهان بماند؛ به همین دلیل او را با نام‌های متعدد از جمله: ریحانه، سوسن، نرجس و صیقل صدا می‌زدم؛ زیرا آینده پر اهمیت ایشان باعث می‌شد تا در هر شرایطی برای حفظ جان و موقعیت ایشان احساس مسئولیت کنم، بالأخره زمان سپری شد تا این‌که روزی از روزها امام حسن عسکری علیه السلام به خانه ما آمدند و نرجس را در میان کنیزان دیدند و سپس نظری طولانی همراه با تعجب به او دوخته و خطاب به من فرمودند: ای عمه! او همان کنیزی است که فرزند من مهدی را به دنیا خواهد آورد و آن مولود نزد پروردگار جهان بسیار عزیز است، همان عزیزی که خداوند به وسیله او زمین را سرشار از حق و عدالت می‌نماید، چنان‌که مالا مال از ظلم و جنایت شده باشد.

من که از علاقه آن دو به یکدیگر با اطلاع بودم عرض کردم: یا بن رسول الله! اگر شما را خواهش اوست به خدمت شما فرستم.

آن حضرت فرمودند: ای عمه! در این خصوص از پدرم رخصت بطلب، پس من نیز بعد از این گفت‌وگو خود را آماده کرده و راهی منزل حضرت امام علی النقی علیه السلام شده و هنگامی که به محضر آن حضرت شرفیاب شدم، سلام کرده و نشستم بی آن‌که سخنی بگویم؛ حضرت از باب اعجاز ابتدا سخن آغاز کرده و فرمودند: خواهرم حکیمه! نرجس را نزد فرزندم بفرست، عرض کردم: آقا من هم برای همین مطلب نزد شما آمده‌ام.

حضرت فرمودند: خداوند می‌خواهد تو را در این ثواب شریک گرداند، پس تو وظیفه داری این امر را در خفا به انجام رسانی، آنگاه بی‌درنگ برخاسته و به خانه برگشتم و نرجس را زینت کرده و او را تحت عنوان کنیزی که نزد من زندگی می‌کرد به

ابی محمد بخشیدم تا همسر آن حضرت شود و من نیز افتخار خدمتگزاری به آن عزیزان را داشتم، بعد از چند روز آن بانوی بزرگوار را به خانه شمس انور و آن والد اطهر بردم و زمانی نگذشته بود که وجود همچون خورشید برادر بزرگوارم حضرت امام علی النقی علیه السلام غروب کرد و ماه برج ولایت امام حسن عسکری علیه السلام در امامت جانشین وی گشت و من پیوسته به عادت مقرر زمان پدرشان به خدمت امام زمانم حضرت امام حسن عسکری می رسیدم و از آنان دلجویی می کردم و هر بار نرجس با مهربانی از من استقبال می کرد و هر وقت خدمت امام مشرف می شدم دعا می کردم که خداوند فرزندی به وی موهبت فرماید.

پس یک روز چون دست به دعا برداشتم، حضرت فرمودند: عمه آنچه که از خدا می خواستی به من روزی کند امشب متولد می شود تا به اذن حق تعالی زمین را بعد از آن که به شیوع کفر و ظلم و ضلالت مرده باشد به علم و ایمان و هدایت زنده کند. من که از شنیدن این خبر مسرت بخش بسیار شاد شده بودم به نرجس نگریستم که در حال خدمت کردن به من بود، برخاستم و نزد او رفتم و دست هایش را بوسیدم و او را از خدمت کردن باز داشتم، او مرا بانوی خود خواند و من نیز او را بانوی خویش خواندم، او به من گفت: فدای شما شوم و من به او گفتم: من و همه دنیا فدای تو شویم، در این لحظه با یک دنیا محبت او را نظاره کردم و سپس خطاب به او گفتم: ای نرجس! بدان محبوبتر از تو نزد من کسی نیست و من با شوق به وی گفتم: تبریک می گویم: برای چنین شبی که خداوند به تو عنایت می فرماید، تا مولودی پا به عرصه دنیا گذارد که دیدارش آرزوی اهل ایمان است، او از سخن من شرم کرد و من نیز بار دیگر بر وی نظر کردم اثری از حاملگی ندیدم، به همین جهت به امام حسن عسکری عرض کردم: یابن رسول الله! فدایت شوم من که اثری از بارداری در وی نمی بینم.

حضرت تبسمی کرد و فرمود: عمه! مثل نرجس مثل مادر موسی است که تا موقع تولد مولود، هیچ کس اطلاع نداشت و ما ائمه نیز در شکم ها نیستیم بلکه در پهلوهای مادران می باشیم و از راه رحم بیرون نمی آئیم بلکه از ران راست مادران خارج می شویم؛ زیرا ما نور خدائیم که پلیدی ها آن را نمی آلاید.

بار دیگر عرض کردم: آقا چه وقت آن مولود عزیز چشم به جهان خواهد گشود؟ آن حضرت فرمودند: موقع طلوع فجر! سپس آن امام همام از من تقاضا کردند که آن شب را در کنار آنان بمانم و من با افتخار پذیرفته و در کنار نرجس خوابیدم و نزدیک صبح که از خواب بیدار شدم او را نظاره کردم، اما اثری در نرجس نیافتم نزدیک بود شکمی در من عارض شود که ناگاه صدای امام را از حجره خودش شنیدم که فرمودند: عمه شک مکن وقتش نزدیک شده و بدین ترتیب مقارن صبح صادق متوجه شدم حالت اضطراب در نرجس ظاهر شده است، بی درنگ برخاسته او را در برگرفتم آنگاه صدای ابی محمد امام حسن عسکری را شنیدم که خطاب به من فرمودند: سوره «انا انزلنا» را بر او بخوان، من به فرمان امام شروع به خواندن سوره مبارکه قدر کردم و در آن حال صدای فرزند حضرت نرجس را شنیدم که در شکم مادر در خواندن آن سوره شریفه مرا همراهی می کرد و سپس به من سلام کرد که با شنیدن صدای او دچار وحشت شدم در همین بین امام حسن عسکری فرمودند: عمه از کار خداوند تعجب مکن؛ زیرا باری تعالی ما را از کوچکی به حکمت گویا و در روی زمین حجت خود می گرداند.

من از آنچه در دلم نسبت به حضرت خطور کرده بود حیا داشتم ناچار به اتاق برگشتم در حالی که پیش خود خجل بودم، آنگاه شروع به خواندن سوره های «الم سجده ویس» کردم، در این بین نرجس نیز سر سجاده در حال نماز بود من متوجه او شدم که از درد شدید به خود می پیچد، پس او را در برگرفته و گفتم: پدر و مادرم فدایت آیا زمان تولد فرخنده او فرا رسیده؟

نرجس گفت: آری، امر سختی را احساس می کنم که ناگهان او از نظرم غایب شد، گویا پرده ای میان من و او حایل گشت، به همین دلیل نزد امام رفته و فریاد کنان به عرض ایشان رساندم، امام در جواب فرمودند: عمه برگرد، او را در جای خود خواهی یافت چون مراجعت کردم پرده گشوده شد و نرجس را در هاله ای از نور مشاهده کردم که دیده ام را خیره ساخت! مولود عزیز حضرت صاحب الامر علیه السلام را دیدم که رو به قبله به سجده افتاده و خداوند را به عظمت و شکوهش یاد می کند و بعد آن حضرت را دیدم به روی زانو نشسته و انگشتان سبابه را به آسمان بلند کرده و فرمودند:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ وَأَنَّ أَبِي أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَلِيُّ اللَّهِ وَوَصِيَّهُ

رَسُولِهِ.»

«گواهی می‌دهم معبودی جز الله نیست او یکتا و بی همتاست و شریکی ندارد، شهادت می‌دهم جدم محمد فرستاده خداست و به درستی که پدرم امیرمؤمنان ولی خدا و جانشین رسول است.»

سپس آن حضرت امامان را یکی پس از دیگری برشمردند و چون به نام پدر بزرگوارشان رسیدند دیدگان مبارک را گشوده و سلام کردند درحالی که انگشت مبارک به سوی آسمان داشتند، آنگاه عطسه‌ای کرده و فرمودند:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ.»

آنگاه مولود فرمودند: ستمگران پنداشته‌اند که حجت خدا از میان رفته است، اگر به ما اجازه سخن گفتن می‌دادند هرگونه تردیدی برطرف می‌شد. بار دیگر آن مولود فرمودند:

«اللَّهُمَّ أَنْجِزْ لِي وَعْدِي وَأْتِمِّمْ لِي أَمْرِي وَثَبِّتْ وَطْأَتِي وَأَمْلَأْ الْأَرْضَ بِي عَدْلًا وَقِسْطًا.»<sup>۱</sup>

«خداوندا! وعده‌ام را تحقق بخش و امر (قیامم) را تمام گردان و گامم را استوار ساز و زمین را به (ظهور) من پر از عدل و داد کن.»

حکیمه خاتون می‌فرماید: در آن روز باشکوه افتخار نصیب من شد تا به عنوان اولین نفر شاهد تولد و وجود مطهر و ملکوتی آن حضرت باشم، در این لحظه دیدم نوری از دامان گهربار نرجس ساطع گشت و به آفاق آسمان پهن شد و مرغان سفید را دیدم که از آسمان به زمین آمدند در این هنگام امام حسن عسکری به من فرمودند: فرزندم را در برگیر و به نزد من آور، چون او را در برگرفتم ختنه کرده و ناف بریده، ظاهر و پاکیزه یافتم و روی بازوی راستش را دیدم که نوشته شده بود.

﴿وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدَّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾<sup>۲</sup>

«کلام خدای تو از روی راستی و عدالت به حد کمال رسید و هیچ کس

تبدیل و تغییر آن کلمات نتوان کرد و او خدای شنوا و داناست.»

۱ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳، ح ۱۴.

۲ - سورة انعام (۶) آیه ۱۱۵.

و روی بازوی چپش با نور نوشته شده بود.

﴿بِجَاءِ الْحَقِّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا﴾<sup>۱</sup>

«حق آمد و باطل نابود شد، به درستی که باطل نابود شدنی است.»

پس من او را که شاهکار آفرینش بود با شادمانی در پارچه‌ای پیچیدم و نزد امام حسن عسکری بردم و همین که آن مولود نظرش بر پدر افتاد سلام کرد و پدر او را با شادی در برگرفت و دست مبارکش را بر سر آن سرور کشید و بر کف دست چپ نشانید و با دست راست بر پشت و گوش و بندهایش کشیده و فرمود: فرزندم به قدرت الهی سخن بگو، حضرت پس از سلام و صلوات بر حضرت رسالت پناه و حضرت امیرالمؤمنین و جمیع امامان و پدر بزرگوار خویش علیه السلام استعاذه فرموده و بیان داشتند:

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعْنَا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَيْمَةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ وَنَمُكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِي فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ﴾<sup>۲</sup>

«به نام خداوند بخشنده مهربان، می خواهیم منت گذاریم بر جماعتی که ایشان را ستمکاران در زمین ضعیف گردانیده‌اند و بگردانیم ایشان را پیشوایان دین و بگردانیم ایشان را وارثان زمین و تمکین و استیلا بخشیم ایشان را در زمین و بنمائیم به فرعون و هامان و لشکریان ایشان از آنچه که حذر می کردند.»

آنگاه آن حضرت برای دوستان و افراد مضطر دعا کردند و از خداوند خواستند که ظهورشان را نزدیک گرداند.

سپس امام حسن عسکری فرمودند: ای عمه! او را نزد مادرش ببر، تا به وی سلام کند و چشمان مادرش به نور او روشن شود و بداند که وعده خداوند جل جلاله حق است و لکن بیشتر مردم نمی دانند.

پس آن منجی آسمانی را به سوی مادرش برگرداندم، زمانی که فجر دوم رویت

۱ - سورة الاسراء (۱۷) آیه ۸۱

۲ - سورة قصص (۲۷) آیه ۵

شده بود، بار ديگر او را بعد از ديدار مادر به نزد پدر بزرگوارش آوردم، ناگهان متوجه مرغاني شدم که دور سر آن مولود جمع شده و بال خود را بر سر آن سرور گسترانيدند در اين بين حضرت امام حسن عسکري يکي از آن مرغان را فرا خوانده و فرمودند: اين طفل را بردار و نيکو محافظت کن و در هر چهل روز او را به ما برگردان. مرغ آن مولود را برداشت و به سوي آسمان پرواز کرد و ساير مرغان نيز به دنبال او به پرواز در آمدند، در اين لحظه امام حسن عسکري فرمودند: تو را به خدائي مي سپارم که مادر موسي فرزند خود را به او سپرد. پس حضرت نرجس خاتون گريان شد.

امام فرمودند: آرام باش و بدان تغذيه او از شيره جان تو خواهد بود و به زودي او را نزد تو مي آورند، همان طور که موسي را به مادرش برگردانند. بار ديگر از برادر زاده ام سوال کردم آن مرغ چه پرنده اي بود و آن مرغان ديگر چه نقشي دارند که صاحب الامر را به آنان سپردی؟

حضرت فرمودند: آن موجودی که به شکل پرنده، مولود را در برگرفت فرشته درگاه الهی جبرئیل است که مراقب ائمه می باشد و به امر خداوند آنان را با علم و معرفت الهی پرورش می دهد و آن پرندگان ديگر فرشته های رحمت اند که به اذن پروردگار او را برای عرض ادب نزد حق تعالی بردند و آنان نيز در زمان ظهور از ياوران فرزندان مهدی خواهند بود، آنگاه حضرت امام حسن عسکري نام مولود را (م ح م د) گذارد و خبر طلوع دوازدهمین اختر ولايت را که روز جمعه نيمه شعبان سال ۲۵۵ ق بر جهانيان پرتو افکن گردیده بود، بر عده ای از اصحاب خود نوید داد و فرمود: بعد از من اين کودک امام و پيشوای شما و جانشينم خواهد بود، بدانيد و با خبر باشيد او همان «قائم آل محمد» است که مردم برای ظهورش انتظارها می کشند و وقتی دنيا پر از ظلم و بی عدالتی بشود او ظاهر خواهد شد و جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد.

سپس حضرت امام حسن عسکري به ميمنت تولد فرزند عزيزشان حضرت (م ح م د) مهدی چهارگوسفند به همراه نامه ای برای يکي از اصحاب به نام ابراهيم فرستادند که مضمون نامه اين است:

﴿بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ﴾

ابراهیم این گوسفندان را برای فرزندم مهدی عقیقه کن و با گوارایی خود و هر کس از شیعیان ما که یافتی بخورید و همچنین خبر و بشارت تولد مولود را به دوستان و شیعیان قابل اعتماد برسان و آنان را به کتمان وجود آن بزرگوار ترغیب بنما. حضرت امام حسن عسکری در همین رابطه وکیل خود «عثمان بن سعید عمروی» را فراخواند و دستور عقیقه کردن سیصد گوسفند برای فرزند بزرگوارشان را صادر کرده و دستور داد تا ده هزار رطل نان و ده هزار رطل گوشت در راه خدا انفاق گردد.

حکیمه خاتون گوید: چون روز چهارم شد به حضور امام حسن عسکری علیه السلام شرفیاب شدم، کودکی دو ساله را در خانه دیدم راه می‌رود، کودکی که چهره‌ای زیباتر از رخسار او و زبانی فصیح‌تر از گفتار او نیافتم، او را نشناختم به همین دلیل برادرزاده‌ام فرمود: عمه! بدان این مولود پیش خدا بسیار عزیز است و من که از رشد غیر طبیعی او متعجب شده بودم با شادمانی او را نظاره کردم.

امام حسن عسکری در این بین فرمودند: عمه جان آیا نمی‌دانی که رشد ما ائمه با رشد دیگران فرق دارد؟ پس من برخاستم و سر آن سرور را بوسیدم، بار دیگر امام حسن عسکری فرمودند: عمه جان! فرشتگان فرزندم را به سراپرده عرش رحمانی بردند؛ پس حق تعالی به او خطاب کرد مرحبا به تو ای بنده من! به ذات اقدس خود قسم یاد می‌کنم که بندگان را به طاعت تو ثواب دهم و به نافرمانی تو عقاب کنم و به سبب شفاعتت، آنان را خواهم آمرزید.

آنگاه آن حضرت فرمودند: خداوند وعده داده است او را در پناه و حفظ و حمایت خود از شر دشمنان حراست و محافظت نماید و حق را به وجود او به پا داشته و باطل را به او سرنگون سازد تا دین حق بر تمام جهان حاکم گردد.

بدین ترتیب من نیز طبق معمول هر چهل روز آن طفل نازنین را می‌دیدم تا آن‌که چند روز پیش از شهادت پدرگرامیش او را به شکل مردی جوان دیدم و نشناختم، لذا از امام پرسیدم او کیست؟

آن حضرت فرمودند: او پسر نرجس است که جانشین بعد از من خواهد بود؛ زیرا



من بیش از چند روز دیگر در میان شما نخواهم ماند و می خواهم بعد از من از وی فرمانبرداری کنید.

در همین رابطه محمد بن بابویه قمی رضی الله عنه از ابوالادیان روایت کرده است:

من در نزد امام حسن عسکری علیه السلام بودم و خدمت او می کردم و نامه های ایشان را به شهرها می بردم، روزی نزد آن جناب رفتم تا نامه ها را گرفته و به مداین برم، در آن روز حضرت فرمودند: ابوالادیان تو بعد از پانزده روز که سفرت طول می کشد به سامرا بر خواهی گشت و صدای ناله و شیون از خانه ما خواهی شنید، بدان که آن روز مرا غسل و کفن خواهند کرد تا به خاکم سپارند.

ابوالادیان که از شنیدن این خبر بسیار متأسف شده بود، خطاب به حضرت عرض کرد: یا بن رسول الله بفرمائید در آن زمان امر امامت با کیست؟

حضرت فرمودند: هر که جواب نامه های مرا از تو طلب کند بعد از من امام است.

ابوالادیان عرض کرد: یا بن رسول الله علامتی دیگر بفرمائید.

حضرت فرمودند: هر که بر من نماز گزارد، او جانشین من است.

ابوالادیان تقاضای علامتی دیگر کرد.

حضرت فرمودند: هر که بگوید در همیان چه چیز است بدان او امام شما مردم

خواهد بود.

ابوالادیان گوید: پس از شنیدن آن اخبار از حضرت امام حسن عسکری

خدا حافظی کرده و به سوی مداین روانه شدم و بعد از پانزده روز که برگشتم، با خبر

شدم جان پاک امام حسن عسکری علیه السلام با زهر معتمد عباسی به شهادت رسیده و

روح مقدسش به اعلیٰ علین پیوسته است و زمانی که به خانه مولایم رفته، صدای

ناله و شیون را شنیدم که از منزل آن امام مطهر بلند شده بود و جعفر کذاب برادر آن

حضرت را دیدم بر در خانه نشسته و شیعیان دور او را گرفته و به او برای وفات

برادرش تسلیت و برای جانشینی و امامت تبریک می گفتند، من از این امر تعجب

کرده؛ زیرا می دانستم جعفر مردی ناباب است، با این حال جلو رفته تعزیت و

تهنیت گفتم در حالی که هیچ سوالی از من نکرد و من در گوشه ای نشستم، در این اثناء

«عقید» خادم حضرت امام حسن عسکری بیرون آمد و به جعفر خطاب کرد که ای

سید برادرت را کفن کرده‌اند بیا و بر او نماز بگذار.

جعفر برخاست و شیعیان با او همراه شدند و چون به صحن خانه رسیدیم او پیش ایستاد که بر جسم برادر اطهر خود نماز گذارد چون خواست «تکبیرة الاحرام» بگوید طفلی گندمگون، پیچیده موی، گشاده دندان، با صورتی زیبا و ملکوتی جعفر را کنار کشید و فرمود: ای عموا پس بایست که من برای خواندن نماز بر پدرم سزاوارترم.

جعفر درحالی که رنگش متغیر شده بود عقب ایستاد و آن طفل بر پدر بزرگوار خود نماز گذارد و سپس آن حضرت را در جنب امام علی النقی علیه السلام دفن کرد، بعد متوجه من شد و فرمود: ابوالادیان جواب نامه‌ها را بده که همراه تو است، پس تسلیم کردم و در خاطر خود گفتم: دو نشان ظاهر شده و یک علامت دیگر مانده است. در این لحظه بیرون آمدم و عده‌ای را دیدم که از جعفر پرسیدند امر امامت با کیست تا ما نامه‌ها و مالی که به همراه داریم تسلیم او کنیم و باید گفته شود مال چه مقدار است؟

جعفر برخاست و گفت: مردم از ما علم غیب می‌خواهند، در آن وقت «خادم» از جانب حضرت صاحب الامر بیرون آمد و گفت: با شما، نامه فلان شخص و فلان هست و همیانی نیز باید باشد که در میان آن هزار اشرفی است که نه اشرفی از طلا روکش شده است.

آن جماعت نامه‌ها و مال‌ها را تسلیم به خادم کرده و گفتند: هر که تو را فرستاده که این امانت‌ها را بگیری او امام زمان است.

پس جعفر کذاب به نزد معتمد رفت و وقایع را تمام برای او نقل کرد، آنگاه معتمد عده‌ای را نزد حضرت نرجس علیها السلام فرستاد تا طفل را نشان دهد و آن بانوی بزرگوار وجود فرزند عزیزش را انکار کرد درحالی که معتمد دستور قتل طفل را صادر کرده بود.

شیعیان می‌گویند: ما شاهد بودیم احوال آن بانوی غمگین و مضطرب را، درحالی که فرزندش را می‌نگریست.

می‌نگریست آن سرور را که داخل سرداب خانه پدرش شد و دیگر برنگشت.

بارالها! سلام و تحیت ما را شاهد باش که خطاب به زوج بزرگواری عرض می‌کنیم که فرزند عزیزشان اشرف خلق عالم است، سلام بر والد و والده امام عصر و سلام بر آن نفوس قدسی و با تقوا که خداوند از آنان راضی و خشنود و آنان نیز از باری تعالی رضایت دارند.

سلام بر جسم و جان پاک آن دویزرگوار که خداوند کفالت آخرین حجت خود آقا امام زمان علیه السلام را به ایشان سپرده و آنان نیز در حفظ و حراست حجت خدا صبر و رنج فراوانی را تحمل کرده‌اند.

پروردگارا! درود فراوان فرست بر محمد و آل محمد و ما را از شفاعت پدر و مادر ولی عصر، سلطان انس و جان منتفع فرما و فرزند گرامیشان حضرت حجت بن الحسن را در اموری که به او محول شده پیروز و فتح نهایی را از آن ایشان گردان، به امید موفقیت آن امام همام در دوران حیات پر از نور و معنویتشان. ان شاء الله

### نام‌ها و لقب‌های حضرت مهدی علیه السلام

برخی از لقب‌های حضرت مهدی عبارتند از: حجت خدا، خاتم اوصیاء، منتظر، وارث، بساعت، خلف صالح، قائم به حق، مظهر دین، دادگستر، بقیة الله، صاحب الزمان، صاحب شمشیر، منصور، تالی، نائب، خالص، منتقم، صاحب الامر، سید، جابر، ثائر، خازن، باسط، برهان، مضطر، احسان، ناطق، سدرة المنتهی، هادی، خلیفة الله، مدبر، عین، غایب، حمید، منعم، محسن، حامد، مهدی و...

او را «مهدی» گویند؛ چون خداوند به امری پوشیده هدایتش کرده است.

او را «قائم» نامند؛ زیرا پس از فراموش شدن نامش از خاطره‌ها قیام کند.

او را «منتظر» خوانند؛ زیرا برای مدتی طولانی غیبت می‌کند و علاقه‌مندان به آن حضرت نیز منتظر ظهورش خواهند بود.

او را «منصور» گویند؛ از این جهت که نصرت از آن ایشان خواهد شد.

او را «صاحب الامر» خوانند؛ زیرا امر الهی و استقرار عدل در عالم به دست مبارک آن حضرت انجام می‌پذیرد.

نام‌های آن حضرت در سایر ادیان از قبیل تورات، انجیل و متون آئین‌های هندو

نهی از بردن نام حضرت مهدی ..... ۸۷

و کتاب های فرنگی عبارتند از: اوقیدمو، لندیطارا، ماشع، شماطیل، مهمیذاآخر، واقید، فیذمو، مسیح الزمان، خداشناس.  
پیامبر اکرم و امامان معصوم علیهم السلام اسامی دیگری بر آن حضرت اطلاق نموده اند؛ از جمله: امیرامیران، قاتل تبهاران، آقای دو جهان و...<sup>۱</sup>

### نهی از بردن نام حضرت مهدی علیه السلام

حضرت مهدی درباره نهی از بردن نام خود «م ح م د» فرموده اند:

«مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ سَمَّانِي فِي مَجْمَعٍ مِنَ النَّاسِ بِاسْمِي»<sup>۲</sup>

«کسی که مرا در اجتماع مردم (م ح م د) نام ببرد، ملعون و از رحمت خدا به دور است.»  
امام هادی علیه السلام می فرماید:

«أَلْخَلْفُ مِنْ بَعْدِي ابْنِي الْحَسَنِ. فَكَيْفَ بِكُمْ بِالْخَلْفِ بَعْدَ الْخَلْفِ؟. قِيلَ: وَلِمَ جُعِلْنَا فِدَاكَ؟. قَالَ: لِأَنَّكُمْ لَا تَرَوْنَ شَخْصَهُ وَلَا يَجُلُ لَكُمْ ذِكْرُ اسْمِهِ، فَقِيلَ لَهُ: كَيْفَ نَذْكُرُهُ قَالَ: قُولُوا: الْحُجَّةُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ»<sup>۳</sup>

«خلف بعد از من پسر من حسن می باشد ولیکن چگونه است حال شما در مورد خلف بعد از او؟»

گفته شد: جان ما فدای تو باد! از چه نظر؟

(حضرت) فرمود: شخص او را نخواهید دید و بازگو کردن نام او «م ح م د» بر شما روا نخواهد بود.

گفتند: پس چگونه از او یاد کنیم؟

حضرت فرمود: بگوئید حجت خدا از آل محمد.»

مرحوم کلینی قده به سند خود از علی بن محمد از ابو عبدالله صالحی رضی الله عنه نقل می کند که گفت: پیش از درگذشت امام حسن عسکری علیه السلام اصحاب از من خواستند تا من اسم و مکان حضرت مهدی علیه السلام را سؤال کنم پس از سؤال، جواب آمد:

۱ - الزام الناصب، ص ۱۴۰ - ۱۴۲.

۲ - بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۳.

۳ - منتخب الاثر، ص ۲۲۶.

«إِنْ دَلَّتْهُمْ عَلَى الْإِسْمِ أَذَاعُوهُ وَإِنْ عَرَفُوا الْمَكَانَ دَلُّوا عَلَيْهِ»<sup>۱</sup>

«اگر آنان را به اسم او (حضرت مهدی) آگاه سازید آن را ظاهر سازند و اگر مکانش را بشناسند بر ضد او اقدام کنند.»

محدث بزرگ شیخ حر عاملی رحمته الله پس از نقل این حدیث می گوید: این حدیث دلالت دارد که نهی ائمه اطهار علیهم السلام از نام بردن حضرت مهدی علیه السلام مخصوص مواردی است که خوف از شر و بروز فساد باشد، در همین رابطه علمای بزرگ اسلام تصریح کرده اند: به سبب رعایت ادب، مؤمنان نباید اسم آن حضرت را با نام «م ح م د» در مجالس خود بخوانند بلکه باید به القابی همچون: بقیة الله، صاحب الزمان، صاحب الامر، حضرت حجت و یا مهدی یاد کنند.

کنیه شریف آن حضرت ابوالقاسم، ابو عبدالله، ابوجعفر و ابوصالح نیز معروف است.

محل ولادت آن حضرت، شهر مقدس سامرا.

ساعت ولادت مولود، موقع طلوع فجر.

روز ولادت مولود، روز جمعه.

ماه ولادت مولود، پانزدهم ماه مبارک شعبان.

سال ولادت مولود، ۲۵۵ یا ۲۵۶ هـ. ق. نقل شده است.

## ادیان در آخرالزمان

همه ادیان معتقدند در عصر آخرالزمان بشر فطرتاً در رابطه با اخلاق و امور معنوی در سیر نزولی به سر می برد و خود به تنهایی نمی تواند به این انحطاط پایان بخشد مگر این که یک شخصیت آسمانی بلند پایه که از مبدأ وحی سرچشمه می گیرد ظهور کند و جهان را از جهل، تاریکی، ظلم، ستم و... رهایی بخشد. از روزگاران کهن داستان ظهور مصلح در آخرالزمان مبنای اصولی داشته و انبیای الهی آن را متذکر شده اند، از جمله: زردشتیان او را «سوشیانس»، هندوها «برهمن کلا»، یهودیان «یوشع»، مسیحیان «مسیح و پسر انسان» و بالآخره مسلمانان نجات دهنده خویش

را «قائم» قیام کننده و «مهدی» هدایت شده می نامند.  
 در واقع پیروان مذاهب مختلف همگی قائل بر این امر هستند که جهان در انتظار  
 استقرار آن حکومت و عدل الهی به سر می برد و پس از بروز نشانه های ظهور  
 می توان در انتظار آن حکومت الهی شد که بشر در سایه اش به امن و امان دست  
 خواهد یافت. ان شاء الله

### آئین زردشت

یکی از مذاهب در ایران در دوره باستان، زردشت است که بنیانگذار آن زرتشتو  
 می باشد و طبق تحقیق عده ای از مورخین و محققین ظهور ایشان را میان سده ششم  
 و دهم قبل از میلاد نقل کرده اند.

در دین زردشت که یکی از ادیان به شمار می آید و کتاب زردشتیان اوستا و...<sup>۱</sup>  
 نام دارد که حدود هشتصد سال پس از مرگ زردشت تدوین یافت در آئین زردشت  
 موعودهایی معرفی شده که آنان را سوشیانس می نامند، این موعودها سه تن  
 بوده اند از جمله: مهمترین آنان، آخرین ایشان است که او را سوشیانس پیروزگر می خوانند.<sup>۲</sup>  
 سوشیانس پیروزگر به منزله کریشنای برهمنان، بودای پنجم بوداییان، مسیح  
 یهودیان، فارقلیط<sup>۳</sup> عیسویان و مهدی مسلمانان است.

سوشیانس پیروزگر موعود زردشتیان است؛ چنان که گفته اند:

«سوشیانس (نجات دهنده بزرگ) پس از ظهور، دین را به جهان رواج خواهد  
 داد، فقر و تنگدستی را ریشه کن کرده و ایزدان<sup>۴</sup> را از دست اهریمن نجات داده و

۱ - مرویست: به سال ۳۳۰ قبل از میلاد به علت حمله اسکندر مقدونی آثار زردشت دچار حریق شده و بعد  
 از چندین قرن در زمان ساسانیان، موبدان زردشتی اوستای کنونی را از قطعات پراکنده پدید آورده و بدون شک  
 تغییرات بسیاری در آن وجود دارد و دیگر کتب در آیین زردشت عبارتند از: کتاب زند، جاماسب نامه، داتستان  
 دینیک، زراثشت نامه.

۲ - جاماسب نامه، ص ۱۲۱.

۳ - منظور از فارقلیط، حضرت محمد مصطفی ﷺ است فارقلیط به معنای احمد می باشد که حضرت  
 عیسی علیهما السلام بشارت ظهور ایشان را در آخر الزمان نوید دادند و این نوید در سوره صف آیه ۶ آمده است.

۴ - منظور از کلمه ایزدان در آئین زردشتی، فرشتگان درجه دوم هستند.

مردم جهان را هم فکر و هم گفتار و هم کردار می گردانند.<sup>۱</sup>  
 در کتاب جاماسب نامه، شاگرد زردشت می گوید:  
 «مردی از زمین تازیان و از فرزندان هاشم بیرون آید مردی بزرگ سر، بزرگ تن،  
 بزرگ ساق و به دین جد خویش بُود و زمین را پردازد کند.»<sup>۲</sup>  
 در یکی از کتابهای مذهبی زردشتیان به نام «زند» آمده است:  
 «آنگاه پیروزی بزرگ از طرف ایزدان می شود و اهریمنان را منقرض می سازند و  
 تمام اقتدار اهریمنان در زمین است و در آسمان راهی ندارند و بعد از پیروزی ایزدان  
 و برانداختن تبار اهریمنان، عالم کیهان به سعادت اصلی خود رسیده بنی آدم بر  
 تخت نیک بختی خواهند نشست.»<sup>۳</sup>

همچنین به اعتقاد زردشت در کتاب زند اوستا نقل شده است:  
 «وقتی آخرالزمان بشود شخصی ظاهر خواهد شد که منجی انسان از پلیدی هاست و  
 حکومت عدالت و پاکی را در جهان به وجود می آورد در آخرالزمان شخصی ظاهر  
 می شود که او را (اشیر زیکا) گویند، یعنی: دانایی که عالم را به دین و عدل مزین  
 دارد... جور و طغیان از عالم محو کند، ملوک فرمان او برند و دین حق را یاری کنند و  
 در آن زمان امن و استقامت زیاده گردد، فتنه و محنت زایل و برطرف شود...»<sup>۴</sup>  
 در جاماسب نامه نیز آمده است:

«پیامبر عرب، آخر پیامبران باشد که در میان کوه های مکه پیدا شود بر شتر سوار  
 شده و قوم او شتر سواران خواهند بود با بندگان خدا چیز خورد به روش بندگان  
 نشیند او را سایه نباشد از پشت سر مثل پیش رو ببیند، دین او اشرف ادیان باشد  
 کتاب او همه کتاب ها را باطل گرداند دولت او «تازیک» یعنی عجم را بر باد دهد،  
 دین مجوس را نابود نماید و آتشکده ها را خراب کند، روزگار پیشدادیان، کیانیان،  
 ساسانیان، اشکانیان تمام شود.»<sup>۵</sup>

۱ - جاماسب نامه، ص ۱۲۱.

۲ - ادیان و مهدویت، ص ۱۹.

۳ - بشارات عهدین، ص ۲۳۸.

۴ - ترجمه الملل والنحل، ج ۱، ص ۳۹۷.

۵ - همان، ص ۲۷۲.

در همین رابطه در قرآن کریم می خوانیم:

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِغِينَ<sup>۱</sup> وَ النَّصَارَى وَالْمَجُوسَ وَالَّذِينَ  
 أَشْرَكُوا إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ﴾<sup>۲</sup>

«به تحقیق خداوند بین اهل ایمان و یهود و ستاره پرستان و نصاری و  
 گبران (زردشتیان) و آنان که به خداوند شرک آوردند محققاً روز قیامت  
 میان آنان جدایی افکند (و هر کس را به جایگاهی برد که استحقاقش را  
 دارد) که او بر احوال همه موجودات عالم گواه است.»

### آئین هندویی

آئین هندویی در حدود ۱۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح بنیاد نهاده شد که یکی از  
 پرطرفدارترین دین‌های جهان است در دین هندویی، فرقه‌های متعددی وجود  
 دارند از جمله: دو فرقه اصلی خدایانی چون «ویشنو» خدای خالق و «شیوا» خدای  
 منهدم کننده را می پرستند و حداقل ۵۹ فرقه فرعی نیز نوعی خدای شخصی را  
 ستایش می کنند و بت پرستی در سرتاسر هند به اشکال مختلف وجود دارد.

در آئین هندو از نجات دهنده و موعودی به نام آواتارا سخن به میان آمده است و  
 در منابع هندوها در کتاب اوپانیشاد<sup>۳</sup> مطرح شده است:

«مظهر ویشنو (مظهر دهم) در انقضای کلی یا عصر آهن سوار بر اسب سفید  
 ظاهر می شود، درحالی که شمشیر برهنه درخشانی به صورت ستاره دنباله دار در  
 دست دارد و شیران را تماماً هلاک می سازد و خلقت را از نو تجدید و پاکی را  
 رجعت خواهد داد، این مظهر دهم در انقضای عالم ظهور خواهد کرد.»<sup>۴</sup>

در همین رابطه، شاکمونی که از اعظم کفره هند است در کتاب مذهبی خود می گوید:  
 «پادشاهی دولت دنیا به فرزند سید خلائق دو جهان «کشن»<sup>۵</sup> تمام شده و او

۱ - صابانان فرقه مذهبی که آداب و رسوم آنان مخلوطی از یهودی گری و مسیحیت است.

۲ - سوره حج (۲۲) آیه ۱۷.

۳ - کتاب اوپانیشاد، ص ۷۳۷.

۴ - معارف اسلامی در جهان معاصر، ص ۲۴۵.

۵ - کشن به لغت هندی نام پیامبر اسلام است که در بشارت فوق فرزند برومندش را به نام ایستاده و



کسی باشد که بر کوه‌های مشرق و مغرب دنیا حکم براند و بر ابرها سوار شود و فرشتگان کارکنان او باشند و جن و انس در خدمت او در آیند، دین خدا یک دین شود و دین خدا زنده گردد و نام او ایستاده و خداشناس باشد.<sup>۱</sup>

در کتاب باسک که از کتاب‌های آسمانی هندویان به شمار می‌رود، آمده است: «دور دنیا به پادشاه عادل در آخرالزمان تمام شود که پیشوای ملائکه و پریان و آدمیان باشد، حق و راستی با او همراه است و آنچه در دریاها، زمین‌ها و کوه‌ها پنهان شده باشد همه را به دست می‌آورد و از آسمان‌ها و زمین آنچه باشد خبر دهد و از او کسی بزرگتر به دنیا نیاید.»<sup>۲</sup>

در کتاب پاتیکل که از بزرگان هندویان و به زعم آنان صاحب کتاب آسمانی است راجع به دولت با سعادت حضرت مهدی علیه السلام این‌گونه آمده است:

«چون مدت روز تمام شود و دنیای کهنه، نو و زنده گردد، صاحب مُلک تازه از فرزندان دو پیشوای جهان یکی ناموس آخرالزمان<sup>۳</sup> و دیگری صدیق اکبر پیدا شود، یعنی وصی بزرگتر وی که پشن<sup>۴</sup> نام دارد و نام آن صاحب مُلک تازه، راهنماست<sup>۵</sup> به حق پادشاه شود و خلیفه رَام<sup>۶</sup> باشد و حکم براند و او را معجزه بسیار است، هر که پناه به او برد و دین پدران او اختیار کند در نزد رَام سرخ روی باشد و دولت او بسیار کشیده شود و عمر او از فرزندان ناموس اکبر زیاد باشد و آخر دنیا به او تمام شود.»<sup>۷</sup>

در کتاب (دید) که نزد هندویان از کتب آسمانی است نقل شده:

«پس از خرابی دنیا، پادشاهی در آخرالزمان پیدا شود که پیشوای خلائق باشد و نام او منصور است و تمام عالم را بگیرد و به دین خود درآورد و همه کس را از مؤمن

خداشناس نامیده‌اند چنان‌که شیعیان او را «قائم» می‌خوانند.

۱ - ادیان و مهدویت، ص ۱۸.

۲ - همان، ص ۱۹.

۳ - مقصود از ناموس آخرالزمان، ناموس اعظم حضرت محمد صلی الله علیه و آله است.

۴ - پشن نام هندی علی بن ابیطالب علیه السلام است.

۵ - راهنما نام حضرت مهدی (عج) است و همچنین نام هادی، مهدی و قائم بالحق از آن اوست.

۶ - رَام به لغت سانسکریتی نام خدای سبحان است.

۷ - ادیان و مهدویت، ص ۱۹.

و کافر بشناسد و هر چه از خدا خواهد برآید.»<sup>۱</sup>

همچنین در کتاب (دادتک) از کتب مقدسه برهمنائیان هند این گونه نقل شده است:  
 «... دست حق برآید و جانشین آخر (محتاط)<sup>۲</sup> ظهور کند و مشرق و مغرب عالم را بگیرد و خلائق را هدایت نماید.»

### آئین بودایی

آئین بودایی ۵۶۰ سال پیش از میلاد حضرت مسیح علیه السلام توسط گوتاما بودا به وجود آمد. آئین بودا! مذهبی فاقد خداوند است گوتاما بودا متفکری بود که یک سلسله نظریات فلسفی و عرفانی را پایه ریزی کرد از جمله: بودا به پیروان خود تعلیم داد که فلاح و نجات آدمی در دست خود اوست و روح انسانی با تلاش خویش می تواند به مرحله کمال برسد و یگانه راه نجات تسلط بر هوای نفس است.

آئین بودا، آئینی است که به علت پر طرفدار بودن، قدرت بین المللی به خود گرفته است ولی همواره با این امر که تفکر بودایی به عنوان یک دین شناخته شود مخالفت شده، اگرچه آئین بودایی از نظر پیروانش یک مذهب، از مذاهب به شمار می آید که صدها میلیون پیرو دارد، کتاب بودائیان پی تا کاس و داماپادا می باشد.  
 «در آئین بودایی مسأله انتظار مطرح است و شخصیت مورد انتظار در این آئین، بودای پنجم می باشد.»<sup>۳</sup>

### آئین یهودی

آئین یهود خود را پیروان حضرت موسی کلیم علیه السلام می دانند.<sup>۴</sup> در آئین یهود و در بین

۱ - بشارات عهدین، ص ۲۴۵.

۲ - محتاط در لغت هندی به معنی «محمد» است.

۳ - بشارات عهدین، ص ۲۴۵.

۴ - حضرت موسی در حدود ۱۳۵۰ سال قبل از میلاد مسیح در زمان سلطنت رامسیس دوم متولد شد و در زمان سلطنت منفتاح پسر رامسیس به رسالت مبعوث گردید، آئین یهود دارای کتاب مقدسی همچون تورات است و کتب دیگری هم نزد یهودیان مورد استناد می باشد از جمله: کتب انبیای بنی اسرائیل که شامل هفده کتاب است که به نبوات هفده گانه معروف می باشد، جمع کتب مقدسه یهود ۳۹ کتاب است و از جمله: ۵ سفر تورات، ۱۷ کتاب نبوات، ۱۲ کتاب داوری، ۵ کتاب سرود و شعر و امثال که مربوط به انبیای مختلف است البته چندی از

آثار دینی آنان موعود نیز به چشم می خورد و با تأمل در مجموع آنچه در آثار مقدس یهود آمده، چهره سه موعود ترسیم می شود: حضرت مسیح عليه السلام، حضرت محمد صلى الله عليه وآله و حضرت مهدی عليه السلام.

به هر حال، چون یهودیان به حضرت مسیح ایمان نیاورده اند بالطبع موعود آنان هنوز ظهور نکرده است با این حساب انتظار در یهودیت کیفیتی ویژه می یابد؛ چون این قوم به حضرت مسیح و حضرت محمد عليه السلام نگرویدند، پس مسأله انتظار باید برای آنان حساس و نگران کننده باشد.

در کتب عهد عتیق بشارت به روزی داده شده است که بشر به ایده ها و آرمان های خود خواهد رسید از جمله می خوانیم:

«... آنچه یهود بر آن اتفاق دارند خروج شخصی در آخر زمان است که کوکب جهان افروز می باشد که روی زمین را به نور رب کریم روشن گرداند... و یهودیان به انتظار او زمان می گذرانند.»<sup>۱</sup>

در همین رابطه اشعیا نبی<sup>۲</sup> در تورات به دورانی اشاره کرده است که در آن صلح و آرامش حکمفرما خواهد بود از جمله می خوانیم:

«نهالی از تنه یسی<sup>۳</sup> بیرون آمده، شاخه ای از ریشه هایش خواهد شکفت تا روح خدا بر او قرار گیرد که مسکینان را به عدالت داوری کند و مظلومان زمین را به راستی حکم راند و گرگ با بره سکونت کرده و پلنگ با بزغاله خوابد و گوساله و شیر پرواری با هم و طفل کوچک آن ها را خواهد راند، پس در تمامی کوه مقدس من، ضرر و فساد دیده نشود؛ زیرا که جهان از معرفت خداوند پر خواهد شد.»<sup>۴</sup>

همچنین در کتاب اشعیا نبی نقل شده است:

«کمر بند کمرش (عدالت) خواهد بود و کمر بند میانش (امانت) گرگ با بره سکونت خواهد داشت و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و گوساله و شیر پرواری با

این کتب در نزد سامری ها اعتبار ندارد. (شناخت تحلیلی اسلام و... ص ۲۹۰ - ۲۸۹)

۱ - ترجمه الملل والنحل، ج ۱، ص ۳۱۲.

۲ - اشعیا نبی فصل ۱۱، بندهای ۱-۱۰.

۳ - یسی به معنی قوی نام پدر حضرت داود عليه السلام است.

۴ - تورات اشعیا نبی، فصل ۱۱، بندهای ۱ تا ۱۰.

هم و طفل کوچک آن‌ها را خواهد راند.»<sup>۱</sup>

در تورات نقل شده است:

«ای ابراهیم دعایت را در حق اسماعیل شنیدم، او را برکت داده، بارور گردانیده، به مقام ارجمند خواهم رساند به وسیله محمد و دوازده امام از نسلش، او را امتی بزرگ خواهم داد.»<sup>۲</sup>

در کتاب ارمیای تورات از جنگ عمومی یاد شده است:

«در جنگی که قبل از ظهور مصلح بزرگ واقع می‌شود و ایمنی برای کسی نمی‌گذارد و سپس وعده امن و امان می‌دهد و در باب ۲۳ همان کتاب وعده پادشاه عادل داده شده که مالک روی زمین می‌شود و عالم را بعد از آن که دو سوم از اهلش نابود شود اصلاح می‌کند.»<sup>۳</sup>

حضرت داوود علیه السلام در کتاب مزامیر (زبور) اشاره به روزی کرده است که می‌خوانیم:

«بدکاران و فسادکنندگان نابود خواهند شد و خداپرستان وارثان زمین و برپا کنندگان عدالت می‌گردند و این میراث ابدی خواهد بود... خداوند روزهای صالحان را می‌داند... و آنان در ایام قحطی سیر خواهند بود، لکن شریران هلاک خواهند شد.»<sup>۴</sup>

به تحقیق در زمان او «صالحان خواهند شکفت، وفور و سلامتی خواهد بود، او حکمرانی خواهد کرد، از دریا تا دریا و از نهر تا اقصای جهان.»<sup>۵</sup> ان شاء الله

## آئین مسیحیت

مرویست: آئین مسیحیت در حدود دویست و پنجاه فرقه و مذهب را شامل می‌شود که کاتولیک، پروتستان و ارتودوکس معروفترین فرقه در آئین مسیحیت است، در این آئین درباره ظهور موعود در آخرالزمان اشاراتی در انجیل متی، لوقا،

۱ - اشعیا نبی، آیات ۵ تا ۸

۲ - تورات، سفر تکوین المخلوقات، فصل ۱۷/۲۰.

۳ - ارمیای تورات، باب ۱۲، طبع لندن.

۴ - بشارت عهدین، ص ۲۳۶.

۵ - تورات، مزامیر داوود - مزمور ۷۲ آیات ۷ تا ۹، ص ۸۸۴.

مرقس، برنابا و مکاشفات یوحنا آمده است که آنان نیز در انتظار حضرت عیسی مسیح عليه السلام به سر می‌برند و عقیده دارند حضرت عیسی از آسمان‌ها نزول کرده و رستاخیز مردگان صورت خواهد گرفت و آدمیان به سزای اعمال خود خواهند رسید.

به طور مثال در انجیل متی آمده است:

«توبه کنید؛ زیرا ملکوت آسمان نزدیک است.»<sup>۱</sup>

در انجیل لوقا نقل شده است:

«کمرهای خود را بسته، چراغ‌های خود را فروخته بدارید و شما مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود را می‌کشند که چه وقت از عروسی مراجعت کند، تا هر وقت آید و در را بکوبد، بی‌درنگ برای او باز کنند، خوشا به حال آن غلامان که آقا و مولای ایشان چون آید، ایشان را بیدار یابد، پس شما نیز مستعد باشید؛ زیرا در ساعتی که گمان نمی‌برید پسر انسان<sup>۲</sup> می‌آید.»<sup>۳</sup>

در انجیل مرقس می‌خوانیم:

«پس بیدار باشید؛ زیرا نمی‌دانید در چه وقت صاحب‌خانه می‌آید، در شام، یا نیمه شب، یا بانگ خروس، یا صبح مبادا ناگهان آمده، شما را خفته یابد.»<sup>۴</sup>

در یوحنا ی لاهوتی نیز می‌خوانیم:

«هر که غالب آید و اعمال مرا تا انجام نگاه دارد او را بر امت‌ها قدرت خواهیم بخشید.»<sup>۵</sup>  
در انجیل برنابا<sup>۶</sup> آمده است:

۱ - انجیل متی، بند ۱.

۲ - در کتاب قاموس مقدس گفته شده است: کلمه «پسر انسان» ۸۰ بار در انجیل و ملحقات آن (عهد جدید) آمده است که فقط ۳۰ مورد آن با حضرت عیسی عليه السلام قابل تطبیق است و ۵۰ مورد دیگر درباره منجی و مصلحی است که در آخر الزمان خواهد آمد.

۳ - انجیل لوقا، فصل ۱۲، بند ۳۵ و ۳۶.

۴ - انجیل مرقس، بند ۲۵ تا ۳۷.

۵ - یوحنا ی لاهوتی، بند ۲۶.

۶ - برنابا یکی از حواریون حضرت عیسی عليه السلام بود که در انجیل خود صریحاً به آمدن پیامبر اسلام با نام فارقلیط یعنی: (احمد) ستاینده‌تر، کسی که خدا را بیشتر از دیگران ستایش کرده است (سوره صف، آیه ۶) اشاره کرده و بسیاری از حقایق از جمله: صعود حضرت عیسی را به آسمان نقل نموده است و مطالب بدون گشته در این کتاب موافقت بسیاری با اخبار قرآن کریم در باب حضرت مسیح دارد ولی متأسفانه عده‌ای از مغرضین با انجیل برنابا مخالفت کرده و آن عده برای حفظ موقعیت خود باعث شدند تا این کتاب مقدس مورد تصویب

«من از خدا خواهم خواست و او پیامبر دیگری به شما خواهد داد که تا ابد با شما باشد.»<sup>۱</sup>

«به تحقیق پیامبران همه آمدند مگر رسول الله، آنکه زود است بعد از من بیاید؛ زیرا که خدا این را می خواهد که من راه او را آماده نمایم.»<sup>۲</sup>

انجیل یوحنا، فصل چهاردهم: باب ۱۶، ۱۷، ۲۵، ۲۶ چنین آمده است:  
 «اگر مرا دوست دارید احکام مرا نگاه دارید و من از پدر خواهم خواست \* و او دیگری را که فارقلیط است به شما خواهد داد که همیشه با شما خواهد بود، خلاصه حقیقتی که جهان آنرا نتواند پذیرفت؛ زیرا که آنرا نمی بیند و نمی شناسد، اما شما آنرا می شناسید؛ چون با شما می ماند... اینها را به شما گفتم مادام که با شما بودم \* اما فارقلیط روح مقدسی که پدر او را به اسم من می فرستد او همه چیز را به شما تعلیم دهد و هر آنچه گفتم به یاد آورد.»

انجیل یوحنا، در فصل شانزدهم باب ۷، ۱۲، ۱۳، ۱۴ چنین نقل شده است:  
 «و من به شما راست می گویم: رفتن من برای شما مفید است؛ زیرا اگر \* نروم فارقلیط نزد شما نخواهد آمد، اما اگر بروم او را نزد شما می فرستم اکنون بسی چیزها دارم که به شما بگویم لیکن طاقت و تحمل ندارید \* اما چون آن خلاصه حقیقت بیاید او شما را به هر حقیقتی هدایت خواهد کرد؛ زیرا او از پیش خود تکلم نمی کند بلکه آنچه می شنود خواهد گفت \* و از امور آینده به شما خبر خواهد داد...»  
 همچنین مرویست:

«پس چون آدم بر قدمهایش برخاست در هوا نوشته ای دید که مانند خورشید می درخشید که نص او «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ! مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» بود. پس آن وقت آدم دهان بگشود و عرض کرد: پروردگارا! تو را شکر می کنم؛ زیرا تفضل نمودی و مرا آفریدی ولیکن به سویت زاری می کنم تا این که مرا به معنای این کلمات «محمد رسول الله» آگاه سازی، پس خداوند جواب داد مرحبا به تو ای بنده من، به درستی که به تو

کلیسا واقع نشود. (اقتباس از کتاب شناخت تحلیلی... ص ۳۰۶)

۱ - انجیل برنابا، فصل ۶/۳۶.

۲ - همان.

می‌گویم: که نخستین آفریده‌ام هستی و آن‌که تو دیدی پسر توست، زود است بعد از این سالهای فراوان به جهان بیاید.<sup>۱</sup>

آری، او حضرت محمد بن عبدالله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ! به خواست خداوند سبحان و در زمان موعود پای مبارک به عرصه وجود نهاد و همچون خورشید به دنیای تاریک آدمیان روشنی بخشید و حال در این عصر و انفسا، آنان که معتقد به اسلام هستند در انتظار آخرین حجت از این خاندان شریف به سر می‌برند به امید آن‌که او بیاید.

آری، او یگانه حجت زمان مهدی موعود بیاید و رسالت جدش خاتم الانبیاء را به سر منزل مقصود رساند و شادی و شادمانی را به عرشیان و فرشیان هدیه کند.

ان شاء الله

### آئین اسلام

در مکتب امید بخش اسلام، مسلمانان جهان نیز در انتظار موعود و سرورشان حضرت بقیه الله الاعظم ارواحنا له الفداء می‌باشند و مسأله موعود در این مکتب از مسائل بدیهی و مسلم بوده و هر مسلمانی در این باره ایمان راسخ دارد، چنان‌که در قرآن می‌خوانیم:

﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَتَمَّ الْأُمَّةِ وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾<sup>۲</sup>

«ما اراده کرده‌ایم بر آنان که روی زمین به ضعف و زبونی کشیده شده‌اند منت نهاده و آنان را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم.»

در همین رابطه امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید:

«دنیا پس از چموشی به ما روی می‌آورد آن‌چنان‌که شتر بدخو به بچه‌اش روی می‌برد.» سپس آن‌حضرت این آیه را تلاوت فرمودند: ﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ...﴾<sup>۳</sup>

در احادیث و روایات نقل شده است، اهل سنت نیز به حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام و

۱ - انجیل برنابا، فصل ۱۴/۳۹ تا ۲۰.

۲ - سوره قصص (۲۸) آیه ۵.

۳ - نهج البلاغه، حکمت ۲۰۹.

مسائل مربوط به آن حضرت ایمان دارند از جمله: گنجی شافعی در کتاب البیان فی اخبار صاحب الزمان می گوید:

«تَوَاتَرَتِ الْأَخْبَارُ وَاسْتَفَاضَتْ، بِكَثْرَةِ رُؤَايَها عَنِ الْمُصْطَفَى صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي أَمْرِ الْمَهْدِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ»<sup>۱</sup>  
 «احادیث پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درباره حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ به دلیل روایان بسیاری که دارد، به حد تواتر رسیده است.»

همچنین گنجی شافعی در کتاب البیان فتوای چهار تن از پیشوایان چهار مذهب سنی را درباره حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل کرده است از جمله:

حافظ بن حجر هبتمی، از مذهب شافعی.

ابوالسرور احمد حنفی، از مذهب حنفی.

محمد بن محمد مالکی، از مذهب مالکی.

یحیی بن محمد حنبلی، از مذهب حنبلی.

در فتوای این چهار تن آمده است که «اعتقاد به ظهور حضرت مهدی اعتقادی درست است و درباره اوصاف مهدی و علائم ظهور او و فتنه های آخرالزمان و خروج سفیانی و... احادیث صحیح رسیده است. علاوه بر این، ابن حجر تصریح کرده که این احادیث متواتر است»<sup>۲</sup>.

در همین رابطه سخنان چندی از عالمان و محققان اهل سنت در طول سده ها از سلف تا خلف، پیرامون حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ این چنین نقل شده است:  
 ابن ابی الحدید مدائنی گوید:

«میان همه فِرَقِ مسلمین اتفاق قطعی است که عمر دنیا و احکام و تکالیف پایان نمی پذیرد، مگر پس از ظهور مهدی»<sup>۳</sup>.

از ابن حجر هبتمی شافعی روایت است:

«ابوالقاسم محمد الحجة عَلَيْهِ السَّلَامُ عمر او پس از درگذشت پدرش پنج سال بود که خداوند در همین عمر، به او (حکمت ربانی) را عطا کرد، او را (قائم منتظر) گویند و

۱ - منتخب الاثر، ص ۵

۲ - همان، ص ۶

۳ - شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۵۳۵



اخبار متواتره رسیده است که مهدی از این امت است و عیسی علیه السلام از آسمان فرود خواهد آمد و پشت سر مهدی نماز خواهد خواند.<sup>۱</sup>

شیخ عبدالحق دهلوی می گوید:

«احادیث بسیاری به حد تواتر رسیده است که مهدی از اهل بیت پیامبر و از اولاد فاطمه علیها السلام است.»<sup>۲</sup>

محمد بن رسول برزنجی در آخر کتاب (الاشاعة فی اشراط الساعة) یادآور شده است: «اخبار مهدی موعود متواتر می باشد و امری مقطوع و مسلم است از این احادیث به یقین باید دانست که مهدی از اولاد فاطمه علیها السلام است و زمین را پر از عدل و داد می کند.»<sup>۳</sup>

همچنین گروه بیشماری از دانشمندان اهل تسنن همچون شبلینجی،<sup>۴</sup> ابن حجر،<sup>۵</sup> سویدی،<sup>۶</sup> گنجی شافعی،<sup>۷</sup> محمد الصدیق<sup>۸</sup> و... که همگی (منکران تواتر احادیث مهدی علیه السلام) را بدعتگزار و کافر قلمداد نموده اند.<sup>۹</sup>

در واقع منکران بدعتگزار همانان هستند که یاد و نام حضرت مهدی را به شکل افسانه نقل کرده و عدم وجود شریف آن حضرت را با جرأت مطرح کرده و می کنند در حالی که اخباری بسیار مهم در مورد آن حضرت در تاریخ اسلام ثبت شده است و مؤمنان به الله، رسول و ولایت به آن واقفند و نیازی به اثبات نیست اگرچه در آینده ای نه چندان دور برای جهانیان، تمام این شک و شبهه ها به نحو احسن به یقین تبدیل خواهد شد و به امید حق مؤمنان و صالحان نیز به دیدار آن بزرگوار نائل خواهند گشت. ان شاء الله

۱ - المهدی الموعود...، ج ۱، ص ۲۰۰.

۲ - منتخب الاثر، ص ۳.

۳ - فتوحات اسلامیة، ج ۲، ص ۳۲۲.

۴ - نور الابصار، ص ۱۵۵.

۵ - الصواعق المحرقة، ص ۹۹.

۶ - سیانک الذهب، ص ۷۸.

۷ - البیان فی اخبار صاحب الزمان، باب ۱۱.

۸ - ابراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون، به نقل از ص ۱۰۶، المهدی و المهدویه.

۹ - منتخب الاثر، صفحات ۳ تا ۶، پاورقی.

از شیخ ابوالعرفان صبان روایت است:

«اخبار و احادیث از پیامبر ﷺ به حد تواتر نقل شده است که مهدی ظهور خواهد کرد و از اهل بیت پیامبر است و او زمین را از عدل و داد پر خواهد نمود.»<sup>۱</sup>  
از محمد بن بدرالدین رومی نقل شده است:

«... خداوند به وسیله حضرت محمد ﷺ نبوت تشریحی را ختم کرد و دیگر تا روز قیامت پیامبری نخواهد آمد، همچنین خداوند به وسیله فرزند صالح پیامبر، که دارای نام پیامبر (محمد) و کنیه پیامبر (ابوالقاسم) است، ولایت تامه و امامت عامه را ختم خواهد کرد و این ولی! همان کسی است که مژده اش را داده اند و اوست که زمین را، چنان که از جور و ستم لبریز شده باشد از عدل و داد مملو سازد و ظهور او ناگهانی خواهد بود.»<sup>۲</sup>

جلال الدین سیوطی نیز گفته است:

احمد حنبل، ابو عیسی ترمذی، حافظ سلیمان بن احمد طبرانی، همه با اسنادی که خود دارند از عبدالله بن حرث زبیدی روایت کرده که پیامبر اکرم ﷺ فرموده اند: «مردمان از مشرق زمین (خراسان) خروج کنند و مقدمات حکومت مهدی را فراهم سازند، این مردم همان کسانی که با پرچمهای سیاه از خراسان بیرون خواهند آمد و در حدیث ذکر شده است و اینان، همانان هستند که پیامبر ﷺ به ایشان امر کرده است که همه مردم می بایست با امیر آنان، یعنی حضرت مهدی علیه السلام بیعت کنند.»<sup>۳</sup>  
در همین رابطه عماد الدین ابن کثیر دمشقی گوید:

«مقصود از پرچمهای سیاه، پرچمهای سیاهی نیست که ابومسلم خراسانی برافراشت و دولت بنی امیه را ساقط کرد بلکه مقصود پرچمهای سیاهی است که یاران مهدی خواهند آورد.»<sup>۴</sup>

شیخ محمد عبده می گوید:

«خاص و عام می دانند که در اخبار و احادیث، ضمن شمردن علائم قیام قیامت،

۱ - منتخب الاثر، ص ۳.

۲ - الامام الثانی عشر، ص ۷۸. (پاورقی)

۳ - المهدی الموعود...، ج ۲، ص ۷۲.

۴ - همان.

آمده است که مردی از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله خروج می کند که نام او مهدی است، او زمین را پس از آن که از جور و ستم آکنده باشد مملو از عدل و داد می کند و در پایان عیسی بن مریم علیه السلام از آسمان فرود می آید، جزیه را بر می دارد، صلیب را می شکند و دجال را می کشد.<sup>۱</sup>

از احمد امین مصری نقل شده است:

«اهل سنت نیز به مهدی و مسئله مهدی یقیناً ایمان دارند.»<sup>۲</sup>

صدرالدین قونیوی نیز این چنین گفته است:

«پس از مرگ من آنچه از کتابهایم که درباره طب و حکمت است و همچنین کتابهای فلسفه و فلاسفه همه را بفروشید و پول آن را به فقرا صدقه بدهید و کتابهای تفسیر و حدیث و تصوف را در کتابخانه نگاه دارید، در شب اول مرگ من، هفتاد هزار بار کلمه توحید (لا اله الا الله) را بخوانید و سلام مرا به حضرت مهدی علیه السلام برسانید.» امید است سلام همه دوستان آن حضرت برسد. ان شاء الله

حال پروردگارا! ای خالق بهترین خلائق و ای نگهبان یگانه حجت بر حق عالم! از تو خدای مهربان می خواهیم سلام و درود محبان مهدی صاحب الزمان را به آن حضرت برسانید و ما بندگان حقیرتان را تا عصر پیروزی یاری دهید؛ زیرا ما منتظران حضرت مهدی بارها نوید فتح و ظفر را در قرآن کریم خوانده ایم و ما چشم به راهان درانتظار روزی هستیم که کره زمین به نور آن بزرگوار منور گردد، چنان که فرموده اید:

﴿وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا﴾<sup>۳</sup>

«و زمین به نور پروردگار روشن گردد.»

مفضل بن عمر از ابی عبدالله علیه السلام روایت می کند:

«که زمین در عصر مهدی به نور او منور می گردد و مردم در آن عصر بی نیاز از نور خورشید خواهند بود بلکه از نور امام بهره مند می شوند.»<sup>۴</sup>

همچنین در سوره شریفه فجر به صبح صادق و ظهور مهدی موعود اشاره شده است از جمله می خوانیم:

۱ - تفسیر المنار، ج ۶، ص ۵۷.

۲ - المهدی المنتظر و العقل، ص ۵۹.

۳ - سوره الزمر (۳۹) آیه ۶۹.

۴ - خورشید مغرب، ص ۶۵۶.

﴿وَالْفَجْرِ وَآيَاتِ عَشْرِ وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ وَاللَّيْلِ إِذَا يَسْرِ﴾<sup>۱</sup>

«قسم به صبحگاه (هنگامی که خدا جهان را به نور خورشید تابان روشن می‌سازد) و قسم به ده شب (اول ذیحجه که بندگان خدا به دعا و ذکر خدا مشغولند) قسم به حق جفت (که کلیه موجودات عالم است) و به حق فرد (که ذات یکتای خداست) و قسم به شب تار هنگامی که به روز روشن مبدل شود.»  
در همین رابطه حضرت ابی عبدالله علیه السلام فرموده است:

«مراد از والفجر! فجر ظهور قائم و شب‌های عشر دولت ائمه تا دولت قائم است.»<sup>۲</sup>

در سوره مبارکه اللیل نیز می‌خوانیم:

﴿وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَىٰ وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّىٰ﴾<sup>۳</sup>

«قسم به شب تار هنگامی که جهان را در پرده سیاه بپوشاند و قسم به روز هنگامی که عالم را به ظهور خود روشن سازد.»

از حضرت ابی عبدالله علیه السلام روایت است:

«مراد از شب تاریک، دولت ابلیس است و مراد از نهار، تجلی دولت قائم آل

محمد صلی الله علیه و آله است.»<sup>۴</sup>

همچنین در سوره مبارکه قدر هدف از: ﴿سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ﴾ «این شب

رحمت و سلام و تهنیت است تا صبحگاه (شهود)» که مراد از مطلع فجر؛ تابندگی صبح

دولت آل محمد صلی الله علیه و آله است و همچنین سوره شریفه نصر ﴿إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ﴾

«چون هنگام فتح و پیروزی به یاری خدا فرا رسد ﴿وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ

أَفْوَاجًا﴾ «در آن روز مردم را بنگرید فوج فوج به دین خدا داخل می‌شوند.»

مراد از آیات فوق (نصر و فتح) به دست مبارک حضرت مهدی (عج) حاصل

خواهد شد. ان شاء الله

حال بشارت باد دولت آل محمد صلی الله علیه و آله را که بر جهان هستی سروری نمایند

به راستی خوشا به حال مؤمنان که طبق وعده باری تعالی وارثان زمین خواهند شد و

۱ - سوره فجر (۸۹) آیه ۱ تا ۴.

۲ - همان.

۳ - سوره اللیل (۹۲) آیه ۱ و ۲.

۴ - طلوع آفتاب مهدی، ص ۶۵۷.

این وعده به امید حق و به اذن آفریدگار جهان تحقق خواهد پذیرفت، باشد لیاقت دیدار حجت بر حق خداوند را داشته باشیم و در ایام حکومت حقه، به عنوان رعیت آن بزرگوار افتخار حضور یابیم، چنانکه در سوره مبارکه نور، نوید آن سعادت عظمی به مؤمنان داده شده است.

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ  
كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ  
وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ  
فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾<sup>۱</sup>

«خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین (منظور کره زمین) جانشین (خود) قرار دهد؛ همان‌گونه کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین (خود) قرار داد و آن دینی را که بر ایشان پسندیده است به سودشان مستقر و بيمشان را به ایمنی مبدل گرداند، (تا) مرا به یگانگی عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند و هر کس پس از آن به کفر گراید؛ آنانند که نافرمانند.»

در همین رابطه خداوند بشارت داده و می‌فرماید:

﴿إِن هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ وَلَتَعْلَمَنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ﴾<sup>۲</sup>

«این (قرآن) تذکری برای همه جهانیان است و خبر آن را بعد از مدتی می‌شنوید.»

خداوند در سوره آل عمران نیز به عده‌ای از افراد که پذیرای حق نیستند هشدار داده و این چنین فرموده‌اند:

﴿يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَ أَنْتُمْ تَشْهَدُونَ﴾<sup>۳</sup>

«ای اهل کتاب چرا به آیات خدا کافر می‌شوید با آنکه، خود (به درستی آن) گواهی می‌دهید؟»

۱ - سوره نور (۲۴) آیه ۵۵

۲ - سوره ص (۳۸) آیه ۸۷ - ۸۸

۳ - سوره آل عمران (۳) آیه ۷۰

سپس خداوند به رسالت جهانی حضرت محمد ﷺ اشاره کرده و در سوره سباء فرموده‌اند:

﴿ مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴾<sup>۱</sup>

ای رسول! «ما تو را به عنوان نوید دهنده و هشدارگر به سوی مردم گسیل داشتیم و لکن اکثر مردم نمی‌دانند.»

در واقع این آیات چند نمونه از بیم‌ها و نویدهایی بود که قرآن مجید و پیامبران از آینده‌ای درخشان به آن اشاره کرده و شکی نیست با آمدن مصلح جهانی در آخر الزمان حقانیت دین حق آشکار می‌شود، دینی که خداوند می‌خواهد بر جهان حاکم باشد، ما شیعیان نیز با آن همه بشاراتی که در قرآن دیدیم و با آن همه اخبار و روایاتی که از ائمه هدی علیهم‌السلام شنیدیم باید احساس مسئولیت کرده و وسعت آن هدف والا را دریابیم و همگی در امر فرج یگانه مصلح هستی و رسیدن به آن روزهای با شکوه تلاش کنیم، به راستی آن زمان چه فرخنده ایامی است که: «سرانجام، جهان را صالحان زمین به میراث خواهند گرفت»<sup>۲</sup> و مستضعفان غنی شده و بینوایان شادی را تجربه خواهند کرد، حال سلام ما بر آن پادشاهی که با آمدنش غنی و فقیر، پیر و جوان همگی شاد خواهند شد، سلام بر آن حضرت که امتها را از سرگردانی و سردرگمی رهایی خواهند بخشید.

آری، سلام بر مهدی با تمام جوانب و مراتب سلام، تحیت و درود خداوند بر او و پدران بزرگوارش که تجلی انوار الهی هستند، سلام بر او و پدران طاهرین ایشان که عالم هستی به یمن وجود آن عزیزان برقرار است.

پروردگارا! ای خالق لم یزلی، ما را به دوستی آن بزرگواران منتفع گردان و در زمره اصحاب ایشان محشور ساز و دعای ما را از کرم مستجاب کن و ظهور پر میمنت آن حضرت را هر چه زودتر مقدر فرما و به وعده‌ای که فرموده‌ای وفا کن و به اخباری که از اهل بیت عصمت و طهارت رسیده قوت بخش تا هر چه زودتر پیام ایشان به ثمر رسد، چنان که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در این باره فرموده‌اند:

۱ - سوره سباء (۳۴) آیه ۲۸.

۲ - سوره انبیاء (۲۱) آیه ۱۰۵.

«الْمَهْدِيُّ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ يُضْلِحُهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِي لَيْلَةٍ»<sup>۱</sup>

«مهدی از ما خاندان است و خداوند عزوجل کار قیام او را در یک شب اصلاح می‌کند.»  
به راستی اگر زمان امر فرج بدین کوتاهی باشد، پس از دست دادن وقت جایز نیست درحالی که طبق شواهد و مدارک، ما مسلمانان جهان عقیده داریم موعود همه امت‌ها همان «مهدی» است که ظهور می‌کند و با قیام سعادت آفرین خود، بزرگترین رستاخیز آزادی بخش تحقق می‌پذیرد و جهان آلوده به شرک و گناه، ظلم و ستم و... را پاک می‌سازد و مظلومان جهان را زیر چتر و سایه خود زندگی دوباره می‌بخشد، همچنان‌که در یکی از زیارت‌های حضرت حجت بن الحسن العسکری علیه السلام می‌خوانیم:

«السَّلَامُ عَلَى الْمَهْدِيِّ الَّذِي وَعَدَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِهِ الْأُمَّمَ أَنْ يَجْمَعَ بِهِ الْكَلِمَ وَيَلْمَ بِهِ الشُّعْثَ وَيَمْلَأَ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا وَيَمَكِّنَ لَهُ وَيُنْجِزَ بِهِ وَعَدَ الْمُؤْمِنِينَ»<sup>۲</sup>

«سلام بر مهدی، آن‌کس که خدای عزوجل آمدنش را به امت‌ها نوید داده تا به وجودش خلق‌های پراکنده را یکی کرده و جهان را کران تا کران از داد و دادگری پر نماید و بدین سان وعده مؤمنان را جامه عمل پوشاند.»

به امید آن‌روز که همه اقوام و افکار متحد شده و زیر سایه آن آقای بزرگوار قرار گیرند، آقایی که سال‌های متمادی در انتظار اذن ظهورند و عمر گرانمایه خویش را در آرزوی رسیدن به فتح و ظفر نهایی پشت سر می‌گذارند تا به امید حق آن‌روز و لحظه فرا رسد که آن حضرت ظهور کرده تا حق را زنده کنند و باطل را نابود گردانند و مشیت محکمی بر سر ظالم زده و دست نوازشی بر سر مظلوم کشند.

آری، مهدی تنها سرداری است که در عصر ظهور و حضور چتر ستم ظالمان را بر سر خودشان ویران خواهد کرد و چتر الطاف بیکران الهی را بر سر مظلومان عالم برافراشته و آنان را حیاتی دوباره خواهد بخشید، حال بارالها! درود فراوان فرست بر محمد و آل محمد و دیدار آخرین حجت از این خاندان شریف را بر ما ارزانی دار تا با رؤیت آن سیمای ملکوتی جان دوباره گیریم. ان شاء الله

۱ - بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۶۹، ح ۲۳۳.

۲ - مفاتیح الجنان، قسمتی از زیارت حضرت صاحب الامر.

### سیما و روش ملکوتی حضرت مهدی علیه السلام

در بسیاری از روایات وارد شده که امام زمان علیه السلام شبیه‌ترین مردم به رسول اکرم صلی الله علیه و آله است، جمال و حُسن صورت و سیرت آن حضرت به گونه‌ای است که قلم از نوشتن و زبان از بیانش عاجز می‌باشد و آنان که به فیض دیدار آن سرور نایل شده و فروغ چهره تابناکش را دیده‌اند، همگی گفته‌اند: هیچ کس را با آن خوش قامتی و درخشندگی جمال مشاهده نکرده‌اند.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید:

«الْمَهْدِيُّ مِنْ وَدْيِ، وَجْهَهُ كَالْقَمَرِ الدُّرِّيِّ، اللَّوْنُ لَوْنُ عَرَبِيٍّ...»<sup>۱</sup>

«مهدی از نسل من است، سیمایش چون ماه تابان، چهره‌اش گرد و درخشان، رنگش عربی است...»

«فِي شَعْرِهِ قَطَطٌ أَفْرَقَ الشَّنَائِيَا، أَبْلَجُهَا، وَأَضِحُ الْجَبِينِ.»<sup>۲</sup>

«موهایش پر پشت، دندان‌های ثنایایش براق و از هم جدا، پیشانی مبارکش باز و درخشان است.»

«الْمَهْدِيُّ أَقْبَلُ أَجْعَدُ، هُوَ ضَاحِبُ الْوَجْهِ الْأَقْمَرِ، وَالْجَبِينِ الْأَزْهَرِ، ضَاحِبُ الشَّامَةِ وَالْعَلَامَةِ. الْعَالِمُ الْعَيْوُورُ الْمُعَلَّمُ الْمُخْبِرُ بِالْأَنْوَارِ.»<sup>۳</sup>

«مهدی دیدگانی مشکمی، موهایی پر پشت، چهره‌ای چون ماه تابان، پیشانی باز و درخشان، خالی (بر گونه راست) و نشانی (چون مهر نبوت در میان دو کتف) دارد.»

«الْمَهْدِيُّ طَاوُوسٌ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَجْهَهُ كَالْقَمَرِ الدُّرِّيِّ عَلَيْهِ جَلَابِيبُ النُّورِ عَلَيْهِ جُيُوبُ النُّورِ تَتَوَقَّدُ بِشِعَاعِ ضِيَاءِ الْقُدْسِ لَيْسَ بِالطَّوِيلِ الشَّامِخِ وَلَا بِالْقَصِيرِ اللَّارِزِيِّ بَلْ مَرْبُوعُ الْقَامَةِ مُدَوَّرُ الْهَامَةِ عَلَى خَدِّهِ الْإَيْمَنِ خَالَ كَأَنَّهُ فَتَاءٌ مَشْكٌ عَلَى رَضْرَاضَةٍ عَنَبْرَةٍ لَهَ سَمْتٌ مَارَاتِ الْعَيْوُونَ أَقْصَدَ مِنْهُ.»<sup>۴</sup>

«مهدی طاووس اهل بهشت است، چهره‌اش مانند ماه می‌درخشد، بر بدن مبارکش جامه‌هایی از نور است، بر او چنان جامه‌های نورانی است که به وسیله

۱ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۹۱، ح ۳۸؛ منتخب الاثر، ص ۱۸۵.

۲ - منتخب الاثر، ص ۱۶۵؛ الزام الناصب، ص ۱۰۴ و ۱۰۸.

۳ - بشارة الاسلام، ص ۲۲۰؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۵۱.

۴ - منتهی الآمال، ج ۲، ص ۲۲۷ - ۲۲۸.



شعاع نور حق، پرتو افشانی می‌کند، قامتش نه زیاد بلند و نه کوتاه، بلکه متوسط است و سر مبارکش گرد و برگونه راستش خال سیاهی چون پاره‌ای از مُشک بر زمینه‌ای عنبرین است، برای حضرتش هیأتی است که هیچ چشمی متعادل‌تر از آن ندیده است.»

محمد بن عبدالله از اهل قم وقتی ماجرای تشریفش را به محضر حضرت صاحب الزمان علیه السلام نقل می‌کند، این چنین می‌گوید:

«لَمْ أَزَقْ فِي حُسْنِ صُورَتِهِ وَاعْتِدَالِ قَامَتِهِ»<sup>۱</sup>

«هرگز بسان او در زیبایی صورت و اعتدال قامت ندیدم.»

حضرت امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

«هُوَ شَبِيهِ وَشَبِيهِ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عليه السلام عَلَيْهِ جَلَابِيبُ النُّورِ تَتَوَقَّدُ بِشِعَاعِ الْقُدْسِ. مَوْصُوفٌ بِاعْتِدَالِ الْخَلْقِ وَتَضَارَةِ اللَّوْنِ. يَشَبَّهُ رَسُولَ اللَّهِ فِي الْخَلْقِ»<sup>۲</sup>

«سیمای او شبیه من و شبیه موسی بن عمران است، هاله‌ای از نور او را احاطه کرده و نور الهی از چهره‌اش ساطع است، با خلقت معتدل و درخشش چهره شناخته می‌شود، اخلاق حمیده او چون جدش رسول اکرم است.»

«عَلَامَتُهُ أَنْ يَكُونَ شَيْخَ السَّنِّ، شَابَّ الْمَنْظَرِ، حَتَّى أَنْ النَّاطِرَ إِلَيْهِ لِيَخْسِبُهُ ابْنُ أَرْبَعِينَ سَنَةً أَوْ دُونَهَا. وَإِنَّ مِنْ عَلَامَتِهِ أَنْ لَا يَهْرَمَ بِمُرُورِ الْأَيَّامِ وَاللَّيَالِي عَلَيْهِ حَتَّى يَأْتِيَ أَجَلُهُ»<sup>۳</sup>

«از نشانه‌های او، سیمای جوانی‌اش در سن کهولت است هر کس او را ببیند، او را چهل ساله یا کمتر تصور می‌کند و از نشانه‌های او این است که گذشت زمان در او اثر نکند و تا فرا رسیدن اجلش آثار پیری در او ظاهر نشود.»

حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام نیز در این باره می‌فرماید:

«مهدی ما زمانی که قیام کند در سنین کهولت است ولی سیمایی جوان دارد و آن چنان نیرومند است که اگر کهن‌سالترین درختان را دست زند آن را از جای برکند و اگر در میان کوه‌های بزرگ فریاد برآورد، همه را دچار طنین صدای خویش گرداند،

۱ - کتاب الغیبه، ص ۱۵۳.

۲ - منتخب الاثر، ص ۴۲۲.

۳ - اعلام الوری، ص ۴۳۵.

خداوند او را از نظرها تا بخواند دور نگه می‌دارد، پس از آن جلوه او را آشکار کرده و زمین را پر از عدل و داد می‌سازد.<sup>۱</sup>

یکی دیگر از مسائلی که درباره آن بحث‌هایی شده موضوع رفتاری آن حضرت است، از جمله مرویست: حضرت مهدی علیه السلام در برابر عظمت و جلال الهی خاشع و فروتن است.

امام جعفر صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«الْمَهْدِيُّ خَاشِعٌ لِلَّهِ كَخُشُوعِ النَّسْرِ لِبَجَانِهِ»<sup>۲</sup>

«مهدی در برابر خدا خاشع است، همچون خشوع کرکس در مقابل بالش.»  
روش آن حضرت نیز نسبت به آحاد مردم بسیار کریمانه و قاطع است؛ مردمانی که از زندگی پر رنج و درد به تنگ آمده و ظلم و ستم آنان را خسته و درمانده کرده، همانان که به دنبال نجات دهنده خویش می‌گردند و چون حضرتش قیام کند، به دنبال او خواهند رفت و آن حضرت زمین را پر از قسط و عدل و نور خواهد کرد پس از آن که پر از ظلم و جور و تاریکی شده باشد.

در همین رابطه امام رضا علیه السلام فرموده‌اند:

«يَكُونُ أَوْلَىٰ بِالنَّاسِ مِنْ أَنْفُسِهِمْ، وَأَشْفَقَ عَلَيْهِمْ مِنْ آبَائِهِمْ وَأُمَّهَاتِهِمْ وَيَكُونُ أَشَدَّ النَّاسِ تَوَاضُعًا لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَيَكُونُ آخِذَ النَّاسِ بِمَا يَأْمُرُ بِهِ وَأَكْفَى النَّاسِ عَمَّا يَنْهَى عَنْهُ»<sup>۳</sup>

«او برای مردم از خودشان اولی‌تر و از پدر و مادرشان مهربان‌تر و در برابر خدا از همه متواضع‌تر است، آنچه به مردم فرمان دهد خود بیش از دیگران به آن عمل می‌کند و آنچه مردم را از آن نهی کند خود بیش از همگان از آن پرهیز می‌نماید.»  
آن حضرت در حدیث دیگر می‌فرماید:

«يَكُونُ أَعْلَمَ النَّاسِ، وَأَحْكَمَ النَّاسِ، وَأَتْقَى النَّاسِ، وَأَحْلَمَ النَّاسِ، وَأَسْحَى النَّاسِ، وَأَعْبَدَ النَّاسِ... وَيَرَى مَنْ خَلَقَهُ كَمَا يَرَى مَنْ بَيْنَ يَدَيْهِ، وَلَا يَكُونُ لَهُ ظِلٌّ... وَتَنَامُ عَيْنَاهُ وَلَا يَنَامُ قَلْبُهُ، وَيَكُونُ مُحَدَّثًا... وَتَكُونُ رَائِحَتُهُ أَطْيَبَ مِنْ رَائِحَةِ الْمِسْكِ... وَيَكُونُ دُعَاؤُهُ مُسْتَجَابًا حَتَّىٰ أَنَّهُ دَعَا

۱ - غیبت نعمانی، ص ۱۱۳.

۲ - الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۴۷.

۳ - بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۱۱۶، ح ۱.

عَلَى صَخْرَةٍ لَأَنْشَقَّتْ بِنِصْفَيْنِ»<sup>۱</sup>

«او داناترین مردمان، حکیم‌ترین آنان، پرهیزکارترین انسان، بردبارترین مردمان، سخی‌ترین آنان و عابدترین همگان است که از پشت سر چون پیش‌رو می‌بینند، او را سایه نباشد، دیدگانش در خواب فرو می‌رود ولی دلش همیشه بیدار است، فرشتگان او را حدیث گویند، عطر وجودش از هر مشکى معطرتر است، دعایش همواره به اجابت می‌رسد، اگر در مورد سنگی دعا کند از وسط به دو نیم می‌شود.»  
شیخ طوسی از علاء بن محمد روایت می‌کند که گفت از حضرت باقر علیه السلام پرسیدم: قائم در میان مردم چگونه رفتار می‌کند؟

«قَالَ يَسِيرُ بِسِيرَةِ مَا سَارَ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَتَّى يُظْهِرَ الْإِسْلَامَ. قُلْتُ: وَمَا كَانَتْ سِيرَةُ رَسُولِ اللَّهِ، قَالَ: أَنْبَطَلَ مَا كَانَتْ فِي الْجَاهِلِيَّةِ وَأَسْتَقْبَلَ النَّاسَ بِالْعَدْلِ وَكَذَلِكَ الْقَائِمُ إِذَا قَامَ يَنْبَطِلُ مَا كَانَ فِي الْهُدْنَةِ مِمَّا كَانَ فِي أَيْدِي النَّاسِ وَيَسْتَقْبِلُ لَهُمُ الْعَدْلَ.»<sup>۲</sup>

حضرت فرمود: «به روش رسول خدا عمل می‌کند تا آن‌که اسلام را آشکار می‌سازد.

عرض کردم: روش رسول الله چگونه بود؟

فرمود: رسول الله آثار کفر جاهلیت را از میان برد و با مردم به عدالت رفتار کرد، قائم موقعی که قیام می‌کند هر اعمال نامشروع و بدعتی را که هنگام صلح و سازش با بیگانگان در میان مسلمانان مرسوم گشته از میان می‌برد و مردم را به عدالت گستری رهبری می‌نماید.»

همچنین حضرت رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در وصف زهد حضرت بقية الله می‌فرماید:

«يَكُونُ مِنَ اللَّهِ عَلَى حَدِّ، لَا يَفْتَرُّ بِقَرَابَةٍ وَلَا يَضَعُ حَجْرًا عَلَى حَجَرٍ وَلَا يَقْرَعُ أَحَدًا فِي وَلَا يَتَّبِعُ سَنُوطٍ إِلَّا فِي حَدِّ، يَمْحُو اللَّهُ بِهِ الْبِدْعَ كُلَّهَا وَيُمِيتُ الْفِتْنَ.»<sup>۳</sup>

«همواره از خدا فرمان می‌برد، هرگز فریب خویشاوندی را نمی‌خورد، سنگی روی سنگ نمی‌گذارد، در تمام دوران حکومتش جز به هنگام اجرای حدود الهی، کسی را مورد ضرب قرار نمی‌دهد، خداوند همه بدعت‌ها را به وسیله او نابود می‌سازد و همه فتنه‌ها را به دست او از میان بر می‌دارد.»

۱ - بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۱۱۶، ح ۱.

۲ - همان، ج ۱۳، ص ۱۱۳۶.

۳ - الملاحم والفتن، ص ۶۶.

«يَبْلُغُ رَدُّ الْمَهْدِيِّ الْمَظَالِمَ حَتَّىٰ وَلَوْ كَانَ تَحْتَ ضَرْبِ إِنْسَانٍ شَيْءٌ اِثْرَعَهُ حَتَّىٰ يَرُدَّهُ»<sup>۱</sup>  
 «مهدی آن چنان رفع ستم از ستمدیدگان می کند که اگر حق کسی زیر دندان کسی باشد، آنرا باز می ستاند و به صاحب حق برمی گرداند.»  
 حضرت امام حسین علیه السلام می فرماید:

«تَعْرِفُونَ الْمَهْدِيَّ بِالسَّكِينَةِ وَالْوَقَارِ وَبِمَعْرِفَةِ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ وَبِحَاجَةِ النَّاسِ إِلَيْهِ وَلَا يَحْتَاجُ إِلَىٰ أَحَدٍ»<sup>۲</sup>

«مهدی را با سکینه و وقار، شناخت حلال و حرام، نیاز همگان به او و بی نیازی او از همه خواهید شناخت.»

امام جعفر صادق علیه السلام در این باره می فرماید:

«الْمَهْدِيُّ سَمَّحٌ بِالْمَالِ، شَدِيدٌ عَلَى الْعَمَالِ رَحِيمٌ بِالْمَسَاكِينِ»<sup>۳</sup>

«مهدی بخشنده ای است که مال را به وفور می بخشد، بر مسئولان کشوری<sup>۴</sup> بسیار سخت می گیرد و بر بینوایان بسیار مهربان است.»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وضع مردم را در عصر حضور چنین تشریح می کند:

«يَطْلُبُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ: مَنْ يَصِلُهُ بِمَالِهِ وَيَأْخُذُ مِنْ زَكَاتِهِ لَا يُوجَدُ أَحَدٌ يَقْبَلُ مِنْهُ؛ اسْتَغْنَى النَّاسُ بِمَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ»<sup>۵</sup>

«مردم دنبال کسی می گردند که از آنان هدیه ای بپذیرند، زکات مالشان را جدا می کنند و کسی را نمی یابند که آنرا بپذیرد؛ زیرا همه مردم از فضل خدا بی نیاز می شوند.»  
 پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره فرموده اند:

«در عصر فرزندان مهدی زمین گنج های خود را همچون طلا و نقره بیرون می ریزد، دزد آمده و می گوید: برای نظیر این اموال بود که دستم بریده شد!  
 قاتل آمده و می گوید: من برای چنین کالائی مرتکب قتل شدم!  
 قاطع رحم آمده و می گوید: من برای چنین چیزی قطع رحم کردم! آنگاه این

۱ - منتخب الاثر، ص ۳۰۸.

۲ - غیبت نعمانی، ص ۱۲۷.

۳ - الملاحم والفتن، ص ۱۲۷.

۴ - منظور، مسئولان در عصر حکومت کریمه می باشد.

۵ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۷، ح ۷۷.

استوانه‌های طلا و نقره روی زمین می‌ماند و کسی رغبت نمی‌کند که چیزی از آن بردارد.<sup>۱</sup>  
 مرویست: حضرت مهدی علیه السلام در روز حضور خطاب به همگان می‌فرمایند:  
 «بیائید به سوی آنچه که برای آن قطع رحم کردید خون‌ها ریختید و مرتکب  
 گناهان شدید، آنگاه آن‌چنان عطایای کلان به آنان می‌دهد که هرگز در تاریخ بشری  
 سابقه نداشته است.»<sup>۲</sup>

همچنین نقل شده است:

«يَأْوِي إِلَى الْمَهْدِيِّ أُمَّتُهُ كَمَا تَأْوِي النَّحْلُ إِلَى يَغْسُوِيهَا، وَيُسَيِّطِرُ الْعَدْلَ حَتَّى يَكُونَ النَّاسُ  
 عَلَى مِثْلِ أَمْرِهِمُ الْأَوَّلِ، لَا يُوقِظُ نَائِمًا وَلَا يَهْرِيقُ دَمًا.»<sup>۳</sup>

«امت اسلامی به مهدی مهر می‌ورزند و به سواش پناه می‌برند، آن‌چنان‌که  
 زنبوران عسل به سوی ملکه خود پناه می‌برند، عدالت رادر پهنه گیتی می‌گستراند،  
 صفا و صمیمیت صدر اسلام را به آنان باز می‌گرداند، خفته‌ای را بیدار نمی‌کند  
 (کسی مزاحم آسایش کسی نمی‌شود) و خونی را (به ناحق) نمی‌ریزد.»

امام هادی علیه السلام می‌فرماید:

«هُوَ الَّذِي يَجْمَعُ الْكَلِمَ وَيَتِمُّ النَّعْمَ، وَيُحِقُّ اللَّهُ بِهِ الْحَقَّ وَيُزْهِقُ الْبَاطِلَ، وَهُوَ مَهْدِيكُمْ الْمُنْتَظَرُ.  
 ثُمَّ قَرَأَ: بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ، وَقَالَ: هُوَ وَاللَّهُ بَقِيَّةُ اللَّهِ.»<sup>۴</sup>

«او کسی است که وحدت کلمه ایجاد می‌کند، نعمت‌ها را کامل می‌سازد،  
 خداوند حق را به دست او تحقق می‌بخشد و باطل را نابود می‌سازد، او مهدی  
 منتظر شماست، آنگاه این آیه را تلاوت کرد: ﴿بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ﴾ سپس فرمود: به  
 خدا سوگند بقیة الله (تنها بازمانده از حجت‌های الهی) اوست.»

همچنین روایت شده است:

«فَعِنْدَ ذَلِكَ تَفْرَحُ الطُّيُورُ فِي أَوْكَارِهَا وَالْحَيْثَانُ فِي بَجَارِهَا وَتَفِيضُ الْعِيُونَ وَتُنْبِتُ الْأَرْضُ  
 ضَيْغَفَ أَكْلِهَا.»<sup>۵</sup>

۱ - بشارة الاسلام، ص ۷۱.

۲ - منتخب الاثر، ص ۴۳۰.

۳ - همان، ص ۴۷۸.

۴ - الزام الناصب، ص ۵۷.

۵ - ينابيع المودة، ج ۳، ص ۱۳۶.

«در آن هنگام پرندگان در آشیانه‌های خود شادمان می‌شوند و ماهیان در قعر دریاها شادمانی می‌کنند و چشمه سارها سرازیر می‌شوند و زمین چندین برابر محصول خود می‌رویاند.»

در واقع همه موجودات بالاخص همه آن انسان‌های دریندی که طعم تلخ دوران سرگردانی، فقر، ناامنی، گرفتاری و... را در زندگی چشیده‌اند، در دوران سلطنت آن سرور، خوشبختی را به معنای واقعی تجربه خواهند کرد حتی اهل آن دنیا نیز از ظهور آن یگانه جلوه یزدان شاد خواهند شد، چنان‌که نقل شده است:

«وَلَا يَبْقَى مُؤْمِنٌ مِّمَّنْ إِلَّا دَخَلَتْ عَلَيْهِ تِلْكَ الْفَرَحَةُ فِي قَبْرِهِ»<sup>۱</sup>

«هیچ مؤمنی از مؤمنان درگذشته نمی‌ماند جز این‌که شادی و فرح در داخل قبر به او رسیده او را شادمان سازد.»

«وَلَا يَكُونُ مِثْلَكَ إِلَّا لِلْإِسْلَامِ وَتَكُونُ الْأَرْضُ كَفَاتُورِ الْفِضَّةِ»<sup>۲</sup>

«در آن روز حکومتی جز حکومت اسلامی نخواهد بود و سراسر زمین همانند ورق نقره از هرگونه نیرگی پیراسته خواهد گشت.»

مرویست: پس از ظهور پر میمنت آن حضرت دنیا تحت حکومت واحد جهانی قرار می‌گیرد و طبق دستور ایشان به مدت سه روز با خلق جهان اتمام حجت می‌شود اگرچه آن حضرت ابتدا به همه مردم حتی یهود، نصاری، صابئین، زنادقه و کفار که در شرق و غرب عالم جای دارند رأفت و مهربانی روا داشته و نخست به آنان پیشنهاد اسلام را می‌نماید، اگر پذیرفتند آنان را به نماز، زکات و سایر اموری که بر مسلمانان واجب است سفارش کرده و آنان را برای رضای خدا دوست می‌دارد و اگر نپذیرفتند آنان را به سزای نافرمانیشان می‌رساند تا در روی زمین کسی نباشد مگر آن‌که به وحدانیت خدا اقرار کند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید:

«الْقَائِمُ مِنْ وَلَدِي إِسْمُهُ إِسْمِي وَكُنْيَتُهُ كُنْيَتِي وَشِمَائِلُهُ شِمَائِلِي وَسُنَّتُهُ سُنَّتِي يُقِيمُ النَّاسَ عَلَيَّ مِلَّتِي وَشَرِيعَتِي وَيَدْعُوهُمْ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مَنْ أَطَاعَهُ أَطَاعَنِي وَمَنْ عَصَاهُ عَصَانِي وَمَنْ

۱ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۸، ح ۴۸.

۲ - الملاحم والفتن، ص ۶۶.

أَنكَرَهُ فِي غَيْبَتِهِ فَقَدْ أَنْكَرَنِي وَمَنْ كَذَّبَهُ فَقَدْ كَذَّبَنِي وَمَنْ صَدَّقَهُ فَقَدْ صَدَّقَنِي إِلَى اللَّهِ أَشْكُو  
الْمُكَذِّبِينَ لِي فِي أَمْرِهِ وَالْجَاحِدِينَ لِقَوْلِي فِي شَأْنِهِ وَالْمُضِلِّينَ لِأُمَّتِي عَن طَرِيقَتِي وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ  
ظَلَمُوا أَيُّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ»<sup>۱</sup>

«قائم از فرزندان من! نامش نام من و کنیه اش کنیه من و خوی او خوی من و رفتار او رفتار من است، مردم را به کیش و آئین من وادار کرده، به کتاب خدا دعوت می کند، هر کس از او اطاعت کند، از من اطاعت کرده و هر کس از وی نافرمانی کند، از من نافرمانی کرده است، هر کس در زمان غیبت، منکر او بشود، مرا انکار کرده و هر کس او را تکذیب کند، مرا تکذیب کرده و هر کس او را تصدیق کند، مرا تصدیق کرده است، از تکذیب کنندگان او و کسانی که گفتار مرا درباره وی انکار نمایند و امتم را گمراه کنند، نزد خدا شکایت خواهم کرد و ستمگران به زودی عاقبت کار خویش را مشاهده خواهند نمود.»

حضرت امام رضا علیه السلام در این باره می فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لِيُضْلِحَ أَمْرَهُ فِي أَمْرَةٍ فِي لَيْلَةٍ وَاحِدَةٍ، كَمَا أَضْلَحَ أَمْرَ كَلِيمِهِ مُوسَى إِذْ  
ذَهَبَ لِيَقْتَسِسَ لِأَهْلِهِ نَاراً فَرَجَعَ إِلَيْهِمْ وَهُوَ رَسُولٌ، نَبِيٌّ»<sup>۲</sup>

«خداوند کار او را در یک شب فراهم می کند، چنان که کار موسی کلیم را در یک شب فراهم کرد، هنگامی که رفت تا برای خانواده اش آتش بیاورد پس با رسالت برگشت و به مقام پیامبری رسید.»

پس چه خوش روزگاری است، صبح آشکار شدن آن خورشید پنهان که به اذن خدای سبحان مقدمات ظهورش در یک شب مهیا می شود و به مدت سه روز اتمام حجت کرده و در شش روز تسلط پیدا می کند و هشت ماه به مبارزه بی امان می پردازد و بعد از آن عدل و داد برقرار و زندگی شیرینی که در خیالها و آرزوها حیات داشت به همراه پادشاهی عادل آغاز خواهد شد، در همان روزی که مرزها برداشته شده و احکام اسلام پیاده می شود و حق به صاحبش برمی گردد، قضاوت و داوری بر جامعه حکمفرما شده و دولت حقه، آزادی، امنیت، سعادت، خوشبختی، رفاه و... بر جهان حاکم می شود.

۱ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۳.

۲ - همان، ج ۱۳، ص ۴۲، ح ۹.

امید است هر چه زودتر خورشید وجودش از افق کعبه طالع گردد و تجلی آیه  
**﴿تَوْرٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَن يَشَاءُ﴾**<sup>۱</sup> تحقق پذیرد. ان شاء الله

### راز طول عمر حضرت مهدی علیه السلام

در مورد عمر طولانی آن حضرت باید گفت: تنها مشیت الهی بر این امر تحقق پذیرفته است چنانکه در مورد حضرات نوح، خضر، یونس، ادریس، الیاس علیهم السلام نیز خواست خداوند چنین تعلق گرفته که دارای عمر طولانی باشند. شیعیان همگی به امر غیبت و طول عمر حضرت مهدی واقفاند و به این موضوع ایمان دارند و از اعتقادات اهل سنت نیز زنده بودن حضرت خضر، عیسی، ادریس، الیاس مطرح شده و این را همگی می دانیم که این بزرگواران قبل از تولد حضرت مهدی بوده اند و آخرین آنان حضرت عیسی مسیح است که نزدیک به دو هزار سال از عمر شریف ایشان می گذرد و یا عمر حضرت خضر که شش هزار سال و اندی می باشد، در همین رابطه باید عرض کرد: کسانی که به زنده بودن این افراد اعتقاد دارند مسأله عمر حضرت مهدی که ۱۱۶۶ سال می باشد امری عادی و طبیعی به نظر می رسد و در مکتب شیعه هم دلایل بسیاری در این زمینه وجود دارد، به طور مثال در مورد یکی از پیامبران به نام حضرت یونس علیه السلام می خوانیم:

**﴿فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ، لَلَبِثَ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ﴾**<sup>۲</sup>

«اگر او در زمره تسبیح کنندگان نبود، قطعاً تا روزی که برانگیخته می شد در شکم آن (ماهی زنده) می ماند.»

از نظر قرآن مجید که از هر سندی معتبرتر می باشد، عمر طولانی بلکه عمر جاویدان نیز امکان پذیر است و لازمه آن فقط خواست خداوند می باشد.

قرآن کریم نیز حکایت حضرت عزیر علیه السلام را چنین بیان می فرماید:

**﴿أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّى يُحْيِي هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ، قَالَ كَمْ لَبِثْتُ قَالَ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ**

۱ - «روشنی بر روشنی است، خدا هر که را بخواهد با نور خویش هدایت می کند.» (سوره نور، آیه ۳۵)

۲ - سوره صافات (۳۷) آیه ۱۴۳.



يَوْمَ قَالَ بَل لَّبِثْتَ مِائَةَ عَامٍ فَانظُرْ إِلَى طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ وَانظُرْ إِلَى حِمَارِكَ وَلِنَجْعَلَكَ آيَةً لِلنَّاسِ وَانظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوهَا لَحْمًا فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ، قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۱﴾

«یا چون آن کس به شهری که بام‌هایش یکسر فروریخته بود، عبور کرد (و با خود) می‌گفت: چگونه خداوند (اهل) این (ویرانکده) را پس از مرگشان زنده می‌کند؟ پس خداوند او را (به مدت) صد سال میراند آنگاه او را برانگیخت و به او فرمود: چقدر درنگ کردی؟

عرض کرد: یک روز، یا پاره‌ای از روز را درنگ کردم.

(خداوند) فرمود: نه! بلکه صد سال درنگ کردی به خوراک و نوشیدنی خود بنگر (که طعم و رنگ آن) تغییر نکرده است و به دراز گوش خود نگاه کن (که چگونه از هم متلاشی شده، پس این ماجرا برای آن است که هم به تو پاسخ گوئیم) هم تو را در مورد معاد نشانه‌ای برای مردم قرار دهیم و به (این) استخوان‌ها بنگر چگونه آن‌ها را برداشته به هم پیوند می‌دهیم، سپس گوشت بر آن می‌پوشانیم، پس هنگامی که (چگونگی زنده ساختن مرده) برای او آشکار شد، گفت: (اکنون) می‌دانم که خداوند بر هر چیزی تواناست.»

در این حکایت خداوند جهت اتمام حجت، عزیر پیامبر را به مدت صد سال میراند و سپس او را زنده کرد. عزیر هنگامی که دیده بازگشود مرکبش را مرده یافت و آنگاه به اذن باری تعالی مرکب عزیر (حمار) در برابر دیدگانش زنده شد تا ماجرای رستاخیز را خود به چشم ببیند ولی خوراک و نوشابه‌اش را بعد از گذشت صد سال صحیح و سالم یافت که هیچ‌گونه تغییری در آن‌ها به وجود نیامده بود، در مورد این داستان باید گفت: آیا بقای خوراک در طول یک صد سال شگفت‌آورتر است یا بقای یک موجود زنده؟ پس خداوندی که قادر است مواد فاسد شدنی را در طول صد سال حفظ کند بدون شک بر حفظ حجت خود عاجز نیست، خداوندی که میلیاردها کهکشان را از میلیونها سال قبل نگه داشته هرگز از حفظ و نگهداری حجت

خود ناتوان نخواهد بود و به تحقیق او قادر مطلق است.

علاوه بر قرآن، در ۳۱۸ حدیث از احادیث معتبره، مسأله بقای حضرت مهدی تا به عصر حاضر بیان شده است.

امام صادق علیه السلام یکی از اصحاب را مشاهده کرد که از طول غیبت حضرت ولی عصر علیه السلام دچار شگفتی شده بود و خطاب به او چنین فرمود:

«... إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَذَارَ فِي الْقَائِمِ مِثْلَ ثَلَاثَةِ أَذَارِهَا لِثَلَاثَةِ مِنَ الرُّسُلِ: قَدَّرَ مَوْلَدَهُ تَقْدِيرَ مَوْلِدِ مُوسَى، وَقَدَّرَ غَيْبَتَهُ تَقْدِيرَ غَيْبَةِ عِيسَى، وَقَدَّرَ إِنْطَاءَهُ تَقْدِيرَ إِنْطَاءِ نُوحٍ وَجَعَلَ لَهُ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عُمَرَ الْعَبْدِ الصَّالِحِ دَلِيلًا عَلَى عُمُرِهِ.»<sup>۱</sup>

«... خدای تبارک و تعالی سه ویژگی سه تن از پیامبران را در قائم ما جاری ساخته است: ولادت او را همچون ولادت حضرت موسی قرار داده و غیبت او را همانند غیبت حضرت عیسی و عمر طولانی او را چون عمر طولانی حضرت نوح<sup>۲</sup> مقرر فرموده است، آنگاه به بنده صالح خود حضرت خضر<sup>۳</sup> عمر طولانی داده تا دلیل عمر طولانی او باشد.»

سعید بن جبیر می گوید از حضرت علی بن الحسین علیه السلام شنیدم که فرمود:

«فِي الْقَائِمِ مِثْلًا مِنْ سُنَنِ الْأَنْبِيَاءِ... فَأَمَّا مِنْ آدَمَ وَمِنْ نُوحٍ فَطُولُ الْعُمُرِ.»<sup>۴</sup>

«در قائم ما سنت هایی از انبیای پیشین نهاده شده که در این میان از آدم و نوح طول عمر در حضرتش به یادگار مانده است.»

در روایت است که امام صادق علیه السلام می فرماید:

«إِنَّ وَلِيَّ اللَّهِ يُعَمَّرُ: عُمَرَ إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلِ عِشْرِينَ وَمِائَةَ سَنَةٍ، وَكَانَ يَظْهَرُ فِي صُورَةِ فَتَى مُوقْتٍ إِبْنِ ثَلَاثِينَ سَنَةً. لَوْ خَرَجَ الْقَائِمُ أَنْكَرَهُ النَّاسُ، يَزِجُّ شَابًا مُوقْتًا.»<sup>۵</sup>

۱ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۲۰، ح ۹.

۲ - در برخی از احادیث عمر حضرت نوح علیه السلام ۲۵۰۰ سال بیان شده است. (کمال الدین، ص ۵۲۳)

۳ - در احادیثی که اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام فرموده اند: حضرت خضر علیه السلام معاصر حضرت موسی علیه السلام بوده و تا ظهور حضرت مهدی علیه السلام زنده خواهد ماند و هم اکنون عمر او بالغ بر شش هزار و اندی سال می باشد. (بوم الخلاص، ص ۱۵۷)

۴ - همان، ص ۲۱۷، ح ۴.

۵ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۷، ح ۲۲.

«ولی خدا! از عمر طولانی برخوردار خواهد بود، حضرت ابراهیم خلیل ۱۲۰ سال عمر کرد ولی به شکل جوان نیرومند ۳۰ ساله در میان مردم ظاهر می شد، قائم ما نیز به صورت جوانی نیرومند ظهور می کند که مردمان او را انکار خواهند کرد.» در قرآن نقل شده است: در مورد حضرت عیسی علیه السلام و افرادی که ادعا داشتند که پیامبر خدا را کشته اند، گفتارشان این است:

﴿إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ﴾<sup>۱</sup>

«ما! مسیح عیسی بن مریم پیامبر خدا را کشتیم.»

خداوند در جواب آنان فرمودند:

﴿وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا بَل رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا﴾<sup>۲</sup>

«در حالی که نه او را کشتند، و نه بر دار آویختند؛ لکن امر بر آنان مشتبه شد و کسانی که در مورد (قتل) او اختلاف کردند، از آنان در شک هستند و علم به آن ندارند و تنها از گمان پیروی می کنند و قطعاً او را نکشتند بلکه خدا او را به سوی خود بالا برد و خداوند توانا و حکیم است.»

در همین رابطه اگر دیگر امم از ادیان گذشته باور نداشته باشند که حضرت عیسی علیه السلام زنده است، امت مسلمان طبق آیات فوق باور دارند که آن حضرت زنده می باشند و در عصر ظهور سرور کائنات رجعت کرده و یکی از یاوران حضرت مهدی علیه السلام خواهند بود. ان شاء الله

در رابطه با اخباری که در قرآن مدون گشته باید عرض کرد: اگر افرادی باشند که بخواهند علناً با این موضوع سرستیز داشته و یا منکر این حقیقت باشند مغرض بوده؛ زیرا از هر علمی والاتر، آیات قرآن کریم است که در این مجموعه شاهد گرفته شده و بدون شک افرادی که اخبار مذکور را باور نکنند نفرین اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام شامل حالشان خواهد شد و همچنین نقل شده است آن حضرات، منکران آن حضرت را کافر می دانند.

۱ - سورة نساء (۴) آیه ۱۵۷.

۲ - همان، آیات ۱۵۸ - ۱۵۷.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره فرموده‌اند:

«مَنْ كَذَبَ بِالْمَهْدِي فَقَدْ كَفَرَ»<sup>۱</sup>

«هر کس مهدی را انکار کند به راستی کافر است.»

در واقع انکار وجود شریف آن حضرت و یا عدم باور بر ظهور قریب الوقوع آن بزرگوار می‌تواند زیان جبران ناپذیری را به دنبال داشته باشد؛ زیرا کسانی که به عنایات باری تعالی واقف نبوده و اخبار موجود را نادیده می‌گیرند و علیه مقدسات قد علم کرده و به هدف والایی همچون پیروزی اسلام و استقرار حق در جهان بی‌اعتنا هستند غضب و نفرین ایزد منان شامل حالشان می‌شود؛ چنان‌که در قرآن کریم می‌خوانیم: «مرگ بر هر زورگوی ستیزه جویی که حق را باور نکرد و تا روز قیامت لعنت خدای سبحان بدرقه راه آنان گردید.»

در همین رابطه خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿ يَقُولُونَ مَتَىٰ هٰذَا الْوَعْدُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ قُلْ عَسَىٰ أَنْ يَكُونَ رَدِفَ لَكُمْ بَعْضُ الَّذِي تَسْتَعْجِلُونَ ﴾<sup>۲</sup>

ای رسول ما! «می‌گویند: این وعده کی باشد، اگر راستگویانید؟ بگو: شاید برای شما نزدیک باشد، برخی از آنچه که بدان شتاب می‌کنید.»

﴿ مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هٰذَا الْوَعْدُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ قُلْ لَكُمْ مِيعَادٌ يَوْمَ لَا تَسْتَأْخِرُونَ عَنْهُ سَاعَةً وَلَا تَسْتَقْدِمُونَ ﴾<sup>۳</sup>

«ما تو را جز (به سمت) بشارتگر و هشدار دهنده برای تمام مردم نفرستادیم؛ لیکن بیشتر مردم نمی‌دانند و گویند: این وعده (قیامت) کی خواهد بود، اگر راستگو هستید؟»

بگو: شما را میعاد روزی (معین) است که نه ساعتی از آن دیرتر مانید و

نه آن را زودتر دریابید.»

۱ - عقد الدرر، ص ۱۵۷.

۲ - سوره نمل (۲۷) آیه ۷۱ - ۷۲.

۳ - سوره سبأ (۳۴) آیه ۲۸ - ۳۰.

به امید دیدار آن یگانه منجی عالم بشریت که ظهورش به اذن خدای لایزال و استغاثه انسان‌های دردمند و دعای مؤمنان چشم انتظار تحقق خواهد پذیرفت. به راستی سر سبز باد مزرعه انتظار منتظران، بیا ای تنها امید بیچارگان، بیا و رسالت جد بزرگوارت حضرت محمد بن عبدالله ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله را به سر منزل مقصود رسان، بیا دین خدا و سنت پیامبر را زنده کن، بیا تا با آمدنت حق به جلوه‌گری پردازد و فراق منتظرانت به وصال انجامد، بیا تا با دیدارت، دیدگان بی فروغ چشم به راهانت روشنی گیرد؛ بیا تا یاد پیامبران و اولیاء الله زنده شود، بیا تا حیات در مدینه فاضله آغاز گردد؛ بیا! بیا آمدنت مبارک، آمدنت مبارک.

### شباهت حضرت مهدی علیه السلام به پیامبران علیهم السلام

در مورد شباهت نیز باید گفت: حضرت مهدی تنها بازمانده از انبیا و اولیاء علیهم السلام می‌باشند و هر آنچه که آن بزرگواران دارا بوده‌اند از علم، قدرت، معجزه و غیره همگی در حال حاضر در اختیار آن حضرت می‌باشد.

### شباهت به حضرت آدم علیه السلام

خداوند متعال حضرت آدم را خلیفه خود در تمام زمین قرار داد و در قرآن مجید درباره او چنین فرموده است:

﴿إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾<sup>۱</sup>

«من در زمین جانشینی خواهم گماشت.»

همچنین خداوند امام زمان را نیز خلیفه خود در روی زمین قرار خواهند داد، چنان که در قرآن کریم آمده است:

﴿وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ﴾<sup>۲</sup>

«خداوند کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده

۱ - سورة بقره (۲) آیه ۳۰.

۲ - سورة نور (۲۴) آیه ۵۵.

است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین (خود) قرار دهد.»  
امام جعفر صادق علیه السلام فرموده‌اند: او قائم آل محمد است که هنگام ظهورش در  
مکه معظمه دست بر صورت کشیده و می‌فرماید:

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَّهُ وَأَوْزَقْنَا الْأَرْضَ نَتَّبِعُ مِنْ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ  
فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ﴾<sup>۱</sup>

«تمامی حمد مخصوص خداوندی است که وعده‌اش را در حق ما تحقق  
بخشید و ما را وارث زمین گردانید، از (بهشت) هر کجا بخواهیم مسکن  
می‌گزینیم، که پاداش عمل‌کنندگان چقدر نیکوست.»

### شبهات به حضرت نوح علیه السلام

از امام جعفر صادق و امام هادی علیه السلام روایت شده است: که حضرت نوح ۲۵۰۰  
سال عمر کرد به همین دلیل او را شیخ الانبیاء می‌نامند.  
حضرت امام زمان علیه السلام بنا به روایات مذکور در نیمه شعبان سال ۲۵۵ ه. ق  
متولد شد و اکنون عمر شریف ایشان ۱۱۶۶ سال می‌باشد و او نیز شیخ الاوصیاء نام  
گرفته است.

### شبهات به حضرت هود علیه السلام

مرویست: خداوند امت حضرت هود را با باد عقیم هلاک کرد.  
قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

﴿فِي عَادٍ إِذْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الرِّيحَ الْعَقِيمَ﴾<sup>۲</sup>

«در (ماجرای) عاد چون بر (سر) آنان باد مهلک را فرستادیم.»

«در مورد آقا امام زمان نیز چنان است که خداوند به وجود او جمعی از کافران را

با باد سیاهی نابود می‌کند.»<sup>۳</sup>

۱ - سوره زمر (۳۹) آیه ۷۴.

۲ - سوره الذاریات (۵۱) آیه ۴۱.

۳ - مکیال المکارم، ج ۱، ص ۲۰۳.

### شبهت به حضرت ابراهیم علیه السلام

روایت است: دوران حمل و ولادت حضرت ابراهیم مخفیانه بود، امام زمان نیز حمل و ولادتش مخفی بوده است.

حضرت ابراهیم دو غیبت داشت، امام زمان هم دارای دو غیبت است. حضرت ابراهیم از مردم زمان خود عزلت گزید، حضرت مهدی نیز از مردم دوری می جوید.

حضرت ابراهیم هنگامی که در آتش افکنده شد، جبرئیل برایش جامه‌ای از بهشت آورد و خداوند ابراهیم را از آتش نجات داد، همچنان که در قرآن می خوانیم:

﴿ قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ ﴾<sup>۱</sup>

«گفتیم: ای آتش برای ابراهیم سرد و بی آسیب باش.»

حضرت قائم نیز هنگامی که قیام کند همان جامه را خواهد پوشید.

امام صادق علیه السلام در این باره فرموده‌اند:

هنگامی که قائم خروج کند، شخصی از اصفهان نزد آن حضرت می آید و معجزه حضرت ابراهیم خلیل الرحمان را تقاضا می کند؛ پس آن جناب دستور می دهد که آتش عظیمی برافروزند و این آیه را می خوانند:

﴿ فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴾<sup>۲</sup>

«پس پاک و منزّه خدایی که مُلک و ملکوت هر موجود به دست قدرت او

و بازگشت شما همه خلایق به سوی اوست.»

«سپس آن حضرت داخل آتش می شود و به سلامت از آن بیرون می آید، آن مرد این معجزه را انکار کرده و می گوید: این سحر است، پس آن حضرت به آتش دستورگرفتن او را می دهد و آتش او را می گیرد و می سوزاند، حضرت می فرماید: این جزای کسی است که صاحب الزمان و حجت الرحمان را انکار نماید.»<sup>۳</sup>

۱ - سوره انبیا (۲۱) آیه ۶۹.

۲ - سوره یس (۳۶) آیه ۸۳.

۳ - مکیال المکارم، ج ۱، ص ۲۰۵ - ۲۰۸.

### شباهت به حضرت لوط علیه السلام

فرشتگان برای یاری حضرت لوط آمدند.

﴿قَالُوا يَا لُوطُ إِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ لَنْ يَصِلُوا إِلَيْكَ﴾<sup>۱</sup>

«گفتند: ای لوط! همانا ما فرستادگان پروردگارت هستیم، هرگز دست آزار

آنان به تو نمی‌رسد.»

فرشتگان نیز برای یاری به آقا امام زمان فرود خواهند آمد.

حضرت نرجس علیها السلام هنگام تولد مولود، نور درخشنده‌ای مشاهده کرد که از آن حضرت آشکار شده و تا افق آسمان پراکنده و آنگاه پرندگان سفیدی را دید که از آسمان فرود می‌آیند و بال‌های خود را بر سر و صورت و بدن آن بزرگوار می‌کشند و سپس پرواز می‌کنند، وقتی آن بانوی مکرمه از حضرت ابو محمد (امام حسن عسکری علیه السلام) در مورد مشاهده خود سؤال کردند، حضرت ابتدا تبسمی کرده، سپس فرمودند:

«این‌ها فرشتگانی هستند، فرود آمده‌اند تا به این مولود تبرک جویند و این‌ها یاران او خواهند بود هنگامی که خروج می‌کند.»<sup>۲</sup>

### شباهت به حضرت یوسف علیه السلام

حضرت یوسف زیباترین اهل زمان خود بود، امام زمان نیز زیباترین اهل زمان خود است.

«خداوند امر حضرت یوسف را در یک شب اصلاح فرمود که پادشاه مصر شد،

خداوند نیز امر آقا امام زمان را در یک شب اصلاح می‌فرماید.»<sup>۳</sup>

پس در آن شب یاران آن حضرت از دورترین نقاط جهان به دور او جمع شده و آن حضرت بر جهان سلطه خواهند یافت.

۱ - سورة هود (۱۱) آیه ۸۱

۲ - کمال الدین، ج ۲، ص ۴۳۱.

۳ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۴۱، ح ۲۴.



### شبهات به حضرت خضر علیہ السلام

خداوند متعال عمر حضرت خضر را طولانی کرده است، آقا امام زمان نیز عمرش طولانی است و حکمت این که عمر حضرت خضر طولانی شده دلیلی بر طول عمر آن بزرگوار است.

«وَأَمَّا الْعَبْدُ الصَّالِحُ الْخَضِرُ، فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مَا طَوَّلَ عُمُرَهُ لِنُبُوءَةِ قَدَرِ هَالِهِ وَلَا لِكِتَابٍ يُنَزَّلُ عَلَيْهِ، وَلَا لِشَرِيعَةٍ يَنْسَخُ بِهَا شَرِيعَةَ مَنْ كَانَ قَبْلَهُ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ، وَلَا لِإِمَامَةٍ يُلْزِمُ عِبَادَةَ الْإِقْتِدَاءِ بِهَا، وَلَا لِطَاعَةٍ يَفْرِضُهَا لَهُ، بَلْ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمَّا كَانَ فِي سَابِقِ عِلْمِهِ أَنْ يُقَدَّرَ فِي عُمُرِ الْقَائِمِ فِي أَيَّامِ غَيْبَتِهِ، وَعَلِمَ مِنْ إِنْكَارِ عِبَادِهِ لِمِقْدَارِ ذَلِكَ الْعُمُرِ فِي الطُّوْلِ، طَوَّلَ عُمُرَ الْعَبْدِ الصَّالِحِ مِنْ غَيْرِ سَبَبٍ. فَمَا أَوْجَبَ ذَلِكَ إِلَّا لِعِلَّةِ الْإِسْتِدْلَالِ عَلَى عُمُرِ الْقَائِمِ، وَلِيَقْطَعَ بِذَلِكَ حُجَّةَ الْمُعَانِدِينَ، لِئَلَّا يَكُونَنَّ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ.»<sup>۱</sup>

«اما بنده صالح، حضرت خضر که خدای تبارک و تعالی برای او عمر طولانی داده است، برای این نیست که در آینده به پیامبری برگزیده شود، یا کتابی بر او نازل گردد، یا شریعتی برای او تشریح شود تا به وسیله آن ادیان پیشین نسخ گردد، یا رهبری امتی به او اعطا شود و اطاعتش واجب گردد، بلکه فقط برای این است که در علم ازلی خدای تبارک و تعالی مقدر بود که عمر قائم ما در زمان غیبت بسیار طولانی باشد و می دانست که بسیاری از مردمان، این عمر بسیار طولانی را انکار خواهند نمود، خدایش او را عمر بسیار طولانی داد، بدون این که سبب دیگری داشته باشد، بلکه فقط برای این که با عمر طولانی او به عمر طولانی حضرت قائم استدلال گردد و بدین وسیله حجت بر دشمنان لجوج تمام شود تا مردمان را در پیشگاه خدا حجتی نباشد.»

همچنین از امام رضا علیہ السلام روایت شده که فرمودند:

«حضرت خضر از آب حیات آشامید، پس او زنده است و نمی میرد تا در صورت دمیده شود، البته او نزد ما می آید و بر ما سلام می کند، صدایش شنیده می شود ولی خودش دیده نمی شود و او هر جا که نامش به میان آید حاضر می شود، پس هر که از

شما او را یاد کرد بر او سلام کند، او هر سال در مراسم حج حاضر است، تمام مناسک را انجام می دهد و در عرفه توقف می کند، بر دعای مؤمنان آمین می گوید، خداوند وحشت قائم ما را در هنگام غیبتش به او به انس مبدل می سازد و تنهاییش را با او برطرف می نماید.<sup>۱</sup>

«نام حضرت خضر، بلیاست<sup>۲</sup> علت این که خضر نامیده شده این است که بر چوب خشکی نمی نشست مگر این که سبز می شد و نیز گفته شده هرگاه نماز می گذاشت اطرافش سبز می شد و گفته اند: برای این که او در سرزمین سفیدی بود که به یکباره تکان خورده و سبز شد.»<sup>۳</sup>

همچنین روایت شده است:

«حضرت قائم نیز از هر سرزمینی بگذرد سبز و پر گیاه می شود و آب از آنجا می جوشد و چون از آنجا برود آب هم فرو می رود و زمین به حال خود بر می گردد.»<sup>۴</sup>

### شبهات به حضرت شعیب علیه السلام

حضرت شعیب در میان قوم خود گفت:

﴿بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾<sup>۵</sup>

«اگر مؤمن باشید، باقیمانده (حلال) خدا برای شما بهتر است.»

امام زمان نیز هنگامی که خروج می کند به کعبه تکیه می زند و ۳۱۳ بار به نزدش حاضر می شوند، پس اولین سخنی که به زبان می آورد این آیه است: ﴿بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ من بقیة الله در زمین و خلیفه خدا و حجت او بر شما هستم، پس هیچ مسلمانی بر او سلام نمی کند، مگر این که چنین می گوید: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ»<sup>۶</sup>

۱ - بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۲۹۹، ح ۱۷.

۲ - همان، ص ۲۸۳، ح ۱.

۳ - کمال الدین، ج ۲، ص ۳۹۱.

۴ - نجم الناقب، ص ۸۴.

۵ - سورة هود (۱۱) آیه ۸۶.

۶ - مکالم المکارم، ج ۱، ص ۲۲۵.

همچنین روایت است:

تکذیب کنندگان حضرت شعیب به آتش ابری سوختند که بر آنان سایه افکنده بود. چنانکه خداوند عزوجل می فرماید:

﴿ فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمْ عَذَابٌ يَوْمَ الظُّلَّةِ إِنَّهُ كَانَ عَذَابٌ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴾<sup>۱</sup>

«باز او را تکذیب کردند و به عذاب سخت روز سایبان گرفتار شدند که عذاب آن روز بسیار دشوار بود.»

«در عصر ظهور حضرت قائم نیز تمام بت‌ها و معبودهای غیر خدا خواهند سوخت.»<sup>۲</sup>

### شبهات به حضرت موسیٰ علیہ السلام

در روایت آمده است:

دوران حمل حضرت موسیٰ مخفی بود و ولادتش مخفیانه صورت گرفت، دوران حمل و ولادت آقا امام زمان نیز به همین ترتیب مخفیانه انجام شد.

حضرت موسیٰ دو غیبت داشت که یکی از دیگری طولانی تر بود، غیبت اول از مصر بود که ۲۸ سال طول کشید، غیبت دوم هنگامی که به سوی میقات پروردگارش رفت، چهل روز به طول انجامید چنانکه خداوند متعال می فرماید:

﴿ وَاعْذُنَا مُوسَىٰ ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمَّمْنَاهَا بِعَشْرٍ فَمِمَّا مِيقَاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ﴾<sup>۳</sup>

«با موسیٰ، سی شب وعده گذاشتیم و آنرا با ده شب دیگر تمام کردیم تا آنکه وقت معین پروردگارش در چهل شب به سر آمد.»

امام زمان نیز دو غیبت دارد، غیبت صغری و غیبت کبری.

حضرت موسیٰ وقتی غایب شد، قومش در منتهای رنج، مشقت و ذلت واقع شدند، که دشمنانشان پسران آنان را می کشتند و زنانشان را زنده می گذاشتند، شیعیان و دوستان حضرت قائم نیز در زمان غیبت آن حضرت در نهایت سختی و فشار و ذلت می افتند، البته این سختی‌ها و مشکلات برای آن است که امتحان شوند

۱ - سورة شعراء (۲۶) آیه ۱۸۹.

۲ - مکیال المکارم، ص ۲۲۵.

۳ - سورة اعراف (۷) آیه ۱۴۲.

تا بین خوب‌ها و بد‌ها فاصله افتد.

در همین رابطه در قرآن می‌خوانیم:

﴿لِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكٰفِرِينَ﴾<sup>۱</sup>

«تا کسانی را که ایمان آورده‌اند خالص گرداند و کافران را (به تدریج) نابود سازد.»

حدیثی در این باره از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده که فرمود:

«بر شیعیان روزی می‌گذرد که مانند بُز باشند که شیر درنده نداند روی کدام یک از آنان دست بگذارد، عزت آنان از دست رفته و احترامی برایشان نمانده و تکیه گاهی نداشته باشند.»<sup>۲</sup>

در واقع این سرنوشت از آن مردمی است که از مسئولیت خود سرباز زده و نسبت به مقدسات بی تفاوت و بی محبت می‌باشند چنان که قرآن کریم این نوع افراد را مخاطب قرار داده و می‌فرماید:

﴿ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ اَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾<sup>۳</sup>

«این دستاورد خود مردم بود که موجب ظهور فساد در خشکی و دریا شد، تا نتیجه برخی از کارهای خود را بچشند، باشد که (از راهی که می‌روند) باز گردند.»

در همین رابطه افراد باید به خود آیند و در مورد سرنوشت خویش حساس بوده و از خدای منان تقاضای قَرَج داشته باشند قَرَج و گشایش در تمامی امور که به آنان مربوط است؛ زیرا خداوند می‌فرماید:

﴿اِنَّ اللّٰهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتّٰى يُغَيِّرُوْا مَا بِاَنْفُسِهِمْ﴾<sup>۴</sup>

«همانا، مادام که مردمی خود، خویشتن را دگرگون نکنند، خدا در وضع آنان تغییری ایجاد نمی‌کند.»

۱ - سوره آل عمران (۳) آیه ۱۴۱.

۲ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۱۴.

۳ - سوره روم (۱۱) آیه ۴۱.

۴ - سوره رعد (۱۳) آیه ۱۱.

در حقیقت، تغییر و تحول در عملکردهای منفی و مثبت هر دو به خود افراد بر می‌گردد، پیامد و نتیجه ذره‌ای عمل نیک و عمل شرّ در سرنوشت افراد دخالت مستقیم دارد و به تحقیق خداوند است که افراد را طبق اعمالشان عزت و اقتدار می‌بخشد و یا آنان را خوار و ذلیل می‌گرداند، چنان‌که در قرآن می‌خوانیم: ﴿وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ﴾<sup>۱</sup> باشد در سایه تقوا و اعمال نیک عزت و شرف ابدی از آن همگی ما گردد که فرجام انسان و سرانجام آفرینش، رفتن به سوی خداست: ﴿أَنَّ إِلَى رَبِّكَ الْمُنْتَهَى﴾<sup>۲</sup>

خداوند متعال درباره حضرت موسی عليه السلام می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَأَخْتَلَفَ فِيهِ﴾<sup>۳</sup>

«ما به موسی کتاب را دادیم پس در آن اختلاف شد.»

امام محمد باقر عليه السلام می‌فرماید:

«این امت در کتابی<sup>۴</sup> که با حضرت قائم است اختلاف خواهند کرد تا جایی که بسیاری از مردم آن را منکر خواهند شد، به همین دلیل حضرت مهدی آنان را پیش می‌کشد و گردنشان را می‌زند.»<sup>۵</sup>

### شبهت به حضرت یوشع عليه السلام

پس از وفات حضرت موسی، منافقان امت آن حضرت با حضرت یوشع جنگ کردند. منافقان امت رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز با آقا امام زمان جنگ خواهند کرد. «خورشید برای حضرت یوشع بازگشت،<sup>۶</sup> حضرت ولی عصر نیز با خورشید و ماه سخن می‌گوید و آن‌ها به او پاسخ می‌دهند.»<sup>۷</sup>

۱ - سورة آل عمران (۳) آیه ۲۶.

۲ - سورة نجم (۵۳) آیه ۴۲.

۳ - سورة هود (۱۱) آیه ۱۱۰.

۴ - منظور کتاب آسمانی قرآن می‌باشد که به دست مبارک حضرت امیرالمؤمنین عليه السلام تدوین یافته و در حال حاضر نزد حضرت مهدی عليه السلام است.

۵ - مکیال المکارم، ج ۱، ص ۲۲۹.

۶ - بحارالانوار، ج ۴۱، ص ۱۸۹، ح ۲۲.

۷ - مکیال المکارم، ج ۱، ص ۲۳۵.

### شبهات به حضرت داوود علیهِ السَّلَام

خداوند متعال خلافت زمین را به حضرت داوود سپرد و خطاب به او فرمود:

﴿ يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ ﴾<sup>۱</sup>

«ای داوود! ما تو را در زمین خلیفه (و جانشین) گردانیدیم پس میان مردم

به حق داوری کن.»

خداوند مهربان نیز آقا امام زمان را در روی زمین خلیفه قرار داده و خطاب به

ایشان فرمودند.

﴿ أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ

عَالَةً مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ ﴾<sup>۲</sup>

«آیا آن کیست که دعای بیچارگان مضطر را به اجابت می‌رساند و رنج و غم

و اندوه آنان را برطرف می‌سازد و شما مسلمانان را جانشینان اهل زمین

قرار می‌دهد؟ آیا با وجود خدای یکتا خدایی هست (هرگز نیست) لیکن

اندک مردمی متذکر این حقیقت هستند.»

پروردگارا! ای پاینده ابدی، همان اندک مردمی که متذکر این حقیقت والا هستند

از تو خدای مهربان می‌پرسند پس کی می‌رسد آن زمان که رنج‌ها و غم‌ها به پایان

رسد تا عالمیان طبق وعده تو خدای بزرگ از نجات یافتگان باشند درحالی که مدت

زمان مدیدی است که آنان تقاضای ظهور سرورشان حضرت مهدی را دارند و این

سؤال هر منتظری است که به راستی او کجاست؟

﴿ أَيْنَ الْمُضْطَرُّ الَّذِي يُجَابُ إِذَا دَعَى ﴾<sup>۳</sup>

«کجاست آن جان به لب رسیده از اضطراری که سرانجام، درخواستش به هدف

اجابت در رسد.»

کجاست امیر انسان‌های رنج‌دیده عالم که ناله و فغانشان به درگاه تو خدای

رئوف بلند است؟

۱ - سوره ص (۳۸) آیه ۲۶.

۲ - سوره نمل (۲۷) آیه ۶۲.

۳ - قسمتی از دعای ندبه.

کجاست امیر شایستگان و پرهیزکارانی که او را به یاری خویش طلب می‌کنند اگرچه همه امیدها و آرزوهای ما در یک جمله خلاصه شده و آن نویدی است که هر موحدی به برادر و خواهر مؤمن خود بشارت می‌دهد که به تحقیق خداوند خلف وعده نمی‌کند و اوست که از امور همگی ما باخبر است و بالأخره با اذن ظهور پروردگار هستی به این نابسامانی و انتظار طاقت فرسا پایان بخشیده و همگان نجات خواهند یافت و حق بر فراز هستی خواهد نشست تا دین اسلام جلوۀ واقعی را بیابد.

آری، جلوۀ واقعی را بیابد اگرچه بودند و هستند افرادی ناآگاه و مغرض که از اعصار گذشته تا به حال با دین اسلام مبارزه کرده و در هر عصر و زمان برای نابودی آن قدرت نمایی می‌کنند و غافل از قدرت پروردگارند که اوست خواهان دین حق، دینی که بالأخره توسط سفیر بر حق خدا حضرت مهدی علیه السلام در جایگاه واقعی خود قرار خواهد گرفت و از آن به بعد هیچ کس و هیچ قدرتی وجود نخواهد داشت تا در مقابل اسلام و اسلام‌گرایان اعلام موجودیت کند؛ زیرا دین اسلام به خواست خداوند و توسط تنها منادی و پیشوای آسمانی به همگان معرفی خواهد شد، هر کس پذیرای آن باشد حیاتی مملو از سعادت و آسایش را دنبال خواهد نمود و اگر کسی و کسانی در مقابل این پدیده آسمانی قد علم کنند بدون شک آخرین خودنمایی آنان است که با قدرت لایتناهی خداوند سرکوب شده و از آن به بعد هرگز چنین فرصتی به این نوع عوامل سوء داده نمی‌شود تا در مقابل دین حق و حق پرستان مظلوم در جای جای جهان سینه سپر کرده و مانع حرکت خداپسندانۀ آنان باشند و بدون شک عوامل مخرب در عصر شکوفایی به خواست خداوند فاقد هر نوع قدرتی خواهند شد و در آن عصر آنان به وسیله هر کس و هر شیء مورد تهدید قرار خواهند گرفت چنان که خبر آن در میان دیگر اخبار درج گردیده، در همین رابطه روایت است: سنگ با حضرت داوود سخن گفت و ندا سرداد: ای داوود! مرا بگیر و با من جالوت را به قتل برسان.

در مورد حضرت مهدی نیز نقل شده: «عَلَمٌ وَ شَمِشٌ أَنْ سُرُورٌ، او را صدا کرده و می‌گویند: ای ولی خدا! خروج کن و دشمنان خدا را به قتل برسان.»<sup>۱</sup>

### شبهات به حضرت سلیمان علیه السلام

حضرت داوود، حضرت سلیمان را به جانشینی خود برگزید در حالی که آن حضرت به سن بلوغ نرسیده بود، آقا امام زمان نیز زمانی به خلافت رسید که کودک بود. خداوند متعال! باد را مسخر حضرت سلیمان نمود، در همین رابطه قرآن مجید می فرماید:

﴿ فَسَخَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ رُخَاءً حَيْثُ أَصَابَ ﴾<sup>۱</sup>

«پس باد را در اختیار او قرار دادیم که هر جا تصمیم می گرفت، به فرمان او نرم و روان می شد.»

خداوند سبحان باد را نیز در خدمت امام زمان قرار می دهد چنان که در حدیثی از امام جعفر صادق علیه السلام می خوانیم:

«پس خداوند تبارک و تعالی بادی برانگیزد<sup>۲</sup> که در هر بیابان ندا کند: این مهدی است که به قضاوت داوود و سلیمان داوری می کند دلیل و بینه هم نمی خواهد.»<sup>۳</sup>  
«حضرت سلیمان حشمة الله بود. حضرت قائم نیز حشمة الله است.»<sup>۴</sup>

### شبهات به حضرت ایوب علیه السلام

«حضرت ایوب هفت سال بر بلا صبر کرد.»<sup>۵</sup>

نقل شده است: «حضرت ایوب از جهت ثروت و مقام در میان خلق محبوبیتی داشت. او دارای هفت پسر و هفت دختر بود و از هر جهت در آسایش و آرامش به سر می برد و شب و روزش به ستایش پروردگار می گذشت، روزی شیطان به پیشگاه احدیت عرضه داشت، سپاس و ستایش حضرت ایوب از این جهت است که همه نعمت ها را بر او تکمیل کرده ای، اگر این مال و اموال و اولاد را از او بگیری هرگز

۱ - سوره ص (۳۸) آیه ۳۶.

۲ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۶، ح ۱۹، باب ۲۶.

۳ - کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۱.

۴ - مکیال المکارم، ج ۱، ص ۲۴۲.

۵ - بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۳۴۷.



زبان به شکر و ستایش باز نمی‌کند، خداوند فرمود: اختیار ثروت و اولاد او را به تو سپردم، پس شیطان محل سکونت و همه مزارع او را طعمه حریق ساخت و سقف خانه‌اش را بر سر اولادش فرو ریخت، حضرت ایوب شکیبایی را پیشه خود ساخت، روز و شب به ستایش حضرت پروردگار سپری نمود.

روزی شیطان گفت: خدایا! اگر نعمت سلامتی را از او بگیری دیگر شکر و سپاس نمی‌گوید، خدای تبارک و تعالی برای این که مقام والای حضرت ایوب آشکار شود، فرمود: تو را بر جان او مسلط ساختم ولی هرگز به قلب او راه نیابی که مالا مال از ایمان و عرفان است، شیطان شب و روز به آزار او پرداخت و او را بیمار و رنجور ساخت ولی او هرگز زبان به شکایت نگشود و تمام اوقات شبانه روز به سپاس و ستایش حق تعالی مشغول بود. هفت سال بدین منوال گذشت تا برخی زبان به شماتت گشوده و گفتند: ای ایوب نمی‌دانیم میان تو و خداوند چه گناهی گذشته که این چنین مبتلا شده‌ای؟ حضرت ایوب دست‌ها را به سوی خدای سبحان برافراشت و عرضه داشت: پروردگارا! ما را گزندی رسیده است و تو هم بخشاینده‌ترین بخشایندگانی.

مرویست: در این دعا حضرت ایوب به گرفتاری‌هایش اشاره کرد ولی خداوند حاجتش را برآورد، ابتدا سلامتی را به او بازگردانید، سپس به تعداد فرزندان که به اجل طبیعی درگذشته بودند به او فرزند عطا کرد.<sup>۱</sup>

همچنین نقل شده است: «آقا امام زمان از هنگام وفات پدرش تا کنون صبر کرده است.»<sup>۲</sup> روایت است: به اذن خداوند چشمه آبی برای ایوب از زمین جوشید. در همین رابطه در قرآن می‌خوانیم:

﴿أَرْكُضْ بِرِجْلِكَ هَذَا مُغْتَسَلٌ بَارِدٌ وَشَرَابٌ﴾<sup>۳</sup>

«به او گفتیم: با پای خود (به زمین) بکوب، اینک این چشمه ساری سرد و آشامیدنی است.»

۱ - المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۷، ص ۲۱۲.

۲ - مکیال المکارم، ج ۱، ص ۲۴۳.

۳ - سوره ص (۳۸) آیه ۴۲.

برای حضرت قائم نیز چشمه‌ای از زمین جوشید، در همین رابطه شیخ طوسی به سند خود از ابوسوره روایت کرده که او حضرت مهدی را هنگام مراجعت از زیارت کربلا ملاقات کرده است. ابو سوره می‌گوید: «آن شب راه رفتیم ناگاه به قبرهای مسجد سهله رسیدیم، آقا فرمود: این منزل من است، سپس فرمود: تو به نزد ابن‌الرازی علی بن یحیی می‌روی و می‌گویی آن مالی که چنین و چنان علامت دارد و در... قرار دارد و با... پوشانده شده به تو بدهد، عرض کردم: تو کیستی؟

فرمود: من محمد بن الحسن هستم، سپس راه رفتیم تا هنگام سحر به نوایس رسیدیم، آنگاه آقا نشست و با دست زمین را کردند ناگهان دیدم آب بیرون آمد، سپس آقا وضو گرفته و سیزده رکعت نماز خواندند.

من نیز به نزد ابن‌الرازی رفته و در را کوبیدم، گفت: تو کیستی؟ گفتم: ابوسوره هستم، شنیدم با خود می‌گفت: مرا با ابوسوره چه کار؟ وقتی بیرون آمد جریان را برایش گفتم، با من مصافحه کرد، سپس صورتم را بوسید و دستم را بر صورتش کشید، آنگاه مرا داخل خانه برد و از پائین تخت کیسه را بیرون آورد...

مرویست: ابوسوره این چنین حق را شناخت و بعد از این جریان شیعه دوازده امامی شد، زیرا او زیدی<sup>۱</sup> بود.<sup>۲</sup>

خداوند عزوجل مردگان را برای ایوب زنده کرد چنان‌که در قرآن می‌خوانیم:

﴿فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَآتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَ مِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَذُكِّرُوا لِلْعَابِدِينَ﴾<sup>۳</sup>

«پس (دعای) او را اجابت کردیم و آسیب وارده بر او را برطرف نمودیم و کسان او و نظیرشان را همراه با آنان (مجدداً) به وی عطا کردیم (تا) رحمتی از جانب ما و عبرتی برای عبادت‌کنندگان (باشد).»

خداوند نیز برای حضرت قائم، مردگان را زنده می‌کند و از جمله اصحاب کهف در نخستین روز ظهور آن حضرت رجعت می‌کنند و در اولین روز اعلام ظهور با آن

۱ - زیدی: فرقه‌ای از شیعه می‌باشد که معتقد به امامت زید فرزند زین العابدین علیه السلام هستند.

۲ - بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۱۹، ح ۴۱.

۳ - سوره انبیا (۲۱)، آیه ۸۴.

بزرگوار بیعت می نمایند.

مرویست: «نام آنان بارها در میان ۳۱۳ تن از یاران حضرت مهدی یاد شده است<sup>۱</sup> و در دولت حقه به امر آن حضرت اصحاب کهف فرمانروایان روی زمین خواهند بود.»<sup>۲</sup>

همچنین جمعی از اصحاب باوفای حضرت پیامبر ﷺ رجعت می کنند، همانان که در طریق ولایت ثابت قدم ماندند و هرگز منحرف نشدند، اسامی تعدادی از یاران امام زمان در احادیث آمده و به برخی از آنان اشاره می شود از جمله: سلمان فارسی، مقداد، جابر بن عبدالله انصاری، مالک اشتر، ابودجانة انصاری، مفضل بن عمر، حمران بن اعین، یوشع بن نوح، مؤمن آل فرعون و...

در مورد مؤمن آل فرعون آمده است:

هنگامی که در جلسه مشورتی، فرعون به کشتن حضرت موسی و همه مردانی که به او ایمان آورده اند رأی داد، مردی از آل فرعون که ایمان محکم و پابرجایی به حضرت موسی علیه السلام داشت، مطلب بسیار حکیمانه ای گفت که به کلی رأی حاضران در مجلس را دگرگون ساخت، چنان که خداوند مطالب حکیمانه او را در سوره مؤمن چنین بیان کرده است:

﴿ قَالَ رَجُلٌ مُّؤْمِنٌ مِّنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ أَتَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ وَقَدْ جَاءَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ مِنْ رَبِّكُمْ وَإِنْ يَكُ كَاذِبًا فَعَلَيْهِ كَذِبُهُ وَإِنْ يَكُ صَادِقًا يُصِيبْكُمْ بَعْضُ الَّذِي يَعِدُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ ﴾<sup>۳</sup>

«مردی مؤمن از خاندان فرعون که ایمان خود را نهان می داشت، گفت: آیا مردی را می کشید که می گوید: پروردگار من خداست؟ و مسلماً برای شما از جانب پروردگارتان دلایل آشکاری آورده و اگر دروغگو باشد دروغش به زیان اوست و اگر راستگو باشد برخی از آنچه به شما وعده می دهد به شما خواهد رسید، چون خدا کسی را که افراط کار دروغ زن باشد هدایت نمی کند.»

۱ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۹۱.

۲ - المحجة البيضاء، ص ۷۶.

۳ - سوره غافر (۴۰) آیه ۲۸.

﴿ فَسْتَذَكُرُونَ مَا أَقُولُ لَكُمْ وَأَفْوِضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ فَوَقَاهُ اللَّهُ سَيِّئَاتٍ مَا مَكَرُوا وَخَاقٍ بِأَلٍ فِرْعَوْنَ سَوْءَ الْعَذَابِ ﴾<sup>۱</sup>

«پس به زودی آنچه را به شما می گویم به یاد خواهید آورد و (من) کارم را به خدا می سپارم؛ خداست که به حال بندگان خود بیناست. پس خدا او را از عواقب سوء آنچه نیرنگ می کردند حمایت فرمود و فرعونیان را عذاب سخت فرو گرفت.»

### شبهات به حضرت عیسیٰ علیه السلام

«خداوند حضرت عیسی مسیح را به سوی خود بالا برد و او در کودکی در گهواره سخن گفت.»

امام زمان نیز در کودکی در گهواره سخن گفت و خداوند او را به سوی خویش به آسمان ها برد.»<sup>۲</sup>

حضرت عیسی فرزند بهترین زنان زمانش می باشد، حضرت قائم نیز فرزند بهترین زنان زمانش می باشد.

خداوند حکمت و ویژگی های نبوت را در کودکی به حضرت عیسی عنایت کرد.

خداوند حکمت و ویژگی های امامت را نیز در کودکی به حضرت قائم عنایت کرد.

امام صادق علیه السلام در بیان شبهات حضرت حجت به حضرت عیسی فرمود:

یهود و نصاریٰ اتفاق کردند بر این که عیسی کشته شد ولی خداوند عزوجل آنان

را تکذیب کرد و فرمود:

﴿ مَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ ﴾<sup>۳</sup>

«او را نکشتند و به دار نیاویختند ولی امر بر آنان مشتبه شد.»

«غیبت قائم نیز همین طور است، عاقبت این امت به سبب طولانی شدن غیبت،

او را انکار خواهند کرد بعضی هدایت نشده خواهند گفت: اصلاً متولد نشده و

۱ - سورة غافر (۴۰) آیه ۴۴ - ۴۵.

۲ - مکیال المکارم، ج ۱، ص ۲۴۶.

۳ - سورة نساء (۴) آیه ۱۵۷.

بعضی دیگر خواهند گفت: متولد شد و مُرد و کسانی کفر می ورزند چون می گویند: یازدهمین نفر از ما عقیم بوده و برخی سرکش خواهند شد به این که امامت را به سیزده نفر و بیشتر سرایت دهند، سپس خدای منان را معصیت کنند و بگویند: روح قائم در کالبد دیگری وارد شده و او از زبان آن حضرت سخن می گوید.<sup>۱</sup>

حضرت عیسی به اذن باری تعالی مرده زنده می کرد، به همین دلیل خداوند خطاب به آن حضرت فرمودند:

﴿وَإِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِي﴾<sup>۲</sup>

«ای عیسی به یاد آر) هنگامی که مردگان را به اذن من از قبر بیرون آوردی.»

در همین رابطه شیخ بهاء الدین حدیثی از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود: «حضرت عیسی بن مریم علیه السلام بر روستایی گذشت که اهالی و چهار پایان و پرندگان آن همه یکجا مرده بودند، حضرت فرمود: جز این نیست که اینها به غضب و خشم الهی مرده اند، اگر به طور پراکنده مرده بودند یکدیگر را دفن می کردند، یاران آن حضرت عرض کردند: ای روح و کلمه پروردگارا دعا کن تا خداوند آنان را برای ما زنده کند تا به ما خبر دهند که کارهایشان چه بوده تا از آنان دوری کنیم.»

پس حضرت عیسی به درگاه پروردگارش دعا کرد، آنگاه از جانب آسمان ندا شنید: آنان را صدا کن، شب هنگام حضرت عیسی بر زمین بلندی بالا رفت و فرمود: ای اهل این قریه! یکی از میان آنان پاسخ داد: «لَبَّيْكَ يَا رُوحَ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ.» حضرت فرمود: وای بر شما، کارهایتان چه بوده؟

گفت: عبادت طاغوت و محبت دنیا، با ترسی اندک و آرزویی دراز و بی خبری در بازی و سرگرمی.

حضرت فرمود: محبت شما نسبت به دنیا چگونه بود؟

گفت: مانند محبت بچه نسبت به مادرش، هر وقت به ما روی می آورد خوشحال

۱ - مکیال المکارم، ص ۲۴۷.

۲ - سورة مائده (۵) آیه ۱۱۰.

و مسرور می شدیم و وقتی از ما روی می گرداند گریه می کردیم و اندوهگین می شدیم.

حضرت عیسی فرمود: عبادت شما نسبت به طاغوت چگونه بود؟

گفت: اطاعت از اهل معصیت.

حضرت فرمود: آخر کارتان چگونه شد؟

گفت: شبی با عافیت آرמידیم و در هاویه<sup>۱</sup> صبح کردیم.

حضرت فرمود: هاویه چیست؟

گفت: سجین.

حضرت فرمود: سجین کدام است؟

عرض کرد: کوه‌هایی از آتش سرخ که تا روز قیامت ما را می‌گدازد.

حضرت فرمود: چه گفتید و به شما چه گفته شد؟

عرض کرد: گفتیم ما را به دنیا باز گردانید که در آن زهد خواهیم کرد، به ما گفته

شد: دروغ می‌گوئید.

حضرت فرمود: وای بر تو چگونه است که کسی غیر از تو با من حرف نزد؟

عرضه داشت: ای روح الله، آنان با لجام‌های آتشین به دست فرشتگان غلاظ شداد<sup>۲</sup>

دهانشان بسته شده و من نیز در میان آنان بودم ولی از خودشان نبودم، هنگامی که

عذاب نازل گشت مرا هم شامل شد، من بر کنار جهنم به یک تار موی آویزان هستم،

نمی‌دانم در آن خواهم افتاد یا نجات خواهم یافت؟

پس از این گفت‌وگو حضرت عیسی به یارانش فرمود: ای اولیای خدا! خوردن

نان خشک با نمک زیر و خوابیدن در زیباله‌دان‌ها با عافیت در دنیا و آخرت بسیار

خوب است.<sup>۳</sup>

در همین رابطه روایت شده حضرت قائم علیه السلام نیز مردگان را به اذن خدای تعالی

زنده می‌کند.

۱ - چون آیه ﴿وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ﴾ «و دوزخ، مبعادگاه همه آنان است و هفت در

دارد» (سوره الحجر آیه ۴۳) نازل گردید رسول خدا به جبرئیل فرمود: احوال جهنم را برای من وصف نماید.

جبرئیل عرض کرد: از هر در تا در دیگر هفتاد سال راه هست و هر دری در گرمی هفتاد برابر گرمی دارد و اولین در

هاویه است و آن جای منافقان و کفار می‌باشد.

۲ - به فرشتگان درشتخو، سنگدل و سخت‌گیر گویند.

۳ - بحارالانوار، ج ۱۷۳، ص ۱۰، ح ۳.

به طور مثال در قرآن کریم می خوانیم:

﴿قَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ قُلُوبُهُمْ مُنْكَرَةٌ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ﴾<sup>۱</sup>

«آنان که به آخرت ایمان نمی آورند، دل‌هایشان منکر است و آنان کبر ورزندگانند.»

امام محمد باقر علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود:

﴿وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ يَمُوتُ بَلَى وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا، وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾<sup>۲</sup>

«با سخت‌ترین سوگندها، به خدا سوگند یاد کردند که خداوند کسی را که بمیرد دیگر بر نمی انگیزد، بلکه وعده حتمی خداوند است، لکن بیشتر مردمان نمی دانند.»

به امید دیدار آن امام بزرگواری که به اذن خداوند قیام خجسته ایشان تحقق خواهد پذیرفت و بالآخره هدف والای آن سرور به فتح و ظفری بی مانند دست خواهد یافت و مشعل هدایت آن حضرت، جهان ظلمانی ما را روشن خواهد کرد.  
ان شاء الله

### شبهت به حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله

در همین رابطه رسول اکرم این چنین فرموده‌اند:

«الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ مِنْ وَوَلَدِي إِسْمُهُ إِسْمِي وَكُنْيَتُهُ كُنْيَتِي؛ أَشْبَهُ النَّاسِ بِي خَلْقًا وَخُلُقًا...»<sup>۳</sup>

«مهدی قائم از فرزندان من است، اسم او اسم من و کنیه اش کنیه من، از نظر خلق و خلق شبیه ترین مردم به من است...»

آن حضرت در احادیث دیگر فرموده‌اند:

«أَوْلُنَا مُحَمَّدًا وَآخِرْنَا مُحَمَّدًا وَأَوْسَطُنَا مُحَمَّدًا وَكُلُّنَا مُحَمَّدًا فَلَا تَفَرَّقُوا بَيْنَنَا.»<sup>۴</sup>

۱ - سورة نحل (۱۶) آیه ۲۲.

۲ - همان، آیه ۳۸.

۳ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۲.

۴ - همان، ج ۲۶، ص ۱.

«اول ما محمد و آخر ما محمد و وسط ما محمد است و همه ما محمدیم! پس میان ما فرق نگذارید.»

«لَا يَزَالُ هَذَا الدِّينُ قَائِمًا إِلَى اثْنَيْ عَشَرَ مِنْ قُرَيْشٍ فَإِذَا مَضَوْا سَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا.»<sup>۱</sup>  
 «تا دوازده تن از قریش هستند، این دین پابرجاست، هنگامی که زمین از آنان خالی شود زمین ساکنان خود را درکامش فرو می برد.»

«السَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا رَسُولِ اللَّهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ السَّلَامُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ وَ عَلَى مَجَالِسِهِ وَ مَشَاهِدِهِ وَ مَقَامِ حِكْمَتِهِ وَ آثارِ آبَائِهِ آدَمَ وَ نُوحَ وَ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ...»<sup>۲</sup>

«سلام بر آقای ما رسول خدا محمد بن عبدالله و بر آل پاکیزه او! سلام بر امیرمؤمنان علی بن ابی طالب و رحمت و برکات او (خدا) بر ایشان باد و بر مجالس و جایگاه‌های حضور او و مقام حکمتش و آثار پدرانش آدم، نوح، ابراهیم و اسماعیل...»

پروردگارا! درود فرست بر محمد و آل محمد و طبق وعده‌ات آخرین حجت از این خاندان شریف را با مواریث انبیا نصرت بخش و او را به حکومت در جهان آفرینش گرامی بدار و خروجش را آسان نما، به درستی که تو شنوای اجابت کننده هستی به امید رحمت ای مهربانترین مهربانان.

## مواریث انبیا

مواریث انبیا یکی از ابزارهای مهم تشکیل حکومت جهانی است که آخرین مصلح آسمانی از آن‌ها به عنوان سلاح مبارزه و وسیله‌ای جهت اتمام حجت استفاده می کند.

امام محمد باقر علیه السلام در این مورد می فرماید:

«أَوَّلُ مَا يَبْدَأُ الْقَائِمُ عليه السلام بِأَنْطَاكِيَّةَ، فَيَسْتَخْرِجُ مِنْهَا التُّورَةَ مِنْ غَارٍ فِيهِ عَصَا مُوسَى وَ خَاتَمُ

سُلَيْمَانَ.»<sup>۳</sup>

۱ - الزام الناصب، ص ۷۸.

۲ - همان، ج ۱۰۰، ص ۴۰۹، ح ۶۷.

۳ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۰، ح ۲۱۲.



«نخستین کاری که قائم علیه السلام در انطاکیه انجام می دهد این است که تورات را از غاری بیرون می آورد که عصای موسی و انگشتر سلیمان در آن است.»  
 در مورد انگشتر حضرت سلیمان علیه السلام روایت شده است: که سلطه آن حضرت بر تمام موجودات کره زمین با یک رمز مشخص بود و آن رمز هم در انگشتر حضرت مهدی نهفته است و در حال حاضر حضرت مهدی تنها وارث آن انگشتر می باشند.  
 در مورد عصای حضرت موسی علیه السلام روایت است: که آن حضرت عصای خود را به رود نیل زد و رود به دو نیم شد و بدین ترتیب امت آن حضرت نجات یافتند و همان رود به هم پیوست و باعث مرگ دشمنان شد، آن عصا در عصر ظهور در اختیار حضرت مهدی قرار خواهد گرفت.

در مورد تورات نیز باید گفت: یکی از کتاب های آسمانی است که حضرت مهدی به وسیله آن کتاب مقدس با یهودیان اتمام حجت خواهند کرد.  
 رسول اکرم ﷺ در این باره می فرماید:

«يُظْهِرُ عَلَى يَدَيْهِ تَابُوتَ السَّكِينَةِ مِنْ بُحَيْرَةِ طَبْرِيةَ، يُحْمَلُ فَيُوضَعُ بَيْنَ يَدَيْهِ بَيْتِ الْمَقْدِسِ، فَإِذَا نَظَرَتْ إِلَيْهِ الْيَهُودُ أَسْلَمَتْ إِلَّا قَلِيلاً مِنْهُمْ.»<sup>۱</sup>

«تابوت سکینه به دست او از دریاچه طبریه (در فلسطین) بیرون آورده می شود و همراه آن حضرت حمل شده، در بیت المقدس در برابرش گذاشته خواهد شد، هنگامی که یهودیان آنرا ببینند همگی به دین اسلام مشرف می شوند به جز تعدادی اندک.»

تابوت سکینه، همان ده فرمان حضرت موسی علیه السلام است که در دو لوح قرار گرفته و یکی از اسرار الهی است و در عصر ظهور به عنوان سلاح در اختیار حضرت مهدی قرار می گیرد، درباره این سلاح گفته اند آن حضرت در صورت نیاز، آنرا به هر شهری که بفرستند آن دیار را تماماً طعمه حریق می سازد و چیزی جز خاکستر باقی نمی گذارد و بدون شک بمب های اتمی در مقابل تابوت سکینه تاب مقاومت نداشته و قدرت خدای لایزال در آن روزهای مبارک به نمایش درخواهد آمد و عالمیان به نتیجه خواهند رسید که قدرت مطلق، متعلق به پروردگار آسمان ها و

زمین است و وظیفه هر موجود زنده اطاعت بدون قید و شرط می باشد و بس.  
امام صادق علیه السلام می فرماید:

«إِنَّ الْمَهْدِيَّ يَسْتَخْرِجُ كُتُبًا مِنْ غَارِ أَنْطَاكِيَّةٍ وَيَسْتَخْرِجُ الزَّبُورَ مِنَ بُحَيْرَةِ طَبْرِيةٍ فِيهَا مِمَّا تَرَكَ  
آلَ مُوسَى وَآلَ هَارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ وَفِيهَا الْأَلْوَاخُ وَعَصَا مُوسَى.»<sup>۱</sup>

«مهدی کتاب هایی را از غار انطاکیه و زبور را از دریاچه طبریه (فلسطین) بیرون  
می آورد که از میراث های آل موسی و آل هارون است، آن ها را فرشتگان حمل  
می کنند و الواح و عصای موسی در آنجا است.»

«كَانَتْ عَصَا مُوسَى قَضِيبَ آسٍ مِنْ: الْجَنَّةِ، أَتَاهُ بِهِ جَبْرَائِيلُ عليه السلام لَمَّا تَوَجَّهَ تَلْقَاءَ مَدْيَنَ...  
وَهِيَ وَتَابُوتُ آدَمَ فِي بُحَيْرَةِ طَبْرِيةٍ وَلَنْ يَبْلِيَا وَلَنْ يَتَغَيَّرَا حَتَّى يُخْرِجَهُمَا الْقَائِمُ إِذَا قَامَ.»<sup>۲</sup>

«عصای موسی از چوب آس، از درختان بهشتی است که جبرئیل به هنگام  
عزیمت به سوی مدین... آن را به او داده بود، عصای موسی و تابوت آدم در دریاچه  
طبریه می باشد، آن ها پوسیده نمی شوند و رنگشان تغییر نمی یابد تا به دست قائم  
در هنگام ظهورش بیرون آورده شوند.»

امام محمد باقر علیه السلام در این باره می فرماید:

«كَانَتْ عَصَا مُوسَى لِآدَمَ، فَضَارَتْ إِلَى شُعَيْبٍ، ثُمَّ ضَارَتْ إِلَى مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ، وَإِنَّهَا لَعِنْدَنَا.  
وَإِنَّ عَهْدِي بِهَا خَضْرَاءَ كَهَيْئَتِهَا حِينَ انْتَزَعَتْ مِنْ شَجَرِهَا. وَإِنَّهَا لَتَنْطِقُ إِذَا اسْتَنْطَقَتْ. أُعِدَّتْ  
لِقَائِمِنَا يَصْنَعُ كَمَا كَانَ يَصْنَعُ مُوسَى بِهَا... وَإِنَّهَا لَتُرْوَعُ وَتَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ. وَإِنَّهَا لَتَصْنَعُ مَا تُؤْمَرُ.  
تُقْتَحُ لَهَا شَعْبَتَانِ: إِحْدَاهُمَا فِي الْأَرْضِ وَالْأُخْرَى فِي السَّقْفِ، تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ بِلِسَانِهَا.»<sup>۳</sup>

«عصای موسی نخست در دست آدم بود، سپس به دست شعیب و سرانجام به  
دست موسی بن عمران رسید و هم اکنون در دست ماست آن نیز هم اکنون در  
دست من سبز است، همانند روزی که از درخت بریده شد با این عصا هر وقت  
سخن بگوئیم، سخن می گوید.»

این عصا برای قائم ما آماده شده که همچون موسی بن عمران آن را به کار برد! این

۱ - الزام الناصب، ص ۷۲.

۲ - غیبت نعمانی، ص ۱۲۵، رک: بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۲۲.

۳ - اصول کافی، ج ۱، ص ۱۳۱، بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۴۵، ح ۱۱.

عصا اهل باطل را می ترساند و هر چه بیندازند می بلعد و آنچه (حجت خدا) فرمان دهد اطاعت می کند، چون دهان بگشاید فاصله دوفک آن از زمین تا سقف می باشد که هر چه بیندازند با زبانش می بلعد.»

امیر مؤمنان علیه السلام در حدیث دیگری می فرماید:

«رَأَيْتُهُ مِرْطُ مَخْمَلَةٍ سَوْدَاوٍ، مُرَبَّعَةٌ فِيهَا جَمَمٌ، لَمْ تُنْشَرْ مِنْذُ تُوْفِي رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَلَا تُنْشَرُ حَتَّى يَخْرُجَ الْمَهْدِيُّ. يُمِدُّهُ اللَّهُ بِثَلَاثَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ يَضْرِبُونَ وُجُوهُ أَعْدَائِهِ وَأَذْبَارَهُمْ.»<sup>۱</sup>

«پرچم او مخمل مشکی چهارگوش کرک داری است که درازی آن کمی بیشتر از پهنای آن است، از روزی که رسول اکرم وفات کرده، این پرچم باز نشده و باز نخواهد شد تا روزی که مهدی ظهور کند، خدایش او را با سه هزار فرشته یاری می کند که به سر و صورت دشمنانش می زنند.»

«إِنَّ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ رَايَةً، مَنْ تَقَدَّمَهَا سُرِقَ، وَمَنْ تَأَخَّرَ عَنْهَا زَهَقَ، وَمَنْ تَبِعَهَا لَحِقَ. يَكُونُ مَكْتُوبًا فِي رَايَتِهِ.»<sup>۲</sup>

«برای ما اهل بیت پرچمی هست که هر کس بر آن پیشی گیرد دزدیده می شود، هر کس از آن عقب ماند هلاک می گردد و هر کس از آن پیروی کند به آن می پیوندد، روی آن پرچم نوشته می شود: «الْبَيْعَةُ لِلَّهِ»<sup>۳</sup> بیعت مخصوص خدا است.»

«فَإِذَا هَزَّتْ رَايَتُهُ أَضَاءَ لَهَا مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ، وَوَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَلَا يَبْقَى مُؤْمِنٌ إِلَّا ضَارَ قَلْبُهُ أَشَدَّ مِنْ زُبْرِ الْحَدِيدِ، وَأُعْطِيَ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا.»<sup>۴</sup>

«چون پرچم او به اهتزاز درآید، میان مشرق و مغرب با نور آن روشن می شود و خداوند دستش را بر سر بندگان می گذارد، دیگر مؤمنی روی زمین نمی ماند جز این که قلبش از آهن پاره سخت تر و نیرومندتر می شود و هر مؤمنی نیروی چهل مرد پیدا می کند.»

به فرموده امام جعفر صادق علیه السلام اولیای خدا وارث، موارث انبیا هستند که پس از دست به دست گشتن بالأخره به دست مبارک حضرت مهدی علیه السلام می رسد.

۱ - الزام الناصب، ص ۲۵۹.

۲ - منتخب الاثر، ص ۳۱۹ علاوه بر این رک: بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۰، ح ۳۰.

۳ - بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۰، ح ۳۰.

۴ - منتخب الاثر، ص ۱۸۶؛ بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۵، ح ۵.

امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید:

«إِنَّهُ يُخْرِجُ مَوْتُوراً غَضْبَانَ أَسِيفاً لِيُغْضِبَ اللَّهُ عَلَىٰ هَذَا الْخَلْقِ، عَلَيْهِ قَمِيصُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الَّذِي كَانَ عَلَيْهِ يَوْمَ أُحُدٍ، وَعِمَامَتُهُ السُّحَابُ، وَدِرْعُ رَسُولِ اللَّهِ السَّابِقَةِ، وَسَيْفُ رَسُولِ اللَّهِ ذُو الْفِقَارِ. يُجَرِّدُ السَّيْفَ عَلَىٰ عَاتِقِهِ ثَمَانِيَةَ أَشْهُرٍ، يَقْتُلُ هَزْجاً»<sup>۱</sup>

«آن دست انتقام الهی به جهت خشم خداوند! خشمگین ظهور می کند، پیراهن پیامبر صلی الله علیه و آله را که در روز (احد) پوشیده بود به تن کرده و عمامه سحابش را بر سر می گذارد، زره فراخ پیامبر را می پوشد و ذوالفقار را که شمشیر پیامبر است به دست می گیرد، هشت ماه شمشیر کشیده و دشمنان خدا را بی مهابا می کشد.»

«(ویستخرج) حِلْيَةَ بَيْتِ الْمَقْدِسِ، وَالتَّابُوتَ الَّذِي فِيهِ السَّكِينَةُ، وَمَائِدَةَ بَنِي إِسْرَائِيلَ، وَرُضَاضَةَ الْأَلْوَاخِ، وَعَصَا مُوسَى، وَمِنْبَرَ سُلَيْمَانَ، وَقَفِيزاً مِّنَ الْمَنِّ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَشَدَّ بَيَاضاً مِنَ اللَّبَنِ»<sup>۲</sup>

«زیورهای بیت المقدس را خارج می سازد، تابوت سکینه، مائده بنی اسرائیل، بقایای الواح، عصای موسی و منبر سلیمان را بیرون می آورد، همچنین یک قفیز (واحد وزن ۹۰ رطل عراقی) از «مَن»<sup>۳</sup> که به بنی اسرائیل فرود آمده بود بیرون می آورد درحالی که از شیر سفیدتر باشد.»

امیر مؤمنان علیه السلام نیز در این باره می فرماید:

«يَسْتَخْرِجُ الْكُنُوزَ، وَيَفْتَحُ مَدَائِنَ الشُّرُكِ»<sup>۴</sup>

«گنج ها را بیرون می آورد و شهرهای شرک را فتح می کند.»

به امید آن روزهای مبارک و پیروزی حق بر باطل و برقراری حکومت آخرین

سفیر از سفیران الهی. ان شاء الله

### مدت حکومت حضرت ولی عصر علیه السلام

در مورد مدت حکومت آقا امام زمان احادیث و روایات متعددی مطرح شده است

۱ - الزام الناصب، ص ۱۸۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۰، ح ۱۲۹.

۲ - الزام الناصب، ص ۲۲۷؛ غایة المرام، ص ۷۰۴.

۳ - مَن: کیل یا میزانی را می گویند که شرعاً ۱۸۰ مثقال و عرفاً ۲۸۰ مثقال است.

۴ - بشارة الاسلام، ص ۱۲۸۳ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۰، ح ۳۷.

به همین دلیل مدت دقیق آن مشخص نیست. سید بن طاووس از کتاب جعفر بن محمد کوفی با اسناد خود از حمران نقل کرده است:

«اگر عمر دنیا صد هزار سال است از این مدت بیست هزار سال سهم دیگران و هشتاد هزار سال سهم آل محمد صلی الله علیه و آله می باشد.»<sup>۱</sup>

همچنین مفضل بن عمر از امام جعفر صادق علیه السلام می پرسد، مدت حکومت آن حضرت چقدر خواهد بود؟

آن حضرت فرمودند:

«بَلْ هُوَ دَائِمٌ أَبَدًا وَمُلْكٌ لَا يَنْفَدُ وَحُكْمٌ لَا يَنْقَطِعُ وَأَمْرٌ لَا يَبْطُلُ إِلَّا بِاخْتِيَارِ اللَّهِ وَمَشِيئِهِ وَإِزَادَتِهِ، الَّتِي لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ، ثُمَّ الْقِيَامَةُ.»<sup>۲</sup>

«بلکه آن حکومت دائمی و جاوید است که هرگز سقوط نمی کند، فرمانروایی ابدی است که جز با اراده و مشیت حضرت احدیت پایان نپذیرد و مدت آن را جز خدای تبارک و تعالی نمی داند.»

در روایت دیگری آمده است:

«يَمُكُّكَ عَلَى ذَلِكَ سَبْعَ سِنِينَ. تَطُولُ لَهُ الْأَيَّامُ وَاللَّيَالِي حَتَّى تَكُونَ السَّنَةُ مِنْ سِنِيهِ عَشْرَ سِنِينَ مِنْ سِنِيكُمْ هَذِهِ، فَيَكُونُ سِنِي مَلِكِهِ سَبْعِينَ سَنَةً مِنْ سِنِيكُمْ هَذِهِ، ثُمَّ يَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ.»<sup>۳</sup>

«هفت سال بدین منوال می گذرد، ولی شبها و روزهایش طولانی می شود و هر سال آن با ده سال از سالهای شما برابری می کند و بدین گونه مدت حکومت او با هفتاد سال از سالهای شما برابر می باشد و آنگاه خداوند (سبحان) هر چه اراده کند انجام می دهد.»

حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

«يَكُونُ فِي أُمَّتِي الْمَهْدِيُّ، إِنْ طَالَ عُمُرُهُ أَوْ قَصُرَ، مَلِكٌ سَبْعَ سِنِينَ، أَوْ ثَمَانَ سِنِينَ، أَوْ تِسْعَ سِنِينَ.»<sup>۴</sup>

«مهدی در امت من به طور قطع خواهد بود، خواه عمرش کوتاه و یا بلند باشد، مدت حکومتش: هفت، هشت یا نه سال به طول خواهد انجامید.»

۱ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۱۶، ح ۲۲.

۲ - همان، ص ۳۴، ح ۱.

۳ - ارشاد مفید، ص ۳۴۲.

۴ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۸، ح ۳۸.

«يَمْلِكُ سَبْعاً وَعَشْراً وَالسَّنَةُ مِنْ سِنِيهِ تَكُونُ مِقْدَارَ عَشْرِ سِنِينَ»<sup>۱</sup>

«هفده سال حکومت می‌کند، که هر سال آن معادل ده سال از دیگر سال‌ها است.»

«يَمْلِكُ الْقَائِمُ تِسْعَ عَشْرَةَ سَنَةً وَأَشْهُراً»<sup>۲</sup>

«قائم نوزده سال و چند ماه حکومت می‌کند.»

«يَمْلِكُ الْمَهْدِيُّ فِيهِمْ تِسْعاً وَثَلَاثِينَ سَنَةً، يَقُولُ الصَّغِيرُ: يَا لَيْتَنِي كَبُرْتُ! وَيَقُولُ الْكَبِيرُ: يَا لَيْتَنِي كُنْتُ صَغِيراً»<sup>۳</sup>

«مهدی سی و نه سال در میان آنان خواهد بود، کودکان در عهد او آرزو می‌کنند که ای کاش بزرگسال بودند و بزرگسالان آرزو می‌کنند که ای کاش خردسال بودند.»

«فَيَمْلِكُ فِي الْأَرْضِ أَرْبَعِينَ سَنَةً...»<sup>۴</sup>

«چهل سال در روی زمین فرمانروایی می‌کند.»

«يَمْلِكُ سَبْعِينَ سَنَةً»<sup>۵</sup>

«هفتاد سال حکومت می‌کند.»

«إِنَّ الْقَائِمَ يَمْلِكُ ثَلَاثِينَ وَتِسْعَ سِنِينَ، كَمَا لَبِثَ أَهْلُ الْكَهْفِ فِي كَهْفِهِمْ... وَيَقْتُلُ النَّاسَ حَتَّى لَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ إِلَّا دِينُ مُحَمَّدٍ ﷺ»<sup>۶</sup>

«قائم مدت سیصد و نه سال حکومت می‌کند، به تعداد سال‌هایی که اصحاب کهف، در کهف درنگ کردند آنگاه کسانی را که از پذیرفتن آئین حق امتناع کنند، می‌کشد تا در روی زمین جز آئین محمد ﷺ آئینی نمی‌ماند.»

از امام جعفر صادق عليه السلام پرسیدند: سال‌ها چگونه طولانی می‌شود؟

آن حضرت فرمودند:

«يَأْمُرُ اللَّهُ تَعَالَى الْفَلَكَ بِاللُّبُوثِ وَقِلَّةِ الْحَرَكَاتِ، فَتَطُولُ الْأَيَّامُ لِذَلِكَ وَالسَّنُونَ»<sup>۷</sup>

«خداوند تبارک و تعالی به فلک دستور می‌دهد که آرام‌تر گردش کند، با کند شدن

۱ - بشارة الاسلام، ص ۱۹۴؛ علاوه بر این رک: بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۷، ح ۷۷.

۲ - غیبت نعمانی، ص ۱۸۰؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۹، ح ۶۲.

۳ - الملاحم والفتن، ص ۵۶.

۴ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۳، ح ۱۹۳.

۵ - ارشاد مفید، ص ۳۴۵.

۶ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۱، ح ۳۴.

۷ - همان، ج ۵۸، ص ۹۱، ح ۱۱.

گردش چرخ گردون، روزها، ماهها و سالها طولانی می شود.»  
 عرض کردند: دانشمندان می گویند اگر گردش فلک تغییر یابد زمین تباه می شود!  
 آن حضرت فرمود: آن سخن ملحدان است، اما مسلمانان راهی به این حرفها  
 ندارند، خداوند برای رسول گرامیش ماه را شکافت (شق القمر) و پیش از او برای  
 یوشع بن نون خورشید را برگردانید (رد الشمس) و خداوند از دراز شدن روزهای  
 قیامت خبر داد که هر روزش به مقدار هزار سال از سالهای دنیا است.

پیامبر اکرم در مورد آن واقعه خجسته می فرماید:

«لَا يَخْرُجُ الْقَائِمُ إِلَّا فِي وَتْرٍ مِنَ السَّنِينَ. سَنَةٌ إِخْدَىٰ أَوْ ثَلَاثٌ، أَوْ خَمْسٌ، أَوْ سَبْعٌ، أَوْ تِسْعٌ.»<sup>۱</sup>  
 «قائم منحصرأ در سالهای فرد<sup>۲</sup>، چون یک، سه، پنج، هفت و نه ظاهر می شود.»  
 «وَتُشْرِقُ الْأَرْضُ بِنُورٍ رَبَّهَا، وَيَبْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ.»<sup>۳</sup>

«زمین با نور پروردگارش منور می شود و سلطنت او همه شرق و غرب جهان را  
 در بر می گیرد.»

روزی از روزها، امام صادق عليه السلام در نقطه ای در پشت کوفه دو رکعت نماز گزارد و  
 به یار باوفایش ابان بن تغلب فرمود:

«هَذَا مَوْضِعٌ مِّنْزِلِ الْقَائِمِ.»<sup>۴</sup>

«اینجا محل سکونت قائم است.»

«دَارُ مَلِكِهِ الْكُوفَةُ، وَمَجْلِسُ حُكْمِهِ جَامِعُهَا، وَيَبِيتُ سَكْنِهِ، وَيَبِيتُ مَالِهِ، وَمَقَسَمُ غَنَائِمِ  
 الْمُسْلِمِينَ: مَسْجِدُ السَّهْلَةِ وَمَوْضِعُ خَلَوَاتِهِ: الدَّكَاوَاتُ الْبَيْضُ مِنَ الْغَرِيِّينَ.»<sup>۵</sup>

«مرکز سلطنت او کوفه است، مرکز قضاوت او مسجد اعظم کوفه است، محل  
 زندگی و مرکز بیت المال و محل تقسیم غنائم جنگی، مسجد سهله است و محل  
 خلوت او تپه های سفید و نورانی نجف اشرف می باشد.»

«دَوْلَتُهُ آخِرُ الدُّوَلِ وَ خَيْرُ الدُّوَلِ تَغْفُبُ جَمِيعَ الْمُلُوكِ بِحَيْثُ لَمْ يَبْقَ أَهْلٌ بَيْتٍ لَهُمْ دَوْلَةٌ إِلَّا

۱ - بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۱، ح ۳۶.

۲ - منظور از سالهای فرد، سالهای فرد از سالهای قمری است.

۳ - كشف الغمه، ج ۳، ص ۲۹۷.

۴ - اصول کافی، ج ۴، ص ۵۷۶.

۵ - بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۱، ح ۱.

مَلَكُوا قَبْلَهُ، لَثَلَا يَقُولُوا إِذَا رَأَوْا سِيرَتَهُ: إِذَا مَلَكْنَا سِرْنَا بِسِيرَةِ هَؤُلَاءِ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»<sup>۱</sup>

«دولت او آخرین و بهترین دولت هاست، پس از پایان همه دولت‌ها می‌آید، هیچ خاندانی نیست که حکومتی برای آن مقدر باشد، جز این‌که پیش از او به حکومت می‌رسد تا هنگامی که ما به قدرت رسیدیم کسی نگوید اگر ما نیز به قدرت می‌رسیدیم، این چنین رفتار می‌کردیم و این است معنای کلام خدا که فرموده است: ﴿وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾؛ عاقبت از آن پرهیزکاران است.»

«فَإِذَا تَمَّ الْأَمْرُ أَتَى الْحُجَّةَ الْمَوْتُ، فَقَتَلَتْهُ امْرَأَةٌ مِنْ بَنِي تَمِيمٍ إِسْمُهَا سَعِيدَةُ لَهَا لِحْيَةٌ وَسِبَالٌ مِثْلَ الرِّجَالِ، بِجُزْنٍ مِنْ صَخْرٍ تَقْدِفُهُ بِهِ مِنْ فَوْقِ سَطْحٍ وَهُوَ مُتَجَاوِزٌ فِي الطَّرِيقِ.»<sup>۲</sup>

«چون دولت حقه مدتش به سرآید، شهادت حضرت حجت فرا می‌رسد، او را زنی از بنی تمیم به شهادت می‌رساند، که نامش سعیده است و همانند مردان ریش و شارب دارد، او به هنگام عبور (حضرت بقية الله الاعظم) سنگ آسیابی را از پشت بام به سوی او (آن حضرت) پرتاب می‌کند و ایشان را به شهادت می‌رساند.»

«إِنْتِهَاءُ مُلْكِهِ مِنْ أَشْرَاطِ السَّاعَةِ، إِذْ جَاءَ فِي الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ: ﴿وَأَنَّهُ لَعَلَّمَ لِلسَّاعَةِ﴾: أَيِ إِنْدَاؤِ بِهَا، وَإِشَارَةِ إِلَيْهَا.»<sup>۳</sup>

«پایان یافتن سلطنت او، از نشانه‌های رستاخیز است، چنان‌که در قرآن کریم آمده است: ﴿وَأَنَّهُ لَعَلَّمَ لِلسَّاعَةِ﴾؛<sup>۴</sup> «او هشدار و نشانه رستاخیز (کبری) می‌باشد.»

امام محمد باقر علیه السلام نیز در تفسیر آیه فوق می‌فرماید:

«هُوَ الْمَهْدِيُّ، يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَ بَعْدَ خُرُوجِهِ يَكُونُ قِيَامُ السَّاعَةِ وَ إِمَارَاتُهَا وَ دِلَالَاتُهَا وَ قِيَامُهَا.»<sup>۵</sup>

«او مهدی است که در آخر الزمان ظاهر می‌شود و پس از ظهور او، زمان قیام قیامت فرا می‌رسد و نشانه‌ها و دلایل آن آشکار می‌گردد.»

۱ - ارشاد مفید، ص ۳۴۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۲.

۲ - الزام الناصب، ص ۱۹۰.

۳ - بنایع الموده، ج ۳، ص ۱۱۳۶؛ الصواعق المحرقة، ص ۱۶۰.

۴ - سورة زخرف (۴۳) آیه ۶۱.

۵ - منتخب الاثر، ص ۱۴۹؛ الزام الناصب، ص ۸۵.



امید است آن روز مبارک هرچه زودتر فرا رسد تا عالمیان شاهد آن دگرگونی عظیم باشند، بدون شک قیامت صغری در ایام مردمی تحقق خواهد یافت که در عصر ظهور در روی زمین زندگی می کنند و ان شاء الله ظهور آن حضرت در عصر ما مردم تحقق یابد تا ما نیز در کنار آن قائد عظیم الشأن شاهد شکوفایی جهان شده و با کسب علم و دانش از آن بزرگوار به حیات مملو از معنویت افتخار یابیم، افتخار حضور در نزد امام و سروری که وارث علوم انبیا و اولیا هستند.

### موقعیت علمی حضرت مهدی علیه السلام

روایت است: حضرت ولی عصر همچون اجداد بزرگوارشان دارای علم لدنی هستند و وارث علوم انبیا و اولیا علیهم السلام می باشند.

امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید:

«نَحْنُ وُلاةُ أَمْرِ اللَّهِ وَخَزَائِنَةُ عِلْمِ اللَّهِ وَعَيْنَةُ وَخِي اللَّهِ»<sup>۱</sup>

«ما فرمانروایان از طرف خداوند هستیم، ما خزانه داران علوم الهی هستیم، ما

مرکز اسرار الهی هستیم.»

امام محمد باقر علیه السلام می فرماید:

«وَاللَّهِ إِنَّا لَخُزَّانُ اللَّهِ فِي سَمَائِهِ وَأَرْضِهِ لَا عَلَى ذَهَبٍ وَلَا عَلَى فِضَّةٍ إِلَّا عَلَى عِلْمِهِ»<sup>۲</sup>

«به خدا سوگند ما خزانه داران خداوند در آسمان ها و زمین هستیم، البته نه بر

طلا و نقره بلکه بر علم او.»

همچنین آن حضرت فرموده اند:

«إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُؤُسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَكَمَّلَتْ بِهَا

أَحْلَامَهُمْ»<sup>۳</sup>

«هنگامی که قائم ما قیام کند دستش را بر سر بندگان می گذارد و عقل های آنان

کامل و افکارشان را پرورش داده تکمیل می نماید.»

۱ - بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۱۰۶، ح ۹.

۲ - همان، ص ۱۰۵، ح ۱.

۳ - همان، ج ۵۲، ص ۳۲۸، ح ۴۷.

در مورد علم حضرت ولی عصر و جهش فکری و فرهنگی جهانیان در عصر حکومت آن حضرت از امام جعفر صادق علیه السلام این گونه روایت شده است:

«الْعِلْمُ سَبْعَةٌ وَعَشْرُونَ حَرْفًا فَجَمِيعُ مَا جَاءَتْ بِهِ الرَّسُلُ حَرْفَانِ، فَلَمْ يَعْرِفِ النَّاسُ حَتَّى الْيَوْمِ غَيْرَ الْحَرْفَيْنِ، فَاذَا قَامَ قَائِمُنَا أَخْرَجَ الْخَمْسَةَ وَالْعَشْرِينَ حَرْفًا؛ فَبَيَّنَّا فِي النَّاسِ وَضَمَّ إِلَيْهَا الْحَرْفَيْنِ حَتَّى يُبَيِّنَّا سَبْعَةَ وَعَشْرِينَ حَرْفًا.»<sup>۱</sup>

«علم بیست و هفت حرف است، تمام آنچه پیامبران الهی برای مردم آوردند دو حرف بیش نبود و مردم تا کنون جز آن دو حرف را نشناخته‌اند، اما هنگامی که قائم ما قیام کند بیست و پنج حرف دیگر را آشکار می‌سازد و در میان مردم منتشر می‌گرداند و دو حرف دیگر را به آن ضمیمه می‌کند تا بیست و هفت حرف کامل شود.»  
ابی بصیر از حضرت باقر علیه السلام در مورد علم رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌پرسد، آن حضرت می‌فرماید:

«سُئِلَ عَلِيُّ عليه السلام عَنْ عِلْمِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله فَقَالَ: عِلْمُ النَّبِيِّ عِلْمٌ جَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَعِلْمٌ مَا كَانَ وَمَا هُوَ كَائِنٌ إِلَى قِيَامِ السَّاعَةِ ثُمَّ قَالَ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ إِنِّي لَأَعْلَمُ عِلْمَ النَّبِيِّ وَعِلْمَ مَا كَانَ وَمَا هُوَ كَائِنٌ فِيمَا بَيْنِي وَبَيْنَ قِيَامِ السَّاعَةِ.»<sup>۲</sup>

«از علی علیه السلام در مورد علم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سؤال شد (آن حضرت) فرمود: علم پیامبر یعنی علم همه انبیاست و پیامبر اکرم عالم به ماکان و ما یکون است (در واقع واقف است به آنچه که در گذشته، حال و آینده انجام می‌گیرد) تا روز قیامت.»  
در همین رابطه حضرت علی علیه السلام فرموده‌اند:

«قسم به خداوندی که جانم در کف قدرت اوست که من (علی) همه دانش‌های رسول را می‌دانم و از آنچه که در گذشته در دنیا رخ داده و هر چه که اکنون در دست اقدام است و اموری که در آینده عملی خواهد شد عالم هستم تا روز قیامت.»<sup>۳</sup>  
در این باره باید گفت: اولیاء الله وارث علم پیامبر اکرم هستند و در حال حاضر آن همه علم در اختیار امام حی و حاضر است و آن حضرت علم به گذشته، حال و

۱ - بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۱۸۷.

۲ - همان، ج ۲۶، ص ۱۱۰، ح ۶.

۳ - منتظم حقیقی، ص ۱۶۸.

آینده دارند و به خواست خداوند از تقدیرات امور، جاری بر عالم مطلع می‌باشند از جمله: در حدیث فوق پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این چنین می‌فرمایند:

«أَمِنُوا بِلَيْلَةِ الْقَدْرِ، فَإِنَّهُ يُنَزَّلُ فِيهَا أَمْرُ السَّنَةِ. وَإِنَّ لِدَلِّكَ وَلَاهً مِنْ بَعْدِي: عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَأَحَدَ عَشَرَ مِنْ وُلْدِهِ.»<sup>۱</sup>

«شب قدر را باور کنید! در این شب تقدیر امور سال فرستاده می‌شود، این شب را پس از من نیز صاحبانی است، صاحبان این شب پس از من، علی و یازده فرزند او هستند.» امام جواد علیه السلام نیز در این مورد فرموده‌اند:

«يَا مَعْشَرَ الشَّيْعَةِ! خَاصِمُوا بِسُورَةِ ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾ تَفَلَّجُوا، فَوَاللَّهِ إِنَّهَا لِحُجَّةُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَى الْخَلْقِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ وَأَنَّهَا لَسَيِّدَةُ دِينِكُمْ، وَأَنَّهَا لَغَايَةُ عَلِمِنَا. يَا مَعْشَرَ الشَّيْعَةِ! خَاصِمُوا حَمَّ وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ، إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ فَإِنَّهَا لِوَلَاةِ الْأَمْرِ، خَاصَّةً، بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ.»<sup>۲</sup>

«ای پیروان تشیع! با مخالفان امامت، به سوره ﴿انا انزلناه﴾ استدلال کنید، تا پیروز گردید به خدا سوگند، این سوره پس از درگذشت پیامبر، حجت خدای متعال بر خلق است، این سوره نقطه اوج دین شماست و همچنین این سوره نشانه ابعاد علم ماست. ای شیعیان! همچنین به سوره حم دخان، که در آن آیه ﴿انا انزلناه فی لیلۃ مبارکة﴾ آمده است، استدلال کنید! این سوره (و این مقام) پس از رسول خدا، خاص ولی امر (حجت زمان) در هر عصر است.»

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در این باره خطاب به حضرت علی علیه السلام فرموده‌اند:

«... وَلَهَا نُورٌ سَاطِعٌ، فِي قَلْبِكَ وَقُلُوبِ أَوْصِيَائِكَ، إِلَى مَطْلَعِ فَجْرِ الْقَائِمِ.»<sup>۳</sup>

«... این سوره در قلب تو و در قلب اوصیای تو همواره نوری تابناک خواهد افشاند، تا به هنگام طلوع سپیده دمان ظهور قائم.»

با توجه به احادیث فوق، باید بدانیم که وجود مقدس ائمه اطهار علیهم السلام به علم الهی واقف بوده و آن بزرگواران با علم به آینده می‌دانند چه حوادثی در پیش است

۱ - الارشاد، ص ۳۴۸.

۲ - ر.ک: بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۷۱، ح ۶۲.

۳ - همان، ص ۷۰، ح ۶۰.

و اگر امام زمان (عج) از ظهور قریب الوقوع خود با اطلاع باشد امر غریب و بعیدی رخ نداده است.

در همین رابطه امام محمد باقر علیه السلام می فرماید:

«لَوْ كَانَ لِأَلْسِنَتِكُمْ أَوْ كِيَةٌ لَحَدَّثَتْ كُلَّ أَمْرٍ بِمَا لَهُ وَعَلَيْهِ»<sup>۱</sup>

«اگر مالک زبان خود بودید و می توانستید رازدار باشید، هر آینه به شما خبر می دادم از آنچه به زبان و نفع شماست.»

همچنین روایت است: یک روز یاران پیامبر خدمت آن حضرت شرفیاب شده و عرض کردند: ای رسول خدا! بر تو از آسمان وحی می شود و ما را از امور آگاه می فرمائید؛ اگر خدای ناکرده اجل شما فرارسد چه کسی به ما آگاهی خواهد داد؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

«بَعْدَ وَفَاتِي يَنْقَطِعُ الْوَحْيُ وَلَا يَنْقَطِعُ الْمُبَشِّرَاتُ.»

«پس از درگذشت من وحی منقطع می شود ولی مبشرات منقطع نمی شود.»  
عرض کردند: مبشرات چیست؟

حضرت فرمودند:

«الرُّؤْيَا الصَّالِحَةُ يَرَاهَا الْمَرْءُ الصَّالِحُ أَوْ يَرَاهَا لَهُ»<sup>۲</sup>

«خواب صحیح و درست که مرد درستکار می بیند یا دیگری برای او می بیند.»  
پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در رابطه با رؤیای صادقه احادیثی فرموده اند که اهمیت آن را گوشزد می کند از جمله می خوانیم:

«الرُّؤْيَا الصَّالِحَةُ جُزْءٌ مِنْ سِتَّةٍ وَأَرْبَعِينَ جُزْءًا مِنَ النَّبُوءَةِ»<sup>۳</sup>

«رؤیا و خواب درست و صحیح یک قسمت از چهل و شش قسمت پیامبری است.»

«إِنَّ الرُّؤْيَا الصَّادِقَةَ جُزْءٌ سَبْعِينَ جُزْءًا مِنَ النَّبُوءَةِ»<sup>۴</sup>

«رؤیای صادقه بخشی از بخش های هفتادگانه نبوت است.»

مرویست: محققان مسلمان همچون سایر ادیان خواب را نوعی پیام الهی

۱ - بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۱۴۹، ح ۳۴.

۲ - کامل التعبیر، ص ۲۹.

۳ - بحار الانوار، ج ۶۱، ص ۱۷۸، ح ۴۰.

۴ - همان، ص ۱۶۷، ح ۱۹.

می دانند و به عقیده آنان رؤیای صادقه حاکی از وقوع واقعه‌ای در آینده است که هنوز ظرفیت پیدا نکرده و در این باره نقل شده است:

رؤیای صادقه یا بشارت است و یا بیم! رؤیای صادقه تقدیری مقدر شده است که در لوح محفوظ ثبت می‌باشد تا آن زمان که خواست خداوند تعلق گیرد و خبر توسط فرشته مقرب به فرد و یا افراد برسد.

همچنین روایت است: خدای متعال فرشته‌ای با عنوان ملک الرؤیا را بر لوح محفوظ گماشته است تا آن فرشته آنچه بر سر آدمی می‌آید از لوح به او نشان دهد و رؤیا از نظر دیگر ادیان و مذاهب، موضوعی مرتبط با ماوراء طبیعت است که از صبغه‌ای معنوی و غیر مادی برخوردار می‌باشد و روح انسان در حین خواب در جهان دیگری سیر می‌کند.

در همین رابطه خدای متعال می‌فرماید:

﴿اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فَيُمْسِكُ الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأُخْرَىٰ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾<sup>۱</sup>

«خداوند روح مردم را هنگام مرگشان به تمامی باز می‌ستاند، و نیز روحی را که در موقع خوابش نمرده است قبض می‌کند؛ پس آن نفسی که مرگ را بر او واجب کرده نگاه می‌دارد و آن دیگر نفسها را تا هنگامی معین به سوی زندگی دنیا بازپس می‌فرستد، قطعاً در این امر برای مردمی که می‌اندیشند نشانه‌هایی از قدرت خداست.»

به تحقیق اگر خداوند بخواهد فرد می‌تواند از طریق رؤیا به حقایقی در ماورای زمان و مکان دست یابد و می‌بایست برای رؤیاهای صادقه ویژگی قائل بود و آن را باور داشت، بطور مثال خوابی که حضرت یوسف عليه السلام دیدند و خبر آن در قرآن کریم آمده است:

﴿إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ

رَأَيْتَهُمْ لِي سَاجِدِينَ ﴿١﴾

«اکنون یوسف را متذکر شو که گفت: ای پدر در عالم رؤیا دیدم که یازده ستاره و خورشید و ماه مرا سجده می کردند».

در واقع ظاهر این رؤیا نمایانگر بشارتی است که شامل حال حضرت یوسف می شود در همین رابطه وقتی حضرت یوسف خواب فرح انگیز خود را برای پدر شرح داد، پدر در رابطه با آن رؤیای آسمانی به پسر چنین فرمود:

﴿ يَا بُنَيَّ لَا تَقْضُ زُؤْيَاكَ عَلَىٰ إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُّبِينٌ وَكَذَلِكَ يَجْتَبِيكَ رَبُّكَ وَيُعَلِّمُكَ مِن تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَيُتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ آلِ يَعْقُوبَ كَمَا أَتَمَّهَا عَلَىٰ أَبَوَيْكَ مِن قَبْلُ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبَّكَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٢﴾

«ای فرزند عزیز زنهار خواب خود را برای برادرانت حکایت مکن که (با اغوای شیطان) بر تو مکر و حسد خواهند ورزید؛ زیرا دشمنی شیطان بر آدمیان بسیار آشکار است و این تعبیر خواب توست که خداوند تو را برگزیند و علم تأویل خوابها بیاموزد و نعمت و لطفش را در حق تو و آل یعقوب مانند پدرانت ابراهیم و اسحاق تمام گرداند (و رسالت و سلطنت هر دو به تو مرحمت فرماید) که خداوند دانا و حکیم است».

در رابطه با این رؤیا باید عرض کرد: جهانیان خبر سلطنت حضرت یوسف عليه السلام را شنیدند و این رؤیای صادق بعد از سالها به واقعیت پیوست و حضرت یوسف نیز به علم تعبیر خواب افتخار یافت از جمله در قرآن کریم می خوانیم:

﴿ وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ وَلِنُعَلِّمَهُ مِن تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ ﴿٣﴾

«و این چنین برای یوسف در زمین ایجاد موقعیت نمودیم، برای آنکه به او تعبیر خوابها را بیاموزیم».

همچنین رؤیای عزیز مصر که بیم را گوشزد کرده و او را بر آن واداشت تا در

۱ - سوره یوسف (۱۲) آیه ۴.

۲ - همان، آیه ۵ و ۶.

۳ - همان، آیه ۲۱.

مقابل خسارات از پیش تعیین شده بایستد و آن را به نفع ملت خود دگرگون نماید. بطور مثال خبر آن در قرآن کریم نقل شده است:

﴿إِنِّي أَرَى سَبْعَ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ وَ سَبْعَ سُنبُلَاتٍ خُضْرٍ وَأُخَرَ يَابِسَاتٍ﴾<sup>۱</sup>

«من در خواب دیدم هفت گاو فربه، هفت گاو لاغر را خوردند و هفت خوشه سبز را دیدم که هفت خوشه خشک را نابود کردند.»

مرویس: پادشاه آن خواب را به معبران باز گفت و تعبیر آن را پرسید، چنانکه قرآن حکایت می‌کند:

﴿يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي رُؤْيَايَ إِنْ كُنْتُمْ لِلرُّؤْيَا تَعْبُرُونَ﴾<sup>۲</sup>

«ای بزرگان نظرتان را در مورد خواب من بگوئید اگر تعبیر خواب می‌دانید.»

آنان گفتند:

﴿أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ وَمَا نَحْنُ بِتَأْوِيلِ الْأَحْلَامِ بِعَالَمِينَ﴾<sup>۳</sup>

«از خواب‌های پریشان است و ما به تعبیر این‌گونه خواب‌های آشفته آگاهی نداریم.»

پادشاه مصر تعبیر این خواب را از حضرت یوسف عليه السلام پرسید، آن بزرگوار چنانکه قرآن شرح داده است قضیه هفت سال قحطی را بیان کرده و فرمودند:

«باید هفت سال متوالی زراعت کنید و هر خرمن را که درو کردید جز کمی که قوت خود می‌سازید همه را با خوشه در انبار ذخیره کنید که چون این هفت سال بگذرد هفت سال قحطی پیش آید که ذخیره شما به مصرف قوت مردم برسد که گرسنه نمیرند جز اندکی که برای تخم کاشتن در انبار نگه دارید.»<sup>۴</sup>

بنابراین؛ خوابی که حق باشد هر چند جاهلان آن را تعبیر کنند باطل نمی‌شود و

۱ - سورة يوسف (۱۲) آیه ۴۳.

۲ - همان.

۳ - همان، آیه ۴۴.

۴ - همان، آیه ۴۷.

رخواب باطل، حق نمی‌گردد؛ زیرا تعبیر درست آن بود که حضرت یوسف فرمود، نه آن معبران که خواب را از خواب‌های آشفته و «اضغاث احلام» پنداشتند.

در همین رابطه امیرمؤمنان علیه السلام فرموده است:

«یکی از شگفتی‌هایی که خداوند جهان آفریده خواب است و آنچه آدمی از خیر و شرّ در خواب می‌بیند و این که بعد از آن فرمان الهی به ما می‌رسد، سپس وقوع می‌یابد.»<sup>۱</sup> ابن سیرین می‌گوید:

«از جمله شگفتی‌های خواب آن است که شخصی در خواب خیر و راحتی، یا شرّ و آفتی می‌بیند و در بیداری عیناً همان خیر و راحت و یا شرّ و آفت را مشاهده می‌کند.»<sup>۲</sup> امید است رؤیاهای صادقی را که مردم عصر حاضر می‌بینند نویدهایش به واقعیت بپیوندد و بیم‌هایش از ما دفع گردد، آیا به راستی از نظر شما مؤمنان بعید است که اخباری از ماوراء در مورد آینده به فرد و یا افراد عامی برسد؟

آیا بعید است افراد عامی از وقوع حوادث در آینده جهان بااطلاع باشند و یا با خبر از خوشبختی و سروری باشند که از آن صالحان و ضعیفان عالم خواهد شد؟ شکی نیست این توفیقات شامل حال دیگر امم بوده و هست و آنان را هم در عالم رؤیا و یا مکاشفات نسبت به آینده بیم و یا بشارت داده‌اند و چه زیباست بگوئیم: ما شیعیان امید به بشارت‌ها داریم، به راستی چه بشارتی با شکوه‌تر از آن‌که نامه عزیزترین عزیزان را در عصر حضور و ظهور بخوانیم در عصری که همگان از کمالات آن وجود مقدس بهره‌مند خواهند شد و از نور ولایتش کسب نور خواهند کرد، به تحقیق آن حضرت تنها الگوی صالحان در آن عصر طلایی خواهند بود، در عصری که به امید خدا خواسته‌ها و آرزوهایمان به سر منزل مقصود خواهد رسید. آری، ان‌شاءالله بشارت‌ها تعبیر شود و به امید حق آن نامه سرگشاده را در عالم شهود بخوانیم که نویدی برای همه مؤمنان و مستضعفان جهان است، نامه‌ای که از جانب یگانه سفیر کبیر هستی در عالم رؤیا این چنین نگاشته شده است:

۱ - کامل التعبیر، ص ۳۴.

۲ - همان.



بسم الله الرحمن الرحيم  
 ﴿جاء الحق و زهق الباطل﴾

«بدانید من حق هستم و شیطان و دشمنان خدا باطل هستند، به راستی که آنان از هلاک شوندگانند.

آمدم تا ناباوران باور کنند.

آمدم تا ناامیدان بدانند که می آیم.

آمدم تا امر به معروف و نهی از منکر بر پا گردد.

آمدم تا مرهم دل، دلشکستگان باشم.

آمدم تا داد مظلومان ستانم.

آمدم تا سکوت مؤمنان شکسته شود.

باشد شب سیه مؤمنان به روز روشن مبدل گردد.»

آری، امید است شب سیه همه مؤمنان و دردمندان عالم به روز روشن مبدل گردد و به امید خدا با وقوع رستاخیز صغری نهال آرزوهایمان به بار نشیند و انتظار منتظران با ظهور آقا امام زمان به پایان رسد، تا در حضور ایشان پایان اسارت مظلومان عالم را جشن گیریم و شکفتن شکوفه های پیروزی را تماشا کنیم و استقرار و شوکت دولت منصور را شاهد باشیم. ان شاء الله

**اقامتگاه حضرت ولی عصر علیه السلام**

مرویست: محل زندگی آقا امام زمان در دوران کودکی همچون محل زندگی حضرت موسی علیه السلام مخفی بود تا از گزند طاغوتیان زمان محفوظ گردد. در مورد اقامتگاه حضرت حجت باید گفت: دلیل قاطعی بر اقامت آن بزرگوار در مکان معین وجود ندارد چنان که در برخی از احادیث وارد شده است از جمله: هنگامی که از امام حسن عسکری علیه السلام می پرسند، اگر حادثه ای برای شما روی دهد کجا از فرزند گرامی شما سراغ بگیریم؟

حضرت فرمودند: در مدینه.

روایت است: عده معدودی از اقامتگاه ایشان با خبرند.

امام زین العابدین علیه السلام می فرماید:

«لَا يَطَّلِعُ عَلَى مَوْضِعِهِ أَحَدٌ مِن وَّلِيٍّ وَلَا غَيْرِهِ، إِلَّا الَّذِي يَلِي أَمْرَهُ.»<sup>۱</sup>

«هیچ کس از دوستان و دیگران از اقامتگاه او مطلع نمی شوند، به جز کسی که متصدی خدمتگزاری اوست.»

امام محمد باقر علیه السلام می فرماید:

«لَا بُدَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ مِنْ عَزْلَةٍ، وَلَا بُدَّ فِي عَزْلَتِهِ مِنْ قُوَّةٍ، وَمَا بِثَلَاثِينَ مِنْ وَخْشَةٍ، وَنِعْمَ الْمَنْزِلُ طَيِّبَةٌ.»<sup>۲</sup>

«برای صاحب این امر دوران عزلتی هست و در ایام عزلت نیرو و قدرتی لازم است، با سی نفر وحشتی نیست و مدینه چه جایگاه خوبی است!»

در روایت آمده است: همواره سی نفر از یاران نزدیک و خدمتگزاران صدیق در حضور آن حضرت می باشند که هرگاه یکی از آنان از دنیا برود، یکی دیگر از او تاد<sup>۳</sup> به جای او انتخاب می شود تا حجت خدا احساس غربت نکنند، همواره رقم سی نفر محفوظ می ماند و آنان نیز بر پوشیده داشتن راز الهی و افشا نکردن سرّ خدایی توانا هستند و در خدمت آن سرور و مولا می باشند تا روز موعود فرا رسد.

«إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ بَيْتًا، يُقَالُ لَهُ: بَيْتُ الْحَمْدِ، فِيهِ سِرَاجٌ يُزْهِرُ مُنْذُ يَوْمٍ وُلِدَ إِلَى أَنْ يَقُومَ بِالسَّيْفِ، لَا يُطْفِئُ.»<sup>۴</sup>

«برای صاحب این امر خانه ای است که به آن «بیت الحمد» گفته می شود و در آنجا چراغی هست که از روز ولادت آن حضرت روشن می باشد، این چراغ هرگز خاموش نمی شود، تا روزی که حجت خدا با شمشیر قیام کند.»

امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید:

«كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا بَقِيتُمْ بِأَإِمَامٍ هُدًى وَلَا عِلْمٍ يُرَى...؟»<sup>۵</sup>

«چگونه می شود حال شما، هنگامی که دستتان به امامتان نرسد و نشان آشکاری نیابید...؟»

۱ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۲، ح ۵.

۲ - همان، ح ۶.

۳ - او تاد به افرادی گفته می شود که در پارسایی و خداپرستی بسیار ثابت قدم و استوار هستند.

۴ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۸، ح ۲۱.

۵ - همان، ج ۵۱، ص ۱۱۱، ح ۵.

«لِقَائِمِ غَيْبَتَانِ: إِحْدَاهُمَا صَغِيرَةٌ وَالْأُخْرَى طَوِيلَةٌ. فَأَلْأُولَى لَا يَعْلَمُ بِمَكَانِهِ فِيهَا إِلَّا خَاصَّةٌ شِيعَتِهِ، وَالْأُخْرَى لَا يَعْلَمُ بِمَكَانِهِ فِيهَا إِلَّا خَاصَّةٌ مَوَالِيهِ فِي دِينِهِ.»<sup>۱</sup>

«برای قائم ما دو غیبت است: یکی از آن‌ها کوتاه و دیگری طولانی، در غیبت کوتاه تنها شیعیان خاص از جایگاه او مطلع می‌شوند و در دومی به جز خدمتگزاران ملازم او، کسی از اقامتگاهش آگاه نخواهد بود.»

مرویست: ابراهیم بن مهزیار نیز توسط فرستاده حضرت ولی عصر علیه السلام به پیشگاه آن سرور فرا خوانده شد؛ او از طائف گذشته و به دشت حجاز هدایت گشت که «عوالی» نامیده می‌شود؛ در آنجا به خدمت کعبه مقصود مشرف گردید، در این دیدار حضرت امام مهدی به پسر مهزیار فرمودند:

پدرم با من پیمان بسته که در مخفی‌ترین و دورترین سرزمین‌ها مسکن گزینم تا از تیررس اهل ضلالت در امان باشم، این پیمان مرا به این ریگزارهای عوالی (دشت حجاز از نجد تا تهامه) انداخته است.

آنگاه آن حضرت دعایی را که در دوران غیبت فرموده‌اند، بار دیگر تلاوت کردند:

«اللَّهُمَّ اخْجُبْنِي عَنْ عِيُونِ أَعْدَائِي وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ أَوْلِيَائِي.»<sup>۲</sup>

«بار خدایا، مرا از دیدگان دشمنانم پوشیده نگهدار و بین من و دوستانم اجتماع حاصل کن.»

امید است دعای آن بزرگوار به اجابت رسد و دیدار ایشان با دوستان محقق گردد، البته نه آن دیداری که در تشرفات محقق می‌شود بلکه دیدار در حضور و در عصر حکومت کریمه. ان شاء الله

## تشریف

روایت است: حضرت مهدی علیه السلام نیز همه ساله در موسم حج به زیارت خانه خدا مشرف شده و در مراسم حج شرکت می‌کنند و در عرفات می‌ایستند و به دعای مؤمنان آمین می‌گویند ولی انبوه حجاج او را نمی‌بینند و یا می‌بینند و او را نمی‌شناسند و عده‌ای از عاشقان کوی آن حضرت در مراسم حج به جستجویش

۱ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۵، ح ۱۱.

۲ - همان، ج ۹۴، ص ۳۷۸، ح ۱.

می پردازند و چه بسیار نیک بختانی که توفیق تشریف به پیشگاه آن والامقام را در کنار خانه خدا و یا در دیگر نقاط کره زمین یافته و می یابند، به طور مثال روایت است: بسیاری از افراد مؤمن و خداپرست به دیدار آن حضرت نایل شده و چشم آنان چهره ملکوتی و زیبای آن بزرگوار را مشاهده کرده است، از جمله: یکی از دانشمندان، مشتاق زیارت حضرت ولی عصر بود و از عدم توفیق رنج می برد؛ مدت ها ریاضت کشید و چهل شب، چهارشنبه ها به طور مرتب به مسجد سهله رفت، لیکن اثری از مقصود نیافت، سپس به علم جفر<sup>۱</sup> و اسرار حروف و اعداد متوسل شد و چله ها به ریاضت نشست، اما فایده ای نداشت. البته از آنجا که شب ها بیدار بود و در سحرها ناله ها داشت صفا و نورانیتی پیدا کرده، گاهی نوری نمایان می شد لطف و بارقه عنایت پروردگار؛ بدرقه راه وی می گشت و گاهی حالت خلسه و جذبه به او دست می داد و حقایقی می دید و دقایقی می شنید، در یکی از این حالات به او گفتند: «به خدمت امام زمان شرفیاب نمی شوی، مگر آن که به فلان شهر سفر کنی، با این که برایش سفر مشکل بود، به راه افتاد و پس از چند روز بدان شهر رسید و در آنجا نیز به ریاضت مشغول شد و چله گرفت، روز سی و هفتم، یا سی و هشتم به او گفتند: حضرت ولی عصر آقا امام زمان علیه السلام همین الآن در بازار آهنگران در دکان پیرمردی قفل ساز نشسته است برخیز و شرفیاب شو، پس آن شخص با سرعت خود را آماده ساخت و حرکت کرد تا به دکان پیرمرد رسید، آنگاه چشمش به دیدار حضرت ولی عصر و زمان منور شد که آنجا نشسته اند و با آن پیرمرد سخنان محبت آمیز می فرمایند، وی می گوید: چون سلام کردم حضرت جواب داد و مرا به سکوت امر کرده و فرمودند: اکنون تماشا کن، در این حال پیر زنی ناتوان و قد خمیده را دیدم که عصا زنان آمد و با دست لرزان قفلی را نشان داد و گفت: اگر ممکن است برای خدا این قفل را به مبلغ سه شاهی از من خریداری کن؛ زیرا من به سه شاهی پول احتیاج دارم، پیرمرد قفل را نگاه کرد و آن را بدون عیب و نقص یافت، به همین دلیل گفت: این قفل هشت شاهی ارزش دارد، اگر پول کلید را بدهی که بیش از دو شاهی نیست، من کلید این قفل را می سازم، آن وقت این قفل با

۱ - علم جفر: علمی است که صاحبان آن مدعی هستند به وسیله آن می توان به حوادث آینده آگاهی پیدا کرد و به آن علم، علم حروف هم می گویند.

کلیدش ده شاهی می‌ارزد.

پیرزن گفت: نه من نیازی به قفل ندارم، بلکه به پول آن نیازمندم، شما این قفل را سه شاهی از من بخرید، من به شما دعا می‌کنم.

پیرمرد با کمال سادگی گفت: خواهرم تو مسلمانی، من هم ادعای مسلمانی دارم، چرا مال مسلمان را ارزان بخرم و حق کسی را پایمال کنم، این قفل اکنون هم هشت شاهی ارزش دارد، من اگر بخواهم سود ببرم، به هفت شاهی خریداری می‌کنم، اگر می‌خواهی بفروشی، من هفت شاهی می‌خرم و باز تکرار می‌کنم که قیمت واقعی آن هشت شاهی است و من چون کاسب هستم و باید سود ببرم، یک شاهی ارزان می‌خرم.

پیرزن گفت: من خودم می‌گویم هیچ‌کس به این مبلغ راضی نشد و التماس کردم که سه شاهی بخرند اما نخریدند، در این هنگام پیرمرد هفت شاهی پول درآورد و به آن زن داد و قفل را خرید، چون پیرزن بازگشت، آن حضرت به من فرمودند:

آقای عزیز دیدی! این طور باشید تا ما به سراغ شماها بیائیم، چله نشینی و به سفر دور رفتن نیازی نیست، به جفر متوسل شدن سودی ندارد، بلکه با عمل صالح نشان دهید و مسلمان باشید تا من بتوانم با شما همکاری کنم، من از تمام این شهر، این پیرمرد را انتخاب کرده‌ام؛ زیرا این مرد دین دارد و خدا را می‌شناسد، این هم امتحانی که داد، در واقع این پیرزن از اول بازار عرض حاجت کرد و چون او را نیازمند دیدند همه در مقام آن بودند که ارزان بخرند و هیچ‌کس قفل او را حتی سه شاهی هم خریداری نکرد و این پیرمرد به هفت شاهی خرید، پس هفته‌ای بر او نمی‌گذرد، مگر آن‌که من به سراغ او می‌آیم و از او دلجویی می‌کنم.»<sup>۱</sup>

همچنین عیسی بن مهدی جواهری می‌گوید:

به پیشگاه کعبه مقصود و قبله موعود شرفیاب شدم، آن‌چنان از شوق دیدار مدهوش شده که پنداشتم عقل از سرم پریده است، حضرت ولی عصر علیه السلام فرمودند:

«... یا عیسی ما کانَ لَکَ أَنْ تَرَانِیَ لَوْلَا الْمُکَذَّبُونَ الْقَائِلُونَ بِأَیْنِ هُوَ؟ وَ مَتَى کَانَ؟ وَ اَیْنَ وُلْدَ وَ مَن رَأَاهُ؟ وَ مَا الَّذِی خَرَجَ إِلَیْکُمْ مِنْهُ؟ وَ بِأَیِّ شَیْءٍ نَبَّأْتُکُمْ؟ وَ أَیُّ مُعْجِزٍ أَتَاکُمْ؟... یا عیسی فَخَبِّرْ أَوْلِیَاءَنَا

مَا رَأَيْتَ، وَإِيَّاكَ أَنْ تُخَيِّرَ عَدُوَّنَا فَتُسَلِّبَهُ...<sup>۱</sup>

«... ای عیسی! اگر تکذیب منکران نبود به تو افتخار دیدار نمی دادیم، که می گویند: کجاست، از کی هست، کجا متولد شده، چه کسی او را دیده، چه نشانه‌هایی از او دیده‌اید، چه خبرهایی از او به شما رسیده، چه معجزاتی از او سر زده است؟ ای عیسی! آنچه دیدی به دوستان ما بازگو کن، ولی هرگز به دشمنان ما مگو، که از این کرامت‌ها محروم گردی.»  
 زُهری می گوید:

حضرت بقیة الله الاعظم را دیدم که جمال دل آرای او نیکوترین صورت‌ها، و عطر ساطع از وجود شریفش خوشبوترین عطر در جهان بود؛ جز این جملات کوتاه با من سخن نگفت، فقط فرمود:

«مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ أَخَّرَ الْعِشَاءَ حَتَّى تَشْتَبِكَ النُّجُومُ! مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ أَخَّرَ الْغَدَاةَ إِلَى أَنْ تَنْقُضِيَ النُّجُومُ...»<sup>۲</sup>

«ملعون است، ملعون است کسی که نماز عشا را به قدری تأخیر بیندازد که ستاره‌ها درهم فرو روند.»

ملعون است، ملعون است کسی که نماز صبح را به قدری تأخیر بیندازد که ستاره‌ها کاملاً ناپدید شوند...»

محمد بن عثمان در مورد تشریف خود می گوید:

محمد بن عثمان دومین سفیر حضرت ولی عصر علیه السلام درباره آخرین دیدارش با حضرت مهدی چنین شرح می دهد: آن مهر تابان را در کنار بیت الله الحرام دیدم که عرضه می دارند:

«اللَّهُمَّ أَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي.»<sup>۳</sup>

«بار خدایا! آنچه به من وعده کرده‌ای، انجام ده.»

همچنین آن حضرت را در «المستنجار» دیدم که از استار کعبه گرفته و عرضه می دارند:

«اللَّهُمَّ انْتَقِمْ مِنِّي مِنْ أَعْدَائِي.»<sup>۴</sup>

۱ - منتخب الاثر، ص ۳۷۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۶۹، ح ۵۴.

۲ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵، ح ۱۳.

۳ - همان، ج ۵۱، ص ۳۵۱، ح ۳.

۴ - همان.

«بار خدایا! انتقام مرا با دست خودم از دشمنانم بگیر.»

حال پروردگارا! ما نیز با دلی سوزان و اشکی ریزان از تو خدای خوب می‌خواهیم دعای آن دادگسترنده گیتی را به اجابت رسانی و دشمنانش را خوار و نابود فرمایی تا راه بسته سرورمان آقا امام زمان گشوده شود، به امید آن‌که به برکت وجود شریف آن حضرت آنچه از دین تو معطل مانده، توسط آن منادی حق زنده شود و جوامع بشری با وجود آن بزرگوار به آرامش و امنیت دست یابند و تو ای مظهر دین و ای نجات بخش خلق زمین و آسمان بدان که ما مسلمانان جهان هر صبح و شام در انتظاریم و چشم بر بلندای کعبه دوخته و در هر طلوع خورشید قلب‌هایمان تا روز ظهور، تا روز حضور در آرزوی دیدار تو می‌تپد که تنها گوهر گیتی هستی و به تحقیق خوشحالی و سرور چشم به راهانت در سایه آن دیدار با شکوه تجلی خواهد یافت.

آری، ای دوازدهمین اختر ولایت طلوع کن و با طلوعت جهان تاریک ما را روشنی بخش و بشکن این سکوت دائمی را که بسیار غم انگیز است و بنگر عاشقان و منتظرانت را که برای شستن راحت از خون پاکشان دریغ نمی‌کنند و بنگر مقاومت بی‌پایان مسلمانان مظلوم را در نقاط مختلف کره زمین و نظری افکن به جوانان غیوری که چسان در برابر کلیه شدائد و مصائب شکیبایی خود را از دست نداده و همچون کوهی استوار در مقابل هجوم دشمنان ایستاده‌اند و بنگر چشمان سرشار از تمنای انسان‌های درد کشیده را که با نگاه لبریز از صداقتشان چشم به ظهورت دوخته‌اند تا ان شاء الله بیایی و آنان را نجات دهی و تو ای یگانه منجی عالم بشریت! بنگر همه انسان‌های دربند را که در جای جای این کره خاکی خون دل می‌خورند و در انتظار روزی هستند که نجات دهنده ایشان از دروازه شهرشان وارد شده و همه آنان را نجات دهد و آیا به راستی در حیطة بزرگواری، مهربانی و عطوفت تو می‌گنجد که این همه تلخی انتظار را بر این بینوایان آواره روا داشته که چشم به راه تو هستند؟ اگرچه می‌دانیم این طور نیست، بلکه ما بندگان خدا هستیم که با بی‌توجهی و عدم شناخت و آمادگی لازم باعث این همه دوری و فراق شده‌ایم.

باشد که بیایی و جهان را از دست فتنه‌های بی‌امان نجات دهی و محرومان جهان را گرد هم آوری و شادی را در میان آنان استقرار بخشی و تو ای گل همیشه

بهار بیا، بیا که بی گل روی تو بهار نیست، بیا با پیام عدل و عدالت، بیا با کوله باری از ایثار و رشادت، بیا با قدم‌های مبارکت این هجران و فراق گشونده را برای همیشه زیر پاله کن و نشاط و شادمانی همیشگی را ارزانی دار و گرمی را به محفل سرد و یخ زده ما بیچارگان آواره هدیه نما، بیا اسیران را از زندان‌های مخوف نجات ده، بیا به خاطر آن انسان‌های دردکشیده‌ای که منتظرت هستند، بیا به گرسنگان رحمی کن و به تشنگان عدالت عنایتی نما، ما که پیوسته باور داریم روزی انتظار به سر خواهد رسید و تو همانند خورشید طلوع خواهی کرد و به دنیای تاریک ما نور خواهی بخشید و بانندای ملکوتی خود خطبه‌رهایی انسان را فریاد خواهی زد و بیچارگان و ستمدیدگان عالم را زیربال خود خواهی گرفت و یاور کوخ نشینان جهان خواهی شد.

ما نیز باور داریم بالأخره آن روز موعود و مبارک خواهد رسید، روز حضور و روز ظهورت که همچون روز تولدت بر همه عالمیان مبارک است؛ زیرا پروردگار مهربان در آن روز فرخنده، بزرگترین هدیه را به عالم هستی عنایت کرد، هدیه‌ای به نام «مهدی صاحب زمان» هدیه‌ای که امید همه انسان‌های دریند به اوست و ما خدا را به آن لحظه مقدس قسم می‌دهیم که دعاهایمان را به اجابت رساند و به میمنت خجسته زاد روز ولی عصر و زمان ما را زیر چتر و سایه آن حضرت حیات بخشد و اینک به یاد همان روز مبارک، با شادی و سرور آواز سر می‌دهیم و می‌گوئیم: بارالها تو شاهد باش ما شیفتگان درگاهش و کاروانیان سرگشته کویش در لحظه لحظه‌های زندگی خود، در انتظار آخرین وارث احمد! قائم آل محمد و غنچه گلشن نرجس همسرگرمی امام حسن عسکری، یازدهمین گهر خاندان رسالت هستیم، به راستی تولدش، قدومش بر همه مبارک باد که هستی در سایه تولد خجسته‌اش جان گرفت ما نیز تا لحظه‌ای که زنده هستیم برای این تولد باشکوه شادی کرده و در همیشه زمانها تولد پرشکوهشان را جشن می‌گیریم و این تولد میمون و مبارک را به جد بزرگوارشان حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و مادر گرامیشان حضرت صدیقه کبری علیها السلام تبریک عرض می‌کنیم و از مادر عزیزشان شاهزاده ملیکا نیز می‌خواهیم تبریک صمیمانه ما شیعیان را بپذیرند و در این شادی باشکوه ما را با خود همگام بدانند.

به امید دیدار یگانه حجت زمان و فرزند خانم حضرت نرجس علیها السلام که جهان به یمن وجود شریف ایشان برقرار است. ان شاء الله



# فصل دوم

ضرورت وجود امام

دوران زندگی حضرت مهدی علیه السلام

حکمت غیبت

نواب اربعه

غیبت کبری

رجعت در رستاخیز صغری

رجعت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله

رجعت حضرت علی علیه السلام

رجعت حضرت حسین علیه السلام

## ضرورت وجود امام

امام محمد باقر علیه السلام درباره ضرورت وجود امام می فرماید:

«لَوْ أَنَّ الْإِمَامَ رُفِعَ مِنَ الْأَرْضِ سَاعَةً لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا وَمَا جِثَتْ كَمَا يَمْوُجُ الْبَحْرُ بِأَهْلِيهِ»<sup>۱</sup>

«اگر لحظه‌ای امام در زمین نباشد، زمین اهلس را فرو می برد، همچون امواج دریایی طوفانی که با تمامی مسافران خویش دگرگون می شود.»

در احادیث دیگر می خوانیم:

«وَإِنِّي لَأَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ»<sup>۲</sup>

«آن سان که ستارگان موجب امان آسمانیان است امام نیز ایمنی بخش زمینیان می باشد.»

«بِبَقَائِهِ بَقِيَتِ الدُّنْيَا وَرَزَقَ الْوَرَىٰ وَبِوُجُودِهِ ثَبَّتَتِ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ»<sup>۳</sup>

«استواری جهان، بهره مندی موجودات و ثبات زمین و آسمان همه و همه درگرو وجود آن امام (همام) است.»

در واقع معتقدان به قرآن و عترت می دانند، زمین را یارای آن نیست که لحظه‌ای بدون وجود حجت الهی بر نظم جاری استوار باشد که اگر پای حجت حق از آن برداشته شود همگان را به کام خود فرو خواهد برد.

در همین رابطه حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در حضور اصحاب، خطاب به حضرت

۱ - غیبت نعمانی، ص ۱۳۹.

۲ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۸۳.

۳ - مفاتیح الجنان، دعای عدیله.

امیر مؤمنان علیه السلام فرمودند:

«إِنَّ خُلَفَائِي وَأَوْصِيَاءِي وَحُجَجَ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ بَعْدِي، الْإِثْنَا عَشَرَ أَوْلَهُمْ عَلَيَّ وَأَخِرُهُمْ الْمَهْدِيُّ»<sup>۱</sup>

«خلفا و اوصیای من و حجت های خدا بر مردمان، بعد از من دوازده نفرند که اول آنان علی و آخر آنان مهدی است.»

همچنین آن حضرت فرمودند:

«الْمُقَرَّبِينَ إِلَيْهِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُنْكَرِينَ لَهُمْ كَافِرِينَ»<sup>۲</sup>

«معترفان به حق آنان (دوازده امام) مؤمن و منکران حق آنان کافرند.»

نقل شده رسول اکرم خطاب به جابر بن عبدالله انصاری فرمودند:

«إِنَّ هَذَا أَمْرٌ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ. وَسِرٌّ مِنْ سِرِّ اللَّهِ. عَلْتُهُ مَطْوِيَّةٌ عَنْ عِبَادِ اللَّهِ. فَإِيَّاكَ وَالشَّكَّ فِي أَمْرِ اللَّهِ كُفْرًا»<sup>۳</sup>

«این امر، از امور خدا و رازی از اسرار الهی است، حکمت آن از بندگان پوشیده است، هرگز در این باره شک و تردید به خود راه مده، که شک در امر الهی کفر است.»

روایت شده است: جابر بن عبدالله روزی به محضر حضرت زهرا علیها السلام شرفیاب شد، در برابر آن حضرت لوحی را مشاهده کرد که در آن اسامی شریفه امامان از نسل آن حضرت نوشته شده بود، جابر می گوید: من آنان را شمردم دوازده تن بودند که آخرین آنان حضرت «قائم» بود و متوجه شدم که این امر از حتمیات است، از جمله مطالبی که جابر در آن لوح خوانده بود، این است:

«قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: وَأَعْطَيْتُكَ يَا مُحَمَّدٌ مَنْ أُخْرِجُ مِنْ صُلْبِهِ (يعني علياً) أَحَدَ عَشَرَ مَهْدِيًّا كُلُّهُمْ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ، مِنَ الْبِكْرِ الْبَتُولِ. أَخْرَجُ رَجُلٍ مِنْهُمْ أَنْجِي بِهِ مِنَ الْهَلَكَةِ، وَأَهْدِي بِهِ مِنَ الضَّلَالَةِ، وَأُبْرِئُ بِهِ مِنَ الْعَمَى، وَأَشْفِي بِهِ الْمَرِيضَ، وَأَطْهَرُنَّ الْأَرْضَ بِأَخْرِهِمْ مِنْ أَعْدَائِي، وَأَمْلِكُنَّهُ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا، وَأَسْخَرُنَّ لَهُ الرِّيَّاحَ، وَأَلْزَمُنَّ لَهُ السَّحَابَ، وَأَلْزَمُنَّهُ فِي الْأَشْبَابِ، وَأَلْزَمُنَّهُ بِجُنْدِي، وَأَلْمِدَّنُهُ بِمَلَائِكَتِي، حَتَّى يُغْلِبَنَ دَعْوَتِي، وَيَجْمَعَ الْخَلْقَ عَلَى تَوْحِيدِي»<sup>۴</sup>

۱ - ينابيع الموده، ج ۳، ص ۱۰۸.

۲ - الزام الناصب، ص ۶۴.

۳ - اعلام الوری، ص ۳۹۹.

۴ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۷.

«خدای تبارک و تعالی فرمود: ای محمد! به تو کسی را عطا کردم (علی) که یازده راهنما از نسل او خارج خواهد شد، همگی از نسل تو و از زهرای بتول است، آخرین آنان مردی است که به دست او از هلاکت نجات می‌بخشم و به وسیله او از گمراهی هدایت می‌نمایم و به دست او کور را بینا و بیمار را شفا می‌دهم و زمین را به وسیله او از دشمنانم پاک می‌سازم، شرق و غرب جهان را به او می‌سپارم، بادها را به تسخیر او درآورده، ابرها را زیر پای او قرار می‌دهم، برترین ابزارها را در اختیار او گذاشته، با سپاه خود او را یاری نموده، با فرشتگانم او را تأیید می‌نمایم، تا دعوت مرا آشکار سازد و همه مخلوقات را بر توحید من گرد آورد.»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مسأله حضرت مهدی و در رأس دعوت خود قرار داده و حتمی بودن آن را چنین اعلام می‌دارد:

«لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ. لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ، حَتَّى يَمْلِكَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، تَجْرِي الْمَلَأِجِمُ عَلَى يَدَيْهِ، وَيُظْهِرُ الْإِسْلَامَ، وَاللَّهُ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ.»<sup>۱</sup>

«اگر از دنیا جز یک روز باقی نباشد، خداوند آن روز را به قدری طولانی می‌سازد که مردی از اهل بیت من جهان را مالک شود، معجزات به دست او آشکار و اسلام به وسیله او ظاهر می‌گردد، خداوند هرگز در وعده خود خلف نمی‌ورزد.»

یک روز رسول اکرم صلی الله علیه و آله با علمی که از پیشگاه حضرت احدیت به او افاضه شده بود، وضع مردمان را در نسل‌های مختلف مورد توجه قرار داده، آهی از اعماق دل کشیده و فرمودند:

«إِلَى اللَّهِ أَشْكُو الْمُكْذِبِينَ لِي فِي أَمْرِهِ، وَ الْجَاحِدِينَ لِقَوْلِي فِي شَأْنِهِ، وَ الْمُضِلِّينَ لِأُمَّتِي عَنْ طَرِيقِهِ! يُبَايِعُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ وَيَفْتَحُ فُتُوْحًا فَلَا يَبْقَى عَلَيَّ وَجْهٌ مِنَ الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ يَقُولُ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ.»<sup>۲</sup>

«به خدا شکایت می‌کنم از کسانی که مرا در موضوع او (حضرت مهدی) تکذیب کنند و گفتار مرا در حق او انکار نمایند و امت مرا از راه او منحرف سازند، (در کنار خانه خدا) در میان رکن و مقام با او بیعت می‌شود و فتوحات فراوانی به دست او

۱ - بشارة الاسلام، ص ۵۹

۲ - اعلام الوری، ص ۴۰۰

انجام می یابد که در روی زمین کسی نمی ماند جز این که به یکتایی خدا اعتراف کرده، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بگوید.»

آنگاه آن حضرت با هشدار شدید اللحنی چنین فرمودند:

«مَنْ أَنْكَرَ خُرُوجَ الْمَهْدِيِّ فَقَدْ كَفَرَ بِمَا أَنْزَلَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا»<sup>۱</sup>

«هر کس ظهور مهدی را انکار کند به آنچه محمد آورده کافر شده است.»

«مَنْ أَنْكَرَ الْقَائِمَ مِنْ وُلْدِي أَثْنَاءَ غَيْبَتِهِ، مَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً»<sup>۲</sup>

«هر کس قائم از اولاد من را در دوران غیبتش انکار کند، به عهد جاهلیت مرده است.»

«مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ فَلَيْمَتْ إِنْ شَاءَ يَهُودِيًّا وَإِنْ شَاءَ نَصْرَانِيًّا»<sup>۳</sup>

«هر کس بمیرد و امام زمان خود را نشناخته باشد، پس باید بمیرد اگرخواست

یهودی و اگرخواست نصرانی.»

امام محمد باقر علیه السلام می فرماید:

«مَنْ أَصْبَحَ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ لَا إِمَامَ لَهُ مِنَ اللَّهِ، أَصْبَحَ ثَائِباً مَتَحَيِّراً ضَالًّا، وَإِنْ مَاتَ عَلَيَّ هَذِهِ

الْحَالِ مَاتَ مَيِّتَةً كُفْرٍ وَنِفَاقٍ»<sup>۴</sup>

«کسی که صبح کند درحالی که امام تعیین شده از سوی خدا نداشته باشد،

حیران، گمراه و سرگردان است و اگر به همین حالت از دنیا برود، در حال کفر و نفاق

از دنیا رفته است.»

«وَمَنْ أَبْغَضَنَا وَرَدَّنَا أَوْرَدًا وَاحِدًا مِنَّا، فَهُوَ كَافِرٌ بِاللَّهِ وَبِآيَاتِهِ»<sup>۵</sup>

«هر کس ما را دشمن بدارد، ما را رد کند، یا یکی از ما را رد کند، او به خدا و آیات

خدا کافر شده است.»

امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید:

«مِنَ الْمُخْتَوِّمِ الَّذِي حَتَمَهُ اللَّهُ، قِيَامٌ قَائِمُنَا. فَمَنْ شَكَّ فِيمَا أَقُولُ، لَقِيَ اللَّهَ وَهُوَ بِهِ كَافِرٌ، وَلَهُ جَاجِدٌ»<sup>۶</sup>

۱ - ينابيع المودة، ج ۳، ص ۱۰۸ و ۱۶۲.

۲ - منتخب الاثر، ص ۴۹۲.

۳ - رسالة المسائل الخمسون، فخر رازی، مسألة ۴۷.

۴ - وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۵۶۵، ح ۳۷.

۵ - همان.

۶ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۰.

«از وعده‌های حتمی خدا قیام قائم ماست، هر کس در این گفتار شک و تردید به خود راه دهد، خدا را به حال کفر و انکار ملاقات می‌کند.»  
از امام محمد باقر علیه السلام پرسیدند آیا شناخت امام بر خلق واجب است؟  
آن حضرت فرمودند:

«إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ بَعَثَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِلَى النَّاسِ أَجْمَعِينَ رَسُولًا لِلَّهِ وَحُجَّةً عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ فِي أَرْضِهِ. فَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ، وَاتَّبَعَهُ وَصَدَّقَهُ، فَإِنَّ مَعْرِفَةَ الْإِمَامِ مِنَّا وَاجِبَةٌ عَلَيْهِ؛ وَمَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ وَلَمْ يَتَّبِعْهُ وَلَمْ يُصَدِّقْهُ، وَيَعْرِفْ حَقَّهُمَا، فَكَيْفَ يَجِبُ عَلَيْهِ مَعْرِفَةُ الْإِمَامِ وَهُوَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَيَعْرِفُ حَقَّهُمَا؟ لَا وَاللَّهِ، مَا أَلْهَمَ الْمُؤْمِنِينَ حَقَّنَا إِلَّا اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ.»<sup>۱</sup>

«خدای عزوجل! حضرت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را به پیامبری به سوی همه جهانیان برانگیخت، هر کس به خدا و محمد ایمان بیاورد و او را پیامبر خدا بداند و از او پیروی کند، بر او واجب است که امام را بشناسد، ولی اگر کسی به خدا و پیامبر خدا ایمان نیاورده باشد، چگونه ممکن است پیش از شناخت خدا و رسول، شناخت امام بر او واجب باشد؟ به خدا سوگند، خداوند حقوق ما را به مؤمنان الهام کرده است.»  
در این باره روایت است:

حضرت مهدی علیه السلام در پاسخ یکی از سفیران خود که در مورد منکران آن حضرت پرسیده بود، چنین فرمودند: «کسی که مرا انکار نماید از من نیست راه او، راه فرزند حضرت نوح علیه السلام است.»<sup>۲</sup>

در واقع فرزند حضرت نوح به عنوان یکی از معاندان و منکران حق در تاریخ بشر مطرح شده است، او در عصر پدر خویش که یکی از پیامبران اولوالعزم بود رسالت ایشان را انکار کرد و به عاقبت دردناکی دچار شد اگرچه نقل شده است: پدر تا آخرین لحظه نگران فرزندش بود و به دفعات او را به حکم غریزه ندا سرداد به امید آن‌که ندایش در گوش دل او نفوذ کند و به ایمان گراید ولی واسفا او گرفتار غرور و کفر شده بود و تا آخرین لحظه بر کفر و لجاجت خود پافشاری کرد در حالی که اگر

۱ - اصول کافی، ج ۱، ص ۱۸۱ و ۴۲۹.

۲ - اعلام الوری، ص ۴۲۳.

همین انسان در سایه رحمت الهی همراه با ایمان که از الطاف بیکران خداوند است و عمل صالح همراه با تقوا که همان تطهیر نفوس و تهذیب اخلاق و افکار است زمان را پشت سرگذارد قادر خواهد بود تا از پل رستگاری عبور کرده و به شهر سعادت قدم گذارد. ان شاء الله

### دوران زندگی حضرت مهدی علیه السلام

در روایت آمده است زندگی قلب عالم امکان شامل سه دوره است:

- ۱ - دوران کودکی از سال ۲۵۵ تا سال ۲۶۰ ه. ق.
  - ۲ - دوران غیبت صغری از سال ۲۶۰ تا سال ۳۲۹ ه. ق.
  - ۳ - غیبت کبری از سال ۳۲۹ ه. ق شروع و تا وقتی که فرمان ظهور آن جلوه یزدان داده شود، ادامه خواهد داشت.
- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این رابطه می فرماید:
- «لَا بُدَّ لِلْغُلَامِ مِنْ غَيْبَةٍ... يُخَافُ فِيهَا الْقَتْلَ»<sup>۱</sup>
- «به ناگزیر او باید غایب شود... که در آن مدت، ترس از قتل هست.»
- همچنین امام کاظم علیه السلام می فرماید:
- «لَهُ غَيْبَةٌ يَطْوُلُ أَمَدُهَا، خَوْفًا عَلَى نَفْسِهِ مِنَ الْقَتْلِ، يَزْتَدُّ فِيهَا قَوْمٌ وَيَثْبُتُ آخَرُونَ»<sup>۲</sup>
- «برای او از ترس کشته شدن غیبتی هست که مدتش بس دراز خواهد بود، در دوران غیبت او قومی به ارتداد گرائیده، گروهی دیگر پا برجای می مانند.»
- در احادیث یاد شده واژه ترس به معنای واقعی خود تعبیر نمی شود بلکه منظور از ترس (پنهان شدن) از دشمنان برای حفظ جان است آن هم به سبب مسئولیت خطیری که آن حضرت در مقابل دین اسلام و مظلومان عالم دارند و از همه مهمتر برقراری عدل و عدالت که از اهداف آن حضرت می باشد اگرچه برای بندگان خوب خدا شهادت یک آرزو محسوب می شود.

۱ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۰، ح ۱.

۲ - همان.

«لَيَغَيَّبَنَّ عَنْهُمْ حَتَّى يَقُولَ الْجَاهِلُ: مَا لِلَّهِ فِي آلِ مُحَمَّدٍ حَاجَةٌ!»<sup>۱</sup>

«به خدا سوگند در پشت پرده غیبت نهان می شود تا نادانانها بگویند: خدا به آل محمد نیازی ندارد!»

امید است دوران غیبت هر چه زودتر به پایان رسد تا با عنایات پروردگار، دوران وصل و دیدار حاصل شود. ان شاء الله

### حکمت غیبت

باید بدانیم غیبت حضرت ولی عصر علیه السلام طبق تقدیری است که از جانب خدای سبحان مقدر شده و حکمت‌هایی دارد، شاید یکی از علت‌ها مساعد نبودن موقعیت زمانی باشد، همان‌طور که پیامبران برای ارشاد امت خود قیام کرده ولی به علت جهالت آنان با خطرات جدی مواجه شدند و بالا جبار از امت خویش دوری گزیدند؛ مانند: «حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله که از ترس جان خود، مدتی را در شعب ابوطالب عموی بزرگوارشان گذراندند.»<sup>۲</sup>

«حضرت ادریس علیه السلام مدت بیست سال از ترس امت گمراه خود که دعوت او را رد کرده بودند غیبت کردند.»<sup>۳</sup>

«حضرت موسی علیه السلام هم مدتی را دور از امت خویش سپری کردند به امید آن که فرصتی پیش آید تا ایشان بتوانند حق را احقاق کرده و باطل را ریشه کن نمایند.»<sup>۴</sup>

اصولاً انبیا و اولیا هدفشان به اجرا گذاشتن قانون الهی بوده است به همین دلیل برای حفظ جان خود سعی می کردند تا در زمان مناسب به اهداف خود دست پیدا کرده، سپس تسلیم سرنوشت شوند.

خداوند متعال نیز حضرت مهدی را برای ریشه کن کردن هر نوع ظلم و ستم حاکم در جهان ذخیره کرده و آن حضرت را تا فرارسیدن اجل حتمی از بلا محفوظ خواهند داشت و بر خلاف گذشته، ستمگران کوچک و بزرگ فرصتی نخواهند

۱ - بحار الانوار، ص ۱۰۱، ح ۱.

۲ - همان، ج ۱۹، ص ۱۶، ص ۸.

۳ - الزام الناصب، ص ۸۲.

۴ - همان، ص ۸۳.



یافت تا خدشه‌ای به وجود نازنین آن یگانه حجت عالم وارد سازند. دلیل دیگری که می‌توان برای غیبت ایشان قائل شد کثرت گناه و عدم اتحاد و انسجام در میان مسلمانان جهان است و دیگر عدم شناخت و نداشتن اطلاعات لازم در مورد آن سرور که سبب تأخیر در ظهور می‌شود و علت دیگری که می‌توان در مورد غیبت در نظر گرفت، عدم شایستگی و توبه‌عده‌ای از افراد و طلب نکردن آن حضرت از جانب خدای منان است، در واقع هر حرکت سوئی سبب تأخیر در ظهور می‌شود و هر چه غیبت به تأخیر افتد مصیبت و گرفتاری‌های مردم جهان هم بیشتر خواهد شد.

علت دیگر برای غیبت حضرت مهدی آزمایش همگان است که خداوند برای دوست و دشمن قرار داده است و بدون شک غیبت آن حضرت تا پایان آزمایشات الهی و احقاق نتیجه باقی خواهد ماند.

در غیبت نعمانی از محمد بن خلاد روایت می‌کند که گفت، از حضرت موسیٰ کاظم علیه السلام شنیدم که فرمود:

﴿أَحْسِبَ النَّاسَ أَنْ يَتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ﴾<sup>۱</sup>

«آیا مردم گمان کردند که (خداوند) آنان را به حال خود می‌گذارد که بگویند

ایمان آوردیم و امتحانی هم ندهند؟»

سپس (حضرت از من در مورد این آیه شریفه پرسید) مقصود چه امتحانی است؟ عرض کردم: قربانت گردم به نظرم مقصود آزمایش در امر دین است. حضرت فرمود:

«مانند طلا امتحان می‌شوند؛ همچون طلا خالص می‌گردند.»<sup>۲</sup>

روایت است: خداوند مرگ و حیات را قرار داده تا مردم را امتحان کند و معلوم شود کدام یک از بندگان از حیث عمل بهتر هستند. باید توجه کرد که بر سر دوراهی‌ها و تردیدها، آن‌که مخالف هوای نفس و نزدیک به رضای الهی است انتخاب شود؛ زیرا امتحان سنت الهی است و همه در دنیا امتحان می‌شوند حتی

۱ - سورة عنكبوت (۲۹) آیه ۱.

۲ - بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۸۸۲ (طبع قدیم)

بندگان خوب خدا.

حضرت امام محمد باقر علیه السلام در این مورد می فرماید:

«وَاللَّهُ لَتَمَيِّزُنَّ، وَاللَّهُ لَتَمَخَّصُنَّ، وَاللَّهُ لَتُغَزِّبُنَّ كَمَا يُغَزِّبُ الزُّوَانَ مِنَ الْقَمَحِ.»<sup>۱</sup>

«سوگند به خدا، آزمون می شوید، امتحان می شوید، غریب می شوید، آن سان که

گندم غریب می شود و از شلمک جدا می گردد.»

«وَاللَّهُ لَتُكْسِرَنَّ كَسْرَ الزُّجَاجِ! وَإِنَّ الزُّجَاجَ يُعَادُ فَيَعُودُ كَمَا كَانَ. وَاللَّهُ لَتُكْسِرَنَّ كَسْرَ الْفَخَّارِ،

وَإِنَّ الْفَخَّارَ لَا يَعُودُ كَمَا كَانَ...»<sup>۲</sup>

«به خدا سوگند شکسته می شوید همچون شکسته شدن شیشه، با این تفاوت که

شیشه شکسته شده به حالت اول بر می گردد، ولی شما شکسته می شوید همانند

شکسته شدن سفال که دیگر به حالت اولیه بر نمی گردد...»

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید:

«وَحَتَّى لَا يَبْقَى مِنْكُمْ إِلَّا كَالْكُحْلِ فِي الْعَيْنِ! هَيْهَاتَ، هَيْهَاتَ لَا يَكُونُ فَرَجُنَا حَتَّى يَذْهَبَ

الْكَلْبُورُ وَيَبْقَى الصَّفْوُ.»<sup>۳</sup>

«تا از شما باقی نباشد جز به مقدار سرمه در چشم، هیهات! هیهات! که فرج ما

واقع نمی شود مگر بعد از آن که تیره ها از بین بروند و فقط صافها باقی بمانند.»

در همین رابطه نقل شده است: مقصود حکومت واحد جهانی و اعتقاد به تنها

دین الهی و قانون آسمانی، یعنی دین مقدس اسلام است که در دولت عالمگیر

حضرت بقیه الله الاعظم تحقق خواهد یافت و معنی ﴿ان الدين عند الله الاسلام﴾

مصادق پیدا می کند.

در همین رابطه در قرآن می خوانیم:

﴿وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ﴾<sup>۴</sup>

«به تحقیق پیشینیان را آزمایش کردیم، آنان را نیز می آزمائیم تا در این

رهگذر، راستگویان از دروغگویان مجزا و مشخص گردند.»

۱ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲، ح ۳۲.

۲ - همان، ص ۱۰۱، ح ۳.

۳ - رک: همان، ص ۱۱۵، ح ۳۷.

۴ - سوره عنکبوت (۲۹) آیه ۳.

هنگامی که جابر بن عبدالله انصاری پرسید: یا رسول الله! آیا برای قائم از نسل تو غیبتی هست؟ آن حضرت فرمود: آری، سوگند به پروردگارم هست.

﴿وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ﴾<sup>۱</sup>

«تا خداوند مؤمنان را بیازماید و کافران را نابود سازد.»

﴿وَلْيَبْعَثْ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ وُلْدِي يُطَالِبُ بِدِمَائِنَا، وَلْيَغَيِّبَنَّ عَنْهُمْ تَمِيِزًا لِأَهْلِ الصَّلَاةِ...﴾<sup>۲</sup>

«البته خداوند مردی را از نسل من بر می‌انگیزد که خون ما را مطالبه کند و انتقام ما را بگیرد، او از دیده‌ها پنهان خواهد شد تا گمراهان شناخته شوند...»

در همین رابطه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده‌اند:

﴿وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ بَشِيرًا، إِنَّ الثَّابِتِينَ عَلَى الْقَوْلِ بِهِ زَمَانَ غَيْبَتِهِ لَأَعَزُّ مِنَ الْكِبْرِيَةِ الْأَخْمَرِ﴾<sup>۳</sup>

«سوگند به خداوندی که مرا به حق برانگیخت، آنان که در عهد غیبت بر ایمان و اعتقاد به او ثابت می‌مانند از کبریت احمر کمتر خواهند بود.»

امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرماید:

﴿إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً لَا بَدَّ مِنْهَا يَرْتَابُ فِيهَا كُلُّ مُبْطِلٍ...﴾<sup>۴</sup>

«برای صاحب این امر (امام مهدی) غیبتی خواهد بود که هر اهل باطلی در آن زمان دچار تردید خواهد شد...»

امام جواد علیه السلام می‌فرماید:

﴿إِنَّ الْإِمَامَ بَعْدِي ابْنِي، أَمْرُهُ أَمْرِي، وَقَوْلُهُ قَوْلِي، وَطَاعَتُهُ طَاعَتِي. وَالْإِمَامُ بَعْدَهُ ابْنُهُ الْحَسَنُ، أَمْرُهُ أَمْرُ أَبِيهِ، وَقَوْلُهُ قَوْلُ أَبِيهِ، وَطَاعَتُهُ طَاعَةُ أَبِيهِ ثُمَّ سَكَتَ فَقُلْتُ لَهُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، وَمَنْ الْإِمَامُ بَعْدَ الْحَسَنِ؟ فَبَكَى بُكَاءً شَدِيدًا، ثُمَّ قَالَ: إِنَّ مِنْ بَعْدِ الْحَسَنِ ابْنَهُ الْقَائِمَ بِالْحَقِّ، الْمُتَنْظَرُ، فَقُلْتُ لَهُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، وَلِمَ سُمِّيَ بِالْقَائِمِ؟ قَالَ: لِأَنَّهُ يَقُومُ بَعْدَ مَوْتِ ذِكْرِهِ، وَازْتِدَادِ أَجْزَائِهِ الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ. فَقُلْتُ لَهُ: وَلِمَ سُمِّيَ بِالْمُتَنْظَرِ؟ قَالَ: لِأَنَّ لَهُ غَيْبَةً تَكْثُرُ أَيَامَهَا وَتَطُولُ أَمَدُهَا فَيَنْتَظِرُ خُرُوجَهُ الْمُخْلِصُونَ، وَيُنْكِرُهُ الْمُزْتَابُونَ، وَيَسْتَهْزِئُ بِذِكْرِهِ الْجَاهِدُونَ، وَ يَكْثُرُ فِيهَا

۱ - سورة آل عمران (۳) آیه ۱۲۱.

۲ - الامام المهدي، ص ۸۰ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۱۲، ح ۷.

۳ - اعلام الوری، ص ۳۹۹؛ بحار الانوار، ج ۳۸، ص ۱۲۶، ح ۷۶.

۴ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۱، ح ۴.

الْوَقَاتُونَ، وَيَهْلِكُ فِيهَا الْمُسْتَعْجِلُونَ، وَيَنْجُو فِيهِ الْمُسْلِمُونَ»<sup>۱</sup>

«امام بعد از من! پسرم (امام هادی) است که امر او، امر من و گفته او، گفته من و اطاعت او، اطاعت من است و امام بعد از او پسرش حسن (عسکری) است که امر او، امر پدرش، گفته او، گفته پدرش و اطاعت او، اطاعت پدرش می باشد.  
(آنگاه امام جواد علیه السلام سکوت کردند) عرضه شد: ای فرزند رسول خدا! امام بعد از حسن کیست؟ (امام جواد) به شدت گریست و فرمود: بعد از حسن، پسر او قائم به حق و منتظر است.

گفته شد: چرا به او «قائم» گفته می شود؟

فرمود: زیرا او بعد از آن که یادش از بین می رود، قیام می کند و پس از آن که بیشتر قائلان به امامتش از اعتقاد خود بازگردند او ظهور می کند.

گفته شد: چرا به او «منتظر» می گویند؟

فرمود: زیرا برای او غیبتی طولانی هست که مؤمنان مخلص ظهور او را انتظار می کشند و صاحبان شک او را انکار می کنند و منکران نام و یاد او را مسخره می نمایند (بدانید) هرکس وقت تعیین کند دروغ می گوید، هرکس شتاب کند هلاک می شود، هرکس تسلیم اراده خدا شود نجات می یابد.»

در حدیث دیگر نقل شده است:

«فِي الْقَائِمِ مَنَّا سُنُّنٌ مِنْ بَنِي الْأَنْبِيَاءِ سَنَةٌ مِنْ آدَمَ سُنَّةٌ مِنْ نُوحٍ، وَسُنَّةٌ مِنْ إِبْرَاهِيمَ، وَسُنَّةٌ مِنْ مُوسَى، وَسُنَّةٌ مِنْ عِيسَى، وَسُنَّةٌ مِنْ أَيُّوبَ، وَسُنَّةٌ مِنْ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ. فَأَمَّا مِنْ آدَمَ وَمِنْ نُوحٍ فَطَوُّلُ الْعُمُرِ. وَأَمَّا مِنْ إِبْرَاهِيمَ فَخِفَاءُ الْوَلَادَةِ وَاعْتِزَالِ النَّاسِ، وَأَمَّا مِنْ مُوسَى فَالْخَوْفُ وَالْغَيْبَةُ وَأَمَّا مِنْ عِيسَى فَاخْتِلَافُ النَّاسِ فِيهِ وَأَمَّا مِنْ أَيُّوبَ فَالْفَرْجُ بَعْدَ الْبَلْوَى. وَأَمَّا مِنْ مُحَمَّدٍ فَالْخُرُوجُ بِالسَّيْفِ»<sup>۲</sup>

«در قائم ما شش نشانه از شش پیامبر است:

نشانه‌ای از حضرت نوح، نشانه‌ای از حضرت ابراهیم، نشانه‌ای از حضرت موسی، نشانه‌ای از حضرت عیسی، نشانه‌ای از حضرت ایوب و نشانه‌ای از حضرت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.

۱ - منتخب الاثر، ص ۲۲۳ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۰، ح ۴.

۲ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۱۷، ح ۴.

نشانه‌اش از حضرت نوح، طول عمر اوست.  
 نشانه‌اش از حضرت ابراهیم، تولد پنهان و گوشه‌گیری او از مردمان است.  
 نشانه‌اش از حضرت موسی، مخفی بودن ولادت و غیبت اوست.  
 نشانه‌اش از حضرت عیسی، اختلاف مردم در حق اوست.  
 نشانه‌اش از حضرت ایوب، فرج بعد از شدت و گشایش بعد از گرفتاری است.  
 اما نشانه‌اش از حضرت محمد، خروج او با شمشیر است.»  
 مرویست: حضرت ولی عصر علیه السلام در نامه‌ای به سفیرش محمد بن عثمان  
 این چنین می‌نویسد:

«وَأَمَّا عِلَّةُ مَا وَقَعَ مِنَ الْغَيْبَةِ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءَ  
 إِن تُبَدَّلَ لَكُمْ تَسْأَلُهُمْ...) إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ أَحَدٌ مِنْ آبَائِي إِلَّا وَقَعَتْ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ لِبَطَاغِيَةِ زَمَانِهِ. وَإِنِّي  
 أَخْرَجُ حِينَ أَخْرُجُ وَلَا بَيْعَةَ لِأَحَدٍ الطَّوَاعِيَةِ فِي عُنُقِي. وَأَمَّا وَجْهُ الْإِنْتِفَاعِ بِي فِي غَيْبَتِي، فَكَأَنَّ  
 الْإِنْتِفَاعَ بِالشَّمْسِ إِذَا غَيَّبَهَا عَنِ الْأَبْصَارِ السَّحَابُ. وَإِنِّي لِأَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ  
 لِأَهْلِ السَّمَاءِ.»

فَأَغْلِقُوا بَابَ السُّؤَالِ عَمَّا لَا يَعْنِيكُمْ، وَلَا تَتَكَلَّفُوا مَا كُفَيْتُمْ، وَأَكْثِرُوا مِنَ الدُّعَاءِ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ،  
 فَإِنَّ فِي ذَلِكَ فَرَجَكُمْ، وَالسَّلَامُ عَلَيَّ مِنْ اتَّبَعَ الْهُدَى.»<sup>۱</sup>

«اما در مورد علت غیبت، خدای تبارک و تعالی می‌فرماید: ای کسانی که ایمان  
 آورده‌اید! هرگز نپرسید از مسائلی که اگر فاش شود شما را اندوهگین سازد...<sup>۲</sup> هر  
 یک از پدران من، بیعتی از طاغوت‌های زمان به گردن داشتند ولی زمانی ظهور  
 خواهم نمود که بیعت احدی از طاغوت‌ها به گردنم نباشد. اما کیفیت انتفاع مردم از  
 وجود من در زمان غیبت همانند انتفاع آنان از خورشید است هنگامی که ابرهای  
 تیره آن‌را بپوشاند، من امان برای اهل زمین هستم، همان‌طور که ستارگان امان برای  
 اهل آسمان است، در مورد مسائلی که به شما سودی نخواهد داشت پرسش نکنید  
 و در مورد آنچه برای شما بیان شده، خود را به زحمت نیندازید و در رابطه با تعجیل  
 فرج، بسیار دعا کنید که فرج شما نیز به آن بسته است و سلام بر کسی که از هدایت  
 پیروی کند.»

۱ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۲، ح ۷.

۲ - سورة مائده (۵) آیه ۱۰۱.

از فرمایشات پیامبر و ائمه معصومان علیهم السلام چنین استنباط می شود که حضرت مهدی دارای دو غیبت یکی کوتاه تر (صغری) و دیگری طولانی تر (کبری) است. غیبت صغری از پنج سالگی حضرت تا سال ۳۲۹ ه. ق یعنی ۶۹ سال طول کشیده است و در این دوران چهار عالم و مجتهد به امر الهی و دستور امام، به نام سفیر و یا نایب خاص به وکالت از طرف امام زمان عهده دار امامت و رهبری شیعیان بوده اند که مسایل و مشکلات مسلمانان را با امام در میان گذاشته و جواب دریافت می داشتند و سپس به اطلاع مردم می رسانیدند و آن چهار نایب بزرگوار به نواب اربعه مشهور شدند.

### نواب اربعه

چهار نایب خاص آن حضرت عبارتند از: عثمان بن سعید، محمد بن عثمان، حسین بن روح و علی بن محمد سمری.

اولین سفیر امام، عثمان بن سعید مورد توجه امام هادی و امام عسکری علیهما السلام بوده و در زمان وکالت برای آن که پوششی روی فعالیت خود بگذارد، شغل روغن فروشی را پیشه خود ساخته بود و اغلب وجوهات و حقوق الهی را که از طرف مردم به عنوان سهم امام دریافت می کرد در داخل مشگ روغن کرده تا از مصادره و ضبط اموال توسط حکام و امرای دولتی جلوگیری شود. طبق فرمان حضرت مهدی علیه السلام عثمان بن سعید به مدت ۵ سال انجام وظیفه کرد و در سال ۲۶۵ ه. ق دار دنیا را به درود گفت.

نقل شده: طبق دستور حضرت ولی عصر نیابت خاص به فرزند آن نایب برحق محمد بن عثمان واگذار گردید، مردم نیز مشکلات و مسایل خود را با او در میان می گذاشتند تا به عرض امام برساند و وفات محمد بن عثمان در سال ۳۰۵ ه. ق در بغداد به وقوع پیوست و مدت نیابت ایشان ۴۰ سال بود.

سومین نایب خاص امام زمان، ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی از شیوخ و مردان مورد اعتماد محمد بن عثمان بود و ایشان نیز پس از مدتی انجام وظیفه و خدمت به سرور کائنات در سال ۳۲۶ ه. ق در بغداد فوت کرد مدت نیابت وی ۲۱ سال بود.

آخرین سفیر خاص آقا امام زمان، شیخ بزرگوار علی بن محمد سمري بود که به امر امام و معرفی حسین بن روح انتخاب گردید، پس از آن که مدت عمر او به سر آمد و در بستر بیماری افتاد، شیعیان از وی خواستند جانشین بعد از خود را معرفی کند، ولی او در جواب گفت: حضرت ولی عصر علیه السلام فرموده اند: غیبت کبری فرا رسیده و به امر خداوند نایب خاص از این پس نخواهد بود و مردم می توانند به نواب عام و علمای زمان خود مراجعه کنند؛ البته این علما باید کسانی باشند که به علم خود عمل کرده و حافظ دین خدا و اسلام و پیرو مکتب واقعی قرآن و رسالت پیامبر و ائمه اطهار علیهم السلام بوده و نیز مبارز و مخالف با اعمال شیطانی و هوس های نفسانی باشند، دوران نیابت آن سفیر الهی ۳ سال طول کشید و آن نایب خاص در سال ۳۲۹ ه. ق دارفانی را بدرود گفت.

در توقیع شریفی که از ناحیه مقدسه آقا امام زمان علیه السلام در آخرین روزهای عمر علی بن محمد سمري صادر شد، در مورد آغاز غیبت کبری چنین آمده است.

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾

«يَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ السَّمَرِيُّ، عَظَّمَ اللَّهُ أَجْرَ إِخْوَانِكَ فِيكَ، فَإِنَّكَ مَيِّتٌ مَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ سِتَّةِ أَيَّامٍ. فَاجْمَعْ أَمْرَكَ، وَلَا تُوصِلْ إِلَى أَحَدٍ فَيَقُومَ مَقَامَكَ بَعْدَ وَفَاتِكَ، فَقَدْ وَقَعَتِ الْغَيْبَةُ الثَّامَّةُ، فَلَا ظَهْرَ إِلَّا بَعْدَ أَنْ يَأْذَنَ اللَّهُ تَعَالَى ذِكْرَهُ، وَذَلِكَ بَعْدَ طُولِ الْأَمَدِ وَ قَسْوَةِ الْقُلُوبِ وَامْتِلَاءِ الْأَرْضِ جَوْرًا. وَ سَيَأْتِي مِنْ شِيعَتِي مَنْ يَدَّعِي الْمُشَاهَدَةَ. أَلَا فَمَنْ ادَّعَى الْمُشَاهَدَةَ قَبْلَ خُرُوجِ السُّفْيَانِيِّ وَ الصَّيْحَةِ فَهُوَ كَذَّابٌ مُفْتَرٍ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.»

«به نام خداوند بخشنده مهربان، ای علی بن محمد سمري! خداوند در مصیبت درگذشت تو به برادران دینی ات پاداش عظیم عنایت فرماید؛ که تو تا شش روز دیگر از دنیا خواهی رفت، بنابراین امور زندگی خود را تمام کن و هیچ کس را وصی و جانشین خویش قرار مده؛ زیرا دوران غیبت کبری آغاز شده است و امر ظهور موكول به اذن و اجازه خداوند می باشد که آن هم پس از غیبتی بس طولانی و قساوت دل های مردم و دوری آنان از حقایق و فراگیر شدن ظلم و جور در دنیا به وقوع خواهد پیوست، به زودی افرادی به سوی شیعیان من آمده ادعای مشاهده مرا خواهند کرد، آگاه باشید هر کس قبل از خروج سفیانی و شنیدن صیحه آسمانی

## ادعای مشاهده<sup>۱</sup> کند دروغگوست و بر خدا و رسول او افترا می‌بندد و تمام

۱ - در مورد مشاهده باید عرض کرد: دیدار حجت زمان که حی و حاضر است و در میان مردم تردد دارد اگر خداوند اجازه دیدار دهد، مشاهده ایشان بسیار امکان‌پذیر است البته لیاقت می‌خواهد و این نوع دیدار در جای‌جای جهان، بالاخص در مکه معظمه و عرفات بارها تجربه شده است و دیگر مشاهده افرادی که متوجه شخصیت مقدس آن حضرت نمی‌شوند این نوع دیدارها نیز بسیار است و دیگر این‌که شخصی بگوید: بنده طبق فرمان حضرت موظف به انجام کاری... شده‌ام در صورتی که صداقت حاکم باشد نمی‌توان کتمان کرد؛ زیرا به عنوان مثال: مسجد مقدس جمکران به دستور آن حضرت بنا گردیده است و یا اگر کسی بگوید: من به نیابت خاصه فرا خوانده شده‌ام آن حضرت به این نوع اخبار اشاره کرده و شدیداً ترفندهای این‌چنینی را رد فرموده‌اند به طور مثال: سید میرزا علی محمد شیرازی که ادعای نیابت کرد، این ادعا درست زمانی مطرح شد که کشور ایران در دولت محمد شاه قاجار مورد تهدید و هجوم دشمنان بود تا آنجا که مردم از ظلم حاکمان عصر به ستوه آمده و از شر دشمنان هراس داشتند، در این برهه از زمان در هر شهری شاهزاده‌ای قد علم کرده و دم از استقلال می‌زد، از طرفی ایادی سیاست‌های بیگانه هم برای رسیدن به مقصود، نقشه‌های متعدد می‌کشیدند که بالأخره طرحی از نقشه‌های شومشان توسط مردی به نام سید میرزا علی محمد سر و سامان گرفت از جمله نقل شده است: سید میرزا پسر سید محمد رضای بزاز است که به سال ۱۲۲۵ ق. در روز اول محرم در شهر شیراز متولد شد، پدرش در کودکی وفات یافت و او تحت سرپرستی دایی خود، حاج میرزا سیدعلی به شغل پدر مشغول گردید، اما چون مایل به مسایل دینی بود، عده‌ای را به سوی خود جلب کرد و پس از مدتی توقف در بوشهر به شیراز بازگشت و تجارت را رها ساخته و راهی کربلا شد و چند سال در درس سید کاظم رشتی، شاگرد شیخ احمد احسانی رئیس فرقه شیخیه حاضر شد و مورد توجه سید قرار گرفت و پس از فوت سید در سن ۲۵ سالگی (۱۲۶۰) تحولی در افکار وی ایجاد شد که نخست دعوی باب بودن کرده، سپس ادعای مهدویت کرد به همین دلیل او را در روز دوشنبه ۲۷ شعبان سال ۱۲۶۶ در تبریز به دار مجازات آویخته و اعدام کردند و به فتوای علمای تبریز او را تیرباران کرده و جسدش را در میان خندق شهر انداختند، به تحقیق ظالمان رستگار نخواهند شد چنان‌که در قرآن شریف به آن اشاره شده است ﴿فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْمُجْرِمُونَ﴾ «پس کیست ستمکارتر از آن کس که دروغی بر خدای بندد یا آیات او را تکذیب کند؟ به راستی مجرمان رستگار نمی‌شوند.» (سوره یونس، آیه ۱۷)

در مورد مدعیان مهدویت آمده است: کشورهای صنعتی استعمارگر بخاطر دست یافتن به منابع عظیم کشورهای باصطلاح جهان سوم با کمک حکومت‌های دست‌نشانده باعث رکود فکری، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آن کشورها شده و افراد اجیر شده خود را بر آن داشتند که اعتقادات مردم را نادیده گرفته و از توجه جهانیان بالاخص مسلمانان به مقام مقدس حضرت مهدی علیه السلام سوء استفاده کرده و ادعای مهدی بودن نمایند تا بدین وسیله به خواسته‌های نامشروع خود دست یابند حال آن‌که دیری نمی‌پایید مگر این‌که نقاب از چهره این شیادان دغل باز و ریاست طلب کنار می‌رفت و هر یک از آنان پس از برملا شدن هویت اربابان شیطان صفتشان رسوا و سرکوب شده و به جزای کار پلید و شرم آور خود می‌رسیدند از جمله: در هر دوره‌ای، عده‌ای از خائنین بوده‌اند که مسأله بابیت و یا مهدویت را جلوه داده تا اهداف خود را که به بیراهه بردن مردمان عامی و ناآگاه بوده است به اجراء بگذارند اگرچه آنان هیچ‌وقت به خواسته‌های شومشان نرسیده مگر این‌که تابعین ایشان خسرالدنیا و الاخره شدند، از جمله نقل شده است: عده‌ای از این افراد قبل از تولد حضرت مهدی «عجل الله تعالی فرجه الشریف» و عده‌ای در دوران غیبت صغری و عده‌ای هم در دوران غیبت کبری ادعای مهدی بودن کرده‌اند، مانند: مهدی سودانی، احمد قادیانی، میرزا یحیی ملقب به صبح ازل، میرزا حسینعلی ملقب به بهاء‌الله



قدرت‌ها و نیروها از آن خداوند است.»

بدین ترتیب غیبت صغری با پایان یافتن نیابت خاصه در سال ۳۲۹ ه. ق به پایان رسید و غیبت کبری شروع شد.

## غیبت کبری

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره غیبت حضرت مهدی علیه السلام فرموده‌اند:

«الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي إِسْمُهُ إِسْمِي وَكُنْيَتُهُ كُنْيَتِي؛ أَشْبَهُ النَّاسَ بِي خُلُقاً وَخُلُقاً، تَكُونُ لَهُ عَيْبَةٌ وَ حَيْرَةٌ تَضِلُّ فِيهِ الْأُمَّمُ ثُمَّ يُقْبَلُ كَالشَّهَابِ الثَّاقِبِ فَيَمْلَأُهَا عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مِلَّتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا.»<sup>۱</sup>

و عده بسیاری که نقش بدل بازی کرده و سبب دلخوشی کسانی شده‌اند که حاضرند خود بر سر خویش کلاه بگذارند آخر این کلاه تا چه زمانی اعتبار دارد مگر نه این که وقتی اذن ظهور پر میمنت حضرت مهدی موعود صادر شود قدرت از همه مردمان گرفته خواهد شد؛ زیرا هیچ یک از افراد بشر در مقابل ابر مردی همچون آقا امام زمان که با قدرت الهی قدم به پیش خواهد گذاشت دوام نیاورده و همگان تاب مقاومت را از دست خواهند داد و ولسفا از این همه خسارت که هرگز جبران نخواهد شد چه برای آن کس که این دوران را طی کرده و از دنیا رفته است و چه برای آن افرادی که همچنان در این وادی تاریک سیر می‌کنند.

باید گفت: مرده و زنده ایشان می‌بایست جوابگو باشند؛ زیرا در آن زمان که دادگاه عدل الهی برپا شود بدان محض و خوبان محض حتماً در آن محکمه حضور خواهند داشت بالاخص آن عده از افراد که باعث فریب مردمان شده و آنان را در مسیر باطل قرار داده و دین و دنیای ایشان را به بازی گرفته‌اند آن هم در سایه اخباری کذب، به تحقیق آنان به سزای کرده‌هایشان خواهند رسید و عده‌ای هم وجود مقدس ولی عصر و زمان را انکار کرده و می‌گویند: چنین شخصی به دنیا نیامده بلکه اندیشه مهدویت از بنیان سستی برخوردار است بطور مثال: برای امام عسکری علیه السلام فرزندی وجود نداشته و اگر هم داشته، قضیه مبهم است و با عقل سازگاری ندارد و آنچه مطرح شده تماماً ساخته و پرداخته شیعیان می‌باشد در واقع عده‌ای از محققین مغرض بدون این که تحقیق بکنند با این پدیده آسمانی که مهمترین پدیده عالم هستی است برخورد سوء کرده و بندگان خدا را به بیراهه سوق داده‌اند و مستمعین این محققین اطلاعات کسب نکرده نیز خود منابع اطلاع رسانی شده‌اند و آنان هم می‌گویند: چنین شخصیتی وجود ندارد و قضیه را افسانه معرفی می‌کنند و اما امید به فردا، ما را نیرو می‌بخشد در همان فردایی که هر حرکت این چنینی سرکوب خواهد شد، چنان که خداوند در مورد افراد کذاب می‌فرماید:

﴿فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ﴾ «پس بنگر فرجام تکذیب کنندگان چگونه بوده است.» (سوره زخرف، آیه ۲۵) ﴿قَوْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ﴾ «وای به حال آنان از آتش دوزخ.» (سوره ص، آیه ۲۷) ﴿وَالظَّالِمِينَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا﴾ به تحقیق خداوند «برای ظالمان عذاب دردناکی آماده ساخته است.» (سوره دهر، آیه ۳۱)

باشد به امید خدای سبحان و با قیام یگانه حجت زمان مهدی موعود! همگان از ستم مستکبران و فساد خرافه پرستان نجات یابند و به جهانی که چهره زیبایش از فرط فتنه و خصومت‌های پی‌درپی به زشنی و شکستگی گرائیده طراوت و حیات مجدد هدیه شود. ان شاء الله

«مهدی از فرزندان من، اسم او، اسم من و کنیه او، کنیه من است، شبیه‌ترین مردم از جهت آفرینش و اخلاق به من است، برای او غیبت و حیرتی است که گروه‌هایی در آن زمان گمراه می‌شوند و می‌رسد روزی که فرزندم مهدی همانند ستاره‌ای فروزان آشکار گردد و زمین را به عدل و داد پر کند آن چنان که به جور و ستم پر شده است.»  
قرآن کریم راجع به مسأله غیبت حضرت حجت علیّه می‌فرماید:

﴿وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ لَعَلَّهُمْ يُرْجَعُونَ﴾<sup>۱</sup>

«قرارداد آن را سخنی باقی و استوار در پشت نسلش، که امید است

برگردد.»

حضرت امیر علیّه در شرح آیه فوق فرموده‌اند:

«این آیه شریفه درباره ما نازل شده که خداوند امامت را در پشت و نسل (حسین) تا روز قیامت قرار داد، با دو غیبت که یکی از دیگری طولانی‌تر است.»<sup>۲</sup>  
چنان که در سوره تکویر آمده است:

﴿فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنُوسِ، الْجَوَارِ الْكُنُوسِ﴾<sup>۳</sup>

«نه، نه! سوگند به اختران گردان، (کز دیده) نهان شوند و از نو آیند.»

امام محمد باقر علیّه در مورد قول خدای تعالی در آیه ﴿اقسم بالخنوس...﴾ فرموده است: <sup>۴</sup> خُنُوس امامی است که در سال ۲۶۰ از حال ظهور به غیبت پنهان گشت و سپس مانند شهاب درخشنده آشکار شود.

خُنُوس به معنی پنهان است و تاویل آیه در مورد امام مهدی علیّه می‌باشد که خداوند وقتی فرمان دهد پنهان شود و چون فرمان ظهورش دهد مانند ستاره‌ای فروزان در تاریکی شب آشکار گردد و هر کس آن زمان را درک کند چشمش روشن خواهد شد.

امام محمد باقر درباره آیه ﴿فلا أقسم بالخنس، الجوار الكنس﴾؛ «سوگند به ستارگان بازگردنده که به گردش درآیند و در جای خود رخ پنهان سازند.» می‌فرماید:

۱ - سوره زخرف (۴۳) آیه ۲۸.  
۲ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۳، ح ۳۶.  
۳ - سوره تکویر (۸۱) آیه ۱۵ - ۱۶.  
۴ - بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۱۷۸، ح ۱۸.

«این مولودی است در آخر الزمان، او مهدی از این عثرت است که برای او حیرت و غیبتی خواهد بود که گروهی در آن گمراه و گروهی هدایت می‌شوند.»<sup>۱</sup>  
 غیبت به معنای ناشناس بودن و پنهان زیستن است، در واقع امکان دیدن حضرت هست ولی شخصیت حقیقی، عنوان و نام واقعی‌شان پنهان است.  
 در همین رابطه آن حضرت فرمودند:

«اگر شیعیان ما در وفا به پیمان‌شان هم‌دل و هم‌داستان بودند میمنت و ملاقات ما از ایشان به تأخیر نمی‌افتاد و به زودی به دیدار ما سعادت می‌یافتند.»

دلیل دیگر غیبت، امتحان و اختیار مردمان است همان‌گونه که خداوند برای هر فردی از افراد بشر امتحانات و اختیاراتی را معین فرموده است از جمله می‌خوانیم:  
 «إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً، فَلْيَتَّقِ اللَّهَ عَبْدًا، وَلْيَتَمَسَّكَ بِدِينِهِ! إِذَا بَلَغَكُمْ عَنْ صَاحِبِكُمْ غَيْبَةً فَلَا تُنْكِرُوهَا. إِذَا أَذِنَ اللَّهُ فِي الْخُرُوجِ خَرَجَ.»<sup>۲</sup>

«برای صاحب این امر غیبتی هست، پس هر بنده‌ای از خدای خود تقوا پیشه کند و به دین خدا چنگ بزند، هنگامی که به شما گفته شود امامتان غایب شده تکذیب نکنید، هنگامی که خدا اجازه ظهور دهد ظاهر خواهد شد.»

امیرمؤمنان عليه السلام فرموده‌اند: خوشا به حال کسانی که در زمان پر آشوب بر صراط مستقیم ثابت قدم و در طول زمان دچار شک و تردید نشوند؛ زیرا «قائم» قیام نمی‌کند مگر پس از ترس شدید، اضطراب‌ها، نگرانی‌ها، فتنه‌ها و بلاهایی که بر مردم وارد می‌شود و آنان از خدای سبحان هر صبح و شام مرگ خویش را درخواست می‌کنند، پس از یک چنین یأس و نومیدی او ظاهر می‌شود، به راستی خوشا به حال کسی که او را درک کند و به یاری او برخیزد و وای به حال کسی که با او مخالفت کند و فرمان او را نپذیرد و با او به دشمنی پردازد.

خدای مهربان چه نیکو گفته است «منتظر باشید که من نیز با شما از منتظرانم»<sup>۳</sup>  
 پس صبر و شکیبایی را پیشه خود سازیم که فرج بعد از یأس و نومیدی خواهد بود؛

۱ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۹، ح ۱۸۷.

۲ - همان، ج ۵۱، ص ۱۴۵، ح ۱۳.

۳ - سوره یونس (۱۰) آیه ۲۰ و ۱۰۲.

در واقع یأس از وضع موجود در جهان که آمادگی را برای یک انقلاب همه جانبه بر اساس ارزش‌های نوین به وجود می‌آورد همچنین مصائب و مشکلات آخر الزمان همچون تازیانه، پیکر همگان را می‌نوازد تا تشنه عدالت شوند و به دنبال منادی عدل گام بردارند، چرا که اگر انسان تلخی دوران را نچشیده باشد، طعم دلنشین و جانفزای عدالت را تشخیص نخواهد داد، در این دوران تاریک و طوفان زده، آن عده از بندگان خدا نجات پیدا می‌کنند که پیوسته به یاد امام خویش بوده و برای قرب ظهور آن سرور دعا نمایند، چنان‌که حضرت صادق علیه السلام می‌فرماید:

«لَا يَنْجُوا مِنْهَا إِلَّا مَنْ دَعَا دُعَاءَ الْغَرِيقِ»<sup>۱</sup>

«در زمان غیبت امام، (فرد) نجات پیدا نمی‌کند مگر کسی که همچون شخصی غریق، پیوسته دعا کند.»

همچنین آن حضرت در حدیثی دیگر می‌فرماید: «به زودی شبهه‌ای به شما خواهد رسید، پس بدون نشانه و بدون امام راهنمایی (یعنی در ظاهر) خواهید ماند و از آن شبهه نجات نمی‌یابد مگر کسی که دعای غریق را بخواند.»

راوی پرسید: دعای غریق چگونه است؟ حضرت فرمود بخوانید:

«يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّثْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ.»

«ای خدا، ای بخشنده بخشایشگر! ای دگرگون کننده دل‌ها، دل مرا بر دینت پایدار ساز.»

آری، ای خدای رحمان دل ما را بر دینت پایدار ساز، همان دل و دل‌هایی که در اوج سرگردانی مرکب چند صد ساله انتظار شده‌اند، انتظاری بس مقدس و والا، انتظاری با دل شکستگی و غربت، انتظاری طاقت فرسا و طولانی، به راستی آنانی که طعم تلخ انتظار را چشیده‌اند باور دارند که انتظار همچون کوهی بر شانه منتظر سنگینی می‌کند اگرچه خود انتظار بسیار شکوه‌مند است، انتظار همراه با مسئولیتی مقدس برای برقراری اسلام ناب محمدی و اما انتظار فرج: واژه‌ای آشناست که تجلی یکی از بزرگترین دگرگونی‌ها را به همراه دارد، دگرگونی برای آن عده از افراد که بی صبرانه در اقیانوس متلاطم زندگی، کشتی نجات را می‌طلبند تا با تنها ناخدای

کشتی حق و عدالت به سرزمین خوشبختی‌ها قدم گذارند، در همان سرزمینی که صلح و صفا، برابری و برادری، امنیت و رفاه و... حاکم باشد، در واقع افرادی می‌توانند مسافران کشتی نجات و ساکن آن سرزمین باشند که در اصلاح نفس و تهذیب اخلاق خود سعی کرده و به آن شایستگی لازم دست یافته باشند تا افتخار مصاحبت و همنشینی با آن وجود مقدس و مبارک را پیدا کنند و انسان منتظر پس از اصلاح خود، باید به تهیه مقدمات و شرایطی بپردازد که در سایه‌اش بتوان بر دشمنان غلبه داشت و اصولاً هر منتظری که در انتظار به سر می‌برد باید از یأس و ناامیدی پرهیز کرده و به شوق دیدار آن حضرت سعی کند و همچنین بودن در رکاب امام عصر برایش افتخاری بس عظیم باشد، در چنین شرایطی باید تلاش و فعالیت داشت و در مقابل نابسامانی‌ها مقاومت کرد، چنان‌که حضرت حجت خطاب به دوستان می‌فرمایند:

«باید با توکل به خدا برای من تلاش کنید و ایستادگی داشته باشید و این را بدانید استقامت در این مسیر و دوران پرگناه و ظلم و جور از هزار بار شمشیر زدن در جنگهای جدم حضرت پیامبر ﷺ با ارزشتر است، شماها باید تلاش و فعالیت کنید، شماها باید انتظار بکشید البته انتظار واقعی در فعالیت شماهاست، شماها باید مانند کوه احد استوار باشید اگرچه من هم از این انتظار خسته شده‌ام ولی این را بدانید که این انتظار به طول نخواهد انجامید و آنگاه به زودی چشمهای همه از دیدار من روشن خواهد گشت.»

امید است انتظار هر چه زودتر به پایان رسد، انتظار که مراحل مختلفی را می‌طلبد از جمله: انتظار فرج، یعنی عمل به تعالیم الهی و پیروی کامل از دستورات دین خدا و ایجاد آمادگی لازم برای آن انقلاب آسمانی و برافراشتن پرچم اسلام در سرتاسر جهان.

انتظار فرج: یعنی مقاومت در مقابل مشکلات و گرفتاری‌ها و حرکت به سوی کمال و آماده شدن برای ظهور آقا امام زمان.  
انتظار فرج: یعنی تهیه بذر انقلاب برای اجرای حق و عدالت و همچنین از میان بردن ظلم و نابرابری و مبارزه با دشمنان اسلام.

انتظار فرج: یعنی منتظر وعده الهی بودن و سعی و تلاش در مهیا ساختن روح و جسم خود برای روزی که با طلوع خورشید عالمتاب حضرت مهدی گشایشی در کلیه شئون زندگی بشر پدید آید، در همان روزی که با تشکیل حکومت جهانی آخرین سفیر کبیر الهی و برقراری دولت حقه آل محمد صلی الله علیه و آله تمام ناکامی‌ها، نابسامانی‌ها، فقر و تنگدستی‌ها، بالأخره کفر، ظلم، کینه، نفاق و کلیه مصائب از جهان ما رخت برسته و حکومت حیات بخش محمدی بر عالم هستی حاکم شود.

انتظار فرج: یعنی امید داشتن به فردایی روشن؛ زیرا خداوند وعده یک رهبر عادل را داده‌اند تا به بشر در مانده عصر به اصطلاح تمدن پیشرفته و تکنولوژی مترقی و ... سعادت کامل عنایت شود، به راستی چه سعادت‌تی بالاتر از آن‌که مؤمنان پس از ظهور آقایان حضرت مهدی علیه السلام افتخار حضور می‌یابند و به دیدار یگانه حجت زمان نائل می‌شوند و چه سعادت‌تی زیباتر از آن‌که رجعتی باشکوه برای مؤمنان تحقق می‌یابد مؤمنانی که از دنیا رفته و از جهان باقی به جهان فانی هجرت می‌کنند و به زندگی مملو از شادی و معنویت ادامه داده و برای دین پاک محمدی مفید واقع می‌شوند و به تحقیق این دیدار سرشار از خوشبختی، برای همه آنان بسیار مبارک است. ان شاء الله

### رجعت در رستاخیز صغری

رجعت در لغت به معنی برگشتن به سوی دنیا و در اصطلاح به معنی بازگشتن روح به بدن است، از جمله: در متون اسلامی، رستاخیز را به صغری و کبری تقسیم کرده‌اند: رستاخیز کبری همان قیامت بزرگ است که پس از پایان عمر دنیا روی خواهد داد و تمامی خلایق زنده می‌شوند تا در پیشگاه خدا به اعمال آنان رسیدگی گردد.

رستاخیز صغری، ظهور پرمیمنت حضرت بقیه الله الاعظم ارواحنا له الفداء است، که در آن زمان رجعت پیامبران، ائمه معصومان علیهم السلام و برخی از مؤمنان خالص و کافران فاجر تحقق خواهد پذیرفت به طور مثال: مؤمنان بر می‌گردند، همانان که در تمام عمر بندگی خداوند را کرده و آرزوی درک دولت حقه را در دل می‌پروراندند، آنان با بازگشت خویش امام زمان را در انتقام گرفتن از دشمنان خدا

یاری می‌کنند و بازگشت کافران نیز برای تنبیه شدن و انتقام پس دادن است، همانان که در طول عمر خویش در برابر حق صف‌آرایی کرده و مانع پیشرفت منادیان حق شدند، منادیانی که به اذن خداوند، خلق خدا را بیم و بشارت داده و آنان را نسبت به مسئولیتشان آگاه می‌کردند.

چنان‌که در قرآن می‌خوانیم:

﴿حَمِّمَ وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ﴾<sup>۱</sup>

«حَمِّمَ (قسم به حمید و مجید دو نام مقدس الهی)، قسم به قرآن حکمت بیان، ما آن قرآن را در شب مبارک (قدر) فرستادیم تا خلق را از عذاب قیامت آگاه کنیم و بترسانیم.»

قرآن عصاره صد و اندی کتاب آسمانی و کلامش حق و آیات آن از جانب خدای دو جهان برای هدایت خلق نازل شده است اگرچه عده‌ای سرکشی کرده و با کلام وحی هدایت نیافته و در تاریکی سیر کردند تا آنجا که در سایه شک و شبهه و ناباوری، کفر پیشه آنان گشته است همانان که هر چه دیدند و شنیدند به مسخره گرفته و با پوزخندهای زهراگین، آتش به قلب پاک پیامبران افکندند، پیامبرانی که پیامشان را در سایه بشارت‌ها و اندازها بیان کرده و هدفشان ایجاد معرفت و مسئولیت در میان آدمیان بوده است.

قرآن مجید در معرفی سرکشان معاند می‌فرماید:

﴿بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ يَلْعَبُونَ﴾<sup>۲</sup>

«کافران (را به خدا و قیامت ایمان نیست بلکه) با شک و استهزا به بازیچه دنیا مشغولند.»

﴿فَازْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُبِينٍ يَغْشى النَّاسَ هَذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ﴾<sup>۳</sup>

ای رسول! «منتظر باش روزی خواهد آمد که آسمان دودی آشکار

۱ - سوره دخان (۴۴) آیه ۱ - ۳.

۲ - همان، آیه ۹.

۳ - همان، آیه ۹ - ۱۲.

می آورد، آن دود آسمانی مردم را احاطه خواهد کرد که عذابی دردناک است  
(و کافران فریاد برآرند که) پروردگارا! این عذاب از ما بر طرف ساز، ما البته  
ایمان می آوریم.»

به تحقیق اینها همان منکران سرسختی هستند که با تأخیر در عذاب به کفر خود  
اصرار ورزیده و عذاب الهی را به جان خریده و می خرنند، در واقع این نوع افراد در  
هر عصری وجود داشته و دارند، آنان در نهایت خودخواهی و با پیروی از هوای  
نفس، عقل خود را ملاک قرار داده و برای رد پیام های آسمانی قد علم کرده و  
می کنند، در حالی که پیام های خدای سبحان در هر کتابی از کتاب های آسمانی حق  
بوده و تا پایان زمان حق خواهد بود، ولی این سرکشان بدون منطق بدانند که  
حرکتشان فاقد ارزش است و طغیانشان سبب نکبتشان شده و کفرشان خشم خالق  
هستی را برانگیخته و بر می انگیزد، و این واقعه به هنگامی است که مردم در رجعت  
از قبرها بیرون آمده و به دنیا باز می گردند و تاریکی همه جهان را فرا می گیرد، در  
همین رابطه قرآن کریم می فرماید: ﴿هَذَا يَوْمُكُمْ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ﴾<sup>۱</sup> «این همان روزی  
است که به شما وعده داده می شد.»

خداوند در کتاب آسمانی قرآن می فرماید:

﴿لَئِن أَخَّرْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ لَّيَقُولَنَّ مَا يَخِيسُهُ إِلَّا يَوْمَ يَأْتِيهِمْ  
لَيْسَ مَصْرُوفًا عَنْهُمْ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ﴾<sup>۲</sup>

«اگر عذاب را تا چندگاهی از آنان به تأخیر افکنیم، (از روی استهزا) حتماً  
خواهند گفت: چه چیز مانع آن شده؟ آگاه باشید، روزی که (عذاب) به آنان  
برسد از ایشان بازگشتنی نیست و آنچه را که مسخره می کردند آنان را فرو  
خواهد گرفت.»

﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِن دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ  
مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ﴾<sup>۳</sup>

۱ - سوره انبیاء (۲۱) آیه ۱۰۳.

۲ - سوره هود (۱۱) آیه ۸.

۳ - سوره بقره (۲) آیه ۲۴۳.



«آیا از (حال) کسانی که از بیم مرگ از خانه‌های خود خارج شدند و هزاران تن بودند، خبر نیافتی؟ پس خداوند به آنان گفت: (تن به مرگ بسپارید) آنگاه آنان را زنده ساختا آری، خداوند نسبت به مردم صاحب بخشش است، ولی بیشتر مردم سپاسگزاری نمی‌کنند.»

در همین رابطه خداوند به هلاک شوندگان می‌فرماید:

﴿وَ حَرَامٌ عَلٰی قَزِيَّةٍ اٰهْلَكْنٰهَا اَنْهُمْ لَا يَرْجِعُوْنَ﴾<sup>۱</sup>

«و بر (مردم) شهری که آنان را هلاک کرده‌ایم، بازگشتشان (به دنیا) حرام است.»

در واقع هر قومی که به عذاب قهر خداوند گرفتار شده‌اند، حق بازگشت به دنیا را ندارند؛ زیرا آنان ظرفیت و استعدادشان برای رسیدن به کمال از دست رفته است که هلاک شده‌اند و کسانی حق بازگشت دارند که استعداد کمالی آنان باقی باشد و به دست هلاکت الهی محو نشده باشند.

در روایت آمده است: رجعت دورنمایی از رستاخیز است، خداوند هزاران انسان را که از قرن‌ها پیش در زیر خاک‌ها مدفون شده‌اند با یک فرمان جان می‌بخشد و در محکمه عدل الهی پیش از رستاخیز عمومی شرکت می‌دهد تا خود شاهد گرفتن حق مظلوم از ظالم باشند.

امام محمد باقر علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«أَيَّامُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ ثَلَاثَةٌ يَوْمَ يَقُومُ الْقَائِمُ وَيَوْمَ الْكُرَّةِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ.»<sup>۲</sup>

«روزهای خدای تبارک و تعالی سه روز است. روز قیام قائم، روز رجعت، روز قیامت.» قیامت صغری، روز قیام شکوهمند قائم آل محمد صلی الله علیه و آله به عنوان اولین یوم‌الله مطرح شده است که در آن روز توسط یگانه منجی عالم بشریت حکومت عدل و داد برقرار می‌شود و قرآن و احکام حیاتبخش آن احیاء می‌گردد و بساط ظلم و استبداد برچیده شده و قدرت‌های اهریمنی نابود می‌شوند و عالم آماده برقراری حکومتی می‌گردد که انبیا و اولیا به خاطرش خون دل خورده‌اند و شکی نیست با برقراری حق

۱ - سوره انبیاء (۲۱) آیه ۹۵.

۲ - بحار الانوار، ج ۷، ص ۶۱، ح ۱۳.

و نابودی باطل اهل زمین و آسمان و هر کس که در بین آن است خوشحال و مسرور می‌گردد و به راستی چه شادی و سروری بالاتر از آن که با وقوع رستاخیز صغری برای حضرت ختمی مرتبت رجعتی تحقق خواهد پذیرفت که بزرگترین حرکت جهانی را به دنبال دارد و ان شاء الله بار دیگر خاتم الانبیاء حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله بشارت‌ها و اندازهای خود را به گوش جهانیان خواهند رساند.

### رجعت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله

در قرآن کریم آمده است:

﴿إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ﴾<sup>۱</sup>

«خداوندی که قرآن را بر تو واجب کرد تو را به بازگشتگاه برمی‌گرداند.»

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود: «رسول اکرم به سوی شما برمی‌گردد.»<sup>۲</sup>

در محضر امام باقر علیه السلام از جابر بن عبدالله یاد شد، آن حضرت فرمود:

«خداوند جابر را رحمت کند، او از فقیهان ما بود، دانشش تا به آنجا رسیده بود

که می‌دانست آیه ﴿إِنَّ الَّذِي فَرَضَ...﴾ مربوط به رجعت است.»<sup>۳</sup>

از امام جعفر صادق علیه السلام تفسیر این آیه را پرسیدند، حضرت فرمود:

«به خدا سوگند، دنیا سپری نمی‌شود تا رسول اکرم صلی الله علیه و آله و امیر مؤمنان علیه السلام در

تَوْبَةَ<sup>۴</sup> همدیگر را ملاقات کنند و در آنجا مسجدی بسازند که دوازده هزار در داشته باشد.»<sup>۵</sup>

در همین رابطه در قرآن می‌خوانیم:

﴿مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا﴾<sup>۶</sup>

«تو را نفرستادیم جز نوید بخش و بیم دهنده برای همه مردمان.»

۱ - سورة قصص (۲۸) ص ۸۵

۲ - بحار الانوار، ج ۵۳ ص ۵۶ ح ۳۳.

۳ - همان، ص ۶۱، ح ۵۱

۴ - (تَوْبَةَ) نام سرزمینی در نواحی کوفه است.

۵ - بحار الانوار، ج ۵۳ ص ۱۱۴ ح ۱۳۸.

۶ - سورة سباء (۳۴) آیه ۲۸.

امام محمد باقر عليه السلام فرمودند:

این آیه در رجعت تحقق می یابد.<sup>۱</sup>

خداوند در قرآن خطاب به رسول اکرم می فرماید:

﴿ يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ، قُمْ فَأَنْذِرْ ﴾<sup>۲</sup>

«ای جامه به خود پیچیده! برخیز و اذار کن.»

همچنین آن حضرت در تفسیر این آیات فرمودند:

«منظور رجعت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و بیم دادن آن حضرت در رجعت است.»<sup>۳</sup>

قرآن کریم در سوره والشمس می فرماید:

﴿ وَالشَّمْسِ وَضُحِيِّهَا، وَالْقَمَرِ إِذَا تَلِيهَا، وَالنَّهَارِ إِذَا جَلِيهَا ﴾<sup>۴</sup>

«سوگند به آفتاب و روشنایی آن، سوگند به ماه چون از پی آن درآید، سوگند

به روز هنگامی که جهان را روشن سازد.»

امام محمد باقر عليه السلام در تفسیر این آیه فرمود:

«منظور از آفتاب در این سوره، رسول اکرم صلی الله علیه و آله و منظور از ماه، امیرمؤمنان عليه السلام

و منظور از روز، امامان معصوم عليهم السلام هستند که در آخرالزمان مالک روی زمین

می شوند و آن را پر از عدالت می کنند.»<sup>۵</sup>

قرآن کریم در این باره می فرماید:

﴿ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ، لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَنُكَفِّرَهُ

الْمُشْرِكُونَ ﴾<sup>۶</sup>

«اوست خدایی که رسول خود (محمد مصطفی صلی الله علیه و آله) را با دین حق به

هدایت خلق فرستاد تا بر همه ادیان عالم تسلط و برتری دهد هر چند

مشرکان و کافران ناراضی و مخالف باشند.»

امام جعفر صادق عليه السلام درباره آیه ﴿هو الذي...﴾ می فرماید:

۱ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۴۲.

۲ - سوره مدثر (۷۴) آیه ۲ - ۱.

۳ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۴۲، ح ۱۱.

۴ - سوره الشمس (۹۱) آیه ۱ - ۳.

۵ - تفسیر بصائر، ج ۵۶، ص ۹۳؛ علاوه بر این رک: بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۸۹، ح ۱۷.

۶ - سوره توبه (۹) آیه ۳۳.

«وَاللّٰهُ مَا نَزَلَ تَأْوِيلُهَا بَعْدَ، وَلَا يَنْزِلُ تَأْوِيلُهَا حَتَّىٰ يَخْرُجَ الْقَائِمُ، فَإِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ لَمْ يَبْقَ كَافِرٌ بِاللّٰهِ الْعَظِيمِ وَلَا مُشْرِكٌ بِالْإِمَامِ إِلَّا كَرَّةٌ خُرُوجَهُ، حَتَّىٰ لَوْ كَانَ كَافِرٌ أَوْ مُشْرِكٌ فِي بَطْنِ صَخْرَةٍ لَقَالَتْ: يَا مُؤْمِنُ فِي بَطْنِي كَافِرٌ فَأَقْتُلْهُ!»<sup>۱</sup>

«به خدا سوگند، این آیه تحقق نیافته و تحقق نمی یابد تا روزی که قائم ظهور کند، چون قائم ظهور کند هیچ کافر و یا مشرکی ظهور او را خوش نخواهد داشت؛ زیرا اگر کافر و یا مشرکی در دل سنگی باشد، آن سنگ خواهد گفت: ای مؤمن! در دل من کافری هست، آن را به قتل برسان.»

﴿يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ قَتَاتُونَ أَفْوَاجًا﴾<sup>۲</sup>

«روزی که در صور دمیده می شود، گروه گروه می آید.»

آن روز، روز رجعت، روز بازگشت محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله است، روزی که بزرگ مظلوم عالم حضرت علی علیه السلام بر می گردد تا به دور از فتنه های دشمنان کج فهمی همچون ناکثین، قاسطین، مارقین<sup>۳</sup> بر سراسر گیتی فرمانروایی کند.

### رجعت امیر مؤمنان علیه السلام

﴿حَتَّىٰ إِذَا فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَابًا ذَا عَذَابٍ شَدِيدٍ إِذْأَنَّهُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ﴾<sup>۴</sup>

«هنگامی که بر ایشان دری همراه با عذابی سخت بگشودیم ناگهان در آن

حیران و نومیدند.»

امام محمد باقر علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود:

۱ - منتخب الاثر، ص ۲۹۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۴، ح ۳۶.

۲ - سورة نبا (۷۸) آیه ۱۸.

۳ - حضرت علی علیه السلام در دوران خلافتش سه دسته را از خود طرد کرد و با آنان به پیکار برخاست از جمله: ناکثین پیمان شکنان مرتد، همان اصحاب جمل بودند که از لحاظ روحیه طرفدار تبعیض و به ثروت علاقمند بوده و سخنان حضرت علی بیشتر درباره عدل و مساوات متوجه این جمعیت است، اخلاص کنندگان در میان این گروه، طلحه و زبیر و یاران ایشان بودند که همان آتش افروزان جنگ جمل می باشند. قاسطین ستمگران سلطه جو، همان اصحاب صفین هستند که روح سیاست و تقلب و نفاق در میانشان حاکم بود، آنان می کوشیدند تا زمامداری حضرت علی را درهم فرو ریزند، نماینده این گروه معاویه و پیروانش بود. مارقین منافقان جنایتکار همان اصحاب نهروان (خوارج) هستند که با تعصبی خاص سرکشی کرده و جهالت های خطرناک داشتند، از جمله: شقی ترین شقی ها از این گروه سبب شهادت مولای متقیان حضرت علی علیه السلام شد و از این پس، سلسله پلید بنی امیه روی کار آمد.

۴ - سورة مؤمنون (۲۳) آیه ۷۷.

«منظور، عالم رجعت است.»<sup>۱</sup>

«رجعت امیرمؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام، هنگامی که به این جهان باز می‌گردد.»<sup>۲</sup>  
در احادیث بی شماری از امیرمؤمنان علیه السلام روایت شده که فرمودند:

«من صاحب عصایم، من صاحب میسم.»<sup>۳</sup>

در همین رابطه در قرآن کریم خطاب به دشمنان آن حضرت نقل شده است:

﴿سَسِئَةُ عَلَى الْخُرَاطُومِ﴾<sup>۴</sup>

«زود است که بر روی بینی‌اش داغ بزنیم.»

در تفسیر قمی آمده است:

«این آیه مربوط به رجعت است، هنگامی که حضرت علی علیه السلام رجعت کند بر

پیشانی دشمنانش داغ می‌نهد تا شناخته شوند.»<sup>۵</sup>

﴿إِنْ نَشَأْ نُزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةٌ فَظَلَّتْ أَعْيُنُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ﴾<sup>۶</sup>

«اگر بخواهیم برای آنان از آسمان آیتی فرو فرستیم، تا گردن‌هایشان در

برابر آن خاضع شود.»

امیرمؤمنان علیه السلام در ضمن حدیث مفصلی می‌فرماید:

«برای من رجعتی پس از رجعتی و بازگشتی پس از بازگشتی است، برای من

رجعت‌هاست، برای من بازگشت‌هاست، برای من جنبش‌ها و انتقام‌هاست، برای

من حکومت‌های عجیب و غریب است. من دابة الارض<sup>۷</sup> هستم، من صاحب عصا

و میسم هستم.»<sup>۸</sup>

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«حضرت علی علیه السلام یکبار با امام حسین علیه السلام بر می‌گردد و برای او از بنی‌امیه

انتقام می‌گیرد، یکبار هم با رسول اکرم صلی الله علیه و آله بر می‌گردد و در روی زمین خلافت

۱ - مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۱۴.  
۲ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۶۴.  
۳ - اصول کافی، ج ۱، ص ۱۹۷.  
۴ - سورة قلم (۶۸) آیه ۱۶.  
۵ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۰۳.  
۶ - سورة شعراء (۲۶) آیه ۴.  
۷ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۱۷، ح ۱۴۶.  
۸ - ابقاظ، ص ۳۷۵.

می کند و امامان علیهم السلام والیان او می باشند.<sup>۱</sup>

روایت است خدای تبارک و تعالی در شب معراج خطاب به رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «ای محمد! علی اولین امامی است که پیمان مرا پذیرفته است او آخرین امامی خواهد بود که روحش را قبض می کنم، او همان دابة الارض است که با مردم سخن می گوید.»<sup>۲</sup>

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می فرماید:

«دابة الارض سه بار ظاهر می شود.»<sup>۳</sup>

در احادیث اهل سنت نیز آمده است:

«دابة الارض سه بار خارج خواهد شد.»<sup>۴</sup>

با خروج دابة الارض وحشت دشمنان آشکار شده و تکلیفشان مشخص خواهد گشت تا آنجا که قرآن کریم از دشمنان این چنین یاد کرده و می فرماید:

﴿وَلَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ مَا فِي الْأَرْضِ لَافْتَدَتْ بِهِ﴾<sup>۵</sup>

«هرکسی که ستم کرده آرزو می کند آنچه در زمین است، از آن او باشد تا همه را بدهد و خود را برهاند.»

در مقابل دشمنان، دوستان هستند که می بایست از حق پیروی کرده و همچنان در یاری دین مبین اسلام کوشا باشند و به یاری خود ادامه دهند چنان که در قرآن می خوانیم:

﴿وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ﴾<sup>۶</sup>

«(به خاطر بیاورید) هنگامی را که خداوند پیمان مؤکد از پیامبران (و پیروان آنان) گرفت که هر گاه کتاب و دانش به شما دادم، سپس پیامبری به سوی شما آمد که آنچه با شماست تصدیق می کند به او ایمان آورید و او را یاری کنید.»

۱ - تفسیر برهان، ج ۲، ص ۴۰۸.

۲ - بحار الانوار، ج ۴۰، ص ۳۸.

۳ - مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۳۴.

۴ - بحار الانوار، ج ۶، ص ۳۰۰.

۵ - سوره بونس (۱۰) آیه ۵۴.

۶ - سوره آل عمران (۳) آیه ۸۱.

امام صادق عليه السلام در تفسیر این آیه فرمودند:

«یعنی به رسول اکرم صلی الله علیه و آله ایمان بیاورند و امیر مؤمنان عليه السلام رایاری نمایند.»<sup>۱</sup>

ابن ابی شیبہ پرسید، امیر مؤمنان را یاری نمایند؟ فرمود:

«آری، به خدا سوگند خداوند از آدم تا خاتم پیامبری نفرستاده جز این که او را باز

می گرداند تا در رکاب علی بن ابی طالب عليه السلام شمشیر بزنند.»<sup>۲</sup>

امام صادق در تفسیر همین آیه فرمودند:

«این آیه هنوز تحقق نیافته است.»

سلام بن مستنیر پرسید: جانم به فدای شما، این آیه کی تحقق می یابد؟

حضرت فرمود:

«این آیه هنگامی تحقق می یابد که خداوند همه پیامبران و مؤمنان را برای

نصرت امیر مؤمنان گرد آورده و پرچم رسول اکرم صلی الله علیه و آله به دست حضرت امیر داده

شود، آن حضرت در آن روز امیر همه مخلوقات شده و همگی در زیر پرچم او قرار

می گیرند و او بر همگان امیر می باشد، این است تأویل این آیه.»<sup>۳</sup>

﴿وَلَئِنْ قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مِتُّمْ لَمَغْفِرَةً مِنَ اللَّهِ وَرَحْمَةً خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ﴾<sup>۴</sup>

«اگر در راه خدا کشته شوید و یا بمیرید، رحمت و مغفرت خدا بهتر است

از آنچه گرد می آورند.»

امام محمد باقر عليه السلام در پیرامون این آیه از جابر پرسید:

ای جابر! آیا می دانی که معنای «سبیل الله» چیست؟

جابر گفت: نه به خدا سوگند، جز این که از شما بشنوم، حضرت فرمود:

«سبیل الله راه علی و اولاد علی است! هر کس با ولایت او کشته شود، در راه

خدا کشته شده است و هر کس با ولایت او بمیرد، در راه خدا مرده است، هیچ

مؤمنی از این امت نیست جز این که برای او قتل و مرگی هست، هر کدام از آنان کشته

شود یکبار دیگر بر می گردد تا بمیرد و هر کدام از آنان بمیرد بر می گردد تا کشته شود.»<sup>۵</sup>

۱ - بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۲۶۸، ح ۲.

۲ - تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۱.

۳ - تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۹۵.

۴ - سوره آل عمران (۳) آیه ۱۵۷.

۵ - تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۰۲.

### رجعت حضرت حسین علیه السلام

حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام در روز عاشورا پیش از شهادتش به تفصیل در مورد رجعت خود سخن گفته و در ضمن آن فرموده‌اند:

«من اولین کسی خواهم بود که زمین شکافته می‌شود و سپس رجعت می‌کنم.»<sup>۱</sup>  
در احادیث دیگر آمده است:

«نخستین کسی که سر از خاک برمی‌دارد، حسین بن علی است که با هفتاد و پنج هزار نفر از شیعیان رجعت می‌کند.»<sup>۲</sup>

«اولین کسی که به دنیا باز می‌گردد حسین بن علی است که با اصحابش رجعت می‌کند و یزید بن معاویه با اصحابش برمی‌گردد، آنگاه امام حسین برای هر ضربتی یک ضربت می‌زند و همه آنان را می‌کشد.»<sup>۳</sup>  
از امام صادق علیه السلام روایت شده است:

«گروهی از فرشتگان از خدای تبارک و تعالی اجازه گرفتند که برای یاری امام حسین علیه السلام نازل شوند، چون به سرزمین کربلا رسیدند امام حسین به شهادت رسیده بود، به آنان خطاب شد ملازم قبر او باشید تا وقتی که خروج کند، در آن روز از یاران او خواهید بود، این فرشتگان همواره در کنار قبر آن حضرت هستند و برای مظلومیت آن بزرگوار گریه می‌کنند تا روزی که خارج شود و آنان از یاران و یاوران او می‌باشند.»<sup>۴</sup>  
خداوند سبحان در قرآن مجید این چنین نوید داده و می‌فرماید:

﴿ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا﴾<sup>۵</sup>

«پس از چندی دوباره شما را بر آنان چیره می‌کنیم و شما را با اموال و پسران یاری می‌دهیم و تعداد نفرات شما را بیشتر می‌گردانیم.»

در همین رابطه خداوند به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نوید داده است:

۱ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۶۲.

۲ - تفسیر برهان، ج ۴، ص ۴۲۴.

۳ - تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۸۲.

۴ - کامل الزیارات، ص ۸۸.

۵ - سوره اسراء (۱۷) آیه ۶.



«که اهل بیت آن حضرت یکبار دیگر به این جهان باز می‌گردند و دشمنان خود را می‌کشند و بر سراسر گیتی حکم می‌رانند.»<sup>۱</sup>

خوشا به حال یاوران اهل بیت عصمت و طهارت که عزت خود را خواهند یافت و واحسرتا به حال دشمنان این خاندان شریف که در آن روز وحشت و ذلت واقعی شامل حالشان خواهد گشت، در همان روزی که در صور دمیده شود:

﴿فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ، فَذَلِكَ يَوْمٌ مَّيْمَنٌ يَوْمَ عَسِيرٍ، عَلَى الْكَافِرِينَ غَيْرُ يَسِيرٍ﴾<sup>۲</sup>

«چون در صور دمیده شود پس آن روز، روز ناگواری برای کافران است که

در آن هیچ‌گونه راحتی و آسایش نیست.»

در تفسیر آیه شریفه: ﴿فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ﴾ روایت است:

ناقور همان صدای جبرئیل از آسمان است که می‌فرماید: آگاه باشید که ولی شما فلان بن فلان، قائم به حق می‌باشد، در سه ساعت از آن روز جبرئیل چنین ندا می‌کند: ﴿فَذَلِكَ يَوْمٌ مَّيْمَنٌ يَوْمَ عَسِيرٍ، عَلَى الْكَافِرِينَ غَيْرُ يَسِيرٍ﴾ مقصود از کافران مرجئه<sup>۳</sup> می‌باشند که به نعمت خداوند و ولایت علی بن ابی طالب عليه السلام کافر شدند.<sup>۴</sup>

به تحقیق در آن روز برای ستمکاران روز سختی خواهد بود همچنان که در قرآن مجید به آن اشاره شده است. از جمله:

﴿مُهْطِعِينَ إِلَى الدَّاعِ، يَقُولُ الْكَافِرُونَ هَذَا يَوْمَ عَسِيرٍ﴾<sup>۵</sup>

«به سوی صاحب دعوت (صاحب صیحه) می‌شتابند و کافران گویند:

امروز، روز دشواری است.»

در جواب این ظالمان گفته می‌شود:

﴿إِنَّ لَنَا يَوْمًا يَخْسَرُ فِيهِ الْمُبْطِلُونَ﴾

«ای اهل باطل زیانتان روز حشر آشکار می‌شود.»

در همان روزی که آتش خشم خدا، منکران حق را در بر می‌گیرد و قرآن خطاب به

آنان می‌فرماید:

۱ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۵۷، ح ۴۸.

۲ - سورة مدثر (۷۴) آیه ۱۰ تا ۸.

۳ - مرجئه گروههایی از اهل سنت را گویند.

۴ - ستاره درخشان، ص ۴۸۳.

۵ - سورة قمر (۵۴) آیه ۸.

﴿ هَذِهِ النَّارُ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ ﴾<sup>۱</sup>

«این است آتشی که شما آن را انکار می کردید.»

﴿ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوَاقِعٌ ﴾<sup>۲</sup>

«به درستی که عذاب پروردگار تو هر آینه واقع شدنی است.»

﴿ وَيَوْمَ نَخَشِرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ ﴾<sup>۳</sup>

«و آن روز از هر امتی گروهی را بر می انگیزیم که آیات ما را تکذیب

می کردند پس آنان بازداشته می شوند.»

در این آیه آمده است: از هر امتی گروهی را بر می انگیزیم که به فرموده ائمه

معصومان علیهم السلام بر قیامت صغری دلالت داشته و روز رجعت را گوشزد می کند.

﴿ وَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا عَذَابًا دُونَ ذَلِكَ، وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴾<sup>۴</sup>

«بسی گمان ستمکاران را عذابی است پیش از آن، ولیکن بیشترشان

نمی دانند.»

همانان که خواهند گفت: ﴿ يَا وَيْلَتَنَا مَنْ بَعَثَنَا مِنْ مَرْقَدِنَا ﴾<sup>۵</sup>

«ای وای بر ما، چه کسی ما را از خوابگاهمان برانگیخت؟!»

در همین رابطه در قرآن کریم می خوانیم:

﴿ وَلَنذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَى، دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ، لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴾<sup>۶</sup>

«بدون تردید پیش از فرا رسیدن عذاب بزرگتر از عذاب نزدیکتر به آنان

می چشانیم، شاید به سوی حق بازگردند.»

امام جعفر صادق علیه السلام در این باره می فرماید:

«منظور از عذاب ادنی رجعت علی بن ابی طالب علیه السلام است.»<sup>۷</sup>

همچنین آن حضرت می فرماید: «عذاب پست تر قحطی و خشک سالی و

۱ - سوره طور (۵۲) آیه ۱۴.

۲ - همان، آیه ۷.

۳ - سوره نمل (۲۷) آیه ۸۳.

۴ - سوره طور (۵۲) آیه ۴۸.

۵ - سوره بس (۳۶) آیه ۵۲.

۶ - سوره سجده (۳۲) آیه ۲۱.

۷ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۳۸.

(عذاب) بزرگتر قیام قائم با شمشیر در آخرالزمان است.<sup>۱</sup>

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«أَوَّلُ مَنْ يُحْكَمُ فِيهِمْ مُحْسِنُ بْنُ عَلِيٍّ وَفِي قَاتِلِهِ، ثُمَّ فِي قُنْفُذٍ، فَيُؤْتِيَانِ هُوَ وَصَاحِبُهُ، فَيُضْرَبَانِ بِسِيَّاطٍ مِنْ نَارٍ لَوْ وَقَعَ سَوَاطُ مِنْهَا عَلَى الْبِحَارِ لَعَلَّتْ مِنْ مَشْرِقِهَا إِلَى مَغْرِبِهَا وَلَوْ وُضِعَتْ عَلَى جِبَالِ الدُّنْيَا لَذَابَتْ حَتَّى تَصِيرَ رَمَاداً، فَيُضْرَبَانِ بِهَا.»<sup>۲</sup>

«نخستین کسی که درباره او محکمه عدل در حکومت حقه تشکیل می شود، محسن فرزند علی است، بین او و قاتلش محکمه برگزار می شود، قنفذ و آقایش آورده می شوند و با تازیانه هایی از آتش شلاق می خورند که اگر یکی از آن شلاق ها بر دریا زده شود همه اقیانوس های جهان از مشرق تا مغرب به جوش می آید و اگر یکی از آن ها به یکی از کوه های دنیا بخورد ذوب شده به خاکستر تبدیل می شود، آن دو دشمن خدا با این تازیانه شلاق می خورند.»

قرآن کریم در آیه فوق به وضع خطاکاران اشاره کرده و می فرماید:

﴿وَتَرَى الظَّالِمِينَ لَمَّا رَأَوْا الْعَذَابَ يَقُولُونَ هَلْ إِلَىٰ مَرَدٍّ مِنْ سَبِيلٍ﴾<sup>۳</sup>

«ستمگران را می بینی، هنگامی که عذاب را ببینند، گویند: آیا راهی برای

بازگشت هست.»

علی بن ابراهیم در تفسیر این آیه روایت کرده است که در این آیه منظور از

«عذاب» رجعت علی بن ابی طالب علیه السلام است.<sup>۴</sup>

قرآن کریم در جای دیگر می فرماید:

﴿قُلْ يَوْمَ الْقِتْحِ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيمَانُهُمْ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ﴾<sup>۵</sup>

«بگو: که در روز فتح، کافران را ایمان آوردن سودی نمی بخشد و به آنان

مهلت داده نمی شود.»

امام موسی بن جعفر علیه السلام در تفسیر این آیه شریفه فرمود:

«يَوْمَ تُفْتَحُ الدُّنْيَا عَلَى الْقَائِمِ، وَلَا يَنْفَعُ أَحَدًا تَقَرُّبٌ بِالْإِيمَانِ مَا لَمْ يَكُنْ قَبْلَ ذَلِكَ مُؤْمِنًا. وَأَمَّا

۱ - تفسیر برهان، ج ۳، ص ۲۸۸.

۲ - کامل الزیارات، ص ۳۳۴.

۳ - سوره شوری (۴۲) آیه ۴۴.

۴ - تفسیر برهان، ج ۴، ص ۱۲۹.

۵ - سوره سجده (۳۲) آیه ۲۹.

مَنْ كَانَ قَبْلَ الْفَتْحِ مُؤْمِنًا وَمُنْتَظِرًا لِيُخْرُجَ فَذَلِكَ الَّذِي يَنْفَعُهُ إِيْمَانُهُ، وَيَعْظُمُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عِنْدَهُ قَدْرَهُ وَشَأْنَهُ! وَهَذَا أَجْرُ الْمُؤْمِنِينَ لِأَهْلِ الْبَيْتِ... ثُمَّ لَا يَزَالُ يُقْتَلُ أَعْدَاءُ اللَّهِ حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ، وَيَعْلَمَ رِضَى اللَّهِ تَعَالَى عَنْهُ فِي ذَلِكَ حِينَ يُحْسِنُ الرَّحْمَةَ بِقَلْبِهِ»<sup>۱</sup>

«روزی که دنیا به دست قائم فتح شود، دیگر ایمان آوردن برای کسی که قبلاً ایمان نداشت سودی نبخشد، اما کسی که پیش از فتح ایمان آورده و انتظار ظهور او را می‌کشید، ایمانش او را سود خواهد بخشید و خداوند مقام و منزلت او را بالا خواهد برد و این پاداش دوستداران اهل بیت است، سپس (آن حضرت) آن قدر از دشمنان خدا را می‌کشد تا خداوند راضی شود، آن وقت در دل خود احساس مرحمت می‌کند و از آنجا می‌فهمد که پروردگارش راضی شده است.»

روز فتح، روزی است که دنیا بر قائم آل محمد گشوده می‌شود و جهان به تسخیر آن حضرت در می‌آید و کسانی که قبل از فتح بر امامت ایشان یقین داشته و منتظر قیام آن سرور بوده‌اند ایمانشان باعث نجات شده و خداوند قدر و شأن ایشان را بزرگ می‌گرداند و این پاداش دوستداران و پذیرندگان ولایت اهل بیت علیهم‌السلام است. در روایت آمده است: افرادی که برای تنبیه و انتقام رجعت می‌کنند هرگز به میل و اراده خود بر نمی‌گردند بلکه آنان را کشان کشان آورده و آنان ناگزیر به رجعت می‌شوند ولی در مورد مؤمنان اختیار خواهد بود، در این باره در روایتی آمده است. مفضل بن عمر می‌گوید: در خدمت امام صادق علیه‌السلام صحبت از حضرت ولی عصر علیه‌السلام و افرادی شد که عاشقانه انتظار ظهور سرورشان را می‌کشند و پیش از نیل به چنین سعادت‌ی از دنیا می‌روند، آنگاه حضرت فرمودند:

«إِذَا قَامَ أَتَى الْمُؤْمِنُ فِي قَبْرِهِ، فَيُقَالُ لَهُ: يَا هَذَا إِنَّهُ قَدْ ظَهَرَ صَاحِبُكَ، فَإِنْ تَشَأْ أَنْ تُلْحَقَ بِهِ فَالْحَقْ، وَإِنْ تَشَأْ أَنْ تُقِيمَ فِي كَرَامَةِ رَبِّكَ فَاقِم.»<sup>۲</sup>

هنگام ظهور حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) «مأموران الهی در قبر با اشخاص مؤمن تماس می‌گیرند و به آنان می‌گویند: ای بنده خدا مولایت ظهور کرده است، اگر می‌خواهی که به او بپیوندی آزاد هستی و اگر بخواهی در نعمت‌های الهی متنعم بمانی باز هم آزاد هستی.»

۱ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۱۸، ح ۷.

۲ - همان، ج ۵۳، ص ۹۲.

در همین رابطه بشارتی از ابا عبدالله الحسین علیه السلام نقل شده که فرمودند: «به خدا قسم این قوم ما را به قتل رسانند، ما به نزد پیامبرمان برمی گردیم آنگاه من تا مدت زمانی که خداوند مقرر گرداند، می مانم و نخستین کسی خواهم بود که قبرش شکافته می شود و به موازات برانگیخته شدن پدرم امیرالمؤمنین علیه السلام از قبر و قیام قائم آل محمد صلی الله علیه و آله، من نیز از قبرم بیرون می آیم، آنگاه جماعتی از فرشتگان آسمان به امر الهی فرود می آیند، از جمله: جبرئیل، میکائیل، اسرافیل با لشکری از فرشتگان به سوی من نازل می شوند، سپس حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله جدم و حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام پدرم و برادرم امام حسن علیه السلام و تمام آنانی که خداوند به واسطه ایمان کامل بر آنان منت نهاده بر مرکب های ابلق که همه نورند و تا آن روز آفریده ای بر آنها سوار نگشته، فرود می آئیم، سپس حضرت رسالت پناه پرچم خود را به اهتزاز درآورده و آن را با شمشیر خود به قائم ما می دهد و بدین گونه بعد از آن، تا زمانی که خداوند تقدیر فرموده در جهان خواهیم زیست و من هر جنبنده حرام گوشت را کشته و نابود می گردانم به طوری که جز حیوانات حلال گوشت در روی زمین باقی نماند، سپس من یهود و نصاری و سایر ملل را به دین اسلام دعوت می کنم و آنان را در برگزیدن اسلام و شمشیر مخیر می گردانم هر کس اسلام آورد بروی منت می نهم و هر کس امتناع ورزد خون او را می ریزم.»<sup>۱</sup>

در رابطه با این روایت: هر کس اسلام آورد بروی منت می نهم و هر کس امتناع ورزد خون او را می ریزم، باید گفت: در عصر ظهور و حضور، خداوند بر تسلیم شدگان مرحمت فرموده و همه ایشان مورد محبت حجت زمان قرار می گیرند و آنان نیز می توانند همراه با صلح و آشتی ادامه حیات دهند و اما کسانی که همچنان تمرد ورزیده و در مقابل حق قد علم کنند، والیان امر به اذن پروردگار با آنان مبارزه خواهند کرد؛ زیرا بعد از وقوع حوادثی که بسیار با عظمت رخ خواهد داد، به نظر بعید می رسد که بندگان خدا با شک و شبهه به قضیه توجه کنند و اگر غیر از این باشد معنایش این است که افراد مغرض بوده و تابع نفسشان شده اند بدون این که از عقلشان بهره گیرند، باشد به امید حق همگان پس از رسیدن به حقایق والا و آن معرفت لازم، تسلیم خدا شده و با حجت بر حق پروردگار همگام شوند و به راستی

خوشا به سعادت مؤمنان، صالحان، تسلیم شدگان و همه آن عزیزانی که در آن عصر طلایی، زیر چتر حکومت الهی ادامه حیات خواهند داد که حیات ایشان در آن عصر، زیباترین، لطیف‌ترین حیات همراه با شادی و شادمانی خواهد بود و باید به همه آن عزیزانی که در آن عصر به حیات شکوهمندی ادامه می‌دهند از همین حالا تیریک گفت، همانان که موفقیت بسیار مهمی شامل حالشان خواهد شد امید است آنان که توفیق بودن در آن عصر را پیدا می‌کنند والیان بر حق خدا را یاری رسانند که به تحقیق آنان یاری شدگان از جانب خداوند خواهند بود.

چنان که در قرآن کریم به آن اشاره شده است:

﴿إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ﴾<sup>۱</sup>

«ما فرستادگان خود و کسانی را که ایمان آورده‌اند، در دنیا و روزی که

شهیدان بر می‌خیزند، یاری می‌کنیم.»

در کتاب منتخب البصائر از جمیل بن دراج روایت کرده که گفت: در مورد این آیه از حضرت صادق علیه السلام پرسیدم، حضرت فرمود:

«به خدا قسم این واقعه در رجعت است، آیا نمی‌دانی بسیاری از پیامبران که در دنیا یاری نشده و کشته شدند و ائمه هم کشته شدند و کسی آنان را یاری نکرد؟»

عرض کردم: تأویل این آیه چیست؟ حضرت فرمودند:

﴿وَاسْتَمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادُ مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ﴾<sup>۲</sup>

«روزی که منادی از جایی نزدیک ندا در می‌دهد به گوش باش، روزی که فریاد (رستاخیز) را به حق می‌شنوند! آنروز، روز بیرون آمدن از زمین است.»

﴿يَوْمَ تَشَقَّقُ الْأَرْضُ عَنْهُمْ سِرَاعًا ذَلِكَ حَشْرٌ عَلَيْنَا يَسِيرٌ﴾<sup>۳</sup>

«روزی که زمین (از فراز آنان) شتابان شکافته شود، آنروز برای ما حشری آسان است.»

۱ - سورة مؤمن (۴۰) آیه ۵۱

۲ - سورة ق (۵۰) آیه ۴۱ - ۴۲

۳ - همان، آیه ۴۴

همچنین از حضرت امام جعفر صادق عليه السلام روایت شده که فرمودند:  
 «چون وقت قیام قائم آل محمد بشود در جمادی الآخر و ده روز از ماه رجب  
 بارانی بیارد که خلایق مثل آن را ندیده باشند پس خدا به آن باران گوشت‌های  
 مؤمنان و بدن‌های ایشان را در قبرهایشان برویاند و چون قائم ما خروج کند نزد قبر  
 هر مؤمنی ملکی بیاید و او را ندا کند: ای فلانی صاحب و امام تو ظاهر شده است  
 اگر می‌خواهی به او ملحق شو و در غیر این صورت در نعمت و کرامت خداوند بمان.»<sup>۱</sup>  
 چنان‌که در روایت آمده است:

«إِذَا آن قِيَامَةُ مُطِيرَ النَّاسِ جَمَادِيَ الْآخِرَةِ، وَعَشْرَةَ أَيَّامٍ مِنْ رَجَبٍ مَطْرًا لَمْ تَرَ الْخَلَائِقُ مِثْلَهُ،  
 فَيُنْبِتُ اللَّهُ لِحُومِ الْمُؤْمِنِينَ وَأَبْدَانَهُمْ فِي قُبُورِهِمْ. وَكَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَيْهِمْ مُقْبِلِينَ مِنْ قِبَلِ جَهَنَّمَ  
 يَنْفُضُونَ سُعُورَهُمْ مِنَ الشَّرَابِ!»<sup>۲</sup>

«چون ظهور او نزدیک شود مردم از بارانی در ماه جمادی الثانی و ده روز از  
 رجب (مجموعاً چهل روز) برخوردار می‌شوند که هرگز در تاریخ آفرینش نظیر آن  
 دیده نشده است، خداوند با این باران گوشت و پوست مؤمنان را در داخل  
 قبرهایشان می‌رویاند، گویی با چشم خود می‌بینم که از طرف جَهَنَّمَ (قبیله‌ای در  
 حوالی مدینه) می‌آیند درحالی‌که خاک را از سر و صورتشان پاک می‌کنند.»  
 امیرمؤمنان در ضمن یک خطبه طولانی فرمودند:

«الْعَجَبُ، كُلُّ الْعَجَبِ بَيْنَ جُمَادِي وَرَجَبِ.»

یکی از مستمعان عرض کرد: ای امیرمؤمنان این چه حادثه شگفت‌انگیزی است  
 که این همه موجب تعجب شما شده است؟  
 حضرت فرمود: «وای بر تو چه چیزی شگفت‌انگیزتر از این که مردگان برخیزند و  
 گردن زنده‌ها را بزنند!»<sup>۳</sup>

مستمع پرسید: این حادثه کی اتفاق می‌افتد؟

حضرت فرمود:

«سوگند به خدایی که دانه را شکافت و انسان را آفرید، گویی با چشم خود

۱ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۷، ح ۷۷.

۲ - ارشاد مفید، ص ۴۲.

۳ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۶۰، ح ۴۸.

می بینم که شمشیرهای خود را بر شانه‌هایشان حمایل کرده‌اند و در کوچه‌های کوفه پراکنده شده، گردن دشمنان خود و دشمنان پیامبر و مؤمنان را می‌زنند<sup>۱</sup> و این است معنای آیه شریفه:

﴿لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ﴾<sup>۲</sup>

«از گروهی که خداوند بر آنان خشم کرده پیروی نکنید.»

در احادیث بسیاری وارد شده است: رجعت برای مؤمنان اختیاری می‌باشد و به هنگام ظهور حضرت بقیة الله الاعظم، مؤمنان گروه گروه از قبرها بیرون آیند در حالی که کفن بر تن همه صدا به تلبیه بلند کرده و فوج فوج گویند: «لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ!» «اجابت کردیم و به خدمت تو ایستاده‌ایم، ای دعوت کننده به سوی خدا.»<sup>۳</sup> حضرت امیر مؤمنان علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«وَأَمْوَاتٌ يُنْشَرُونَ مِنَ الْقُبُورِ حَتَّى يَرْجِعُوا إِلَى الدُّنْيَا فَيَتَعَارَفُونَ فِيهَا.»<sup>۴</sup>

«و مردگانی که از قبرها بر می‌خیزند و به دنیا باز می‌گردند، یکدیگر را می‌شناسند.»

مروست: بیعت کنندگان پس از انجام بیعت، به امر ولی خدا شمشیرها بر دوش گذاشته بر سر کافران و جباران و ظالمان اولین و آخرین زنند، خداوند در آن روز گروهی از ظالمان را زنده می‌سازد برای این که پیش از روز قیامت از آنان انتقام کشیده شود و بعضی از آنان به جهت پس دادن انتقام هزار بار زنده شده و هزار بار او را بکشند و به هر کجا که خدا بخواهد آنان را ببرند و معذب گردانند، چنان که در قرآن کریم می‌خوانیم:

﴿وَيَوْمَ يَعْصُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا﴾<sup>۵</sup>

«روزی که ستمگر دست‌های خود را به ندامت می‌گزد و می‌گوید: ای کاش

همراه پیامبر راهی را بر می‌گزیدم.»

آری، این غم و اندوه و پریشانی برای آن عده از افراد است که دیگر وقتی برای جبران ندارند، چه آنان که مرده بودند و زنده می‌شوند تا انتقام پس داده و طی

۱ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۸۱

۲ - سورة الممتحنة (۶۰) آیه ۱۳.

۳ - بحار الانوار، ص ۴۷، ح ۲۰.

۴ - الامام المهدي، ص ۲۳۴.

۵ - سورة فرقان (۲۵) آیه ۲۷.



اعمال زشتشان تنبیه شوند و چه آنان که زنده‌اند و عمری به انجام گناه مبادرت ورزیده و می‌بایست در دادگاه عدل الهی محاکمه شوند تا طعم تلخ یک عمر بی‌اعتنایی کردن و شوخی پنداشتن حقایقی که بر اثر جهل و غرور و ندانم کاری‌ها بوده آشکار شود و آنگاه هر نفسی به خود آید و فریاد و احسرتا برآرد و گوید:

﴿ يَا حَسْرَتِي عَلَىٰ مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ وَإِن كُنتُ لَمِنَ السَّخِرِينَ ﴾<sup>۱</sup>

«وای بر من که جانب امر خدا را فرو گذاشتم و در حق خود ظلم و تفریط

کردم و به مسخره‌کنندگان به وعده‌های خدا پیوستم.»

در روایات متعددی از اهل بیت علیهم‌السلام می‌خوانیم: «جنب‌الله به امامان تفسیر

شده است.»<sup>۲</sup>

امام موسی بن جعفر علیه‌السلام در تفسیر ﴿ يَا حَسْرَتِي عَلَىٰ مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ ﴾ می‌فرماید:

«جَنْبَ اللَّهِ أمير المؤمنين وَكَذَلِكَ مَنْ كَانَ بَعْدَهُ مِنَ الْأَوْصِيَاءِ بِالْمَكَانِ الرَّفِيعِ إِلَىٰ أَنْ يَنْتَهِيَ الْأَمْرُ إِلَىٰ آخِرِهِمْ.»<sup>۳</sup>

«جنب‌الله امیر مؤمنان و همچنین اوصیای بعد از او هستند که مقام والایی دارند تا به آخرین نفر آنان (که حضرت مهدی) می‌باشد.»

امام محمد باقر علیه‌السلام در این باره می‌فرماید:

«هر کس در بندگی و اطاعت خدا، خود را به زحمت اندازد، ولی امام و پیشوایی از سوی خدا نداشته باشد، تلاشش بیهوده و خودش گمراه و سرگردان و خداوند از عبادت او بیزار است و اگر در این حالت بمیرد، کافر و منافق از دنیا رفته است.»<sup>۴</sup>

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید:

«خداوند دلشاد و خوشحال کند کسی را که گفتار مرا با گوش جان بشنود و درک نماید و آنرا حفظ کرده و به نسل‌های بعدی برساند، چه بسا حامل فقهی هست که خود فقیه نیست، چه بسا حامل فقهی است به کسانی که از او فقیه‌تر می‌باشند.»<sup>۵</sup>

۱ - سورة زمر (۳۹) آیه ۵۶.

۲ - بحار الانوار، ج ۲، ص ۳۰، ح ۱۵.

۳ - همان، ج ۲۴، ص ۱۹۲، ح ۱۰.

۴ - همان، ج ۸، ص ۳۶۹، ح ۴۱.

۵ - همان، ج ۲، ص ۱۴۸، ح ۲۲.

حضرت ولی عصر علیه السلام در توقیع شریفی چنین فرمودند:

«پشیمانی گروهی از مردمان که مقام والای ما را تحمل نکرده، در دین خدا به شک و تردید می افتند، پس هر که با ما اقاله<sup>۱</sup> کند ما اقاله او را می پذیریم و ما را نیازی به دلجویی از صاحبان شک و تردید نیست.»<sup>۲</sup>

به راستی چه ضرر عظیمی، آخر فسخ با که! بر هم زدن معامله با چه کسی؟ آیا فسخ بیعت و جدایی از همان کسی که خداوند به وجود مقدسش افتخار می کند، همان امامی که به یمن وجود شریفش، عالم آفرینش برقرار است، او که قبله گاه اهل بینش و تقوا و تنها ذخیره خدا برای به کمال رساندن انسان می باشد، همان انسانی که در بیچارگی و ظلمت دست و پا می زند، در واقع اوست که به سوی بندگان بینوا فرستاده می شود تا به آنان حیات دوباره بخشد، همراه با خوشبختی، عزت، امنیت، آزادی، رفاه، سلامت جسم و روح و هر آنچه که انسان امروز در پی آن است و برایش به عنوان یک زندگی الهی و ایده آل آرزو شده است.

حال بارالها! رو به سوی تو و ولایت کرده ایم به امید آن که هر گسیختگی را با او به وصل مبدل کرده و هر پراکندگی را با او منسجم گردانی و هر نوع ستم حاکم بر جهان را به وسیله او بمیرانی و عدالت را در این کره خاکی به وسیله او به ظهور رسانی، به تحقیق زندگی در آن عصر بهترین زندگی برای عالمیان خواهد بود، عصر اطاعت و عبادت، عصر پاکی و سعادت، عصر ایثار و رشادت، عصر انسجام و اتحاد، عصر برابری و برادری و از همه مهمتر عصری که بندگان خدا موفق خواهند بود تا در سایه آموزگاری همچون آقا امام زمان علیه السلام در کسب معرفت نسبت به خالق هستی کوشا بوده و عارف به شوکت و قدرت لایتناهی باری تعالی شوند، به جرأت می توان گفت: تنها عصری که مردمش همگی از عرفا خواهند بود همین عصر است و شکی نیست در این دوره روحانی، دل هر مؤمن عرش و پایگاه خداوند خواهد شد تا آن زمان که وعده حق تحقق پذیرد و آنان با عشقی که عین توحید است بمیرند و سپس با ندای حق برخاسته و برای همیشه نظاره گر آن عظمت والایی باشند که شکوهش پایان ناپذیر است. ان شاء الله

۱ - اقاله: فسخ معامله و با بیعت را گویند.

۲ - اعلام الوری، ص ۴۲۴.

حال بارالها! تو را قسم به عزت و جلالت آن روز مبارک را هر چه زودتر برسان و آرزوی ما بندگان حقیرت را با ظهور آخرین فرزند، از فرزندان حسین بن علی حیات بخش و ندای هر بنده‌ای از بندگان را بشنو که خطاب به تو خدای مهربان می‌گوید:

«وَاحْضُرْنِي مَعَهُ لِبَيْعَتِهِ، وَتَأْكِيدِ عَقْدِهِ، بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ، عِنْدَ بَيْتِكَ الْحَرَامِ، وَوَفَّقْنِي يَا رَبِّ لِلْقِيَامِ بِطَاعَتِهِ، وَالْمَشْوَى فِي خِدْمَتِهِ، وَالْمَكْثِ فِي دَوْلَتِهِ، وَاجْتِنَابِ مَعْصِيَتِهِ، فَإِنْ تَوَفَّقْتَنِي اللَّهُمَّ قَبْلَ ذَلِكَ، فَاجْعَلْنِي يَا رَبِّ فِيمَنْ يَكْرَهُ فِي رَجْعَتِهِ، وَيَمْلِكُ فِي دَوْلَتِهِ، وَيَتِمَّكُنُ فِي أَيَّامِهِ، وَيَسْتَظِلُّ تَحْتَ أَعْلَامِهِ، وَيَحْشُرُ فِي زُمْرَتِهِ، وَتَقْرَأُ عَيْنُهُ بِرُؤْيَيْتِهِ، بِفَضْلِكَ وَإِحْسَانِكَ وَكَرَمِكَ وَإِمْتِنَانِكَ، إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ، وَالْمَنْ الْقَدِيمِ وَالْإِحْسَانِ الْكَرِيمِ.»<sup>۱</sup>

«خداوندا! مرا در مسجد الحرام و در میان رکن و مقام در مراسم پر شکوه بیعت او حاضر کن تا با او پیمان بندم و مرا موفق نما تا از او اطاعت کنم و در میان خدمتگزارانش قرار گیرم و در حکومت حقه‌اش اقامت نمایم و از نافرمانی‌اش دوری گزینم. خدایا! اگر پیش از ظهور او مرا میراندی، پس مرا از کسانی قرار بده که به هنگام ظهور او رجعت می‌کند و در دولت او مسئولیت می‌پذیرد و در روزگار او نیرو می‌یابد و در زیر سایه پرچمش قرار می‌گیرد و در زمره او محشور می‌شود و دیدگانش با دیدار آن جمال الهی روشن می‌گردد؛ به فضل و کرم و منت و احسانت که تو صاحب فضل بزرگ، منت قدیم و احسان بی‌پایانی.»

الهی! تو ما را بسنده‌ای و بهترین وکیل هستی و ما نیز همچنان در انتظار اذن ظهوریم، ظهور یگانه منتقم خون شهیدان، بالانحص شهیدانی که در دشت کربلا مظلومانه به شهادت رسیدند و با شهادتشان داغی بر سینه‌ها گذاشتند و این سینه‌های گداخته و پر درد التیام نخواهند یافت مگر این‌که با دست پر قدرت آقا امام زمان انتقام آن عزیزان ستانده شود و حال ما منتظران حضرت مهدی در لحظه لحظه‌های زمان چشم به راه وقوع نشانه‌هایی هستیم که نوید رستاخیز صغری را بشارت می‌دهد همان رستاخیزی که در سایه‌اش تحول و دگرگونی عظیمی تحقق خواهد پذیرفت. ان شاء الله

# فصل سوم

نشانه‌های ظهور حضرت مهدی علیه السلام

قیام سفیانی

قیام عوف سلمی

قیام یمانی

قیام سید هاشمی

قیام سید خراسانی

قیام نفس زکیه

بانگ آسمانی

## نشانه‌های ظهور حضرت مهدی علیه السلام

﴿ فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا ﴾<sup>۱</sup>

«آیا چشم به راهند جز ساعت قیام را که به ناگاه بیایدشان؟ همانا نشانه‌های

آن آمده است.»

در این آیه شریفه: منظور از نشانه‌ها، نشانه‌های ظهور قبل از قیام قائم آل محمد صلی الله علیه و آله است که با توجه به آن نشانه‌ها می‌توان قریب الوقوع بودن آن را درک کرد و یا فاصله با آن واقعه را متوجه شد اگرچه در این برهه از زمان نشانه‌های رستاخیز صغری همگان را متوجه خود کرده و اگر عده‌ای نسبت به این نشانه‌ها بی‌توجه باشند خود قصور نموده و حتماً حسرت این بی‌توجهی، به تلخی احساس خواهد شد و چه بسا افراد با تحقیقی که دنبال می‌کنند به نتیجه رسند با آن واقعه فاصله بسیار است؛ زیرا وقوع حوادث و علائم یاد شده زمان می‌خواهد درحالی که می‌بایست این باور همراه ما باشد که چه بسا بسیاری از علائم ظهور به وقوع نپیوسته و ظهور سرور کائنات به اذن پروردگار تحقق یابد و مبادا یک اصل دنبال شود از جمله: علائم ظهور تا انتها تحقق یابد و سپس ظهور حضرت حجت علیه السلام محقق گردد؛ زیرا اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام اصرار دارند و بسیار گوشزد می‌کنند که ما امت شیعه به ناگهانی بودن این واقعه واقف شده و خودمان را برای مواجه شدن با آن واقعه میمون و مبارک آماده کنیم چنان‌که در قرآن کریم نسبت به

ناگهانی بودن آن واقعه نیز اشاره شده است و این بشارت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله اعلام شده، از جمله می خوانیم:

﴿ يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسِلُهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً يَسْأَلُونَكَ كَأَنَّكَ حَقِيقٌ عِنْدَهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴾<sup>۱</sup>

ای رسول! «از تو درباره ساعت می پرسند کی خواهد بود بگو علم آن نزد پروردگار من است کسی جز او آن ساعت را ظاهر و روشن نتواند کرد (شان) آن ساعت در آسمانها و زمین سنگین و عظیم است، جز ناگهانی شما را نیاید؛ از تو می پرسند که گویی تو کاملاً بدان آگاهی؛ بگو علم آن ساعت محققاً نزد خداست لیکن اکثر مردم بر این حقیقت آگاه نیستند.»

حال بارالها! ای خدای آسمانها و زمین! ما بندگان حقیرت باور داریم که علم جهان هستی نزد تو خدای مهربان است و این را هم می دانیم که اگر تو خدای هستی بخش بخواهی بندگان را با روشی که خود می دانی نسبت به آن واقعه آگاه خواهی کرد تا غفلتشان به حداقل رسد غفلتی که عین خسارت است، خسارت نسبت به آن واقعه مبارک که بشارت وقوع آن بسیار نوید داده شده است از جمله در آیه بعدی به نزدیک بودن ساعت اشاره شده است چنان که می خوانیم:

﴿ وَمَا يُذْرِكْ لَعَلَّ السَّاعَةَ قَرِيبٌ يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا وَالَّذِينَ آمَنُوا مُشْفِقُونَ مِنْهَا وَيَعْلَمُونَ أَنَّهَا الْحَقُّ أَلَا إِنَّ الَّذِينَ يُمَارُونَ فِي السَّاعَةِ لَفِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ ﴾<sup>۲</sup>

«و تو چه دانی شاید که ساعت نزدیک باشد آنان که به ساعت ایمان ندارند به تمسخر، تقاضای زودتر شدن آن را دارند و اما آنان که ایمان آورده اند از آن سخت بیمناکند و می دانند که آن روز برحق است، توجه کنید آنان که درباره ساعت جدال کنند در گمراهی دوری هستند.»

پیامبر اکرم و امامان معصوم علیهم السلام نشانه های ظهور را برشمرده و امت خویش را

۱ - سورة اعراف (۷) آیه ۱۸۷.

۲ - سورة شوری (۴۲) آیه ۱۸ - ۱۷.

نسبت به آن وقایع آگاه فرموده‌اند از جمله دیگر نشانه‌ها را می‌خوانیم:

«الْآيَاتُ كَخَزَائِبِ مَنْظُومَاتٍ فِي سَبَلِكِ، فَأَنْقَطَعَ السَّبَلُكَ يَتَّبِعُ بَعْضُهَا بَعْضًا.»<sup>۱</sup>

«نشانه‌های ظهور چون دانه‌های یک تسبیح و یا یک گردنبند است که رشته اتصالش بگسلد و دانه‌های آن یکی به دنبال دیگری فرو ریزد.»

همان‌گونه که راویان اخبار فرموده‌اند: زمانی که پهنه گیتی دچار حوادث و فجایع غیر منتظره و غیر قابل تحمل شد در انتظار وقوع رستاخیز صغری باشید. به طور مثال نقل شده است: هنگامی که دنیا را هرج و مرج، ظلم و فساد، فتنه و اضطراب، چپاول و غارت، قحطی و ویرانی، مرگ و بیماری، تقلب و نفاق، دورویی و غیبت، سخن چینی و تهمت، کفر و الحاد و بی‌دینی، بی‌عفتی و بی‌حیایی، قساوت قلب و ناامنی و... در برگیرد، در آن زمان مؤمن خوار و منافق عزیز گردد، عمل آنان ریا و عمرشان کوتاه شود، مؤمن بالاجبار سکوت کرده و قولش را قبول نکنند، فاسق دروغ گوید و دروغش را رد نکنند، مرد از زن خود کار ناشایست ببیند او را نهی ورد نکند، می‌رسد زمانی بر مردم که صورت ایشان صورت انسان و دل‌های آنان دل شیاطین باشد و مثل گرگ‌ها ضرر رساننده و خونریز باشند، کارهای بدی که از آنان سر می‌زند اگر نهی کنی قبول نمی‌کنند و اگر متابعت نمایی به شک و ریب می‌اندازند و اگر خبری به آنان دهی تکذیب می‌کنند و اگر از آنان کناره‌گیری، غیبتت نمایند، کارهای خوب پیش آنان بدعت و بدعت بین آنان سنت می‌باشد، در آن زمان دانشمندان پر طمع، عبادت‌کنندگان ریاکار، تجار ریاخوار باشند.

زود است بیاید زمانی که علما را شناسند مگر به لباس فاخر و قرآن را نشنوند مگر به صوت حُسن و خدا را عبادت نکنند مگر در ماه مبارک رمضان و یاد خدا و صحبت از خدا بر ایشان سنگین باشد تا آنجا که از خدا غافل و میل به دنیا و هوای نفس و ضعف ایمان اوج گیرد، در آخرالزمان نزدیک به ظهور که آن بدترین زمان‌هاست زنان بدون اجازه همسر از خانه بیرون روند در حالتی که بَرک کرده و خود را به نامحرم ارائه می‌دهند و وای بر فرزندان آخرالزمان از دست پدرهایشان که به آنان چیزی از واجبات یاد نمی‌دهند، هر آینه می‌آید بر مردم زمانی که آدم از حد

تجاوز کند و مقرب شود کسی که افعال ناپسند خود را زینت دهد و لاابالی باشد و اتفاقاً بی بندباری علامت روشنفکری و تمدن به شمار آید تا آنجا که آلات لهو و لعب در رهگذر مردم آشکارا به کار گرفته شود، مردم عبور کنند و کسی جرأت نکند که از آن جلوگیری نماید، همچنین مد پرستان به سوی مدها گرایش پیدا کنند، باور داران در اقلیت باشند و هشدار دهندگان از بین روند، در این برهه از زمان گفتار ایشان از عسل شیرین‌تر، دل‌هایشان از حنظل تلخ‌تر است و ظاهرشان تغییر یافته، مردان به صورت زن و زنان به شکل مرد درآیند، پس هنگامی که زنان جامهٔ مرد بپوشند، حیا از آنان گرفته شود همچنین مردمان به سختی گرفتار شده و داوران را می‌بینی که برای داوری رشوه گرفته و هر کس بیشتر دهد او برنده می‌شود و در آن زمان راهزنان برای سرقت سر راهها را بگیرند، مالیات گیرندگان را نصب نمایند و رشوه خواری به اسم هدیه و خیانت به اسم امانت رواج یابد و کابوس ستم هر شهر و آبادی را فراگیرد، وقتی که نرسند به معیشت مگر با گناه کردن، پس در این وقت حلال می‌شود «عزویة» یعنی زن نگرفتن و هلاکت مرد به دست پدر و مادر است و اگر پدر و مادر نداشت هلاکت وی به دست زن و اولادش است و اگر زن و اولاد نداشته باشد هلاکت او در دست خویشاوندان و همسایه است، چون او را به تنگی معیشت مذمتش می‌کنند و به زحمت می‌اندازند به چیزهایی که طاقت فرساست تا وارد می‌شود به کارهایی که هلاک کننده است.

در این هنگام بترسید، بترسید از خداوند، مبادا شما را ناگهان به عذاب دردناک بگیرد پس از این مرگهایی است با سرعت و ناگهانی و بی سابقه و می‌ریاید مردم را ربودن عجیبی، حتی این که مرد صبح می‌کند سالم، شب دفن شده است و شب سر می‌کند در حالتی که صبح مرده است.

وقتی که این زمان فرارسید واجب است نماز در اول وقت خوانده شود به جهت فوت آن در آخر وقت، پس کسی که از شما آن زمان را درک کرد نخوابد مگر با طهارت و اگر قدرت داشته باشد در همه حالاتش طاهر باشد.

اما در منابر! امر به تقوا شود ولی گوینده خود به آنچه می‌گوید عمل نکند، مال ایتم حلال شمردند و از مال حرام اجتناب نکنند، مرد معیشت خود را از کم فروشی



به دست آورد و از وزن کیل بدزدد، شخص با شریکان خود به خیانت رفتار کند،  
 تجار زیاد، ربح و سود کم باشد، بازار همه در کساد، آن هنگام که مرد بگوید  
 چیزی نفروختم و دیگری بگوید سود نکردم پس نبینی آنان را مگر این که خدا را  
 مذمت کنند، وای بر این امت از پادشاهان جبار و ستمگر که چگونه می‌کشند و  
 می‌ترسانند کسانی را که اطاعت ایشان کنند، پس مؤمن پرهیزکار با ایشان به زبان  
 مسالمت داشته و از دل فرار کند، دولت کودکان و نوسالان در هر جایی ظاهر شود و  
 ظلم در همه بلاد جاری گردد، اغنیا توشه فقرا را بدزدند، غنی بخل ورزد به آنچه در  
 دست اوست، فقیر آخرت خود را به دنیا بفروشد، بهتان، معصیت و طغیان علنی  
 گردد و طلاق بسیار شود و فتنه کروکوروبر همه جا سایه افکنده و کافران بر مسلمانان  
 چیره شوند، فرزندان نسبت به پدر و مادر آزار و بی‌حرمتی روا داشته و عهد و پیمان  
 شکسته و حدود الهی تعطیل شود، صف‌ها به هم پیوسته و قلب‌ها از هم دور شود،  
 مستی و غفلت مردمان را فرا گرفته و عدل و داد ضعیف گردد، در مسجدها دور هم  
 نشسته و ذکر ایشان تمام از مال و دنیا باشد، مردگان در قبرهایشان نا امید از خیر  
 بازماندگان شوند، تسلط زن‌ها بر مردها و امارت به دست بچه‌ها افتد، افطار در اول  
 ماه رمضان صورت گیرد و روزه در آخرش گرفته شود، خونریزی را سبک شمارند و  
 از هم بیزاری جویند، به کفر یکدیگر شهادت دهند و از اشرار به جهت شرّ زبان‌شان  
 بترسند، آبادی‌ها خراب و خرابی‌ها ساخته شود، جنگل‌ها خشک شده و  
 شکارچیان به وحشت افتند، همچنین اضطراب‌ها و مهاجرت‌ها و فرار کردن‌ها نیز  
 فراوان گردد، رازداران خیانت ورزیده موجب دستگیری شوند، حوادث کمر شکن  
 روی دهد و شکافنده‌ها بشکافند و پیش روند و تیز پروازان حمله کنند، خویشتن  
 داری از جامعه رخت بریندد، شیطان بر همه چیره شود، عرب‌ها دچار اختلاف  
 شوند و حوادث پیاپی واقع شود و بلند شود ناله و ضجه و برضعفا رحم و بر بزرگان  
 احترام نکنند، پیوند خویشاوندی بریده و همسایه، همسایه خود را از ترس زبانش  
 احترام کند، سرگرمی‌های ناسالم چنان رواج پیدا کند که هیچ کسی جرأت  
 جلوگیری از آن را نداشته باشد و اگر کسی اقدام به امر معروف و نهی از منکر کند به  
 او توصیه کنند که این کار وظیفه تو نیست و از افراد با ایمان چنان سلب آزادی شود

که جز با دل نتوانند ابراز تنفر کنند، در این زمان گناهان بسیار و آرزوها طولانی و زمان سریع می‌گذرد که انسان در اثر تراکم مشاغل و کثرت مسئولیت‌های زندگی و فرو رفتن در ناملايمات هرگز احساس نمی‌کند که چطور وقت و عمر خود را از دست می‌دهد، هرگاه خداوند غضب بر امتی کند و عذاب بر ایشان نازل نکند به جای آن گرانی حاکم شود و عمرهاشان کوتاه گردد و تجارتشان سود نکند و میوه‌هاشان نیکو نباشد و سدهایشان کم آب باشد و باران از ایشان حبس شود و خشکسالی و کم آبی همگان را تهدید کند و تغییر آب و هوا باعث می‌شود تا عده بیشماری از حیوانات جان خویش را از دست دهند در چنین شرایطی اشرار ایشان بر ایشان مسلط و عدم تأمین جانی حاکم شود، زنا بسیار، کم فروشی و کم عیاری باب گردد، پس خداوند ایشان را به سال‌های خشک و قحط مبتلا سازد، آنان زکات را منع کنند زمین هم برکات خود را از زراعت، میوه و معادن منع کند، هرگاه عهد و پیمان را نقض کنند خداوند نیز دشمن ایشان را بر ایشان مسلط سازد و زمانی که در حکم جور کنند تعاون بر ظلم و دشمنی خواهد شد، هرگاه قطع رحم‌ها کنند اموال به دست اشرار افتد، البته اشرار در آخر الزمان در مسائل مختلف اثرات سوء بسیار خواهند داشت از جمله: در عملکردهای اجتماعی، صنعتی، اقتصادی، سیاسی و... باعث خطرات عدیده شده و سلامتی موجودات زنده را دچار خطرات عظیم کرده و خواهند کرد، بطور مثال: اعلام زنگ خطر از جانب دانشمندان معاصر را می‌توان شاهد گرفت در واقع دخالت بشر در آلوده کردن محیط زیست و استفاده از گازهای شیمیایی و غیره همگی باعث می‌شود تا همگان در سایه وضع موجود احساس خطر کنند از جمله: با کاهش ضخامت لایه اوزن، تشعشعات رادیو اکتیو جوی افزایش یافته و عوارض ناشی از آن سبب تغییراتی سوء در ژنتیک گیاهان و حتی جنین انسان شده و دیگر بروز بیماریهای خطرناک که گوشزد می‌شود و همچنین سوانح ناشی از آن را می‌توان با صاعقه، آتشفشان، سیل، زلزله، طوفان‌های سهمگین و سقوط سنگهای آسمانی و ذوب شدن یخ‌های قطبی، رانش زمین، آتش سوزی جنگلها و بالا آمدن آب دریا که باعث افزایش سطح آب اقیانوسها شده و خطرات بسیاری برای سواحل به شمار خواهد آمد و جهان این چنین درگیر فجایع

طبیعی خواهد شد، اگرچه این همه حوادث و شرایط سوء برای عده‌ای از افراد بشر در عصر حاضر تغییر و تحولی مثبت به وجود نیاورده تا آنان متوجه این معضلات شده و از خداوند برای نجات خویش یاری طلب نمایند و یا از خداوند نجات اهل کرة زمین را بخواهند! پس در چنین شرایطی غفلت ورزند و خوبان نیز دعا کنند و دعایشان مستجاب نگردد، در این وقت منتظر باد سرخ باشند و فرو رفتن به زمین و مسخ شدن و چیرگی دشمن، آنگاه از آن به بعد یار و یاور پیدا نکنند.<sup>۱</sup>

حضرت علی علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«پس از این همه فجایع خود را جزء مرده‌ها حساب کنید و زندگی شما را مغرور نکنند و به تحقیق مردم دو نوع هستند: یکی متقی و نیکوکار، دیگر شقی و بدکردار، و خانه دو خانه است (بهشت و جهنم) و کتاب یکی است که فرو نگذارده نه کوچک و نه بزرگ مگر این که آن را ضبط کرده است.»

آنگاه آن حضرت بعد از شرح بسیاری از فجایع فرمودند:

«ای وای از کمی معرفت شما و ذلت فقیر شما و تکبر اغیار شما و کمی وقار شما ﴿انالله وانا الیه راجعون﴾ که مصیبت‌ها بر ایشان نازل می‌شود اما بلاها را بزرگ نمی‌شمارند، شیطان در بدن‌های ایشان مخالطه کرده و در خون ایشان داخل شده و به دروغ گفتن و افترا و تهمت و سوسه می‌کند و به ایشان تلقین می‌نماید تا این که فتنه‌ها همه شهرها را فراگیرد و مؤمن مسکین و دوست ما بگوید من از مستضعفان هستم.»  
در همین رابطه امام جعفر صادق علیه السلام حدیثی از جانب رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند که می‌خوانیم:

«سَيَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يُنَالُ الْمُلْكَ فِيهِ إِلَّا بِالْقَتْلِ وَالتَّجْبِيرِ وَ لَا الْغِنَى إِلَّا بِالْغَضَبِ وَ الْبُخْلِ وَ لَا الْمُحَبَّةَ إِلَّا بِاسْتِخْرَاجِ الدِّينِ وَاتِّبَاعِ الْهَوَى فَمَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ الزَّمَانَ فَصَبَرَ عَلَى الْفَقْرِ وَ هُوَ يَقْدِرُ عَلَى الْغِنَى وَ صَبَرَ عَلَى الْبِغْضَةِ وَ هُوَ يَقْدِرُ عَلَى الْمُحِبَّةِ وَ صَبَرَ عَلَى الدُّلِّ وَ هُوَ يَقْدِرُ عَلَى الْعِزِّ آتَاهُ اللَّهُ ثَوَابَ خَمْسِينَ صِدْقًا مِمَّنْ صَدَّقَ بِي.»<sup>۲</sup>

«بر مردم زمانی می‌آید که در آن زمان ایشان به مقام سلطنت نمی‌رسند مگر به

۱ - مباحث فوق از کتب بحار الانوار، الملاحم، مهدی منتظر علیه السلام، يوم الخلاص و... اقتباس یافته است.

۲ - ملاحم مولانا، ص ۵۴، نقل از کافی.

قتل و آدم کشتن و ظلم و تکبر کردن. و به ثروت نمی‌رسند مگر با غضب کردن مال مردم و باز داشتن حقوق فقرا (همچون زکات) مهر و محبت نیز میان آنان به هم نمی‌رسد مگر با خارج شدن از دین خدا و پیروی از هوای نفس، هر کس آن زمان را درک کند پس بر فقر و احتیاج صبر نماید در حالی که می‌تواند از خودش رفع احتیاج کند و از طریق نامشروع، خود را غنی نماید و صبر کند بر این که مردم او را دشمن بدانند و حال آن که می‌تواند با خارج شدن از دین و پیروی هوای نفس، مردم او را دوست داشته باشند و صبر به ذلت و خواری در نزد مردم نماید و حال آن که می‌تواند خود را عزیز و محترم جلوه دهد، پس آن وقت است که خداوند اجر و ثواب پنجاه نفر صدیق را به او خواهد داد.»

به راستی خوشا به حال مؤمنان و وائسفا به حال مردم نادان و اهل جدل که عمری را در گمراهی به سر برده و غافل از وقوع یک دگرگونی عظیم هستند؛ زیرا حوادث و اخبار موجود قابل باور است و بی‌شک این دوران تاریک... به پایان خواهد رسید و او که عزیزترین عزیزان است با انوار درخشان و براهین مبرهن و مبارک به عدالت قیام خواهد کرد و با بیانی آشکار مردم را رهنمون خواهد شد و سخن او را جز گمراه تیره رأی تکذیب نخواهد کرد.

پیامبر اکرم و ائمه معصومان علیهم‌السلام در مورد دیگر نشانه‌ها می‌فرمایند:

«... وَيُوضَعُ الدِّينُ، وَتُرْفَعُ الدُّنْيَا.»<sup>۱</sup>

«... دین کم ارج می‌شود و دنیا ارزش فراوان پیدا می‌کند.»

«يَأْتِي عَلَى أُمَّتِي زَمَانٌ، الصَّابِرُ مِنْهُمْ عَلَى دِينِهِ كَالْقَابِضِ عَلَى الْجَمْرِ»<sup>۲</sup>

«برای امت من زمانی پیش می‌آید که اگر کسی بر آئین خود استوار باشد، همانند

کسی است که آتش گداخته‌ای را با دست بگیرد!»

«كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا مَرَجَ الدِّينُ وَظَهَرَتِ الرَّغْبَةُ وَحُرِقَ الْبَيْتُ الْعَتِيقُ وَشُرِفَ الْبُنْيَانُ وَاخْتَلَفَ

الإخوان.»<sup>۳</sup>

۱ - بحار الانوار، ج ۶، ص ۳۰۸، ح ۶.

۲ - همان، ج ۲۲، ص ۴۵۴، ح ۱۱.

۳ - بشارة الاسلام، ص ۱۸۰.

«چگونه می‌شود حال شما هنگامی که دین بازیچه شود، هوس‌ها آشکار گردد، کعبه طعمه حریق شود، ساختمان‌ها مرتفع باشد و برادران دچار اختلاف شوند.»  
 «يَأْتِي عَلَى أُمَّتِي زَمَانٌ، لَا يَبْقَى مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رَسْمُهُ، وَلَا مِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا إِسْمُهُ. يُسَمَّوْنَ بِهِ وَهُمْ أَبْعَدُ النَّاسِ عَنَّهُ. مَسَاجِدُهُمْ غَامِرَةٌ وَهِيَ خَرَابٌ مِنَ الْهُدَى...»<sup>۱</sup>

«برامت من زمانی پیش می‌آید که از قرآن جز نقش آن و از اسلام جز نام آن باقی نباشد، به ظاهر مسلمان نامیده می‌شوند درحالی که بیش از همه مردمان از آن دورند، مساجدشان آباد است ولی از هدایت خالی است.»

«إِذَا اسْتَخَفُّوا بِالْقُرْآنِ، وَكَانَتْ مَسَاجِدُهُمْ مَعْمُورَةً بِالْأَذَانِ، وَقُلُوبُهُمْ خَالِيَةً مِنَ الْإِيمَانِ، وَبَلَغَ الْمُؤْمِنُ عِنْدَهُمْ كُلِّ هَوَانٍ.»<sup>۲</sup>

«هنگامی که قرآن را سبک بشمارند، مساجدشان با اذان آباد باشد، ولی دل‌هایشان از ایمان تهی شود و مؤمن در میان آنان به هرگونه ذلت و خواری دچار شود.»

«إِذَا بَقِيَ الدِّينُ بَيْنَكُمْ لَفْطاً بِالسِّتِّكُمْ.»<sup>۳</sup>  
 «هنگامی که قرآن به صورت آهنگ تو خالی درآید که با زبان خود آن را تکرار کنند.»  
 «يَتَّخِذُ الْقُرْآنُ مَزَامِيرَ، وَيُوضَعُ عَلَى الْأَغَانِي، يُقْرَأُ بِالْأَخْشِيَةِ.»<sup>۴</sup>

«قرآن بانی و بالحن غنا خوانده می‌شود، بدون این که به هنگام تلاوت خوف و خشیت از پروردگار همراه باشد.»

«وَضُيِّعَتِ الصَّلَاةُ، وَعَوِصِرَتِ السَّمَاوَاتُ، فَحَيْثُ تَكُونُ السَّنَةُ كَالشَّهْرِ، وَالشَّهْرُ كَالْأَسْبُوعِ، وَالْأَسْبُوعُ كَالْيَوْمِ، وَالْيَوْمُ كَالسَّاعَةِ.»<sup>۵</sup>

«هنگامی که نمازها تباه شود و آسمان‌ها فشرده شوند در آن زمان، سال چون ماه و ماه چون هفته و هفته چون روز و روز چون ساعت می‌گذرد.»

«رَأَيْتَ النَّاسَ قَدْ اسْتَوَوْا فِي تَرْكِ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَتَرَكَ التَّائِبِينَ بِهِ.»<sup>۶</sup>

۱ - بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۰۹، ح ۱۴.

۲ - همان، ج ۵۲، ص ۲۶۴.

۳ - همان، ص ۲۶۳.

۴ - بشارة الاسلام، ص ۲۶.

۵ - همان، ص ۷۵.

۶ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۹، ح ۱۴۷.

«می بینی که مردم در ترک امر به معروف و نهی از منکر یکی شده اند و اعراض از دین فراگیر شده و بی تقوایی میان مؤمن و جاهل مشترک شده است.»  
 «إِذَا كَثُرَ الْجَوْرُ وَالْفُسَادُ، وَظَهَرَ الْمُنْكَرُ وَأَمَرَ النَّاسُ بِهِ، وَنَهَوْا عَنِ الْمَعْرُوفِ، وَكَثُرَ الْقَتْلُ وَاسْتَخَفَّ النَّاسُ بِالْذَّمِّ»<sup>۱</sup>

«هنگامی که ظلم و فساد بسیار شود، منکرات علنی شود، مردم یکدیگر را به انجام منکرات تشویق نمایند و از انجام کارهای خیر نهی کنند، قتل فراوان باشد و مردم خون را سبک بشمارند.»

امام جعفر صادق عليه السلام در این باره می فرماید:

«تَقْسُو الْقُلُوبَ، وَتَمْتَلِيءُ الْأَرْضُ جَوْرًا، وَيَكْثُرُ الْقَتْلُ حَتَّى تَحْزَنَ ذَوَاتُ الْأَوْلَادِ، وَتَفْرَحَ الْعَوَاقِرُ قَبْلَ يَدَيِ خُرُوجِهِ بَلَوَى أَى بَلَوَى لِلْمُقِيمِينَ عَلَى الْبَاطِلِ، وَهُوَ إِنْتِقَامٌ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى»<sup>۲</sup>  
 «دلها را قساوت می گیرد، زمین پر از ستم می شود، کشتار به قدری فراوان می شود که مادران از آوردن اولاد غمگین می شوند و زنان عقیم از نازایی خود خوشحال می شوند، در آستانه ظهور او (مهدی) فتنه سختی است که برای اهل باطل امتحان بزرگ و انتقام خداوندی است.»

امام محمد باقر عليه السلام می فرماید:

«يَقُلُّ الْوَرَعُ، وَيَكْثُرُ الطَّمَعُ، وَيُرَى الْمُؤْمِنُ ضَامِتًا لَا يُقْبَلُ قَوْلُهُ، وَالْكَاذِبُ يَكْذِبُ وَلَا يُرَدُّ عَلَيْهِ كَذِبُهُ، وَالْفَاسِقُ يُمْتَدِّحُ بِالْفِسْقِ لَا يُرَدُّ عَلَيْهِ قَوْلُهُ»<sup>۳</sup>

«تقوا کم و حرص بسیار می شود، مؤمن سکوت می کند؛ زیرا از او پذیرفته نمی شود، دروغگو، دروغ پردازی می کند و کسی به او اعتراض نکرده و سخنش را رد نمی کند، فاسق و فاجر با کارهای ناشایست و نامشروعش ستایش شده و کسی رد نمی کند.»  
 «إِذَا اسْتَحَلُّوا الْكَذِبَ، وَاتَّبَعُوا الْأَهْوَاءَ، وَاسْتَعْلَنَ الْفَجُورُ وَقَوْلُ الْبُهْتَانِ، وَصَدَّقَ الْكَاذِبُ وَاتَّثَمِنَ الْخَائِنُ، وَشَهِدَ الشَّاهِدُ مِنْ غَيْرِ أَنْ يُسْتَشْهَدَ، وَشَهِدَ الْآخَرُ قَضَاءَ لِيَمَامٍ بِغَيْرِ حَقِّ عَرَفَةٍ. فَعِنْدَ ذَلِكَ الْوَحَا الْوَحَا»<sup>۴</sup>

۱ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۱، ح ۲۴.

۲ - منتخب الاثر، ص ۳۴۸.

۳ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۶، ح ۱۴۷.

۴ - همان، ص ۱۹۳، ح ۲۶.

«هنگامی که دروغ مباح شمرده شود، از هوای نفس پیروی شود، روابط نامشروع علنی و بهتان رایج گردد، دروغ پردازان راستگو شناخته شوند و خائنان مورد اعتماد قرار گیرند، گواهان بدون این که کسی گواهی بخواهد گواهی دهند و گروهی دیگر برای قرار دادی که بسته‌اند، بدون این که از اصل موضوع مطلع باشند گواهی دهند در چنین زمانی همه جا آتش می‌بارد.»

در همین رابطه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با کلام گهربارشان اشاره به عده‌ای از مردان و زنان می‌کنند که از حدود خود غافلند، اگرچه بندگان مؤمن به خداوند بسیارند، همانان که به صفات حمیده متصف بوده و پیرو قرآن و عترت هستند مگر آن عده از افراد که وجودشان تهی از معرفت و معنویت است همانان که سبب آلودگی جهان شده و با گناهانشان درهای خوشبختی را به روی انسان‌های محروم و مظلوم می‌بندند البته اخبار در این باره بسیار است ولی در این مصحف فقط به چند حدیث و روایت اکتفا شده است از جمله در احادیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌خوانیم:

«إِذَا كُنْتَ فِي عَشْرِينَ رَجُلًا أَوْ أَقَلَّ أَوْ أَكْثَرَ، فَتَصَفَّحْتَ وَجُوهَهُمْ فَلَمْ تَرَفِيهِمْ رَجُلًا يُهَابُ فِي اللَّهِ، فَأَعْلَمَ أَنَّ الْأَمْرَ قَدْ قَرُبَ»<sup>۱</sup>

«هنگامی که در میان بیست نفر، کمتر یا بیشتر از مردان باشی و در چهره ایشان دقت کنی، حتی یک نفر هم در میان آنان پیدا نکنی که برای خدا، از او (خدا) بترسند (در چنین شرایطی) بدان که امر فرج نزدیک شده است.»

«مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي فِتْنَةَ السَّرَّاءِ وَالْخَمْرِ»<sup>۲</sup>

«در مورد امت خود، از هیچ فتنه‌ای چون زنها و مشروبات الکلی اندیشناک نیستم.»  
«وَ أَخَوْفُ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ فِتْنَةُ السَّرَّاءِ مِنْ قِبَلِ النِّسَاءِ إِذَا تَسَوَّرْنَ الذَّهَبَ، وَ اتَّعَبْنَ الْغَنَى، وَ كَلَّفْنَ الْفَقِيرَ مَا لَا يَجِدُ»<sup>۳</sup>

«بیشترین چیزی که در مورد شما از آن بیمناکم، فتنه نامرئی زنان است و آن هنگامی است که غرق در طلا شوند، پولدار را به زحمت بیندازند و بی پول را به چیزی که قدرت ندارد وادار سازند.»

۱ - بوم الخلاص، ص ۷۳۷.

۲ - همان، ص ۵۴۰.

۳ - نهج الفصاحه، ج ۱، ص ۶۱.

«سَيَأْتِي بَعْدِي أَقْوَامٌ، يَأْكُلُونَ طَيِّبَ الطَّعَامِ وَ أَلْوَانَهَا، وَ يَزْكَبُونَ الدَّوَابَّ، وَ يَتَزَيَّنُونَ بِزِينَةِ الْمَرْأَةِ لِزُوجِهَا، وَ يَتَبَرَّجُونَ تَبَرُّجَ النِّسَاءِ، وَ زِيَّتُهُمْ مِثْلُ زِيِّ مُلُوكِ جَبَابِرَةَ هُمْ مُنَافِقُو هَذِهِ الْأُمَّةِ فِي آخِرِ الزَّمَانِ، شَارِبُوا الْقَهْوَاتِ، لَا عِبُونَ بِالْكَعَابِ، زَاكِبُونَ لِلشَّهَوَاتِ، تَارِكُونَ لِلْجَمَاعَاتِ، زَاقِدُونَ عَنِ الْعَتَمَاتِ، مَفْرَطُونَ بِالْفَدَوَاتِ مِثْلَهُمْ كَمَثَلِ الدَّفْلِيِّ: زَهْرَتُهَا حَسَنَةٌ وَ طَعْمُهَا مَرٌّ! كَلَامُهُمُ الْحِكْمَةُ، وَأَعْمَالُهُمْ ذَاةٌ لَا يَقْبَلُ الدَّوَاءُ»<sup>۱</sup>

«بعد از من اقوامی می آیند که غذاهاى بسیار لذیذ و رنگارنگ مى خورند، بر مرکبها سوار مى شوند (مردان ایشان) همچون زنى که برای شوهرش آرایش کند، آرایش مى کنند، (و آنان) همچون زنان خودنمایی مى کنند، سیمای آنان چون پادشاهانى طغیانگر است، آنان منافقین امت در آخرالزمان هستند که مشروب مى خورند، قمار مى بازند، از خواسته های نفس پیروی مى کنند و از نماز جماعت دورى مى گزینند، به هنگام شب زنده داری مى خوابند و در مورد نماز صبح سستی مى کنند، مثل آنان مثل درخت (دِفْلِي) است که شکوفه ای بسیار زیبا و طعمی بسیار تلخ دارد، گفتارشان حکیمانه و کردارشان بیمارگونه و بیمارشان علاج ناپذیر است.»  
امام جعفر صادق عليه السلام در مورد گنهکاران مى فرماید:

«... وَ رَأَيْتَ الرَّجُلَ إِذَا مَرَّ بِهِ يَوْمٌ وَ لَمْ يَكْسِبْ فِيهِ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ، مِنْ فُجُورٍ، أَوْ بَخْسٍ مِثْكَالٍ أَوْ مِيزَانٍ، أَوْ غَشْيَانٍ حَرَامٍ أَوْ شُرْبِ مُسْكِرٍ، كَثِيباً حَزِيناً، يَخْسِبُ أَنَّ ذَلِكَ الْيَوْمَ عَلَيْهِ ضِيعَةٌ مِنْ عُمْرِهِ»<sup>۲</sup>

هنگامی که ببینی، اگر مردی یک روز گناه بزرگی انجام نداده باشد، از قبیل: فحشا، کم فروشی، کلاهبرداری و شرب خمر، بسیار غمگین و اندوهگین مى شود که گویی آن روز عمرش تباه شده است.»

«وَ رَأَيْتَ الرَّجُلَ مَعِيشَتُهُ مِنْ بَخْسِ الْمِثْكَالِ وَالْمِيزَانِ»<sup>۳</sup>

«و مى ببینی که زندگی مرد از کم فروشی و تقلب تأمین مى شود.»

«يُنْفِقُ الرَّجُلُ مِنْ مَالِهِ فِي غَيْرِ طَاعَةِ اللَّهِ، فَلَا يُنْهَى وَلَا يُؤْخَذُ عَلَيْهِ، وَ يَمْنَعُ الْبَسِيرَ فِي طَاعَةِ اللَّهِ»<sup>۴</sup>

۱ - منتخب الاثر، ص ۴۲۷.

۲ - همان، ص ۴۳۱.

۳ - الزام الناصب، ص ۱۸۳.

۴ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۶.



«مرد اموال فراوانی در راه‌های غیر مشروع خرج می‌کند و کسی به او اعتراض نمی‌کند، ولی از خرج کردن پولی در راه خدا باز داشته می‌شود.»  
 ائمه معصومان علیهم‌السلام در مورد دیگر اوصاف مردم آخرالزمان می‌فرمایند:  
 «وَيَعْيُرُ الرَّجُلُ عَلَى صَوْنِ النِّسَاءِ»<sup>۱</sup>

«مرد را برای پوشیده نگه داشتن همسرش سرزنش می‌کنند!»  
 «هَلَكَتِ الرِّجَالُ حِينَ أَطَاعَتِ النِّسَاءُ»<sup>۲</sup>

«مردانی که از زنان اطاعت کنند هلاک می‌شوند.»

«يُطِيعُ الرَّجُلُ زَوْجَتَهُ، وَ يَغْصِي وَالِدَيْهِ، وَ يَسْمَعُ فِي هَلَاكِ أَخِيهِ، وَ يَجْفُو جَارَهُ، وَ يَقْطَعُ رَحِمَهُ، وَ تَرْتَفِعُ أَصْوَاتُ الْفَجَّارِ»<sup>۳</sup>

«مرد از همسرش اطاعت می‌کند ولی پدر و مادرش را نافرمانی می‌کند و برای به هلاکت رسانیدن برادرش تلاش می‌نماید به همسایه‌اش ستم روا می‌دارد و پیوند خویشاوندی را قطع می‌کند (در چنین اوضاعی) صدای فاجران بلند می‌شود.»  
 «فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ أَتَيْتُمْ عَلَيْهِمْ فِتْنًا لَا قِبَلَ لَهُمْ بِهَا»<sup>۴</sup>

«هنگامی که این اوصاف تحقق پذیرد، فتنه‌هایی برای آنان روی می‌آورد که تاب مقاومت ندارند.»

به راستی چه کسانی تاب مقاومت ندارند، آیا همانان که بی مهابا گناه کرده و مرکب نفسشان شده‌اند؟

آیا همانان که با عدم توجه به وضع موجود در جهان آشفته فقط خودشان را می‌بینند و بس؟! همانان که ناله محرومان را نمی‌شنوند و به زاری ملت‌مسان توجه ندارند! بدون شک این نوع افراد تاب مقاومت را در مقابل حوادث آینده از دست خواهند داد که از خط اصلی خارج شده و قدر و منزلت خود را فراموش کرده‌اند مگر نه این که در این برهه از زمان، دنیا دچار فتنه و ناامنی و... شده و ندای و انفسای محرومان و مستضعفان جهان بلند است، همانان که از خداوند تقاضای قَرَج دارند و

۱ - بشارة الاسلام، ص ۱۳۳.

۲ - نهج الفصاحه، ج ۲، ص ۶۳۸.

۳ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۶۳.

۴ - بشارة الاسلام، ص ۷۸.

از پروردگارشان می خواهند که آنان را از قید اسارت و مشکلات زمانه نجات دهد. آیا به راستی در این روزگار بخت برگشته، وقت آن نرسیده است تا گام هایمان را از معصیت و آلودگی برحذر داریم و آیا وقت آن نرسیده که به یکدیگر بگوئیم: بیائید، بیائید گناه نکنیم با آن چشمی که می خواهد سرورش مهدی را ببیند.

گناه نکنیم با آن گوشی که می خواهد صدای ملکوتی مولا و امامش مهدی را بشنود و گناه نکنیم با آن زبانی که می خواهد به عزیزترین عزیزان سلام کند، سلام کند بر آن امامی که برای امتش بسیار نگران است و روزی نیست که اشک خونین بر چهره نازنینش جاری نباشد، همان امامی که می فرماید:

«فقط من نیستم که خون گریه می کنم، بلکه جدم حسین بن علی و مادرم زهرا نیز خون گریه می کنند و من می گریم، می نالم برای آن عده از امتم که در غفلت به سر می برند؛ زیرا بیم آن دارم بیایم و ببینم این جاهلان مسلمان نما هنوز توبه نکرده باشند من که سعی دارم امت خود را تا آخرین لحظه هدایت کنم، چون می خواهم امت جدم همگی از نجات یافتگان باشند و من تا آخرین ساعات غیبت، آنان را هدایت خواهم کرد و در عصر ظهور برای ایشان خیر و خوبی را به ارمغان خواهم آورد؛ زیرا من می آیم برای صلح و دوستی نه برای ستیز و دشمنی و من خواهم آمد نزد کسانی که پاک و مظلومند، خواهم آمد نزد یتیمان چشم انتظار، خواهم آمد نزد پدران و مادران پیر در خانه سالمندان، خواهم آمد نزد بیماران، معلولان و جانبازان، خواهم آمد؛ زیرا آنان در انتظار من هستند و می دانند بالأخره می رسد روزی که بیایم...»

خداوندا! فقط تو از آن روز خبر داری و می دانی آن روز مبارک کدام یک از روزهای آینده است و تنها تو هستی که هر جمعه او را در خانه خود می بینی که پناهنده است و از تو خدای مهربان اذن ظهورش را طلب می نماید و از دیدن نامه اعمال گنهکاران غمگین شده و اشک بر چهره نازنینش جاری می گردد، باشد دعای آن مسافر خسته را بشنوی و حاجتش را به اجابت رسانی و با اذن ظهور آن حضرت، قلب ناشادش را شاد فرمایی، همان آقایی که به دوستدارانش می فرماید:

«هر کجا تک درختی دیدید بدانید من زیر آن درخت نماز حاجت می خوانم و ظهورم را از خدا طلب می کنم.»

بارالها! امید است هم آقا و سرورمان حاجت روا شوند و هم به حرمت آن حضرت به گنهکاران رحم کنی و به آنان فرصت دهی تا به خود آمده و دست از اعمال گناه آلود خود بکشند و بیشتر از این درهای فَرَج را بسته نگاه ندارند؛ زیرا مولا و سرور آنان نگران آن عده از افراد است که قربانی هوسهای شومشان بشوند، پس خداوندا! به آنان مرحمتی کن و قلبشان را تحت سیطره خود درآور تا متوجه حقیقت شده و با توبه به موقع، خود را به بقیه دوستان و منتظران آن حضرت برسانند، امید است با عنایات پروردگار خواسته مولا و سرورمان مهدی هر چه زودتر تحقق پذیرد و ما منتظران ان‌شاءالله به همراه مسافران کشتی نجات به ساحل خوشبختی قدم گذاریم و به تحقیق حق پرستان می‌بایست خودشان را نجات دهند و بگذارند گناهان و روسیاهی از آن کسانی باشد که تا حال حق را نپذیرفته و نخواهند پذیرفت همانان که بر خلاف اوامر الهی عمل می‌کنند چنان که در مورد آنان نقل شده است:

«يَزِيدُ أَكْثَرَهُمْ، وَيَخْلَعُونَ رِبْقَةَ الْإِسْلَامِ مِنْ أَعْنَاقِهِمْ.»<sup>۱</sup>

«بیشتر مردمان از دین مرتد می‌شوند و رشته اسلام را از گردن خود در می‌آورند.»

«يَكُونُ أَسْعَدَ النَّاسِ بِالدُّنْيَا لَكَعِ ابْنِ لُكَيْعٍ، لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ.»<sup>۲</sup>

«خوشبخت‌ترین مردم در دنیا افراد پست و نادان خواهند بود، که به خدا و

رسول ایمان نخواهند داشت.»

البته خوشبختی این افراد ظاهری است و مدت آن کوتاه است؛ زیرا هستند عده‌ای از افراد که با داشتن مال، اموال و... احساس خوشبختی می‌کنند و یا موقعیت اجتماعی، ایشان را چنان پروبال داده که فکر می‌کنند دنیا همین است درحالی که باید باور داشت دنیا تونلی مخوف و تاریک است که باید مانند مسافری که وحشت کرده، سعی کنیم تا از آن به سلامت عبور کرده و به فضای باز و بسیار روشن خارج از تونل راه یابیم و اگر ما بندگان خدا بتوانیم امکاناتی را فراهم کنیم که خارج از تونل خوشبخت باشیم هنر کرده و آنجاست که باید احساس خوشی و

۱ - بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۲۲۰، ح ۹.

۲ - نهج الفصاحه، ج ۲، ص ۵۰۰ و ص ۵۱۷.

خوشبختی به ما دست دهد نه در این دنیا، که نه مال ماست و نه ما در آن ماندنی هستیم و می‌بایست از آن همچون وسیله‌ای برای رسیدن به هدفمان که رستگاری است، استفاده کرده و خودمان را به خانه اصلی برسانیم که آن خانه، خانه ماست و این دنیا و هر آنچه که متعلق به این دنیاست فقط از آن پروردگار است.

مروست: در قرب ظهور، مرگ خوبان را در بر می‌گیرد چنان‌که می‌خوانیم:

«إِذَا تَقَارَبَ الزَّمَانُ انْتَقَى الْمَوْتُ خِيَارَ أُمَّتِي كَمَا يَنْتَقِي أَحَدُكُمْ خِيَارَ الرُّطْبِ مِنَ الطَّبَقِ.»<sup>۱</sup>

«هنگامی که فرج نزدیک باشد مرگ بهترین امت را بر می‌گزیند، آن‌سان که شما

خرماهای رطب را از یک طبق خرما بر می‌گزینید.»

«يَذْهَبُ الصَّالِحُونَ أَسْلَافًا: الْأَوَّلُ فَالْأَوَّلُ، حَتَّى لَا يَبْقَى إِلَّا حُثَالَةٌ كَحُثَالَةِ التَّمْرِ وَالشَّعِيرِ، لَا

يُبَالِي اللَّهُ بِهِمْ»<sup>۲</sup>

«صالحان یکی پس از دیگری دیده فرو بندند و دیگر نشانه‌ای از صالحان باقی

نباشد جز به مقدار تفاله خرما و نخاله جو، آنگاه خداوند اعتنایی به آنان نمی‌کند.»

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«وَرَأَيْتَ أَصْحَابَ الْأَذْيَانِ يُخْتَقَرُونَ، وَيُخْتَقَرُ مَنْ يُجِبُّهُمْ.»<sup>۳</sup>

«می‌بینی که پیروان ادیان تحقیر می‌شوند و هر کس آدم دین داری را دوست

داشته باشد به همین جرم مورد تحقیر قرار می‌گیرد.»

«يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ هُمُّهُمْ بَطُونُهُمْ، وَشَرُّهُمْ مَتَاعُهُمْ وَقِبْلَتُهُمْ نِسَاؤُهُمْ، وَدِينُهُمْ ذَرَاهِمُهُمْ

وَدَنَانِيُّهُمْ. أَوْلِيكَ شَرُّ الْخَلْقِ، لَا خَلْقَ لَهُمْ عِنْدَ اللَّهِ.»<sup>۴</sup>

«برای مردم روزگاری فرا می‌رسد که تنها هم و غمشان شکم آنان، تجملات

زندگی شرف آنان، همسرانشان قبله آنان، درهم و دینارشان دین و آئین آنان، آنان

بدترین خلایق هستند، برای ایشان در نزد خدا ارج و مقامی نیست.»

«وَعِنْدَهَا يَظْهَرُ الرِّبَا، وَيَتَغَامَلُونَ بِالْغَيْبَةِ وَالرُّشَى، وَيُوضَعُ الدِّينُ وَتَرْفَعُ الدُّنْيَا.»<sup>۵</sup>

۱ - نهج الفصاحه، ج ۱، ص ۳۶.

۲ - همان، ج ۲، ص ۶۴۶.

۳ - بشارة الاسلام، ص ۱۳۲.

۴ - بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۱۶۶، ح ۳۱.

۵ - همان، ج ۶، ص ۳۰۸، ح ۶.

«در آن زمان ربا شایع می‌شود، کارها با رشوه انجام می‌یابد، مقام و ارزش دین تنزل کرده و دنیا در نظر آنان ارزش پیدا می‌کند.»

«لَيَأْتِيَنَّ عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ، لَا يَبْقَى أَحَدٌ إِلَّا أَكَلَ الرَّبَا، فَإِنْ لَمْ يَأْكُلْهُ أَصَابَهُ غُبَارَةٌ.»<sup>۱</sup>

«برای مردم زمانی پیش می‌آید که احدی یافت نمی‌شود جز این‌که به ربا آلوده گردد، اگر مستقیماً هم ربا نخورد، گرد ربا به او می‌رسد.»

بدون تردید در عصر حاضر، سیستم بانکی حاکم در جهان و کشورهای اسلامی باعث شده تا افرادی که با ربا مبارزه می‌کنند خود از رهگذر روابط اجتماعی و اقتصادی با آن آلوده شوند.

«مَا مِنْ قَوْمٍ يَظْهَرُ فِيهِمُ الرَّبَا، إِلَّا أُخِذُوا بِالسِّنَةِ وَمَا مِنْ قَوْمٍ يَظْهَرُ فِيهِمُ الرَّشَى إِلَّا أُخِذُوا بِالرُّغْبِ!»<sup>۲</sup>

«هیچ قومی نیست که ربا در میان آنان شایع شود، جز این‌که دچار غفلت و بی‌خبری شوند و هیچ قومی نیست که رشوه در میان آنان رایج شود جز این‌که دچار ترس و وحشت شوند.»

«حَتَّى لَا يَقْتَفِي النَّاسُ أَثَرَ نَبِيٍّ، وَلَا يَنْتَقِدُونَ بِعَمَلٍ وَصِيٍّ، وَلَا يُؤْمِنُونَ بِغَيْبٍ، وَلَا يُعْفُونَ عَنْ غَيْبٍ.»<sup>۳</sup>

«دیگر مردم از سنت پیامبر پیروی نکنند و روش اوصیای معصوم را دنبال ننمایند، به غیب ایمان نیاورند و از کارهای ناشایست دامن خود را پاکیزه نگه ندارند.»

امیر مؤمنان علیه السلام در این مورد می‌فرماید:

«لَتَمْلَأَنَّ الْأَرْضُ ظُلْمًا وَجَوْرًا، حَتَّى لَا يَقُولَ أَحَدٌ «اللَّهُ»، إِلَّا مُسْتَخْفِيًا. ثُمَّ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ صَالِحِينَ يَمْلَأُونَهَا قِسْطًا وَعَدْلًا.»<sup>۴</sup>

«زمین پُر از جور و ستم می‌شود، تا جایی که کسی نتواند نام خدا را به زبان جاری کند مگر در پنهانی! آنگاه خداوند قوم صالح و شایسته‌ای را می‌آورد که زمین را پر از عدل و داد نمایند.»

در مورد این حدیث باید گفت: در عصر حاضر این شرایط در بسیاری از کشورها

۱ - نهج الفصاحة، ج ۲، ص ۳۷۲.

۲ - الزام الناصب، ص ۱۸۲.

۳ - بحار الانوار، ج ۳۲، ص ۴۳، ح ۲۸.

۴ - منتخب الاثر، ص ۴۸۴.

مشاهده شده است از جمله: عده‌ای تابع دین اسلام می‌شوند و عده‌ای دیگر آنان را باز می‌دارند و بدون شک در یک چنین شرایطی خداوند در پنهان یاد خواهد شد. همچنین در روایت آمده است:

«إِذَا ضَارَّ لِأَهْلِ الزَّمَانِ وَجُوهٌ جَمِيلَةٌ وَضَمَائِرٌ رَدِيئَةٌ، فَمَنْ رَأَاهُمْ أَعْجَبُوهُ، وَمَنْ عَامَلَهُمْ ظَلَمُوهُ»<sup>۱</sup>

«مردم آن زمان ظاهری زیبا و آراسته و باطنی پست و پوسیده دارند، هر کس آنان را ببیند دچار شگفت می‌شود، ولی چون با آنان معاشرت کند مورد ستم قرار می‌گیرد.»  
«وَرَأَيْتَ الْجَارَ يُؤَذِي جَارَهُ خَوْفًا مِنْ لِسَانِهِ»<sup>۲</sup>

«همسایه را می‌بینی که همسایه‌اش را اذیت می‌کند و همسایه از زبان او وحشت دارد.»  
«يَتَغَيَّرُ أَهْلُ الزَّمَانِ حَتَّى يُعِيدُوا الْأَوْثَانَ، وَيَبْتَلِي الْمُؤْمِنُونَ، وَتَوْلَدَ الشُّكُوكُ فِي الْقُلُوبِ، وَتُخْلَعُ رِبْقَةُ الدِّينِ مِنَ الْأَعْنَاقِ»<sup>۳</sup>

«اهل زمانه دگرگون می‌شوند، بت پرستی یکبار دیگر رواج پیدا می‌کند، مؤمنان به سختی گرفتار می‌شوند، دل‌ها را شک و تردید فرا می‌گیرد، رشته دین از گردن آنان خارج می‌شود و پیوند آنان با دین قطع می‌گردد.»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«لَا يَأْتِي عَلَيْكُمْ زَمَانٌ إِلَّا الَّذِي بَعْدَهُ شَرُّ مِثْلِهِ»<sup>۴</sup>

«هیچ زمانی پیش نمی‌آید جز این که زمان بعدی بدتر از آن است.»

هنگامی که اسحاق بن یعقوب از محضر مبارک امام زمان علیه السلام سؤال کرد به هنگام غیبت شما، در حوادثی که پیش می‌آید به چه کسی مراجعه کنیم؟  
حضرت فرمودند:

«أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ أَحَادِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ»<sup>۵</sup>

۱ - بشارة الاسلام، ص ۷۵.

۲ - الزام الناصب، ص ۱۸۳.

۳ - يوم الخلاص، ص ۸۰۷.

۴ - همان، ص ۷۰۱.

۵ - وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۰۱.

«اما حوادث و رویدادهایی که برای شما پیش می‌آید برای حل آنان به راویان احادیث ما (آگاهان از احکام و سنن اسلام) مراجعه نمائید که آنان حجت ما بر شما هستند، همان‌گونه که من حجت خدا هستم.»

در همین رابطه نقل شده است امت اسلامی باید به علمایی رجوع کنند که مطیع اوامر الهی هستند از جمله می‌خوانیم:

«وَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ ضَائِعاً لِنَفْسِهِ، حَافِظاً لِدِينِهِ، مُخَالَفاً لِهَوَاهُ، مُطِيعاً لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِ أَنْ يُقَلِّدُوهُ.»<sup>۱</sup>

«هر یک از فقهاء که مراقب نفسش و نگهبان دینش و مخالف هوی و هوسش و مطیع فرمان مولایش (ائمه معصومان علیهم‌السلام) باشد، بر عوام لازم است که از ایشان تقلید کنند.»

اهل بیت عصمت و طهارت در مورد دیگر نشانه‌ها فرموده‌اند:

«وَأَنَّ لِيُخْرُوجَ لِعَلَامَاتٍ عَشْرًا: - أَوَّلُهَا تَخْرِيقُ الزَّوَايَا فِي سِكِّكِ الْكُوفَةِ، وَتَعْطِيلُ الْمَسَاجِدِ، وَانْقِطَاعُ الْحَاجِّ، وَخَسْفُ وَقَذْفُ خِرَاسَانَ، وَطُلُوعُ الْكَوْكَبِ الْمَذْنَبِ، وَاقْتِرَانُ النُّجُومِ، وَهَزَجٌ وَمَرْجٌ وَقَتْلٌ وَنَهَبٌ! وَمِنَ الْعَلَامَةِ إِلَى الْعَلَامَةِ عَجَبٌ! فَإِذَا تَمَّتِ الْعَلَامَاتُ قَامَ قَائِمُنَا قَائِمُ الْحَقِّ... طُوبَى لِأَهْلِ وَلَايَتِي الَّذِينَ يُقْتَلُونَ فِيَّ، وَيَطْرَدُونَ مِنِّي أَجْلَى! هُمْ خُرَّانُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ لَا يَفْزَعُونَ يَوْمَ الْفَزَعِ الْأَكْبَرِ!»<sup>۲</sup>

«برای ظهور او ده علامت است: ۱ - گشودن زاویه کوچه‌های کوفه ۲ - تعطیل شدن مسجدها ۳ - بسته شدن راه حج ۴ - زیر آوار رفتن و بمباران در خراسان ۵ - طلوع ستاره دنباله‌دار ۶ - تراکم ستارگان ۷ - فتنه و فساد ۸ - سرگردانی و سردرگمی ۹ - گشت و کشتار ۱۰ - غارت و چپاول.»

از هر نشانه‌ای تا نشانه دیگر شگفتی‌هاست، چون نشانه‌ها تحقق یافت، قائم ما قیام می‌کند، خوشا به حال اهل ولایت ما که در راه ما کشته می‌شوند و به سبب ما کنار زده می‌شوند، آنان گنج‌های خدای تبارک و تعالی در روی زمین هستند، آنان در روز قیامت از فزع اکبر در امان هستند و برای آنان باکی نیست.»

۱ - المهدی، ص ۱۸۲ - ۱۸۳.

۲ - بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۵۵، ح ۲۲۵.

آنچه در این حدیث ذکر شده است اکثراً ظاهر شده و منظور از توسعه معابر و باز کردن کوچه‌های بن بست فقط اختصاص به کوفه ندارد بلکه در بیشتر کشورها این تغییر و تحول به چشم می‌خورد، در مورد تعطیل شدن مساجد، بارها شنیده‌ایم حاکمان در کشورهای مسلمان نشین دستور تعطیل مساجد آن کشور را صادر کرده‌اند. همچنین بسته شدن راه حج به روی عده‌ای از زائران که در سال ۱۴۰۸ ه. ق. به مدت سه سال طول کشید، در مورد آوار نیز باید گفت: در عصر حاضر حوادثی همچون زلزله، سیل، طوفان، رانش زمین، آتشفشان، جنگ و غیره به طور گسترده روی می‌دهد که بسیاری از بندگان خدا دچار آن شده و می‌شوند.

در مورد طلوع ستاره دنباله دار اخبار بسیار بوده و جهانیان به اخبار آن واقف‌اند و می‌بایست در انتظار آن ستاره دنباله داری باشیم که پس از آن، حوادث و دگرگونی‌های بسیار مشاهده خواهد شد، در مورد تراکم ستاره‌ها نیز هر چند گاه خبر کشف ستاره جدیدی به گوش جهانیان می‌رسد، دیگر حوادثی مانند فتنه و فساد و آدم‌کشی و غیره همچنان در دنیا غوغا به پا کرده و هر روز با شدت بیشتری ادامه می‌یابد و....

از دیگر نشانه‌های ظهور نیز می‌توان به این موارد اشاره کرد:

«طُلُوعُ الْكَوْكَبِ الْمُدْنَبِ يُفْزِعُ الْعَرَبَ! وَهُوَ نَجْمٌ بِالْمَشْرِقِ يُضِيءُ كَمَا يُضِيءُ الْقَمَرُ، ثُمَّ يَنْعَطِفُ حَتَّى يَلْتَقِيَ طَرْفَاهُ. وَتَظْهَرُ حُمْرَةٌ فِي السَّمَاءِ، وَتَنْشُرُ فِي آفَاقِهَا.»<sup>۱</sup>

«طلوع ستاره دنباله دار ملت عرب را به وحشت<sup>۲</sup> می‌اندازد! و آن ستاره‌ای است که در طرف مشرق ظاهر می‌شود و همانند ماه می‌درخشد! سپس دنباله‌اش بر می‌گردد و نزدیک می‌شود که دو سرش به یکدیگر برسد! آنگاه سرخی در آسمان پدید می‌آید و جهان را از کران تا کران فرا می‌گیرد.»

امام صادق علیه السلام در مورد این نشانه می‌فرماید:

«يُظْهَرُ الْمَهْدِيُّ بَعْدَ غَيْبِهِ، مَعَ طُلُوعِ النُّجْمِ الْأَحْمَرِ، وَ خَرَابِ الرَّيِّ وَ خَسْفِ الرَّوْزَاءِ.»<sup>۳</sup>

۱ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۰.

۲ - البته وحشت ملت عرب به سبب حوادث جانکاهی است که همزمان با طلوع ستاره دنباله دار بر آنان هجوم می‌برد، شاید منظور ستاره دنباله داری است که در آینده خواهد آمد همانطور که خبر طلوع آن ستاره در رسانه‌های گروهی مطرح شده است.

۳ - بشارة الاسلام، ص ۱۸۹.



«مهدی بعد از غیبتی طولانی، همزمان با طلوع ستاره‌ای سرخ، و ویرانی ری و خسف زوراء ظهور می‌کند.»

منظور از (ری) شاید شهر تهران باشد، یا منظور از ری منطقه‌ای در عراق که با همین نام موجود است.

لفظ (زوراء) در برخی از روایات به شهر بغداد و در بعضی از روایات، به شهر تهران اطلاق شده است.<sup>۱</sup>

در همین رابطه حدیفة بن یمان در مورد زوراء روایتی از پیامبر اکرم نقل می‌کند، از جمله می‌خوانیم:

«فتنه و آشوبی در شهر زوراء اتفاق می‌افتد.

گفته شد: زوراء چه شهری است؟

پیامبر در جواب فرمودند: شهری است در مشرق زمین که در میان آن جویها و آبها روان است بدترین خلق خدا و ستمکاران از امت من در آنجا ساکن هستند، ایشان در این فتنه به چهار نوع عذاب (سیف، خسف، قذف، مسخ) منکوب می‌شوند.<sup>۲</sup>

امام محمد باقر علیه السلام در حدیث دیگر می‌فرماید:

«أَلَا وَذَابَ مَانِي أَيْدِيهِمْ لَقَدْ دَنَا التَّمْحِيصُ لِلْجَزَاءِ وَكُشِفَ الْغِطَاءُ وَانْقَضَتِ الْمُدَّةُ وَأَزِفَ

الْمَوْعِدُ وَبَدَأَ الْكُمُ النَّجْمُ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ وَأَشْرَفَ لَكُمْ قَمَرُكُمْ كَمِلَ شَهْرُهُ وَكَثِيلَةَ تَمَّه!»<sup>۳</sup>

«اگر آنچه در دست آنان است از دستشان برود، دوران امتحان فرا رسد و پرده‌ها

کنار رفته، وعده الهی نزدیک شود و ستاره (دنباله‌دار) از مشرق زمین طلوع کند و ماه تابان چون قرص قمر در شب بدر ظاهر شود.»

منظور از پرده‌ها کنار رود این است که: نشانه‌های ظهور آشکارا خودنمایی

می‌کنند تا بر همه اتمام حجت شود بطور مثال: دو حدیث شریف نقل می‌شود که

خوانندگان گرامی بدانند رسول اکرم از سلطنت پدر و پسر به عنوان یکی از

نشانه‌های قرب ظهور یاد کرده است. از جمله:

۱ - منتظر تاریخ، ص ۵۳، پاورقی.

۲ - موسوعة الامام المهدي، ص ۱۶۴.

۳ - بشارة الاسلام، ص ۶۳؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۱۱، ح ۶.

«يَخْرُجُ بِقَزْوِينَ رَجُلٌ إِسْمُهُ إِسْمُ نَبِيِّ يُسْرِعُ النَّاسَ إِلَى طَاعَتِهِ الْمُشْرِكُ وَالْمُؤْمِنُ يَمْلَأُ الْجِبَالَ خَوْفًا»<sup>۱</sup>  
 «مردی از قزوین خروج می‌کند که با یکی از پیامبران همنام است، مشرک و مؤمن به اطاعتش می‌شتابند کوه‌ها را پر از رعب و وحشت می‌سازد.»  
 «لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَمْلِكَ النَّاسَ رَجُلٌ مَوْلَى يُقَالُ لَهُ: جَهْجَاهُ»<sup>۲</sup>  
 «ساعت ظهور فرا نمی‌رسد جز هنگامی که موالی (ایرانیان) را مردی تحت سلطه خود درآورد که به او شاهنشاه گفته می‌شود.»

در اخبار اهل بیت نقل شده است: حکومت شاهنشاه اسبق ایران توسط مردمی از همین آب و خاک و به رهبری مردی از مردان خداپرست ساقط می‌شود به امید آن که حکومتی بر اساس آرمان‌های اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام استقرار یابد، در همین رابطه همگان در عصر حاضر شاهد انقلاب با شکوهی در شرق جهان بودند که در سایه ابرمردی نستوه و مجاهدانی قهرمان محقق شد، همانان که در انتظارند تا حکومتشان به حکومت ولی عصر و زمان حضرت مهدی علیه‌السلام بپیوندد. در حدیثی از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در مورد قیام‌کنندگان این نهضت نقل شده که می‌خوانیم:  
 «يَخْرُجُ نَاسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُوطُونَ لِلْمَهْدِيِّ سُلْطَانَهُ»<sup>۳</sup>

«مردمی از شرق قیام می‌کنند و زمینه را برای انقلاب جهانی حضرت مهدی فراهم می‌سازند.»

امام موسی کاظم علیه‌السلام نیز اشاره به رهبر این نهضت کرده و می‌فرماید:  
 «رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ قَمٍ يَدْعُوا النَّاسَ إِلَى الْحَقِّ، يَجْتَمِعُ مَعَهُ قَوْمٌ كَزُبَيْرِ الْحَدِيدِ، لَا تَزِلُّهُمْ الرِّيَاحُ الْعَوَاصِفُ، وَلَا يَمْلُونَ مِنَ الْحَزْبِ، وَلَا يَجْبُنُونَ وَ عَلَى اللَّهِ يَتَوَكَّلُونَ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»<sup>۴</sup>  
 «مردی از اهل قم قیام می‌کند و مردم را به حق دعوت می‌نماید، بر محور او مردمی همچون پاره‌های آهن جمع می‌شوند، تند بادهای حوادث آنان را حرکت نمی‌دهد و از جنگ خسته نمی‌شوند و نمی‌ترسند و بر خدا توکل می‌کنند و عاقبت برای متقین است.»

۱ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۳.

۲ - صحیح مسلم، ج ۸، ص ۱۸۴.

۳ - کنز العمال، حدیث ۳۸۶۵۷.

۴ - بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۶.

ان شاء الله و به امید خدای بزرگ، عاقبت خیر برای متقین باشد، همانان که برای پاسداری از مکتب و اهداف مقدس خویش، از هیچ تلاش و ایثاری روی گردان نبوده و نخواهند بود، همان مؤمنان سلحشوری که هدف مقدسشان به محکمی کوهها و بلندای عرش الهی است، هدف با شکوهی که به اهتزاز درآمدن پرچم «لا اله الا الله! محمد رسول الله! علی ولی الله!» را بر قتل رفیع این کره خاکی به دنبال دارد، حماسه آفرینانی که در تمام مراحل به رهبر خود اقتدا کرده و هیچ گاه مقتدایشان را تنها نگذاشتند، مقتدایی که خطاب به آزادی خواهان قهرمان فرمودند:

«من دست و بازوی همه عزیزانی را می بوسم که در سراسر جهان کوله بار مبارزه را بردوش گرفته و عزم جهاد در راه خدا و اعتلای عزت مسلمین را نموده‌اند و من سلام و درودهای خالصانه خود را به همه غنچه‌های آزادی و کمال نثار می‌کنم.»<sup>۱</sup>

آری، آن یاور صدیق امام زمان خطاب به یاران و سربازان حضرت ولی عصر یگانه منجی خلق جهان فرمودند:

«ای یاران مهدی! کمریندهای خود را محکم ببندید و بدانید هیچ چیز تغییر نکرده؛ زیرا امروز روزی است که خدا این‌گونه خواسته است و دیروز آن‌گونه خواسته بود و فردا ان شاء الله روز پیروزی جنود حق است.»

آن حضرت نیز فرمودند:

«ما باید در مقابل خواست خدای سبحان خاضع و تابع باشیم و اولین وظیفه ما این است که در سراسر جهان صدا زنیم و بگوئیم: ای خواب رفتگان و ای غفلت زدگان بیدار شوید و به اطراف خود نگاه کنید؛ زیرا در کنار لانه‌های گرگ منزل گرفته‌اید، برخیزید که اینجا جای خواب نیست و نیز فریاد کشیم، سریعاً قیام کنید که جهان ایمن از صیاد نیست.»<sup>۲</sup>

به تحقیق جهان ایمن از صیاد نیست، جهانی که زمان را با حساسیت خاصی پشت سر می‌گذارد تا آنجا که حوادث و بلایای عصر حاضر، جهانیان را تحت الشعاع خود قرار داده و هر کس با هر زبان و مسلک نگران آینده است،

۱ - فرازی از سخنان حضرت امام خمینی علیه السلام.

۲ - همان.

آینده‌ای با یک تحول عظیم، تحول مبارکی که همگان را دعوت به یک حرکت، یک خواسته، یک کیش خواهد نمود، اگرچه آن روزگار برای مؤمنان و افراد با تقوا و خداجو بسیار مبارک است، خداجویانی که در انتظار ظهور یگانه منجی عالم بشریت به سر می‌برند.

آری آنان منتظرند، منتظرند تا آن روز خجسته فرا رسد روز مبارک ظهور، روزی که بانگ شادی مستضعفان عالم به اوج خواهد رسید همانان که به یکدیگر بشارت‌ها داده و خواهند گفت: ای شقایق‌های باغ بهشت برخیزید، برخیزید که تنها شه خوبان آمد.

ای منتظران با خبر باشید که برج ولایت مه تابان آمد.

بینوایان را غمگسار مهربان آمد، آن که سازد این جهان را گلستان آمد.

آری، آن که سازد این جهان را گلستان آمد، حقاً دنیای از هم پاشیده ما فقط و فقط با وجود مبارک آن حضرت نجات پیدا خواهد کرد و با ظهور آن حضرت دنیای ما، نابهنگام به گلستانی عظیم تبدیل خواهد شد، امید است در آن دوران زنده باشیم و شاهد آن همه شکوه بوده و خداوند را به خاطر آن سعادت عظمی سپاسگزار باشیم و سجده شکر به جای آریم. ان شاء الله

امام جعفر صادق علیه السلام در رابطه با دیگر علائم ظهور فرموده‌اند:

«بَيْنَا النَّاسُ وَقُوفٌ فِي عَرَافَاتٍ إِذْ أَتَاهُمْ زَاكِبٌ عَلَى نَاقِلَةٍ ذُعْلَبِيَّةٍ، يُخْبِرُهُمْ بِمَوْتِ خَلِيفَةٍ، يَكُونُ عِنْدَ مَوْتِهِ فَرَجٌ آلِ مُحَمَّدٍ وَفَرَجٌ النَّاسِ جَمِيعاً»<sup>۱</sup>

هنگامی که مردم در عرفات وقوف کرده‌اند سواری که بر وسیله نقلیه تیزتکی سوار است از راه فرامی‌رسد و مرگ خلیفه‌ای را خبر می‌دهد، فرج آل محمد و فرج همه مردم در آن هنگام است.»

«مَنْ يَضْمَنُ لِي مَوْتَ عَبْدِ اللَّهِ أَضْمَنُ لَهُ الْقَائِمَ. إِذَا مَاتَ عَبْدُ اللَّهِ لَمْ يَجْتَمِعِ النَّاسُ بَعْدَهُ عَلَى أَحَدٍ، وَلَمْ يَتَّشَأْ هَذَا الْأَمْرُ دُونَ ضَاحِيكُمْ إِنْ شَاءَ اللَّهُ.»<sup>۲</sup>

«اگر کسی مرگ (عبدالله) را برای من تضمین کند، من ظهور قائم را برای او

۱ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۰.

۲ - همان، ص ۲۱۰.

تضمین می‌کنم، چون عبدالله از دنیا برود مردم دیگر برای احدی اجتماع نمی‌کنند و این کار برای احدی جز صاحب شما هموار نگردد ان شاء الله.»

نقل شده: با مرگ عبدالله شاه سابق اردن، فتنه و آشوب در جهان اسلام پدید آمد و همزمان با مرگ او، رژیم اشغالگر اسرائیل قد علم کرده و سپس اختلافات عمیقی در میان مسلمانان حاکم گشت اگرچه در این احادیث منظور عبدالله دوم است که مرگ نابهنگام او در نزدیکی ظهور تحقق می‌پذیرد که خود نشانه‌ای بر ظهور قریب الوقوع آقا امام زمان علیه السلام می‌باشد.

از جمله در حدیث دیگر می‌خوانیم:

«مِنهَا النَّغْصُ! مَوْتَاتُ فِيهِنَّ مَوْتَاتٌ وَ رَاكِبُ الدُّغْلَبَةِ! مُخْتَلِفٌ جَوْفُهَا بِوَضِيِّهَا، يُخْبِرُهُمْ بِخَبْرٍ فَيَقْتُلُونَهُ، ثُمَّ النَّغْصُ بَعْدَ ذَلِكَ!»<sup>۱</sup>

«کجاست آن خشم که مرگها را به دنبال دارد و از هر مرگی، مرگها برخیزد و مردی سوار بر تیزتکی که بافت درونی اش بسیار پیچیده است خبری می‌آورد که او را می‌کشند و آنگاه خشمها برافروخته می‌گردد.»

امید است ما شیعیان در عصر فتنه‌های بی‌امان با درایتی خاص زمان را درک کرده و ان شاء الله در سایه ایمان، اعمال صالح، دعا و استغاثه به درگاه باری تعالی توان مقاومت داشته باشیم و خودمان را برای روزهای مبارکی آماده کنیم که نشانه‌های آن یکی پس از دیگری در حال تحقق یافتن است از جمله:

«لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تَسِيلَ وَادٍ مِنْ أَوْدِيَةِ الْحِجَازِ بِالنَّارِ!»<sup>۲</sup>

«قیامت بر پا نشود تا در یکی از وادی‌های حجاز آتش روان شود.»

«إِذَا وَقَعَتِ النَّارُ فِي حِجَازِكُمْ، وَجَرَى الْمَاءُ بِنَجْفِكُمْ، فَتَوَقَّعُوا ظُهُورَهُ.»<sup>۳</sup>

«هنگامی که آتش در حجاز پدید آید و آب در نجف روان شود، منتظر ظهور او باشید.»

«عَامَ الْفَتْحِ يَنْبِئُ الْفَرَاتُ حَتَّى يَدْخُلَ أَرْقَةَ الْكُوفَةِ.»<sup>۴</sup>

«در سال فتح و پیروزی، فرات طغیان می‌کند و به کوچه‌های کوفه وارد می‌شود.»

۱ - بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۰.

۲ - الامام المهدي، ص ۲۲۷.

۳ - الزام الناصب، ص ۱۷۸.

۴ - ارشاد مفید، ص ۳۴۰.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مورد رودخانه فرات که آب آن به خلیج فارس می‌ریزد حدیثی فرموده‌اند که حساسیت این رود بیشتر احساس می‌شود از جمله می‌خوانیم:

«به زودی فرات از روی گنجی جاری می‌شود (منظور از گنج، همان معادن نفت است) که درگیری بزرگی به خاطر آن در شرق و غرب عالم گوشزد شده است، پس زمانی که مسلمین خبر این درگیری را شنیدند خود را از خطر این معرکه دور کنند؛ زیرا ظهور حضرت مهدی علیه السلام بعد از این درگیری است که کشته‌های بسیاری از آن به جای می‌ماند.»<sup>۱</sup>

«لَا يُخْرِجُ أَهْلَ مِصْرَ مِنْ مِصْرِهِمْ عَدُوٌّ لَهُمْ، وَلَكِنْ يُخْرِجُهُمْ نِيْلُهُمْ هَذَا. يَغُورُ فَلَا تَبْقَى مِنْهُ قَطْرَةٌ، حَتَّى يَكُونَ فِيهِ الْكُثْبَانُ مِنَ الرَّمْلِ»<sup>۲</sup>

«مردم مصر را دشمن خارجی از آب و خاک خودشان بیرون نمی‌کند، بلکه همین رود نیل آنان را از دیار خود بیرون می‌کند، آب آن کلاً می‌خشکد و حتی یک قطره هم نمی‌ماند و بستر آن به صورت تلی از شن در می‌آید!»

امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرماید:

«يَجْفُ مَاءُ بَحِيرَةِ طَبْرِيَا، وَيَتَوَقَّفُ النَّخِيلُ عَنِ الشَّمْرِ، وَتَنْصُبُ عَيْنُ زَعْرِ الْوَاوِغَةِ فِي الْجَانِبِ الْقَبْلِيِّ مِنَ الشَّامِ»<sup>۳</sup>

«آب دریاچه طبریه (در فلسطین) می‌خشکد، درخت‌های خرما از میوه دادن باز می‌ایستند، آب چشمه زعر در طرف قبله شام به شدت کاهش می‌یابد.»

«يَكُونُ جِفَافُ الْأَنْهَارِ وَيَقَعُ الْقَحْطُ وَالْغَلَاءُ ثَلَاثَ سِنِينَ»<sup>۴</sup>

«رودخانه‌ها خشک می‌شود و قحطی و گرانی سه سال سایه سنگینش را می‌گستراند.»

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«إِزْتِفَاعُ رِيحِ سَوْدَاءَ بِهَا أَوَّلُ النَّهَارِ، وَزَلْزَلَةٌ، حَتَّى يَنْخَسِفَ كَثِيرٌ مِنْهَا»<sup>۵</sup>

«باد سیاهی اول صبح بر می‌خیزد و آنگاه زلزله‌ای روی دهد و قسمت اعظم آن (بغداد) زیر آوار بماند.»

۱ - منتظر تاریخ، ص ۳۴.  
 ۲ - الملاحم والفتن، ص ۱۴۶.  
 ۳ - الزام الناصب، ص ۲۶۱.  
 ۴ - بشارة الاسلام، ص ۱۹۱ و ۵۷.  
 ۵ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۰، ح ۸۲.

«وَأَمَّا الزُّرَّاءُ فَتَخْرَبُ مِنَ الْوَقَائِعِ وَالْفِتَنِ، وَأَمَّا وَاسِطُ فَيَطْفِئُ عَلَيْهَا الْمَاءَ، وَ أَذْرِبِجَانُ يَهْلِكُ أَهْلُهَا بِالطَّاعُونَ، وَأَمَّا الْمَوْصِلُ فَيَهْلِكُ أَهْلُهَا مِنَ الْجُوعِ وَالْغَلَاءِ... وَ أَمَّا حَلَبُ فَتَخْرَبُ مِنَ الصَّوَاعِقِ، وَ تَخْرَبُ دِمَشْقُ مِنْ شِدَّةِ الْقَتْلِ... وَ أَمَّا بَيْتُ الْمَقْدِسِ فَإِنَّهُ مَحْفُوظٌ لِأَنَّ فِيهِ آثَارَ الْأَنْبِيَاءِ»<sup>۱</sup>

«شهر بغداد در اثر شورش‌ها و فتنه‌ها ویران می‌شود، شهر واسط (در عراق) در اثر طغیان آب خراب می‌گردد، مردم آذربایجان به وسیله طاعون هلاک می‌شوند، مردم موصل (در عراق) از گرسنگی و گرانی می‌میرند، شهر حلب (در سوریه) در زیر صاعقه‌ها (توپ‌ها) از بین می‌رود، شهر دمشق (شام) در اثر شدت کشت و کشتار ویران می‌شود، و اما بیت المقدس (اورشلیم) به احترام نشانه‌های پیامبران در امان است.»

در روایتی از کتاب عقد الدرر به فرموده از رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده است:

«یکی از وقایع قبل از قیامت صغری، فتح بیت المقدس است.»

همچنین در روایتی از کتاب نور الانوار به نقل از امیر مؤمنان بیان شده است:

«بهترین مسکنها در آن روز بیت المقدس می‌باشد و زمانی برای مردم پیش آید

که هر کس آرزو کند ای کاش من از سکنه آنجا بودم.»

همچنین مرویست:

«إِنَّ عُمَرَ بْنَ الْكَافَرِ، خَرَابُ يَثْرِبَ وَخَرَابُ يَثْرِبَ خُرُوجَ الْمَلْحَمَةِ وَخُرُوجَ الْمَلْحَمَةِ

فَتَحُّ الْقُسْطَنْطِينِيَّةِ وَفَتْحُ الْقُسْطَنْطِينِيَّةِ خُرُوجَ الدَّجَالِ»<sup>۲</sup>

«آبادی بیت المقدس خرابی مدینه را به دنبال دارد و خرابی مدینه نبرد بی امان

را به دنبال دارد و پس از آن قسطنطنیه (استانبول) فتح می‌شود و فتح قسطنطنیه

خروج دجال را به همراه دارد.»

«مَلَأَ حِمِّ النَّاسِ خَمْسٌ: قَدْ مَضَتْ إِثْنَتَانِ وَ ثَلَاثٌ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ: مَلْحَمَةُ التُّرْكِ، وَمَلْحَمَةُ الرُّومِ،

وَمَلْحَمَةُ الدَّجَالِ»<sup>۳</sup>

۱ - بشارة الاسلام، ص ۵۸.

۲ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۷.

۳ - الملاحم و الفتن، ص ۶۹.

«فجایع بزرگ جهان پنج تاست که دو تای آن واقع شده و سه تای آن در این امت واقع می شود: فاجعه ترک، فاجعه روم و فاجعه دجال.»

«يَخْرُجُ بَعْدَ جَفَافِ مَاءِ بُحَيْرَةِ طَبْرِيةٍ»<sup>۱</sup>

«دجال پس از خشک شدن دریاچه طبریه خروج می کند.»

در حدیث دیگر خبری در مورد این جرثومه تاریخ می خوانیم، او که با خروجش سعی دارد تا حق را باطل و خود را حق جلوه دهد و خروج او در زمان قحطی خواهد بود.

در حدیثی آمده است:

«بَيْنَ يَدَيْهِ ثَلَاثُ سَنَوَاتٍ: سَنَةٌ تُمَسِكُ السَّمَاءَ فِيهَا ثُلُثُ قَطْرِهَا، وَالْأَرْضُ ثُلُثُ نَبَاتِهَا، وَسَنَةٌ تُمَسِكُ فِيهَا السَّمَاءَ ثُلُثِي قَطْرِهَا، وَالْأَرْضُ ثُلُثِي نَبَاتِهَا وَسَنَةٌ تُمَسِكُ فِيهَا السَّمَاءَ قَطْرَهَا كُلَّهُ وَالْأَرْضُ نَبَاتَهَا كُلَّهُ، فَلَا يَبْقَى ذَاتٌ ظَلْفٍ وَلَا ذَاتُ خِزِيرٍ مِنَ الْبَهَائِمِ إِلَّا هَلَكَ وَإِنَّ مِنْ أَشَدِّ فِتْنِهِ أَنْ يَأْتِيَ الْأَعْرَابِيَّ يَقُولُ: أَرَأَيْتَ إِنْ أَخْيَيْتُ لَكَ إِبْلِكَ أَلَسْتُ تَعْلَمُ أَنِّي رَبُّكَ؟ فَيَقُولُ: بَلَى. فَيُمَثِّلُ لَهُ نَحْوَ إِبْلِهِ كَأَحْسَنِ مَا يَكُونُ ضُرُوعاً وَأَعْظَمِهِ أَسْنِمَةً! وَيَأْتِي الرَّجُلَ قَدْ مَاتَ أَخُوهُ وَمَاتَ أَبُوهُ فَيَقُولُ: أَرَأَيْتَ إِنْ أَخْيَيْتُ أَبَاكَ وَأَخَاكَ أَلَسْتُ تَعْلَمُ أَنِّي رَبُّكَ؟ فَيَقُولُ: بَلَى. فَيُمَثِّلُ الشَّيَاطِينَ نَحْوَ أَبِيهِ أَوْ أَخِيهِ»<sup>۲</sup>

«در پیش قدم خروج او (دجال) سه سال خشکی است: در سال اول آسمان یک سوم بارانش را حبس می کند و زمین یک سوم گیاهش را، در سال دوم آسمان دو سوم بارانش را حبس می کند و زمین دو سوم گیاهش را، در سال سوم آسمان همه بارانش را حبس می کند و زمین همه نباتش را، هیچ حیوان شمش داری نمی ماند جز این که هلاک می شود، حیوان و زوزکننده ای نمی ماند جز این که نابود می شود، از زشت ترین فتنه های او این است که پیش بادیه نشین می رود و می گوید: اگر شتر تو را زنده کنم باور می کنی که من پروردگار تو هستم؟ می گوید: آری.»

پس در برابر دیدگان او شترش را به بهترین شکلی مجسم می کند که با پستان های بسیار جالب و کوهان بسیار مرتفع دیده می شود!! به کسی که پدرش یا برادرش مرده است می گوید: اگر پدرت و برادرت را زنده کنم، باور می کنی که من پروردگار تو

۱ - الزام الناصب، ص ۲۶۱.

۲ - همان، ص ۱۸۱.



هستم؟ می‌گوید: آری، پس شیاطین را به صورت پدر و برادر او در می‌آورد.»  
 مرویست: رسول اکرم صلی الله علیه و آله سر نماز از فتنه دجال به خدا پناه برده و خطاب به اصحاب خود فرموده‌اند:

«إِنَّ مَعَهُ نَارًا وَنُورًا. فَنَارُهُ مَاءٌ بَارِدٌ، وَمَاؤُهُ نَارٌ. فَمَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَلْيَقْعْ فِي الَّذِي يَرَى أَنَّهَا نَارٌ، فَإِنَّهُ عَذَابٌ بَارِدٌ»<sup>۱</sup>

«همراه او آتش و نوری هست، آتش او آب خنک است و آب او آتش است، هر کس از شما شیعیان آن زمان را درک کند خود را به آنچه که آتش به نظر می‌رسد بیفکند که آنچه آتش تصور شود آب گوارایی است!»

همچنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله امت خود را از شرّ دجال بیم داده و فرموده‌اند:  
 «أَيُّهَا النَّاسُ، مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا وَقَدْ أَنْذَرَ قَوْمَهُ الدَّجَالَ. وَإِنَّ اللَّهَ قَدْ أَخَّرَهُ إِلَى يَوْمِكُمْ هَذَا. فَمَهْمَا تَشَابَهَ عَلَيْكُمْ فِي أَمْرِهِ فَإِنَّ رَبَّكُمْ لَيْسَ بِأَعْوَرَانِةٍ يَخْرُجُ عَلَى حِمَارٍ عَرَضُ مَا بَيْنَ أذُنَيْهِ مِيلًا يَخْرُجُ وَمَعَهُ جَنَّةٌ وَنَارٌ وَجَبَلٌ مِنْ خُبْزٍ وَنَهْرٌ مِنْ مَاءٍ أَكْثَرُ أَتْبَاعِهِ الْيَهُودُ وَالنِّسَاءُ وَالْأَعْرَابُ. يَدْخُلُ أَفَاقَ الْأَرْضِ كُلِّهَا إِلَّا مَكَّةَ وَلَا بَشِيْنَهَا وَالْمَدِيْنَةَ وَلَا بَشِيْنَهَا فَإِنَّهُمَا مَحْرَمَتَانِ عَلَيْهِ.»<sup>۲</sup>

«ای مردم! خداوند پیامبری را نفرستاده جز این که قوم خود را از دجال بیم داده است و خداوند او را برای زمان شما ذخیره کرده است، اگر کارهای او بر شما مشتبه شود، این هرگز مشتبه نشود که او کور است و پروردگارتان کور نیست، او بر فراز مرکبی می‌آید که بین دو گوشش یک میل<sup>۳</sup> است، او خروج می‌کند درحالی که بهشت و جهنم را با خود یدک می‌کشد و کوهی از نان و رودخانه‌ای از آب را همراه خود حمل می‌کند، بیشترین پیروانش، یهودیان، زنان و بادیه نشینان هستند، به همه اقطار و اکناف جهان وارد می‌شود جز مکه و حوالی مکه و مدینه و حوالی مدینه، که هر دو (مکه و مدینه) بر او حرام است.»

«إِنَّهُ لَمْ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ، مُنْذُ ذَرَأَ اللَّهُ ذُرِّيَّةَ آدَمَ، أَعْظَمَ مِنْ فِتْنَةِ الدَّجَالِ! وَإِنَّ اللَّهَ لَمْ

۱ - بشارة الاسلام، ص ۲۷۴.

۲ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۷، ح ۲۷.

۳ - میل مقیاس طول که اندازه آن مختلف است میل انگلیسی ۱۶۰۹ متر. میل دریایی ۱۸۵۲ متر. در عربی میل به چهار هزار ذراع گفته می‌شود. هر ذراع از آرنج تا نوک انگشتان مردان است.

يَبْعَثُ نَبِيًّا إِلَّا حَدَّرَ أُمَّتَهُ الدَّجَالَ، وَأَنَا آخِرُ الْأَنْبِيَاءِ وَأَنْتُمْ آخِرُ الْأُمَمِ وَهُوَ خَارِجٌ فِيكُمْ لَا مَحَالَةَ! <sup>۱</sup>

«از روزی که خداوند اولاد حضرت آدم را آفریده است فتنه‌ای بالاتر از فتنه دجال نیست، خداوند پیامبری نفرستاده جز این که امت خود را از فتنه دجال بیم داده است، من آخرین پیامبر و شما آخرین امت هستید، او بدون تردید در میان شما خروج خواهد کرد.»

دجال نماینده هر تباهی و گمراهی، هر انحطاط و آلودگی، نامش صائد بن صید، نام پدرش صیاد و نام مادرش کاهنه می باشد که هر دو یهودی اند.

دجال مردی چاق، آبله رو، ارزق چشم، ریش دو شاخ طویل و دهان متعفن دارد، شقی کسی است که ادعاهای او را تصدیق کند و سعادت مند کسی است که او را تکذیب نماید.

مروست: دجال دارای قدرت و تأثیر بسیاری است یک چشم او مسح شده و چشم دیگرش در پیشانی اوست که مانند ستاره صبح می درخشد و از همه جا می گذرد و حتی به خانه های مؤمنان نیز وارد می شود مگر از مکه و مدینه که اجازه گذر نخواهد داشت و اتفاقاً قشری از مردم از او پیروی می کنند، نقل شده: از هر موی خر دجال، نغمه ای به گوش می رسد و از هر مویش یک ترانه و غنای انحرافی برمی خیزد که عده ای از اقشار جامعه در اطرافش فساد می کنند شاید بتوان گفت: در عصر حاضر ماهواره ها و شبکه های مخابراتی وارد خانه ها شده و اثرات سوء آن، نقش دجال را تداعی می کند؛ زیرا از هر کانال ماهواره و... برنامه های متنوع با صحنه های غیر اخلاقی و انحرافی پخش می شود، در همین رابطه بسیاری از بندگان خدا بدان وابسته شده تا آنجا که تابعان با پیروی کردن از آن، آخرین فرصت خود را از دست می دهند و کسانی که در این برهه از زمان فکر می کنند باید از زندگی لذت برد و اکثر اوقات را به خوشگذرانی سپری کرد اشتباه کرده و باید بدانند در پایان، خسارت عظیمی متوجه آنان خواهد شد، مگر این که از کرده خود پشیمان شده و از گناهان گذشته توبه کنند.

قرآن در این باره حقیقت را این‌گونه بیان می‌کند از جمله در سوره حضرت مریم علیها السلام می‌خوانیم:

﴿ فَخَلَفَ مِنْ بَغْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غِيًّا ﴾<sup>۱</sup>

«اما پس از آنان، فرزندان ناشایسته‌ای روی کار آمدند که نماز را تباه کردند و از شهوات پیروی نمودند و به زودی (مجازات) گمراهی خود را خواهند دید.»

در این رابطه باید باور کرد که اگر بندگان خدا با دجال و دجال صفتان مبارزه نکنند و اگر بر خواسته‌ها و تمایلات خویش چیره نشوند و خود را از آلودگی دور نکنند به آن سعادت وعده داده شده دست نخواهند یافت، همانان که در آزمایشات سخت و فتنه‌های عجیب خواهند گفت: ﴿مَتَى نَصُرُ اللَّهَ﴾ «یاری خدا کجاست؟» قرآن کتاب آسمانی می‌فرماید:

﴿ أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى ﴾<sup>۲</sup>

«آیا انسان گمان می‌کند بیهوده و بی‌هدف رها می‌شود؟»

در قرآن کریم به آزمایش بنی آدم اشاره شده و این چنین نقل شده است:

﴿ ... وَتَبْلُوكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ ﴾<sup>۳</sup>

«... ما شما را به بد و نیک (شر و خیر) مبتلا کردیم تا بیازمائیم و بازگشت شما به سوی ما است.»

بدون تردید خلقت بشر برای هدفی والا بنا گذاشته شده و آفرینش او در این قالب مادی و دنیوی برای آن است که هر یک از ایشان در طی آزمایشات متعدد ثابت کنند تا چه حد در اطاعت از حق تسلیم او امر الهی هستند؛ زیرا خوب می‌دانیم هیچ یک از بندگان خدا از انجام تکالیف مقرر شده مبرا نیستند و اگر بتوان از این عمر کوتاه و زودگذر بهره‌کافی جسته و از اعمال باطل روی گردان باشیم حتماً

۱ - سوره مریم (۱۹) آیه ۵۹.

۲ - سوره قیامت (۷۵) آیه ۳۶.

۳ - سوره انبیا (۲۱) آیه ۳۵.

سعادت را در دو جهان تجربه خواهیم کرد.

در همین رابطه قرآن مجید به مؤمنان نوید داده و فرموده‌اند:

﴿إِلَّا مَنْ تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحاً فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَ لَا يُظَلَّمُونَ شَيْئاً﴾<sup>۱</sup>

«مگر آنان که توبه کنند و ایمان بیاورند و کار شایسته انجام دهند؛ چنین

کسانی داخل بهشت می‌شوند و کمترین ستمی به آنان نخواهد شد.»

به تحقیق در این دنیا، بهشت همان وجود مقدس حضرت مهدی علیه السلام است و حیات همراه با خوشبختی و سعادت در عصر حکومت کریمه امکان‌پذیر می‌باشد، حیات در عصر بزرگواری که به سوی ما می‌آیند.

آری، به امید حق و به اذن پروردگارا! آن بهشت موعود و آن سعادت گمشده منتظران از دروازه‌های عرش الهی گذشته و به مدد اهل کره زمین خواهند شتافت، به راستی باید لیاقت داشت تا به افتخار حضور نایل گشت.

همچنین روایات متعددی در مورد خروج دجال وارد شده است از جمله: خروج دجال یا از اصفهان، سجستان (سیستان)، خراسان و یا از میان شام و عراق است.

در هر حال او خروج خواهد کرد در حالی که چشم راست ندارد و چشم دیگرش در پیشانی اوست<sup>۲</sup> و در میان دو چشم او با خط خوانایی نوشته شده است:

«أَيْسٌ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ» یعنی: «مأیوس از رحمت الهی است.»

در روایت دیگر می‌خوانیم: در میان دو چشم او نوشته شده است: «هَذَا كَافِرٌ حَقًّا»<sup>۳</sup> «او حَقاً کافر است.» او ساحری است با ترفندهای مخصوص خودش و در زمان خروج به تمام شهرهای آباد وارد می‌شود و به مدت چهل روز در روی زمین جولان می‌دهد.

۱ - سورة مریم (۱۹) آیه ۶۰.

۲ - شاید بتوان گفت: دجال با شکل ظاهری خود که یک چشم در پیشانی دارد مظهر نظام یک بعدی حاکم بر بعضی از نقاط در جهان باشد و یا شاید منظور افرادی باشند که برای دنیای فانی کار و تلاش می‌کنند و برای دنیای باقی هیچ توشه‌ای تدارک نمی‌بینند.

۳ - در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام این جمله «هَذَا كَافِرٌ حَقًّا» میان دو چشم همه کافران نوشته خواهد شد. (بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۰۰، ح ۱۲۰)

مرویست: «روز نوروز، روزی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در غدیر خم از مردم برای امیر مؤمنان علیه السلام عهد و پیمان گرفت پس افراد اقرار کردند، دیگر این که روز نوروز، روزی است که حضرت علی بر اهل نهروان ظفر یافت و بالأخره روز نوروز، روزی است که امام زمان علیه السلام بر دجال و پیروان او ظفر می‌یابد.»<sup>۱</sup> ان شاء الله

بارالها! با تعجیل در فرج حضرت مهدی! حکومت عدل و داد را بر جهان حاکم فرما و ما را از فتنه‌های دجال رهایی بخش و درک و فهم آن دوران مبارک را به ما مرحمت کن و امور همه ما را ختم به خیر گردان تا همگان از نجات یافتگان باشیم. ان شاء الله امام محمد باقر علیه السلام در مورد دو نشانه از نشانه‌های ظهور فرموده‌اند:

«شَارَتَانِ بَيْنَ يَدَيِ هَذَا الْأَمْرِ: خُسُوفُ الْقَمَرِ بِخَمْسٍ، وَكُسُوفُ الشَّمْسِ بِخَمْسَةِ عَشَرَ. لَمْ يَكُنْ ذَلِكَ مُنْذُ هَبَطَ آدَمُ إِلَى الْأَرْضِ. فَعِنْدَ ذَلِكَ يَسْقُطُ حِسَابُ الْمُنْجَمِينَ.»<sup>۲</sup>

«دو نشانه جالب در پیش قدم این امر: خسوف ماه در پنجم ماه و کسوف خورشید در پانزدهم آن، که چنین وضعی از روز هبوط حضرت آدم به روی زمین اتفاق نیفتاده است، در آن موقع حساب و نظام منجمان به هم می‌خورد.»

حضرت مهدی علیه السلام در مورد گرد آمدن ماه و خورشید این چنین فرموده‌اند:

«... وَاجْتَمَعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ<sup>۳</sup> وَاسْتَدَارَتْ بِهِمَا الْكَوَاكِبُ وَالتُّجُومُ.»<sup>۴</sup>

«... خورشید و ماه گرد آیند و ستارگان ثابت و سیار آنها را احاطه کنند.»

همچنین مرویست:

«عَمُودٌ نَارٍ يَطْلُعُ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ فِي السَّمَاءِ، يَرَاهَا أَهْلُ الْأَرْضِ، فَمَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ فَلْيُعِدَّ لِأَهْلِهِ طَعَامَ سَنَةٍ.»<sup>۵</sup>

«عمودی از آتش سمت مشرق در آسمان پدید می‌آید که همه مردم روی زمین

۱ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸، ح ۸۴

۲ - همان، ص ۲۰۷، ح ۴۱

۳ - در رابطه با گرد آمدن ماه و خورشید در بیستم مرداد ۱۳۷۸ ه. ش. همگان شاهد این پدیده بسیار نادر بودیم تا آنجا که در لحظاتی ماه و خورشید کاملاً روی هم قرار گرفتند و این چنین قدرت و عظمت باری تعالی به نمایش درآمد.

۴ - الزام الناصب، ص ۱۰۸

۵ - الملاحم و الفتن، ص ۱۳۱ و ۳۶

آن را می بینند، هر کس آن زمان را درک کند برای خانواده اش مواد غذایی یک ساله را تأمین کند.»

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در این باره فرموده اند:

«پناه می برم به خدا از آشوب مشرق و هنگامی که در مغرب اتفاق می افتد.»<sup>۱</sup>

«تَوَقَّعُوا آيَاتِ مَتَوَالِيَاتِ كَيْظَامِ الْخَرْزِ، وَأَوَّلِ الْآيَاتِ الصَّوَاعِقِ.»<sup>۲</sup>

«منتظر نشانه های پیایی به سان دانه های تسبیح باشید که نخستین آنان صاعقه های آسمانی است.»

«وَأَوَّلِ الْآيَاتِ الصَّوَاعِقِ، ثُمَّ الرِّيحُ الصَّفْرَاءُ، ثُمَّ رِيحٌ دَائِمٌ وَصَوْتُ مِنَ السَّمَاءِ يَمُوتُ بِهِ خَلْقٌ كَثِيرٌ.»<sup>۳</sup>

«نخستین نشانه صاعقه هاست، سپس باد زرد، آنگاه باد مداوم، سپس بانگ آسمانی که گروه فراوانی با آن صیحه از بین می روند.»

همچنین حضرت امام محمد باقر عَلَيْهِ السَّلَام در مورد فتنه های آخرالزمان در روایات فوق اشاره کرده و این چنین فرموده اند:

«لَا يَقُومُ الْقَائِمُ إِلَّا عَلَى خَوْفٍ شَدِيدٍ وَزَلْزَلٍ وَفِتْنَةٍ وَيَلَاءٍ يُصِيبُ النَّاسَ، وَطَاعُونَ قَبْلَ ذَلِكَ.»

«ثُمَّ سَيَفُ قَاطِعٌ بَيْنَ الْعَرَبِ، وَاخْتِلَافٌ بَيْنَ النَّاسِ وَتَشْتَّتٌ فِي دِينِهِمْ وَتَغْيِيرٌ فِي خَالِهِمْ، حَتَّى يَتَمَتَّى الْمُتَمَتَّى الْمَوْتَ صَبَاحاً وَمَسَاءً مِنْ عَظِيمٍ مَا يَرَى مِنْ كَلْبِ النَّاسِ وَأَكَلِ بَعْضِهِمْ بَعْضاً.»<sup>۴</sup>

«قائم قیام نمی کند مگر پس از وحشت شدید، زلزله ها، فتنه ها و بلاهای فراگیری

که بر مردم چیره شود و طاعونی پیش از آن شایع گردد و شمشیر برنده ای در میان

عرب پدید آید و اختلاف در میان مردم درافتد و امور مذهبی مردم مختل شود و

حالشان دگرگون گردد و هر صبح و شام آرزوی مرگ کنند و آن در اثر طغیان و

برده دری مردم است که به خون یکدیگر تشنه می شوند و خون همدیگر را می خورند.»

«إِذَا ظَهَرَتْ بِخُرَاسَانَ الزَّلَازِلُ، وَنَزَلَتْ بِهَمْدَانَ التَّوَازِلُ، فَوَجَعَتِ الْأَرَاغِفُ بِالْعِرَاقِ... وَسَمَلُ

۱ - منتظر تاریخ، ص ۴۱.

۲ - همان، ص ۱۰۲.

۳ - همان.

۴ - غیبت نعمانی، ص ۱۲۳؛ علاوه بر این ر.ک: بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۸، ح ۹۳.

الشَّامِ الْخِلَافِ، وَاخْتَلَفَتْ أَهْلُ الْيَمَنِ عَلَى الْمَلِكِ»<sup>۱</sup>

«چون در خراسان زلزله‌ها درگرفت و در همدان فاجعه‌ها پدید آمد و در عراق اضطراب‌های شدید سلب آرامش نمود و اختلافات، شام را فراگرفت و اهل یمن بر سر حکومت درگیر شدند.»

«ثُمَّ رَجَفَةٌ بِالشَّامِ يَهْلِكُ فِيهَا مِئَةٌ أَلْفٍ يَجْعَلُهَا اللَّهُ رَحْمَةً لِلْمُؤْمِنِينَ وَعَذَاباً عَلَى الْكَافِرِينَ»<sup>۲</sup>  
 «زمین لرزه‌ای در شام اتفاق افتد که صد هزار نفر در اثر آن هلاک می‌شوند، خداوند این زمین لرزه را رحمت برای مؤمنان و عذاب برای کافران قرار دهد.»  
 رسول اکرم صلی الله علیه و آله در این مورد می‌فرماید:

«أُبَشِّرُكُمْ بِالْمَهْدِيِّ، يُبْنِي فِي أُمَّتِي عَلَى إِخْتِلَافٍ مِنَ النَّاسِ وَزَلْزَلٍ»<sup>۳</sup>

«شما را به مهدی بشارت می‌دهم، هنگامی که اختلاف شدید در میان مردم پدید آید و زلزله‌های سختی واقع شود او قیام می‌کند.»  
 همچنین روایت شده است:

«إِذَا ظَهَرَتِ الْفَاحِشَةُ كَانَتِ الرَّجْفَةُ»<sup>۴</sup>

«هنگامی که روابط نامشروع شیوع پیدا کند زلزله زیاد می‌شود.»  
 «وَإِذَا تَرَكَتُمُ السُّنَّةَ ظَهَرَتِ الْبِدْعَةُ، وَازْتَقَبُوا عِنْدَ ذَلِكَ رِيحاً حَمْرَاءَ، أَوْ خَسْفاً أَوْ مَسْخاً، أَوْ ظُهُورَ الْعَدُوِّ عَلَيْكُمْ ثُمَّ لَا تُنْصَرُونَ»<sup>۵</sup>

«و هنگامی که سنت را ترک کنید، بدعت ظاهر می‌شود، در چنین زمانی منتظر بادهای سرخ، خسف، مسخ و غلبه دشمن باشید، و آنگاه به شما یاری نخواهد شد.»  
 در همین رابطه امام موسی کاظم علیه السلام می‌فرماید:

«تَكْثُرُ الْفِتْنُ فِي آفَاقِ الْأَرْضِ، وَالْمَسْخُ فِي أَغْدَاءِ الْحَقِّ»<sup>۶</sup>

«فتنه‌ها زمین را از کران تا کران فراگیرد، مسخ شدن در میان دشمنان حق و حقیقت فراوان شود.»

۱ - الزام الناصب، ص ۲۰۴.  
 ۲ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۶، ح ۷۳.  
 ۳ - همان، ج ۵۱، ص ۷۴، ح ۲۳.  
 ۴ - نهج الفصاحه، ج ۲، ص ۵۰۰.  
 ۵ - بشارة الاسلام، ص ۲۲.  
 ۶ - ارشاد مفید، ص ۳۳۸.

«وَمَسَّخِ لِقَوْمٍ مِنْ أَهْلِ الْبَدْعِ حَتَّىٰ يَصِيرُوا قِرَدَةً وَخَنَازِيرَ»<sup>۱</sup>

«گروهی از بدعتگزاران مسخ شده به صورت میمون و خوک در می آیند.»  
پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این مورد می فرماید:

«هرگاه بدعت‌ها در امت من ظاهر شد، پس عالم باید دانش خود را آشکار نماید، هر کس این کار را نکند لعنت خدا بر او خواهد بود.»<sup>۲</sup>

«سَيَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ خَسْفٌ وَقَذْفٌ وَمَسَّخٌ»<sup>۳</sup>

«در آخر الزمان خسف، قذف و مسخ واقع خواهد شد.»<sup>۴</sup>

امام محمد باقر علیه السلام در تفسیر آیه شریفه فرمودند:

﴿سُنُّرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ﴾<sup>۵</sup>

«نشانه‌های خود را در وجود آنان و در پیرامون آنان نشان می‌دهیم.»

سپس آن حضرت فرمودند:

«... يُرِيهِمْ فِي أَنْفُسِهِمُ الْمَسَّخَ، وَيُرِيهِمْ فِي الْأَفَاقِ انْتِقَاصَ الْأَفَاقِ عَلَيْهِمْ، فَيَرَوْنَ قُدْرَةَ اللَّهِ فِي

أَنْفُسِهِمْ وَفِي الْأَفَاقِ...»<sup>۶</sup>

«در وجود آنان مسخ و در پیرامون آنان خسف را بر آنان آشکار می‌کنیم تا قدرت خدا را در وجود خود و در اطراف خود ببینند و بر آنان روشن شود که او حق است ﴿حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ﴾ بدانند که ظهور قائم از سوی پروردگار متعال حق است و مردم به طور حتم آن را خواهند دید و چاره‌ای از آن نیست.»

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در مورد افرادی که مورد غضب خدا قرار می‌گیرند، می‌فرماید:

«وَالَّذِي بَعَثْنِي بِالْحَقِّ لِيُخَسَفَنَّ بِهِمْ وَيَمَسَّخَهُمْ قِرَدَةً وَخَنَازِيرَ»<sup>۷</sup>

۱ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۹، ح ۸۲.

۲ - اصول کافی، باب البدع، ح ۲.

۳ - نهج الفصلاحة، ج ۲، ص ۲۷۲؛ علاوه بر این رک: بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۳، ح ۷۱.

۴ - خسف: فرورفتن در زمین و زیر آوار ماندن بر اثر زلزله و رانش زمین، طوفان، سیل، جنگ و غیره. قذف: پرتاب چیزی مانند موشک، بمباران و ... مسخ: دگرگون شدن سیرت و صورت (مبدل شدن) انسان دو پا به حیوان چهارپا، در مجموع مسخ: یعنی دگرگونی و ضعف اخلاقی و غرق شدن در امیال نفسانی را گویند.

۵ - سوره فصلت (۴۱) آیه ۵۳.

۶ - غیبت نعمانی، ص ۱۴۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۱، ح ۱۱۰.

۷ - الزام الناصب، ص ۱۸۵؛ علاوه بر این رک: بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۰ - ۲۲۲، ح ۸۲.



«سوگند به خداوندی که مرا به حق برانگیخت، خداوند آنان را در دل زمین فرو می‌برد و آنان را مسخ کرده به صورت میمون و خوک درمی‌آورد.»

آن حضرت نیز در این رابطه یادآور می‌شود:

«... لَمْ يَجْرِ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ شَيْءٌ إِلَّا يَكُونُ فِي أُمَّتِي مِثْلَهُ، حَتَّى الْخَسْفُ وَالْمَسْخُ وَالْقَذْفُ...»<sup>۱</sup>

«... در میان بنی اسرائیل هیچ حادثه‌ای روی نداده است جز این که در میان امت

من نظیر آن روی خواهد داد، حتی خسف، مسخ و قذف...»

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه شریفه: ﴿وَلَنذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَذْنَىٰ دُونَ الْعَذَابِ

الْأَكْبَرِ﴾<sup>۲</sup> پیش از عذاب بزرگ، از عذاب کوچک به آنان می‌چشانیم.» فرموده‌اند:

«أَيُّ خِزْيٍ أَشَدُّ مِنْ أَنْ يَكُونَ الرَّجُلُ فِي بَيْتِهِ وَأَصْحَابِهِ، وَعَلَىٰ خِوَانِهِ وَسَطَ عِيَالِهِ إِذْ شَقَّ أَهْلُهُ

الْجُيُوبَ عَلَيْهِ وَصَرَخُوا، فَيَقُولُ النَّاسُ: مَا هَذَا؟ فَيَقَالُ: مُسِخٌ فَلَانَ السَّاعَةَ! وَقَدْ سَأَلَهُ صَاحِبُهُ

أَبُو بَصِيرٍ (رَضِيَ): يَكُونُ هَذَا قِيَامَ الْقَائِمِ أَوْ بَعْدَهُ؟ فَقَالَ: لَا، قَبْلَهُ.»<sup>۳</sup>

«چه ذلت و خواری بالاتر از این که انسان در میان خانه و خانواده‌اش در کنار سفره

نشسته باشد و ناگهان اهل خانه گریبان چاک کرده ناله سر دهند، مردم بپرسند: چه

شده؟! گفته شود: این فلانی است، همین الان مسخ شد!! ابو بصیر از آن حضرت

پرسید: این فجایع پیش از قیام قائم روی می‌دهد یا بعد از قیام او؟!

حضرت فرمودند: پیش از قیام او.»

در این باره در قرآن کریم آمده است:

﴿وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ الَّذِينَ اعْتَدَوْا مِنْكُمْ فِي السَّبْتِ فَقُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ﴾<sup>۴</sup>

«بطور قطع از حال کسانی از شما، که در روز شنبه نافرمانی و گناه کردند

آگاه شده‌اید؛ ما به آنان گفتیم: به صورت بوزینه‌هایی طرد شده درآئید.»

﴿فَجَعَلْنَاهَا نَكَالًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهَا وَمَا خَلْفَهَا وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ﴾<sup>۵</sup>

«ما این کیفر را (مسخ) درس عبرتی برای مردم آن زمان و نسل‌های بعد از

۱ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۳۱، ح ۱۶۱.

۲ - سوره سجده (۳۲) آیه ۲۱.

۳ - غیبت نعمانی، ص ۱۴۳.

۴ - سوره بقره (۲) آیه ۶۵.

۵ - همان، آیه ۶۶.

آنان و پند و اندرزی برای پرهیزکاران قرار دادیم.»

از امام صادق و امام باقر علیهما السلام در مورد این آیات نقل شده که فرمودند: «منظور از ﴿مَا بَيْنَ يَدَيْهَا﴾ نسل آن زمان و مراد از ﴿مَا خَلَقَهَا﴾ ما مسلمانان هستیم، در واقع این درس شامل همه انسان‌هاست.»<sup>۱</sup>

سخن خداوند در این آیه خطاب به پیامبر اسلام است و به او می‌فرماید: از یهود معاصر خویش درباره این جمعیت سؤال کند، در واقع این خاطره را در ذهن آنان مجسم سازد تا از آن پند گیرند و از سرکشی و کینگری که در انتظار سرکشان است پرهیزند. همچنین نقل شده است: منظور از روز شنبه که در آیه ۶۵ سوره بقره مطرح شده این است که در سرزمین فلسطین، بندری به نام ایله که امروزه به نام ایلاف معروف می‌باشد و منظور از ماهیگران و دریایی که ماهی می‌گرفتند دریای احمر است، خداوند در زمان حضرت موسی علیه السلام فرمان دادند که جماعت هشتاد و چند هزار نفری ساکن در آن دیار، روزهای شنبه به ماهی‌گیری نرفته و به عبادت پردازند، ولی اکثر این افراد حیلۀ به اصطلاح شرعی را به کار بردند و در کنار دریا، حوضچه‌هایی ترتیب داده و راه آن را به دریا گشودند و روزهای شنبه، راه حوضچه‌ها را باز کرده و ماهیان فراوان همراه آب وارد آن حوضچه‌ها شدند و اما به هنگام غروب که می‌خواستند به دریا بازگردند راهشان را محکم می‌بستند سپس روز یکشنبه شروع به صید آنها کرده و می‌گفتند خداوند به ما دستور داده صید ماهی نکنیم ما هم صید نکرده‌ایم بلکه تنها آنها را در حوضچه‌ها محاصره نموده‌ایم.

در همین رابطه نقل شده است:

«آن جماعت هشتاد و اندی هزار نفر که در حدود هفتاد هزار نفر از آنان به گناه آلوده شده و عده‌ای هم در مقابل این گناه بی‌تفاوت بودند و عده‌ای قلیل نیز امر به معروف و نهی از منکر کرده و چون موعظه آنان مؤثر واقع نشده بود، مجبور به هجرت شدند و دیار خود را ترک کردند و اتفاقاً در همان شب، کيفر الهی دامان آن دو گروه را گرفت، گروه گنهکار پس از چند روز مسخ شدن (به شکل میمون) به

۱ - تفسیر مجمع البیان، ذیل آیه مورد بحث.

هلاکت رسیدند و گروه دیگر نیز به کیفر الهی هلاک شدند.<sup>۱</sup>

دیگر نشانه‌ها را در احادیث فوق می‌خوانیم:

«يُزَجِرُ النَّاسَ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ عَنِ مَعَاصِيهِمْ بِنَارٍ تَطْهَرُ فِي السَّمَاءِ، وَحُمْرَةٌ تُجَلَّلُ آلِمَاءُ، وَخَسْفٌ بِبَغْدَادَ، وَخَسْفٌ بِلَدَةِ الْبَصْرَةِ، وَدِمَاءٌ تُسْفِكُ فِيهَا وَخَرَابٌ دُورِهَا وَفَنَاءٌ يَقَعُ فِي أَهْلِهَا، وَشُمُولٌ أَهْلِ الْعِرَاقِ خَوْفٌ لَا يَكُونُ مَعَهُ قَرَارٌ»<sup>۲</sup>

«پیش از قیام قائم مردم بایک سلسله از نشانه‌های آسمانی بیم داده می‌شوند:

۱ - آتشی که در آسمان پدید آید؛ ۲ - سرخی که افق‌ها را روشن سازد؛ ۳ - خسفی که در بغداد ظاهر شود؛ ۴ - خسفی که در بصره روی دهد؛ ۵ - خون‌هایی که در بصره ریخته شود؛ ۶ - خرابی خانه‌های بصره و نابودی مردمان آن؛ ۷ - فراگیر شدن ترس و وحشت در همه نقاط عراق که آسایش و آرامش را از همه مردم عراق سلب کند.»  
«...يَكُونُ عِنْدَ ذَلِكَ ثَلَاثَةٌ خُسُوفٍ: خَسْفٌ بِالْمَشْرِقِ، وَخَسْفٌ بِالْمَغْرِبِ، وَخَسْفٌ بِجَزِيرَةِ الْعَرَبِ...»<sup>۳</sup>

«... در آن هنگام سه خسف روی می‌دهد: یکی در مشرق، دیگری در مغرب و

سومی در جزیره العرب.»

حدیثی روایت می‌کند در شهر مدینه زیر سایه دیواری نشسته بودیم و حضرت پیامبر ﷺ هم در اتاقی حضور داشتند، پس ایشان سر مبارک بیرون آورده و فرمودند: چه می‌کنید؟ گفتیم: سخن می‌گوئیم.

حضرت فرمودند: درباره چه؟ گفتیم: درباره روز قیامت.

حضرت فرمودند: قیامت رانخواهید دید مگر پیش از آن ده نشانه ببینید:

«طُلُوعُ الشَّمْسِ مِنْ مَغْرِبِهَا، وَالذَّجَالُ، وَدَابَّةُ الْأَرْضِ وَثَلَاثَةٌ خُسُوفٍ تَكُونُ فِي الْأَرْضِ: خَسْفٌ بِالْمَشْرِقِ وَخَسْفٌ بِالْمَغْرِبِ وَخَسْفٌ بِجَزِيرَةِ الْعَرَبِ وَخُرُوجُ عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَخُرُوجُ يَاجُوجَ وَمَاجُوجَ وَتَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ نَارٌ تَخْرُجُ مِنَ الْيَمَنِ مِنْ قَعْرِ الْأَرْضِ لَا تَدْعُ خَلْقَهَا أَحَدًا تَسُوقُ النَّاسَ إِلَى الْمَحْشَرِ كُلَّمَا قَامُوا قَامَتْ لَهُمْ تَسُوقُهُمْ إِلَى الْمَحْشَرِ»<sup>۴</sup>

۱ - تفسیر نمونه.

۲ - ارشاد مفید، ص ۱۳۴۰ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۱، ح ۸۵.

۳ - الملاحم والفتن، ص ۱۱۱۷ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۰، ح ۱۱.

۴ - بحار الانوار، ج ۶، ص ۳۰۳.

«طلوع خورشید از سمت مغرب، (خروج) دجال، (برانگیخته شدن) جنبنده زمین، سه شکاف که در زمین واقع می شود، در مشرق، مغرب و جزیره العرب، خروج عیسی بن مریم عليه السلام، خروج یاجوج و ماجوج، آتشی در آخرالزمان در عدن از عمق زمین بیرون می آید که کسی را پشت سر خود وا نمی گذارد و مردم را به سوی محشر می راند، هر چه توقف کنند، توقف نموده و آنان را به طرف محشر حرکت می دهد.»

خداوند خطاب به مردم آن زمان می فرماید:

﴿ مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهَمُّ يَخِصِّمُونَ. فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً وَلَا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ ۱﴾

«چشم به راه نیستند جز یک خروج که آنان را بگیرد در حالی که با هم در ستیزند، پس نتوانند وصیت کنند و نه به سوی خانواده خویش باز گردند.»  
به تحقیق علائم ظهور یکی پس از دیگری به وقوع خواهد پیوست همان گونه که بسیاری از نشانه های آن سلسله وار به وقوع پیوسته است و خروج یاجوج و ماجوج<sup>۲</sup> یکی از نشانه های رستاخیز است، در همین رابطه آیاتی چند از سوره کهف به سفر ذوالقرنین اشاره کرده و می گوید: ذوالقرنین<sup>۳</sup> پس از سفر طولانی به یک منطقه کوهستانی رسید و در آنجا جمعیتی را مشاهده کرد که از نظر تمدن، عقب افتاده بودند و آنان از ناحیه دشمنانی سرسخت به نام یاجوج و ماجوج شکایت داشتند به همین دلیل آنان مقدم ذوالقرنین را مغتنم شمرده و دست به دامان آن بزرگوار شده و عرض کردند:

﴿ يَا ذَا الْقُرْنَيْنِ إِنَّ يَأْجُوجَ وَمَأْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَهَلْ تَجْعَلُ لَكَ

۱ - سوره یس (۳۶) آیه ۴۹، ۵۰.

۲ - یاجوج و ماجوج دو قبیله وحشی و خون خوار بودند که برای ساکنان اطراف مرکز سکونت خود مزاحمت داشتند (تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۵۵۱) به گفته مفسر بزرگ، علامه طباطبایی در المیزان و از مجموع گفته های تورات استفاده می شود که یاجوج و ماجوج گروه و یا گروه هایی بزرگ بودند که در دور دست ترین نقطه شمال آسیا زندگی می کردند و مردمی جنگ جو و غارت گر به شمار می آمدند. (المیزان ج ۱۳، ص ۲۱۱)

۳ - ذوالقرنین بنده ای از بندگان صالح خدا، مردی مهربان و معتقد به خدا و روز رستاخیز، مردی عادل و یار نیکوکاران و دشمن ستمگران بود و به مال و ثروت دنیا علاقه ای نداشت و او سدی را میان مردمی مظلوم و قومی ظالم بنا کرد که مصالحش آهن و مس گذاشته بود و به سد ذوالقرنین معروف است. (تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۵۴۳ و ...)

خُرُجاً عَلَىٰ أَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًّا<sup>۱</sup>

«ای ذوالقرنین! همانا یا جوج و مأجوج زمین را به تباهی می‌کشند، آیا برای تو هزینه‌ای قرار دهیم تا میان ما و ایشان سدی<sup>۲</sup> بسازی.»

ذوالقرنین در پاسخ آنان فرمود:

«مَا مَكَّنِي فِيهِ رَبِّي خَيْرٌ فَأَعِثُونِي بِقُوَّةٍ أَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ رَدْمًا أَتُونِي زُبَرَ الْحَدِيدِ حَتَّىٰ إِذَا سَاوَىٰ بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ انْفُخُوا حَتَّىٰ إِذَا جَعَلَهُ نَارًا قَالَ أَتُونِي أُفْرِغْ عَلَيْهِ قَطْرًا فَمَا اسْتَطَاعُوا أَنْ يَظْهَرُوهُ وَمَا اسْتَطَاعُوا لَهُ نَقْبًا قَالَ هَذَا رَحْمَةٌ مِنْ رَبِّي فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ رَبِّي جَعَلَهُ دَكَّاءَ وَكَانَ وَعْدُ رَبِّي حَقًّا.»<sup>۳</sup>

«آنچه را خدا در اختیار من گذارده بهتر است (از آنچه شما پیشنهاد می‌کنید) مرا با نیرویی یاری کنید، تا میان شما و آنان سد محکمی ایجاد کنم، قطعات بزرگ آهن برای من بیاورید (و آنها را به روی هم بچینید) تا کاملاً میان دو کوه را بپوشاند، سپس فرمود: آتش در اطراف آن بیفروزید و در آتش بدمید، (آنان دمیدند) تا قطعات آهن سرخ و گداخته شد، فرمود: (اکنون) مس ذوب شده برای من بیاورید تا به روی آن بریزم، سرانجام آنچه‌ان سد نیرومندی ساخت که آنان قادر نبودند از آن بالا روند و نمی‌توانستند سوراخی در آن ایجاد کنند.»

آنگاه ذوالقرنین فرمود:

«هَذَا رَحْمَةٌ مِنْ رَبِّي فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ رَبِّي جَعَلَهُ دَكَّاءَ وَكَانَ وَعْدُ رَبِّي حَقًّا.»<sup>۴</sup>

«این رحمتی از جانب پروردگار من است، ولی چون وعده پروردگارم فرا رسد آن را درهم کوبید و وعده پروردگارم حق است.»

﴿ حَتَّىٰ إِذَا فُتِحَتْ يَأْجُوجُ وَمَأْجُوجُ وَهُمْ مِّنْ كُلِّ حَدَبٍ يَنْسِلُونَ، وَاقْتَرَبَ

۱ - سوره کهف (۱۸) آیه ۹۴.

۲ - طبق تحقیق دانشمندان نقل شده: در سرزمین قفقاز میان دریای خزر و دریای سیاه سلسله کوههایی است همچون یک دیوار که شمال را از جنوب جدا می‌کند، تنها تنگه‌ای که میان این کوه‌های دیوار مانند وجود دارد که به تنگه «داریال» معروف است و در همانجا تاکنون دیوار آهنین باستانی به چشم می‌خورد به همین دلیل بسیاری معتقدند که سد ذوالقرنین همین سد است. (تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۵۵۰)

۳ - سوره کهف (۱۸) آیه ۹۵، ۹۶، ۹۷.

۴ - همان، آیه ۹۸.

الْوَعْدُ الْحَقُّ فَإِذَا هِيَ شَاخِصَةٌ أَبْصَارُ الَّذِينَ كَفَرُوا يَا وَيْلَنَا قَدْ كُنَّا فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا بَلْ كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿١﴾

«تا روزی که راه یاجوج و ماجوج باز شود و آنان از هر جانب پستی و بلندی زمین شتابان در آیند، آنگاه وعده حق نزدیک شود، ناگهان چشم کافران از حیرت فرو ماند.»

همچنین روایاتی در مورد بنوقنطوره نقل شده است از جمله:

«يُوشِكُ بَنُو قَنْطُورَا أَنْ يَخْرُجُوا بِكُمْ مِنْ أَرْضِ الْعِرَاقِ»<sup>۲</sup>

«نزدیک است که بنوقنطوره،<sup>۳</sup> شما را از سرزمین های خود از خاک عراق بیرون کنند.»  
 «يُوشِكُ أَنْ يُطَوِّىَ مَلِكُ الْعَرَبِ. يَطْوِيهِ بَنُو قَنْطُورَا، قَوْمٌ عِرَاضُ الْوُجُوهِ، قَطُسُ الْأَنْوَفِ، صِبَاغُ الْأَعْيُنِ، كَأَنَّ وَجُوهُهُمْ الْمَجَانُّ الْمَطْرَقَةُ، يَنْتَعِلُونَ الشَّعْرَ. يَنْزِلُونَ قَرْيَةً قَرِيبَةً مِنْ أَرْضِ الْعَرَبِ، بَلْ هِيَ مِنْ أَرْضِ الْعَرَبِ يُقَالُ لَهَا: جِبَانَةُ اللَّوْنِ، فَيُقَاتِلُهُمُ الْعَرَبُ قِتَالًا شَدِيدًا، فَيَقُولُ التُّرْكُ: إِذْفَعُوا إِلَيْنَا إِخْوَانَنَا مِنَ الْعَجَمِ وَلَا تُقَاتِلُكُمْ، فَيَقُولُ الْعَرَبُ لِلْمَوَالِي: إِلْحَقُوا بِإِخْوَانِكُمْ، فَيَقُولُ الْمَوَالِي: وَيَحْكُمُ، إِلَى الْكُفْرِ بَعْدَ الْإِسْلَامِ؟ ثُمَّ تُقَاتِلُهُمُ الْمَوَالِي قِتَالًا شَدِيدًا، فَيَهْزِمُهُمُ اللَّهُ حَتَّى لَا يَبْقَى مِنْهُمْ مُخْبِرٌ. وَيَجِيءُ الْمَوَالِي بِالْغَنَائِمِ، فَيَقُولُ الْعَرَبُ لِلْمَوَالِي: أَعْطُونَا مِمَّا غَنِمْتُمْ، فَيَقُولُونَ: لَا نَعْطِيكُمْ وَقَدْ خَدَلْتُمُونَا.»<sup>۴</sup>

«نزدیک است که سلطنت عرب به دست (بنوقنطوره) برچیده شود، بنوقنطوره قومی هستند با صورت های پهن، بینی های فرو رفته و دیدگان کوچک، صورت هایشان چون سپرهای آهنین است، کفش های مویی به پا می کنند و در محلی نزدیک سرزمین عرب فرود آیند که از زمین های عربی است به آنجا (وادی لون) گفته می شود، عرب ها سخت با آنان درگیر می شوند؛ ترک ها می گویند: برادران عجم ما را به ما پس دهید ما با شما جنگ نمی کنیم، (قوم) عرب به موالی می گویند:

۱ - سورة كهف (۱۸) آية ۹۶، ۹۷.

۲ - الملاحم و الفتن، ص ۷۴.

۳ - برخی گفته اند: قنطوره، کنیز حضرت ابراهیم عليه السلام بود و نژاد ترک و چین از اوست. (يوم الخلاص، ص ۹۶۰)

و چه بسا فتنه آنان همزمان با جنگ جهانی سوم همراه باشد که سپس فرج آل محمد صلی الله علیه و آله تحقق خواهد یافت. ان شاء الله

۴ - الملاحم و الفتن، ص ۱۴۰.

به برادران خود پیوندید، آنان می‌گویند: وای بر شما، آیا پس از اسلام به سوی کفر برگردیم؟! آنگاه موالی با آنان می‌جنگند و آنان را شکست می‌دهند و گزارشگری از آنان باقی نمی‌ماند، موالی با غنائم فراوان باز می‌گردند، عرب‌ها به موالی می‌گویند: از آنچه غنیمت گرفته‌اید به ما هم بدهید، آنان می‌گویند: چیزی به شما نمی‌دهیم، چون شما ما را تنها گذاشتید و ما را یاری نکردید.»

«وَيَلِّ لِلْعَرَبِ مِنْ مُخَالَفَةِ الْأَنْزَالِ، وَيَنْزِلُ لِأُمَّةٍ مُحَمَّدٍ إِذَا تَحَمَّلَ أَهْلُهَا الْبُلْدَانَ، وَعَبَرَ بَنُو قَنْطُورَاءَ سَيْحَانَ وَشَرِبُوا مَاءَ دَجَلَةَ، وَهَمُّوا بِقَضِيبِ الْبَصْرَةِ وَالْأَبْلَةَ، وَأَيْمُ اللَّهِ لَتَفَرَّقَنَّ بِلَدَّتِكُمْ حَتَّى كَأَنِّي أَنْظِرُ إِلَى جَامِعِهَا كَجَوْجُو سَفِينَةٍ أَوْ نَعَامَةٍ جَائِمَةٍ»<sup>۱</sup>

«وای بر عرب از مخالفت ترک‌ها، وای بر امت محمد هنگامی که شهرنشینی را تحمل کنند و بنوقنطوره از رود سیحان<sup>۲</sup> بگذرند و از آب دجله بخورند و به سوی بصره و ابله<sup>۳</sup> تهاجم کنند، سوگند به خدا که این شهر شما (بصره) بی‌گمان در زیر امواج دریا غرق خواهد شد، گویی با چشم خود می‌بینم که همه شهر غرقه گشته و مسجد شما همانند دکل کشتی سر از آب بیرون آورده و یا چون شترمرغی بر بستر آب تکیه داده است.»

«إِذَا قَتَلَ مُلُوكُ بَنِي الْعَبَّاسِ أَصْحَابَ الرَّمِيِّ عَنِ الْأَقْوَامِ بِوُجُوهِ كَالثَّرَاسِ.»<sup>۴</sup>

«هنگامی می‌رسد که سلاطین بنی‌عباس را کمانداران تیراندازی با چهره‌های گردی چون سپر به قتل برسانند.»

«وَأَكْثَرُ الْعَلَامَاتِ بَنُو قَنْطُورَاءَ، وَمُلْكُهُمُ الْعِرَاقَ وَأَطْرَافَ الشَّامِ.»<sup>۵</sup>

«از بیشترین نشانه‌های بنوقنطوره، سلطه آنان بر عراق و شامات است.»  
رسول اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید:

«كَأَنِّي أَرَاهُمْ قَوْمًا وَجُوهَهُمُ الْمَجَانُّ الْمَطْرَقَةُ، يَلْبَسُونَ السُّرْقَ وَالْدَيْبَاجَ، وَيَعْتَقِبُونَ الْخَيْلَ الْعِثَاقَ، وَيَكُونُ هُنَاكَ إِسْتِجْرَارُ قَتْلِ، وَيَكُونُ الْمُفْلِتُ أَقْلَ مِنَ الْمَأْسُورِ. وَلَيْسَ هُوَ بِعِلْمٍ غَيْبٍ. ذَلِكَ

۱ - يوم الخلاص، ص ۹۶۶.

۲ - سیحان رودی در جنوب ترکیه است.

۳ - ابله، شهر بزرگی در شرق بصره بوده است.

۴ - بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۵، ح ۱۶۸.

۵ - الزام الناصب، ص ۲۱۳.

عِلْمٌ عَلَّمَهُ اللَّهُ لِنَبِيِّهِ فَعَلَّمَنِيهِ وَدَعَا لِي بِأَنْ يَعْيَنَهُ صَدْرِي وَتَضَطَّمَ عَلَيَّ جَوَانِحِي»<sup>۱</sup>

«گویی آنان را با چشم خود می بینم که چهره هایشان چون سپرهایی است که پوست بر روی آن کشیده باشند، جامه های حریر و دیبا می پوشند و اسب های بسیار زیبایی را یدک می کشند، در آنجا کارزاری سخت روی می دهد و فراریان کمتر از اسیران خواهند بود.»

یکی از یاران گفت: بی گمان به شما علم غیب عطا شده است، (حضرت) فرمودند: ای برادر کلبی! این غیب نیست، این دانشی از خدای تبارک و تعالی است که آن را به پیامبرش آموخته و او به من تعلیم کرده و برای من دعا نموده که سینه ام گنجینه این علوم باشد و دلم فراگیرنده این دانش ها گردد.»

«إِذَا افْتَرَقَ بَنُو قَنْطُورَاءَ عَلَى اخْتِلَافٍ، وَأَلَّ بِهِمُ الْوَجَلُ إِلَى الْمَصَافِ، أُمْتَحِنُوا بِالرَّجْفِ وَأَنْكَشَفَ لِلْأَنَامِ عَلَى مُضْمَرِهِمْ»<sup>۲</sup>

«هنگامی که در میان بنو قنطوره اختلاف پدید آید، وحشت و ترس آنان را به صحنه جنگ بکشاند، در آن هنگام دچار زلزله می شوند و باطنشان بر همگان آشکار می گردد.»  
از ناحیه مقدسه حضرت ولی عصر حجت بن الحسن علیه السلام در ضمن توفیق شریفی خطاب به علی بن مهزیار چنین آمده است:

«إِنَّهُ إِذَا فُقِدَ الصِّينُ، وَتَحَرَّكَ الْمَغْرِبِيُّ، وَسَارَ الْعَبَّاسِيُّ، وَيُؤَيِّعَ السُّفْيَانِيُّ، يُؤَذِّنُ لَوْلِيِّ اللَّهِ»<sup>۳</sup>

«هنگامی که مرد چینی ناپدید شود، مراکشی قیام کند، عباسی برود و با سفیانی بیعت شود، برای ولی خدا اجازه ظهور داده می شود...»

علی بن مهزیار ضمن تشرف به پیشگاه آقا امام زمان علیه السلام از آن حضرت چنین شنیدند:

«يَا ابْنَ مَهْزِيَارَا أَلَا أَنْبَأُكَ؟ إِنَّهُ إِذَا فُقِدَ الصِّينِيُّ وَتَحَرَّكَ الْمَغْرِبِيُّ، وَسَارَ النُّعْمَانِيُّ وَتَرَبَّعَ

السُّفْيَانِيُّ، يُؤَذِّنُ لَوْلِيِّ اللَّهِ، فَأَخْرُجُ بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ فِي ثَلَاثِمِئَةٍ وَثَلَاثَةِ عَشَرَ رَجُلًا»<sup>۴</sup>

«ای پسر مهزیارا آیا برای تو بازگو نکنم؟! هنگامی که آن مرد چینی ناپدید شود، مغربی حرکت کند، نعمانی برود و سفیانی بر تخت نشیند، به ولی خدا اذن خروج

۱ - بنایع الموده، ج ۳، ص ۱۹۳.

۲ - الزام الناصب، ص ۲۰۴.

۳ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۰۴، ح ۱۳۱.

۴ - بشارة الاسلام، ص ۱۷۴.



داده می‌شود، آنگاه با ۳۱۳ تن از یارانم، از میان صفا و مروه ظاهر می‌شوم.»  
 مرویست: در این دوران، بلاها و فتنه‌ها همچون دانه‌های تسبیح یکی بعد از دیگری تحقق خواهد یافت در همین رابطه علامه محدث مرحوم سید هاشم حسینی بحرانی رحمته الله از ام سلمه نقل می‌کند که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «چون خداوند شب معراج مرا به آسمان برد بر عرش نگریستم که نوشته شده بود: معبود به حقی جز خدای یکتا نیست، محمد رسول و فرستاده خداست او را به علی تأیید و یاری نمودم و انوار علی، فاطمه، حسن، حسین، علی بن الحسین، محمد بن علی، جعفر بن محمد، موسی بن جعفر، علی بن موسی، محمد بن علی، علی بن محمد و حسن بن علی (صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین) را دیدم و نور حضرت حجت علیه السلام که همچون ستاره‌ای فروزان بین آنان می‌درخشید، عرض کردم: پروردگارا! این نور کیست و این انوار چه کسانی هستند؟

هاتفی ندا سرداد: ای محمد! این نور علی و فاطمه و این نور دو فرزندت حسن و حسین و این نور امامان از فرزندت حسین است که پاک و معصوم هستند و این نور حجت است که زمین را سرشار از قسط و عدالت سازد، چنان‌که مملو از جور و ستم شده باشد.»<sup>۱</sup>

به راستی چه جور و ستم و خیانتی بالاتر از آن که عده‌ای از شنیدن نام خدای سبحان در مساجد کراحت داشته و سعی در خفه کردن صدای مردم مظلومی را نمایند که طوق بندگی را به گردن کرده و رستگاری را طالب هستند، از جمله در آیه فوق می‌خوانیم:

﴿مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا أُولَٰئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَ لَهُمْ فِي الْأٰخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾<sup>۲</sup>

«کیست ستمکارتر از آن کس که نگذارد در مساجد خدا، نام وی برده شود و درویرانی آنها بکوشد؟ آنان حق ندارند جز ترسان، لرزان در آن (مسجد)ها درآیند، در این دنیا ایشان را خواری و در آخرت عذابی بزرگ است.»

۱ - کتاب مدینه المعاجز، ص ۱۵۳.  
 ۲ - سوره بقره (۲) آیه ۱۱۴.

امام صادق عليه السلام در این باره فرموده‌اند:

«چه کسی ستمگرتر از آن کس که نگذارد در مساجد نام خداوند یاد شود و برای ویرانی آن تلاش کند؟»

سپس آن حضرت فرمودند: «آنان رومی‌ها (یهودیان) هستند که بخت النصر را در تخریب بیت المقدس یاری کردند، برای آنان روا نیست که وارد مساجد الهی شوند جز با ترس و لرز، آن روز هیچ رومی (یهودی) وارد بیت المقدس نمی‌شود جز این که ترس دارد گردش از پیکرش جدا شود و یا جزیه از او مطالبه گردد و برای آنان در دنیا، خواری و زبونی و در آخرت عذابی عظیم است و خواری آنان در دنیا کشته شدن آنان به دست مبارک حضرت بقية الله الاعظم ارواحنا له الفداء در قیام شکوهمند آن حضرت به هنگام فتح قسطنطنیه (استانبول) است.»<sup>۱</sup>

در این حدیث تهدید در مورد یهودیانی است که بخت النصر را در تخریب بیت المقدس یاری کردند و همچنین تهدید به آن عده از افراد روا خواهد شد که حق را پذیرا نباشند و باید باور کرد که در عصر حکومت کریمه، هیچ قدرتی در مقابل حجت بر حق خدا توان ایستادگی نخواهد داشت؛ زیرا خداوند قدرت تام را به ایشان داده و هر نوع قدرتی را از دیگران سلب خواهد کرد و بدون شک هر نوع سعی و تلاش برای برخورد سوء با تنها سفیر کبیر آسمانی سرکوب خواهد شد مگر این که بندگان خدا حق را پذیرفته و تسلیم شوند اگرچه در این عصر عده‌ای بر علیه بندگان خدا چنان قد علم کرده که آنان در بدترین شرایط به سر می‌برند در همین رابطه رسول اکرم صلی الله علیه و آله به وضع آنان اشاره کرده و فرموده‌اند:

«يَنْزِلُ عَلَيَّ أُمَّتِي بَلَاءٌ لَمْ يَسْمَعْ بِبَلَاءٍ أَشَدَّ مِنْهُ، حَتَّى تَضِيقَ بِهِمُ الْأَرْضُ الرَّحْبَةَ!»<sup>۲</sup>

«بر امت من بلایی نازل می‌شود که بلایی سخت‌تر از آن شنیده نشده است، زمین با این همه وسعت بر آنان تنگ می‌شود!»

«بَلَاءٌ يُصِيبُ هَذِهِ الْأُمَّةَ حَتَّى لَا يَجِدَ الرَّجُلُ مَلْجَأً يَلْجَأُ إِلَيْهِ مِنَ الظُّلْمِ. ثُمَّ لَا يَزْدَادُ الْأَمْرُ إِلَّا

۱ - الحاروی للفناوی، ج ۲، ص ۱۲۳ به نقل از تفسیر طبری.

۲ - المهدي، ص ۲۲۱.

سِدَّةٌ، وَلَا الدُّنْيَا إِلَّا إِذْبَارًا، وَلَا النَّاسَ إِلَّا سُحْحًا... وَلَا تَقُومُ السَّاعَةُ إِلَّا عَلَى شِرَارِ الْخَلْقِ»<sup>۱</sup>  
 «بلایی به این امت می‌رسد که مردان آن پناهگاهی نمی‌یابند که از ستم ستمگران  
 به آنجا پناه ببرند، از آن پس هر روز اوضاع سخت‌تر می‌شود، دنیا بیشتر پشت  
 می‌کند، مردم بخیل‌تر می‌شوند و قیامت در عهد بدترین مردمان بر پا می‌گردد.»  
 در همین رابطه حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

«وَسَتَأْتِي الْيَهُودُ مِنَ الْعَرَبِ لِإِنشَاءِ دَوْلَتِهِمْ بِفِلِسْطِينَ قَالَ النَّاسُ: يَا أَبَا الْحَسَنِ أَنَّى تَكُونُ  
 الْعَرَبُ أَجَابَ أَنْدَاكَ تَكُونُ مُفَكِّكَةَ الْقُوَى مُفَكِّكَةَ الْعُرَى غَيْرَ مُتَكَائِفَةٍ وَغَيْرَ مُتَرَادِفَةٍ. ثُمَّ سِئِلَ علیه السلام  
 أَيَطْوُلُ هَذَا الْبَلَاءُ قَالَ لَا حَتَّى إِذَا أَطْلَقَتِ الْعَرَبُ أَعْتَنَتَهَا وَرَجَعَتْ إِلَيْهَا عَوَازِمَ أَخْلَامِهَا عِنْدَئِذٍ يَفْتَحُ  
 عَلَى يَدِهِمْ فِلِسْطِينَ وَتَخْرُجُ الْعَرَبُ ظَافِرَةً وَمُوجِدَةً وَسَتَأْتِي النَّجْدَةَ مِنَ الْعِرَاقِ كَتَبَ عَلَى رَايَاتِهَا  
 الْقُوَّةَ وَتَشْتَرِكُ الْعَرَبُ وَالْإِسْلَامُ كَأَنَّ لِنَخْلَصِ فِلِسْطِينَ مَعْرَكَةً وَأَيُّ مَعْرَكَةٍ فِي جُلِّ الْبَحْرِ تَخْوَضُ  
 النَّاسُ فِي الدَّمَاءِ وَيَمْشِي الْجَرِيحُ عَلَى الْقَتِيلِ ثُمَّ قَالَ علیه السلام وَسَتَفْعَلُ الْعَرَبُ ثَلَاثًا وَفِي الرَّابِعَةِ يَغْلَمُ  
 اللَّهُ مَا فِي نُفُوسِهِمْ مِنَ الثَّبَاتِ وَالْإِيمَانِ فِيهِ فَرَفَ عَلَى رُؤُسِهِمُ النَّصْرَ ثُمَّ قَالَ وَإِيمَ اللَّهِ يُذَبِّحُونَ ذَبْحَ  
 النَّعَاجِ حَتَّى لَا يَبْقَى يَهُودِيٌّ فِي فِلِسْطِينَ»<sup>۲</sup>

«زود است یهود از غرب برای تشکیل دولت خود به فلسطین بیاید مردم به  
 حضرت عرض کردند:

ای ابا الحسن پس عرب در آن موقع کجا هستند؟

حضرت فرمود: در آن وقت قوای عرب تفکیک شده، دسته دسته شده‌اند،  
 جماعت آنان از هم پراکنده و با هم در یک ردیف نخواهند بود.

از حضرت سؤال شد آیا این بلا طول می‌کشد؟

حضرت فرمود: نه آن وقتی که عرب از شکستگی‌های خود برگردد و از  
 خواب‌های خود بیدار شود آن وقت فلسطین به دست آنان فتح می‌شود و عرب  
 خارج شده با هم متحد شوند و مردمان شجاع دلیری هم از عراق می‌آیند که بر  
 پرچم‌های آنان نوشته شده است: قوت و قدرت، آن وقت عرب و سایر مسلمانان با

۱ - بنایع المودة، ج ۳، ص ۹۰.

۲ - کتاب عقائد الامامیه، ص ۲۷۰.

هم متحد می شوند و برای نجات فلسطین جنگی خواهد شد و چه جنگی در تمام اطراف دریا مردم در خون فرو می روند تا این که حتی مجروهان از روی کشته ها عبور می کنند.

آنگاه حضرت فرمود: عرب بر سه قسم می شود و دسته چهارم که خدا می داند چقدر ثبات قدم و ایمان دارند (شاید منظور ایرانی ها باشند) پس مانند ابر بر سر آنان یاری خدا فرو می ریزد.

حضرت فرمود: به خدا قسم سر یهود را می بُرنند مانند ذبح کردن میش ها تا این که یک نفر یهودی در فلسطین باقی نماند.»

همچنین حضرت درباره آن شرایط می فرماید:

«فَعِنْدَ ذَلِكَ تَخْرُجُ الْعَجَمُ عَلَى الْعَرَبِ، وَيَمْلِكُونَ الْبَصْرَةَ... أَلَا يَا وَيْلَ لِبَصْرَةَ مِمَّا يَجُلُّ بِهَا مِنَ الطَّاعُونَ وَمِنَ الْفِتَنِ يَتَّبِعُ بَعْضُهَا بَعْضًا. أَلَا يَا وَيْلَ لِفِلِسْطِينَ وَمَا يَجُلُّ بِهِ مِنَ الْفِتَنِ الَّتِي لَا تُطَاقُ. أَلَا يَا وَيْلَ لِأَهْلِ الدُّنْيَا وَمَا يَجُلُّ بِهَا مِنَ الْفِتَنِ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ وَجَمِيعِ الْبُلْدَانِ: الْغَرْبِ وَالشَّرْقِ وَالْجَنُوبِ وَالشَّمَالِ! أَلَا وَإِنَّ تَرَكَبَ النَّاسُ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ، وَتَتَوَاتَبُ عَلَيْهِمُ الْحُرُوبُ الدَّائِمَةُ، وَذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيَهُمْ، وَمَا رَبَّكَ بِظَلَامٍ لِلْعَبِيدِ.»<sup>۱</sup>

«در چنین زمانی عجم علیه عرب شورش کرده و بصره را اشغال می کند، وای به حال مردم بصره که طاعون و فتنه های فراوانی در آن پدید می آید! وای به حال مردم فلسطین از فتنه های غیر قابل تحملی که در آن واقع می شود! وای به حال مردم دنیا از فتنه های پیاپی که در آن زمان در شرق، غرب، شمال و جنوب جهان در هر شهر و قصبه ای اتفاق می افتد، هر گروهی علیه گروه دیگر شورش می کند و جنگ های دائمی یکی پس از دیگری روی می دهد، که همه اینها کیفر اعمال خود مردم است و پروردگارت هرگز بر بندگان ستمی روا نمی دارد.»

«لَا بَدَّ أَنْ يَكُونَ قُدَّامَ الْقَائِمِ سَنَةٌ تَجُوعُ فِيهَا النَّاسُ، وَيُصِيبُهُمْ خَوْفٌ شَدِيدٌ مِنَ الْقَتْلِ، وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالشَّمَرَاتِ، فَإِنَّ ذَلِكَ فِي كِتَابِ اللَّهِ لَبَيِّنٌ.»<sup>۲</sup>

۱ - الزام الناصب، ص ۱۹۶.

۲ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۸، ح ۹۳.

«به ناچار پیش از ظهور قائم سالی خواهد بود که مردم دچار گرسنگی بشوند و وحشت شدیدی از کشت و کشتار و کاهش در جان، مال و میوه‌ها داشته باشند. چنان‌که در کتاب خدا به روشنی آمده است.»

﴿وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَ  
الْشَّمَرَاتِ وَ بَشِيرِ الصَّابِرِينَ﴾<sup>۱</sup>

«هر آینه شما را بیازمائیم به چیزی از ترس و گرسنگی و کاهش از مال‌ها و جان‌ها و میوه‌ها و مژده بده صبر پیشگان را.»

در همین رابطه مرویست:

«الْجُوعُ خَاصٌّ وَ عَامٌّ: فَأَمَّا الْخَاصُّ مِنَ الْجُوعِ فَبِالْكُوفَةِ يَخْصُ اللَّهُ بِهِ أَعْدَاءَ آلِ مُحَمَّدٍ  
فِيهِلِكُهُمْ، وَأَمَّا الْعَامُّ فَبِالشَّامِ، يُصِيبُهُمْ خَوْفٌ وَ جُوعٌ مَا أَصَابَهُمْ بِهِ قَطُّ. وَأَمَّا الْجُوعُ فَقَبْلَ قِيَامِ  
الْقَائِمِ، وَأَمَّا الْخَوْفُ فَتَعْدَ قِيَامِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.»<sup>۲</sup>

«گرسنگی دو نوع است: گرسنگی خاص و گرسنگی عمومی. (و اما) گرسنگی ویژه در کوفه واقع می‌شود و منحصرأ برای دشمنان آل محمد صلى الله عليه وآله پیش می‌آید و آنان را هلاک می‌نماید، اما گرسنگی عمومی در شامات پدید آید و آنان را آنچنان دچار وحشت و گرسنگی می‌کند که هرگز نظیر آن را ندیده باشند، گرسنگی پیش از قیام قائم است ولی وحشت و اضطراب بعد از قیام قائم عليه السلام خواهد بود.»

«وَيَوْمَئِذٍ يَكُونُ اِخْتِلَافٌ كَثِيرٌ فِي الْأَرْضِ وَفِتْنٌ. وَيُضْبِحُ الزَّمَانُ مُكْلِحاً مُفْصِحاً، يَشْتَدُّ فِيهِ  
الْبِلَادُ وَ يَنْقَطِعُ فِيهِ الرَّجَاءُ.»<sup>۳</sup>

«آن روز اختلافات و فتنه‌ها فراوان شود سختی، قحطی و خشک‌سالی زمانه را فرا می‌گیرد، شهرها در تنگنا افتند و امیدها قطع می‌شود.»

امام جعفر صادق عليه السلام می‌فرماید:

«إِنَّ الْعَذَابَ الْأَذْنَى هُوَ الْقَحْطُ وَالْجَدْبُ وَغَلَاءُ الشَّعْرِ قَبِيلٌ خُرُوجِ الْقَائِمِ بِالسَّيْفِ! وَالْعَذَابُ  
الْأَكْبَرُ: الْمَهْدِيُّ بِالسَّيْفِ فِي آخِرِ الزَّمَانِ.»<sup>۴</sup>

۱ - سورة بقره (۲) آیه ۱۵۵.

۲ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۹، ح ۹۴.

۳ - يوم الخلاص، ص ۸۹۴.

۴ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۵۹، ح ۵۵.

«کیفر کوچک قحطی، خشک سالی، گرانی قیمت‌ها و شمشیر در آستانه ظهور قائم است، کیفر بزرگ با شمشیر بُرّان حضرت مهدی در آخر الزمان است.»  
 در مورد کیفر کوچک (قحطی) باید عرض کرد: در حال حاضر این معضل در نقاط مختلف کره زمین حاکم است در بعضی نقاط بیشتر تا آنجا که خطر مرگ بسیاری از بندگان خدا را تهدید می‌کند و چه بسا خشکسالی در جای جای جهان مشکلاتی را پدید آورد که مبارزه با آن بسی مشکل باشد و اگر کیفر کوچک قحطی باشد و کیفر بزرگ شمشیر در آستانه ظهور! پس نباید با آن روزهای مبارک فاصله چندانی داشته باشیم، امید است مؤمنان با دعای خیر و اعمال نیکشان سبب خشنودی پروردگار باشند و گنهکاران نیز به خود آمده و وجود عزیزشان را در سایه توبه و اعمال شایسته نجات دهند تا به امید حق از این فتنه آسیبی نبینند. ان شاء الله  
 امیر مؤمنان در مورد آن روز پر شکوه اشاره کرده و چنین فرموده‌اند:

«أَلَا إِنَّ فِي قَائِمِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ كِفَايَةَ لِّلْمُسْتَبْصِرِينَ، وَ عِبْرَةً لِّلْمُعْتَبِرِينَ، وَ مِخْنَةً لِّلْمُتَكَبِّرِينَ، لِقَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿ وَ أَنْذِرِ النَّاسَ يَوْمَ يَأْتِيهِمُ الْعَذَابُ ﴾<sup>۱</sup> هُوَ ظُهُورُ قَائِمِنَا الْمَغِيَّبِ، لِأَنَّهُ عَذَابٌ عَلَى الْكَافِرِينَ، وَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ.»<sup>۲</sup>

«آگاه باشید که قائم ما اهل بیت برای آنان که طالب هدایت باشند بس است و برای آنان که بخواهند عبرت بگیرند عبرت است و برای آنان که کبر و نخوت ورزند، عذابی جانکاه است، چنان که خدای تبارک و تعالی می‌فرماید: (مردم را از روزی که عذاب خدا فرا می‌رسد بترسان) که آن روز، ظهور قائم ما از پشت پرده غیبت می‌باشد که برای مؤمنان نجات و رحمت و برای کافران عذابی دردناک است.»  
 رسول اکرم صلی الله علیه و آله در مورد عده‌ای از امت نیز می‌فرمایند:

«بَيْنَ ذَلِكَ تَبَجُّعٌ أَعْوَجُ، لَيْسُوا مِنِّي وَلَا أَنَا مِنْهُمْ!»<sup>۳</sup>

«در آن میان اکثریت قاطع از راه منحرف هستند، آنان از من نیستند و من هم از آنان نیستم!»

۱ - سورة ابراهيم (۱۴) آیه ۴۴.

۲ - الزام الناصب، ص ۲۰۹.

۳ - غیبت شیخ طوسی، ص ۱۱۴.

«لَتَأْتِيَنَّكُمْ بَعْدِي أَرْبَعُ فِتْنٍ: الْأُولَى تُسْتَحَلُّ فِيهَا الدِّمَاءُ، وَالثَّانِيَةُ تُسْتَحَلُّ فِيهَا الدِّمَاءُ وَالْأَمْوَالُ، وَالثَّلَاثَةُ تُسْتَحَلُّ فِيهَا الدِّمَاءُ وَالْأَمْوَالُ وَالْقُرُوجُ، وَالرَّابِعَةُ صَمَاءٌ عَمِيَاءٌ مُطَبَّقَةٌ تَمُورُ مَوْرَ السَّفِينَةِ فِي الْبَحْرِ، حَتَّى لَا يَجِدَ أَحَدٌ مِنَ النَّاسِ مَلْجَأً، تَطِيرُ بِالشَّامِ، وَتَعْشَى الْعِرَاقَ، وَتَحْبِطُ الْجَزِيرَةَ يَدَهَا وَرِجْلَهَا، يَغْرُوكَ الْأَنْثَامُ الْبَلَاءُ فِيهَا عَزَّكَ الْأَدِيمُ، لَا يَسْتَطِيعُ أَحَدٌ أَنْ يَقُولَ فِيهَا: مَهْ، مَهْ!!! لَا تَرْفَعُونَهَا مِنْ نَاحِيَةٍ إِلَّا انْفَتَقَتْ مِنْ نَاحِيَةٍ أُخْرَى.»<sup>۱</sup>

«بعد از من چهار فتنه بر شما فرود آید که در اولی خون‌ها مباح می‌شود، در دومی خون‌ها و ثروت‌ها مباح می‌گردد، در سومی خون‌ها و ثروت‌ها و ناموس‌ها مباح می‌شود، در چهارمی آشوبی کور و کر جهان را مضطرب می‌سازد همچنان کشتی غول پیکر، آب‌های مجاور را مضطرب کند، این فتنه شام را زیر پر می‌گیرد و عراق را می‌پوشاند و در جزیره‌العرب دست و پا می‌زند، مردم تلخی حوادث و فشار آشوب را لمس می‌کنند، آنچنان‌که پوست به هنگام دباغی شدن، فشار وارده را لمس می‌کند، کسی قدرت یک کلمه سخن گفتن نخواهد داشت! این فتنه در نقطه‌ای آرام نمی‌یابد جز پس از آن‌که در نقطه‌ای دیگر بیداد کند.»

در روایات فوق نیز به فتنه هم‌نوعان و پادشاهان اشاره شده، چنان‌که می‌خوانیم:

«لَا يَقْتُلُكُمُ الْكُفَّارُ، وَلَكِنْ يَقْتُلُ الْجَارُ جَارَهُ وَ يَقْتُلُ الْأَخُ أَخَاهُ وَابْنُ عَمِّهِ! فَقَالَ لَهُ بَعْضُ أَصْحَابِهِ: وَ هَلْ مَعَهُمْ عَقُولٌ؟ قَالَ: تُنَزَّعُ عُقُولُ أَكْثَرِ أَهْلِ ذَلِكَ الزَّمَانِ.»<sup>۲</sup>

در آن روزگار «کفار شما را نمی‌کشند، بلکه همسایه همسایه را می‌کشد، برادر برادرش را و پسر عمو پسر عمویش را می‌کشد! برخی از اصحاب گفتند: مگر آنان عقل ندارند؟ (حضرت) فرمودند: عقل از بیشتر آنان گرفته می‌شود.»

امام محمد باقر علیه السلام در تفسیر آیه شریفه: ﴿ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ آتَيْكُمْ عَذَابُهُ بَيِّنَاتًا أَوْ نَهَارًا، مَاذَا يَسْتَعْجِلُ مِنْهُ الْمُجْرِمُونَ ﴾<sup>۳</sup> «بگو: اگر ببینید که عذاب او شبانگاه و یا به هنگام روز بر شما فرود آید چه چیزی را مجرمان از او به شتاب خواهند خواست.» فرمودند:

«فَهَذَا عَذَابٌ يَنْزِلُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ عَلَى فِسْقَةِ أَهْلِ الْقِبْلَةِ، وَ هُمْ يَجْحَدُونَ نُزُولَ الْعَذَابِ عَلَيْهِمْ.»<sup>۴</sup>

۱ - الملاحم والفتن، ص ۱۷.

۲ - الملاحم والفتن، ص ۱۸ و ۱۲۸.

۳ - سورة بونس (۱۰) آیه ۵۰.

۴ - بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۸۵ الزام الناصب، ص ۲۲ و ۱۷۵.

«آن عذابی است که در آخرالزمان بر گنهکاران اهل قبله نازل می شود، که آنان منکر نزول عذاب بر خود هستند.»

«وَيَخِ هَذِهِ الْأُمَّةِ مِنْ مُلُوكِ جَبَابِرَةٍ كَيْفَ يَقْتُلُونَ وَيُخَيِّفُونَ الْمُطِيعِينَ إِلَّا مَنْ أَظْهَرَ طَاعَتَهُمْ. فَأَلْمُومِينَ التَّقِيَّ يُضَانِعُهُمْ بِلِسَانِهِ وَيَفِرُّ مِنْهُمْ بِقَلْبِهِ. فَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ أَنْ يُعِيدَ الْإِسْلَامَ عَزِيزاً قَصَمَ كُلَّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ. وَهُوَ الْقَادِرُ عَلَى مَا يَشَاءُ، لِيُصْلِحَ الْأُمَّةَ بَعْدَ فُسَادِهَا.»<sup>۱</sup>

«وای بر این امت از دست پادشاهان ستمگری که بندگان خدا را می کشند و می ترسانند، جز کسانی را که برای آنان به فرمانبرداری تظاهر کنند! شخص مؤمن پرهیزکار با زبانش با آنان می سازد و با دلش از آنان فرار می کند، هنگامی که خداوند اراده کند عظمت و احتشام اسلام را بازگرداند و همه ستمگران سرکش و عنود را هلاک می سازد که او بر هر چه بخواهد قادر است، او این امت را پس از آن که تباه شده اند، اصلاح می نماید.»

«لَا يَخْرُجُ حَتَّى لَا يَبْقَى، قِيلَ وَلَا إِنَّ إِلَّا هَلَكًا»<sup>۲</sup>

«او (قائم) خارج نمی شود جز هنگامی که هیچ شاه و شاهزاده ای در روی زمین نمی ماند جز این که هلاک شوند.»

در همین رابطه امیر مؤمنان علیه السلام فرموده اند:

«إِنَّ مِنَ السَّنِينَ سَنَوَاتٍ جَوَادِعُ، تُجَدِّعُ فِيهَا عَطَارِفَةً وَهَرَاقِلَةً.»<sup>۳</sup>

«سال های خشکی، تنگی، هرج و مرج پیش آید که در آن سال ها، کار پادشاهان یکسره شده و ضربه های کاری بر آنان وارد می شود.»

«يَذْهَبُ مُلْكُ السَّنِينَ، وَيَصِيرُ مُلْكُ الشُّهُورِ وَالْأَيَّامِ فَقِيلَ: هَلْ يَطُولُ ذَلِكَ؟ فَقَالَ: لَا.»<sup>۴</sup>

«زمانمداری چند ساله از بین می رود و زمانمداری چند ماهه و چند روزه معمول می گردد، گفته شد: آیا این وضع مدت زیادی طول می کشد؟ فرمودند: خیر.»

«وَعِنْدَ ذَلِكَ إِخْتِلَافُ السَّنِينَ، وَإِمَارَةٌ مِنْ أَوَّلِ النَّهَارِ وَقَتْلٌ وَخَلْعٌ فِي آخِرِ النَّهَارِ.»<sup>۵</sup>

۱ - بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۸۳.

۲ - الملاحم والفتن، ص ۴۷.

۳ - يوم الخلاص، ص ۹۰۸.

۴ - بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۵.

۵ - الملاحم والفتن، ص ۱۱۱؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۲، ح ۲۲.



«در آن زمان، سال‌ها دگرگون می‌شود، اول صبح حکومتی به قدرت می‌رسد و تا آخر روز کشت و کشتار شده و سقوط می‌کند.»

همچنین مرویست: زمانی می‌رسد که حاکمان و زورمداران با شرایط جدیدی مواجه شوند چنان که امام جعفر صادق علیه السلام در احادیث فوق به آن دوران اشاره کرده است:

«بَيْنَا الرَّجُلُ عَلَى رَأْسِ الْقَائِمِ يَأْمُرُو يَنْهَى، إِذْ أَمَرَ بِضَرْبِ عُنُقِهِ. فَلَا يَنْقِي أَحَدٌ بَيْنَ الْخَافِقَيْنِ إِلَّا خَافَةً.»<sup>۱</sup>

«ناگهان در موقعی که برخی از زورمداران مشغول امر و نهی هستند، قائم دستور می‌دهد که او را گردن بزنند در شرق و غرب جهان کسی نمی‌ماند جز این که دچار رعب و وحشت می‌شود.»

«... يَنْعَثُ إِلَى رَجُلٍ لَا يَعْلَمُ النَّاسُ لَهُ ذَنْبًا فَيَقْتُلُهُ! حَتَّىٰ أَنْ أَحَدًا يَتَكَلَّمُ فِي بَيْتِهِ فَيَخَافُ أَنْ يَشْهَدَ عَلَيْهِ الْجِدَارُ!»<sup>۲</sup>

«... دستور می‌دهد کسی را که مردم از جرم او بی‌خبرند، دستگیر کرده، می‌آورند و گردن می‌زنند، کسی که در خانه خود سخن می‌گوید بیم آن را دارد که در دیوار بر او گواهی بدهند.»

حضرت رضا علیه السلام درباره آن روز می‌فرماید:

«قَبْلَ ذَلِكَ يَوْمَ بُوُوحٍ.»<sup>۳</sup>

«پیش از آن، روز بسیار داغی است.»

آن حضرت در احادیث دیگر فرموده‌اند:

«قَبْلَ هَذَا الْأَمْرِ قَتَلَ بِيُوحٍ. قِيلَ: وَمَا الْبِيُوحُ؟ قَالَ: دَائِمٌ لَا يَفْتُرُ.»<sup>۴</sup>

«پیش از آن امر، کشتار بسیار داغی هست. گفته شد که (بیوح) به چه معناست؟

فرمود: کشتار مداومی که سرد نشود و از حدت و شدت آن کاسته نگردد.»

چه بسا منظور از کشتار داغ، درگیری شدید در جنگ جهانی سوم باشد و از

۱ - بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۵.

۲ - همان، ص ۳۹۰.

۳ - غیبت نعمانی، ص ۱۴۴.

۴ - بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۸۲ و ۲۴۲.

تبعات همین جنگ، حرارت شدیدی بر جهان حکمفرما خواهد شد و باران سیل آسا بر جهان حاکم خواهد گشت، سپس جنایات سفیانی و غیر اوست که عده‌ای از بندگان خدا را تهدید می‌کند در این باره به خداوند پناه می‌بریم از فتنه‌های آخرالزمان و از او یاری می‌جوئیم از فتنه‌هایی که امان را می‌گیرد اگرچه در هر برهه از این عصر می‌بایست صبر و شکیبایی را پیشه خود گردانیم و اتحاد و انسجام را در میان خودمان حفظ کرده و برای مبارزه با هر فتنه‌ای یکدیگر را یاری کنیم و در این دوره از زمان بسیاری از افراد در سختی به سر خواهند برد و با مشکلات گوناگونی مواجه شده و از طرفی ما نیز باید به «بدا» امیدوار باشیم چه بسا بسیاری از حوادث یاد شده تحقق نیابد، بلکه زمینه وقوع رستاخیز صغری به امید حق به شکل معجزه آسایی آماده گردد؛ چون به دفعات در نامه‌های ارسالی از جانب آقا امام زمان علیه السلام خطاب به یاران آمده است از جمله آن حضرت در قسمتی از نامه خود به شیخ مفید این چنین فرموده‌اند:

«... فرمان ظهور ما ناگهانی و بدون مقدمه فرا می‌رسد...» اگر به راستی قرار باشد ظهور آن حضرت ناگهانی تحقق یابد پس ما مردم در هر لحظه از زمان می‌بایست در انتظار یک دگرگونی عظیم باشیم؛ زیرا این دوران سخت و طاقت فرسا که سپری شود به دورانی خجسته و بسیار مبارک برخواهیم خورد که تحول چشم‌گیری را به همراه دارد و خوشا به حال آنان که در انتظار آن روز به سر می‌برند و همچنین برای یاری رساندن به تنها حجت عالم تلاش می‌کنند در همین رابطه امام محمد باقر علیه السلام فرموده‌اند:

«الْقَائِلُ مِنْكُمْ: إِنْ أَدْرَكْتَ الْقَائِمَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَصْرْتَهُ، كَالْمُقَارِعِ مَعَهُ بِسَيْفِهِ وَالشَّهِيدَ مَعَهُ وَلَهُ شَهَادَتَانِ.»<sup>۱</sup>

«کسی که از شما مصمم است اگر قائم آل محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را درک کند، از یاری او دریغ نکند همچون کسی است که در حضور او شمشیر بزند و در حضور او به شهادت برسد و برای او دو شهادت است.»

امام سجاد علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«مَنْ تَبَتَّ عَلَىٰ وَلَا يَتَنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا، أَعْطَاهُ اللَّهُ أَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ مِثْلِ شَهْدَائِ بَدْرِ وَأَحَدٍ.»<sup>۱</sup>

«کسی که در زمان غیبت قائم بر ولایت ما ثابت و استوار بماند، خداوند به او پاداش هزار شهید از شهدای بدر و أحد عطا می‌کند.»

«إِنَّ أَهْلَ زَمَانِ غَيْبَتِهِ وَالْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ وَالْمُنْتَظِرِينَ لِظُهُورِهِ، أَفْضَلُ مِنْ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ. لِأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَىٰ أَعْطَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ وَالْأَفْهَامِ وَالْمَعْرِفَةِ مَا ضَارَتْ بِهِ الْغَيْبَةُ عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمَشَاهِدَةِ، وَجَعَلَهُمْ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِينَ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِالسَّيْفِ! أَوْلَيْكَ الْمُخْلِصُونَ حَقًّا وَشِيعَتُنَا صِدْقًا، وَالِدُّعَاءُ إِلَىٰ دِينِ اللَّهِ سِرًّا وَجَهْرًا.»<sup>۲</sup>

«اهل زمان غیبت او که قائل به امامت او ومنتظر ظهور او باشند، برتر از مردمان هر زمان دیگر می‌باشند؛ زیرا خدای تبارک و تعالیٰ به آنان آن قدر عقل، فهم و شناخت عطا فرموده است که غیبت امام در پیش آنان چون زمان حضور است خداوند اهل آن زمان را همانند مجاهدانی قرار داده که در محضر رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شمشیر بزنند، آنان مخلصان حقیقی و شیعیان واقعی و دعوت‌کنندگان به دین خدا در آشکار و نهان می‌باشند.»

«مَنْ مَاتَ عَلَىٰ حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ شَهِيداً وَمَنْ مَاتَ عَلَىٰ بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ لَمْ يَشْمَ رِيحَ الْجَنَّةِ.»<sup>۳</sup>

«کسی که با محبت آل محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از دنیا برود پاداش شهید خواهد داشت و کسی که با دشمنی آل محمد بمیرد، عطر بهشت به مشام او نخواهد رسید.»

همچنین آن حضرت فرموده‌اند:

«إِنْتَظِرُوا الْفَرَجَ وَلَا تَيَاسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ، فَإِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ إِنْتَظَارُ الْفَرَجِ. الْآخِذُ بِأَمْرِنَا مَعَنَا عَدَا فِي حَظِيرَةِ الْقُدْسِ، وَالْمُنْتَظِرُ لِلْفَرَجِ كَالْمُتَشَحِّطِ بِدَمِيهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.»<sup>۴</sup>

«منتظر فرج باشید و از روح خدا مأیوس نشوید که محبوبترین اعمال در نزد خدای عزوجل انتظار فرج است، کسی که پذیرای امر ما باشد، فردا در حظیره القدس (بهشت) با ماست و کسی که منتظر فرج باشد مانند کسی است که در راه خدا به خون خود آغشته شود.»

۱ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۵، ح ۱۳.

۲ - همان، ص ۱۲۲، ح ۴.

۳ - نور الابصار، ص ۱۱۴.

۴ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۳، ح ۷.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله خطاب به اصحاب خود فرمودند:

«سَيَأْتِي قَوْمٌ مِنْ بَعْدِكُمْ، الرَّجُلُ مِنْهُمْ لَهُ أَجْرٌ خَمْسِينَ مِنْكُمْ... قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ نَحْنُ كُنَّا مَعَكَ بِبَدْرٍ وَحَنْينِ وَأُحُدٍ وَنَزَلَ فِيْنَا الْقُرْآنُ! فَقَالَ: إِنَّكُمْ لَوْ تَحْمِلُونَ مَا حَمَلُوا لَمْ تَصْبِرُوا صَبْرَهُمْ!»<sup>۱</sup>

«بعد از شما قومی خواهد آمد که پاداش هر یک از آنان برابر پاداش پنجاه نفر از شماست، (اصحاب) گفتند: یا رسول الله! مگر نه این است که ما در حضور شما در بدر، حنین و اُحد شرکت جستیم و قرآن در میان ما نازل شد؟!»

آن حضرت فرمودند: اگر آنچه بر آنان روی خواهد داد، بر شما روی می داد شما نمی توانستید چون آنان صبر و شکیبایی را پیشه خود سازید.»

روایت است پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به هنگام تأمل در وضع شیعیان در آخرالزمان دست های مبارکشان را به سوی آسمان برافراشته و فرمودند:

«اللَّهُمَّ لَقْنِي إِخْوَانِي! مَرَّتَيْنِ فَقَالَ مَنْ حَوْلَهُ مِنْ أَصْحَابِهِ أَمَا نَحْنُ إِخْوَانُكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟! فَقَالَ: لَا، إِنَّكُمْ أَصْحَابِي، وَإِخْوَانِي قَوْمٌ فِي آخِرِ الزَّمَانِ آمَنُوا وَلَمْ يَرَوْنِي لَقَدْ عَرَفْتَهُمْ اللَّهُ بِأَسْمَائِهِمْ وَأَسْمَاءِ آبَائِهِمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُخْرِجَهُمْ مِنْ أَصْلَابِ آبَائِهِمْ وَأَرْحَامِ أُمَّهَاتِهِمْ؛ لِأَحَدِهِمْ أَشَدُّ بَقِيَّةً عَلَى دِينِهِ مِنْ خَرْطِ الْقَتَادِ فِي الْبَيْتَةِ الظُّلْمَاءِ، أَوْ كَالْقَابِضِ عَلَى جَمْرِ الْغَضَاءِ. أَوْلِيكَ مَصَابِيحُ الدُّجَى، يُنَجِّيهِمُ اللَّهُ مِنْ كُلِّ فِتْنَةٍ غَبْرَاءِ مُظْلِمَةٍ!»<sup>۲</sup>

«خداوندا! برادرانم را به من بنمایان، (حضرت این جمله را) دو بار فرمودند: که

یکی از اصحاب عرض کرد: ای رسول خدا مگر ما برادران شما نیستیم؟

(حضرت) فرمودند: نه شما یاران من هستید؛ برادران من کسانی هستند که در آخرالزمان می آیند و به من ندیده ایمان می آورند، خداوند آنان را پیش از آن که از صلب پدران به رحم مادران درآورد، با نام خود و پدرانشان به من معرفی نموده است که استقامت هر یک از آنان در دین خود، از کندن خارهای گون در شب تاریک و به دست گرفتن آتش گداخته سخت تر است، آنان مشعل های هدایت هستند که خداوند آنان را از فتنه های تیره و تاریک نجات می بخشد.»

۱ - بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۰، ج ۲۶.

۲ - همان، ص ۱۲۴، ص ۱۲۳، ج ۸.

آن حضرت نیز در مورد مؤمنان فرمودند:

«عِنْدَهَا يَذُوبُ قَلْبُ الْمُؤْمِنِ فِي جَوْفِهِ كَمَا يَذُوبُ الْمِلْحُ فِي الْمَاءِ: مِمَّا يَرَى مِنَ الْمُتَنَكَّرِ فَلَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُغَيِّرَهُ». الْمُؤْمِنُ يَمْشِي بَيْنَهُمْ بِالْمَخَافَةِ، فَإِنْ تَكَلَّمَ أَكَلُوهُ، وَإِنْ سَكَتَ مَاتَ بِغَيْظِهِ! <sup>۱</sup>

«در آن ایام قلب مؤمن در درون خود آب می‌شود، آنچنان‌که نمک در آب ذوب می‌شود؛ زیرا منکرات را می‌بینند و قدرت جلوگیری و تغییر آن را ندارند، مؤمن در میان آنان با ترس و لرز راه می‌رود، که اگر حرف بزند او را می‌خورند و اگر ساکت شود غصه مرگ می‌شود.»

چنان‌که در احادیث فوق به آن اشاره شده است:

«يَكُونُ الْمُؤْمِنُ مَحْزُونًا مُخْتَفِرًا لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُتَكَبَّرَ إِلَّا بِقَلْبِهِ يَبْلُغُ عِنْدَهُمْ كَلَّ هَوَانٍ». <sup>۲</sup>

«مؤمن در آن زمان محزون و مورد تحقیر است، او نمی‌تواند منکرات را جز در دلش انکار کند و در معرض هر نوع تحقیر قرار می‌گیرد.»

«الْمُؤْمِنُونَ يَبْتَلُونَ، ثُمَّ يُمَيِّزُهُمُ اللَّهُ عِنْدَهُ إِنَّ اللَّهَ لَمْ يُؤْمِنِ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ بَلَاءِ الدُّنْيَا وَمَرَائِبِهَا وَلَكِنَّهُ آمَنَهُمْ مِنَ الْعَمَى وَالشَّقَاءِ فِي الْآخِرَةِ!». <sup>۳</sup>

«مؤمنان به شدت مبتلا می‌شوند تا خداوند آنان را مورد آزمایش قرار دهد، خداوند آنان را از بلاها و تلخی‌های دنیا امان نداده است، بلکه آنان را از کوری و شقاوت آخرت امان داده است.»

«سَيَأْتِي عَلَيْكُمْ زَمَانٌ لَا يَنْجُو فِيهِ مِنْ ذَوِي الدِّينِ إِلَّا مَنْ ظَنَّنَا أَنَّهُ أَبْلَهُ وَصَبَرَ نَفْسَهُ عَلَى أَنْ يُقَالَ: إِنَّهُ أَبْلَهُ لَا عَقْلَ لَهُ!». <sup>۴</sup>

«برای شما زمانی پیش می‌آید که از افراد متدین کسی نجات نمی‌یابد، به جز افرادی که مردم آنان را ابله تصور کنند و آنان صبر و شکیبایی داشته باشند بر آن‌که آنان را ابله و بی‌خرد بخوانند.»

آنگاه آن حضرت برای دل‌داری شیعیان این چنین فرمودند:

«لَوْ تَعْلَمُونَ مَا لَكُمْ فِي مَقَامِكُمْ بَيْنَ عَدُوِّكُمْ، وَصَبْرِكُمْ عَلَى مَا تَسْمَعُونَ مِنَ الْأَذَى، لَقَرَّثَ أَعْيُنَكُمْ!». <sup>۵</sup>

۱ - بشارة الاسلام، ص ۲۵.

۲ - همان، ص ۱۱۳۲ علاوه بر این رک: بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۷، ح ۱۴۷.

۳ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۷.

۴ - اصول کافی، ج ۲، ص ۱۱۷.

۵ - منتخب الاثر، ص ۴۷۴.

«اگر شما می دانستید که زندگی شما در میان دشمنان و شکیبایی شما بر آزار آنان چه فضیلتی برای شما دارد، دیده‌هایتان روشن می شد.»

«إِذَا قَامَ الْقَائِمُ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْ كُلِّ مُؤْمِنٍ الْعَاثَةَ، وَرَدَّ إِلَيْهِ قُوَّتَهُ.»<sup>۱</sup>

«هنگامی که قائم قیام کند خداوند از هر مؤمنی اندوه و بیماری را می برد و به هر مؤمنی توان می بخشد.»

«إِنَّهُ لَوْ قَدْ كَانَ ذَلِكَ، أُعْطِيَ الرَّجُلُ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا وَجُعِلَتْ قُلُوبُهُمْ كَزُبُرِ الْحَدِيدِ. لَوْ قَذَفَ بِهَا الْجِبَالَ لَقَلَعَهَا وَكُنْتُمْ قَوْمَ الْأَرْضِ وَخَزَائِنَهَا.»<sup>۲</sup>

«چون این امر (قیام) واقع شود برای هر انسان، نیروی چهل مرد داده می شود و دل‌هایشان چون قطعه فولاد می گردد، که اگر با آن دل، خود را به کوه بزند از جای می کند و شما در آن زمان قائم به قسط در روی زمین و اختیاردار خزائن و معادن آن هستید.»  
امام محمد باقر علیه السلام در مورد واپسین روزهای آخر الزمان فرموده‌اند:

«لَا يَكُونُ هَذَا الْأَمْرُ حَتَّى يَذْهَبَ ثُلُثَا النَّاسِ! فَقَالَ أَصْحَابُهُ وَمَنْ يَبْقَى؟ فَقَالَ: أَمَّا تَرْضَوْنَ أَنْ تَكُونُوا فِي الثُّلُثِ الْبَاقِي؟»<sup>۳</sup>

«این امر ظهور تحقق نمی پذیرد جز هنگامی که دو سوم مردم از بین بروند! اصحاب عرض کردند: پس چه کسی باقی می ماند؟! فرمود: آیا شما نمی پسندید که از ثلث باقی باشید؟»

«أَمَّا تَرْضَوْنَ أَنْ أَعْدَاءَكُمْ يَقْتُلُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا وَأَنْتُمْ آمِنُونَ فِي بَيْوتِكُمْ؟»<sup>۴</sup>

«آیا نمی پسندید که دشمنان شما، یکدیگر را بکشند و شما در خانه‌های خود نشسته در امان و آرامش باشید؟»

از امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدند اگر روزی عذاب بیاید آیا مؤمنان را در بر می گیرد؟ حضرت فرمودند:

«نَعَمْ، وَلَكِنْ يَخْلَصُونَ بَعْدَهُ.»<sup>۵</sup>

«آری، ولیکن مؤمنان بعداً رهایی می یابند.»

۱ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۴، ح ۱۳۸.

۲ - بشارة الاسلام، ص ۲۴۰.

۳ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۳، ح ۲۷.

۴ - همان، ص ۳۳۵، ح ۶۹.

۵ - اصول کافی، ج ۲، ص ۲۴۷.

طبق احادیث موجود چه بسا آن دو سوم مردمی که به خطر می‌افتند در سایه جنگ اتمی خطر را تجربه کنند که معضلات آن عالمگیر می‌باشد، از جمله در حدیث فوق می‌خوانیم:

«... أما والله ان من ورائكم الذر (یعنی الأتم) لا تبقى ولا تذر...»<sup>۱</sup>

«آگاه باشید و بدانید که بعد از این زمان، عصر اتم است که جهان را به خرابی می‌کشد.»

امام جعفر صادق علیه السلام به این جنگ اشاره کرده و چنین فرموده‌اند:

«وقتی که آتشی شبیه به چوب دستی بزرگی که از طرف مشرق شعله می‌کشد به مدت سه یا هفت روز مشاهده کردید، پس متوقع فرج آل محمد باشید به درستی که آن حضرت، بعد از مدت کوتاهی از این واقعه ظهور می‌کنند.»<sup>۲</sup>

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جهت تهنیت خطاب به مؤمنان فرمودند:

«طُوبَى لِمَنْ لَقِيَهُ وَطُوبَى لِمَنْ أَحَبَّهُ، وَطُوبَى لِمَنْ قَالَ بِهِ. يُنَجِّهِمُ اللَّهُ مِنَ الْهَلَكَةِ وَبِالْإِقْرَارِ بِاللَّهِ وَبِرِسْوَلِهِ، وَبِجَمِيعِ الْأَيْمَةِ يَفْتَحُ اللَّهُ لَهُمُ الْجَنَّةَ. مَثَلُهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَثَلِ الْمِسْكِ الَّذِي يَسْطَعُ رِيحُهُ فَلَا يَتَغَيَّرُ أَبَدًا، وَمَثَلُهُمْ فِي السَّمَاءِ كَمَثَلِ الْقَمَرِ الْمُنِيرِ الَّذِي لَا يُطْفَأُ أَبَدًا.»<sup>۳</sup>

«خوشا به حال کسی که او را دیدار کند، خوشا به سعادت کسی که او را دوست بدارد و خوشا به حال آن‌که به او معتقد باشد، خداوند آنان را به سبب اقرار به خدا و رسول و امامان معصوم از هلاکت نجات می‌بخشد، خداوند درهای بهشت را به روی آنان باز می‌کند، مثل آنان در روی زمین مثل مُسک است که فضا را خوشبو می‌سازد و خود هرگز تغییر نمی‌یابد و مثل آنان در آسمان‌ها مثل ماه تابان است که تابش و درخشش آن هرگز به تاریکی نمی‌گراید.»

«طُوبَى لِلصَّابِرِينَ فِي غَيْبَتِهِ! طُوبَى لِلْمُقِيمِينَ عَلَى مُحَبَّتِهِ! أُولَئِكَ الَّذِينَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ وَقَالَ: (هُدَى لِلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ).»<sup>۴</sup>

«خوشا به حال شکیبایان در غیبت او و پای بر جایان در محبت او، که خدای (تبارک و تعالی) آنان را در کتابش چنین توصیف فرموده است: این قرآن، هدایت

۱ - کتاب موسوعة المهدي، ص ۵۷۸.

۲ - الزام الناصب، ص ۱۸۸ (به نقل از عوالم).

۳ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۱، ح ۴.

۴ - بنایع المودة، ج ۳، ص ۱۰۱.

برای پرهیزکاران است آنان که به غیب ایمان می آورند.»

در نامه‌ای که از ناحیه مقدسه حضرت ولی عصر علیه السلام به افتخار شیخ مفید رحمته الله صادر شده است، آن حضرت حوادث آخرالزمان را با سلسله مراتب خاصی این چنین بیان کرده‌اند که قسمتی از آن را در اینجا می خوانیم:

«فَقِفْ أَمَدَكَ اللَّهُ بِعَوْنِهِ عَلَى أَغْدَائِهِ الْمَارِقِينَ مِنْ دِينِهِ عَلَى مَا تَذَكَّرُهُ وَاعْمَلْ فِي تَأْدِيبِهِ إِلَى مَنْ تَشْكُرُ إِلَيْهِ. نَحْنُ وَإِنْ كُنَّا ثَاوِينَ بِمَكَانِنَا النَّائِي عَنْ مَسَاكِينِ الظَّالِمِينَ، حَسَبَ الَّذِي أَرَانَا اللَّهُ تَعَالَى لَنَا مِنَ الصَّلَاحِ وَلِشِيعَتِنَا الْمُؤْمِنِينَ فِي ذَلِكَ مَا دَامَتِ الدُّنْيَا لِلْفَاسِقِينَ، فَإِنَّا يُحِيطُ عَلْمُنَا بِأَنْبَاءِكُمْ وَلَا يَغْرُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِنْ أَخْبَارِكُمْ، وَمَعْرِفَتُنَا بِالزَّلَلِ الَّذِي أَصَابَكُمْ، قَدْ جَنَحَ كَثِيرٌ مِنْكُمْ إِلَى مَا كَانَ السَّلْفُ الصَّالِحُ عَنْهُ شَايِعًا، وَتَبَدُّوا الْعَهْدَ الْمَأْخُوذَ مِنْهُمْ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ، إِنَّا غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمُرَاغَاتِكُمْ وَلَا نَاسِينَ لِذِكْرِكُمْ. وَلَوْلَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ الْبَلَاءُ، وَاضْطَلَمَكُمُ الْأَغْدَاءُ، فَاتَّقُوا اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ وَظَاهِرُونَا عَلَى إِيْتِيَانِكُمْ مِنْ فِتْنَةٍ قَدْ أَنَاثَتْ عَلَيْكُمْ، يَهْلِكُ فِيهَا مَنْ حَمَّ أَجَلُهُ وَيُخْمَى عَلَيْهِ مَنْ أَذْرَكَ أَمَلَهُ. وَهِيَ إِمَارَةٌ لِأَرْوَفٍ حَرَكَتِنَا وَمُبَائِتِكُمْ بِأَمْرِنَا وَنَهْيِنَا وَاللَّهُ مَتِّمُ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ...»<sup>۱</sup>

«به آنچه تذکر می دهیم توجه کن، طبق آن عمل نما و به هر کس از افراد مورد اعتماد دسترسی پیدا کردی، مضمون آن را بازگو کن.

اگرچه ما در جای مخصوصی به دور از جایگاه ستمگران مسکن گزیده‌ایم، که خداوند مصلحت ما و شیعیان ما را در این دیده است تا هنگامی که حکومت جهان به دست ستمکاران است این چنین باشیم، ولی به اخبار شما آگاهی داریم و چیزی از اخبار شما از ما پوشیده نیست از نابسامانی‌هایی که بر شما عارض شده آگاهییم این نابسامانی‌ها از هنگامی آغاز شد که گروهی از شما، دست به کارهایی زدند که صالحان در گذشته از آنان به دور بودند، پیمانی را که خداوند از آنان گرفته، پشت سر انداختند، گویی از این پیمان هیچ اطلاعی ندارند!

ما شما را رها نکرده‌ایم و یادتان را از خاطر نبرده‌ایم وگرنه دشواری‌ها بر شما فرود می آمد و دشمنان شما را لگدمال می کردند، از خداوند بزرگ تقوا پیشه کنید و ما را در رفع گرفتاری‌هایی که بر شما فرود آمده یاری نمائید، این فتنه که هر کس



اجلش فرا رسیده در آن نابود می‌شود و هر کس به آرزویش رسیده از آن جان سالم به در می‌برد، نشانه نزدیک شدن نهضت ما و تلاش شما در اجرای اوامر و نواهی ما می‌باشد، خداوند نور خود را کامل می‌گرداند، حتی اگر مشرکان را خوش نیاید...، خود را به وسیله تقیه از آتش فتنه‌ای که انگیزه‌های جاهلی آن را برافروخته و تعصب‌های نژادی اموی آن را شعله‌ور ساخته و قوم هدایت یافته‌ای را به وحشت انداخته، نگاهدارید من ضامن نجات کسی هستم که خود را در این ورطه هلاکت نیندازد و برای فرار از آن راهی خداپسندانه برگزیند، چون ماه جمادی الاولی از همین امسال فرا رسد، از حادثه‌ای که در آن روی می‌دهد عبرت بگیرید و برای حوادث بعدی خود را مهیا سازید و از خواب گران برخیزید، به زودی نشانه‌ای بزرگ در آسمان برای شما پدیدار می‌شود و آنگاه نشانه‌ای بزرگ در زمین آشکار می‌گردد و در مشرق زمین حوادثی جانکاه روی می‌دهد که موجب تأثر و اضطراب خواهد شد، سپس گروه‌هایی منحرف از اسلام بر عراق تسلط می‌یابند و با کردارهای زشت خود موجب کمبود ارزاق در عراق می‌شوند، آنگاه با هلاکت طاغوتی از طواغیت این فاجعه بر طرف می‌شود و نیکان پرهیزکار از هلاکت او شاداب می‌گردند، آنگاه کسانی که از راه‌های دور و دراز به حج می‌روند به تمام اهداف خود می‌رسند و باموفقیت بر می‌گردند، ما نیز در راه اندازی کار آنان و ایجاد تسهیلات در سفر روحانی آنان برنامه‌ای داریم که بر اساس نظام خاصی به آنان می‌رسد بنابراین، هر یک از شما باید طوری رفتار کنند که به محبت ما نزدیکتر شود و از هر چیزی که خوشایند ما نیست و موجب غضب ما می‌شود دوری نماید که فرمان ظهور ما ناگهانی و بدون مقدمه فرا می‌رسد، که دیگر توبه سودی ندارد و پشیمانی از گناه دردی را دوا نمی‌کند و از چنگال عدالت رهایی نیابند؛ خداوند راه رشد و هدایت خود را بر شما بیاموزد و با رحمت و اسعه خود شما را مورد توجه و عنایت قرار دهد...»

حضرت ولی عصر که درود و رحمت خداوند بر او باد در این نامه که هزار و اندی سال پیش صادر شده است پس از ذکر حوادث و فجایع و لغزش‌های شیعیان، به آنان راه رشد و هدایت را در سایه تقوا و تقیه توصیه فرموده و از توجه خود نسبت

به شیعیان سخن به میان آورده‌اند که نویدی بس عظیم می‌باشد.

امام جعفر صادق علیه السلام در این باره توصیه‌ای فرموده‌اند:

«اگر یکی از شما دو جان داشت، می‌توانست با یکی از آن دو تجربه اندوخته و با دیگری زندگی جدی نماید ولی برای هیچ کس جز یک جان وجود ندارد هنگامی که از دستش رفت راه توبه بسته می‌شود، از این رهگذر هنگامی که کسی به نام ما به سراغ شما می‌آید خوب بیندیشید که برای چه شما را دعوت می‌کند و در چه راهی گام برداشته، خروج می‌نمائید؟»<sup>۱</sup>

آری، باید در مورد خودمان و هر آنچه که در اطراف ما می‌گذرد حساس باشیم و این را بدانیم با هر گامی که بر می‌داریم، روزهای ما سپری شده و فرداهای دیگر را پشت سر می‌گذاریم و بالأخره در یکی از همین فرداها در توبه به روی هر یک از ما بندگان خدا بسته خواهد شد تا آنجا که برای انجام اعمال خیر وقتی باقی نخواهد ماند، فردایی که سرنوشت ما در مقابل دو قضیه قرار دارد، یکی مرگ است که برای مؤمنان بسیار مبارک می‌باشد؛ زیرا مؤمنان نه تنها از مرگ نمی‌هراسند بلکه یکی از آرزوهایشان تحقق همین واقعه میمون و خجسته است، در واقع آنان واقف‌اند بر این امر که مؤمنان در این سفر روحانی به خواسته‌های الهی و معنوی خود دست می‌یابند، به راستی چه خواسته و هدفی با شکوه‌تر از آن که هر مؤمن و مؤمنه پس از مرگ، آفریدگار جهان را درک می‌کند و زندگی جدید را در کنار خوبان پشت سر می‌گذارد.

دیگر ظهور و حضور بزرگ منجی عالم بشریت حضرت بقیه الله الاعظم ارواحنا له الفداء می‌باشد که هر دو واقعه، قیامت محسوب می‌شود؛ زیرا با فرارسیدن مرگ هر انسان، قیامت فردی شروع شده و با قیام حضرت مهدی علیه السلام نیز قیامت صغری آغاز می‌شود و انسان در هر شرایطی مسئول است و وظیفه‌ای بس سنگین دارد مخصوصاً مردمی که در واپسین روزهای آخرالزمان به سر می‌برند، همانان که چشم به‌راهند و لحظه‌ها را می‌شمارند و باور دارند که خداوند به وعده خود وفا خواهد کرد و ان شاء الله با ظهور یگانه منتظر زمان حضرت مهدی مژده شادی برپیشانی عالم زده خواهد شد و ما منتظران آن حضرت نیز باور داریم، او که عین نور است در دل

شب همچون خورشید طلوع خواهد کرد تا در سایه‌اش جهان ظلمانی ما بینوایان منور گردد.

آری، باور داریم او که عزیز مهاجر ما شیعیان است به هجرت طولانی خود پایان خواهد بخشید و با حضور و ظهورش بذرا این انتظار فراگیر و این فراق طاقت فرسا را همچون خاکستر به باد صبا خواهد سپرد تا رنگ غم از دنیا رخت بر بسته و فقط شادی بر دل‌ها و چهره‌ها سایه افکند و ما نیز با شاعر عزیزی که این چنین سروده هم نوا می‌شویم و با همه منتظران به امید دیدار می‌خوانیم:

باز می‌گردد پرستویم ز کوچ      خانه‌اش در روزن قلب من است

بال‌هایش می‌خورد بر آسمان      آسمان از خنده‌هایش روشن است

آری، ای تنها پرستوی خدا برگرد و با آمدنت شادی را بر فرشیان و افلاکیان هدیه کن و پرچم فتح و ظفر را به اهتزاز درآور و با کشتی نجات، تشنگان عدالت و آزادی را به ساحل خوشبختی رهنمون باش و با برقراری حکومت عدل و داد به آنان حیات دوباره ببخش، حیات به آنانی که در دنیای پر از فتنه و آشوب چشم به افق دوخته و به امید رؤیت خورشید حیات بخش لحظه شماری می‌کنند و ببخش حیات مجدد را به آنانی که در دنیای باقی چشم به راه بوده و هر لحظه در انتظار آن ندای جانفزایی هستند که در اکناف جهان طنین اندازد و بندگان خدا را مخاطب قرار داده و بگوید:

﴿جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا﴾<sup>۱</sup>

«حق آمد و باطل نابود شد، به درستی که باطل نابود شدنی است و ثبات و

بقا ندارد.»

آری، آن روز مبارک روز رحمت است، رحمت برای تمامی مردان و زنان صالح که در جای جای عالم چشم به راه آقایان حضرت مهدی علیه السلام هستند، چشم به راه تا آن روز که ندای ملکوتی فرشته مقرب، حضرت جبرئیل را لبیک گویند که می‌فرماید:

«أَتَى أَمْرَ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ هَذَا الْمَهْدِيُّ خَلِيفَةُ اللَّهِ فَاتَّبِعُوهُ.»

«امر خدا فرا رسید دیگر شتاب مکنید این است مهدی خلیفه خدا، از او اطاعت کنید.»

به تحقیق باید از آن حضرت اطاعت کنیم چون حضرت مهدی تنها خلیفه خداست و حال امید است ما بندگان حق تعالی با توجه به دیگر علائم و شواهد ظهور به نتیجه مطلوب دست یافته و از بروز حوادث گوناگون نهراسیم بلکه آن آمادگی لازم را به دست آوریم که نیاز به آن شدیداً احساس می شود؛ زیرا اتفاقات و دگرگونی های موجود، خبر و هشدار برای همگان است که ای بندگان خدا! آگاه باشید که کره زمین در حال تغییر یافتن می باشد و حیات بشر در شرایط جدیدی قرار می گیرد و تحول عدیده ای در جهان رخ خواهد داد و... ما نیز در چنین اوضاعی می بایست به شوق دیدار و رسیدن به آن روزهای درخشان، چنگ به درگاه پروردگار انداخته و در سایه توبه واقعی و عبادتی همراه با خلوص و با دعا و استغاثه، صلح و آرامش جهانی را از خداوند طلب کنیم و از این همه اتمام حجت باید درس عبرت بگیریم بالاخص این پیام گهربار ما را باید بر آن وادارد که دیگر بیدار شویم و بیش از این وقت را از دست ندهیم و چه خبری شگفت انگیزتر از آن که آقا و مولایمان حضرت مهدی علیه السلام بفرمایند:

«دنیا به زودی به یک مخروبه تبدیل خواهد شد و تمدن به حداقل خواهد رسید چون ما هرچه حجت برای این مردم می فرستیم آنان به راه نمی آیند.»  
 آری، به فرموده آن حضرت تمدن به حداقل خواهد رسید و بسیاری از افراد با خسارات جبران ناپذیری مواجه خواهند شد که این خسارات حاصل یک عمر ندانم کاری و اشتباهات آنان است، همانان که نسبت به مقدسات بی اعتنا بوده و اهداف ایشان قیمتی نداشته و ندارد و حال که در آینده نه چندان دور قرار است گفت و گوی تمدن ها آغاز شود<sup>۱</sup> بهتر آن است منادیان و پیشگامان در گفت و گوی تمدن ها، برای مبارزه با چالشهای هزاره جدید و با توجه به مشکلات و ناهنجاری های حاکم بر جهان و همچنین جهت شکوفایی و پیش برد اهداف شکوهمند حضرت مهدی علیه السلام و به امید نجات اهل عالم تلاش کنند، امید است بندگان خدا در جای جای جهان در سایه کسب معرفت، معرفتی همراه با آگاهی به

۱ - البته اگر زمان به ما فرصت چنین تلاشی را بدهد، زیرا به نظر می رسد دنیا باردار یک تغییر و تحول نابهنگام است در واقع در این برهه از زمان، فرصت ها همانند طلای ناب ارزش دارند ما نیز باید تا می توانیم از زمانی که در اختیار داریم استفاده مطلوب کرده تا در پیشبرد اهدافمان موفق تر باشیم. ان شاء الله

اتحاد و انسجامی فراموش نشدنی دست یافته و ان شاء الله برای ساختن یک دنیای جدید متحد شوند و اگر در این گفت‌وگوی جهانی، از یگانه مصلح اکبر به عنوان تنها نجات دهنده بشر در روی کره خاکی یاد شود شاید همگان متوجه آن شخصیت آسمانی شده و از این همه سرگردانی‌های یابند و باید بندگان خوب خدا باور کنند که او (حضرت مهدی) تنها قدرتی است که می‌تواند صلح و آشتی، سلامت و سعادت گمشده را برای جهانیان به ارمغان آورد و آرامشی بی‌پایان بر جهان هستی حاکم گرداند و این گفت‌وگو خود می‌تواند یک اتمام حجت به شمار آید تا بسیاری از مردم جهان نگویند: ما نمی‌دانستیم و بی‌خبر بودیم، امید است این مواجهه حضوری و سمینار جهانی سبب همبستگی و اتحاد در میان دیگر امم از ادیان مختلف شده و به امید حق این حرکت نوین بر همگان مبارک باشد. ان شاء الله

دیگر نشانه‌های ظهور که در احادیث و روایات آمده چنین است:

«تَكُونُ آيَةٌ فِي رَمَضَانَ، ثُمَّ تَظْهَرُ عِصَابَةٌ فِي شَوَّالٍ، ثُمَّ تَكُونُ مَغْمَعَةٌ فِي ذِي الْقَعْدَةِ، ثُمَّ يُسَلِّبُ الْحَاجُّ فِي ذِي الْحِجَّةِ، ثُمَّ تُنْتَهَكُ الْمُحَارِمُ فِي الْمُحَرَّمِ، ثُمَّ يَكُونُ الضَّرْبُ فِي صَفَرٍ. ثُمَّ تَتَنَازَعُ الْقَبَائِلُ فِي شَهْرِ رَجَبٍ، ثُمَّ الْعَجَبُ الْعَجَبُ بَيْنَ جُمَادَى وَرَجَبٍ. ثُمَّ نَاقَةٌ مُقَبَّبَةٌ خَفِيفَةٌ خَيْرٌ مِنْ دَسَكْرَةٍ تَقُلُّ مِئَةَ أَلْفٍ»<sup>۱</sup>

«نشانه‌ای در ماه رمضان روی دهد، گروهی در ماه شوال خروج کنند، هرج و مرجی در ماه ذی‌قعدة پدید آید، حجاج در ماه ذیحجه غارت شوند، حرمت‌ها در ماه محرم متک شود، مهاجرت‌ها در ماه صفر واقع شود، جنگ‌های قبیله‌ای در ماه ربیع روی دهد، آنگاه همه شگفتی‌ها در میان جمادی و رجب است! در آن هنگام یک شتر تیز پای سایباندار بهتر از کاخ مجللی است که صد هزار نفر از آن حراست کنند.»

«الرَّاحِلَةُ بِقَبَائِلِهَا يَنْجُو عَلَيْهَا الْمُؤْمِنُونَ، خَيْرٌ مِنْ دَسَكْرَةٍ تَقُلُّ مِئَةَ أَلْفٍ»<sup>۲</sup>

«مرکبی<sup>۳</sup> که سایبانی داشته باشد و شخص با ایمان بتواند به وسیله آن از مهلکه بگریزد بهتر از یک کاخ با صد هزار نگهبان است.»

۱ - منتخب الاثر، ص ۴۵۱.

۲ - الملاحم والفتن، ص ۱۳۰.

۳ - شاید منظور اتومبیل و یا هر وسیله دیگری باشد که دارای سقف است.

امام صادق عليه السلام عده‌ای از شیعیان را یاد کرده و در مورد امنیت ایشان پیش از اذن ظهور این‌گونه فرمودند:

«بَلَدَةٌ بِالشَّامِ. فَقِيلَ: إِنَّ أَعْمَالَ الشَّامِ مُتَّسِعَةٌ. فَقَالَ: بَلَدَةٌ بِأَعْمَالِ الشَّقِيفِ وَبُيُوتِ وَرُتُوعِ تُعْرَفُ بِسَوَاحِلِ الْبَحَارِ وَأَوْطَانِ الْجِبَالِ. قِيلَ هَؤُلَاءِ شِيعَتُكُمْ؟ فَقَالَ: هَؤُلَاءِ شِيعَتُنَا حَقًّا، وَهُمْ أَنْصَارُنَا وَإِخْوَانُنَا، وَالْمُؤَاسُونَ لِغَرِيبِنَا، وَالْحَافِظُونَ لِسِرَّتِنَا، وَالْيَنَّةُ قُلُوبُهُمْ لَنَا، وَالْقَاسِيَةُ قُلُوبَهُمْ عَلَيَّ أَغْدَانِنَا، وَهُمْ كَسُكَّانِ السَّفِينَةِ فِي حَالِ غَيْبَتِنَا. تَمَحَّلُ الْبِلَادُ دُونَ بِلَادِهِمْ، وَلَا يُضَابُونَ بِالصَّوَاعِقِ. يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَيَعْرِفُونَ اللَّهَ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ، وَيَسَاوُونَ بَيْنَ إِخْوَانِهِمْ. أَوْلِيكَ الْمَحْرُومُونَ، الْمَغْفُورُ لِحَيِّهِمْ وَمَيِّتِهِمْ، وَذَكَرِهِمْ وَأَنْشَاهُمْ، وَالْأَسْوَدِ مِنْهُمْ وَأَبْيَضِهِمْ، وَحَرِّهِمْ وَعَبْدِهِمْ. وَإِنَّ فِيهِمْ رِجَالًا يَنْتَظِرُونَ، وَاللَّهُ يَجِبُ الْمُنْتَظَرِينَ.»<sup>۱</sup>

«شهری در شام هست، گفته شد شهرهای شامات بسیار است، (حضرت) فرمودند: شهری است (به نام ارنون)<sup>۲</sup> در منطقه شقیف که در اطراف آن قصبات فراوانی در کرانه‌های دریا و مناطق کوهستانی هست.

گفته شد: آنان شیعیان شما هستند؟ فرمودند: آری آنان شیعیان حقیقی ما هستند، آنان یاران و برادران ما هستند، آنان غربای ما را یاری می‌کنند و اسرار ما را محافظت می‌نمایند، دل‌هایشان برای ما نرم و برای دشمنان ما بسیار سخت و سفت است، آنان در زمان غیبت ما همانند سرنشینان کشتی هستند، در همه شهرها خشکسالی می‌شود ولی آنجا خشکسالی پیش نیاید، هرگز صاعقه به آنان صدمه نمی‌زند، آنان امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و خدا را به شایستگی می‌پرستند و در میان برادرانشان مواسات را رعایت می‌نمایند، آنان محرومانند، زنده و مرده‌شان آمرزیده است، مرد و زنشان، سیاه و سفیدشان، آزاد و برده‌شان مورد مغفرت حضرت احدیت است، در میان آنان مردان منتظری هست که هر لحظه انتظار فرج ما را می‌کشند و خداوند منتظران را دوست می‌دارد.»

آن حضرت نیز از شهر دیگری به نام قم یاد کردند، که آن شهر در کشور جمهوری اسلامی ایران واقع است، از جمله می‌خوانیم:

۱ - الامل الأمل، ص ۱۵.

۲ - ارنون شهری در جنوب لبنان است که قلعه «شقیف ارنون» در آنجاست.

«إِنَّ اللَّهَ اخْتَجَّ بِالْكَوْفَةِ عَلَى سَائِرِ الْبِلَادِ وَيَالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَهْلِهَا عَلَى غَيْرِهِمْ مِنْ أَهْلِ الْبِلَادِ. وَاخْتَجَّ بِبَلَدَةِ قُمْ عَلَى سَائِرِ الْبِلَادِ، وَيَالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَهْلِهَا عَلَى سَائِرِ أَهْلِ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ. وَلَمْ يَدْعِ اللَّهُ قُمْ وَأَهْلَهَا مُسْتَضْعَفِينَ، بَلْ وَقَقَّهُمْ وَأَيَّدَهُمْ إِنَّ الدِّينَ وَأَهْلَهُ بِقُمْ ذَلِيلٌ، وَلَوْلَا ذَلِكَ لَأَسْرَعَ النَّاسُ إِلَيْهَا فَخَرِبَتْ قُمْ وَخَرِبَ أَهْلُهَا فَلَمْ تَكُنْ حُجَّةً عَلَى سَائِرِ الْبِلَادِ. وَإِذَا كَانَ ذَلِكَ لَمْ تَسْتَقِرَّ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَلَمْ يُنظَرُوا. إِنَّ الْبَلَايَا مَدْفُوعَةٌ عَنْ قُمْ وَأَهْلِهَا. وَسَيَأْتِي زَمَانٌ تَكُونُ بَلَدَةُ قُمْ وَأَهْلُهَا حُجَّةً عَلَى الْخَلَائِقِ، وَذَلِكَ فِي زَمَنِ غَيْبَةِ قَائِمِنَا إِلَى ظُهُورِهِ، وَلَوْلَا ذَلِكَ لَسَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا إِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَتَدْفَعُ الْبَلَايَا عَنْ قُمْ وَأَهْلِهَا، وَمَا يَقْضِيهَا جَبَّارٌ بِسُوءِ إِلَّا قَصَمَهُ قَاصِمُ الْجَبَّارِينَ، وَشَغَلَهُ عَنْهُمْ بِذَاهِيَةٍ أَوْ بِمُصِيبَةٍ أَوْ عَدُوٍّ. وَيُنْسِي اللَّهُ الْجَبَّارِينَ مِنْ دَوْلَتِهِمْ ذِكْرَ قُمْ وَأَهْلِهَا كَمَا نَسُوا ذِكْرَ اللَّهِ»<sup>۱</sup>

«خدا به وسیله کوفه بر همه شهرها احتجاج نمود<sup>۲</sup> و با مؤمنان از اهل آن بر اهل دیگر شهرها و به وسیله قم بر همه شهرهای جهان و با مؤمنان از اهل آن، بر همه مردم شرق و غرب از جن و انس.

خدا هرگز قم و اهل قم را به خواری و زیونی ترک نمی‌کند، بلکه آنان را توفیق می‌دهد و تأیید می‌کند ولی همواره دین و اهل دین در قم خوار هستند و اگر چنین نمی‌شد، مردم به سوی آن هجوم می‌بردند و آنجا را ویران می‌ساختند و دیگر حجتی بر دیگر شهرها باقی نمی‌ماند و در این صورت آسمان و زمین بر جای خود ثابت و استوار نبوده و به ساکنان زمین مهلت داده نمی‌شد.

بلاها از قم و اهل قم دفع شده، زمانی فرا می‌رسد که قم و اهل قم بر همه خلائق حجت می‌باشند و آن در زمان غیبت قائم ماست تا موعد ظهور او و اگر قم نبود زمین ساکنانش را در کام خود فرو می‌برد، فرشتگان بلاها را از قم و اهل قم دفع می‌کنند و هیچ ستمگری در حق آنجا تصمیم بد نمی‌گیرد، جز این که درهم شکننده ستمگران او را ریشه کن می‌سازد، یا به بلایی سخت گرفتار می‌کند و یا او را با جنگ و دشمن مشغول می‌سازد، خداوند قم و اهل قم را از یاد زمامداران ستمگر می‌برد، چنان‌که یاد خدا را فراموش کرده‌اند.»

۱ - منتخب الاثر، ص ۲۶۳.

۲ - لفظ کوفه شامل نجف اشرف نیز هست ولی اقامه حجت و دلیل به مراجع تقلید، منظور نجف اشرف می‌باشد.

«قُمْ يَجْتَمِعُ فِيهَا عِبَادُ اللَّهِ الْمُؤْمِنُونَ، يَنْتَظِرُونَ مُحَمَّدًا وَشَفَاعَتَهُ لِلْقِيَامَةِ وَالْحِسَابِ، يَجْرِي عَلَيْهِمُ الْهَمُّ وَالْغَمُّ وَالْأَحْزَانُ وَالْمَكَارِهِ»<sup>۱</sup>

«بندگان مؤمن خدا در شهر قم اجتماع می کنند و انتظار شفاعت پیامبر اکرم را در روز قیامت و روز حساب می کشند، انبوه غم و اندوه بر آنان سرازیر می شود و انواع ناملايمات آنان را فرا می گیرد.»

«إِنَّمَا سُمِّيَتْ قُمْ هَكَذَا لِأَنَّ أَهْلَهَا يَجْتَمِعُونَ مَعَ قَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ، وَيَقُومُونَ مَعَهُ وَيَسْتَقِيمُونَ عَلَى نُصْرَتِهِ»<sup>۲</sup>

«قم به این جهت (قم) نامیده شده که اهل آن در محضر قائم آل محمد گرد می آیند و با او قیام می کنند و از یاری او منحرف نمی شوند.»  
امام صادق علیه السلام در مورد عده ای از ساکنان قم فرموده اند:

«قُمْ عَشُّ آلِ مُحَمَّدٍ وَ مَأْوَى شِيعَتِهِمْ وَلَكِنْ سَيَهْلِكُ جَمَاعَةٌ مِنْ شِيَابِهِمْ بِمَغْصِيَةِ آبَائِهِمْ وَ الْاِسْتِخْفَافِ وَ السَّخْرِيَّةِ بِكِبْرَائِهِمْ وَ مَشَايِحِهِمْ وَ مَعَ ذَلِكَ يَدْفَعُ اللَّهُ عَنْهُمْ شَرَّ الْأَعَادِي وَ كُلِّ سُوءٍ»<sup>۳</sup>

«قم قرارگاه آل محمد و پناهگاه شیعیان است لیکن گروهی از جوانانشان در اثر گناهان پدران خویش و ارج نهادن و تمسخر بزرگان و پیران به هلاکت درخواهند افتاد ولی با این حال باز هم خداوند شر دشمنان و هر بدخواهی را از آنان دور خواهد ساخت.»

در روایتی از امیرمؤمنان علیه السلام پرسیدند به هنگام بروز فتنه ها و بلاها به کجا پناه ببریم، آن حضرت چنین فرمودند:

«أَسْلَمَ الْمَوَاضِعُ يَوْمَئِذٍ أَرْضُ الْجَبَلِ. فَإِذَا إِضْطَرَبَتْ خُرَاسَانَ، وَوَقَعَ الْحَرْبُ بَيْنَ أَهْلِ جُرْجَانَ وَطَبْرِشْتَانَ وَخَرَجَتْ سَجِسْتَانَ، فَأَسْلَمَ الْمَوَاضِعُ يَوْمَئِذٍ قَصَبَةٌ قُمْ تِلْكَ الْبَلَدَةُ الَّتِي يَخْرُجُ مِنْهَا أَنْصَارُ خَيْرِ النَّاسِ أَبَا وَأَمَّا وَجَدًا وَجَدَّةً وَعَمًّا وَعَمَّةً تِلْكَ الَّتِي تُسَمَّى الرَّهْرَاءَ بِهَا مَوْضِعٌ قَدَمُ جَبْرَائِيلَ وَهُوَ الْمَوْضِعُ الَّذِي نَبَعَ مِنْهُ الْمَاءُ الَّذِي مَنْ شَرِبَ مِنْهُ أَمِنَ مِنَ الدَّاءِ وَمِنْ ذَلِكَ

۱ - اختصاص مفید، ص ۱۰۱.

۲ - منتخب الاثر، ص ۴۸۵.

۳ - سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۴۶.



الماء عَجْنِ الطَّيْنِ الَّذِي جُعِلَ مِنْهُ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ وَمِنْهُ يَغْتَسِلُ الرَّضَاعِيُّ عليه السلام وَمِنْ ذَلِكَ الْمَاءِ يُخْرَجُ كَبُشْ إِبْرَاهِيمَ وَعَصَا مُوسَى وَخَاتَمَ سُلَيْمَانَ عليه السلام <sup>۱</sup>

«سالم‌ترین مناطق روی زمین در آن روز کوهستان است هنگامی که در خراسان اضطراب شد و در میان گرگان و طبرستان (مازندران) جنگ درگرفت و در سجستان (سیستان) شورش شد، در آن روز سالم‌ترین مناطق، شهرستان قم (و اطراف قم) <sup>۲</sup> است که یاران بهترین مردم از جهت پدر و مادر و جد و جده و عم (یعنی حضرت مهدی) از آنجا بر می‌خیزند، در این شهر پر نور و شکوفان جای پای جبرئیل و آن نقطه‌ای است که از آنجا آبی بیرون زده است که هر کس از آن بخورد از هر بیماری در امان می‌ماند، این همان آبی است که با آن شکل مرغ ساخته (و به دست حضرت عیسی عليه السلام روح در آن دمیده شد) و آبی است که حضرت رضاعی عليه السلام در آن غسل کرد و این آبی است که قوچ ابراهیم و عصای موسی و انگشتر سلیمان عليه السلام از آن در می‌آید.» امید است همگان با عنایات خداوند و انجام اعمال خیر از نجات یافتگان باشیم اگرچه در این برهه از زمان شاهدیم که دنیا را هرج و مرج و تاریکی فرا گرفته و فتنه‌های بی‌امان به اوج خود رسیده است و همچنین خطرات، مشکلات، غم و اندوه و نگرانی به معنای واقعی تجربه می‌شود، چنان‌که می‌خوانیم:

«سَتُؤَخَذُ أُمَّتِي أَخَذَ الْأُمَّمِ قَبْلَهَا: شِبْرًا بِشِبْرٍ وَ ذِرَاعًا بِذِرَاعٍ. حَتَّىٰ لَوْ دَخَلُوا جُحْرَ ضَبٍّ لَا تَبْعَثُوهُمْ.» <sup>۳</sup>

«امت‌های پیش از شما هرگونه گرفتاری داشتند شما نیز و جب به جب گرفتار خواهید شد، اگر آنان به لانه سوسماری وارد شده‌اند، شما نیز بدون تردید وارد خواهید شد.»

«إِذَا أَقْبَلَتْ فِتْنَةٌ مِنَ الْمَشْرِقِ، وَفِتْنَةٌ مِنَ الْمَغْرِبِ، وَالتَّقْوَا، فَبَطْنُ الْأَرْضِ يَوْمَئِذٍ خَيْرٌ مِنْ

۱ - بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۷، ح ۴۷.

۲ - به طور مثال: می‌توان از منطقه‌ای به نام وژآزدهار نیز به عنوان منطقه امن یاد کرد، منظور از وژآزدهار همان مشهد ارده‌مال در هفت فرسنگی کاشان است که در آن مزار کثیر البرکاتی متعلق به فرزندان و نوادگان اهل بیت عصمت و طهارت عليه السلام است. (تاریخ منتظر و حماسه تاریخی مشهد ارده‌مال)

۳ - بحار الانوار، ج ۲۸، ص ۳۰، ح ۳۷.

ظَهَرِهَا، فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا إِلَّا جُحْرَ عَقْرَبٍ فَادْخُلُوا فِيهِ، فَإِنَّهُ يَكُونُ شَرًّا طَوِيلًا»<sup>۱</sup>

«هنگامی که فتنه‌ای از مشرق روی آورد و فتنه‌ای از مغرب پدید آید و این دو فتنه به یکدیگر برسند، در آن زمان دل زمین بهتر از روی آن است، اگر پناهگاه دیگری جز لانه عقرب پیدا نکنید به آنجا پناه ببرید که فتنه‌های طولانی پدید نخواهد آمد.»

«أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ فِتْنَةِ الْمَشْرِقِ ثُمَّ مِنَ الْمَغْرِبِ! مَا مِنْ أَهْلِ ذِمَّتِكُمْ قَوْمٌ أَشَدَّ عَلَيْكُمْ فِي تِلْكَ الْبَلَايَا مِنْ أَهْلِ الشَّرْقِيَّةِ أَصْحَابِ الْمِلْحِ وَالْعَسُولِ إِنَّ الْمَرْأَةَ مِنْ نِسَائِهِمْ لَتَطْعَنُ الْمَرْأَةَ مِنْ نِسَاءِ الْمُسْلِمِينَ وَتَقُولُ: أَعْطُوا الْجِزْيَةَ!»<sup>۲</sup>

«پناه می‌بریم به خدای (تبارک و تعالی) از فتنه مشرق و فتنه مغرب در میان هم پیمانان شما، گروهی نیست که از فتنه شرقی‌ها برای شما خطرناکتر باشند که آنان به دنبال نمک و عسل هستند (مگسان‌اند دور شیرینی)، زنده‌ای آنان به زنان مسلمان طعنه می‌زنند و از آنان جزیه مطالبه می‌کنند!»

دیگر فجایع حاکم در عالم را می‌توان با هرج و مرجی که عده‌ای سبب آن می‌شوند یاد کرد، چنان که از رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده است:

«يُوشِكُ أَنْ تَتَدَاعَى عَلَيْكُمْ الْأُمَمُ تَدَاعَى الْأَكْلَةِ عَلَى قَضَعَتِهَا وَأَنْتُمْ كَثِيرٌ وَلَكِنَّكُمْ غُنَاءٌ كَفَّاءِ السَّيْلِ وَلَيَنْزَعَنَّ اللَّهُ مِنْ صُدُورِ عَدُوِّكُمْ الْمَهَابَةَ مِنْكُمْ، وَلَيَقْدِفَنَّ فِي قُلُوبِكُمُ الْوَهْنَ، مِنْ حُبِّ الدُّنْيَا وَكَرَاهِيَةِ الْمَوْتِ!»<sup>۳</sup>

«نزدیک است که ملت‌ها برای بردن منابع شما در اطرافتان گرد آیند و مانند گوشت قربانی منابع شما را در میان خود تقسیم کنند، آن روز تعداد شما بسیار زیاد است ولی همانند خس و خاشاک در روی کف سیل هستید (نه از خود اراده‌ای و نه قدر و قیمتی) خداوند هیبت شما را از دل دشمنانتان در می‌آورد و سستی و تنبلی را بر دل شما می‌افکند، به دنیا علاقمند می‌شوید و از مرگ می‌گریزید!»

در رابطه با این احادیث می‌توان گفت: مردمان عصر حاضر شاهد چنین خیاناتی

۱ - الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۶۲.

۲ - الملاحم و الفتن، ص ۳۰.

۳ - همان، ص ۱۲۹ و ۱۶۶.

می‌باشند که عده‌ای در دست استعمار به اسارت درآمده و روزگار را به سختی سپری می‌کنند و در یک چنین اوضاعی حرکات سوء باعث خیزش‌ها می‌شود و واکنش‌های منفی و مثبت به نمایش در می‌آید از جمله در حدیثی می‌خوانیم:

«لِلتُّرْكِ خَرْجَتَانِ: خَرْجَةٌ فِيهَا خَرَابٌ آذْرِيْبِجَانَ وَخَرْجَةٌ يَخْرُجُونَ فِي الْجَزِيْرَةِ يُخَيِّفُونَ ذَوَاتِ الْجِبَالِ فَيَنْصُرُوا اللَّهَ الْمُسْلِمِينَ. فِيهِمْ ذُبْحُ اللَّهِ الْأَعْظَمِ.»<sup>۱</sup>

«برای ترک‌ها دو خیزش است که در یکی از آن‌ها آذربایجان ویران می‌شود و در دیگری وارد جزیره‌ی العرب می‌شوند و پرده‌نشینان را به وحشت می‌اندازند، خداوند مسلمانان را پیروز می‌گرداند که کشتار بزرگ الهی در آن روز است.»

«إِذَا رَأَيْتُمْ أَوَّلَ التُّرْكِ بِالْجَزِيْرَةِ فَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى تَهْزِمُوهُمْ، أَوْ يَكْفِيَكُمْ اللَّهُ مَوْتَهُمْ. فَإِنَّهُمْ يَفْصَحُونَ الْحَرَمَ، وَهُوَ عَلَامَةٌ خُرُوجِ أَهْلِ الْمَغْرِبِ، وَانْتِقَاضِ مُلْكِهِمْ يَوْمَئِذٍ.»<sup>۲</sup>

«چون اولین سپاه ترک را در جزیره دیدید با آنان بجنگید تا آنان را شکست دهید و خداوند از گزند آنان شما را در امان بدارد وگرنه آنان به حریم حرم تجاوز می‌کنند و آن نشانه‌ی خروج اهل مغرب و شکسته شدن شوکت و سلطنت آنان در آن روزگار است.»

«يُسْرِعُ التُّرْكُ عَلَى الْفُرَاتِ. فَكَأَنِّي بَدَاؤَابِهِمُ الْمُعْضَفَرَاتِ يَضْطَفِقْنَ عَلَى نَهْرِ الْفُرَاتِ!»<sup>۳</sup>

«سپاه ترک به سوی فرات می‌شتابند، گویی مرکب‌های<sup>۴</sup> آنان را می‌بینم که همه‌اش به رنگ زرد ارغوانی است و در کنار رودخانه فرات صف کشیده‌اند.»

«لَيَرِدَنَّ التُّرْكُ الْجَزِيْرَةَ، حَتَّى تُسْقَى خَيْلُهُمْ مِنَ الْفُرَاتِ. فَيَبْعَثُ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الطَّاعُونَ فَيَقْتُلُهُمْ فَلَا يَنْجُو مِنْهُمْ إِلَّا رَجُلٌ وَاحِدٌ وَيَبْعَثُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ ثَلْجاً فِيهَا صِرٌّ وَرِيحٌ وَجَلِيدٌ فَإِذَا هُمْ خَامِدُونَ فَيَرْجِعُ الْمُسْلِمُونَ إِلَى أَصْحَابِهِمْ فَيَقُولُونَ: إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَهُمْ وَكَفَاكُمُ شَرَّهُمْ.»<sup>۵</sup>

«بدون تردید سپاه ترک وارد جزیره‌ی العرب خواهند شد تا اسب‌هایشان از فرات سیراب شوند، آنگاه خداوند بر آنان طاعون را مسلط می‌کند و همگی به وسیله طاعون از بین می‌روند و به جز یک نفر از آنان باقی نمی‌ماند. خداوند بر آنان برف و

۱ - الملاحم والفتن، ص ۳۲، ۶۹، ۷۲، ۷۴.

۲ - همان، ص ۳۳.

۳ - الملاحم والفتن، ص ۶۲ و ۷۲.

۴ - شاید منظور خودروهای نظامی باشد.

۵ - الملاحم والفتن، ص ۳۲، ۶۹، ۷۲.

تگرگ همراه با سرمای سوزان و طوفان خانمان برانداز فرو می فرستد و همگی نقش بر زمین می شوند، مسلمانان به یکدیگر نوید می دهند که خداوند آنان را هلاک کرد و شرّ آنان را از شما کوتاه نمود.»

«إِذَا اسْتَشَارَتْ عَلَيْكُمْ الرُّومُ وَالتُّرُكُ وَجُهِزَتِ الْجُيُوشُ ثُمَّ يَتَخَالَفُ التُّرُكُ وَالرُّومُ، وَتَكْثُرُ الْحُرُوبُ.»<sup>۱</sup>

«هنگامی که ترک‌ها و رومیان علیه شما بسیج شوند و لشکرها بیارایند، آنگاه ترک (روسیان) و روم (یهودیان) با یکدیگر به نبرد برخیزند و جنگ‌های بسیار روی دهد.»  
«بَيْنَ يَدَيِ السَّاعَةِ فَتْحُ بَيْتِ الْمَقْدِسِ، وَمَوَانٍ فِيكُمْ كَقَصِّ الْغَنَمِ، وَإِفَاضَةُ الْمَالِ، وَفِتْنَةٌ لَا يَبْقَى بَيْتٌ مِنَ الْعَرَبِ إِلَّا دَخَلَتْهُ وَهَذِهِ فِتْنَةٌ تَكُونُ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ بَنِي الْأَصْفَرِ ثُمَّ يَغْدُرُونَكُمْ فَيَأْتُونَكُمْ تَحْتَ ثَمَانِينَ غَايَةً، تَحْتَ كُلِّ غَايَةٍ اثْنَا عَشَرَ أَلْفًا.»<sup>۲</sup>

«پیش از قیامت (به هنگام ظهور) بیت المقدس فتح می شود و دو کشتار در میان شما چون سر بریدن گوسفند (یا همانند قیچی کردن پشم گوسفند) پدید آید و ثروت فراوان گردد و فتنه‌ای روی دهد که به هر خانه‌ای از خانه‌های ملت عرب وارد شود و این فتنه در میان شما و نژاد زرد خواهد بود، که به شما حيله می‌کنند و با هشتاد پرچم به جنگ شما می‌آیند که در زیر هر پرچم دوازده هزار جنگجو باشد.»  
رسول اکرم صلی الله علیه و آله اشاره به وضع موجود کرده و فرمودند:

«سَيَكُونُ بَعْدِي فِتْنٌ مِنْهَا فِتْنَةُ الْإِجْلَاءِ، يَكُونُ فِيهَا هَرَبٌ وَضَرْبٌ، ثُمَّ مِنْ بَعْدِهَا فِتْنٌ أَشَدُّ مِنْهَا، ثُمَّ فِتْنَةٌ كُلَّمَا قَبِلَ انْقَطَعَتْ تَمَادَتْ حَتَّى لَا يَبْقَى بَيْتٌ إِلَّا دَخَلَتْهُ وَسِلْمٌ إِلَّا صَكَّتْهُ حَتَّى يَخْرُجَ رَجُلٌ مِنْ عِثْرَتِي، الْفِتْنَةُ الرَّابِعَةُ ثَمَانِيَةَ عَشَرَ غَايَةً.»<sup>۳</sup>

«بعد از من فتنه‌هایی پدید آید، که یکی از آنها فتنه جلاء وطن است، در این فتنه فرارها و درگیری‌ها روی می‌دهد و آنگاه فتنه شدیدتری پدید آید، سپس فتنه‌ای روی دهد که هر وقت بگویند تمام شد ادامه پیدا کند تا جایی که دود آن به هر خانه‌ای وارد شود و همه راه‌های صلح را ببندد، تا مردی از عترت من خارج شود،

۱ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۷، ح ۴۵.

۲ - بشارة الاسلام، ص ۳۵.

۳ - منتخب الاثر، ص ۴۴۲.

فتنه چهارمی هجده سال ادامه یابد.»

منظور از فتنه! فتنه اسرائیل و اشغال فلسطین است و دیگر هجرت اجباری مردم که همچنان ادامه دارد و درگیری‌های دراز مدت نیز باعث شده تا دود این فاجعه به هر خانه از خانه‌هایی که در فلسطین و لبنان است وارد شود و در مورد فتنه چهارم احتمال داده شده، شاید منظور همان پیمان کمپ دیوید باشد که در سال ۱۹۶۷ میلادی میان مصر و اسرائیل بسته شد.

«بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَ الرُّومِ أَرْبَعٌ هَذَانِ: يَوْمَ الرَّابِعَةِ عَلَى يَدِ رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ هِرَقْلَ، يَدُومُ سَبْعَ سِنِينَ. ثُمَّ يَكُونُ إِمَامُ النَّاسِ الْمَهْدِيُّ.»<sup>۱</sup>

«در میان شما و روم چهار پیمان صلح امضا می‌شود که چهارمی آن به دست مردی از اهل هرقل<sup>۲</sup> انجام می‌پذیرد و هفت سال ادامه می‌یابد، آنگاه مهدی فرمانروای مردم شود.»

«بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَ الرُّومِ سَبْعَ سِنِينَ. فَقِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَنْ إِمَامُ النَّاسِ يَوْمَئِذٍ؟ قَالَ: الْمَهْدِيُّ مِنْ وَادِي.»<sup>۳</sup>

«میان شما و روم هفت سال است، گفته شد: ای رسول خدا! در آن زمان، امام مردم کیست؟ (حضرت) فرمودند: مهدی از اولاد من.»

در مورد احادیث یاد شده و زمان‌های تقریبی باید گفت: فرمایش انبیا و اولیا حق است و اگر در تعیین زمان و گفتار ایشان تغییر و تحولی پیش آید به منزله «بداء» می‌باشد و گاهی بداء به نفع مردم و گاهی به زیان آنان است، در واقع خود مردم تأثیر به سزایی در این قضیه دارند بطور مثال: اگر قرار باشد برای دیاری عذاب نازل شود، در صورت تغییر روش در اعمال و رفتار آن مردم، عذاب با تخفیف به اجرا در می‌آید و یا به طور کلی خطر دفع می‌شود.

از جمله: بداء عبارت است از تغییر و تحول در عالم تکوین (عالم آفرینش) به عبارت دیگر، دادن و گرفتن، کم و یا زیاد کردن، دیرتر و یا زودتر واقع شدن یک واقعه بر خلاف جریان طبیعی را بداء گویند پس هر یک از روایات و احادیث یاد

۱ - بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۸۰، ح ۳۷.

۲ - (هرقل) نام شهری در اسرائیل است.

۳ - بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۸۰، ح ۳۷.

شده، حکم اتمام حجت و بیدار باش را دارد مگر این که خوانندگان این نوع اخبار گذرا قرائت کرده و توجهی به عمق آن نکنند، در واقع برداشت از احادیث و روایات بستگی به شناخت و مطالعه ما دارد که نسبت به قضایا چقدر آگاه باشیم اگرچه با توجه به اخبار موجود می توان اوضاع جهان را دریافت و به تحقیق در این شرایط عالم هستی باردار حوادثی بس عظیم و غیر قابل کنترل است، حال امیدواریم ما منتظران و شیعیان آن حضرت، در عصر آشوب و فتنه های پی در پی، آن روز مسعود و آن دولت کریمه را درک کنیم تا توفیق خدمت در حکومت عدل الهی نصیبمان گردد و اما آنچه را که منتظریم با خروج سفیانی عملی خواهد شد. ان شاء الله

«... لا ترون ما تُحِبُّونَ حَتَّى يَخْتَلِفَ بَنُو فُلَانٍ فِيمَا بَيْنَهُمْ، فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ طَمَعِ النَّاسِ مِنْ فَيْهَمٍ وَاخْتَلَفِ الْكَلِمَةُ وَخَرَجَ السُّفْيَانِيُّ»<sup>۱</sup>

«... آنچه دوست می دارید واقع نمی شود، جز هنگامی که بنی فلان (بنی عباس) دچار اختلاف شوند، چون دچار اختلاف شدند مردم بر حکومت چشم می دوزند و اختلاف آنان را غنیمت می شمارند، آنگاه سفیانی<sup>۲</sup> خارج می شود.»

## قیام سفیانی

سفیانی از تبار ابوسفیان و از خاندان اموی است، نام پدرش عنبسه و مادرش از خاندان کلب<sup>۳</sup> است او از اهالی دمشق می باشد و خود را صاحب حق می داند و بالأخره طبق وصیت اجدادش<sup>۴</sup> روزی برای احقاق حق قیام خواهد کرد قیام نامیمون او قبل از قیام حضرت مهدی علیه السلام از امور حتمی است.

در همین رابطه امام جعفر صادق علیه السلام فرموده اند:

۱ - بشارة الاسلام، ص ۱۳۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۱، ح ۹۶.

۲ - مراد سفیانی دوم است؛ زیرا در قرب ظهور حضرت مهدی علیه السلام دو سفیانی هست که یکی از آن دو بدون تشریفات از شام می آید که در اسم سفیانی اول حرف «ش» به چشم می خورد که اخبار فوق میشل افلق را به عنوان سفیانی اول معرفی می کند که مبدع و به وجود آورنده حزب بعث عراق بوده است و منظور از سفیانی دوم یکی از نوادگان یزید است و خروج او از حتمیات می باشد و در قرب ظهور خروج می کند و قیامش نافرجام مانده و به دست مبارک حضرت مهدی (عج) به قتل می رسد. (منتظر تاریخ، صفحات، ۴۹ - ۲۰۴)

۳ - خاندان کلب در عصر اموی در اردن سکونت داشتند.

۴ - ابوسفیان، معاویه، یزید.

«إِنَّا وَآلَ أَبِي سُفْيَانَ أَهْلُ بَيْتَيْنِ تَعَادَيْنَا فِي اللَّهِ قُلْنَا: صَدَقَ اللَّهُ وَقَالُوا: كَذَبَ اللَّهُ! قَاتَلَ أَبُو سُفْيَانَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ وَقَاتَلَ مُعَاوِيَةَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَقَاتَلَ يَزِيدُ بْنُ مُعَاوِيَةَ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَالسُّفْيَانِيُّ يُقَاتِلُ الْقَائِمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ»<sup>۱</sup>

«ما و خاندان ابوسفیان، دو خاندانی هستیم که همواره با یکدیگر در ستیز بودیم ما می گفتیم: خدا راست گفته است و آنان می گفتند: دروغ گفته است! ابوسفیان با رسول اکرم ﷺ جنگید، معاویه با حضرت علی علیه السلام جنگید، یزید با امام حسین علیه السلام جنگید و سفیانی هم با حضرت قائم علیه السلام می جنگد.»

«ثُمَّ يَقَعُ التَّدَابُرُ وَالْإِخْتِلَافُ بَيْنَ أَمْرَاءِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ، فَلَا يَزَالُونَ يَخْتَلِفُونَ إِلَى أَنْ يَصِيرَ الْأَمْرُ إِلَى رَجُلٍ مِنْ وُلْدِ أَبِي سُفْيَانَ»<sup>۲</sup>

«در میان زمامداران عرب و عجم اختلاف و درگیری شدیدی پدید می آید تا مردی از تبار ابوسفیان بر سریر حکومت تکیه کند.»

«تَوَقَّعُوا الصَّوْتِ يَأْتِيكُمْ بَغْتَةً مِنْ دِمَشْقٍ. فِيهِ لَكُمْ فَرْجٌ عَظِيمٌ يَجِيئُكُمُ الصَّوْتُ مِنْ نَاحِيَةِ دِمَشْقٍ بِالْفَتْحِ»<sup>۳</sup>

«منتظر بانگ سفیانی باشید که به طور ناگهانی از دمشق شنیده می شود، در این بانگ فرج عظیمی برای شما هست؛ زیرا که این بانگ نوید بخش پیروزی بزرگ شماست.»  
«أَنِّي لَكُمْ بِالسُّفْيَانِيِّ، حَتَّى يَخْرُجَ قَبْلَهُ الشَّيْصَبَانِيُّ. يَخْرُجُ بِأَرْضِ كُوفَانَ، يَنْبَعُ كَمَا يَنْبَعُ الْمَاءُ، فَيَقْتُلُ وَفْدَكُمْ. فَتَوَقَّعُوا بَعْدَ ذَلِكَ السُّفْيَانِيَّ وَخُرُوجَ الْمَهْدِيِّ»<sup>۴</sup>

«چگونه ممکن است سفیانی بدون (شیصبانی)<sup>۵</sup> خروج کند، شیصبانی از سرزمین کوفه خروج می کند و مانند آب حرکت کرده و کسان شما را می کشد چون او خروج کند منتظر خروج سفیانی باشید و به دنبال آن منتظر ظهور مهدی باشید.»  
در همین رابطه به روایتی رجوع می کنیم تا ما را نسبت به شیصبانی آگاه گرداند از جمله می خوانیم:

۱ - الزام الناصب، ص ۱۷۹، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۰، ح ۱۸.

۲ - بشارة الاسلام، ص ۱۹۱.

۳ - غیبت نعمانی، ص ۱۴۹.

۴ - همان، ص ۱۶۲.

۵ - شیصبانی شاید یک فرد باشد که با خروجش جنایت می کند و یا شاید طغیان آب فرات باشد که عده ای را طعمه خود می گرداند.

حسن بن ابراهیم گفت، به حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام عرض کردم: «خداوند امور شما را اصلاح نماید، به درستی که مردم می‌گویند: هنگامی که سفیانی قیام کند، سلطنت بنی عباس از بین رفته است آیا چنین مطلبی صحت دارد؟ حضرت فرمودند: خیر، مردم اشتباه می‌گویند! بلکه آن زمانی سفیانی قیام می‌کند که سلطنت بنی عباس نیز پابرجا باشد.»<sup>۱</sup>

«مراد از سلطنت بنی عباس همان رهبرانی هستند که بر ملک عراق حاکم می‌شوند که در بعضی از روایات به بنی شیبسان تعبیر شده و این تعبیر از حضرت امیر مؤمنان علیه السلام در خطبه «لؤلؤ» آمده است.»<sup>۲</sup>

همچنین در روایتی نقل شده است که جابر جعفی می‌گوید: از امام محمد باقر علیه السلام سؤال کردم سفیانی در چه زمانی خروج خواهد کرد؟ حضرت فرمودند: «تا خروج سفیانی زمان زیادی است بلکه باید قبل از او شیبسانی<sup>۳</sup> بیاید، این شخص در سرزمین عراق خروج می‌کند و به یکباره چون جوشش آب از زمین نمایان می‌شود و شیعیان بسیاری را می‌کشد، در آن زمان است که شما می‌توانید توقع خروج سفیانی و قیام قائم (عج) را داشته باشید.»<sup>۴</sup>

آری، شیبسانی با خروج خود عده‌ای را می‌کشد، عده‌ای را به اسیری می‌گیرد، عده‌ای را به شهادت می‌رساند، عده‌ای را بی‌خانمان و بی‌سرپرست می‌کند و... به تحقیق فجایع او بسیار است ولی این نوید ما را بس که دوران ظلم و ستم به پایان خواهد رسید و آن کس که خروجش حتمی است<sup>۵</sup> و در قرب ظهور آقا امام زمان باید خروج کند نامش عثمان و نام پدرش عنبسه است و او را سفیانی خوانند، همانی که می‌گوید: حق با من و اجداد من است او خروج می‌کند... برای احقاق

۱ - بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۱. نقل از غیبت نعمانی.

۲ - منتظر تاریخ، ص ۱۹۰.

۳ - طبق گفته راویان، لفظ شیبسان از اسامی شیطان است امیر مؤمنان در روایتی به بنی عباس لقب «بنی شیبسان» داده‌اند. (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۶۷)

۴ - بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۰ به نقل از غیبت نعمانی.

۵ - در مورد آن کس که خروجش حتمی است بیشتر تحقیق کنیم چه بسا او در میان مردم معاصر حیات داشته باشد!!! (منتظر تاریخ، ص ۱۶۸)



حقی که هیچ وقت حق او و خاندان غاصبش نبوده است و در پایان این مبارزه، اوست که به دست ابر مرد تاریخ حضرت مهدی علیه السلام کشته خواهد شد و اعوان و انصارش نابود خواهند گشت تا درس عبرتی برای زورگویان غاصب باشد و همه ایشان بدانند سرنوشت افراد غاصب، خائن و ظالم چقدر نکبت بار است و عاقبت به شری آنان تا کجا ادامه دارد اگرچه دنیا در عصر حکومت کریمه همراه با مسالمت، برادری و برابری، آرامش و خوشبختی دنبال خواهد شد و انسانیت با ابعاد خداگونه اش شکوفا خواهد گشت تا آنجا که افراد کره زمین با چنان محبتی در کنار هم زندگی خواهند کرد که به نظر می رسد آنان یک خانواده هستند که در یک خانه زندگی می کنند به امید آن روزهای خوش و خوشبختی که هر چه زودتر سعادت و سلامت تجربه گردد اگرچه بوی مطبوع آن روز بسیار استشمام می شود و هر لحظه صدای گامهای آن عزیز سفر کرده به گوش می رسد شاید این سؤال هر یک از ما باشد که ای آقا و مولای ما! بفرمائید: تا چه زمانی باید صبر کنیم تا این هجران کشنده پایان یابد؟

آری، این سؤال هر یک از منتظران است، سؤال هر یک از مظلومان جهان است و اگر کسی بگوید: فقط خدا می داند و بس، معنایش این است که او علائم ظهور و شواهد موجود را نادیده گرفته و حوادث حاکم بر جهان را تعقیب نمی کند، برای همین است که عده ای در این باره جزء بی خبران محسوب می شوند تا آنجا که اگر از ایشان سؤال شود: آیا قیامت نزدیک است و یا خیر؟

آنان خواهند گفت: خدا می داند بلکه هیچ کس به جز خداوند خبر ندارد. باید به آنان گفت: شمائی که این چنین می گوئید، پس بفرمائید: تکلیف این همه علائم ظهور و وقایع تلخ و ناگواری که در جهان رخ می دهد چیست؟ در واقع عده ای بی صبرانه در انتظار آن روز مبارک هستند که اگر عمرشان باقی بود به استقبال مولا و سرورشان رفته تا تکبیرگویان همراه با سرور و شادی عزیزترین عزیزان را به خانه دعوت کنند آخر خانه که بدون صاحب خانه، خانه نیست. همانان که با باور به آن روز می اندیشند و می دانند اگر عمرشان هم باقی نباشد حتماً با رجعت کنندگان برخورد خواهند گشت تا در زمان حکومت کریمه در کنار سرورشان آقا امام زمان حیات یافته، که عجب حیاتی است حیات در عصر

شکوفایی! حیات در مدینه فاضله! حیات در کنار آقا و مولایی که یاد جدش مولای متقیان را زنده می‌کند، یاد آن آقای که بعد از بیست و اندی سال که از امت جفا دیده بود وقتی به حکومت رسید یکی از کارهایش در آوردن چهارچوب در خانه‌اش بود، همان آقای که جلوی در را با پرده آذین بست تا هر کس به دیدن آن حضرت می‌آید نیازی به گرفتن اجازه نباشد بلکه بدون مانع به داخل خانه وارد شود.

دیگر این که آن حضرت هر روز بعد از ظهر خارج از خانه به سر می‌بردند در آن زمانی که گرما بیش از حد حاکم بود.

در این مورد از آن حضرت سؤال شد که ای وصی رسول خدا! چگونه است ساعتی که باید در استراحت به سر برید در خارج از خانه هستید؟

حضرت فرمودند: در این ساعت خارج از خانه به سر می‌برم تا اگر کسی آمد و با من کاری داشت بداند من در حال استراحت نیستم و این چنین به من دست یابد. آری، فرزندان چنین آقا و سروری خواهد آمد همانی که با مردمان خواهد نشست و با آنان سربیک سفره غذا خواهد خورد و در شادی‌هایشان شاد شده و در غم‌هایشان شریک خواهد بود اگرچه به نظر می‌رسد در آن عصر غم معنا ندارد بلکه هر چه هست شاد است، شادی و شادمانی تا آن روز که جان به جان آفرین بسپاریم و خاطره شیرینی از عالم هستی با خود همراه بریم تا به اهل عالم باقی بگوئیم: ما هستیم خوشبخت‌ترین بندگان خدا که سعادت واقعی و سلامت حقیقی را در عصر حکومت یگانه منجی عالم بشریت تجربه کردیم، امید است حیات در عصر حکومت کریمه شامل حال همگان گردد و ان شاء الله هیچ یک از بندگان خدا ناامید از درگاه الهی نباشند؛ زیرا یک جمله زیبا و پر امید است که می‌توان به آن دل بست و بسیار امیدوار بود، امید به پیامی پویا و بسیار دلنشین که از دلب گهربار مولایمان مهدی صادر شده است از جمله می‌خوانیم آن چه را که آن حضرت فرموده‌اند:

«به همگان بگوئید: بالاخص به گنهکاران! بالاخص به گنهکاران که اگر توبه از گناهان گذشته کنند و اگر تغییر روش دهند می‌توانند از سربازان من باشند.»

باشد در سایه توبه به موقع و انجام فرائض و دوری از گناه و کسب معرفت نسبت به آن سرور، از سربازان آن آقای باشیم که دیدارش بسیار مبارک است. ان شاء الله

امیر مؤمنان علیه السلام در احادیث فوق در مورد عثمان بن عنبسه اشاره فرموده و این چنین می فرماید:

«هُوَ مِنْ وَدِدِ أَبِي سُفْيَانَ، حَتَّى يَأْتِيَ أَرْضَ قَرَارٍ وَمَعِينٍ فَيَسْتَوِي عَلَى مَنبَرِهَا»<sup>۱</sup>  
 «او از فرزندان ابوسفیان است، به سرزمین آرامش و آسایش وارد می شود و بر منبر آن تکیه می زند.»

«وَيَخْرُجُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ، فَيُضَعِدُ مَنبَرَ دِمَشْقِ، وَهُوَ أَوَّلُ مَنبَرٍ يَضَعُهُ، ثُمَّ يَخْطُبُ وَيَأْمُرُهُمْ بِالْجِهَادِ، وَيُبَايِعُهُمْ عَلَى أَنَّهُمْ لَا يُخَالِفُونَ أَمْرَهُ رَضْوَةً أَمْ كَرْهَوَةً»<sup>۲</sup>  
 «روز جمعه خروج می کند و بر فراز منبر دمشق قرار می گیرد و آن نخستین منبری است که او صعود می کند، آنگاه خطبه می خواند و مردم را به جهاد فرمان می دهد و از آنان بیعت می گیرد که هرگز با او مخالفت نکنند چه بر طبق خواسته ایشان باشد و یا بر خلاف آن.»

«إِنَّ أَمْرَ السُّفْيَانِيِّ مِنَ الْمُخْتَوَمِ، وَخُرُوجُهُ فِي رَجَبٍ، يَأْتِي أَرْضَ قَرَارٍ وَمَعِينٍ وَيَسْتَوِي عَلَى مَنبَرِهَا»<sup>۳</sup>

«خروج سفیانی حتمی است و خروجش در ماه رجب خواهد بود، به سرزمین آرامش و آسایش وارد می شود و بر فراز منبر آن (دمشق) قرار می گیرد.»  
 «إِمَارَةُ خُرُوجِ السُّفْيَانِيِّ أَنْ يَحْضُرَ خَسْفَ بَغْرِيٍّ مَسْجِدِ دِمَشْقِ حَتَّى يَخْرُجَ حَائِطَ الْمَسْجِدِ، وَرَجْفَةَ، وَتُخَسَفَ قَرْيَةٌ فِي جَنُوبِ دِمَشْقِ تُسَمَّى: الْجَابِيَّةُ: وَذَلِكَ بَعْدَ أَنْ يَتْرَكَ الشَّامَ الْمَغْرِبِيَّ بِرَأْيَاتِهِ»<sup>۴</sup>

«نشانه خروج سفیانی این است که خسفی در سمت غربی مسجد دمشق به وجود می آید و دیوار مسجد فرو می ریزد و زلزله ای می شود و قریه ای به نام «جابیه» در جنوب دمشق خسف می شود، این (واقعه) پس از خارج شدن مغربی و سپاهیان از شام اتفاق می افتد.»

۱ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۵.

۲ - الزام الناصب، ص ۱۹۸.

۳ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۴، ح ۳۲.

۴ - غیبت نعمانی، ص ۱۴۹.

«عَلَامَةُ خُرُوجِ الْمَهْدِيِّ الْوَيْتَةِ تُقْبَلُ مِنَ الْمَغْرِبِ، عَلَيْهَا رَجُلٌ أُعْرِجٌ مِنْ كَنْدَةَ.»<sup>۱</sup>

«نشانه ظهور حضرت مهدی پرچم‌هایی است که از مغرب تحت فرماندهی مرد لنگی از کنده به اهتزاز درآید.»

«مِنْ عَلَامَاتِهِ نَفْرُ أَهْلِ الْمَغْرِبِ إِلَى مِصْرَ. وَتِلْكَ إِمَارَةُ السُّفْيَانِيِّ.»<sup>۲</sup>

«از نشانه‌های او کوچ کردن مغربی‌ها به سوی مصر است و آن در عهد سفیانی است.»

در همین رابطه امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرماید:

«وَيُظْهِرُ الْمَغْرِبِيُّ بِمِصْرَ وَتَمْلِكُهُ الشَّامَاتِ.»<sup>۳</sup>

«مغربی بر مصر چیره می‌شود و شامات را تحت سیطره خود در می‌آورد.»

«وَيَخْرُجُ الْبَرْبَرِيُّ إِلَى سُرَّةِ الشَّامِ.»<sup>۴</sup>

«بربر به سوی وادی شام خروج می‌کنند.»

«تُقْبَلُ الْبَرْبَرِيُّ بِالرَّايَاتِ الصُّفْرِ، عَلَى الْبَرَاذِينِ الشُّبْرِ، حَتَّى يَنْزِلُوا بِمِصْرَ... أَهْلُ الْمَغْرِبِ إِلَى

مِصْرَ... فَإِذَا دَخَلُوا فَتِلْكَ إِمَارَةُ السُّفْيَانِيِّ.»<sup>۵</sup>

«سپاه بربر با پرچم‌های زرد بر فراز یابوهای نیرومند<sup>۶</sup> و بی‌شمار روی می‌آورند و

وارد مصر می‌شوند و اهل مغرب نیز به سوی مصر حرکت می‌کنند، هنگامی که وارد

مصر شوند، سفیانی به حکومت می‌رسد.»

«إِذَا بَلَغَتِ الرَّايَاتُ الصُّفْرَ مِصْرَ، فَأَهْرَبَ فِي الْأَرْضِ جُهْدَكَ هَرَبًا. وَإِذَا بَلَغَكَ أَنَّهُمْ نَزَلُوا الشَّامَ

فَهُنَاكَ الْبَلَاءُ.»<sup>۷</sup>

«هنگامی که پرچم‌های زرد به مصر برسد، با تمام قدرت از منطقه فرار کن و آنگاه

که آنان وارد شام بشوند دیگر موقع بلا فرا رسیده است.»

«إِنَّ لِوَلَدِ الْعَبَّاسِ وَالْمَرْوَانِيِّ لَوَقْعَةً بِقَرْقِيسِيَا يَشِيبُ فِيهَا الْغُلَامُ الْحَزْرَوِيُّ وَيَرْفَعُ اللَّهُ عَنْهُمْ

۱ - الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۴۴.

۲ - بشارة الاسلام، ص ۱۷۷ و ۱۸۳.

۳ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۶۳.

۴ - الملاحم و الفتن، ص ۴۷.

۵ - بشارة الاسلام، ص ۱۸۶.

۶ - منظور از یابوهای نیرومند شاید همان مرکب‌های جنگی مانند تانک و نفربر و غیره باشد.

۷ - بشارة الاسلام، ص ۱۰۹.

النَّضْرَ، وَيُوحَىٰ إِلَىٰ طَيْرِ السَّمَاءِ وَسِبَاعِ الْأَرْضِ: إِشْبَعِي مِنَ لَحُومِ الْجَبَّارِينَ، ثُمَّ يَخْرُجُ  
السُّفْيَانِيُّ»<sup>۱</sup>

«برای اولاد عباس و مروان حادثه خونینی در (فرقیسیا)<sup>۲</sup> هست که جوان مقاوم را پیر می‌کند، خداوند حمایت خود را از آنان بر می‌دارد و به مرغان هوا و درندگان صحرا فرمان می‌دهد که از گوشت جباران شکمی از عزا درآورید، آنگاه سفیانی خروج می‌کند.»

«مَنْ عَلَامَاتِهِ أَنْ يَكُونَ خَرَابُ الشَّامِ حِينَ الْتِقَاءِ الرَّايَاتِ الثَّلَاثِ فِيهَا: الْأَبْقَعُ، وَالْأَضْهَبُ،  
وَالسُّفْيَانِيُّ»<sup>۳</sup>

«از نشانه‌های ظهور آن حضرت، ویرانی شام به هنگام برخورد سه لشکر در زیر پرچم‌های ابقع، اصهب و سفیانی است.»

همچنین نقل شده است:

«وَعَلْبَةُ الْقَيْدِ عَلَىٰ بِلَادِ الشَّامِ»<sup>۴</sup>

«و غلامان بر اراضی شام سیطره می‌یابند.»

«فَأَوَّلُ أَرْضٍ تَخْرُجُ أَرْضُ الشَّامِ: يَخْتَلِفُونَ حَيْثُ ذَلِكَ عَلَىٰ ثَلَاثِ رَايَاتٍ: رَايَةُ الْأَضْهَبِ، وَرَايَةُ  
الْأَبْقَعِ، وَرَايَةُ السُّفْيَانِيِّ. فَيَلْتَقِي السُّفْيَانِيُّ بِالْأَبْقَعِ فَيَقْتُلُونَ وَ يَقْتُلُهُ السُّفْيَانِيُّ وَ مَنْ مَعَهُ، وَ يَقْتُلُ  
الْأَضْهَبُ»<sup>۵</sup>

«نخستین سرزمینی که در آن شورش و کشتار می‌شود سرزمین شام است که سه لشکر در آن با یکدیگر نبرد می‌کنند: اصهب، ابقع، سفیانی و این سه لشکر با یکدیگر می‌جنگند تا سفیانی با ابقع درگیر می‌شود و او را با همه سپاهیان‌ش می‌کشد، سپس اصهب را نیز از پای در می‌آورد.»

«إِذَا دَارَتْ رَحَىٰ بَنِي الْعَبَّاسِ، وَرَبَطَ أَصْحَابُ الرَّايَاتِ حُيُولَهُمْ بِرَيْثُونِ الشَّامِ، يَهْلِكُ اللَّهُ لَهُمْ

۱ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۷.

۲ - فرقیسیا: شهرکی در شمال سوریه و در استان الجزیره می‌باشد که در شش کیلومتری «رقه» و در محل التقای دو رود فرات و خابور واقع است. (بوم‌الخلاص، ص ۸۵۲)

۳ - غیبت نعمانی، ۱۳۳.

۴ - الملاحم والفتن، ص ۱۶۴.

۵ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۷.

الأضهَبَ وَ يَقْتُلُهُ وَ عَامَّةَ أَهْلِ بَيْتِهِ عَلَى أَيْدِيهِمْ. وَيَجْلِسُ ابْنُ أَكَلَةَ الْأَكْبَادِ عَلَى مِنْبَرِ دِمَشْقٍ.<sup>۱</sup>  
 «هنگامی که آسیاب بنی عباس بچرخد و پرچمداران، پرچم‌های خود را بر  
 زیتون‌های شام بیاویزند، خداوند اصبه را هلاک می‌کند و همه سپاهیان را به  
 دست آنان نابود می‌سازد و آنگاه پسر هند جگرخواره بر فراز منبر دمشق می‌نشیند.»  
 «لَا يَزَالُ النَّاسُ فِي مُدَّةٍ حَتَّى يُقَرَعَ الرَّأْسُ. فَإِذَا قُرِعَ الرَّأْسُ هَلَكَ النَّاسُ»<sup>۲</sup>

«مردم در وسعت و مهلت هستند تا روزی که مرکز مورد تهاجم قرار نگرفته  
 است، چون مرکز<sup>۳</sup> زده شد نابود می‌شوند.»

«لَوْ رَأَيْتَ السُّفْيَانِيَّ رَأَيْتَ أَخْبَثَ النَّاسِ، أَشَقَرَ أَحْمَرَ أَرْزَقَ، يَقُولُ: تَارِي ثُمَّ النَّارُ وَلَقَدْ بَلَغَ  
 مِنْ حُبِّهِ أَنَّهُ يَذْفُنْ أُمَّ وَوَلَدِ لَهْ حَيَّةٌ مَخَافَةَ أَنْ تَدُلَّ عَلَيْهِ»<sup>۴</sup>

«اگر سفیانی را ببینی او را پلیدترین مردمان می‌یابی که چهره‌ای گلگون،  
 چشمانی کبود و موهایی زرد دارد و بانگ می‌زند خدایا! اول انتقام و وانگهی آتش.  
 او به قدری خبیث است که همسر و مادر بچه‌هایش را زنده به گور می‌کند تا  
 مخفیگاه او را به کسی نگویند!»

«أَشَدُّ خَلْقِ اللَّهِ شَرًّا، وَأَكْثَرُ خَلْقِ اللَّهِ ظُلْمًا، شَرِيْسٌ، قَاسِي الْقَلْبِ! يُجَمِّعُ لَهُ وَلِجَيْشِهِ مِنْ كَافَّةِ  
 الْأَقْطَارِ الْإِسْلَامِيَّةِ فَيَهْزِمُهُمْ وَيَقْتُلُهُمْ، وَيُنَادِي بِشِعَارِ لَهُ فِي حُرُوبِهِ هُوَ: يَا رَبِّ، تَارِي ثُمَّ النَّارُ!!! يَا  
 رَبِّ، النَّارُ وَلَا الْغَارُ»<sup>۵</sup>

«شروورترین مردم، ستمگرترین آنان که بسیار زشت خوی و سنگدل است،  
 سفیانی می‌باشد که از همه اقطار و اکناف جهان اسلام، برای مقابله با او و سپاهیان  
 خون آشامش گرد می‌آیند و او همه را از دم شمشیر می‌گذراند، در جنگ‌های او  
 شعاری که همه جا طنین انداز است این شعار است: خدایا خدایا! اول انتقام  
 وانگهی آتش دوزخ. در برخی منابع چنین آمده است: خدایا خدایا! آتش را  
 می‌پذیریم، سازش نمی‌پذیریم!»

۱ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۳، ح ۱۴۴.

۲ - الملاحم و الفتن، ص ۳۷.

۳ - منظور از مرکز، دمشق است.

۴ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۶.

۵ - غیبت نعمانی، ص ۱۶۴.

«إِذَا مَلَكَ رَجُلٌ الشَّامَ، وَآخَرَ مِصْرَ، فَاقْتَتَلَ الشَّامِيَّ وَالْمِصْرِيَّ، وَسَبَى أَهْلَ الشَّامِ قَبَائِلَ مِنْ مِصْرَ. وَأَقْبَلَ رَجُلٌ مِنَ الْمَشْرِقِ بِرَايَاتِ سُودٍ صِبْغًا قَبْلَ صَاحِبِ الشَّامِ، فَهُوَ الَّذِي يُؤَدِّي الطَّاعَةَ لِلْمَهْدِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ»<sup>۱</sup>

«هنگامی که مردی حکومت شام را به دست آورد و دیگری بر مصر دست یافت، آنگاه شامی و مصری با یکدیگر به جنگ پردازند و مردم شام قبیله‌هایی از مصر را به اسارت گیرند و مردی از خراسان (سید خراسانی) با پرچم‌های سیاه کوچکی از خراسان به سوی شام حرکت کند و او همان شخصی است که زمینه را برای اطاعت از حضرت مهدی علیه السلام فراهم می‌آورد.»

حضرت علی علیه السلام در مورد سفیانی و جنایات او می‌فرماید:

«... حَتَّى تَقُومَ الْحَزْبُ عَلَى سَاقٍ، بَادِيًا نَوَاجِذُهَا مَمْلُوءَةٌ أَخْلَاقُهَا، حُلُومًا رِضَاعُهَا، عَلَقَمًا غَاقِبَتُهَا. أَلَا وَفِي غَيْدٍ، وَسَيَاتِي غَدِّ بِمَا لَا تَعْلَمُونَ! يَأْخُذُ الْوَالِي مِنْ غَيْرِهَا عَمَالَهَا عَلَى مُسَاوِيءٍ أَعْمَالِهَا... كَأَنِّي بِهِ قَدْ نَعَقَ بِالشَّامِ وَفَحَصَ بِرَايَاتِهِ فِي ضَوَاحِي كُوفَانَ، فَعَطَفَ إِلَيْهَا عَطْفَ الضَّرْوَسِ وَفَرَسَ الْأَرْضِ بِالرُّؤُوسِ. قَدْ نَغَرَتْ فَاغْرَتُهُ وَثَقَلَتْ فِي الْأَرْضِ وَطَأَتْهُ. بَعِيدُ الْجَوْلَةِ، عَظِيمُ الصَّوْلَةِ! وَاللَّهِ لَيُشَرِّدَنَّكُمْ فِي أَطْرَافِ الْأَرْضِ حَتَّى لَا يَبْقَى مِنْكُمْ إِلَّا الْقَلِيلُ، كَأَلْكُحْلِ فِي الْعَيْنِ!»<sup>۲</sup>

«... تا هنگامی که جنگ آغاز شود و چون شیر خشمگین<sup>۳</sup> دندان تیز کند، ناگهان شما را فراگیرد، همانند شتری که با پستان‌های پر شیر روی آورد که دوشیدن آن شیرین و فرجام آن بسیار تلخ و ناگوار است حال بدانید فردا، فردا با چیزی که نمی‌دانید به زودی فرا می‌رسد فرمانروای آنان، عده‌ای را از غیر خودشان برای شکنجه و کارهای زشت اجیر کند، گویی او را با چشم خود می‌بینم که چون حیوانی در شام نعره می‌کشد و پرچم‌هایش را در اطراف کوفه به اهتزاز درمی‌آورد، پس مانند شتر خشمگین که دوشنده خود را به دندان گزد به آن روی می‌آورد و زمین را با سرهای کشتگان می‌پوشاند، دهانش باز و گام‌هایش سنگین، جولانش وسیع و

۱ - الملاحم و الفتن، ص ۴۳.

۲ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۵، ح ۳۷.

۳ - سفیانی.

صولتش عظیم است، به خدا سوگند که شما را در اطراف جهان پراکنده سازد و از شما جز تعدادی اندک همانند سرمه‌ای در چشم باقی نباشد.

در واقع آتش این حوادث بیشتر متوجه مردمی است که در شام و شامات و کشورهای هم‌جوار سکونت دارند اگرچه به نظر می‌رسد دود این آتش به چشم بسیاری از افراد خواهد رفت.

«وَاللَّهُ لَا يَزَالُونَ، حَتَّى لَا يَدْعُوا مُحَرَّمًا إِلَّا اسْتَحْلَوْهُ، وَلَا عَقْدًا إِلَّا أَحْلَوْهُ، وَحَتَّى لَا يَبْقَى بَيْتٌ مَدْرٍ وَلَا وَبَرٍ إِلَّا دَخَلَهُ ظَلْمُهُمْ وَتَبَابُهُ سُوءٌ رَغِبَهُمْ! وَحَتَّى يَقُومَ بَاكِيَانِ: بَاكٍ يَبْكِي لِدِينِهِ، وَبَاكٍ يَبْكِي لِدُنْيَا!»<sup>۱</sup>

«به خدا سوگند سپاه سفیانی به جنایات خود ادامه می‌دهند تا هیچ حرامی نماند جز این‌که حلالش بشمارند، هیچ پیمانی نماند جز این‌که نقض کنند، هیچ خانه‌ای از خشت خام تا سنگ مرمر باقی نباشد جز این‌که دامنه ظلم و ستمشان در آن وارد شود و مردم در اثر سوء تدبیر و کشورداری آنان دستخوش اضطراب و ناامنی شوند، همه مردم اشک حسرت بریزند، یک دسته برای تباه شدن دینشان و دسته‌ای دیگر برای تباه شدن دنیایشان.»

در همین رابطه امام محمد باقر علیه السلام فرموده‌اند:

«إِذَا اِخْتَلَفَ بَنُو فُلَانٍ فِيمَا بَيْنَهُمْ، فَعِنْدَ ذَلِكَ الْفَرَجُ. وَكَيْسَ فَرَجِكُمْ إِلَّا فِي اِخْتِلَافِهِمْ. فَإِذَا كَانَ فَتَوَقَّعُوا الصَّيْحَةَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ، وَإِذَا كَانَ ذَلِكَ طَمَعَ النَّاسِ فِيهِمْ، وَاخْتَلَفَتِ الْكَلِمَةُ وَكَانَ خُرُوجُ السُّفْيَانِيِّ، وَ يَتَشَتَّتْ أَمْرُهُمْ، وَيَخْرُجُ عَلَيْهِمُ الْخُرَاسَانِيُّ، هَذَا مِنَ الْمَشْرِقِ وَهَذَا مِنَ الْمَغْرِبِ، يَسْتَبِقَانِ إِلَى الْكُوفَةِ كَفَرَسِيِّ رِهَانٍ، هَذَا مِنْ هُنَا وَهَذَا مِنْ هُنَا حَتَّى يَكُونَ هَلَاكُ بَنِي فُلَانٍ عَلَى أَيْدِيهِمَا؛ أَمَا إِنَّهُمَا لَا يُبْقِيَانِ أَحَدًا!»<sup>۲</sup>

«چون اولاد فلانی دچار اختلاف شدند، فَرَج نزدیک است، فَرَج شما بستگی به اختلاف آنان دارد چون نشانه‌های اختلاف ظاهر شد منتظر ندای آسمانی در ماه رمضان باشید و چون ندا شنیده شد مردم بر آنان جری می‌شوند و سفیانی خروج می‌کند و کارشان پراکنده می‌شود و سیدخراسانی علیه آنان خروج می‌کند،

۱ - بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۸۲ الزام الناصب، ص ۱۷۶.

۲ - غیبت نعمانی، ص ۱۳۵ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۱.



خراسانی از مشرق و سفیانی از مغرب به سوی کوفه می تازند و هر دو چون دو اسب مسابقه به دنبال یکدیگر وارد کوفه می شوند، اولاد فلانی به دست آنان نابود می شوند و (سپاهیان سفیانی و خراسانی) احدی از آنان را زنده نمی گذارند.

«أَلَا يَا وَيْلَ لِكُوفَانِكُمْ هَذِهِ وَمَا يَجِلُّ فِيهَا مِنَ السُّفْيَانِيَّةِ! يَمْلِكُ حَرِيمَكُمُ، وَيَذْبَحُ أَطْفَالَكُمُ، وَيَهْتِكُ نِسَاءَكُمُ! فَكَأَنِّي بِهِمْ قَدْ قَتَلُوا أَقْوَامًا تَخَافُ النَّاسُ أَصْوَاتَهُمْ وَتَخَافُ شَرَّهُمْ! ثُمَّ يَأْتِي الرُّوزَاءَ الظَّالِمِ أَهْلَهَا، فَيَحْوُلُ اللَّهُ بَيْنَهَا وَبَيْنَ أَهْلِهَا، فَمَا أَكْثَرَ طُغْيَانِهَا وَأَغْلَبَ سُلْطَانُهَا! أَلَا يَا وَيْلَ بَغْدَادَ مِنَ الرَّئِيِّ مِنْ مَوْتٍ وَقَتْلِ وَخَوْفٍ يَشْمَلُ أَهْلَ الْعِرَاقِ إِذَا حَلَّ بَيْنَهُمُ السَّيْفُ.»<sup>۱</sup>

«بدا به حال این کوفه شما از دست سفیانی که چه جنایاتی در آن انجام می دهد، به حریم شما تجاوز می کند، کودکان شما را سر می برد و نوامیس شما را هتک می کند! گویی آنان را با چشم خود می بینم که مردان برجسته ای را کشته اند که مردم از صدای آنان می ترسیدند و از صولت آنان در وحشت بودند، آنگاه متوجه بغداد می شود که مردمانش بسیار ستمگرند؛ پس خداوند در میان او و اهل بغداد حایل می شود. آه... چقدر جنایتگر و طغیان پیشه است. بدا به حال بغداد از ری چقدر مرگ و میر، کشت و کشتار، وحشت و اضطراب فراوان می شود و همه مردم عراق را ترس فرا می گیرد هنگامی که شمشیر در میان آنان حکم فرما شود.»

«لَا يَظْهَرُ الْقَائِمُ حَتَّى يَشْمَلَ الشَّامَ وَدُورَ أَهْلِ الْبِلَادِ فِتْنَةً يَطْلُبُونَ مِنْهَا الْمَخْرَجَ فَلَا يَجِدُونَهُ! وَيَكُونُ قَتْلٌ بَيْنَ الْحَيْرَةِ وَالْكُوفَةِ، قِتْلَاهُمْ سَوَاءٌ!»<sup>۲</sup>

«قائم هنگامی ظهور می کند که همه شامات و همه خانه های منطقه را فتنه فرا گیرد و همگان به دنبال راه فرار بگردند و نیابند، و کشتاری سخت در میان حیره و کوفه روی دهد که تلفات دو طرف مساوی باشد.»

«لَا يَكُونُ ذَلِكَ حَتَّى يَخْرُجَ خَارِجٌ مِنْ آلِ أَبِي سُفْيَانَ، يَمْلِكُ تِسْعَةَ أَشْهُرٍ كَحَمَلِ الْمَرْأَةِ. وَلَا يَكُونُ حَتَّى يَخْرُجَ مِنْ وُلْدِ الشَّيْخِ، فَيَسِيرَ حَتَّى يَقْتُلَ بَطْنِ النَّجَفِ! فَوَاللَّهِ كَأَنِّي أَنْظَرُ إِلَى رِمَاجِهِمْ وَشِوْفِهِمْ وَأَمْتِعَتِهِمْ إِلَى حَائِطِ بْنِ حَيْطَانَ النَّجَفِ يَوْمَ الْإِثْنَيْنِ! وَيُسْتَشْهَدُ يَوْمَ الْأَرْبَعَاءِ.»<sup>۳</sup>

۱ - الزام الناصب، ص ۱۹۶، بوم الخلاص، ص ۱۰۹۳.

۲ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۱، غیبت نعمانی، ص ۱۴۵.

۳ - ارشاد مفید، ص ۳۴۰.

«امر فرج محقق نمی شود جز هنگامی که خروج کننده‌ای از آل ابوسفیان خروج کند و نه ماه (به مقدار مدت حمل) حکومت کند، به ناگزیر او باید از تبار این پیرمرد<sup>۱</sup> باشد که حرکت می کند تا در وادی نجف اشرف کشتار کند؛ به خدا سوگند گویی با چشم خود می بینم که در روز دوشنبه‌ای نیزه‌ها، شمشیرها و دیگر ادوات و آلات خود را بر دیوار نجف تکیه داده‌اند و در روز چهارشنبه خون‌ها روان می گردد.»

«إِذَا بَلَغَ السُّفْيَانِيُّ الْكُوفَةَ، وَقَتَلَ أَعْوَانَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَقَتَلَ رَجُلًا مِنْ مُسَمِّيهِمْ، خَرَجَ الْمَهْدِيُّ عَلَى لِيْوَانِهِ شُعَيْبُ بْنُ ضَالِحٍ.»<sup>۲</sup>

«هنگامی که سپاه سفیانی وارد کوفه شوند و دوستان آل محمد صلی الله علیه و آله را بکشند و مردی از نامداران آنان را به قتل برسانند، حضرت مهدی خروج می کند و شعیب بن صالح پرچمدار او (مهدی) می باشد.»

«يُخْرِبُ جَيْشَ السُّفْيَانِيِّ بِغَدَادَ، ثُمَّ يَنْحَدِرُ إِلَى الْكُوفَةِ فَيُخْرِقُونَ مَا حَوْلَهَا ثُمَّ يَخْرَجُونَ مَتَوَجِّهِينَ إِلَى الشَّامِ مَعَهُمُ السَّبَايَا وَالْغَنَائِمُ. فَتَخْرُجُ رَايَةٌ هُدَى مِنَ الْكُوفَةِ فَيَقْتُلُونَهُمْ، لَا يَفْلِتُ مِنْهُمْ مُخْبِرٌ، وَيَسْتَنْقِذُونَ مَا فِي أَيْدِيهِمْ مِنَ السَّبْيِ وَالْغَنَائِمِ.»<sup>۳</sup>

«سپاه سفیانی بغداد را ویران می سازند و به سوی کوفه حرکت می کنند و حوالی کوفه را به آتش می کشند و راهی شام می شوند، اسراء و غنائم جنگی را با خود می برند. آنگاه پرچمی که پرچم هدایت است (پرچم خراسانی) از کوفه حرکت می کند و سپاه سفیانی را تار و مار می سازد و یک تن گزارشگر هم از آنان باقی نمی گذارد و آنچه اسیر و غنیمت در دستشان هست از آنان باز می ستاند.»

«إِذَا رَأَيْتُمُ الرَّايَاتِ السُّودَ تَخْرُجُ مِنْ خُرَاسَانَ فَاتَوْهَا وَلَوْ حَبْوًا عَلَى الثَّلْجِ. فَإِنَّ حَمَلَتَهَا يَطْلُبُونَ الْحَقَّ فَلَا يُعْطَوْنَهُ، فَيَقَاتِلُونَ وَيَنْتَصِرُونَ فَيُعْطَوْنَ مَا سَأَلُوا فَلَا يَقْبَلُونَ. كَأَنِّي بِهِمْ وَقَدْ وَضَعُوا سُيُوفَهُمْ عَلَى عَوَاتِقِهِمْ حَتَّى يَدْفَعُوا رَايَاتِهِمْ إِلَى الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ. أَلَا إِنَّهُمْ أَنْصَارُ الْمَهْدِيِّ يُوْطِنُونَ لَهُ سُلْطَانَهُ! قُلُوبُهُمْ كَزُبُرِ الْحَدِيدِ! فَإِذَا رَأَيْتُمُ الرَّايَاتِ السُّودَ تَجِيءُ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ فَأَكْرِمُوا الْفَرَسَ فَإِنَّ دَوْلَتَنَا فِيهِمْ!»<sup>۴</sup>

۱ - ابوسفیان جد سفیانی است.

۲ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۸.

۳ - همان، ص ۱۸۶، ح ۱۱.

۴ - غیبت شیخ طوسی، ص ۲۶۲.

«هنگامی که پرچم‌های سیاه‌لایه خراسان به راه افتاد به سویش بشتابید ولو با سینه خیز رفتن از روی برف‌ها باشد که صاحبان آن پرچم‌ها طرفداران حق هستند، آنان حق را مطالبه می‌کنند به آنان داده نمی‌شود، نبرد می‌کنند و پیروز می‌شوند، آنچه می‌خواستند به آنان داده نمی‌شود، نبرد می‌کنند و پیروز می‌شوند، آنچه می‌خواستند به آنان داده می‌شود ولی آنان دیگر نمی‌پذیرند، گویی با چشم خود می‌بینم که شمشیرها را بر خود حمایل کرده‌اند و پیش می‌تازند تا پرچم‌ها را به مهدی قائم تسلیم نمایند. آگاه باش که آنان یاران مهدی هستند و زمینه سلطنت جهانی او را فراهم می‌سازند، دل‌های آنان چون قطعات آهن است هنگامی که پرچم‌های سیاه را مشاهده کردید که از سوی مشرق به حرکت درآمده، فارسیان را گرامی بدارید که دولت ما در میان آنان می‌باشد.»

«يَخْرُجُ رَجُلٌ يُقَالُ لَهُ: السُّفْيَانِيُّ فِي عَمَقِ دِمَشْقٍ، وَعَامَّةٌ مَن يَتَّبَعُهُ مِنْ كَلْبٍ. فَيَقْتُلُ حَتَّى يَبْتَرِبَطُونَ النَّسَاءَ، وَيَقْتُلُ الصَّبِيَّانَ. فَيَجْتَمِعُ لَهُمْ قَيْسٌ فَيَقْتُلُهَا حَتَّى لَا يَمْنَعَ ذَنْبٌ تَلْعَةً، وَيَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فِي الْحَرَمِ، فَيَبْلُغُ ذَلِكَ السُّفْيَانِيَّ فَيَبْعَثُ إِلَيْهِمْ جُنْدًا مِنْ جُنْدِهِ. فَيَسِيرُ حَتَّى إِذَا جَاءَ بَيْتَاءَ مِنَ الْأَرْضِ خَسِيفٌ بِهِمْ، فَلَا يَفْلَنُ مِنْهُمْ إِلَّا مُخْبِرٌ.»<sup>۱</sup>

«مردی از دل دمشق خروج می‌کند که به او سفیانی می‌گویند و همه پیروانش از نژاد کلب هستند، به قدری خون می‌ریزد که نوبت به شکافتن شکم زنان و سربردن کودکان می‌رسد، تیره قیس (مصری‌ها و مراکشی‌ها) در برابرش قیام می‌کنند و همه آنان را طعمه شمشیر می‌سازد و کسی نمی‌تواند از خودش دفاع کند؛ آنگاه مردی از تبار من در حرم خروج می‌کند، این خبر به سفیانی می‌رسد، سفیانی سپاهی برای مقابله با او می‌فرستد، چون سپاهیان (سفیانی) به سرزمین بیداء می‌رسند، زمین آنان را در کام خود فرو می‌برد که جز گزارشگری از آنان زنده نمی‌ماند.»

در همین رابطه روایت شده است:

«يَبْعَثُ اللَّهُ جَبْرَائِيلَ فَيَقُولُ: يَا جَبْرَائِيلُ اذْهَبْ فَأَبْدِهِمْ. فَيَضْرِبُهَا بِرِجْلِهِ ضَرْبَةً يَخْسِفُ اللَّهُ بِهِمْ جَنْدَهَا وَلَا يَفْلِتُ مِنْهُمْ إِلَّا رَجُلَانِ مِنْ جُهَيْنَةَ.»<sup>۲</sup>

۱ - الزام الناصب، ص ۱۷۹؛ علاوه بر این رک: بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۳، ح ۸۷.

۲ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۸۷، ح ۱۱.

«خداوند جبرئیل را می فرستد و به او می فرماید: برو نابودشان بساز، پس با پای خود بر زمین می زند و خداوند همه آنان را در کام زمین فرو می برد و جز دو نفر از اهل جهینه، کسی از آنان زنده نمی ماند.»

«إِنَّهُ لَا يَنْجُو سِوَى اثْنَيْنِ مِنْ قَبِيلَةِ جُهَيْنَةَ. وَهَذَانِ الْإِثْنَانِ يُخْبِرَانِ النَّاسَ عَنْ قِصَّةِ الْخَسْفِ، وَاسْمَاهُمَا: بَشِيرٌ وَنَذِيرٌ.»<sup>۱</sup>

«جز دو نفر از قبیله جهینه باقی نمی ماند که برای مردم از داستان خسف گزارش ببرند یکی از آن دو، بشیر و دیگری نذیر است.»

حضرت جبرئیل علیه السلام بشیر را نزد حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می فرستد تا بشارت دهد که اهل کفر نابود شدند و نذیر را نزد سفیانی می فرستد تا او را از هلاک شدن سپاهیانش با خبر کند.

در حدیث فوق به عاقبت شوم سپاه سفیانی اشاره شده است چنان که می خوانیم:

«ثُمَّ يُقْبَلُ عَلَى الْقَائِمِ رَجُلٌ وَجْهُهُ إِلَى قَفَاءٍ، وَيَقْفُ بَيْنَ يَدَيْهِ، وَيَقُولُ: يَا سَيِّدِي: أَنَا بَشِيرٌ، أَمَرَنِي مَلَكٌ مِنَ الْمَلَائِكَةِ أَنْ أَلْحَقَ بِكَ فَأُبَشِّرَكَ بِهَلَاكِ جَيْشِ السُّفْيَانِيِّ بِالْبَيْدَاءِ. فَيَقُولُ الْقَائِمُ: بَيْنَ قِصَّتِكَ وَقِصَّةِ أَخِيكَ، فَيَقُولُ الرَّجُلُ:

كُنْتُ وَأَخِي فِي جَيْشِ السُّفْيَانِيِّ وَخَرَبْنَا الدُّنْيَا مِنْ دِمَشْقَ إِلَى الرُّوزَاءِ وَتَرَكْنَاهَا جَمَاءَ وَخَرَبْنَا الْكُوفَةَ وَخَرَبْنَا الْمَدِينَةَ وَكَسَرْنَا الْمِنْبَرَ فِي حَضْرَةِ الرَّسُولِ، وَرَأَيْتُ بِغَالِنَا فِي مَسْجِدِهِ وَخَرَجْنَا مِنْهَا وَعَدَدْنَا ثَلَاثُونَ أَلْفَ رَجُلٍ، تُرِيدُ خَرَابَ الْبَيْتِ وَقَتْلَ أَهْلِ مَكَّةَ. فَلَمَّا صِرْنَا فِي الْبَيْدَاءِ. عَرَسْنَا فِيهَا، فَصَاحَ بِنَا صَائِحٌ: يَا بَيْدَاءُ، أَيْدِي الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ! فَانْفَجَرَتِ الْأَرْضُ وَابْتَلَعَتْ كُلَّ الْجَيْشِ، وَوَاللَّهِ مَا بَقِيَ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ عِقَالٌ نَاقَةٌ فَمَا سِوَاهُ غَيْرِي وَغَيْرِ أَخِي. فَإِذَا نَحْنُ بِمَلِكٍ قَدْ ضَرَبَ وَجْهَيْنَا فَصَارَا إِلَى الرُّوزَاءِ كَمَا تَرَى. فَقَالَ لِأَخِي: وَيْلَكَ يَا نَذِيرُ، إِمضِ إِلَى السُّفْيَانِيِّ بِدِمَشْقِ فَأَنْذِرْهُ بِظُهُورِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ، وَعَرَفَهُ أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ جَيْشَهُ بِالْبَيْدَاءِ وَقَالَ لِي: يَا بَشِيرُ، إِنْ لَحِقَ بِالْمَهْدِيِّ بِمَكَّةَ، وَبَشَّرَهُ بِهَلَاكِ الظَّالِمِينَ، وَتُبَّ عَلَى يَدَيْهِ فَإِنَّهُ يَقْبَلُ تُوْبَتَكَ. فَيَمِرُّ الْقَائِمُ يَدَهُ عَلَى وَجْهِهِ فَيَرُدُّهُ سَالِمًا سَوِيًّا كَمَا كَانَ، وَيُبَايِعُهُ وَيَكُونُ مَعَهُ.»<sup>۲</sup>

«سپس مردی که صورتش به طرف پشت سرش قرار دارد، به سوی قائم

۱ - بشارة الاسلام، ص ۱۹۲.

۲ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۰، ح ۱.

می شنابد و می گوید: من بشیر هستم و فرشته‌ای به من دستور داد که به نزدتان آمده، تا هلاک شدن سپاه سفیانی را در سرزمین بیداء بشارت دهم.

(حضرت) قائم می فرماید: داستان خود و برادرت را بازگویی.

او می گوید: من و برادرم در سپاه سفیانی بودیم که شهرها را از دمشق تا زوراء (بغداد) خراب کردیم و به تل خاکی مبدل ساختیم، کوفه را خراب کردیم، مدینه را خراب کردیم و منبر آن را در مسجدالنبی شکستیم و استرهای خود را در مسجدالنبی بستیم، از مدینه با سپاهی بالغ بر سی هزار نفر به قصد تخریب کعبه و کشتار مردم مکه بیرون آمدیم، چون به سرزمین بیداء رسیدیم مقداری در آنجا اتراق نمودیم، پس ناگهان بانگی برآمد که: ای سرزمین بیداء قوم ستمگر را نابودشان ساز! پس زمین شکافته شد و همه سپاه را در کام خود فرو برد، به خدا سوگند که به جز من و برادرم چیزی بر روی زمین باقی نماند، حتی افسار شتری هم نماند، پس ناگهان فرشته‌ای ظاهر شد و به صورت ما زد و صورت ما به عقب برگشت چنانکه می بینید، آنگاه به برادرم گفت: ای نذیر! وای بر تو، برو به دمشق و سفیانی را با ظهور مهدی آل رسول بترسان و به او اطلاع بده که سپاهش در سرزمین بیداء در دل زمین فرو رفته است و به من گفت: ای بشیر! خودت را به مکه برسان و مهدی را با هلاکت قوم ستمگر بشارت بده و با دست او توبه کن که او توبه‌ات را می پذیرد، آنگاه حضرت قائم دست مبارکش را به صورت او می کشد و او به حال اولی بر می گردد و با آن حضرت بیعت می کند و به سپاه حق می پیوندد.

در واقع احادیث فوق، اخباری از آینده را گوشزد می کند از جمله روایت شده: سفیانی پس از شنیدن این خبر با بقیه سپاهیانش برای نبرد با حضرت مهدی حرکت می کند و...

«يُخْرِجُ السُّفْيَانِيَّ بِمِئَةِ وَسَبْعِينَ أَلْفًا فَيَنْزِلُ بِحَيْرَةَ طَبْرِيَّةَ. وَيَسِيرُ إِلَيْهِ الْمَهْدِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثُمَّ يُوَاقِعُهُ هُنَاكَ. وَلَا تَكُونُ سَاعَةٌ حَتَّى يُهْلِكَ اللَّهُ أَصْحَابَهُ وَلَا يَبْقَى إِلَّا هُوَ وَخَدَّهُ. فَيَأْخُذُهُ الْمَهْدِيُّ فَيَذْبُحُهُ تَحْتَ الشَّجَرَةِ الَّتِي أَغْصَانُهَا مُدَلَّاءٌ عَلَى بَحَيْرَةِ طَبْرِيَّةَ، ثُمَّ يَمْلِكُ مَدِينَةَ دِمَشْقَ.»<sup>۱</sup>

(سفیانی با یکصد و هفتاد هزار جنگجو حرکت می کند و در کنار دریاچه طبریه

فرود می آید و حضرت مهدی علیه السلام به سوی او حرکت می کند و در کنار دریاچه طبریه بر او می تازد و در کمتر از یک ساعت همه سپاهیانش هلاک می شوند و فقط شخص سفیانی باقی می ماند، آنگاه مهدی او را دستگیر می کند و در کنار دریاچه طبریه در زیر درختی که شاخه هایش به روی دریاچه بال گشوده سر می برد و سپس شام را تحت تصرف خود در می آورد.»

به راستی مزده و بشارت باد وعده الهی را که: ﴿جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ...﴾ در راه است و اوست که با ذوالفقار جد بزرگوارش می آید تا باطل را از میان بردارد و بشر را از زیر سلطه و سیطره جنایتکاران آزاد نماید و اهل باطل را برای همیشه روانه جهنم کند، مگر نه این که اهل باطل از هلاک شوندگان هستند؟

در همین رابطه در قرآن مجید می خوانیم:

﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ﴾<sup>۱</sup>

«آیا به کسانی که (شکر) نعمت خدا را به کفر تبدیل کردند و قوم خود را به

سرای هلاکت در آوردند ننگریستی؟»

قرآن کریم در مورد عاقبت شوم این افراد می فرماید:

﴿مَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ﴾<sup>۲</sup>

«مثل سخنی ناپاک چون درختی ناپاک است که از روی زمین کنده شده و

قراری ندارد.»

به تحقیق ظالمان در هیچ دوره ای از زمان به سر منزل مقصود نخواهند رسید همانان که در مقابل حق ایستادند و باطل را به نمایش درآوردند، خداوند ظالمان را از خلق اولین و آخرین لعنت کند و آنان را به قعر دوزخ افکند و این دعای هر یک از مؤمنان است که می گویند:

«اللَّهُمَّ الْعَنَّهُمْ جَمِيعاً.»

«پروردگارا! بر همه آنان لعنت فرست.»

و اما پرچمهایی که در حول و حوش ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به اهتزاز در می آیند عبارتند از:

۱ - سوره ابراهیم (۱۴) آیه ۲۸.

۲ - همان، آیه ۲۶.

## قیام عوف سلمی

عوف سلمی از نسل جعفر طیار رضی الله عنه است که به هنگام ظهور حضرت مهدی علیه السلام با گروهی از عرب و با گروهی از زنجی‌ها از سمت جنوب وارد بصره شده و آنجا را ویران می‌کند، سپس از عراق عبور کرده وارد دمشق می‌شود و در مسجد شام به قتل می‌رسد. امام زین العابدین علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«يَكُونُ قَبْلَ خُرُوجِهِ خُرُوجَ رَجُلٍ يُقَالُ لَهُ: عَوْفُ السَّلْمِيِّ، بِأَرْضِ الْجَزِيرَةِ، وَيَكُونُ مَأْوَاهُ تَكْرِيتٌ، وَقَتْلُهُ بِمَسْجِدِ دِمَشْقٍ.»<sup>۱</sup>

«پیش از خروج آن حضرت، مردی به نام عوف سلمی در سرزمین الجزیره<sup>۲</sup> خروج می‌کند و در تکریت<sup>۳</sup> مأوی می‌گزیند و در مسجد دمشق به قتل می‌رسد.» همچنین روایت شده که رسول اکرم صلی الله علیه و آله خطاب به جعفر بن ابی طالب علیه السلام فرموده‌اند:

«وَخَرَابُ الْبَصْرَةِ عَلَى يَدِ رَجُلٍ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ، يَسْبَعُهُ الزُّنُوجُ.»<sup>۴</sup>

«بصره توسط یکی از فرزندان تو ویران می‌شود که زنجی‌ها از او پیروی می‌کنند.» حضرت علی علیه السلام نیز به وسعت این فاجعه اشاره کرده و فرموده‌اند:

«الْبَصْرَةُ! إِنَّهَا لِأَقْرَبُ الْأَرْضِ خَرَاباً وَأَجْسُهَا تُرَاباً، وَأَشَدُّهَا عَذَاباً. وَإِنَّ لَكُمْ يَا أَهْلَ الْبَصْرَةِ وَمَا حَوْلَكُمْ مِنَ الْقَرْيِ، مِنَ الْمَاءِ لَيَوْمًا عَظِيماً بَلَاؤَةً. وَإِنِّي لِأَعْلَمُ مَوْضِعَ مُنْفَجِرِهِ مِنْ قَرْيَتِكُمْ هَذِهِ! ثُمَّ أُمُورٌ قَبْلَ ذَلِكَ تَذَهْمُكُمْ عَظِيمَةً أَخْفِيَتْ عَلَيْكُمْ وَعَلِمْنَاهَا... فَمَنْ خَرَجَ عَنْهَا عِنْدَ ذُنُوقِ عَزَقِهَا فَبِرَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ سَبَقَتْ لَهُ وَمَنْ بَقِيَ فِيهَا غَيْرَ مَرْبُوطٍ بِهَا فَبِذَنْبِهِ، وَمَا اللَّهُ بِظَلَامٍ لِلْعَبِيدِ!»<sup>۵</sup>

«اما بصره! برای ویرانی از همه جا نزدیک‌تر، خاکش از همه جا سخت‌تر، در معرض عذاب الهی از همه جا بیشتر است؛ ای مردم بصره و ای ساکنان آبادی‌های

۱ - بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۳، ح ۶۵.

۲ - الجزیره گذرگاهی در شمال سوریه است که در میان دو رودخانه فرات و دجله واقع شده است.

۳ - تکریت شهری در عراق و در شمال سامراست در برخی منابع به آن «کریت» و یا «کویت» نیز گفته‌اند.

۴ - بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۷۰، ح ۱۱.

۵ - الملاحم والفتن، ص ۱۰۲.

اطراف بصره! آگاه باشید که روز سخت و بلای دردناکی از آب در انتظار شماست،<sup>۱</sup> من می دانم که این آب از کدام نقطه شهر شما بیرون خواهد زد، پیش از آن نیز فجایع سختی<sup>۲</sup> بر شما خواهد رسید که علم آن از شما پنهان شده و بر ما عطا شده است چون موقع انفجار آن فرا رسد هر کس از آنجا زودتر خارج شود رحمت خدا او را فرا گرفته است و هر کس بدون وابستگی در آن بماند، در برابر گناهانش مبتلا شده است و خداوند هرگز به بندگانش ستم نمی کند.»

آن حضرت در حدیث دیگر فرموده اند:

«يَا أَهْلَ الْبَصْرَةِ: أَخْلَاقُكُمْ دِقَاقٌ، وَدِينُكُمْ نِفَاقٌ، وَمَاؤُكُمْ زُعَاقٌ. بِلَادُكُمْ أَتَتْ بِلَادَ اللَّهِ تَزِينَةً وَأَبْعَدَهَا مِنَ السَّمَاءِ بِهَا تِسْعَةُ أَغْشَارِ الشَّرِّ! وَالْمُخْتَبَسُ فِيهَا بِذَنبِهِ، وَالْخَارِجُ مِنْهَا بِعَفْوِ رَبِّهِ... كَأَنِّي أَنْظِرُ إِلَى قَزِيَّتِكُمْ هَذِهِ وَقَدْ طَبَّقَهَا الْمَاءُ حَتَّى مَا يَرَى فِيهَا إِلَّا شُرْفَ الْمَسْجِدِ كَأَنَّهُ جُوجُؤُ طَيْرٍ فِي لَجَّةٍ بَحْرًا. فَإِذَا هُمْ رَأَوْا الْبَصْرَةَ قَدْ تَحَوَّلَتْ أَحْضَاصُهَا دُورًا، وَأَجَانِمُهَا قُصُورًا فَالْتَهَرَبَ الْهَرَبَ فَإِنَّهُ لَا بَصْرَةَ لَكُمْ بَعْدَ الْيَوْمِ»<sup>۳</sup>

«ای اهل بصره! اخلاقتان پیچیده، آئین تان منافقانه، آبتان تلخ، خاک کشورتان از هر خاکی گندیده تر و از آسمان دورتر است نه دهم شر در شهر شماست، کسی که در آن درگیر شود در اثر گناهانش مبتلا شده است و هر کس از آن رهایی پیدا کند از رحمت و برکات پروردگار نجات یافته است، گویی با چشم خود می بینم که شهر شما را آب فرا گرفته است، از ساختمان های شهر جز گنبد مسجدتان دیده نمی شود که همانند سینه مرغی در اقیانوس بیکران شناور به نظر می رسد؛ هنگامی که دیدند کوخ های بصره تبدیل به کاخ شده و باغ های اطراف آن تبدیل به قصر شده، بدانند که عمر بصره به پایان رسیده، دیگر بصره ای وجود نخواهد داشت.»

در حدیث دیگر می خوانیم:

«إِذَا خَرِبَتِ الْبَصْرَةُ، وَقَامَ أَمِيرُ الْأَمْرَةِ»<sup>۴</sup>

«هنگامی که بصره ویران شود و امیر امیران برخیزد.»

۱ - منظور جاری شدن آب فرات است.

۲ - منظور از فجایع، خروج عوف سلمی است.

۳ - بحار الانوار، ج ۳۲، ص ۲۵۴، ح ۱۹۹.

۴ - همان، ج ۵۲، ص ۲۳۶.



حضرت علی علیه السلام در این باره فرموده اند:

«وَيَحْكُ يَا بَصْرَةَ مِنْ جَيْشٍ لَا رَهْجَ لَهُ وَلَا حِسَّ! فَفِئْتَةٌ يَكُونُ فِيهَا خَرَابٌ مَنَازِلَ، وَخَرَابٌ دِيَارٍ، وَانْتِهَاكَ أَمْوَالٍ، وَسِبَاءٌ نِسَاءٍ»<sup>۱</sup>

«ای بصره! وای بر تو از سپاهی که نه گرد برانگیزد و نه احساس دارد، ولی فتنه‌ای برپا کند که خانه‌ها را ویران سازد، آبادی‌ها را بر خاک نشاند، ثروتها را بر باد دهد و زنان را به اسارت بسپارد.»

در رابطه با احادیث یاد شده به خداوند پناه می‌بریم امید است خداوند رحم کند و بلاها را از همگان دفع نماید و ان‌شاءالله ظهور قریب‌الوقوع سرورکون و مکان حضرت مهدی علیه السلام هم هر چه زودتر تحقق یابد تا آرامش بر عالم و عالمیان حاکم گردد و بدون شک با یادآوری از احادیث و روایات ثبت شده در کتب می‌توان به حقایقی پی برد که دانستن آنها ضروری است؛ زیرا هر یک از ما شیعیان در سایه آگاهی و شناخت نسبت به موضوع احساس مسئولیت کرده و می‌بایست اتحاد و انسجام را سرلوحه حرکتمان قرار دهیم و از هیچ‌گونه تلاش روی گردان نبوده تا هر چه زودتر راه بسته به رویمان باز شود و باشیم پیشتازان آن قافله‌ای که ره به سوی فلاح، آزادی و رهایی از غم‌ها دارد. ان‌شاءالله

در مورد بخشی دیگر از علائم ظهور که خروج یمانی است، می‌خوانیم:

## قیام یمانی

یمانی از شیعیان امیرمؤمنان علیه السلام است و خروج او از علائم ظهور می‌باشد و در حدود چهارده ماه و اندی قبل از ظهور، جهت نبرد با سفیانی خروج می‌کند، خروج یمانی همزمان با شورش‌ها، فتنه‌ها و... در سراسر منطقه خواهد بود، سپاه خراسانی نیز برای یاری او اقدام کرده و هر دو سپاه با لشکر سفیانی به جنگ می‌پردازند که آن جنگ، جنگی سرنوشت‌ساز و حساس می‌باشد.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید:

«خُرُوجُ الثَّلَاثَةِ: السُّفْيَانِيُّ وَالْخُرَّاسَانِيُّ وَالْيَمَانِيُّ فِي سَنَةٍ وَاحِدَةٍ، فِي شَهْرِ وَاحِدٍ، فِي يَوْمٍ

وَاجِدٍ. وَلَيْسَ فِيهَا مِنْ زَايَةِ أَهْدَى مِنْ زَايَةِ الْيَمَانِيِّ، لِأَنَّهُ يَدْعُو إِلَى الْحَقِّ»<sup>۱</sup>

«سه پرچم در یک سال، یک ماه و یک روز خروج می کنند: سفیانی، خراسانی، یمانی که در میان آنان خالص تر از پرچم یمانی نیست، که او برای حق فرا می خواند.»  
امام صادق علیه السلام در مورد یمانی و نسب او چنین توضیح می دهد:

«خُرُوجٌ رَجُلٍ مِنْ وُلْدِ عَمَى زَيْدٍ، بِالْيَمَنِ»<sup>۲</sup>

«مردی از اولاد عمویم زید در یمن خروج می کند.»

«يُوشِكُ أَنْ تَخْرُجَ نَارٌ بِالْيَمَنِ، تَسُوقُ النَّاسَ إِلَى الشَّامِ»<sup>۳</sup>

«زود است آتشی از یمن خارج شود و مردم را به سوی شام سوق دهد.»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره سپاه یمانی می فرماید:

«الْيَمَانِيُّ يَتَوَلَّى عَلِيًّا. الْيَمَانِيُّ وَالسُّفْيَانِيُّ كَفَرَسَى رِهَانِ»<sup>۴</sup>

«یمانی از شیعیان امیرمؤمنان است، خروج یمانی و سفیانی همانند دو اسب مسابقه همزمان و به دنبال یکدیگر خواهد بود.»

امام محمد باقر علیه السلام می فرماید:

«خُرُوجُ السُّفْيَانِيِّ وَالْيَمَانِيِّ وَالْخُرَاسَانِيِّ فِي سَنَةٍ وَاحِدَةٍ، وَفِي شَهْرِ وَاحِدٍ، وَفِي يَوْمٍ وَاحِدٍ. وَنِظَامٌ كَنِظَامِ الْخُرَزِيِّ يَتَّبِعُ بَعْضُهُ بَعْضًا، فَيَكُونُ النَّاسُ فِي كُلِّ وَجْهٍ. وَنَيْلٌ لِمَنْ نَاوَاهُمْ. لَيْسَ فِي الرِّايَاتِ أَهْدَى مِنْ زَايَةِ الْيَمَانِيِّ، هِيَ زَايَةُ هُدَى لِأَنَّهُ يَدْعُو إِلَى صَاحِبِكُمْ. فَإِذَا خَرَجَ الْيَمَانِيُّ حَرَّمَ بَيْعَ السَّلَاحِ عَلَى كُلِّ النَّاسِ... إِذَا خَرَجَ الْيَمَانِيُّ فَانْهَضْ إِلَيْهِ فَإِنَّ زَايَتَهُ زَايَةُ هُدَى، وَلَا يَجُزُّ لِمُسْلِمٍ أَنْ يَلْتَوِيَ عَلَيْهِ، فَمَنْ فَعَلَ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ، لِأَنَّهُ يَدْعُو إِلَى الْحَقِّ وَإِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»<sup>۵</sup>  
«سفیانی و یمانی و خراسانی در یک سال و یک ماه و یک روز خروج می کنند، خروج آنان چون دانه های گردن بند به دنبال یکدیگر است؛ هر سو که بنگری ترس، وحشت و اضطراب خواهد بود؛ کسی که با آنان درافتد بدا به حال او، در میان آنان پرچمی خالص تر از پرچم یمانی نیست که پرچم هدایت است و شما را به سوی

۱ - ارشاد مفید، ص ۳۳۹.

۲ - بشارة الاسلام، ص ۱۷۵.

۳ - الملاحم والفتن، ص ۷۱.

۴ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۵، ح ۱۷.

۵ - غیبت نعمانی، ص ۱۳۵ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۰ و ۲۳۲.

صاحبان دعوت می‌کند، هنگامی که یمانی خروج کند فروش اسلحه بر دیگر مردمان را تحریم می‌کند، چون او خروج کند به سویش بشتاب که پرچم او پرچم هدایت است و بر هیچ مسلمانی جایز نیست که در برابر او بایستد، هر کس این چنین انجام دهد اهل دوزخ می‌شود؛ زیرا او به سوی حق و صراط مستقیم فرا می‌خواند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره پرچم هدایت می‌فرماید:

«فَتَخْرُجُ زَايَةً هُدًى مِنَ الْكُوفَةِ، فَتَلْحَقُ ذَلِكَ الْجَيْشَ فَيَقْتُلُونَهُمْ لَا يُقَلِّتُ مِنْهُمْ مُخْبِرًا، وَ يَسْتَنْقِذُونَ مَا فِي أَيْدِيهِمْ مِنَ السُّبِيِّ وَالْغَنَائِمِ.»<sup>۱</sup>

«پرچم هدایت<sup>۲</sup> از کوفه خارج می‌شود و آن سپاه را دنبال می‌کنند و همه آنان را نابود می‌سازند و حتی گزارشگری را از آنان باقی نمی‌گذارند و آنچه در دست آنان است غنیمت گرفته و خودشان را به عنوان اسیر می‌گیرند.»

رسول اکرم درباره صاحبان پرچم‌های هدایت نیز می‌فرماید:

«كَأَنِّي بِالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَقَدْ قَادَاهَا، فَيَسْلَمُهَا الْحُسَيْنِيُّ، فَيُبَايِعُونَهُ.»<sup>۳</sup>

«گویی دو سید حسنی و حسینی را با چشم خود می‌بینم که هر دو آنان پرچم هدایت را به اهتزاز در آورده و سید حسینی آن را به امام تسلیم می‌کند و خود با او بیعت می‌نماید.»

پروردگارا! مقدم سید حسنی و سید حسینی و دیگر یاران حضرت مهدی علیه السلام را بر ما مبارک گردان همانان که برای رسیدن به اهداف مقدسشان خروج خواهند کرد، به تحقیق قیام آنان بسیار میمون و خجسته است. ان شاء الله

### قیام سید هاشمی

سید هاشمی که به آن سید قریشی و حسنی هم می‌گویند اهل گیلان است، آن سید بزرگوار مورد تأیید خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام می‌باشد، او همزمان با خروج سید خراسانی (شعیب بن صالح) از شرق ایران خروج کرده و از جانب سید

۱ - بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۰؛ بشارة الاسلام، ص ۱۸۱.

۲ - منظور از پرچم هدایت، پرچمی است که در دست سید حسنی و سید حسینی به اهتزاز در خواهد آمد و منظور از سپاه، سپاه سفیانی است که شیرازهاش به دست سید خراسانی نابود خواهد شد. ان شاء الله

۳ - بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۰، ح ۵۳.

خراسانی یاری می‌شود، سپس از راه قصر شیرین و خانقین وارد عراق شده و در کوفه مستقر می‌گردد و پرچم هدایت را به اهتزاز در می‌آورد، در برخی روایات تصریح شده که سید هاشمی پیش از مراسم بیعت در پشت کوفه به شهادت می‌رسد و سید خراسانی با همه سپاهیان با حضرت ولی عصر علیه السلام بیعت می‌کنند، اگرچه قبل از آن روز وقایعی رخ خواهد داد که اخبار آن در لابلای روایات و احادیث مندرج می‌باشد که توجه به آن ضروری است؛ زیرا مطلع بودن از قضایا باعث می‌شود تا گمراه نشده و خودمان را آماده کنیم، آماده برای پذیرش حقایقی که با احتمال بسیار قوی به مردم این عصر مربوط است. ان شاء الله

در همین رابطه حضرت امیرمؤمنان علیه السلام فرموده‌اند:

«يَقُومُ قَبْلَ السُّفْيَانِيِّ وَاحِدًا هَاشِمِيٌّ بِجِيلَانَ، وَيَأْتِي إِلَى الْبَصْرَةِ فَيُخْرِبُهَا، وَيَأْتِي إِلَى الْكُوفَةِ فَيَغْمُرُهَا. فَيَعِزُّمُ السُّفْيَانِيَّ عَلَى قِتَالِهِ وَيَهُمُّ مَعَهُ عَسَاكِرِهِ بِاسْتِصَالِهِ»<sup>۱</sup>

«پیش از قیام سفیانی، یک سید هاشمی از گیلان خروج می‌کند و سید مشرقی (خراسانی) او را یاری می‌دهد، پس به سوی بصره می‌تازد و آن را ویران می‌کند و به سوی کوفه عزیمت کرده و آن را آباد می‌کند، آنگاه سفیانی برای نبرد با او آماده می‌شود و با سپاهیان برای نابودی او حرکت می‌کند.»

«وَيَكُونُ قَتْلُ سَبْعِينَ مِنَ الصَّالِحِينَ، وَعَلَى رَأْسِهِمْ رَجُلٌ عَظِيمُ الْقَدْرِ، يُخْرِقُهُ وَيَذُرُّ رَمَادَهُ فِي الْهَوَاءِ بَيْنَ جَلُولَاءَ وَخَانِقِينَ، بَعْدَ أَنْ يَقْتُلَ فِي الْكُوفَةِ أَرْبَعَةَ أَلْفٍ»<sup>۲</sup>

«هفتاد نفر از مردان شایسته کشته می‌شوند که در رأس آنان شخصیت گران قدری است که سفیانی او را می‌سوزاند و در میان جلولا و خانقین خاکسترش را بر باد می‌دهد، پس از آن که چهار هزار نفر را در کوفه به قتل برساند.»

منظور از شخصیت گران قدر، همان سید هاشمی است که رسول اکرم و امامان علیهم السلام از او ستایش نموده‌اند، یاد و نام سرداران سپاه حق گرامی باد که آنان امیدی برای سربازان آقا امام زمان علیه السلام هستند همان سربازانی که روزشماری می‌کنند تا سردارانی همچون سید هاشمی، یمانی، شعیب بن صالح از گرد راه

۱ - الزام الناصب، ص ۱۸۸.

۲ - يوم الخلاص، ص ۱۰۲۹.

رسیده و دوستداران حق و عدالت را راهنما باشند همانان که در زمان موعود با توکل به خداوند حرکت آغاز خواهند کرد و تا برقراری عدالت بر کل جهان از پای ننشسته و آرام نخواهند گرفت؛ زیرا باور دارند در آینده نه چندان دور حق بر کرسی عدالت خواهد نشست و باطل به حضيض ذلت گرفتار خواهد شد به امید آن روزهای خوب آینده. ان شاء الله

### قیام سید خراسانی

جوان تمیمی، همان شعیب بن صالح از بنی تمیم است که به سید خراسانی مشهور و نام او محمد است، احتمالاً اولین بانگ او در کوه‌های طالقان و در اطراف قزوین طنین می‌اندازد و جنگ از ایران آغاز می‌شود. روایت شده: سپاه خراسانی پس از نبردی سخت در اصطخر<sup>۱</sup> در نزدیکی شیراز به سوی عراق حرکت می‌کنند و سپس همراه با پیروزی وارد کوفه می‌شوند و از طریق عراق و سوریه به سوی بیت المقدس می‌تازند تا زمینه را برای تنها بازمانده از حجت‌های پروردگار فراهم سازند و آخرین دژهای بنی عباس را می‌گشایند و بر عمر آخرین آنان خاتمه می‌دهند.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«تَخْرُجُ مِنَ الْمَشْرِقِ زَايَاتٌ سَوْدٌ، تُقَاتِلُ رَجُلًا مِنْ وُلْدِ أَبِي سُفْيَانَ، وَيُؤَدُّونَ الطَّاعَةَ لِلْمَهْدِيِّ»<sup>۲</sup>

«پرچم‌های سیاهی از خاور زمین به اهتزاز در می‌آید که با مردی از اولاد ابوسفیان می‌جنگد و زمینه فرمانبرداری از مهدی را فراهم می‌آورد.»

آن حضرت در حدیث دیگر می‌فرماید:

«يَلْقَى أَهْلَ بَيْتِي بِلَاءَ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ زَايَةً مِنَ الْمَشْرِقِ سَوْدَاءَ، مَنْ نَصَرَهَا نَصَرَ اللَّهُ، وَ مَنْ خَذَلَهَا خَذَلَهُ اللَّهُ، حَتَّى يَأْتُوا رَجُلًا أَسْمُهُ كَاسِمِي فَيُؤَلِّوْنَهُ أَمْرَهُمْ فَيُؤَيِّدُهُ اللَّهُ بِنَصْرِهِ»<sup>۳</sup>

۱ - اصطخر معرب «استخر» است، استخر پایتخت داریوش کبیر، خشایارشا و اردشیر اول بوده که در حوالی پرسپولیس است و اسکندر مقدونی آن را آتش زد. خرابه‌های آن یک قسمتش به تخت جمشید معروف و در حوالی مرودشت در استان فارس باقی است. گویند: معبد آناهیتا در شهر استخر بوده و لذا پادشاهان ساسانی آنجا را گرامی می‌داشتند.

۲ - الملاحم والفتن، ص ۴۴؛ الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۴۱.

۳ - یوم الخلاص، ص ۱۰۳۷.

«اهل بيت من به سختی دچار بلاها و گرفتاری‌ها می‌شوند، آنگاه خداوند پرچم‌های سیاهی را از طرف مشرق می‌فرستد، هر کس آنان را یاری کند خدا را یاری کرده و هر کس آنان را زیون سازد خدا را زیون ساخته است، این پرچم‌ها به اهتزاز در می‌آید تا با مردی که همانام من است بیعت کنند و او را به رهبری خود انتخاب نمایند و خدایش او را تأیید می‌کند.»

«إِذَا رَأَيْتُمْ ذَلِكَ فَعَلَيْكُمْ بِالتَّمِيمِ، فَإِنَّهُ يُقْبَلُ مِنْ جَهَةِ الْمَشْرِقِ، وَهُوَ صَاحِبُ رَايَةِ الْمَهْدِيِّ.»<sup>۱</sup>

«وقتی که آن را مشاهده کردید به سوی جوان تمیمی بشتابید که او از طرف مشرق می‌آید و او پرچمدار حضرت مهدی است.»

امام محمد باقر علیه السلام درباره سید خراسانی و سپاهیانش می‌فرماید:  
«وَلَا يَذْفَعُونَهَا إِلَّا إِلَى صَاحِبِكُمْ قَتْلَاهُمْ شُهَدَاءُ، أَمَا إِنِّي لَوَأْدَرَكْتُ ذَلِكَ لَأَبْقَيْتُ نَفْسِي لِصَاحِبِ الْأَمْرِ.»<sup>۲</sup>

«پرچم‌ها را جز به دست صاحب الامر نمی‌دهند، کشته‌هایشان شهید است اگر من آن روز را درک کنم، جانم را برای صاحب این امر نگه می‌دارم.»

امام صادق علیه السلام نشانه‌های واپسین را در یک جمله خلاصه کرده و می‌فرماید:  
«الْفَرَجُ كُلُّهُ هَلَاكُ الْقَلَائِيٍّ مِنْ بَنِي الْعَبَّاسِ.»<sup>۳</sup>

«همه فرج در به هلاکت رسیدن فلانی از بنی عباس است.»  
شاید منظور، فلانی از بنی عباس یکی از ستم پیشگانی باشد که در بغداد بر تخت قدرت می‌نشیند، ستم می‌کند، خون می‌ریزد، عده‌ای از بی‌گناهان را زنده به گور کرده و عده‌ای را در زندان‌های مخوف محبوس می‌کند و اصولاً ویژگی‌هایی از خود نشان می‌دهد که در میان دیگر جنایت پیشه‌ها شناخته می‌شود تا آنجا که همگان متوجه می‌شوند که این حدیث اشاره به اوست!

۱ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۴، ح ۱۰۰.

۲ - همان، ص ۲۴۳، ح ۱۱۶.

۳ - غیبت نعمانی، ص ۱۳۷.

امیر مؤمنان علیه السلام در این باره می فرماید:

«لَتَضْرِبَنَّكُمْ الْأَعَاجِمُ عَلَىٰ هَذَا الدِّينِ عَوْدًا، كَمَا ضَرَبْتُمُوهُمْ عَلَيْهِ بَدَأًا لِيَمْلَأَنَّ اللَّهُ أَيْدِيَكُمْ مِنَ الْأَعَاجِمِ! لَيَصِيرَنَّ أَسَدًا لَا يَفِرُّونَ، فَلَيَضْرِبَنَّ أَعْنَاقَكُمْ، وَ لَيَغْلِبَنَّكُمْ عَلَىٰ فَيْئِكُمْ!»<sup>۱</sup>

«به زودی عجم ها برای بازگشتتان به دین با شما خواهند جنگید، چنان که برای پذیرش نخستین اسلام با آنان جنگیدید. خداوند دستهای شما را از ایشان پر می کند و آنان شیران ژبانی می شوند که هرگز از برابر شما نمی گریزند و گردن های شما را می زنند و ثروت های شما را تحت سیطره خود در می آورند.»

آن حضرت در حدیث دیگر می فرماید:

«إِذَا خَرَجَتْ خَيْلُ السُّفْيَانِيِّ إِلَى الْكُوفَةِ، بَعَثَ فِي طَلَبِ أَهْلِ خُرَاسَانَ وَيَخْرُجُ أَهْلُ خُرَاسَانَ فِي طَلَبِ الْمَهْدِيِّ. فَيَلْتَقِي هُوَ وَالْهَاشِمِيُّ بِرَايَاتِ سُودٍ، عَلَىٰ مُقَدَّمَتِهِ شُعَيْبُ بْنُ صَالِحٍ، فَيَلْتَقِي هُوَ وَالسُّفْيَانِيُّ بِبَابِ إِصْطَخِرٍ، فَيَكُونُ بَيْنَهُمْ مَلْحَمَةٌ عَظِيمَةٌ، فَتَظْهَرُ الرَّايَاتُ السُّودُ وَتَهْرَبُ خَيْلُ السُّفْيَانِيِّ فَمِنْدَ ذَلِكَ يَسْمَى النَّاسُ الْمَهْدِيَّ وَيَطْلُبُونَهُ، فَيَخْرُجُ مِنْ مَكَّةَ وَمَعَهُ رَايَةُ رَسُولِ اللَّهِ بَعْدَ أَنْ يَنَاسَ النَّاسُ مِنْ خُرُوجِهِ لِمَا طَالَ عَلَيْهِمْ مِنَ الْبَلَاءِ. وَيَقُولُ بَعْدَ أَنْ يُصَلِّيَ رَكَعَتَيْنِ وَيَظْهَرُ لِلنَّاسِ: أَيُّهَا النَّاسُ: أَلْحَ الْبَلَاءُ بِأُمَّةٍ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَبِأَهْلِ بَيْتِهِ خَاصَّةً، وَقَدْ قَهَرْنَا وَبَغَى عَلَيْنَا...»<sup>۲</sup>

«هنگامی که سپاه سفیانی به سوی کوفه عزیمت می کند، سفیانی گروهی را به جستجوی اهل خراسان می فرستد که برای یاری حضرت مهدی خروج کرده اند، سپاه سفیانی با سپاه (سید خراسانی) در دروازه اصطخر روبرو می شوند که مردی به نام شعیب بن صالح پرچمدار خراسانی هاست و پرچم های سیاهی در دست دارند، نبرد سختی در میانشان پدید می آید که سرانجام صاحبان پرچم های سیاه پیروز می شوند و سپاه سفیانی پا به فرار می گذارند، در آن هنگام مردم به دیدار حضرت مهدی مشتاق تر می شوند و به جستجوی او می پردازند، حضرت مهدی در آن زمان در مکه ظهور می کند و پرچم رسول اکرم را در دست می گیرد و آن وقت است که مردم به کلی از ظهور او ناامید شده و حوادث فراوانی بر آنان رخ نموده است، چون حضرت ظهور کند دو رکعت نماز می گزارد و می فرماید: هان ای مردم! بلاها بر امت

۱ - بوم الخلاص، ص ۱۰۳۷.

۲ - الملاحم والفتن، ص ۱۵۱ بشارة الاسلام، ص ۱۴۸.

محمد ﷺ فرود آمد و به اهل بیت ما به خصوص بلاهای فراوان نازل شد، ما مظلوم شدیم و به ما بسیار ستم کردند...»

مروست: در این برهه از زمان، جوان هاشمی از آل محمد ﷺ به فرمان حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) جهت اتمام حجت رهسپار مکه می شود و او کسی نیست مگر محمد بن حسن که لقبش نفس زکیه است.

امام جعفر صادق علیه السلام در مورد نشانه های ظهور می فرماید:

«خَمْسٌ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ: الْيَمَانِيُّ، وَالسُّفْيَانِيُّ وَالنَّدَاءُ، وَالْخَسْفُ بِالْبَيْدَاءِ، وَ قَتْلُ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ.»<sup>۱</sup>

«پیش از قیام قائم پنج نشانه است: ۱ - خروج یمانی؛ ۲ - خروج سفیانی؛ ۳ - ندای آسمانی؛ ۴ - خسف سرزمین بیداء؛ ۵ - قتل نفس زکیه.»

### قیام نفس زکیه

نفس زکیه لقب یک جوان هاشمی از آل محمد ﷺ و از تبار سالار شهیدان حضرت حسین بن علی علیه السلام است و نام او محمد بن حسن می باشد.

نفس زکیه در آغاز جنبش سپاه سفیانی و به فرمان حضرت ولی عصر علیه السلام جهت اتمام حجت رهسپار مکه می شود و از آنجا به مدینه می رود، زمانی که دومین گروه از لشکر سفیانی که برای مقابله با دعوت حق و رویارویی با سپاه حضرت بقیه الله الاعظم به سوی مدینه گسیل می شوند، نفس زکیه رهسپار مکه می شود و در آنجا بانگ دادخواهی و دعوت به سوی آل محمد ﷺ را بلند می کند و طبق دستور حضرت مهدی عرض می کند: ای اهل مکه! من فرستاده حضرت ولی عصر به سوی شما هستم، آن حضرت خطاب به شما مردم فرمودند:

«إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ النَّبُوَّةِ، وَمَعْدِنِ الرَّسَالَةِ وَالْخِلَافَةِ. وَنَحْنُ ذُرِّيَّةُ مُحَمَّدٍ ﷺ وَسَلَالَةُ النَّبِيِّينَ. وَإِنَّا قَدْ ظَلَمْنَا وَاضْطَهَدْنَا، وَقَهَرْنَا وَابْتَرَّ حَقُّنَا مَذْ قَبْضِ نَبِيِّنَا إِلَى وَقْتِنَا هَذَا... وَنَحْنُ نَسْتَنْصِرُكُمْ فَأَنْصِرُونَا... فَإِذَا تَكَلَّمْ بِهَذَا الْكَلَامِ آتَوْا إِلَيْهِ فَذَبْحُوهُ بَيْنَ الرَّكْنِ وَالْمَقَامِ، وَهُوَ النَّفْسُ الزَّكِيَّةُ.»<sup>۲</sup>

۱ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۹، ح ۴۹.  
 ۲ - همان، ص ۲۰۷، ح ۸۱.



«ما اهل بیت نبوت و معدن رسالت و خلافت هستیم، ما عترت پیامبر و سلالة پیامبرانیم، ما مظلوم شدیم، به ما ستم کردند و از روزی که پیامبر رحلت کرد، حق ما را غصب نمودند و تا به امروز در دست غاصبان است. ما از شما یاری می طلبیم، ما را یاری کنید، چون پیام آن حضرت را ابلاغ می کند او را می گیرند و در میان رکن و مقام ذبح می کنند، که او همان نفس زکیه است.»

مرویست: نفس زکیه را در روز بیست و پنجم ذیحجه الحرام در بیت الله الحرام بدون هیچ گناه در میان رکن و مقام مظلومانه ذبح می کنند، پس از ارتکاب این جنایت عده ای از مؤمنان به دنبال حضرت مهدی علیه السلام می گردند تا با آن حضرت بیعت کرده و این جنایت را محکوم نمایند بین ذبح نفس زکیه و آغاز قیام شکوهمند حضرت ولی عصر آقا امام زمان پانزده روز فاصله است؛ قیام آن حضرت در دهم ماه مبارک محرم اتفاق می افتد و یک بار دیگر بانگ جبرئیل در فضا طنین انداز می شود که جهانیان را به بیعت با آن حضرت دعوت کرده و می فرماید: «الْبَيْعَةُ لِلَّهِ، الْبَيْعَةُ لِلَّهِ»<sup>۱</sup> پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می فرماید:

«إِنَّ الْمَهْدِيَّ لَا يَخْرُجُ حَتَّى تُقْتَلَ النَّفْسُ الزَّكِيَّةُ. فَإِذَا قُتِلَتِ النَّفْسُ الزَّكِيَّةُ غَضِبَ عَلَيْهِمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ، فَأَنَّى النَّاسُ الْمَهْدِيَّ فَرَفُوهُ كَمَا تُرْفُ الْعُرُوسُ إِلَى زَوْجِهَا لَيْلَةَ عَزْسِهَا»<sup>۲</sup>  
«مهدی خارج نمی شود تا نفس زکیه کشته شود، چون نفس زکیه کشته شد، ساکنان آسمان و زمین بر آنان غضبناک می شوند، آنگاه مهدی ظهور می کند و مردم در اطراف شمع وجودش گرد آیند آن سان که در شب زفاف در اطراف عروس گرد آیند.»  
در همین رابطه حضرت ولی عصر در توقیعی شریف خطاب به شیخ مفید رحمته الله می فرماید:

«وَأَيَّةُ حَرَكَتِنَا مِنْ هَذِهِ اللَّوْثَةِ خَادِتَةٌ بِالْحَرَمِ الْمُعَظَّمِ مِنْ رِجْسٍ مُنَافِقِي مُدَّعَمٍ، مُسْتَحِلٌّ لِلدَّمِ الْمُحَرَّمِ! يَغْمَدُ بِكَيْدِهِ أَهْلَ الْإِيمَانِ، وَلَا يَبْلُغُ عَرَضَهُ مِنَ الظُّلْمِ لَهُمْ وَالْعُدْوَانِ، لِأَنَّا مِنْ وَرَاءِ حِفْظِهِمْ بِالِدُّعَاءِ الَّذِي لَا يُحْجَبُ عَنِ مَلِكِ السَّمَاءِ، فَلْيَطْمَئِنِّ بِذَلِكَ مِنْ أَوْلِيَائِنَا الْقُلُوبُ، وَلْيَتَّقُوا بِالْكَفَايَةِ مِنْهُ وَإِنْ رَاعَتْهُمْ بِهِمُ الْخَطُوبُ، وَالْعَاقِبَةُ لِجَمِيلِ صُنْعِ اللَّهِ تَكُونُ حَمِيدَةً مَا اجْتَنَبُوا الْمُنْهَى عَنْهُ مِنَ الذُّنُوبِ»<sup>۳</sup>

۱ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۰، ح ۳۰.

۲ - بشارة الاسلام، ص ۱۸۳.

۳ - احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۴۹۹.

«در این فتنه و آشوب، نشانه‌ای از جنبش و حرکت ما وجود دارد و آن عبارت از رویدادی است که در حرم امن الهی به دست منافقی پلید و تبه‌کار روی می‌دهد، خون حرام را می‌ریزد و بر مؤمنان حيله می‌ورزد ولی به هدف اصلی خود نمی‌رسد؛ زیرا پشت آنان با دعای ما گرم است و هرگز از درگاه خدای آسمان بر نمی‌گردند، دل‌های دوستان ما با آن مطمئن باشد، اگرچه حوادث جانگدازی روی خواهد داد ولی فرجام کار با لطف خدای منان به نیکی پایان خواهد یافت تا هنگامی که مؤمنان از گناهان پرهیز نمایند.»

«فَلَابِدٌ مِنْ قَتْلِ غُلَامٍ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ»<sup>۱</sup>

«به ناگزیر جوانی از آل محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ باید در میان رکن و مقام کشته شود.»

امام جعفر صادق عَلَيْهِ السَّلَام در این باره می‌فرماید:

«مَا بَقِيَ بَيْنَنَا وَبَيْنَ الْعَرَبِ إِلَّا الذَّبْحُ.»<sup>۲</sup>

«در میان ما و عرب جز ذبح فاصله‌ای نمانده است.»

«وَقَتْلُ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ مِنَ الْمَخْتَوْمِ.»<sup>۳</sup>

«قتل نفس زکیه از نشانه‌های قطعی است.»

پس از شهادت نفس زکیه، ظهور پرمیمنت حضرت مهدی یگانه منجی عالم بشریت به اذن حق تعالی تحقق خواهد یافت و به امید خدا آن فجر صادق که با ندای جبرئیل امین همگان را به سوی آن پادشاه آسمانی دعوت می‌کند به گوش عالمیان خواهد رسید. ان شاء الله

## بانگ آسمانی

بانگ آسمانی ندای ملکوتی حضرت جبرئیل امین عَلَيْهِ السَّلَام است که نشانه‌ای از علائم ظهور محسوب می‌شود که در قرب رستاخیز صغریٰ تحقق خواهد پذیرفت و پیک وحی آن فرشته مقرب از جانب خداوند در میان زمین و آسمان برخاسته و صدایش به گوش عالمیان خواهد رسید که می‌فرماید: ای مردمان آگاه باشید امیر شما مهدی

۱ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۱، ح ۲۴.

۲ - همان، ص ۳۴۹.

۳ - همان، ص ۲۰۶، ح ۴۰.

آل محمد صلی الله علیه و آله است و حق با علی و شیعیان اوست، پس مردم چه دوست و چه دشمن ندای ملکوتی آن فرشته آسمانی را خواهند شنید.

در همین رابطه مرویست:

«يُنزِلُ جِبْرَائِيلُ يَوْمَئِذٍ عَلَى صَخْرَةٍ بَيْنَ الْمُقَدِّسِ، فَيَصِيحُ فِي أَهْلِ الدُّنْيَا: (وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ، إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا).<sup>۱</sup>

«آن روز جبرئیل بر فراز سنگی در بیت المقدس قرار گرفته، بر مردم جهان بانگ زده می فرماید: بگو: حق آمد و باطل از بین رفت، که باطل از بین رفتنی است.»

«أَلَا أَيُّهَا النَّاسُ: إِنَّ اللَّهَ قَدْ قَطَعَ مِدَّةَ الْجَبَّارِينَ وَالْمُنَافِقِينَ وَأَتْبَاعَهُمْ، وَوَلَّيَكُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله فَالْحَقُّوهُ بِمَكَّةَ فَإِنَّهُ الْمَهْدِيُّ.»<sup>۲</sup>

هنگام خروج مهدی، منادی آسمانی از آسمان بانگ می زند: «هان ای مردمان! خداوند مهلت ستمگران، منافقان و پیروانشان را قطع کرد و بهترین امت محمد صلی الله علیه و آله را به پیشوایی و سرپرستی شما برگزید، خود را در مکه به او برسانید که او مهدی است.»

رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

«سَيَكُونُ فِي رَمَضَانَ صَوْتُ، وَفِي شَوَّالٍ مَعْمَعَةٌ، وَفِي ذِي الْحِجَّةِ تَحَارُطُ الْقَبَائِلِ. وَعَلَامَتُهُ أَنْ يُنْهَبَ الْحَاجُّ، وَتَكُونَ مَلْحَمَةٌ مِني وَتَكْثُرُ فِيهَا الْقَتْلَى وَتَسِيلُ فِيهَا الدَّمَاءُ، حَتَّى تَسِيلَ دِمَاؤُهُمْ عَلَى الْجَمْرَةِ.»<sup>۳</sup>

«بانگی در ماه رمضان شنیده می شود، آتش جنگی در ماه شوال برافروخته می گردد، قبیله ها در ماه ذیحجه به جنگ بر می خیزند و نشانه آن این است که حجاج را غارت می کنند و فاجعه بزرگی در مینی روی می دهد و افراد بیشماری کشته می شوند و خون ها روان می گردد و بر جمرات می ریزد.»

امیر مؤمنان علیه السلام در این باره فرموده اند:

«أَمَا سَمِعْتُمْ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ: «إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً: آيَةً

۱ - بشارة الاسلام، ص ۲۲۰.

۲ - ارشاد مفید، ص ۳۳۶.

۳ - الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۶۱.

تُخْرِجُ الْفَتَاةَ مِنْ خُدْرِهَا، وَتُوقِطُ النَّائِمَ، وَتُفْرِعُ الْيَقْظَانَ.»<sup>۱</sup>

«آیا نشنیده‌اید که خدای تبارک و تعالی می‌فرماید: اگر بخواهیم برای شما از آسمان نشانه‌ای می‌فرستیم، نشانه‌ای که دختر پرده‌نشین را وحشت زده از سرا پرده بیرون فرستد، خفته را بیدار سازد و بیدار را به وحشت اندازد.»

همچنین امیرمؤمنان علیه السلام در تفسیر آیه: ﴿فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ...﴾<sup>۲</sup> فرمودند: «از میانشان احزاب دست به اختلاف زدند...»

آن حضرت در این باره فرمودند:

«إِنْتظِرُوا الْفَرَجَ مِنْ ثَلَاثٍ: إِخْتِلَافِ أَهْلِ الشَّامِ فِيمَا بَيْنَهُمْ، وَالرَّيَاثِ السُّودِ مِنْ خُرَاسَانَ، وَالْفَرَعَةَ فِي شَهْرِ رَمِضَانَ...»<sup>۳</sup>

«از مشاهده سه نشانه منتظر فرج باشید: اختلاف شامیان، پرچم‌های سیاه از خراسان، صیحه آسمانی در ماه رمضان...»

در همین رابطه امام زین العابدین علیه السلام می‌فرماید:

«وَاللَّهِ إِنَّ ذَلِكَ فِي كِتَابِ اللَّهِ لَبَيِّنٌ حَيْثُ يَقُولُ: وَاسْتَمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادُ مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ، يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ. فَلَا يُبْقَى فِي الْأَرْضِ أَحَدٌ إِلَّا خَضَعَ وَذَلَّتْ رَقَبَتُهُ لَهَا. وَيُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ عَلَى الْحَقِّ، وَهُوَ النَّدَاءُ الْأَوَّلُ. وَيَزْتَابُ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ حِينَ النَّدَاءِ الثَّانِي.»<sup>۴</sup>

«به خدا سوگند! این مطلب در کتاب خدا بسیار صریح بیان شده، آنجا که می‌فرماید: گوش فرا ده، هنگامی که منادی از نقطه نزدیکی ندا سر می‌دهد، آن روز به حق آن صیحه را می‌شنوند که آن روز، روز خروج است<sup>۵</sup> در روی زمین احدی باقی نمی‌ماند جز این که در برابر این بانگ آسمانی خاضع و منقاد می‌شود، آنان که ایمان آورده‌اند، خداوند آنان را روی ایمان راسخ و عقیده حق، ثابت و پا برجا نگاه می‌دارد و این بانگ نخستین است، ولی کسانی که در دل‌هایشان بیماری هست در بانگ دوم دچار شک و تردید می‌شوند.»

۱ - غیبت نعمانی، ص ۱۳۳.

۲ - سوره زخرف (۴۳) آیه ۶۵.

۳ - المهدی، ص ۹.

۴ - بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۹۲.

۵ - سوره ق (۵۰) آیه ۴۱ و ۴۲.

«الصَّيْحَةُ لَا تَكُونُ إِلَّا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ، لِأَنَّ شَهْرَ رَمَضَانَ شَهْرُ اللَّهِ، وَهِيَ صَيْحَةٌ جَبْرَائِيلَ إِلَى الْحَقِّ»<sup>۱</sup>  
 ندای آسمانی جز در ماه رمضان نخواهد بود که ماه رمضان ماه خداست و آن بانگ جبرئیل است که به سوی حق فرا می خواند.

«يُنَادِي مُنَادٍ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ عِنْدَ الْفَجْرِ، مِنْ نَاحِيَةِ الْمَشْرِقِ: يَا أَهْلَ الْهُدَى اجْتَمِعُوا، وَيُنَادِي مُنَادٍ مِنْ قِبَلِ الْمَغْرِبِ، بَعْدَ مَغِيبِ الشَّمْسِ: يَا أَهْلَ الْبَاطِلِ اجْتَمِعُوا»<sup>۲</sup>  
 در ماه رمضان به هنگام صبح، منادی آسمانی از طرف مشرق بانگ برمی آورد: ای اهل هدایت! گرد آئید، بعد از غروب آفتاب منادی دیگری از طرف مغرب بانگ برمی آورد: ای اهل باطل! گرد آئید.

در مورد این احادیث باید گفت: دو ندا در یک روز به گوش عالمیان خواهد رسید، ندایی که در صبح روز ظهور به گوش همگان می رسد حق است و باید لبیک گفت، سپس سجده کرده و در هر سجده هفت بار این دعا خوانده شود: «سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ، رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ»<sup>۳</sup> اما در مورد ندای بعد از ظهر که ندای شیطان است باید خود را مخفی کرده و گوش ها را گرفته و به خدا پناه برد که در عصر آن روز بسیاری از بندگان خدا لبیک گوی این ندای جهنمی خواهند شد و با این بیعت نامیمون به صفوف فشرده هلاک شوندگان خواهند پیوست، پس باید در این مورد حساس آگاه بود؛ زیرا با ندای بعد از ظهر ناآگاهان و گنهکاران به سرنوشت شومی دچار می شوند، امید است همگی به ندای صبح آن روز درخشان لبیک گفته و ندای بعد از ظهر را رد نمائیم. ان شاء الله

در همین رابطه امام محمد باقر علیه السلام می فرماید:

«يُنَادِي مِنَ السَّمَاءِ أَوَّلَ النَّهَارِ: أَلَا إِنَّ الْحَقَّ مَعَ عَلِيٍّ وَشِيعَتِهِ، ثُمَّ يُنَادِي مِنْ آخِرِ النَّهَارِ مِنَ الْأَرْضِ: أَلَا إِنَّ الْحَقَّ مَعَ فَلَانٍ وَشِيعَتِهِ، فَعِنْدَ ذَلِكَ يَزْتَابُ الْمُبْطِلُونَ»<sup>۴</sup>

«منادی آسمانی در اول صبح بانگ بر می آورد: ای مردمان آگاه باشید که حق با علی و شیعیان اوست. شیطان در آخر همان روز بانگ بر می آورد: حق با فلانی<sup>۵</sup> و

۱ - غیبت نعمانی، ص ۱۳۴.

۲ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۵.

۳ - خداوند (بسیار منزّه و پاک از هر عیب و آلیش و آفریننده فرشتگان و روح است).

۴ - بحار الانوار، ج ۳۸، ص ۲۸، ح ۱.

۵ - منظور از فلانی، سفیانی ملعون است.

پیروان اوست! آنجاست که اهل باطل دچار شک و تردید می شوند.»

امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید:

«إِذَا نَادَى مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ: إِنَّ الْحَقَّ فِي آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَعِنْدَ ذَلِكَ يَظْهَرُ الْمَهْدِيُّ عَلَى أَقْوَامِ النَّاسِ، وَيُشْرَبُونَ حَبَّةً وَلَا يَكُونُ لَهُمْ ذِكْرٌ غَيْرُهُ.»<sup>۱</sup>

«هنگامی که منادی آسمانی بانگ برآورد که حق با آل محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است، نام مهدی بر سر زبان‌ها می افتد و محبت او در دل‌ها جای می‌گزیند و دیگرکاری جز یاد او نخواهند داشت.»

امام محمد باقر علیه السلام در مورد آن ندای آسمانی می فرماید:

«الصَّيْحَةُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فِي لَيْلَةِ الْجُمُعَةِ، لَيْلَةَ ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ، فَلَا تُشْكُوا فِي ذَلِكَ وَاسْمَعُوا وَأَطِيعُوا. وَفِي آخِرِ النَّهَارِ صَوْتُ إِبْلِيسَ اللَّعِينِ يُنَادِي: أَلَا إِنَّ فُلَانًا قُتِلَ مَظْلُومًا يُشَكُّ النَّاسَ وَيَفْتِنُهُمْ! فَكَمْ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ مِنْ شَاكٍ مُتَحَيِّرٍ قَدْ هَوَى فِي النَّارِ! وَعَلَامَةُ ذَلِكَ أَنَّ جِبْرَائِيلَ يُنَادِي بِاسْمِ الْقَائِمِ وَاسْمِ أَبِيهِ، حَتَّى تَسْعَدَ الْعُدْرَاءُ فِي خِدْرِهَا فَتَحْرُضَ أَبَاهَا وَأَخَاهَا عَلَى الْخُرُوجِ.»<sup>۲</sup>

«ندای آسمانی در ماه رمضان، در شب جمعه، شب ۲۳ رمضان است که هرگز در مورد آن دچار شک و تردید نشوید، گوش فرا دهید و اطاعت کنید و در پایان روز، صدای ابلیس لعین بلند می‌شود که می‌گوید: فلانی مظلوم کشته شد! با این بانگ، نابهنگام گروهی را به شک می‌اندازد و گروه کثیری با شک و تردید وارد آتش می‌شوند، نشانه بانگ جبرئیل این است که به نام قائم و نام پدرش ندا می‌کند، دختران پرده نشین با شنیدن آن خوشحال می‌شوند و پدران و برادرانشان را تشویق می‌کنند که خروج نمایند.»

«الْغَامُ الَّذِي فِيهِ الصَّيْحَةُ، قَبْلَهُ آيَةٌ فِي رَجَبٍ. فَقِيلَ لَهُ: وَمَاهِي؟ قَالَ وَجْهٌ يَطْلُعُ فِي الْقَمَرِ، وَيَدُّ بَارِزَةً، وَتَطْلُعُ كَفُّ تُشِيرٌ. وَالنِّدَاءُ الَّذِي مِنَ السَّمَاءِ يَسْمَعُهُ أَهْلُ الْأَرْضِ: كُلُّ أَهْلِ لُغَةٍ يَلْفَتُهُمْ.»<sup>۳</sup>

«سالی که صیحه آسمانی در آن شنیده می‌شود، نشانه‌ای پیش از آن در ماه رجب دیده می‌شود، گفته شد: آن نشانه چیست؟ فرمود: سیمایی در قرص ماه دیده می‌شود، دست و کف دست روشنی در فضا ظاهر می‌گردد و به سوی او اشاره می‌کند، ندایی از آسمان بلند می‌شود و همه مردم روی زمین، هرکسی به زبان

۱ - منتخب الاثر، ص ۱۶۳.

۲ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۰.

۳ - همان، ص ۲۲۳، ح ۹۷.

خودش آن را می شنود.»

«يَكُونُ فِرْقَةً وَاخْتِلَافٌ حَتَّى يَطَّلَعَ كَفٌّ مِنَ السَّمَاءِ، وَ يُنَادِي مُنَادٍ إِنَّ أَمِيرَكُمْ فَلَانٌ.»<sup>۱</sup>

«اختلاف شدیدی روی می دهد و ادامه می یابد تا وقتی که کف دستی در آسمان ظاهر شود و منادی آسمانی بانگ برآورد که امیر شما فلانی است.»  
مرویست: در چنین شرایطی منکران به وحشت افتاده و طومار خیانت و جنایتشان در هم پیچیده خواهد شد تا آنجا که قدرت هیچ گونه واکنش را نخواهند داشت چنان که می خوانیم:

«إِذَا سَمِعُوا الصَّوْتِ أَصْبَحُوا كَأَنَّمَا عَلَى رُؤُوسِهِمُ الطَّيْرُ! أَمَا لَوْ كَانَتِ الصَّيْحَةُ خَضَعَتْ لَهَا أَغْنَاقُ أَغْدَاءِ اللَّهِ! فَإِنْ أَشْكَلَ عَلَيْهِمْ مِنْ ذَلِكَ شَيْءٌ، فَإِنَّ الصَّوْتِ لَا يُشْكَلُ عَلَيْهِمْ إِذَا نُوْدِيَ بِاسْمِهِ وَاسْمِ أَبِيهِ وَجَدِّهِ.»<sup>۲</sup>

«هنگامی که بانگ آسمانی را بشنوند، همانند کسی که بر سرش مرغ نشسته باشد خشکشان می زند، گردن همه دشمنان خدا در برابر صیحه آسمانی خاضع و منقاد می شود، اگر در چیزی هم دچار شک و تردید شده باشند در مورد صیحه آسمانی هیچ تردیدی نخواهند داشت که با نام، نام پدر و نام اجداد طاهرین او (مهدی) ندا داده خواهد شد.»

در روایت آمده است: بانگ آسمانی در پگاه روز جمعه بیست و سوم ماه مبارک رمضان خواهد بود، در همین رابطه توصیه شده شنوندگان آن صدا برای جلوگیری از عوارض آن بانگ آسمانی، گوش های خود را گرفته و پس از شنیدن آن ندای ملکوتی و با شکوه خدا را شاکر باشند و سجده شکر به جای آرند و سپس نماز توبه و نماز حاجت بخوانند، به راستی چه حاجتی والاتر از آن که افراد برای ماندن، بودن و زیستن در عصر حکومت کریمه به خداوند متوسل شده و از خدای مهربان حاجت طلبند.

«فَإِذَا صَلَّيْتُمْ الْفَجْرَ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ الْمَذْكُورِ، فَادْخُلُوا بُيُوتَكُمْ، وَأَغْلِقُوا أَبْوَابَكُمْ، وَسُدُّوا الْكُؤَى، وَدَثِّرُوا أَنْفُسَكُمْ، وَسَدُّوا آذَانَكُمْ. فَإِذَا أَحْسَسْتُمْ بِالصَّيْحَةِ فَخِرُّوا سُجَّدًا وَقُولُوا: سُبْحَانَ رَبِّنَا الْقُدُّوسِ، فَإِنَّهُ مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ نَجَا. وَمَنْ بَرَزَ لَهَا هَلَكَ.»<sup>۳</sup>

۱ - الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۵۱.

۲ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۳، ح ۴۱.

۳ - الملاحم الفتن، ص ۳۳.

«چون نماز صبح را در روز جمعه یاد شده خواندید، وارد خانه‌های خود شوید و درها و پنجره‌ها را ببندید، خود را بپوشانید و گوش‌های خود را بگیرید، هنگامی که بانگ آسمانی را شنیدید سجده کرده و بگوئید: «سُبْحَانَ رَبِّنَا أَلَقْدُوسُ» هر کس چنین رفتار کند نجات پیدا می‌کند و هر کس روی در روی آن بایستد هلاک می‌شود.»

«فَلَا يَبْقَى شَيْءٌ خَلَقَ اللَّهُ فِيهِ الرُّوحَ إِلَّا سَمِعَ الصَّيْحَةَ، وَلَا يَبْقَى رَاقِدٌ إِلَّا اسْتَيْقَظَ، وَلَا قَائِمٌ إِلَّا قَعَدَ، وَلَا قَاعِدٌ إِلَّا قَامَ عَلَى رِجْلَيْهِ فَرَعَا مِنْ ذَلِكَ الصَّوْتِ، هِيَ صِيحَةُ جِبْرِئِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ [الأمين]. فَرَجِمَ اللَّهُ مَنْ سَمِعَ ذَلِكَ الصَّوْتِ فَأَجَابَ.»<sup>۱</sup>

«هیچ موجود جانداري نمی‌ماند جز این‌که آن بانگ آسمانی را می‌شنود، هیچ خفته‌ای نمی‌ماند جز این‌که بیدار می‌شود، هیچ ایستاده‌ای نمی‌ماند جز این‌که می‌نشیند و هیچ نشسته‌ای نمی‌ماند جز این‌که می‌ایستد و از شنیدن آن بانگ آسمانی این چنین وحشت زده می‌شوند و آن بانگ جبرئیل امین است، خدای رحمت کند کسی را که این صدا را بشنود و لبیک بگوید.»

«... لَا بَدَّ مِنْ هَذَيْنِ الصَّوْتَيْنِ قَبْلَ خُرُوجِ الْقَائِمِ: صَوْتٍ مِنَ السَّمَاءِ، وَهُوَ صَوْتُ جِبْرِئِيلَ، وَصَوْتٍ مِنَ الْأَرْضِ، وَهُوَ صَوْتُ إِبْلِيسَ اللَّعِينِ...»<sup>۲</sup>

«... به ناچار این دو صیحه پیش از قیام قائم شنیده خواهد شد، یکی از آسمان که صدای جبرئیل امین است و دیگری از زمین که صدای شیطان لعین است...»

امام صادق علیه السلام در مورد بانگ شیطان می‌فرماید:

«فَإِذَا دَنَّتِ الشَّمْسُ لِلْفُرُوبِ. ضَرَّخَ صَارِخٌ مِنْ مَغْرِبِهَا: «يَا مَعْشَرَ الْخَلَائِقِ، قَدْ ظَهَرَ رَبُّكُمْ بِوَادِي الْيَابِسِ مِنْ أَرْضِ فِلِسْطِينَ وَهُوَ عَثْمَانُ بْنُ عَنَسَةَ... فَبَايَعُوهُ تَهْتَدُوا، وَلَا تُخَالِفُوا عَلَيْهِ.»<sup>۳</sup>

«چون خورشید نزدیک غروب شود، فریادگری از محل غروب آفتاب بانگ برمی‌آورد: ای گروه مردمان! صاحب شما از صحرای بی آب و علفی در سرزمین فلسطین خروج کرده و او عثمان بن عنسه...<sup>۴</sup> است با او بیعت کنید تا هدایت شوید و با او مخالفت نکنید.»

۱ - منتخب الاثر، ص ۴۴۸، ر.ک: بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۹، ح ۴۸.

۲ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۰ - ۲۳۱، ح ۹۶.

۳ - الزام الناصب، ص ۲۱۶؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۸، ح ۱.

۴ - منظور از عثمان بن عنسه، همان سفیانی است که از تبار ابوسفیان، معاویه و یزید می‌باشد.



از امام صادق علیه السلام پرسیدند: چه کسی به این ندا ایمان می آورد و چه کسی به آن ندا؟! حضرت فرمودند:

«کسی که قبلاً به آن ایمان آورده بود همچنان به آن ایمان می آورد، او بانگ آسمانی را می شنود و می فهمد که حق است و آن را تصدیق می کند.»  
سپس آن حضرت این آیه را تلاوت فرموده اند:

﴿أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدِي فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ﴾<sup>۱</sup>

«آیا کسی که به سوی حق رهبری می کند شایسته پیروی است، یا کسی که خود هدایت نمی یابد جز این که دیگری او را هدایت کند؟! شما را چه شده، چگونه داوری می کنید؟»

در همین رابطه آن حضرت فرمودند:

صدای جبرئیل از آسمان و صدای شیطان از زمین است، شما از صدای اولی پیروی کنید، مبادا به صدای دومی بگرائید و فریب بخورید! بانگ آسمانی حق است، به خدا سوگند، هر قومی به زبان خود آن را می شنود.

حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام در این باره می فرماید:

﴿يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ يَسْمَعُهُ جَمِيعُ أَهْلِ الْأَرْضِ بِالدُّعَاءِ إِلَى الْقَائِمِ، فَيَقُولُ: «أَلَا إِنَّ حُجَّةَ اللَّهِ قَدْ ظَهَرَ عِنْدَ بَيْتِ اللَّهِ، فَاتَّبِعُوهُ فَإِنَّ الْحَقَّ مَعَهُ وَفِيهِ.»﴾<sup>۲</sup>

«منادی از آسمان ندا سر می دهد، همه مردم روی زمین می شنوند که آنان را به سوی قائم فرا می خواند و می گوید: آگاه باشید که حجت خدا در کنار خانه خدا ظاهر شده، از او پیروی کنید که حق با اوست و انحصار به او دارد.»

روایت است: در آن روز مبارک نخستین نغمه ای که از حضرت مهدی، یگانه امید مشتاقان به گوش صالحان می رسد این آیه شریفه است. ﴿بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾<sup>۳</sup> «بقیه الله برای شما بهتر است اگر مؤمن باشید.»

۱ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۴.

۲ - سوره یونس (۱۰) آیه ۳۵.

۳ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۲۱، ح ۲۹.

۴ - سوره هود (۱۱) آیه ۸۶.

در آن روز دومین نغمه آسمانی، صدای فرشته‌ای است که بالای سر آن حضرت بانگ بر می آورد:

«إِنَّهَا تَكُونُ صَيْحَةً تَتَّبِعُهَا هَذَّةٌ»<sup>۱</sup>

«صیحه‌ای برخیزد و سپس حادثه‌ای بس بزرگ به دنبالش واقع شود.»  
آنگاه قطعه ابری بر سر مبارک آن حضرت سایه می اندازد و بالای سرش حرکت می کند فرشته‌ای در این ابر قرار می گیرد و خطاب به عالمیان بانگ بر می آورد.

«هَذَا الْمَهْدِيُّ خَلِيفَةُ اللَّهِ فَاتَّبِعُوهُ»<sup>۲</sup>

«این مهدی خلیفه خداوند است از او پیروی کنید.»

امید است آن توفیق و لیاقت لازم را دارا باشیم تا از تنها حجت خدا پیروی کرده و در عصر ظهور و حضور لبیک گوی ندایی شویم که از کنار خانه خدا به گوش جهانیان خواهد رسید، همان ندا و بشارتی که سبب شادی عرشیان و فرشیان می گردد، پرندگان هوا، ماهیان دریا و وحوش صحرا به خاطرش شادی می کنند و هیچ مؤمنی از مؤمنان در گذشته و حال نمی ماند جز این که شادی و فرح در دنیای فانی و باقی او را شادمان خواهد ساخت و باری تعالی این چنین با ولایت قائم آل محمد صلی الله علیه و آله نور خود را به کمال می رساند، اگرچه منکران اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام آن را خوش نخواهند داشت، به امید روزی که دنیا به دست مبارک حضرت بقیه الله الاعظم ارواحنا له الفداء فتح و گستره زمین پهنه داد و دادگری شود، در همان روزی که عالمیان زبان به ستایش پروردگارشان گشوده و او را بر آن نعمت بزرگ سپاسگزار شوند، همانان که در لحظه لحظه های آن روز خواهند گفت:

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾

«ستایش خدای را که پروردگار جهانیان است.»

«اللَّهُمَّ إِنِّي رَضِيتُ بِهِمْ أَيْمَةً فَارْضَنِي لَهُمْ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»

«بارالها! به راستی من به امامت ایشان راضیم

پس ایشان را از من راضی نما؛ زیرا تو بر همه چیز توانایی.»

۱ - الملاحم و الفتن، ص ۱۱۷.

۲ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۹۵، ح ۳۸.

## فصل چہارم

یاران حضرت ولی عصر علیہ السلام

وقوع رستاخیز صغری

رجعت حضرت عیسیٰ علیہ السلام

## یاران حضرت ولی عصر علیه السلام

یاران حضرت مهدی افراد صالحی هستند که از گذشته‌های دور برای هدفی والا برگزیده شده و آنان در زمان موعود و طبق قرار قبلی انجام وظیفه خواهند کرد، آنان مردمانی مؤمن به قرآن و عترت و متعهد به مسئولیت خود هستند و خدا را به شایستگی شناخته و همه وجودشان تهی از شک و شبهه و پر از عشق و شوق نسبت به آقا امام زمان می‌باشد.

آنان پارسایان شب و دلیران روزند، آنان ارکان محکمی هستند برای جهادی که در پیش است، سلحشورانی فولاد دل که اگر برکوه‌ها بگذرند آن را درهم فروریزند، آنان در آن پیکار سرنوشت ساز آن قدر می‌جنگند تا خداوند از ایشان راضی شود، آنان پرچمدار و فرمانروایان حضرت ولی عصر هستند، نقل شده: فرمانروایان در عصر حضور وظیفه دارند تا طبق دستور ولی عصر و زمان حضرت مهدی عمل کرده و بر اجرای قانون واحد در ممالک مختلف کوشا باشند.

مرویست: به دستور حضرت، حکم و برنامه اجرای امر در کف دست حاکمان ثبت می‌شود هرگاه آنان نسبت به امری دچار مشکل شدند کافی است نظر به کف دست خود نمایند تا بر آنان اسرار نهفته آشکار گردد در همین رابطه امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرماید: لشکر آن حضرت به چهل و شش هزار نفر خواهد رسید و از امام محمد باقر علیه السلام روایت شده: لشکر حضرت مهدی در حدود صد هزار نفر خواهند بود. (۱)

همچنین مرویست: یاران از نقاط مختلف کره زمین از طریق طی الارض خود را به مکه خواهند رساند درحالی که هر یک از آنان دارای شمشیری بُرنده هستند که بر قبضه آن نام ایشان و پدرانشان ثبت است آنان در مکه افتخار حضور پیدا کرده و خود را خدمت حضرت معرفی می کنند، همانان که به حق خدا را می شناسند و بالاترین سطح در معرفت به توحید را دارا می باشند، یاد و نامشان مبارک باد.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در مورد ظهور نابهنگام حضرت مهدی علیه السلام می فرماید:  
**«الْمَهْدِيُّ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ، يُضِلِّحُهُ اللَّهُ فِي لَيْلَةٍ.»** (۱)

«مهدی از ما اهل بیت است، خداوند کار او را در یک شب فراهم می آورد.»  
 امام صادق علیه السلام در این باره فرموده اند:

**«يُضْبِحُ أَحَدُكُمْ وَ تَحْتَ رَأْسِهِ صَحِيفَةٌ عَلَيْهَا مَكْتُوبٌ: طَاعَةٌ مَعْرُوقَةٌ.»** (۲)

«برخی از شما صبح از خواب بیدار می شود و می بیند که زیر سرش ورقه ای هست که بر آن نوشته شده: اطاعت نیکو.»

**«إِذَا أُذِنَ لِلْإِمَامِ دَعَا اللَّهَ بِاسْمِهِ أَي بِاسْمِ اللَّهِ الْأَعْظَمِ فَأَتِيحَتْ لَهُ صَحَابَتُهُ... وَ هُمْ أَصْحَابُ الْأَلْوِيَةِ: فَمِنْهُمْ مَنْ يُفْتَقِدُ عَنْ فِرَاشِهِ لَيْلًا فَيُضْبِحُ فِي مَكَّةَ وَمِنْهُمْ مَنْ يَرَى يَسِيرًا فِي السَّحَابِ نَهَارًا...»** (۳)

«هنگامی که به امام فرمان ظهور برسد، خدا را با اسم اعظمش می خواند و همه یارانش از سراسر جهان گرد می آیند... که آنان یاران پرچمدار او هستند، گروهی از آنان شبانه از رختخوابشان ناپدید می شوند و صبح در مکه حاضر شده و برخی از آنان آشکارا دیده می شوند که روی ابرها راه می روند...»

آن حضرت در حدیث دیگر می فرماید:

**«يَجْمَعُهُمُ اللَّهُ فِي لَيْلَةٍ، فَمَنْ اسْتَطَاعَ الْمَسِيرَ سَارَ وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَقَدَ عَنْ فِرَاشِهِ.»** (۴)

«خداوند آنان را در یک شب گرد می آورد، هر کس بتواند به سوی او می شتابد و هر کس نتواند شبانه در رختخوابش ناپدید می شود.»

۱ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۰ - ۲۸۱، ح ۷.

۲ - منتخب الاثر، ص ۴۴.

۳ - بشارة الاسلام، ص ۲۰۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۸، ح ۱۵۳.

۴ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۶.

امیر مؤمنان علیه السلام با تأکید در این مورد می فرماید:

«...إِنَّهُمْ لَمُفْتَقِدُونَ عَنْ فِرْسِهِمْ لَيْلًا، فَيُضْبِحُونَ بِمَكَّةَ، وَبَعْضُهُمْ يَسِيرُ فِي السَّحَابِ نَهَارًا، يُعْرِفُ إِسْمَهُ وَإِسْمَ أَبِيهِ وَحَلِيبَتَهُ وَنَسَبَهُ...»<sup>(۱)</sup>

«... آنان شبانه از رختخواب هایشان ناپدید و صبح در مکه حاضر می شوند و برخی از آنان در روز روشن بر فراز ابرها راه می روند، آنان با نام، نام پدر، لقب و دیگر خصوصیاتشان شناخته می شوند...»

آن حضرت به هنگام گفت و گو از آنان می فرماید:

«أَلَا بِأَبِي وَأُمِّي مِنْ عِدَّةِ أَسْمَائِهِمْ فِي السَّمَاءِ مَعْرُوفَةٌ وَفِي الْأَرْضِ مَجْهُولَةٌ»<sup>(۲)</sup>

«پدر و مادرم فدای گروهی باد که اسامی آنان در آسمان معروف است و در زمین ناشناخته هستند.»

«قَوْمٌ لَمْ يَمْنُوا عَلَى اللَّهِ بِالصَّبْرِ، وَلَمْ يَسْتَعْظِمُوا بَدَلِ أَنْفُسِهِمْ فِي الْحَقِّ، حَتَّى إِذَا وَافَى وَارِدَ الْقَضَاءِ وَانْقِطَاعِ الرَّجَاءِ جَلُّوا بِضَائِرِهِمْ عَنْ أَسْيَافِهِمْ، وَذَانُوا لِرَبِّهِمْ بِأَمْرِ وَأَعِظِهِمْ. كُلُّهُمْ لِيُوتَ قَدْ خَرَجُوا مِنْ غَابَاتِهِمْ، لَوْ أَنَّهُمْ هَمُّوا بِإِزَالَةِ الْجِبَالِ لِأَزَالُوهَا مِنْ مَوَاضِعِهَا. فَهَمُّ الَّذِينَ وَحَدُوا اللَّهَ حَقَّ تَوْحِيدِهِ. لَهُمْ فِي اللَّيْلِ أَصْوَاتٌ كَأَصْوَاتِ الثَّوَاكِلِ حُزْنًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ، قُوَامٌ بِاللَّيْلِ صَوَامٌ بِالنَّهَارِ، كَأَنَّمَا ذَابُّهُمْ ذَابٌّ وَاحِدٌ. قُلُوبُهُمْ مُجْتَمِعَةٌ بِالْمَحَبَّةِ وَالنَّصِيحَةِ.»<sup>(۳)</sup>

«آنان قومی هستند که با صبر و شکیبایی خود بر خدا منت نمی نهند و جانبازی خود را در راه حق بزرگ نمی شمارند، هنگامی که حادثه‌ای روی دهد و زمینه یأس پیش آید، دیده هایشان را از برق شمشیر جلوه می دهند و به فرمان امامشان به پروردگار خود تقرب می جویند، آنان همگی شیرهای ژبانی هستند که از جنگل های خود بیرون آمده اند، اگر اراده کنند که کوه ها را از جای خود برکنند، بی تردید انجام می دهند، آنان حقیقتاً به توحید خدا راه یافته اند. برای آنان در دل شب از ترس خدا ناله هایی است چون ناله مادران داغ پسر دیده که شب زنده داران در دل شب و روزه داران در طول روز هستند، گویی اخلاق و آداب آنان یکی است، دل های ایشان بر محبت و شفقت و خیر خواهی گرد آمده است.»

۱ - بحار الانوار، ص ۲۸۶، ح ۲۱.

۲ - نهج البلاغه، ج ۲، ص ۱۲۶.

۳ - بشارة الاسلام، ص ۲۲۰.

«إِنَّهُمْ يَجْتَمِعُونَ مِنْ مَطْلَعِ الشَّمْسِ وَمَغْرِبِهَا، فِي نِصْفِ لَيْلَةٍ، إِلَى مَكَّةَ.» (۱)

«آنان در نیمی از یک شب از شرق و غرب دنیا به سوی مکه می شتابند و در آنجا گرد می آیند.»

مولای متقیان اجتماع یاران حضرت مهدی را این گونه بیان می کنند:

«كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَيْهِمْ، وَالزَّيُّ وَاحِدٌ، وَالْقَدُّ وَاحِدٌ، وَالْجَمَالُ وَاحِدٌ، وَاللَّبَاسُ وَاحِدًا. كَأَنَّمَا يَطْلُبُونَ شَيْئًا ضَاعَ مِنْهُمْ. فَهُمْ مُتَحَيِّرُونَ فِي أَمْرِهِمْ، حَتَّى يَخْرُجَ إِلَيْهِمْ مِنْ تَحْتِ سِتَارِ الْكَفْبَةِ فِي آخِرِهَا، رَجُلٌ أَشْبَهَ النَّاسَ بِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ خَلْقًا وَخُلُقًا وَحُسْنًا وَجَمَالًا، فَيَقُولُونَ: أَنْتَ الْمَهْدِيُّ؟!! فَيُجِيبُهُمْ وَيَقُولُ: أَنَا الْمَهْدِيُّ، بَايَعُوا.» (۲)

«گویی آنان را با چشم خود می بینم که همه یک رنگ و یک قد، جمالشان یکی و جامه شان یکی است، گویی همه با یک دل و یک جهت به دنبال گمشده ای می گردند و در حق خود حیران و در کارشان شتابان هستند، که یکدفعه مردی از آخر دیوار کعبه پدیدار می شود و از زیر پرده کعبه بیرون می آید، که از نظر سیما، سیرت، صورت، خلقت و اخلاق شبیه ترین مردم به رسول اکرم ﷺ می باشد؛ از او می پرسند: آیا تو مهدی هستی؟

می فرماید: آری، من مهدی هستم پس همگی با او بیعت می کنند.»

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید:

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَزِدْكُمْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ، فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ﴾ (۳)

«ای کسانی که ایمان آورده اید هر کس از شما از دین خود بازگردد، خداوند به زودی قومی دیگر می آورد که او را دوست می دارند و او نیز آنان را دوست می دارد، (آنان) در برابر مؤمنان زبون (متواضع) و در برابر کافران سخت و خشن، و در راه خدا جهاد می کنند و از سرزنش، سرزنش کنندگان باکی ندارند.»

۱ - بشارة الاسلام، ص ۲۲۳.

۲ - الملاحم والفتن، ص ۱۲۲.

۳ - سورة مائده (۵) آیه ۵۴.

عده‌ای در محضر رسول اکرم صلی الله علیه و آله در مورد تفسیر این آیه شریفه سؤال کردند، حضرت فرمودند:

«هَذَا وَذَوُوهُ! ثُمَّ قَالَ: لَوْ كَانَ الدِّينُ مُعَلَّقًا بِالثَّرِيَا لَتَنَاوَلَهُ رِجَالٌ مِنْ أُمَّةٍ فَارِسٍ»<sup>(۱)</sup>

«او و منسوبان او هستند (او و کسان او هستند)، سپس فرمود: اگر علم در ثریا باشد، مردانی از اهل فارس (ایران) به آن دسترسی پیدا می‌کنند.»

در همین رابطه آن حضرت در حدیث دیگر فرموده‌اند:

«أَعْظَمُ النَّاسِ نَصِيباً فِي الْإِسْلَامِ أَهْلُ فَارِسٍ»<sup>(۲)</sup>

«نصیب و بهره ایرانیان در اسلام از همه ملت‌های دیگر بزرگتر است.»

امام جعفر صادق علیه السلام نیز در این باره می‌فرماید:

«إِنْ تَتَوَلَّوْا يَا مَعْشَرَ الْعَرَبِ يَسْتَبْدِلُ قَوْمًا غَيْرَكُمْ يَغْنِي الْمَوَالِي»<sup>(۳)</sup>

«ای ملت عرب اگر پشت به اسلام کنید، خداوند به جای شما ملت دیگری را

پیرو اسلام قرار می‌دهد، یعنی ایرانیان را.»

امید است صالحان و جان نثاران سلحشور، حرکت سازنده‌ای را آغاز کرده تا از

سبوی عشق شهد شیرین ظفر را بچشند اگرچه در این دوران پرفتنه و آشوب،

همگان در حال پس دادن آزمایشان الهی هستند و بالأخره نتیجه این آزمایشات در

پایان معلوم خواهد شد و بدون شک خوبان و صالحان برنده این آزمایشات بوده و

آنان لیاقت ماندن را خواهند یافت، همانان که همچون کبوتران سبکبال به سوی آقا

و سرورشان پرواز خواهند کرد تا زیستن در بهشت را در این دنیا تجربه کنند مگر نه

این که دنیا در عصر آقا امام زمان علیه السلام همچون بهشت خواهد شد حال به امید

رسیدن به آن روزهای بسیار باشکوه هستیم. ان شاء الله

حضرت علی علیه السلام در مورد مردان طالقان می‌فرماید:

«وَيْحاً لِلطَّالِقَانِ! فَإِنَّ لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ بِهَا كُنُوزاً لَيْسَتْ مِنْ ذَهَبٍ وَلَا فِضَّةٍ، وَلَكِنْ بِهَا رِجَالٌ

عَرَفُوا اللَّهَ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ، وَهُمْ أَيْضاً أَنْصَارُ الْمَهْدِيِّ فِي آخِرِ الزَّمَانِ»<sup>(۴)</sup>

۱ - بحار الانوار، ج ۶۴، ص ۱۱۷.

۲ - کتاب الغيبة، ص ۱۴۵.

۳ - مجمع البیان، ج ۹، ص ۱۰۸.

۴ - همان، ج ۵۱، ص ۸۷، ح ۳۸.



«خوشا به حال طالقان! که برای خدا در آن کنزهایی است، ولی نه از طلا و نقره، بلکه مردانی هستند که خدا را به حق شناخته‌اند، آنان یاوران حضرت مهدی در آخرالزمان می‌باشند.»

«تَنكِيْفُ الشَّمْسِ بَعْدَ الصَّيْحَةِ فِي رَمَضَانَ، وَ قَبْلَ النَّوَا. يَكُونُ الرُّومُ يَوْمَئِذٍ قُرْبَ سَاحِلِ الْبَحْرِ، عِنْدَ كَهْفِ الْفِتْيَةِ، فَيَبْعَثُ اللَّهُ الْفِتْيَةَ مِنْ كَهْفِهِمْ مَعَ كَلْبِهِمْ.»<sup>(۱)</sup>

«بعد از صبحه آسمانی و پیش از بانگ آسمانی (به نام مهدی) خورشید در ماه رمضان کسوف می‌کند، در آن زمان رومیان در نزدیکی کرانه دریا و در منطقه غار اصحاب کهف<sup>(۲)</sup> مستقر می‌شوند، خداوند اصحاب کهف را همراه با سگشان بر می‌انگیزاند.»

آن حضرت درباره اصحاب کهف نیز می‌فرماید:

«إِنَّ أَهْلَ الْكَهْفِ كُلَّهُمْ أَعْجَامٌ، وَلَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا بِالْعَرَبِيَّةِ.»<sup>(۳)</sup>

«اصحاب کهف همه‌شان عجم هستند ولی جز به عربی سخن نمی‌گویند.»

حضرت امام رضا علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«وَاللَّهِ لَوْ أَنَّ قَائِمَنَا قَامَ، يَجْمَعُ اللَّهُ إِلَيْهِ شِيعَتَهُ مِنْ جَمِيعِ الْبُلْدَانِ.»<sup>(۴)</sup>

«به خدا سوگند، اگر قائم ما قیام کند، خداوند شیعیانش را از همه شهرهای جهان

به سوی او گرد می‌آورد.»

از جمله در احادیث فوق در مورد یاران آمده است:

«يُبَايِعُ الْقَائِمَ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ ثَلَاثِمِئَةً وَنِيفَ رَجُلٍ، عِدَّةُ أَهْلِ بَدْرٍ. فِيهِمُ النَّجْبَاءُ مِنْ أَهْلِ

مِصْرَ، وَالْأَبْدَالُ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ، وَالْأَخْيَارُ مِنْ أَهْلِ الْعِرَاقِ.»<sup>(۵)</sup>

«سیصد و اندی نفر، به تعداد اهل بدر (۳۱۳ نفر) با قائم در میان رکن و مقام

۱ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۵.

۲ - غار اصحاب کهف در کشور اردن می‌باشد و آن عزیزان در حدود شش هزار سال و اندی پیش، از چنگی حاکمی ظالم در این غار پنهان شده و در عصر ظهور آقا امام علیه السلام به اذن پروردگار متعال برانگیخته خواهند شد تا به عنوان سردارانی مطیع در خدمت آقا و سرورشان حضرت مهدی باشند. ان‌شاءالله

۳ - منتخب الاثر، ص ۴۸۵.

۴ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۱.

۵ - همان، ص ۲۴۲ و ۳۰۱.

بیعت می‌کنند. که نجبای مصر، ابدال شام و اخیار اهل عراق در میان آنان است.»<sup>(۱)</sup>  
در مورد احادیث فوق باید عرض کرد: یاران خاص حضرت مهدی طبق اخبار یاد شده ۳۱۳ نفر هستند.

طبق روایتی نقل شده است:

« ۳۶۰ نفر از مردان الهی در بین حجرالاسود و مقام ابراهیم با حضرت مهدی علیه السلام بیعت می‌کنند... آنان وزیران آن حضرت هستند که بار سنگین مسئولیت و اداره کشورها را متحمل می‌شوند.»<sup>(۲)</sup>

در حدیث دیگری نقل شده است: در میان ۳۱۳ نفر، ۵۰ نفر زن نیز حضور دارند و نجبای مصر، ابدال شام و اخیار اهل عراق در میان آنان هستند.  
در مورد نجبا، از امام علی و امام باقر علیهم السلام نقل شده است:  
«اینها یاران مهدی از سرزمین مصر هستند.»<sup>(۳)</sup>

در روایتی آمده است:

«اینها از کوفه هستند.»<sup>(۴)</sup>

در مورد ابدال نقل شده است:

«اینها از یاران حضرت مهدی در شام هستند که هنگام ظهور آن حضرت، خود را به مکه می‌رسانند و با آن حضرت بیعت می‌کنند... شخصی در مورد ابدال از حضرت رضا علیه السلام پرسید، آن حضرت فرمودند: ابدال اوصیاء پیامبران هستند.»<sup>(۵)</sup>  
«در بعضی از روایات، یاران حضرت با عنوان اخیار (نیکوکاران و برگزیدگان از اهل عراق) یاد شده‌اند.»<sup>(۶)</sup>

همچنین در مورد یاران حضرت مهدی و ویژگی که آنان دارند مطالبی عنوان شده است که قسمتی از آن را می‌خوانیم:

---

۱ - نجبا، نجیبان از اهل مصر هستند، ابدال مردم شریفی از شام می‌باشند، اخیار نیکوکاران و برگزیدگان از اهل عراق هستند.

۲ - المجالس السنیة، ج ۵، ص ۷۰۹.

۳ - مجمع البحرین، ماده عصب.

۴ - بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۷.

۵ - سفینه البحار، ماده بدل.

۶ - اثبابة الهدی، ج ۷، ص ۳۸.

از جمله در مورد اعاجم نقل شده است:

«اینان یاران مقاوم و مخلصی در کشورهای عجمی هستند که برای ایجاد هسته مرکزی ارتش نیرومند امام مهدی اقدام کرده و سپس به توسعه آن اقدام جدی می‌کنند.»<sup>(۱)</sup>  
در مورد رفقا به عنوان یاران حضرت مهدی یاد شده است:  
«آنان یاران مهدی از کوفه هستند، هنگام ظهور خود را به مکه رسانده و با آن حضرت بیعت می‌کنند.»<sup>(۲)</sup>

ضمن روایتی از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده است:

«خوشبخت‌ترین مردم نسبت به امام مهدی (عج) مردم کوفه هستند.»<sup>(۳)</sup>

در مورد مردم کوفه که شامل نجف نیز هست نقل شده:

«در حدود پنجاه هزار نفر از دلیران کوفه در مقابل دشمنان حضرت مهدی قد علم می‌کنند.»<sup>(۴)</sup>

«عصائب یک عده دیگر از یاران حضرت مهدی که در عراق هستند هنگام ظهور خود را به مکه رسانده و با آن حضرت بیعت خواهند نمود.»<sup>(۵)</sup>  
در مورد اوتاد<sup>(۶)</sup> نیز روایت است:

«آنان ۳۰ نفر هستند همواره در خدمت حضرت به سر می‌برند هر کدام از آنان از دنیا بروند فرد شایسته‌ای جانشین وی می‌گردد.»<sup>(۷)</sup>

پس یاران خاص ۳۱۳ نفر، زنان ۵۰ نفر، نیرومندان در حدود ۱۰ هزار نفر، همچنین نقل شده است: ۴۶ هزار نفر از فرشتگان و ۴۶ هزار نفر از اجانبین برای یاری کردن، همراه آن حضرت خواهند بود به جز این افراد، مؤمنان، منتظران، دوستداران آن حضرت به عنوان جان نثار در خدمت آن بزرگوار بوده و از هیچ نوع فداکاری

۱ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۸ و ۹.

۲ - المجالس السنية، ج ۵، ص ۷۰۹.

۳ - اثبات الهداة، ج ۷، ص ۱۶۹.

۴ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۶.

۵ - المجالس السنية، ج ۵، ص ۶۹۹.

۶ - اوتاد مردانی بسیار خالص، دلاور، همچون کوه استوار و بر حفظ سر الهی کوشا هستند.

۷ - غیبت طوسی، طبع جدید، ج ۵۲، ص ۳۹۰.

روی گردان نخواهند بود و در عصر حکومت کریمه، یک سوم از مردم جهان نیز با آن سرور ادامه حیات خواهند داد، حیاتی همراه با شادی و شادمانی. امید است همه حق پرستان بین آن یک سوم مردمی باشند که لیاقت زندگی در آن دوران خجسته را دارند. ان شاء الله

«... يَجِيءُ وَاللَّهِ ثَلَاثُ مِائَةٍ وَبَعْضَةُ عَشَرَ رَجُلًا فِيهِمْ خَمْسُونَ امْرَأَةً يَجْتَمِعُونَ بِمَكَّةَ عَلَى غَيْرِ مِغَادٍ قَزَعًا كَقَزَعِ الْخَرِيفِ يَتَّبِعُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا... يُبَايِعُونَهُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ.»<sup>(۱)</sup>

«... به خدا قسم سیصد و سیزده نفر که در میان آنان پنجاه زن نیز می باشد، همانند ابرهای پاییزی، بدون قرار قبلی در مکه معظمه جمع می شوند و با او در میان رکن و مقام بیعت می کنند.»

مفضل بن عمر گوید: از امام جعفر صادق عليه السلام شنیدم که فرمود:

«يَكُنْ مَعَ الْقَائِمِ ثَلَاثَةٌ عَشَرَ امْرَأَةً قُلْتُ وَ مَا يَصْنَعُ بِهِنَّ قَالَ يُدَاوِينَ الْجَرْحَى وَ يَقْمِنَ عَلَى الْمَرْضَى كَمَا كَانَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ.»<sup>(۲)</sup>

«با حضرت قائم سیزده زن همراه است، عرض کردم: آنان چه می کنند؟ حضرت فرمودند: مجروحین را مداوا و بیماران را پرستاری می کنند، همان طور که در زمان پیامبر چنین بود.»

همچنین ابی بصیر می گوید: از امام جعفر صادق عليه السلام پرسیدم چند نفر با حضرت قائم عليه السلام خروج می کنند؟

مردم می گویند: آنان به عدد اهل بدر سیصد و سیزده نفرند، حضرت فرمودند:

«خروج نمی کند مگر با نیرومندان و نیرومندان کمتر از ده هزار نفر نیستند.»<sup>(۳)</sup>

آن حضرت در حدیث دیگر می فرماید:

«وَتَصِيرُ إِلَيْهِ شِيعَتُهُ مِنْ أَطْرَافِ الْأَرْضِ، تُطَوِّى لَهُمُ الْأَرْضَ طَيًّا حَتَّى يُبَايِعُوهُ.»<sup>(۴)</sup>

«شیعیان او از اطراف و اکناف جهان به سوی او می شتابند و زمین زیر پای آنان طی می شود، تا به محضر او رسیده بیعت نمایند.»

۱ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۲.

۲ - دلائل الامامة، ص ۲۶۰.

۳ - اثبات الهداة، ص ۴۴۵.

۴ - منتخب الاثر، ص ۴۶۵.

آن حضرت در یک حدیث طولانی از اجتماع یاران حضرت ولی عصر علیہ السلام و واکنش مردم مکه چنین سخن می فرماید:

«يَجْمَعُهُمُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِمَكَّةَ فِي لَيْلَةٍ وَاحِدَةٍ، وَهِيَ لَيْلَةُ جُمُعَةٍ. فَيُضَبِّحُونَ بِمَكَّةَ فِي بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ، لَا يَتَخَلَّفُ مِنْهُمْ رَجُلٌ وَاحِدٌ. فَيَنْتَشِرُونَ بِمَكَّةَ فِي أَرْقَاتِهَا، وَيَطْلُبُونَ مَنَازِلَ يَسْكُنُونَهَا فَيُنْكِرُهُمْ أَهْلُ مَكَّةَ، وَذَلِكَ أَنَّهُمْ لَمْ يَعْلَمُوا بِقَافِلَةٍ قَدْ دَخَلَتْ مِنَ الْبُلْدَانِ لِحَجِّ وَلَا لِعُمْرَةٍ وَلَا لِتِجَارَةٍ. فَيَقُولُ مَنْ يَقُولُ مِنْ أَهْلِ مَكَّةَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ: مَا تَرَوْنَ قَوْمًا مِنَ الْغُرَبَاءِ فِي يَوْمِنَا هَذَا لَمْ يَكُونُوا قَبْلَ هَذَا؟ لَيْسَ هُمْ مِنْ أَهْلِ بَلَدَةٍ وَاحِدَةٍ، وَلَا هُمْ مِنْ قَبِيلَةٍ وَاحِدَةٍ، وَلَا مَعَهُمْ أَهْلٌ وَلَا دَوَابٌّ! فَبَيْنَاهُمْ كَذَلِكَ، إِذْ أَقْبَلَ رَجُلٌ مِنْ مَخْزُومٍ، فَيَتَخَطَّى رِقَابَ النَّاسِ وَيَقُولُ: رَأَيْتُمْ فِي لَيْلَتِي هَذِهِ رُؤْيَا عَجِيبَةً، وَأَنَا خَائِفٌ وَقَلْبِي مِنْهَا وَجَلٌّ، فَيَقُولُونَ: سِرْبِنَا إِلَى فُلَانِ الثَّقَفِيِّ. فَيَقُولُ الْمَخْزُومِيُّ: رَأَيْتُمْ سَحَابَةً انْقَضَتْ مِنْ عِنَانِ السَّمَاءِ، فَلَمْ تَزَلْ حَتَّى انْحَطَّتْ إِلَى الْكَعْبَةِ فَدَارَتْ فِيهَا، وَإِذَا فِيهَا جَرَادٌ ذُوأَجْنِحَةٍ خَضِرٍ طَافَتْ بِالْكَعْبَةِ مَا شَاءَ اللَّهُ، ثُمَّ تَطَايَرَتْ يَمِينًا وَشِمَالًا لَا تَمُرُّ بِبَلَدٍ إِلَّا أَحْرَقَتْهُ، وَلَا يَحِضُنِ إِلَّا حَطَّمَتْهُ، فَاسْتَيْقَظْتُ وَأَنَا مَدْعُورٌ وَجَلٌّ! فَيَقُولُ الثَّقَفِيُّ: لَقَدْ طَرَقَكُمْ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ جُنْدٌ مِنْ جُنُودِ اللَّهِ جَلٌّ وَعَزٌّ، لَا قُوَّةَ لَكُمْ بِهِ. فَيَقُولُونَ: أَمَا وَاللَّهِ لَقَدْ رَأَيْنَا عَجَبًا، وَيُحَدِّثُونَهُ بِأَمْرِ الْقَوْمِ. ثُمَّ يَنْهَضُونَ مِنْ عِنْدِهِ وَيَهْمُونَ بِالْوُثُوبِ عَلَيْهِمْ، وَقَدْ مَلَأَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ رُغْبًا وَخَوْفًا. فَيَقُولُ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ وَهُمْ يَأْتِمُرُونَ بِذَلِكَ: لَا تَعْجَلُوا عَلَى الْقَوْمِ، إِنَّهُمْ لَمْ يَأْتُواكُمْ بَعْدَ بِمُنْكَرٍ وَلَا شَهَرُوا السَّلَاحَ، وَلَا أَظْهَرُوا الْخِلَافَ. وَلَعَلَّهُ أَنْ يَكُونَ فِي الْقَوْمِ رَجُلٌ مِنْ قَبِيلَتِكُمْ. فَإِنْ بَدَأَ لَكُمْ مِنَ الْقَوْمِ شَيْءٌ فَإِنَّكُمْ وَهُمْ. إِنَّا نَرَاهُمْ مُتَنَسِّكِينَ سِيْمَاهُمْ حَسَنَةٌ، وَهُمْ فِي حَرَمِ اللَّهِ جَلٌّ وَعَزٌّ، الَّذِي لَا يُبَاحُ مَنْ دَخَلَهُ حَتَّى يُخْدِثَ حَدَثًا، وَلَمْ يُخْدِثِ الْقَوْمُ مَا يُوجِبُ مُحَارَبَتَهُمْ! فَيَقُولُ الْمَخْزُومِيُّ، وَهُوَ عَمِيدُ الْقَوْمِ: أَنَا لَا أَمُنُ أَنْ يَكُونَ وَرَاءَهُمْ مَادَّةٌ وَإِنْ أَتَتْ إِلَيْهِمْ انْكَشَفَ أَمْرُهُمْ وَعَظُمَ شَأْنُهُمْ. فَتَهَضَّمُوهُمْ وَهُمْ فِي قِلَّةٍ مِنَ الْعَدَدِ وَعِزَّةٍ بِالْبَلَدِ قَبْلَ أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَادَّةُ. وَمَا أَحْسِبُ تَأْوِيلَ رُؤْيَا صَاحِبِكُمْ إِلَّا حَقًّا. فَيَقُولُ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ: إِنْ كَانَ مِنْ يَأْتِيَكُمْ مِثْلَهُمْ، فَإِنَّهُ لَا خَوْفَ عَلَيْكُمْ مِنْهُمْ، لِأَنَّهُ لَا سِلَاحَ مَعَهُمْ وَلَا كِرَاعَ، وَلَا حِضْنَ يَلْجَأُونَ إِلَيْهِ، وَهُمْ غُرَبَاءُ وَمُخْتَاجُونَ. فَإِنْ أَتَى جَيْشٌ لَهُمْ نَهَضْتُمْ إِلَى هَوْلَاءِ فَيَكُونُونَ كَشْرَبَةِ ظَمَانٍ... فَلَا يَزَالُونَ فِي هَذَا الْكَلَامِ وَنَحْوِهِ، حَتَّى يَخْجَزَ اللَّيْلَ بَيْنَ النَّاسِ، فَيَضْرِبُ عَلَى آذَانِهِمْ بِالنُّومِ، فَلَا يَجْتَمِعُونَ بَعْدَ انْصِرَافِهِمْ إِلَى أَنْ يَقُومَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَيَلْقَى أَصْحَابَهُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا كَأَبْنَاءِ أَبِي وَاحِدٍ وَأُمِّ وَاحِدَةٍ انْتَرَقُوا عُذُوَّةً وَاجْتَمَعُوا عَشِيَّةً» (١)

«خداوند آنان را در یک شب جمعه در مکه معظمه در بیت الله الحرام گرد می آورد، که حتی یک نفر از آنان هم تخلف نمی کند، آنگاه در کوچه های مکه به راه می افتند، تا برای خود محل اقامتی پیدا کنند، مردم مکه افراد ناشناسی را در میان خود می بینند، درحالی که از ورود هیچ قافله ای به قصد حج، عمره، تجارت و غیره اطلاعی ندارند، از این رهگذر به یکدیگر می گویند: افراد غریبی را می بینیم که تا به امروز آنان را در این شهر ندیده ایم! اینها اهل یک شهر و یک قبیله و یک تیره و یک نژاد نیستند و خود هیچ اهل و عیال و وسیله و مرکبی همراه ندارند! درحالی که آنان مطالبی در این مقوله بازگو می کنند، مردی از قبیله مخزوم وارد می شود و می گوید: من خوابی دیده ام که بسیار پریشان و نگران هستم! مردم می گویند: بیا به نزد فلان ثقیفی برویم، چون به پیش او می روند، مرد مخزومی چنین می گوید: من ابری را دیدم که از اعماق آسمان ظاهر شد و به تدریج پایین آمد تا به نزدیکی کعبه رسید و آنگاه دور کعبه طواف نمود، در این ابر، ملخ های فراوانی با بال های سبز بودند که تا مدتی بس دراز دور خانه خدا طواف کردند، آنگاه به چپ و راست پراکنده شدند، به هیچ آبادی نمی رسیدند جز این که به خاکستر می نشاندند، به هیچ قلعه ای نمی رسیدند جز این که ویران می کردند، سپس از خواب بیدار شدم و چون بید لرزیدم و تاکنون هم در وحشت و ترس هستم.

مرد ثقیفی می گوید: امشب لشکری از لشکریان الهی به شهر شما وارد شده که شما را یارای مقاومت در برابر آنان نیست، مردم مکه از شنیدن این مطلب هراسان می شوند و با یکدیگر می گویند: چیز عجیبی پیش آمده است! آنگاه درحالی که همگی از این سپاه الهی سخن می گویند از نزد مرد ثقیفی بیرون می آیند و به جستجوی آن لشکر می پردازند، درحالی که خداوند قلبشان را از رعب و وحشت پر کرده است، آنان به عنوان مشاوره و خیرخواهی به یکدیگر می گویند: در مورد این سپاه شتاب نکنید که آنان در شهر شما کار خلافی انجام نداده اند و به روی کسی شمشیر نکشیده اند و کار ناشایستی از آنان دیده نشده است و شاید در میان آنان از تیره و نژاد شما هم کسی باشد و اگر بخواهید در مورد آنان تصمیمی بگیرید توجه داشته باشید که آنان مشغول عبادت هستند و سیمای صالحان را دارند و خود در حرم امن الهی حضور دارند که هر کس داخل آن شود خونس در امان است تا وقتی

که حادثه‌ای بیافرینند و آنان تا کنون حادثه‌ای ایجاد نکرده‌اند که بهانه ستیزه جویی باشد، زعیم مردم مکه که یک نفر مخزومی است می‌گوید: من مطمئن نیستم که پشت سر آنان نیرویی نباشد، شاید نیروی وسیع‌تری به دنبال آنان باشد که با ورودشان مسأله بسیار حساس و مهم شود، از این رهگذر مصلحت آن است که تا نیرو نرسیده اینها را درهم شکنید که تعدادشان اندک و به وضع شهر نا آشنا هستند و خیال می‌کنم رویای دوستان حق است.

برخی از آنان به برخی دیگر می‌گویند: اگر نیرویی هم به این‌ها ملحق شود و اگر آنان نیز مثل این‌ها باشند که نه اسب دارند و نه اسلحه و نه سنگری که به آن پناه ببرند و خود نیز در این شهر غریب و بی چیز هستند، پس ترسی برای شما نیست و اگر سپاه مجهزی به یاری آنان بیاید با یک حمله این‌ها را نابود می‌سازید که برای شما چون یک جرعه آب در کام انسان تشنه است، سخنانی از این قبیل با یکدیگر بازگو می‌کنند تا پاسی از شب می‌گذرد و خواب بر دیده‌ها چیره می‌شود و تاریکی شب و سنگینی خواب در میان آنان جدایی می‌اندازد، بعد از پراکنده شدن دیگر فرصت اجتماع پیدا نمی‌کنند، که حضرت قائم علیه السلام قیام می‌فرماید و یاران حضرت نیز یکدیگر را طوری ملاقات می‌کنند که گویی از یک پدر و یک مادر به دنیا آمده‌اند و صبح از خانه بیرون آمده، پراکنده شده‌اند و شبانگاه همه به خانه برگشته با یکدیگر گرد آمده‌اند»

در مورد احادیث و روایاتی که در مورد آینده بیان شده است باید گفت: پیام‌ها از دولب گهر بار اهل بیت عصمت و طهارت صادر شده که دارای علم لدنی هستند و آن بزرگواران به اخبار بسیاری اشاره کرده‌اند تا همگان واقف به وقایعی باشند که قرار است رخ دهد چنان که بسیاری از آن به وقوع پیوسته است در همین رابطه امام جعفر صادق علیه السلام در مورد حضرت مهدی (عج) فرموده‌اند:

«يَقِفُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ، فَيَصْرُخُ صُرْحَةً فَيَقُولُ: يَا مَعْاشِرَ نَقْبَائِي وَأَهْلَ خِصَّتِي وَمَنْ ادَّخَرَهُمُ اللَّهُ لِنُصْرَتِي قَبْلَ ظُهُورِي عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ: إِثْنُونِي طَائِعِينَ! فَتَرِدُ صَنِيعَتَهُ عَلَيْهِمْ وَهُمْ فِي مَحَارِبِهِمْ وَعَلَى قُرُشِهِمْ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَمَغْرِبِهَا، فَيَسْمَعُونَهُ فِي صَنِيعَةٍ وَاحِدَةٍ فِي أُذُنِ كُلِّ رَجُلٍ، فَيَجِئُونَ نَحْوَهَا.»<sup>(۱)</sup>

«در میان رکن و مقام می ایستد، آنگاه بانگ برمی آورد: ای فرماندهان من! ای نزدیکان من! ای کسانی که خداوند پیش از ظهورم، شما را برای یاریم در روی زمین ذخیره کرده است! به سوی من بشتابید و به فرمانم گردن نهید، صدای آن حضرت در شرق و غرب جهان به گوش یارانش می رسد و آنان که در محراب های خود و یا برفراز رختخواب های خود هستند، در یک لحظه بانگ امام را می شنوند و به سوی او می شتابند.»

امام صادق علیه السلام در این مورد می فرماید:

«... هُمْ وَاللَّهُ الْأُمَّةُ الْمَعْدُودَةُ... يَجْتَمِعُونَ فِي سَاعَةٍ وَاحِدَةٍ قُرْعًا كَفَّرَ الْخَرِيفِ... فَيُبَايِعُونَهُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ، وَمَعَهُ عَهْدٌ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَتَوَارَثُهُ الْأَبْنَاءُ عَنِ الْأَبَاءِ.»<sup>(۱)</sup>

«... به خدا سوگند آنان امت معدوده<sup>(۲)</sup> هستند... که در یک ساعت چون قطعات ابر پاییزی گرد آمده... در میان رکن و مقام با او بیعت می کنند و همراه او پیمان نامه ای از رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است که آن را (امامان معصوم) یکی پس از دیگری به ارث می برند.»

«إِنَّ ضَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ مَحْفُوظٌ لَهُ أَصْحَابُهُ. لَوْ ذَهَبَ النَّاسُ جَمِيعًا أَتَى اللَّهُ لَهُ بِأَصْحَابِهِ. وَهُمْ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَإِنْ يَكْفُرْ بِهَا هَؤُلَاءِ، فَقَدْ وَكَلْنَا بِهَا قَوْمًا لَيْسُوا بِهَا بِكَافِرِينَ.»<sup>(۳)</sup>

«صاحب این امر با تأییدات الهی از هر خطری مصون و محفوظ است که اگر همه مردم هم از بین بروند خداوند او و یارانش را می آورد و آنان هستند که خداوند در حقشان فرموده است: اگر اینها (به تعالیم پیامبران) کافر شوند، ما به تحقیق برای او، گروهی را نگه داشته ایم که آنان کافریشو نیستند.»

رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در وصف آنان می فرماید:

«إِنِّي لِأَعْرِفُ أَسْمَاءَهُمْ وَ أَسْمَاءَ آبَائِهِمْ، وَ أَسْمَاءَ خِيُولِهِمْ. وَ هُمْ خَيْرُ قَوَارِيسِ عَلِيٍّ ظَهْرِ الْأَرْضِ. أَوْ مِنْ خَيْرِ قَوَارِيسِ عَلِيٍّ ظَهْرِ الْأَرْضِ.»<sup>(۴)</sup>

۱ - الزام الناصب، ص ۱۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۲.

۲ - امت معدوده یاران حضرت مهدی هستند که عده آنان به شمارش در می آید و آنان در یک ساعت واحد پیام خواهند کرد و اسامی ایشان در مسند حضرت فاطمه علیها السلام مندرج و ثبت است. (الزام الناصب، ص ۱۸)

۳ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۰.

۴ - الزام الناصب، ص ۱۷۸.



«من آنان را با نام، نام پدران و نام اسبهایشان می شناسم، که آنان از بهترین اسب سوارهای روی زمین می باشند.»

مرويست: «در این برهه از زمان حضرت مهدی عليه السلام والیان خود را به شهرهای مختلف می فرستد و دستور می دهد که عدالت را در میان مردم برقرار کرده (۱) و شهرها را آباد سازند و همچنین نقل شده است: همه ادیان و مذاهب از روی زمین برداشته می شود و جز دین خالص باقی نمی ماند.» (۲)

آری، جز دین خالص باقی نمی ماند، بلکه به جای دین های متعدد، فقط یک دین در جهان حاکم می شود که آن هم دین مقدس اسلام است که به خواست و اذن پروردگار بر جهان هستی حاکم خواهد شد و در سایه دین اسلام است که بندگان خدا نفس راحت خواهند کشید؛ زیرا یک دین (اسلام)، یک پرچم (لا اله الا الله)، یک هدف (رستگاری)، یک قانون (عدالت) با احکامی واحد بر همگان ارائه شده و این همه هرج و مرج، کشت و کشتار، بی عدالتی، فقر و... به پایان خواهد رسید و حیات همراه با آسایش و آرامش از آن بندگان خدا خواهد شد. ان شاء الله همچنین در روایات آمده است:

«يُؤَيِّدُهُ اللَّهُ بِثَلَاثَةِ أَجْنَادٍ: بِالمَلَائِكَةِ وَبِالمُؤْمِنِينَ وَبِالرُّعْبِ.» (۳)

(خداوند او (مهدی) را به سه نیرو تأیید می کند: فرشتگان، مؤمنان، رعب و وحشت. در مورد فرشتگانی که آن حضرت را یاری می دهند نقل شده است:

«الَّذِينَ كَانُوا مَعَ نُوحٍ فِي السَّفِينَةِ وَالَّذِينَ كَانُوا مَعَ إِبْرَاهِيمَ حِينَ أُلْقِيَ فِي النَّارِ وَالَّذِينَ كَانُوا مَعَ مُوسَى حِينَ فُلَّقَ الْبَحْرَ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ، وَالَّذِينَ كَانُوا مَعَ عِيسَى حِينَ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ، وَأَزْتَعَةَ آلاَفَ مَلَكٍ مَعَ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله مَسْؤْمِينَ وَأَلْفَ مُزْدَفِينَ وَثَلَاثِمِائَةَ وَعَشْرَ مَلَائِكَةَ بَدْرِيِّينَ وَأَزْتَعَةَ الْآفِ مَلَكٍ هَبَطُوا يُرِيدُونَ الْقِتَالَ مَعَ الْحُسَيْنِ عليه السلام، فَلَمْ يُؤْذَنَ لَهُمْ فِي الْقِتَالِ،... كُلُّ هَؤُلَاءِ فِي الْأَرْضِ يَنْتَظِرُونَ قِيَامَ الْقَائِمِ عليه السلام إِلَى وَقْتِ خُرُوجِهِ.» (۴)

«همه فرشتگانی که با حضرت نوح در کشتی بودند.

۱ - الزام الناصب، ص ۲۰۲ و ۲۲۸.

۲ - ينابيع الموده، ج ۳، ص ۶۲.

۳ - غيبت نعماني، ص ۲۴۳.

۴ - كامل الزيارات، ص ۱۲۰.

همه فرشتگانی که به هنگام افتادن حضرت ابراهیم در میان آتش با او بودند.  
 همه فرشتگانی که به هنگام شکافتن رود نیل برای فرعونیان با حضرت موسی بودند.  
 همه فرشتگانی که به هنگام عروج حضرت عیسی با او بودند.  
 چهار هزار فرشته مسومین که در خدمت رسول اکرم صلی الله علیه و آله بودند.  
 هزار فرشته مردفین که در محضر پیامبر بودند.  
 سیصد و سیزده فرشته‌ای که در بدر حضور داشتند.  
 چهار هزار فرشته‌ای که برای یاری امام حسین علیه السلام در روز عاشورا فرود آمدند و  
 به آنان اجازه پیکار داده نشد... همه آنان در زمین انتظار قیام قائم علیه السلام را می‌کشند تا  
 وقتی خروج کند.»

آری، فرشتگان بیشماری در انتظار قیام قائم آل محمد صلی الله علیه و آله هستند تا وقتی آن  
 بزرگ منجی عالم بشریت خروج کردند او را یاری دهند، حال به امید آن روز موعود  
 و عهد مسعود که در بامداد خجسته آن، بیعت با یگانه پرچمدار حق و عدالت انجام  
 پذیرد و سنگرهای ظلم و فساد متلاشی شده و کابوس یأس و نومیدی به فراموش  
 سپرده شود، به تحقیق معنای «إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ» در آن روز بزرگ معنا خواهد  
 شد، شجره طیبه به سجده خواهد نشست، آبهای جهان قیام خواهند کرد، همه  
 کوهها رکوع کرده و آسمان هستی جلا خواهد یافت، باران رحمت خواهد بارید،  
 زمان تسبیح صلح خواهد سرود و نوید آزادی به همگان خواهد رسید و ما نیز  
 بی‌صبرانه در انتظار آن روز مبارک هستیم که پس از ظهور حضرت ولی عصر بانگی  
 رسا از بام کعبه برآید که عرشیان و فرشیان آن ندا را بشنوند، ندا از همان خانه‌ای که  
 اولین بار حضرت آدم ابوالبشر علیه السلام بنیادش کرد و حضرت ابراهیم علیه السلام از آن خانه  
 ندای توحید را به گوش عالمیان رساند و سپس حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله نیز از  
 همان مبدأ به فرمان خدا و با شعار «قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَفْلِحُوا» خلق را به طرد از همه  
 قدرت‌های غیر الهی دعوت کردند و بشر متمرّد را از کام خود پرستی، بت پرستی و  
 ترویج هر نوع اعمال ناپسند رهایی بخشیدند و با حجت و برهان، بندگان خدا را به  
 فطرت اصیل متوجه کرده و عهد و پیمان بسته شده را یادآور شدند و بالأخره از  
 همان خانه است که در روز موعود ندای ملکوتی خاتم‌الاولیاء قائم آل محمد

ارواحنا له الفداء در سراسر جهان طنین خواهد انداخت و جهان به دست یداللهی آخرین سفیر کبیر خداوند فتح خواهد گشت.

مرویست: در روز موعود که بسیار مبارک است، یگانه ملجاء و امید ستمدیدگان از خانه خدا و به فرمان خدا و برای اجرای فرامین یگانه قادر متعال قیام می کند و جهان را از پلیدی و شرک والحاد کافران، ظلم و ستم ظالمان، فساد و آلودگی گنهکاران پاک خواهد ساخت، ما نیز از خداوند سبحان می خواهیم تا هر چه زودتر ردای فرج بر قامت ولی الله الاعظم بپوشاند و او را از قید و بند غیبت رهایی بخشد حال به امید روزی که صدای ملکوتی فرشته مقرب حضرت جبرئیل علیه السلام از بالای سر مبارک آن وجود مقدس به گوش جهانیان رسد و ندای «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا»<sup>(۱)</sup> را نوید دهد که به تحقیق در آن روز مبارک، رستاخیز صغری<sup>۱</sup> به اذن و فرمان پروردگار بزرگ تحقق خواهد پذیرفت. ان شاء الله

### وقوع رستاخیز صغری

رستاخیز رویدادی عظیم است که تحولی بنیادین را به دنبال دارد، در رستاخیز میزان عدل الهی برپا می گردد تا به حساب مردمان رسیدگی شود، مردمی که در رستاخیز باطنشان آشکار شده و از آنان قدرت هر نوع عکس العملی سلب می شود. روایت است: در جهان دو رستاخیز به وقوع می پیوندد که به رستاخیز صغری<sup>۱</sup> و رستاخیز کبری<sup>۲</sup> مشهورند.

در رستاخیز کبری<sup>۲</sup> پس از به وقوع پیوستن حوادثی چند که در قرآن کریم مطرح شده، خداوند تمام خلق بشر را فرا می خواند تا به حساب آنچه گفته و کرده اند رسیدگی نماید، همان روزی که بیشتر مردم سرافکننده، پریشان و نگران خواهند بود مگر مؤمنان و صالحان که اندکی خوشحال به نظر می رسند، البته علت عدم خوشحالی آنان به طور کامل برای آن است که عده ای از آنان متوجه می شوند که عمرشان را به بهایی اندک فروخته اند در صورتی که می توانستند در مسیر تکامل با تلاش و خیر کثیر بیشتر به موفقیت نایل شوند.

۱ - «و زمین به نور پروردگار خویش درخشیدن گرفت.» (سوره زمر (۳۹) آیه ۶۹)

قیامت صغری پس از به وقوع پیوستن علائم بیشمار در طول سال‌های متمادی و فشرده شدن حوادث یاد شده که در واپسین روزهای آخر الزمان همه را بر آن می‌دارد که ببینید، بشنوید، متوجه باشید که وقوع رستاخیز صغری نزدیک است، در واقع مردمی که موفق به درک این تحول عظیم می‌شوند، آنان می‌توانند با انجام یک برنامه ویژه، خود را برای آن روز مبارک آماده کنند مگر آن افرادی که به علت عدم توفیق، نداشتن مطالعه و نرسیدن به آن شناخت و معرفت لازم به زیان جبران ناپذیری دچار می‌شوند از جمله: هستند مردمی که از دیدن این همه حوادث و شواهد موجود به خود نیامده و این همه دگرگونی حاکم در جهان، ذره‌ای به حال و روز آنان اثر نگذاشته و به نظر می‌رسد آنان در خود گمشده که آخر الامر متوجه می‌شوند وقت و فرصتشان به پایان رسیده و وقوع آن واقعه عظیم نزدیک گشته است و شاید همین مردم سرگشته و سرگردان بارها با تمسخر و تکذیب از همدیگر این‌گونه سؤال کرده که آیا خبر هولناک قیامت به تو هم رسیده است، اصلاً واقعه قیامت چه زمانی تحقق می‌یابد؟ در واقع چنین فردی که بدون ترس از دادگاه عدل الهی، عمری گناه کرده و با ناباوری در مقام سؤال برآمده و همچنان اصرار می‌ورزد که بداند قیامت کی خواهد بود، طبق فرموده خداوند باید به آنان گفت: بدون شک قیامت واقع خواهد شد در آن هنگام!!

﴿فَإِذَا بَرِقَ الْبَصَرُ﴾<sup>(۱)</sup>

«در آن هنگام که چشمها از شدت وحشت به گردش درآید.»

﴿وَخَسَفَ الْقَمَرُ﴾<sup>(۲)</sup>

«و ماه (تابان) بی نور گردد.»

﴿وَجُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ﴾<sup>(۳)</sup>

«و خورشید و ماه یکجا جمع شوند.»

﴿يَقُولُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ أَيْنَ الْمَفْرُغُ﴾<sup>(۴)</sup>

«آن روز انسان می‌گوید: راه فرار کجاست؟»

۱ - سورة قیامت (۷۵) آیه ۷.

۲ - همان، آیه ۸.

۳ - همان، آیه ۹.

۴ - همان، آیه ۱۰.

قرآن کریم در جواب این نوع افراد می فرماید:

﴿كَلَّا لَا وَزَرَ﴾<sup>(۱)</sup>

«هرگز چنین نیست، راه فرار و پناهمگامی وجود ندارد.»

در همین رابطه در قرآن کریم می خوانیم:

﴿هَلْ أَتَيْكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ﴾<sup>(۲)</sup>

«آیا داستان آن فروگیرنده به تو رسیده است؟»

در این باره شیخ صدوق رحمته الله در کتاب ثواب الاعمال از محمد بن سلیمان، از پدرش روایت می کند از امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدم:

﴿هل أتيتك حديث الغاشية﴾ یعنی چه؟

حضرت فرمودند: مقصود «قائم ماست که اهل باطل را با شمشیر فرو می گیرد.»

گفتم: ﴿وَجُودٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ﴾ چیست؟

حضرت فرمودند: «صورت آنان در آن روز خاضع است.»

گفتم: ﴿تَضَلَّى نَارًا خَامِيَةً﴾؛ «در آتش سوزنده بیافتند» یعنی چه؟

حضرت فرمودند: «موقع ظهور قائم ما، در آتش جنگ بسوزند و یا در سرای

دیگر به دوزخ درافتند.»<sup>(۳)</sup>

قرآن مجید در این باره خطاب به عالمیان می فرماید:

﴿أَقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ﴾<sup>(۴)</sup>

«روز حساب مردمان بسیار نزدیک شده ولی آنان سخت غافل اند و (از یاد

قیامت و مهیای حساب شدن) اعراض می کنند.»

﴿وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَّا رَيْبَ فِيهَا﴾<sup>(۵)</sup>

«محققاً ساعت قیامت بی هیچ شک بیاید.»

امام محمد باقر علیه السلام در تفسیر این آیه شریفه ﴿إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً﴾،

۱ - سورة قیامت (۷۵) آیه ۱۱.

۲ - سورة غاشیه (۸۸) آیه ۱.

۳ - بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۲۵۷.

۴ - سورة انبیاء (۲۱) آیه ۱.

۵ - سورة حج (۲۲) آیه ۷.

فَطَلَّتْ أَعْنَاقَهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ ﴿١﴾ «اگر بخواهیم برای آنان نشانه‌ای از آسمان می‌فرستیم، پس گردن‌هایشان در برابرش خاضع می‌شود.» می‌فرماید:

«سَيَفْعَلُ اللَّهُ ذَلِكَ بِهِمْ: رُكُودَ الشَّمْسِ مِنَ الزَّوَالِ إِلَى وَقْتِ الْعَصْرِ حَتَّى يَلْأَحِظَ النَّاسُ ذَلِكَ. وَظُهُورُ رَجُلٍ وَوَجْهٍ فِي عَيْنِ الشَّمْسِ يُعْرَفُ بِحَسْبِهِ وَنَسْبِهِ. وَذَلِكَ فِي زَمَانِ السُّفْيَانِيِّ، وَعِنْدَهَا يَكُونُ بَوَازُهُ وَبَوَازُ قَوْمِهِ.» (۲)

«به زودی خداوند این نشانه را خواهد فرستاد: خورشید از موقع زوال تا به وقت عصر در وسط آسمان خواهد ماند، همه به این نشانه متوجه خواهند شد، آنگاه سیمای مردی را در قرص خورشید خواهند دید که نام و نشان او را خواهند شناخت، این نشانه پرشکوه در عهد سفیانی خواهد بود و در آن هنگام سپاه سفیانی نابود خواهند شد و خود سفیانی هلاک خواهد شد.»

امام صادق علیه السلام در مورد دیگر نشانه‌های ظهور می‌فرماید:

«وَكَفَّ يَطْلُعُ مِنَ السَّمَاءِ مِنَ الْمَخْتُومِ.» (۳)

«کف دستی در آسمان ظاهر خواهد شد که از امور حتمی است.»

«وَوَجْهٌ وَصَدْرٌ يَظْهَرَانِ لِلنَّاسِ فِي عَيْنِ الشَّمْسِ.» (۴)

«صورت و سینه‌ای در قرص خورشید برای مردمان ظاهر می‌شود.»

«إِمَارَةٌ ذَلِكَ الْيَوْمَ أَنَّ كَفًّا مِنَ السَّمَاءِ مَدْلَاةٌ يَنْظُرُ إِلَيْهَا النَّاسُ.» (۵)

«نشانه آن روز پر شکوه، دست نیرومندی است که از آسمان آویزان شود و

همگان به سوی آن تماشا کنند.»

علی بن موسی الرضا علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«يَظْهَرُ كَفٌّ مِنَ السَّمَاءِ تُشِيرُ: هَذَا، هَذَا.» (۶)

«دستی از آسمان ظاهر شده، به سوی او اشاره می‌کند که: اینست، اینست.»

۱ - سورة شعراء (۲۶) آیه ۴.

۲ - ارشاد مفید، ص ۳۳۸.

۳ - بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۳۳.

۴ - الملاحم والفتن، ص ۱۶۴.

۵ - منتخب الاثر، ص ۴۴۱.

۶ - غیبت نعمانی، ص ۱۳۳.

بدون شک آن دست آسمانی توسط حضرت جبرئیل فرشته نجات در آسمان جهان به نمایش درخواهد آمد تا همگان را متوجه قائم آل محمد صلی الله علیه و آله نماید.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می فرماید:

«لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَمْلِكَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي...» (۱)

«اگر از عمر دنیا یک روز مانده باشد خداوند آن روز را آن قدر طولانی خواهد کرد

تا مردی از اهل بیت من زمامدار آن شود...»

آقا امام زمان علیه السلام نیز در این باره می فرماید:

«إِنَّ أَمْرَنَا بَغْتَةً فَجَاءَهُ، (۲) وَإِنِّي أَخْرَجُ حِينَ أَخْرَجُ وَلَا بَيْعَةَ لِأَحَدٍ مِنَ الطَّوَاعِثِ فِي عُنُقِي، (۳)

وَبِي يَدْفَعُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ الْبَلَاءَ عَنْ أَهْلِي وَشِيعَتِي، (۴) وَإِنِّي لِأَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ (۵) كَمَا أَنَّ النُّجُومَ

أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ، (۶) فَأَنَا يُحِيطُ عَلْمُنَا بِأَنْبَاءِكُمْ وَلَا يَعْتَرِبُ عَنَّا شَيْءٌ مِنْ أَخْبَارِكُمْ.» (۷)

«همانا ظهور ما ناگهانی است و من به پا خواهم خواست درحالی که پیمان هیچ

یک از گردنکشان بر گردنم نیست و خداوند به سبب من از خاندان و شیعیان بلا را

دور می گرداند و همانا من برای مردم جهان امان از عذابم، انسان که ستارگان موجب

امان آسمانیان است، به راستی که علم ما بر اوضاع شما احاطه دارد و هیچ چیز از

احوال شما بر ما پوشیده نیست.»

همچنین آن حضرت در چگونگی بهره‌وری از امام در دوران غیبت این گونه بیان

فرموده‌اند:

«وَأَمَّا وَجْهُ الْإِنْتِفَاعِ بِي فِي غَيْبَتِي فَكَالْإِنْتِفَاعِ بِالشَّمْسِ إِذَا غَيَّبَتْهَا عَنِ الْأَبْصَارِ السَّحَابُ.» (۸)

«اما گونه بهره جستن از من در دوران پنهانیم همانند بهره‌وری از خورشید در

هنگامی است که ابرها، آن را از دیدگان می پوشاند.»

۱ - امام مهدی، ص ۶۹.

۲ - تاریخ الغيبة الكبرى، ص ۴۲۸.

۳ - بحار الانوار، ج ۵۳، چاپ جدید.

۴ - همان، ج ۵۲، ص ۳۰.

۵ - همان، ص ۱۸۱.

۶ - همان، ج ۵۳، ص ۸۳.

۷ - همان، ص ۱۷۵.

۸ - همان، ص ۱۸۱.

در این باره محمد بن مسلم نیز می‌گوید: از امام محمد باقر علیه السلام پرسیدم: مقصود از آیه ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى﴾ (۱) «سوگند به شب، هنگامی که همه چیز را فرو پوشد» چیست؟ حضرت فرمودند: «شب، اشاره به آن است که دشمنان کینه توز سد راه حضرت علی علیه السلام شدند و فروغ روشنی بخش ولایت را فرو پوشانده و رسالت او را باور نکردند ﴿وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى﴾ (۲) «سوگند به روز، هنگامی که آشکارا شود.» «روز اشاره به قائم ماست، که چون خروج کند، دولتش بر همه دولت‌های باطل چیرگی یابد.» (۳) مرویست، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پرسیده شد: که ای پیامبر خدا! قائم خاندان تو کی ظهور می‌کند؟ حضرت فرمودند:

«مَثَلُ مَثَلِ السَّاعَةِ لَا يُجَلِّيهَا يَوْئِهَا إِلَّا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ، لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً.» (۴)

«مثل (ظهور) او همچون مسأله قیامت است که زمانش جز به اراده خدای عزوجل معین نمی‌شود، یکباره و به‌طور ناگهانی بر شما فرا می‌رسد.»  
امام رضا علیه السلام در این مورد می‌فرماید:

«هُوَ الَّذِي سَتَّطَوَى لَهُ الْأَرْضُ.» (۵)

«اوست که زمین از برایش درنوردیده خواهد شد.»

﴿وَبَرَزُوا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ﴾ (۶)

«و همه در پیشگاه خداوند یگانه غالب، حاضر شوند.»

آری، افراد بشر در عرصه قیامت صغری، در پیشگاه حجت بر حق حضرت مهدی علیه السلام به پای خواهند ایستاد درحالی که گروهی از مؤمنان و اطاعت‌کنندگان از حق، از شدت شادی در پوست خود نمی‌گنجند و گروهی دیگر که یک عمر فریب ظواهر زودگذر دنیا را خورده بودند با اندوه و وحشت عجیبی به دنبال پناهگاه می‌گردند، اگر چه تنها پناهگاهی که بتوان به آن پناهنده شد همان ریسمانی است که

۱ - سورة البیل (۹۲) آیه ۱.

۲ - همان، آیه ۲.

۳ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۴۹.

۴ - تاریخ الغیبة الكبرى، ص ۴۲۸.

۵ - منتخب الاثر، ص ۲۲۰.

۶ - سورة ابراهیم (۱۴) آیه ۴۸.



یک سر آن به قرآن و عترت وصل است و سر دیگر آن به عرش حق تعالی متصل می باشد، پس در آن زمان گنهکاران که تا آخرین لحظه اصرار بر گناه داشته اند، دنبال پناهگاه نگردند چون پناهگاهی برای آنان وجود نخواهد داشت، برای همانان که به مقدسات و وظایف خود بی اعتنا بودند، بی اعتنا تا واپسین لحظات قیامت صغری، تا آن روز و لحظه که چون حق عیان گردد، همگان به حقانیت کلمه شریف لا اله الا الله و مقام مقدس محمد رسول الله پی برند، چنان که امام جعفر صادق علیه السلام در مورد آن اشاره کرده و چنین فرموده اند:

«إِذَا قَامَ الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ لَا تَبْقَى أَرْضٌ إِلَّا تُودِي فِيهَا بِشَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ.»<sup>(۱)</sup>  
 «چون مهدی قائم قیام کند سرزمینی یافت نخواهد شد مگر این که بانگ «لا اله الا الله! محمد رسول الله!» در آن طنین افکن باشد.»

ما نیز باور داریم؛ زیرا بارها در قرآن کریم خوانده ایم:

﴿وَعَدَ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ﴾<sup>(۲)</sup>

«این وعده الهی است و خدا هرگز خلف وعده نمی کند.»

﴿وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ بِنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ﴾<sup>(۳)</sup>

«در آن روز مؤمنان به نصرت خدا شاد شوند و خدا هر که را خواهد یاری

کند و او عزیز و رحیم است.»

امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید:

«بِنَا فُتِحَ الْأَمْرُ، وَبِنَا يُخْتَمُ وَبِنَا اسْتَنْقَدَ اللَّهُ النَّاسَ فِي أَوَّلِ الزَّمَانِ وَبِنَا يَكُونُ الْعَدْلُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ.»<sup>(۴)</sup>

«این امر به دست ما آغاز شد و به دست ما پایان می یابد، خداوند به وسیله ما انسان ها را در آغاز زمان رهایی بخشید و به وسیله ما در پایان جهان، عدالت گسترده می شوند.»

۱ - در انتظار امام، ص ۶۶.

۲ - سوره روم (۳۰) آیه ۶.

۳ - همان، آیه ۴ و ۵.

۴ - کشف الغم، ج ۳، ص ۲۶۳.

امام محمد باقر علیه السلام در این باره می فرماید:

«يَطْلُعُ عَلَيْكُمْ كَمَا تَطْلُعُ الشَّمْسُ أَيْنَمَا تَكُونُونَ، فَإِيَّاكُمْ وَالشُّكَّ وَالْإِزْتِيَابَ. أَنْفُوا عَنِ أَنْفُسِكُمْ الشُّكُوكَ، وَقَدْ حَذَرْتُكُمْ فَاخْذَرُوا.»<sup>(۱)</sup>

«هر کجا باشید چون مهر تابان بر شما طلوع می کند، پس هرگز در حق او شک و تردید به خود راه ندهید، از صفحه دل هر گونه شک و تردید را بزدائید، من شما را بر حذر کردم، سخت از آن بپرهیزید.»

«إِذَا تَمَنَّى أَحَدُكُمْ الْقَائِمَ فَلْيَتَمَنَّهْ فِي عَافِيَةٍ. فَإِنَّ اللَّهَ بَعَثَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رَحْمَةً، وَيَبْعَثُ الْقَائِمَ نِعْمَةً.»<sup>(۲)</sup>

«چون یکی از شما ظهور قائم را آرزو کند، آن را همراه با عافیت آرزو نماید، که خدای (تبارک و تعالی) حضرت محمد صلی الله علیه و آله را رحمة للعالمین قرار داد، ولی (حضرت) قائم را برای انتقام خواهد فرستاد.»

حضرت صادق علیه السلام فرمودند:

«گویی قائم را در پشت نجف می بینم که زره حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله را پوشیده و چون زره جمع شده، آن را می تکاند تا به اندامش رسا آید، آنگاه آن را با پارچه ای از استبرق می پوشاند و سوار اسب ابلقی (سیاه و سفید) شده که میان دو چشمش سفید است و طوری آن را به حرکت در می آورد که سفیدی پیشانی اسبش را مردم شهرها ببینند و خود علامت ظهور او باشد، سپس پرچم رسول خدا را می گشاید و از گشودن آن نوری می جهد که ما بین شرق و غرب را روشن می کند.»<sup>(۳)</sup>

در همین رابطه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: گویا قائم را می بینم بر اسب سیاهی که میان پیشانیش از سفیدی می درخشد سوار است و از وادی السلام به طرف مسجد سهله می رود و این دعا را می خواند:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا حَقًّا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِيْمَانًا وَصِدْقًا، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَعَبُّدًا وَرِقًّا، اللَّهُمَّ مُعِزُّ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَحَافِظُهُ وَمُنْزِلُ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ. أَنْتَ كُنْتَنِي حِينَ تُعَيِّنِي الْمَذَاهِبُ وَتَضْيِيقُ عَلَيَّ الْأَرْضَ بِمَا

۱ - بشارة الاسلام، ص ۱۵۳ به نقل از غیبت نعمانی.

۲ - الزام الناصب، ص ۱۴۰.

۳ - بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۱۱۴۳.

رَحِبْتَ اللَّهُمَّ خَلَقْتَنِي وَكُنْتَ غَنِيًّا عَنِ خَلْقِي وَلَوْلَا نَصْرُكَ إِثَائِي لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِينَ، يَا مُنْشِرَ الرَّحْمَةِ مِنْ مَوَاضِعِهَا وَمُخْرِجَ الْبَرَكَاتِ مِنْ مَعَادِنِهَا، وَيَا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِشُمُوحِ الرَّفْعَةِ فَأَوْلِيَاؤُهُ بِعِزِّهِ يَتَعَزَّزُونَ. يَا مَنْ وَضَعْتَ لَهُ الْمُلُوكَ نِيرَ الْمَدْلَةِ عَلَى أَعْنَاقِهِمْ فَهَمَّ مِنْ سَطْوَتِهِ خَائِفُونَ. أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي فَطَرْتَ بِهِ خَلْقَكَ فَكُلُّ لَكَ مُدْعِنُونَ. أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُنْجِزَ لِي أَمْرِي وَتُعَجِّلَ الْفَرَجَ وَتُكَفِّبِنِي وَتُعَافِيَنِي وَتَقْضِي حَوَائِجِي، السَّاعَةَ السَّاعَةَ، اللَّيْلَةَ اللَّيْلَةَ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. (۱)

«خدایی جز او وجود ندارد که حقاً آفریننده همه عالم هستی است، او بر حق است؛ از روی ایمان و صداقت به خداوندی او اعتراف می‌کنم و در کمال عبودیت و بندگی او را می‌ستایم، خداوندا! تو عزت دهنده هر مؤمن بی یار و تنهایی و خوار کننده هر ستمگر سرکشی، بار خدا یا! تنها پشت و پناه من هنگام هجوم اجانب و حمله ستمگران تویی، در وقتی که کره زمین با این وسعت بر من تنگ می‌شود، یار منحصر به فرد من تو هستی، خداوندا! تو مرا آفریدی در حالی که نیازی به آفرینش من نداشتی و اگر نصرت و یاری تو نبود، مغلوب حوادث می‌شدم، ای کسی که رحمت بی نهایت خود را از مرکز به تمام عالم وجود منتشر می‌سازی و برکات خود را از مرکز آن خارج می‌کنی و در اختیار بندگان قرار می‌دهی.

ای خداوندی که عظمت را مخصوص به ذات پاک خود قرار دادی بنابراین، عزت اولیای الهی از عزت تو سرچشمه می‌گیرد، ای آفریننده‌ای که پادشاهان در مقابل قدرت تو، خود را خوار و ذلیل می‌بینند و از توانایی و قدرت زوال ناپذیرت هراسناک‌اند، (الهی) تو را بدان اسمی می‌خوانم که همه مخلوقات و موجودات عالم هستی را به وسیله آن آفریدی و همه آنان در مقابل ذات پاک تو اعتراف و اقرار دارند، از پیشگاه مقدس تو استدعا می‌کنم که به روان تابناک جدم و خاندان عزیزش سلام و درود فرستی و امر قیام مرا روا کرده و در ظهورم تعجیل فرمایی و امور مرا خود کفایت کنی و در تمام ابعاد، عافیت نصیبم گردانی و خواسته‌های مرا بر آورده نمایی، البته در همین ساعت، آری در همین ساعت.

در همین شب، آری در همین شب، می‌دانم که ذات پاک تو به هر کاری تواناست.»

همچنین در دیگر روایات نقل شده است:

«يُنَادِي بِاسْمِ الْقَائِمِ فِي لَيْلَةِ ثَلَاثِ وَعِشْرِينَ (من شهر رمضان) وَيَقُومُ فِي يَوْمِ عَاشُورَاءَ، وَهُوَ الْيَوْمُ الَّذِي قُتِلَ فِيهِ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَكَأَنِّي بِهِ يَوْمَ السَّبْتِ الْعَاشِرِ مِنَ الْمُحَرَّمِ قَائِمًا بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ، عَنْ يَمِينِهِ جَبْرَائِيلُ يُنَادِي: أَلْبَيْعَةَ الْبَيْعَةِ!»<sup>(۱)</sup>

«در شب ۲۳ (رمضان) از آسمان به نام قائم ندا می شود و در روز عاشورا به روز شهادت امام حسین علیه السلام قیام می کند، گویی او را با چشم خود می بینم که در روز شنبه دهم محرم الحرام در میان رکن و مقام ایستاده و جبرئیل در طرف راست او فریاد می زند: بیعت، بیعت، بیعت!»

به راستی بیعت در آن روز باشکوه چقدر مبارک است و شاید این آرزو، آرزوی بسیاری از بندگان خدا باشد همانان که از خداوند منان! ظهور و تعجیل فرج آقا امام زمان علیه السلام را خواهان هستند تا هر چه زودتر آن زمان فرا رسد و زیباترین دیدار در مسجد الحرام تحقق پذیرد، امید است هیچ یک از مؤمنان، صالحان، منتظران و خوبان عالم بالاخص پیرمردان و پیرزنان غمگین و مأیوس نباشند و نگویند: چه بسا عمر ما کفاف ندهد تا ما در آن روز حضور داشته باشیم.

باید خطاب به همگان گفت: اگر همچنان به انجام اعمال شایسته مبادرت ورزیده و از اعمال سوء دوری می کنید و اگر بر بیعت خود با حضرت مهدی علیه السلام باقی مانده و هر روز بر بیعت مجدد اصرار می ورزید، این امید و باور را داشته باشید که حتی مرگ باعث جدایی نمی باشد بلکه برای صالحان که زنده اند، نوید دیدار و برای مردگان صالح، رجعت مقدر شده، همانان که در سایه اعمال نیکشان لیاقت دارند تا به یمن شفاعت امام عصر حضرت حجت بن الحسن العسکری (عج) به حیات مجدد افتخار یابند. ان شاء الله

«يُظْهِرُ وَحْدَهُ، وَيَأْتِي الْبَيْتَ وَحْدَهُ، وَيَلِجُ الْكَعْبَةَ وَحْدَهُ، وَيَجُزُّ اللَّيْلَ عَلَيْهِ وَحْدَهُ. فَإِذَا نَامَتِ الْعُيُونُ وَعَسَقَ اللَّيْلُ نَزَلَ إِلَيْهِ جَبْرَائِيلُ وَمِيكَائِيلُ وَالْمَلَائِكَةُ صُفُوفًا، فَيَقُولُ جَبْرَائِيلُ: يَا سَيِّدِي قَوْلِكَ مَقْبُولٌ وَأَمْرُكَ جَائِزٌ فَيَمْسَحُ يَدَهُ عَلَى وَجْهِهِ وَيَقُولُ (الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَّهُ، وَأَوْزَقَنَا

الأَرْضَ تَتَّبِعُوا مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ»<sup>(۱)</sup>

«به تنهایی ظاهر می شود، به تنهایی به مسجد الحرام می آید، به تنهایی وارد کعبه می شود، در حال تنهایی شب را سپری می کند، چون پاسی از شب گذشت و چشم ها در خواب فرو رفت، جبرئیل و میکائیل و فرشتگان در حالی که صف کشیده اند بر او فرود می آیند، جبرئیل عرض می کند: ای سرور من، فرمان تو مطاع و امر تو نافذ است، امام دستش را به صورت او می کشد و این آیه را تلاوت می فرماید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَّهُ، وَأَوْزَنَا الْأَرْضَ تَتَّبِعُوا مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ، فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ»<sup>(۲)</sup>

«تمامی حمد مخصوص خداوندی است که وعده اش را در حق ما تحقق بخشید و ما را وارث زمین گردانید، از بهشت هر کجا بخواهیم مسکن می گزینیم، که پاداش عمل کنندگان چقدر نیکوست.»

«فَيَقُولُ جِبْرَائِيلُ: أَنَا أَوَّلُ مَنْ يُبَايِعُكَ. أَبْسُطْ يَدَكَ فَيَمْسَحُ عَلَيَّ يَدِهِ»<sup>(۳)</sup>

«پس جبرئیل می فرماید: من نخستین کسی هستم که با تو بیعت می کنم، دستت را بده، آنگاه خود را به دست مبارک او (حضرت مهدی) می کشد.»

«أَوَّلُ مَنْ يُبَايِعُ الْقَائِمَ جِبْرَائِيلُ، فَيَنْزِلُ فِي صُورَةِ طَيْرٍ أبيضٍ فَيُبَايِعُهُ. ثُمَّ يَضَعُ رِجْلًا عَلَى الْبَيْتِ الْحَرَامِ وَرِجْلًا عَلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى وَيُنَادِي بِصَوْتٍ طَلِقٍ ذَلِكِ تَسْمَعُهُ الْخَلَائِقُ: «أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ» ثُمَّ يَصِيحُ صَائِحٌ بِالْخَلَائِقِ مِنْ عَيْنِ الشَّمْسِ بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ يُسْمَعُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِينَ: يَا مَعْشَرَ الْخَلَائِقِ، هَذَا مَهْدِيٌّ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بَايِعُوهُ وَلَا تُخَالِفُوا أَمْرَهُ»<sup>(۴)</sup>

«نخستین کسی که با قائم بیعت می کند، جبرئیل است که به صورت پرنده سفید رنگی نازل شده با او بیعت می کند، سپس یک پای خود را بر بیت الحرام و پای دیگرش را بر مسجد الاقصی می گذارد و با صدای روشن و فصیح ندا می کند که همه مردم آن را می شنوند: ﴿أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ﴾<sup>(۵)</sup> «امر خدا فرا رسید دیگر شتاب

۱ - الزام الناصب، ص ۲۱۵.

۲ - سورة زمر (۳۹) آیه ۷۴.

۳ - بشارة الاسلام، ص ۲۳۱.

۴ - الزام الناصب، ص ۲۳.

۵ - سورة نحل (۱۶) آیه ۱.

نکنید.» آنگاه صدای دیگر از سوی قرص خورشید شنیده می شود که همه مخلوقات در آسمان ها و زمین آن را می شنوند، او بانگ می زند: «هَذَا مَهْدِيَّ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِأَيْعُوهُ وَلَا تُخَالِفُوا أَمْرَهُ»<sup>(۱)</sup>؛ این مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله است با او بیعت نمائید و از فرمان او سرپیچی نکنید.»

در روایت آمده است: اصحاب از حضرت صادق علیه السلام درباره فرموده حق تعالی ﴿أَتَىٰ أَمْرَ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ﴾ سؤال کرده و آن حضرت فرمودند:

هرگاه حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله تحقق یافتن قضیه ای را در وقت معینی اطلاع دهد، آن از فرموده خداوند است که: «امر الهی آمد پس در آن شتاب مکنید» تا آن وقت فرا رسد. همچنین آن حضرت فرمودند:

«اگر خداوند وقوع واقعه ای را خبر دهد که واقع شدنی است انگار که آن واقع شده است.»<sup>(۲)</sup>

در همین رابطه امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید:

«تلاش کردن برای ازجا برکندن کوه ها آسانتر است از تلاش کردن برای برانداختن حکومتی که وقت معینی دارد و از خداوند یاری بخواهید و صبر کنید که زمین از آن خداوند است به هر کس از بندگان بخواهد آن را به ارث می سپارد و عاقبت (خوب و پیروزی نهایی) برای تقوا پیشگان می باشد، درباره امری پیش از رسیدن وقتش شتاب مکنید که پشیمان خواهید شد و مدت را طولانی شمارید که دل هایتان را قساوت می گیرد.»<sup>(۳)</sup>

نقل شده است:<sup>(۴)</sup> مفضل بن عمر از امام جعفر صادق در مورد تأویل آیه: ﴿لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلِنُكْرَهُ الْمُشْرِكِينَ﴾<sup>(۵)</sup> سؤال کرد. «چگونه امام زمان به همه ادیان غالب می شود.»

۱ - الزام الناصب، ص ۲۳.

۲ - تفسیر برهان، ج ۲، ص ۳۶۰، ح ۶.

۳ - همان.

۴ - رک: بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۱۱۴۸ - ۱۱۶۰.

۵ - سوره صف (۶۱) آیه ۹.

حضرت فرمودند: تاویل آن، این آیه است:

﴿ وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ ﴾<sup>(۱)</sup>

«چندان از مشرکان بکشید که دیگر فتنه‌ای در میان مردم نباشد و همه دین برای خدا باشد.»

ای مفضل به خدا قسم! اختلاف را از میان ملل و ادیان برمی‌دارد و همه دین‌ها یکی می‌شود چنان‌که خدا فرموده است:

﴿ وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴾<sup>(۲)</sup>

«هر کس دینی جز دین اسلام بپذیرد، هرگز از وی پذیرفته نمی‌شود و او در آخرت از زیانکاران است.»

مفضل گفت: آقا! آیا دینی که پدران او ابراهیم، نوح، موسی، عیسی و محمد داشتند، همان دین اسلام بود؟

حضرت فرمودند: آری، همین دین اسلام بود، نه غیر آن!

مفضل عرض کرد: دلیلی از قرآن بر این مطلب دارید؟

حضرت فرمودند: آری، از اول تا آخر قرآن پر از دلیل است، از جمله آیه ﴿إِنَّ

الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ﴾<sup>(۳)</sup>؛ «در حقیقت، دین نزد خدا همان اسلام است.»

دیگر این آیه: ﴿مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ﴾<sup>(۴)</sup>

«اسلام دین پدر شما ابراهیم است و اوست که شما را مسلمان نامید.»

دیگر آیه‌ای است که خداوند در داستان ابراهیم و اسماعیل از زبان آنان بیان

کرده و آن آیه این است:

﴿ رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمَيْنِ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً ﴾<sup>(۵)</sup>

«خدایا ما دو نفر را دو تن مسلمان و تسلیم شده خود قرار ده و از اولاد ما

نیز مردمی مسلمان بیرون آور.»

۱ - سورة انفال (۸) آیه ۳۹.

۲ - سورة آل عمران (۳) آیه ۸۵.

۳ - همان، آیه ۱۹.

۴ - سورة حج (۲۲) آیه ۷۸.

۵ - سورة بقره (۲) آیه ۱۲۸.

خداوند در داستان فرعون می فرماید:

﴿ حَتَّىٰ إِذَا أَذْرَكَهُ الْغَرَقُ قَالَ آمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي آمَنْتُ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ وَ  
أَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴾ (۱)

«وقتی فرعون می خواست غرق شود، گفت: ایمان آوردم که جز خداوند  
یگانه‌ای که بنی اسرائیل به او ایمان آوردند، خدایی نیست و اینک من از  
مسلمانان هستم.»

حضرت عیسی علیه السلام در مقام سؤال فرمودند: کسانی که می خواهند با پذیرش  
دین خدا، مرا یاری نمایند، کیستند؟

﴿ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ آمَنَّا بِاللَّهِ وَأَشْهَدُ بِأَنَّكَ مُسْلِمُونَ ﴾ (۲)

«حواریون گفتند: ما یاوران دینی تو هستیم، ما به خدا ایمان آوردیم و  
شاهد باش که ما مسلمان هستیم!»

خداوند متعال در آیه دیگر می فرماید:

﴿ وَلَوْ أَنَّمَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ ﴾ (۳)

«آیا جز دین خدا را می جویند؟ حال آنکه هر کس در آسمان‌ها و زمین  
است خواه و ناخواه سر به فرمان او نهاده و به سوی او بازگردانیده می شوید.»

مفضل عرض کرد: آقا! ادیان چند تاست؟

حضرت فرمودند: چهار دین و هر کدام دین جداگانه‌ای است.

عرض کرد: چرا مجوس را مجوس می گویند؟

حضرت فرمودند: برای این که در سریانی (۴) خود را مجوسی نامیدند و دعوی

کردند که حضرت آدم و شیث ازدواج با مادران، خواهران، دختران، خاله‌ها، عمه‌ها

۱ - سوره یونس (۱۰) آیه ۹۰.

۲ - سوره آل عمران (۳) آیه ۵۲.

۳ - همان، آیه ۸۳.

۴ - سریانی: منسوب به سوریه (بین النهرین و بلاد شام است) قومی از نژاد سامی که در شمال بین النهرین و  
سوریه ساکن بودند و به زبان سریانی که لهجه‌ای از آرامی است تکلم می کردند و آثار مهمی به این زبان و پیش از  
پیدایش دین مسیح و بعد آن باقی مانده که از جمله: ترجمه و تفسیر تورات و انجیل است لهجه سریانی در بعضی  
از کشورهای عربی زبان وجود دارد آشوری‌ها، کلدانی‌های عراق، سوریه، ترکیه و ایران به این لهجه تکلم می کنند.



و سایر محارم را برای آنان حلال کرده است و ادعا می‌کنند که آدم و شیث به آنان دستور داده‌اند که در وسط روز، آفتاب را سجده کنند و وقتی برای نماز آنان قرار نداده‌اند، در صورتی که این ادعا افترا بر خدا و دروغ بستن بر آدم و شیث است.

مفضل گفت: آقا! چرا قوم موسی را یهود می‌گویند؟

حضرت فرمودند: برای این که خداوند سبحان از زبان آنان نقل کرده که گفتند:

﴿إِنَّا مُدْنَا إِلَيْكَ﴾ (۱)

«ما به سوی تو رجوع کرده‌ایم.»

مفضل عرض کرد: چرا نصاری را نصرانی می‌گویند؟

حضرت فرمودند: به سبب این آیه است که به حضرت عیسی گفتند:

﴿نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ﴾ (۲)

«ما یاوران خداییم.»

مفضل گفت: آقا! چرا صابئین را به این نام می‌نامند؟

حضرت فرمودند: برای این که آنان معتقد بودند وجود پیامبران و فرستادگان الهی و ادیان و شرایع آسمانی بیهوده است و هر چه انبیا گفته‌اند باطل می‌باشد و از این راه یگانگی خداوند و نبوت پیامبران و رسالت فرستادگان الهی و جانشینی آنان را انکار نموده و گفتند: نه دینی و نه کتابی و نه پیامبری است و به اعتقاد آنان، جهان آفرینش هیچ‌گونه رابطه‌ای با مبدأ وجود و مدبر عالم ندارد.

مفضل عرض کرد: سبحان الله! چقدر این اطلاعات مهم است؟

حضرت فرمودند: آری، ای مفضل! آنچه گفتم: به شیعیان ما برسان تا در امر دین خود شک نکنند.

مفضل گفت: حضرت مهدی در طول غیبت با چه کسی انس می‌گیرد و با چه

کسانی گفت‌وگو می‌کند و چه کسی با او سخن می‌گوید؟

حضرت فرمودند: فرشتگان خدا، افراد با ایمان و طایفه جن با وی سخن می‌گویند و دستورات و توقیعات آن حضرت برای موثقان و نمایندگان و وکلایش صادر می‌شود.

۱ - سورة اعراف (۷) آیه ۱۵۶.

۲ - سورة صف (۶۱) آیه ۱۴.

مفضل گفت: آیا به صورت جوان برمی‌گردد یا پیر ظهور می‌کند؟  
حضرت فرمودند: سبحان الله مگر کسی از حالا می‌داند، وقتی خدا فرمان  
ظهورش را صادر کند او به هر صورتی که خدا صلاح بداند ظاهر می‌شود.

مفضل گفت: آقا! از کجا ظاهر می‌شود و چگونه آشکار می‌گردد؟  
حضرت فرمودند: ای مفضل او به تنهایی آشکار می‌گردد و تنها به طرف خانه  
خدا می‌رود و تنها داخل کعبه می‌شود و چون شب فرا رسد همچنان تنهاست،  
وقتی چشم‌ها به خواب رفت و شب کاملاً تاریک شد جبرئیل، میکائیل و دسته  
دسته فرشتگان بروی فرود می‌آیند و در آن میان جبرئیل به وی می‌گوید: ای آقای  
من هر چه بفرمایی پذیرفته است و فرمانت رواست. (۱)

در همین رابطه از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند:

«وَسَيَدُنَا الْقَائِمُ مُسْنِدًا ظَهْرُهُ إِلَى الْكَعْبَةِ وَ يَطْوُلُ يَا مَعْشَرَ الْخَلَائِقِ: أَلَا وَ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى آدَمَ  
وَ شَيْثَ، فَمَا أَنَاذَا آدَمَ وَ شَيْثَ. أَلَا وَ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى نُوحٍ وَ وَلَدِهِ سَامَ، فَمَا أَنَاذَا نُوحَ وَ سَامَ. أَلَا  
وَ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ، فَمَا أَنَاذَا إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ. أَلَا وَ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ  
إِلَى عِيسَى وَ شَمْعُونَ فَمَا أَنَاذَا عِيسَى وَ شَمْعُونَ. أَلَا وَ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى مُحَمَّدٍ وَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ  
(صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا) فَمَا أَنَاذَا مُحَمَّدٌ وَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ. أَلَا وَ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى الْحَسَنِ وَ  
الْحُسَيْنِ فَمَا أَنَاذَا الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ. أَلَا وَ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى الْأَيْمَةِ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ فَمَا أَنَاذَا  
الْأَيْمَةَ أَجِيبُوا إِلَى مَسْأَلَتِي فَإِنِّي أَنْبِئُكُمْ بِمَا نُبَشِّرُكُمْ بِهِ وَ مَا لَمْ تُنَبِّؤْ بِهِ وَ مَنْ كَانَ يَقْرَأُ الْكُتُبَ وَ  
الصُّحُفَ فَلْيَسْمَعْ مِنِّي.

ثُمَّ يَبْتَدِئُ بِالصُّحُفِ الَّتِي أَنْزَلَهَا اللَّهُ عَلَى آدَمَ وَ شَيْثَ وَيَقُولُ أُمَّةَ آدَمَ وَ شَيْثَ هِبَةِ اللَّهِ، هَذِهِ وَ  
اللَّهُ هِيَ الصُّحُفُ حَقًّا وَلَقَدْ آرَانَا مَا لَمْ تَكُنْ تَعْلَمُهُ فِيهَا وَ مَا كَانَ خَفِيَ عَلَيْنَا وَ مَا كَانَ أُسْقِطَ مِنْهَا وَ  
بُدِّلَ وَ حُرِّفَ.

ثُمَّ يَقْرَأُ صُحُفَ نُوحٍ وَ صُحُفَ إِبْرَاهِيمَ وَ التَّوْرَةَ وَ الْإِنْجِيلَ وَ الرَّبُّورَ فَيَقُولُ أَهْلَ التَّوْرَةِ  
وَ الْإِنْجِيلِ وَ الرَّبُّورِ هَذِهِ وَ اللَّهُ صُحُفَ نُوحٍ وَ إِبْرَاهِيمَ حَقًّا وَ مَا أُسْقِطَ مِنْهَا وَ بُدِّلَ وَ حُرِّفَ مِنْهَا.  
هَذِهِ وَ اللَّهُ التَّوْرَةَ الْجَامِعَةَ وَ الرَّبُّورَ التَّامَّ وَ الْإِنْجِيلَ الْكَامِلَ وَ أَنَّهَا أَضْغَافُ مَا قَرَأْنَا مِنْهَا.

ثُمَّ يَتْلُوا الْقُرْآنَ فَيَقُولُ الْمُسْمِلُونَ هَذِهِ وَاللَّهُ الْقُرْآنَ حَقًّا الَّذِي أَنْزَلَهُ اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله وَ مَا

أَسْقِطْ مِنْهُ وَحُرْفٌ وَبُدِّلَ»<sup>(۱)</sup>

در آن وقت آقای ما حضرت قائم تکیه به خانه خدا می دهد و می فرماید:  
«ای اهل عالم! آگاه باشید هر کس می خواهد آدم و شیث را ببیند، بداند که من همان آدم و شیث هستم.

هر کس می خواهد نوح و پسرش سام را ببیند، بداند که من همان نوح و سام هستم.  
هر کس می خواهد ابراهیم و اسماعیل را ببیند، بداند که من همان ابراهیم و اسماعیل هستم.

هر کس می خواهد موسی و یوشع را ببیند، بداند که من همان موسی و یوشع هستم.  
هر کس می خواهد عیسی و شمعون را ببیند، بداند که من همان عیسی و شمعون هستم.

هر کس می خواهد حضرت محمد و امیرالمؤمنین صلوات الله علیهما را ببیند، بداند که من همان محمد و امیرالمؤمنین هستم.

هر کس می خواهد حسن و حسین را ببیند، بداند که من همان حسن و حسین می باشم.  
هر کس می خواهد امامان از اولاد حسین را ببیند، بداند که من همان پیشوایان از فرزندان حسین هستم، پس دعوت مرا بپذیرید و به نزد من جمع شوید که هر چه خواهید به شما اطلاع خواهم داد، هر کس کتاب های آسمانی و صحف الهی را خوانده است اینک از من می شنود.

آنگاه آن حضرت شروع به قرائت صحفی می کند که خداوند بر آدم و شیث نازل فرموده است، (در این باره نقل شده) پیروان آدم و شیث می گویند: <sup>(۲)</sup> به خدا قسم! این صحف حقیقی آدم و شیث است که کوچکترین حرفی از آن نیفتاده و تحریف هم نشده است.

آن حضرت سپس شروع به خواندن صحف نوح، ابراهیم و نیز تورات، انجیل و

۱ - بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۹، روایت ۱.

۲ - در مورد پیروان آدم و شیث و یا هر پیامبری از پیامبران علیهم السلام باید گفت: مؤمنان و صالحان حقیقی از زمان حضرت آدم تا زمان حضرت خاتم و از آن زمان تا عصر ظهور حضرت مهدی برخاسته و با رجعت کنندگان برخوانند گشت، همانان هستند که به صحت آنچه قرائت می شود شهادت خواهند داد چنان که اصحاب کهف برخوانند گشت.

زبور می‌کند پس پیروان تورات، انجیل و زبور می‌گویند: این است تورات جامع و انجیل کامل و زبور تمام، به درستی که بیش از آنچه ما از این کتابها خوانده بودیم برای ما قرائت فرمودند: به خدا قسم! این همان صحف حقیقی نوح و ابراهیم است، سپس قرآن می‌خواند، مسلمانان می‌گویند: به خدا قسم! این همان قرآن حقیقی است که خداوند بر پیامبر ما نازل کرده، چیزی از آن کم نشده و تحریف و تبدیل نگردیده است.»<sup>(۱)</sup>

مفضل گفت: آقا بفرمائید خانه مهدی در کجا خواهد بود و مؤمنان در کجا جمع می‌شوند؟

حضرت فرمودند: مقر سلطنت وی شهر کوفه است و محل حکومتش مسجد جامع کوفه و بیت‌المال و محل تقسیم غنائمش مسجد سهله واقع در زمین‌های صاف و مسطح و روشن نجف و کوفه است.

آنگاه حضرت صادق آهی کشیده و فرمودند: ای مفضل! تمام مکان‌های روی زمین بر یکدیگر فخر کردند، از جمله: کعبه در مسجدالحرام بر سرزمین کربلا فخر نمود، خداوند وحی فرستاد که ای کعبه ساکت باش و بر کربلا فخر مکن؛ زیرا کربلا بقعه مبارکی است که در آنجا از جانب خداوند به وسیله درخت به موسی بن عمران علیه السلام

۱ - در مورد تحریف کتابهای آسمانی باید گفت: ما شیعیان قائل بر این امر هستیم که کتاب آسمانی قرآن کریم تحریف نشده است چنان که مطلع هستیم خداوند در آیات شریفه، راه را بر کسانی که بخواهند به این عمل ناپسند دست بزنند بسته است ولی در مورد کتابهای دیگر نقل شده است: که غالباً تحریف شده‌اند و اما آن کتابهای دست نخورده‌ای که مورد تأیید مستمعین در عصر ظهور و حضور خواهد بود همان کتابهایی است که ابتدا به ساکن به دست مبارک انبیا علیهم السلام رسیده است در واقع مردمان این کتاب تحریف نشده را تأیید می‌کنند نه آن کتابهایی که بعد از چندین قرن بازنویسی شده و گاهی از اوقات افراد فرصت طلب طبق خواسته خود تحریفاتی قائل شده و عمداً باعث گمراهی بندگان خدا شده‌اند و افرادی که دست به چنین اعمالی زده‌اند مرده و زنده ایشان در روز رستاخیز صفری به اذن خداوند حیات خواهند یافت تا جوابگو باشند؛ زیرا مرویست: با هدایت کردن یک نفر، گویا مردم جهان هدایت می‌یابند و با گمراه کردن یک نفر، گویا مردم جهان گمراه می‌شوند پس اگر خسارت به این اندازه باشد باید گفت: وای به حال تحریف کنندگان، انکار کنندگان، تسلیم نشدگان، بالاخص آنانی که می‌توانستند در سابه تحقیق از رستگاران باشند ولی هیچ وقت تن به تحقیق و تفحص نداده و همچنان حرکت یکنواختی را تا دم مرگ دنبال کرده و می‌کنند درحالی که وظیفه ما بندگان خدا این است که برای آگاهی بیشتر، خودمان را در سابه مطالعه احیا کنیم و خدای ناکرده نباشیم مانند مردگان متحرکی که فقط در انتظار پایان یافتن زندگی در این جهان هستند درحالی که حیات جاوید در عالم باقی بر همگان حاکم خواهد گشت، باشد حیات بی‌پایان همراه با رستگاری از آن همگان باشد. ان شاء الله

وحی شد، همان تلی است که مریم و عیسی عليهما السلام منزل کردند و مریم، عیسی را شست و خودش هم بعد از ولادت وی غسل کرد؛ و محلی است که سر حسین عليه السلام را در آن شستشو دادند، کربلا بهترین سرزمین هاست، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هنگام غیبتش از آنجا به آسمان بالا رفت و آنجا تا موقع ظهور قائم برای اهل کربا خاکی خیر و برکت است، باشد هر چه زودتر آن زمان فرا رسد تا مردم عالم صاحب آن بقعه شریف را بشناسند و بدانند که آن حضرت در عالم باقی با مؤمنان و دوستداران خود چگونه برخورد خواهند کرد و اگر همگان مطلع باشند او کیست بی درنگ به سوی او رفته و به درگاه مبارکش پناهنده خواهند شد و این دعای ما شیعیان است که به همدیگر می گوئیم:

«وَجَعَلْنَا وَإِيَّاكُمْ مِنَ الطَّالِبِينَ بِشَارِهِ.»

«خداوند ما و شما را از خون خواهان او (امام حسین عليه السلام) قرار دهد.» ان شاء الله مرویست: پیش از قیام قائم آل محمد صلی الله علیه و آله به ناچار دو صبیحه شنیده خواهد شد از جمله امام محمد باقر عليه السلام می فرماید:

«يُنَادِي مِنَ السَّمَاءِ أَوَّلَ النَّهَارِ: أَلَا إِنَّ الْحَقَّ مَعَ عَلِيٍّ وَشِيعَتِهِ، ثُمَّ يُنَادِي مِنْ آخِرِ النَّهَارِ مِنَ الْأَرْضِ: أَلَا إِنَّ الْحَقَّ مَعَ فَلَانٍ وَشِيعَتِهِ، فَعِنْدَ ذَلِكَ يَزْتَابُ الْمُبْطِلُونَ.»<sup>(۱)</sup>

«منادی آسمانی در اول صبح بانگ بر می آورد: ای مردمان! آگاه باشید که حق با علی و شیعیان اوست.

شیطان در آخر همان روز بانگ بر می آورد: حق با فلانی و پیروان اوست! آنجاست که اهل باطل دچار شک و تردید می شوند.»

روزی زراره از امام صادق عليه السلام پرسید: آیا آن بانگ آسمانی عمومی است یا خصوصی؟ آن حضرت فرمود: عمومی است، هر قومی آن را به زبان خود می شنود.

زراره از روی تعجب پرسید: هنگامی که جبرئیل امین برای قائم عليه السلام با نام و نشان و با چنین وضعی ندا کند، دیگر چه کسی با او مخالفت می کند؟

آن حضرت در پاسخ فرمود:

«لَا يَدْعُهُمْ إِبْلِيسُ حَتَّى يُنَادِيَ فِي آخِرِ النَّهَارِ يُشَكُّكَ النَّاسُ»<sup>(۱)</sup>

«شیطان آنان را ترک نمی‌کند، بلکه در آخر همان روز بانگی برآورده آنان را دچار شک و تردید می‌نماید.»

یکی از یاران امام صادق در این باره از پیشگاه آن حضرت پرسید: ما در شگفتیم که حضرت قائم پس از خسف لشکر سفیانی در بیداء و بانگ آسمانی و عجایب دیگر، چگونه ممکن است گروهی پیدا شده، روی در روی او بایستند؟! حضرت فرمود:

«إِنَّ الشَّيْطَانَ لَا يَدْعُهُمْ حَتَّى يُنَادِيَ كَمَا نَادَى بِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ يَوْمَ الْعَقَبَةِ!»<sup>(۲)</sup>

«شیطان آنان را فروگذار نمی‌کند و بر آنان بانگ می‌زند چنان‌که در روز عقبه برای رسول اکرم ﷺ بانگ زد.»

در روایات آمده است: در یک چنین شرایطی حضرت مهدی برای بیعت با خلق خدا آمادگی خود را اعلام می‌دارد همچنان‌که می‌خوانیم:

«يُسَبِّحُ الْقَائِمُ ظَهْرَهُ إِلَى الْحَرَمِ، وَيَمُدُّ يَدَهُ إِلَى الْبَيْتَةِ فَتَرَى بَيْنَظَاءَ مِنْ غَيْرِ شَوْءٍ، لَدَى طُلُوعِ الشَّمْسِ، وَيَقُولُ: هَذِهِ يَدُ اللَّهِ، وَعَنِ اللَّهِ، وَيَأْمُرُ اللَّهُ: ثُمَّ يَتْلُوا آيَةً: (إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ، يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ، فَمَنْ نَكَتَ فَإِنَّمَا يَنْكُتُ عَلَى نَفْسِهِ). فَيَكُونُ أَوَّلَ مَنْ يُبَايِعُهُ جِبْرَائِيلُ، ثُمَّ الْمَلَائِكَةُ وَنَجَبَاءُ الْجِنِّ، ثُمَّ نَقَبَاؤُهُ وَأَصْحَابُهُ.»<sup>(۳)</sup>

«قائم به هنگام طلوع خورشید پشتش را به حرم (کعبه) تکیه می‌دهد و دستش را برای پذیرش بیعت دراز می‌کند، دست او سفید خیره‌کننده دیده می‌شود، (آنگاه آن حضرت) می‌فرماید: این دست خداست، از سوی خداست و به فرمان خداست، سپس این آیه را تلاوت می‌فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَتَ فَإِنَّمَا يَنْكُتُ عَلَى نَفْسِهِ﴾<sup>(۴)</sup>

«به راستی آنان‌که با تو بیعت می‌کنند با خدا بیعت می‌کنند، دست خدا بالای

۱ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۵.

۲ - غیبت نعمانی، ص ۱۴۱.

۳ - الزام الناصب، ص ۲۱۶.

۴ - سوره فتح (۴۸) آیه ۱۰.

دست آنان است پس هر کس بیعت خود را بشکند به ضرر خود شکسته است.»

امام محمد باقر علیه السلام در این باره فرموده‌اند:

«يُنزِلُ جَبْرَائِيلُ يَوْمَئِذٍ عَلَى صَخْرَةِ بَيْتِ الْمَقْدِسِ، فَيَصِيحُ فِي أَهْلِ الدُّنْيَا: ﴿وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ، إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا﴾»<sup>(۱)</sup>

«آن روز جبرئیل امین بر فراز سنگی در بیت المقدس قرار گرفته، بر مردم جهان بانگ زده می‌فرماید: ﴿وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ، إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا﴾» بگو: حق آمد و باطل از بین رفت، که باطل از بین رفتنی است.»

آن روز که عالمیان صبحه را می‌شنوند روز خروج و ظهور حضرت مهدی است. در روایت آمده است:

«يَقِفُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ، فَيَصْرُخُ صُرْخَةً فَيَقُولُ: يَا مَعَاشِرَ نَقْبَائِي، وَأَهْلَ خَاصَّتِي وَمَنْ ادَّخَرَهُمُ اللَّهُ لِنُصْرَتِي قَبْلَ ظَهْوَري عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ: ائْتُونِي طَائِعِينَ! فَتَرِدُ صَنِيعَتَهُ عَلَيْهِمْ وَهُمْ فِي مَحَارِبِهِمْ وَعَلَى فُرُشِهِمْ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَمَغْرِبِهَا، فَيَسْمَعُونَهُ فِي صَنِيعَةٍ وَاحِدَةٍ فِي أُذُنِ كُلِّ رَجُلٍ، فَيَجِئُونَ نَحْوَهَا.»<sup>(۲)</sup>

آن حضرت «در میان رکن و مقام می‌ایستد، آنگاه بانگ بر می‌آورد: ای فرماندهان من! ای نزدیکان من! ای کسانی که خداوند پیش از ظهور من، شما را برای یاریم در روی زمین ذخیره کرده است! به سوی من بشتابید و به فرمانم گردن نهید، صدای آن حضرت در شرق و غرب جهان به گوش یارانش می‌رسد و آنان که در محراب‌های خود و یا بر فراز رختخواب‌هایشان هستند، در یک لحظه بانگ امام را می‌شنوند و به سوی او می‌شتابند.»

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«إِنَّ الْقَائِمَ إِذَا خَرَجَ دَخَلَ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ، فَيَسْتَقْبِلُ الْقِبْلَةَ وَيَجْعَلُ ظَهْرَهُ إِلَى الْمَقَامِ ثُمَّ يُصَلِّي رَكَعَتَيْنِ، ثُمَّ يَقُومُ فَيَقُولُ: يَا أَيُّهَا النَّاسُ، أَنَا أَوْلَى بِآدَمَ، أَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ، أَنَا أَوْلَى بِإِسْمَاعِيلَ، أَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِمُحَمَّدٍ... وَيَدْعُو وَيَتَضَرَّعُ.»<sup>(۳)</sup>

۱ - بشارة الاسلام، ص ۲۲۰.

۲ - همان، ص ۲۵۶.

۳ - الزام الناصب، ص ۲۶.

«هنگامی که قائم ظاهر شود، وارد مسجد الحرام شده و روی به سوی کعبه و پشت به مقام می‌کند و آنگاه دو رکعت نماز می‌خواند، سپس می‌فرماید: ای مردم! من برای آدم از همه نزدیکترم، برای ابراهیم از همه نزدیکترم، برای اسماعیل از همه نزدیکترم، برای محمد از همه نزدیکترم،... آنگاه دعا می‌خواند و با خدای خود مناجات می‌کند.»

سپس آن حضرت حرکت کرده و در مقام حضرت ابراهیم علیه السلام به نماز و راز و نیاز با خدای سبحان می‌پردازند همچنان که می‌خوانیم:

«يُنْتَهِي إِلَى الْمَقَامِ فَيُصَلِّي رَكَعَتَيْنِ، وَيُنشِدُ اللَّهَ وَيَقُولُ: (أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ، أَلَيْهَ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَا تَدَّكَّرُونَ).»<sup>(۱)</sup>

(به مقام ابراهیم (در نزدیکی کعبه) می‌رود و دو رکعت نماز می‌خواند و با تلاوت این آیات: ﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ...﴾ با خدای خود راز و نیاز می‌نماید. امام باقر علیه السلام صحنه با شکوه ظهور حضرت مهدی را چنین ترسیم می‌فرماید:

«وَاللَّهِ لَكَأَنِّي أَنْظَرُ إِلَيْهِ وَقَدْ أَسْنَدَ ظَهْرَهُ إِلَى الْحَجَرِ، ثُمَّ يَقُولُ: يَا أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّا نَسْتَنْصِرُ النَّاسَ عَلَى مَنْ ظَلَمْنَا وَسَلَبَ حَقَّنَا. إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَنَحْنُ أَوْلَى النَّاسِ بِمُحَمَّدٍ. مَنْ يُحَاجُّنَا فِي اللَّهِ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِاللَّهِ، وَمَنْ يُحَاجُّنَا فِي آدَمَ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِآدَمَ، وَمَنْ يُحَاجُّنَا بِنُوحٍ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِنُوحٍ، وَمَنْ يُحَاجُّنَا بِإِبْرَاهِيمَ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ، وَمَنْ يُحَاجُّنَا بِمُحَمَّدٍ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِمُحَمَّدٍ، وَمَنْ يُحَاجُّنَا بِالنَّبِيِّينَ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِالنَّبِيِّينَ، وَمَنْ يُحَاجُّنَا فِي كِتَابِ اللَّهِ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِكِتَابِ اللَّهِ، أَلَيْسَ يَقُولُ اللَّهُ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ: ﴿إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ. ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ، وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾؟! فَإِنَّا بَقِيَّةٌ مِنْ آدَمَ، وَذَخِيرَةٌ مِنْ نُوحٍ، وَمُضْطَفَى مِنْ إِبْرَاهِيمَ، وَصَفْوَةٌ مِنْ مُحَمَّدٍ... أَلَا وَمَنْ حَاجَّنِي فِي سُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، فَأُنشِدُ اللَّهَ مَنْ سَمِعَ كَلَامِي الْيَوْمَ، لَمَا بَلَغَ الشَّاهِدُ مِنْكُمْ الْغَائِبَ. وَأَسْأَلُكُمْ بِحَقِّ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَبِحَقِّي فَإِنَّ لِي عَلَيْكُمْ حَقَّ الْقَرِيبَى مِنْ رَسُولِ اللَّهِ، إِلَّا أَعْتَمْتُمُونَا وَمَنْعْتُمُونَا مِمَّنْ يَظْلِمُنَا، فَقَدْ أَخْفْنَا وَظَلَمْنَا، وَطَرَدْنَا مِنْ دِيَارِنَا وَأَبْنَائِنَا، وَبَغِي عَلَيْنَا وَدَفَعْنَا عَن حَقَّنَا، فَأَتْرَى أَهْلَ الْبَاطِلِ عَلَيْنَا.

فَاللَّهُ اللَّهُ فِينَا لَا تَخَذَلُونَا، وَانصُرُونَا يَنْصُرْكُمْ اللَّهُ، إِنَّا نَسْتَنْصِرُ الْيَوْمَ كُلَّ مُسْلِمٍ! ثُمَّ



يَدْعُو النَّاسَ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ وَسُنَّةِ نَبِيِّهِ وَالْوِلَايَةِ، وَمَعَهُ عَهْدُ رَسُولِ اللَّهِ. فَيَقُومُ رَجُلٌ فَيُنَادِي: أَيُّهَا النَّاسُ، هَذَا طَلِبْتُكُمْ قَدْ جَاءَكُمْ يَدْعُوكُمْ إِلَى مَا دَعَاكُمْ إِلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ. فَيَقُومُ هُوَ فَيَقُولُ: أَنَا ابْنُ نَبِيِّ اللَّهِ، أَدْعُوكُمْ إِلَى مَا دَعَاكُمْ إِلَيْهِ نَبِيُّ اللَّهِ»<sup>(۱)</sup>

«به خدا سوگند، گویی او را می بینم که پشت خود را به حجرا لاسود تکیه داده، می فرماید: ای مردم! ما از همه مردمان یاری می خواهیم علیه کسانی که به ما ستم کردند و حق ما را غصب نمودند، ما اهل بیت پیامبر شما حضرت محمد صلی الله علیه و آله هستیم و ما نزدیکترین مردمان به او هستیم، هر کس با ما در مورد خدا محاجه<sup>(۲)</sup> کند، ما از همه به او نزدیکتریم.

هر کس در مورد آدم محاجه کند؛ ما از همه به او نزدیکتریم.

هر کس در مورد نوح با ما محاجه کند؛ از همه به او نزدیکتریم.

هر کس در مورد ابراهیم با ما محاجه کند؛ از همه به او نزدیکتریم.

هر کس در مورد محمد با ما محاجه کند؛ ما از همه به او نزدیکتریم.

هر کس در مورد پیامبران با ما محاجه کند؛ ما از همه به آنان نزدیکتریم.

هر کس در مورد کتاب خدا با ما محاجه کند؛ ما به کتاب خدا از همه نزدیکتریم، مگر نه این است که قرآن کریم در آیات محکم خود می فرماید: به یقین، خداوند آدم، نوح و خاندان عمران را بر مردم جهان برتری داده است، فرزندان آنی که بعضی از آنان از نسل بعضی دیگرند و خداوند شنوای داناست.

(سپس آن حضرت می فرماید:) من بازمانده آدم، ذخیره نوح، برگزیده ابراهیم و از تبار محمد هستم، آگاه باشید هر کس در مورد سنت رسول الله با من محاجه کند؛ من برای (احیا و اجرای) سنت رسول خدا از همه شایسته ترم، پس شما را به خدا سوگند می دهم هر کس امروز گفتار مرا می شنود به آنان که حضور ندارند (خبر را) برساند، شما را سوگند می دهم به حق خدا و حق رسول خدا و حق خودم، که حق ذوی القربی (خویشاوندی با رسول اکرم) برگردن شما دارم، ما را یاری کنید و از ما در برابر ستمگران حمایت نمائید، ما مورد وحشت و ستم قرار گرفتیم، از دیار و

۱ - الامام المهدي، ص ۲۲۵.

۲ - محاجه یعنی: حجت خواستن و چه بسا طلب کردن حجت با مخاصمه همراه باشد.

فرزندان خود دور افتادیم، به ما ستم کردند و ما را از حقوق خود محروم ساختند و اهل باطل به ما افترا بستند، در حق ما از خدا بترسید، ما را خوار نسازید، ما را یاری کنید که خداوند شما را یاری کند، ما امروز از هر مسلمانی یاری می طلبیم.

آنگاه (آن حضرت) مردم را به سوی قرآن کریم و سنت پیامبر اکرم و ولایت اهل بیت عصمت و طهارت دعوت می کند، عهد و پیمان رسول اکرم نیز همراه او خواهد بود.

آنگاه مردی بر می خیزد و خطاب به مردم می گوید:

ای مردم! این خواسته و آرزوی دیرینه شماست، به سوی شما آمده و شما را به چیزی که رسول اکرم دعوت می کرد، فرا می خواند، سپس آن حضرت بلند می شود و می فرماید: من پسر پیامبر شما هستم، شما را به سویی فرا می خوانم که پیامبر خدا شما را به آن سوی فرا می خواند.

امام محمد باقر علیه السلام در احادیث فوق می فرماید:

«أَوَّلُ مَنْ يُبَايِعُهُ جَبْرَائِيلُ عليه السلام، ثُمَّ الْأَنْصَارُ» (۱)

«نخستین کسی که با او بیعت می کند جبرئیل است، سپس یاران (۳۱۳ نفر)

بیعت می کنند.»

«وَيَجِيءُ وَاللَّهِ ثَلَاثُمِئَةٍ وَبِضْعَةَ عَشَرَ رَجُلًا، مِنْهُمْ خَمْسُونَ امْرَأَةً، يَجْتَمِعُونَ فِي مَكَّةَ» (۲)

«به خدا سوگند که سیصد و ده و اندی نفر می آیند که در میان آنان پنجاه زن

هست و در مکه گرد می آیند.»

امیرمؤمنان در ضمن بیعت حضرت مهدی با یاران چنین می فرماید:

«يُبَايِعُونَ عَلَى أَنْ لَا يَسْرِقُوا، وَلَا يَزْنُوا، وَلَا يَسُبُّوا مُسْلِمًا، وَلَا يَقْتُلُوا مُحْرِمًا، وَلَا يَهْتِكُوا

حَرِيمًا مُحْرَمًا، وَلَا يَهْجُمُوا مَنْزِلًا، وَلَا يَضْرِبُوا أَحَدًا إِلَّا بِالْحَقِّ، وَلَا يَكْنِزُوا ذَهَبًا وَلَا فِضَّةً وَلَا بُرًّا

وَلَا شَعِيرًا، وَلَا يَأْكُلُوا مَالَ الْيَتِيمِ، وَلَا يَشْهَدُوا بِمَا لَا يَعْلَمُونَ، وَلَا يُخْرِبُوا مَسْجِدًا، وَلَا يَشْرَبُوا

مُسْكِرًا، وَلَا يَلْبَسُوا الْحَزَّ وَلَا الْحَرِيرَ، وَلَا يَتَمَنَّقُوا بِالذَّهَبِ، وَلَا يَقْطَعُوا طَرِيقًا، وَلَا يُخَيَّفُوا

سَبِيلًا، ... وَلَا يَخْبِسُوا طَعَامًا مِنْ بُرٍّ وَلَا شَعِيرٍ. وَيَرْضَوْنَ بِالْقَلِيلِ وَيَشْتَمُونَ عَلَى الطَّيِّبِ،

وَيَكْرَهُونَ النَّجَاسَةَ، وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَيَلْبَسُونَ الْعَشِينَ مِنَ الثِّيَابِ،

۱ - غیبت نعمانی، ص ۱۶۹.

۲ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۳.

وَيَتَوَسَّدُونَ الثَّرَابَ عَلَى الْخُدُودِ، وَيُجَاهِدُونَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ... وَيَشْتَرِطُ عَلَى نَفْسِهِ لَهُمْ: أَنْ يَمْشِيَ حَيْثُ يَمْشُونَ، وَيَلْبَسَ كَمَا يَلْبَسُونَ، وَيَزَكَّبَ كَمَا يَزَكَّبُونَ، وَيَكُونَ مِنْ حَيْثُ يُرِيدُونَ، وَيَرْضَى بِالْقَلِيلِ، وَيَمْلَأُ الْأَرْضَ بِعَوْنِ اللَّهِ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا، يَعْبُدَ اللَّهُ حَقَّ عِبَادَتِهِ، وَلَا يَأْخُذَ حَاجِبًا وَلَا بَوَابًا»<sup>(۱)</sup>

«با او بیعت می کنند که هرگز دزدی نکنند، زنا نکنند، مسلمانی را دشنام ندهند، خون کسی را به ناحق نریزند، به آبروی کسی لطمه نزنند، به خانه کسی هجوم نبرند، کسی را به ناحق نزنند، طلا، نقره، گندم و جو ذخیره نکنند، مال یتیم را نخورند، در مورد چیزی که یقین ندارند گواهی ندهند، مسجدی را خراب نکنند، مشروب نخورند، حریر و خز نپوشند، در برابر سیم و زر سر فرود نیاورند، راه را بر کسی نبندند، راه را ناامن نکنند، ... و خوراکی را از گندم و جو انبار نکنند، به کم قناعت کنند، طرفدار پاکی باشند، از پلیدی گریزان باشند، به نیکی فرمان دهند، از زشتی ها باز دارند، جامه های خشن بپوشند، خاک را متکای خود سازند، در راه خدا و حق، جهاد را ادا کنند و... او (مهدی) خود تعهد می کند که از راه آنان برود، جامه ای مثل جامه آنان بپوشد، مرکبی همانند مرکب آنان سوار شود، آن چنان باشد که آنان می خواهند، به کم راضی و قانع شود، زمین را به یاری خدا پر از عدالت کند همان طور که پر از ستم شده است، خدا را آن چنان پرستد که شایسته است، برای خود دربان و نگهبان اختیار نکند.»

حضرت امام حسن عسکری علیه السلام می فرماید:

«وَكَأَنَّكَ يَا بُنَيَّ، بِتَأْيِيدِ نَصْرِ اللَّهِ وَقَدْ أَنْ وَبِتَيْسِيرِ الْفَرَجِ وَعُلُوِّ الْكَعْبِ وَقَدْ حَانَ، وَبِالرَّايَاتِ الصُّفْرِ وَالْأَعْلَامِ الْبَيْضِ تَخْفِقُ عَلَى أَثْنَاءِ أَعْطَافِكَ مَا بَيْنَ الْحَطِيمِ وَرَمَزِمًا. وَكَأَنَّكَ بِتَرَادُفِ الْبَيْعَةِ، وَتَضَادِفِ الْوَلِيِّ، يَتَنَاظَمُ عَلَيْكَ تَنَاظُمُ الدَّرِّ فِي مَثَابِي الْعُقُودِ وَتَضَادِفِ الْأَكْفِ عَلَى جَنَابَاتِ الْحَجَرِ الْأَسْوَدِ تَلُودٌ بِفِنَاكَ، مِنْ مَلَأَ بَرَأَهُمُ اللَّهُ فِي طَهَارَةِ الْوِلَادَةِ وَنَفَاسَةِ التُّرْبَةِ، مُقَدَّسَةً قُلُوبُهُمْ مِنْ دَنَسِ النَّفَاقِ، مَهْدَبَةً أَفِيدَتُهُمْ مِنْ رَجَسِ الشَّقَاقِ، لَيْتَنَّا عَرَانِيكُهُمْ لِلدِّينِ، حَشِينَةً ضَرَائِبُهُمْ عَلَى الْمُعْتَدِينَ، وَاضِحَةً بِالْقَبُولِ وَجُوهُهُمْ، نَضِرَةً بِالْفَضْلِ عِيُونُهُمْ، يَدِينُونَ بِدِينِ الْحَقِّ وَأَهْلِهِ... فَإِذَا اشْتَدَّتْ أَرْكَانُهُمْ، وَتَقَوَّمَتْ أَعْمِدَتُهُمْ، قَدِمَتْ بِمَكَانَتِهِمْ طَبَقَاتُ الْأُمَمِ إِلَى مُبَايَعَتِكَ، فِي ظِلَالِ دَوْحَةِ

بَسَقَتْ عُصُوبُهَا عَلَى حَافَاتِ بُحَيْرَةِ الطَّبْرِیَّةِ فَعِنْدَهَا يَتَلَأُ لِأُصْبَحِ الْحَقِّ، وَيَنْجَلِي ظِلَامَ الْبَاطِلِ، وَيَقْصِمُ اللَّهُ بِكَ الطُّغْيَانَ، وَيُعِيدُ مَغَالِمَ الْإِيمَانِ. فَيُظْهِرُكَ أَقْسَامَ الْأَفَاقِ، وَيُظْهِرُكَ بِكَ السَّلَامَ لِلرُّفَاقِ! يُوَدُّ الطُّفْلَ فِي الْمَهْدِ لَوَاسْتَطَاعَ إِلَيْكَ نَهْوضًا! وَتَوَاشَطُ الْوَحْشُ لَوَوجَدَ نَحْوَكَ مَجَازًا! تَهْتَرُ بِكَ أَطْرَافَ الدُّنْيَا بَهْجَةً، وَتَهْتَرُ بِكَ أَعْطَافُ الْعُرِّ نُضْرَةً، وَتَسْتَقِرُّ بَوَاقِي الْحَقِّ فِي قَرَارِهَا، وَتَتَوَبُّ شَوَارِدُ الدِّينِ إِلَى أَوْكَارِهَا. تَتَهَاوَلُ عَلَيْكَ سَحَابُ الظَّفَرِ، وَيُخْتَقُّ كُلُّ عَدُوٍّ، وَيُنْصَرُّ كُلُّ وَلِيٍّ، فَلَا يَبْقَى عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ جَبَّارٌ قَاسِطٌ، وَلَا جَاحِدٌ غَاطِظٌ، وَلَا شَانِيَةٌ مُبْغِضٌ، وَلَا مُعَانِدٌ كَاشِحٌ - وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ، إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ، قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا»<sup>(۱)</sup>

«فرزندم! گویی تو را می بینم هنگامی که نصرت خدا بر تو نازل شده و فرج هموار گشته و شکوه و عظمت تو اوج گرفته، پرچم های سفید و زردی بالای سرت به هنگام گردش تو بین حطیم (میان رکن و مقام) و زمزم به اهتزاز درآمده، دست ها پیاپی به عنوان بیعت به سوی تو دراز می شود و دوستان یکی پس از دیگری باتو مصادف می شوند و کارها و گام ها با نظم خاصی در ضمن پیام های مکرر پیموده می شود و دست ها در کنار حجرالاسود به آستانت سوده می شود، از سوی گروهی که خداوند آنان را با پاکی نطفه و پاکیزگی سرشت، پاک و پاکیزه نموده است، دل های آنان از آلودگی نفاق پیراسته، قلب های آنان از تیرگی اختلاف پاکیزه، روح و روانشان برای پذیرش احکام دین آماده، مشته هایشان در برابر تجاوزگران گره کرده، چهره هایشان برای پذیرش حق گشاده، دیده گانشان از فضل خدا خیره کننده، به آئین حق گرویده و در راه اهل حق گام سپرده اند، چون شالوده کارشان استوار شود و پایه های دعوتشان محکم گردد، با دستیاری آنان همه طبقات مردم، از هر تیره و نژادی به بیعت تو می شتابند و در زیر درختان سر به فلک کشیده باغی که شاخه های درختانش روی دریاچه طبریه (در شمال فلسطین) سایه انداخته، دست بیعت با تو می دهند، در این هنگام فجر دولت حق می دمد و تاریکی باطل از صحنه گیتی برچیده می شود، خداوند با دست تو کمر ستمگران را می شکند، شعایر دین را باز می گرداند، آفاق جهان را روشن می سازد، آرامش و صلح را از کران تا کران برقرار می کند، کودکی که در گهواره آرمیده، آرزو می کند که بتواند به سوی تو بشتابد،

وحشيان صحرا آرزو می کنند که بتوانند به سویت راهی بیابند، اقطار و اکناف جهان سبز و خرم می شود، چهره دنیا خندان و قله های شرف و عظمت از تو شاداب و خرامان می گردد، شالوده حق استوار شده و فراری های احکام دین به آشیانه های خود باز می گردند، ابرهای پیروزی، باران نصرت را سیل آسا بر تو فرو می ریزند، دشمنانت خوار و زبون و دوستانت عزیز و پیروز می شوند، در روی زمین از ستمگران جنایتگر و منکران طغیانگر و دشمنان تجاوزگر و مخالفان عنادگر، احدی باقی نمی ماند و هر کس به خدا توکل کند، خداوند او را بس است، خداوند امر خود را به پایان می رساند، که خداوند برای هر چیزی اندازه ای مقرر نموده است.»

امام صادق علیه السلام در مورد آن حضرت می فرماید:

«أَوَّلُ مَا يَنْطِقُ بِهِ هَذِهِ الْآيَةُ: (بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ)، ثُمَّ يَقُولُ: أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ وَحُجَّتُهُ وَخَلِيفَتُهُ عَلَيْكُمْ، فَلَا يُسَلَّمُ عَلَيْهِ مُسْلِمٌ إِلَّا قَالَ: فَإِذَا اجْتَمَعَ عَلَيْهِ الْعَقْدُ: وَهُوَ عَشْرَةُ آلَافٍ رَجُلٍ، لَمْ يَبْقَ فِي الْأَرْضِ مَعْبُودٌ دُونَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ صَنَمٍ أَوْ تَوَكَّنِ أَوْ غَيْرِهِ إِلَّا وَقَعَتْ فِيهِ نَارٌ فَأَخْرَقَتْهُ.» (۱)

«نخستین کلامی که به زبان می آورد، تلاوت این آیه شریفه است: ﴿بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ (۲) سپس می فرماید: بقیه الله من هستم، حجت خدا و جانشین او در میان شما من هستم، هیچ مسلمانی در روی زمین نمی ماند جز این که عرضه می دارد: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ». سلام بر تو ای یکتا بازمانده خدا بر روی زمین، آنگاه اهل حل و عقد (۳) که ده هزار نفر هستند، در اطراف او حلقه می زنند، در روی زمین جز خدای تبارک و تعالی هیچ معبودی از بت و غیر آن نمی ماند، جز این که آتشی بر آن افتاده، آن را می سوزاند.»

«إِذَا قَامَ الْقَائِمُ هَدَمَ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ حَتَّى يَرُدَّهُ إِلَى أُسَاسِهِ، وَحَوَّلَ الْمَقَامَ إِلَى الْمَوْضِعِ الَّذِي كَانَ فِيهِ، وَقَطَعَ أَيْدِي بَنِي شَيْبَةَ وَعَلَّقَهَا عَلَى بَابِ الْكَعْبَةِ وَكَتَبَ عَلَيْهَا: هُوَ لِأَسْرَاقِ الْكَعْبَةِ!» (۴)

۱ - منتخب الاثر، ص ۹۲.

۲ - سورة هود (۱۱) آیه ۸۶.

۳ - اهل حل و عقد، به افرادی گفته می شود که اعمال حرام انجام نمی دهند و عهد و پیمان خود را محکم کرده و بیعت می کنند.

۴ - ارشاد مفید، ص ۳۲۳.

«چون قائم قیام کند، مسجد الحرام را خراب می کند و به پایه اولی باز می گرداند، مقام ابراهیم را به محل سابق خود برمی گرداند و دست های بنی شیبه را قطع کرده، از در کعبه آویزان می کند و بر روی آن می نویسد: اینها دزدان کعبه هستند!»

امام صادق علیه السلام در مورد روش تدریس قرآن می فرماید:

«إِذَا قَامَ الْقَائِمُ قَرَأَ كِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى حَدِّهِ، وَأَخْرَجَ الْمُصْحَفَ الَّذِي كَتَبَهُ عَلِيُّ عليه السلام» (۱)

«چون قائم قیام کند، کتاب خدای تبارک و تعالی را آن چنان که هست، تلاوت می کند و قرآنی را که امیرمؤمنان علیه السلام نوشته بیرون می آورد.»

در همین رابطه روایت شده است:

«أَخْرَجَهُ عَلِيٌّ إِلَى النَّاسِ حِينَ فَرَّغَ مِنْهُ وَكَتَبَهُ، فَقَالَ لَهُمْ: هَذَا كِتَابُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ كَمَا أَنْزَلَهُ اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ صلوات الله عليه وآله فَقَدْ جَمَعْتُهُ مِنَ اللُّوْحَيْنِ فَقَالُوا: هُوَذَا عِنْدَنَا مُصْحَفٌ جَامِعٌ فِيهِ الْقُرْآنُ، لَا حَاجَةَ لَنَا فِيهِ! فَقَالَ: أَمَا وَاللَّهِ مَا تَرَوْنَهُ بَعْدَ يَوْمِكُمْ هَذَا أَبَدًا!!! إِنَّمَا كَانَ عَلِيٌّ أَنْ أَخْبَرَكُمْ حِينَ جَمَعْتُهُ لِتَقْرَأُوهُ» (۲)

«هنگامی که امیرمؤمنان از نوشتن قرآن کریم فارغ شد، آن را بر مردم عرضه کرده و فرمودند: این کتاب خدای عزوجل است آن را از دو لوح، آن چنان که خدایش بر محمد صلوات الله عليه وآله فرو فرستاده، گرد آورده ام، مردم گفتند: ما مصحفی داریم که همه آیات قرآنی را در بردارد، دیگر نیازی به قرآن شما نداریم، امیرمؤمنان فرمودند: به خدا سوگند، دیگر بعد از امروز آن را نخواهید دید! من وظیفه داشتم هنگامی که از نوشتن آن فارغ شدم، آن را بر شما عرضه کنم تا شما آن را بخوانید.»

بارالها! سلام و تحیت ما را بر امیر و سالار مؤمنان بپذیر که با دستان مبارکشان کتاب آسمانی قرآن را به ثمر رساندند و به راستی اگر دیروز نااهلان با قدرناشناسی و آن عمل ناپسند غم و اندوه بر قلب پاک ابرمردی همچون امیرمؤمنان افکندند و غربت را بدرقه راهشان نمودند، در فردایی نه چندان دور شیعیان، محبان و عاشقان آن حضرت، گل های عشق و شادی را بر مقدمشان نثار خواهند کرد.

همانان که در روز موعود با قطره قطره خونی که در رگهایشان جاری است راه

۱ - اصول کافی، ج ۲، ص ۶۳۳.

۲ - همان.

والی یزدان را خواهند شست و با اشک چشمانشان، گلاب عطراگین عشق را بر جاده سرسبز ایثار و رشادت خواهند پاشید.

آری، ای علی! ای شافع فردای قیامت! همه منتظریم تا بار دیگر با نهال عرش الهی بیایی، بیایی تا عاشقان کویت غبار قدمگاهتان را سرمه چشمانشان نمایند و هزاران بوسه بر آن دست‌ها بزنند که کلام وحی را به نگارش درآورده و برای سعادت بشر پا برهنه سرمایه‌ای بس عظیم قرار داده است و تو ای علی! ای دادرس مظلومان با کتاب آسمانی قرآن بیا! بیا تا با تو ای یدالله فوق ایدیهم پیروزی و بهروزی را که خداوند وعده داده است جشن گیریم و خط بطلان بر ظلم ظالمان زنیم و یاد و نامشان را برای همیشه از خاطره برده و میان حق و باطل پرده‌ای آهنین کشیم.

آری بیا! با فرزندان برومندت حسین و مهدی بیا.

بیا با صدای خوش محمد! بیا اگر دیروزبها و ارزش کار و تلاشت را نفهمیدند در فردایی درخشان‌تر از همیشه، همه آنانی که در انتظارت هستند با عبادت و اطاعت و با فرمانبرداری از کلام حق ثابت خواهند کرد که عزت و شرف مکتب امید بخش اسلام و قرآن تا بی نهایت ادامه خواهد داشت.

بیا تا آیه‌های آن کتاب آسمانی را به عنوان تبرک بر چشمانمان گذاریم و همچنان به فرمان خدای لایزال گردن نهیم که وظیفه یک شیعه واقعی همین است و بس. اما تو ای شیعه علی ابن ابی طالب خوب می‌دانی که برای حفظ و حراست از این نهال آسمانی چه خون‌ها ریخته شده و چه کسانی مظلوم واقع شده‌اند، آیا به راستی دنیا مظلوم‌تر از مظلومه‌ای همچون خانم حضرت زهرا علیها السلام به چشم دیده است؟ تا آنجا که حضرت علی همسر و یار وفادار حضرت زهرا می‌فرماید:

«به شیعیانم بگوئید: زهرای من آنقدر سیلی خورده که صورتش کبود شده، از آنان پرسید به راستی چرا کبود شده است...؟»

آری، باید از شیعیان علی پرسید چرا صورت همچون گل زهرای اطهر! آن بانوی دوسرا و آن محبوبه پروردگار کبود شده است؟

باید از شیعیان پرسید چرا فاطمه!!! دخت گرامی رسول خدا بر سر قبر پدر، مشتکی خاک بر سر ریخت و فرمود: یا ابتاه! مصائبی بر من فروریخته که اگر بر روزها ریخته می‌شد مثل شب تاریک و تیره می‌گردید.

باید از شیعیان پرسید مگر فاطمه پاره تن رسول خدا نبود، رسولی که خطاب به خیرالنسای عالم فرمود: «أَنْتِ مِثِّي وَأَنَا مِثْلُكَ» «تو از منی و من از توام» و اگر فاطمه از آن رسول خدا بود! پس چرا...؟

باید از شیعیان پرسید مگر فاطمه زوجه حیدر نبود، همان حیدر که فرمود: خدای تعالی نامم را از نام خود مشتق کرده؛ او عالی است و من علی!

فاطمه فرمود: من هم چنینم او فاطر است و من فاطمه!

علی فرمود: من همانند سفینه نوحم! هر که بر آن سوار شود نجات می یابد.

فاطمه فرمود: منم! دستگیره و بادبان آن کشتی.

و اگر علی همچون کشتی نجات است و فاطمه همچون بادبان کشتی! پس چرا؟

به راستی چرا...؟!؟

برای این چراها می بایست گریه کنندگان بر پاکان از اهل بیت محمد و علی بسیار

گریه کنند و ناله زندگان ناله زنند، شیون کنندگان شیون کنند و فریاد برآورند

فریادکنندگان و بگویند: کجاست حسن، کجاست حسین، کجایند فرزندان حسین،

کجایند آنان که خوبانند، کجایند پرچم های دین و پایه های علم؟

کجاست بقیه الله آن که برای قطع دنباله ستمکاران آماده است؟

کجاست آن که چشم ها به راه اوست و دل مشتاقان برای دیدار او می تپد.

آری، دل ها برای دیدار او می تپد برای او که حتماً می آید و باید بیاید.

باید بیاید پسر یاسین و الذاریات تا ظلم و عداوت را از میان بردارد و عدل و

مساوات را بر جهان هستی حاکم گرداند.

باید بیاید پسر طور و العادیات تا آثار دین و حدود قرآن را احیا کند و شریعت

محمدی و طریقت حیدری<sup>(۱)</sup> را برپا نماید.

۱ - شریعت: همان روش و آئینی است که خداوند برای بندگان خود مقدر فرموده و معرف شریعت رسولان الهی علیهم السلام بوده اند.

طریقت: مذهب، مسلک، روش و سیرت اهل صفا و سلوک و در اصطلاح سالکان، تزکیه باطن است، اهل طریقت معتقدند: هر کس علاوه بر اطاعت از شریعت، می بایستی طریقتی هم اختیار کند، طریقت هم مشتمل بر احکام شریعت است و هم مشتمل بر احکام قلبی و اجتناب از ماسوی الله می باشد، منظور از اجتناب ماسوی الله یعنی: فرد جز خدا و آنچه خدا فرمان داده است اجرا نکند.



باید بیاید پسر آن کس که از پروردگارش به قدر دو کمان دور بود، باید بیاید تا با دست پر محبتش بر سر مظلومان کشیده و با مشت الهی اش بر سر ظالمان زند.

باید بیاید تا انتقام خون پاکان و برگزیدگان را بگیرد.

آری، می آید می آید تا انتقام «مادر» بگیرد و اوست که قرنهای این جمله غم انگیز را بارها بر دو لب گهربارش جاری کرده است، همان آقا و سروری که به دفعات فرموده اند:

«حالا سیلی به گوش مادرم زهرا می زنید؟»

آن حضرت می آید و همین سؤال را از دشمنان خدا می کند و خطاب به آنان

می فرماید: به راستی چرا سیلی به صورت مادرم زهرا زدید؟ چرا...!!!

خدایا و ای خدای فاطمه! تو را قسم به آن لحظه که محبوبه ات را آزدند، تو را

قسم به آن صورت سیلی خورده عزیزترین عزیزان.

تو را قسم به آن بازوی کبود شده، تو را قسم به آن پهلوی شکسته، تو را قسم به

آن غربت که تا آخرین نفس تجربه شد، دیگر دعای آن بانوی بزرگوار را به اجابت

رسان، همان بانویی که سعی می کرد تا از ناطق قرآن و آن ابر مرد تاریخ که مظلوم

واقع شده بود دفاع کند.

همان بانویی که قره عین الرسول بود، همان بانویی که ام ابیها بود.

حال پروردگارا! ای محبوب و معبود فاطمه به حرمت همان بانو دیگر اذن ظهور

مهدی آل محمد را به محبان اهل بیت عصمت و طهارت هدیه نما تا آنان زیر چتر

بانوی بانوان نجات یابند و ما شیعیان! او را که ولیة الله است تا روزهایی از غمها

صدا خواهیم زد و خطاب به او خواهیم گفت: ای مادر رسول! ای مادر حسنین! ای

مادر زینبین! ای مادرامت و ای مادر نجیب ترین و پاکیزه ترین فرزندان! شما را قسم

به مهدی آخرین سفیر از سفیران الهی از خدای مهربان اذن ظهور فرزندان را طلب

کنید تا ما بندگان حقیر از این همه سرگردانی، آوارگی و بیچارگی نجات یابیم و ما! و

ما ای خدای سبحان و ای خدای دو جهان! با انسیة الحورا، تو را به نام تو می خوانیم:

قافله سالار طریقت حضرت علی علیه السلام هستند که خواسته خداوند سبحان و هدف رسول اکرم صلی الله علیه و آله را دنبال کرده اند و ادامه راه تا انتهای جهان توسط فرزندان برومند آن بزرگوار می باشد که در حال حاضر حضرت مهدی علیه السلام سردمدار این قافله هستند و بالآخره می رسد روزی که همه ادیان از شریعت و طریقت محمدی پیروی کنند. ان شاء الله

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِسْمِكَ يَا اللَّهُ، يَا اللَّهُ، يَا رَحْمَانُ، يَا رَحْمَانُ، يَا رَحْمَانُ، يَا رَحِيمُ، يَا رَحِيمُ، يَا رَحِيمُ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، سُبْحَانَكَ يَا إِلَهَ الْأَنْتَ.»

منزهی ای پروردگارا! ای آنکه معبودی جز تو نیست، سپاس بی منتها تو را سزااست، ای آنکه آگاهی به آشکار و پنهان این جهان ره گم کرده در بحر بلا، پس الهی مددی! الهی یا حمید بحق محمد! یا عالی بحق علی! یا فاطر بحق فاطمه! یا محسن بحق الحسن! یا قدیم الاحسان بحق الحسین! بحق الحسین! دیگر دعای رنجدیدگان عالم را به اجابت رسان که به تحقیق تویی خدای ارجمند حکیم، خدایی که هم اول است و هم آخر، هم ظاهر است و هم باطن و تویی آگاه و دانای مطلق بر جهان هستی.

باشد به امید حق دعاهایمان به اجابت رسد. ان شاء الله

همچنین امیرمؤمنان در مورد آن کتاب آسمانی فرموده‌اند:

«وَاللَّهُ لَكَأَنِّي أَنْظَرُ إِلَيْهِ بَيْنَ الرَّكْنِ وَالْمَقَامِ، يُبَايِعُ النَّاسَ بِأَمْرِ جَدِيدٍ، وَكِتَابٍ جَدِيدٍ، وَسُلْطَانٍ جَدِيدٍ مِنَ السَّمَاءِ.»<sup>(۱)</sup>

«به خدا سوگند، گویی او را در میان رکن و مقام با چشم خود می بینم که از مردم برای امری تازه، کتابی تازه و حکومت آسمانی تازه بیعت می گیرد.»

در دیگر روایات نیز آمده است: حضرت مهدی در آن روز حساس و سرنوشت ساز شخصی را به عنوان نایب در شهر مکه می گذارد و به قصد مدینه شهر را ترک می کند اهل مکه نایب آن حضرت را می کشند حضرت به سوی آنان بر می گردد، آنان سرشکسته و گریه کنان التماس کرده و توبه می کنند، حضرت مهدی آنان را موعظه کرده و از غضب خدا می ترساند و شخصی از اهل مکه را به نیابت خود انتخاب می کند و سپس از مکه خارج می شود این بار اهل مکه نیز هجوم می آورند و نایب آن حضرت را می کشند، حضرت مهدی هم از قضیه با خبر شده آنگاه یاوران خود از طایفه جن را به سوی مکه فرستاده و سفارش می کند جز افراد با ایمان یک نفر از آنان را باقی نگذارید؛ زیرا آنان از خداوند و من فاصله گرفته و هرگونه

پیوندی را قطع کرده‌اند، در همین رابطه سپاه حضرت مهدی به سوی اهل مکه باز گشته و از هر هزار نفر یک نفر را هم باقی نگذاشته و همه آنان را به هلاکت می‌رسانند.<sup>(۱)</sup>  
 امام محمد باقر علیه السلام در مورد سپاه حضرت مهدی علیه السلام و حرکت آنان به سوی کوفه این چنین فرموده‌اند:

«إِذَا قَامَ بِمَكَّةَ وَأَزَادَ أَنْ يَتَوَجَّهَ إِلَى الْكُوفَةِ نَادَى مُنَادِيَهُ: أَلَا لَا يَحْمِلَنَّ أَحَدٌ طَعَاماً وَلَا شَرَاباً. وَيُحْمَلُ مَعَهُ حَجَرٌ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عليه السلام وَهُوَ قَرَبَعِيرٌ، فَلَا يَنْزِلُ مَنْزِلاً إِلَّا انْفَجَرَتْ مِنْهُ عِيُونَ، فَمَنْ كَانَ جَائِعاً شَبِعَ، وَمَنْ كَانَ ظَامِئاً رَوِيَ، وَرَوَيْتَ دَوَابَّهُمْ. فَهَوَّزَادُهُمْ حَتَّى يَنْزِلُوا النَّجْفَ مِنْ ظَهْرِ الْكُوفَةِ. فَيَخْرُجُ بِهَا بِضْعَةٌ عَشْرَ أَلْفًا يَدْعُونَ التَّبْرَةَ مِنْهُ وَيَقُولُونَ: إِزْجِعْ مِنْ حَيْثُ أَتَيْتَ، فَلَا حَاجَةَ لَنَا فِي بَنِي فَاطِمَةَ، فَيَضَعُ فِيهِمُ السَّيْفَ حَتَّى يَأْتِي عَلَى آخِرِهِمْ، فَيَقْتُلُ كُلَّ مُرْتَابٍ، وَيَقْتُلُ مُقَاتِلِيهِ، ثُمَّ يَنْزِلُ النَّجْفَ.»<sup>(۲)</sup>

«هنگامی که در مکه قیام کرده، عازم حرکت به سوی کوفه شود، منادی ندا می‌کند که هیچ کس خوردنی و آشامیدنی با خود برندارد، آنگاه سنگ حضرت موسی را بر شتری حمل کرده با خود می‌برند، در هر محلی که منزل کنند از آن سنگ، چشمه‌ها سرازیر می‌شود افراد سپاه از آن می‌خورند، هر کس گرسنه باشد سیر می‌شود و هر کس تشنه باشد رفع عطش می‌کند، چارپایان نیز از آن خورده سیر می‌شوند، آن توشه آنان است تا وقتی که در پشت کوفه وارد نجف شوند، در آنجا ده هزار و اندی نفر خارج می‌شوند و از آن حضرت اظهار برائت می‌کنند و می‌گویند: از هر کجا آمده‌ای برگرد! ما را به اولاد فاطمه نیازی نیست! آنگاه (حضرت) شمشیر می‌کشد و همه را طعمه شمشیر می‌سازد، هر کس که بعد از مشاهده آن همه آیات و بینات دچار تردید شود می‌کشد و هر کسی را که در برابر آن حضرت شمشیر بکشد، طعمه شمشیر می‌سازد، آنگاه در نجف اشرف فرود می‌آید.»

روایت است آن حضرت برای سفرهای خود در خیمه‌هایی از نور فرار می‌گیرند، چنان‌که می‌خوانیم:

۱ - بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۱۱۵۸.

۲ - اصول کافی، ج ۱، ص ۲۳۱.

«يَنْزِلُ الْقَائِمُ يَوْمَ الرَّجْفَةِ بِسَبْعِ قَبَابٍ مِنْ نُورٍ وَلَا يُعْلَمُ فِي أَيِّهَا هُوَ، حَتَّى يَنْزِلَ ظَهَرَ الْكُوفَةِ»<sup>(۱)</sup>  
 «قائم به روز ظهور در هفت خیمه از نور فرود می آید، که معلوم نمی شود در کدام یک می باشد تا در پشت کوفه می نشیند.»

امیر مؤمنان علیه السلام می فرمایند:

«كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى شِيعَتِنَا بِمَسْجِدِ الْكُوفَةِ، وَقَدْ ضَرَبُوا الْفَسَاطِيطَ، يُعَلِّمُونَ الْقُرْآنَ كَمَا أُتْرَلُ. أَمَا إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ كَسَرَهُ وَسَوَّى قِبَلَتَهُ»<sup>(۲)</sup>

«گویی با چشم خود می بینم که شیعیانم در مسجد کوفه خیمه زده، برای مردم قرآن را آن چنان که نازل شده آموزش می دهند، هنگامی که قائم ما ظهور کند، آن را تخریب می کند و قبله اش را درست می نماید.»

آن حضرت در حدیث دیگر می فرماید:

«طَوْبٌ لِمَنْ شَهِدَ هَدْمَ مَسْجِدِ الْكُوفَةِ مَعَ قَائِمِ أَهْلِ بَيْتِي! أَوْلَيْكَ خِيَارُ الْأُمَّةِ مَعَ أَبْرَارِ الْعِتْرَةِ»<sup>(۳)</sup>  
 «خوشا به حال کسانی که به هنگام تخریب مسجد کوفه در کنار قائم اهل بیت ما حضور داشته باشند، آنان بهترین این امت هستند که در کنار بهترین عترت خواهند بود.»

امام محمد باقر علیه السلام در احادیث فوق می فرماید:

«فَإِذَا كَانَتِ الْجُمُعَةُ الْقَائِيَّةُ قَالَ النَّاسُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: الصَّلَاةُ خَلَقَكَ تُضَاهِي الصَّلَاةَ خَلَفَ رَسُولِ اللَّهِ، وَالْمَسْجِدُ لَا يَسْعُنَا. فَيَقُولُ: أَنَا مُرْتَادٌ لَكُمْ. فَيَخْرُجُ إِلَى الْغَرِيِّ وَيُصَلِّي هُنَاكَ وَيَأْمُرُ أَنْ يُخَطَّ مَسْجِدٌ لَهُ أَلْفُ بَابٍ، يَسْعُ النَّاسُ، عَلَى أَصْبَحٍ، وَيَأْمُرُ فَيُخَفَّرُ خَلْفَ الْقَبْرِ الْحُسَيْنِيِّ علیه السلام نَهْرٌ يَجْرِي إِلَى الْغَرِيِّ حَتَّى يَنْبِذَ بِالنَّجْفِ. وَيَعْمَلُ عَلَى فَوْهَتِهِ فَنَاطِرٌ وَأَرْحَاءٌ فِي السَّبِيلِ وَكَأَنِّي بِالْعَجُوزِ عَلَى رَأْسِهَا مِكْتَلٌ فِيهِ بُرٌّ حَتَّى تَطْبَحَنَّهُ بِلَاكِرَاءٍ ثُمَّ تَسْصِلُ بُيُوتَ الْكُوفَةِ بِنَهْرِ كَرْبَلَاءَ»<sup>(۴)</sup>

در هفته دوم (از ورود قائم به کوفه) مردم می گویند: «ای فرزند پیامبر! نماز پشت سر شما با نماز در پشت سر رسول اکرم صلی الله علیه و آله برابری می کند و مسجد جواب گوی این همه مردم نمی باشد.»

۱ - يوم الخلاص، ص ۴۹۴.

۲ - همان، ص ۶۱۶.

۳ - بشارة الاسلام، ص ۲۰۷ و ۳۹.

۴ - همان، ص ۲۰۶.

(حضرت) به سوی نجف اشرف حرکت می کند و نماز را آنجا اقامه می نماید و دستور می دهد مسجد با شکوهی با هزار در بنیاد کنند تا گنجایش آن همه جمعیت را داشته باشد، آنگاه دستور می دهد که از پشت حرم امام حسین علیه السلام نهری حفر کنند که کربلا را به نجف اشرف متصل نماید، سپس پل هایی روی آن و آسیاب هایی در کنار آن تأسیس می کنند، گویی با چشم خود پیرمردانی را می بینم که گندم هایی را روی سرشان حمل کرده، در این آسیاب ها به طور رایگان آرد می کنند، در آن موقع خانه های کوفه به نهر کربلا (فرات) متصل می شود.»

«كَانِي بِالْقَائِمِ عَلَى نَجْفِ الْكُوفَةِ، وَقَدْ سَارَ إِلَيْهَا مِنْ مَكَّةَ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ: جِبْرَائِيلُ عَنْ يَمِينِهِ، وَمِيكَائِيلُ عَنْ يَسَارِهِ، وَشُعَيْبُ بْنُ صَالِحٍ عَلَى مُقَدَّمَتِهِ، وَالْمُؤْمِنُونَ بَيْنَ يَدَيْهِ، وَهُوَ يُفَرِّقُ الْجُنُودَ فِي الْأَمْصَارِ، فَيَفْتَحُ الْقُسْطَنْطِينِيَّةَ وَالصِّينَ وَجِبَالَ الدَّيْلَمِ.»<sup>(۱)</sup>

«گویی قائم را در نجف کوفه می بینم که با پنج هزار فرشته از مکه به سوی نجف شتافته، جبرئیل از سمت راست، میکائیل از سمت چپ، شعیب بن صالح در پیشاپیش و مؤمنان در پیرامون او حرکت می کنند و او سپاهیان را در شهرها پخش می کند، قسطنطنیه (استانبول)، چین و کوه های دیلم را فتح می نمایند.»

«حَتَّى إِذَا صَعَدَ النَّجْفَ قَالَ لِأَصْحَابِهِ: تَعَبَدُوا بَيْنَ لَيْلَتِكُمْ هَذِهِ، فَيَبْتَغُونَ زَاكِعَ وَسَاجِدٍ يَتَضَرَّعُونَ إِلَى اللَّهِ، حَتَّى إِذَا أَصْبَحَ قَالَ: خُذُوا بِنَا طَرِيقَ النَّخِيلَةِ، وَعَلَى الْكُوفَةِ خَنْدَقٌ مُخَنْدَقٌ، حَتَّى يَنْتَهِيَ إِلَى مَسْجِدِ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام بِالنَّخِيلَةِ، فَيُصَلِّي فِيهِ رَكَعَتَيْنِ، فَيَخْرُجُ إِلَيْهِ مَنْ كَانَ بِالْكَوْفَةِ مِنْ مُزَجِّجَةٍ وَغَيْرِهِمْ مِنْ جَيْشِ السُّفْيَانِيِّ، فَيَقُولُ لِأَصْحَابِهِ: اسْتَطَرِدُوا لَهُمْ، ثُمَّ يَقُولُ: كُفُّوا عَلَيْهِمْ، فَلَا يَجُوزُ الْخَنْدَقَ مِنْهُمْ مُخِيرٌ، وَيَدْخُلُ الْكُوفَةَ.»<sup>(۲)</sup>

«چون وارد نجف اشرف شود به یاران خود می فرماید: امشب را با عبادت سپری کنید، آن شب را در حال رکوع، سجود، گریه و مناجات با خدا سپری می کنند، چون صبح شود می فرماید: به سوی نخيله حرکت کنید، آن روز در اطراف کوفه خندق خواهد بود، به سوی نخيله حرکت می کنند و در نخيله به مسجد حضرت ابراهیم عليه السلام می رسند و در آنجا دو رکعت نماز می گذارند، پس هر چه

۱ - اعلام الوری، ص ۴۳۰ بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۳۳۷.

۲ - بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۳۴۳ بشارة الاسلام، ص ۲۲۹.

مرجئه و غیر آن از سپاه سفیانی باشند به سوی آن حضرت هجوم می آورند، امام به اصحاب خود فرمان می دهد عقب نشینی کنید و به دشمن فرصت دهید، سپس فرمان حمله صادر می کند، حتی یک نفر هم از آنان، از خندق نمی گذرد تا گزارش ببرد، آنگاه (آن حضرت) داخل کوفه می شود.»

«ثُمَّ يَسِيرُ الْمَهْدِيُّ إِلَى مَدِينَةِ جَدِّي رَسُولِ اللَّهِ، فَإِذَا وَرَدَهَا كَانَ لَهُ فِيهَا مَقَامٌ عَجِيبٌ، يَظْهَرُ فِيهَا سُورُؤُ الْمُؤْمِنِينَ وَخِزْيُ الْكَافِرِينَ.»<sup>(۱)</sup>

«سپس مهدی به مدینه جد بزرگوارش رسول اکرم وارد می شود و در آنجا برای او مقام شگفتی است، تا آنجا که شادی مؤمنان و خواری کافران ظاهر می شود.»  
امیر مؤمنان علیه السلام در احادیث فوق می فرماید:

«سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَبْقَرَ بِرِجْلَيْهَا فِثْنَةً شَرْقِيَّةً تَطُّ فِي حُطَامِهَا بَعْدَ مَوْتِهَا وَ حَيَاتِهَا، وَ تَشْبُ نَارٌ بِالْحَطَبِ الْجَزَلِ مِنْ غَرْبِ الْأَرْضِ، مَلْعُونٌ نَاعِقُهَا وَ مَوْلَاهَا وَ قَائِدُهَا وَ سَائِقُهَا وَ الْمُتَحَرِّزُ فِيهَا! فَكُمْ عِنْدَهَا مِنْ زَافِعَةٍ ذَيْلُهَا تَدْعُو بِهَا وَيَلُهَا! لَا مَأْوَى لَهَا يُكِنُّهَا وَلَا أَحَدٌ يَرْحَمُهَا.»<sup>(۲)</sup>

«از من بپرسید پیش از آن که فتنه‌ای از مشرق زمین برخیزد که با پای خود زمین را بشکافد و با منقار خود همه جا را سوراخ سوراخ کند، و نشانه‌های آن پس از مرگش از بین نرود، هیزم فراوانی از مغرب زمین گرد آید و شعله‌های آن همه جا را به خاکستر نشانند و فریادگر، صاحب، رهبر، ساریان و یاورانش همه از رحمت خدا دورند، چقدر دامنه‌های پاک مورد تجاوز واقع می شود و چقدر بانگ او بیلا زنند، کسی به آنان پناه ندهد و به ایشان رحم نیاورد.»

«... لَيْسَ فِيهَا مَنَارٌ هُدًى، وَلَا عَلَمٌ يُرَى. نَحْنُ أَهْلُ الْبَيْتِ مِنْهَا بِمَنْجَاةٍ، وَ لَسْنَا فِيهَا بِدُعَاةٍ. ثُمَّ يُفَرِّجُهَا اللَّهُ عَنْكُمْ كَتَفْرِيجِ الْأَدِيمِ بِمَنْ يَسْوِمُهُمْ خَسْفًا وَ يَسْوِقُهُمْ عُنْفًا، وَ يَسْقِيهِمْ بِكَأْسِ مُصْبَرَةٍ لَا يُعْطِيهِمْ إِلَّا السَّيْفَ، وَلَا يُخْلِسُهُمْ إِلَّا الْخَوْفَ، فَعِنْدَ ذَلِكَ تَوَدُّ قُرَيْشٌ، بِالدُّنْيَا وَ مَا فِيهَا، لَوْ يَرَوْنِي مَقَامًا وَاحِدًا وَلَوْ قَدَرَ جَزْرٌ جَزُورٍ لِأَقْبَلُ مِنْهُمْ مَا أَطْلُبُ الْيَوْمَ بَعْضَهُ فَلَا يُعْطُونَنِي.»<sup>(۳)</sup>

«... در آن روز مشعل هدایت و پرچم آشکاری نیست، ما اهل بیت از شر آن روز

۱ - الزام الناصب، ص ۲۱۷.

۲ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۵۷ و ج ۵۲، ص ۲۷۲.

۳ - نهج البلاغه عبده، ج ۱، ص ۱۸۴.

در امان هستیم ولی دعوتی ابراز نمی‌کنیم، آنگاه خداوند این فتنه را فرو می‌نشاند، آن چنان که نمد در زیر پا فروکش می‌کند و شما را فرج و گشایش می‌بخشد به توسط کسی که سپاهیان را برای او خسف می‌کند و تیرهای غضب و جام‌های خشمش را بر آنان فرو می‌ریزد، او (قائم) جز شمشیر نمی‌دهد و جز وحشت و اضطراب بر آنان مستولی نمی‌سازد، آن روز قریش آرزو می‌کند که دنیا و مافیها مال آنان باشد و آن را بدهند و یکبار مرا ببینند که به مقدار نحر یک شتر در میان آنان باشم و از ایشان بپذیرم چیزی را که امروز یک مقدارش را از ایشان می‌خواهم و آنان نمی‌دهند.»

«يَدْخُلُ الْمَدِينَةَ فَيَغِيبُ عَنْهُمْ عِنْدَ ذَلِكَ قُرَيْشٌ وَهُوَ قَوْلُ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَاللَّهِ لَوَدِدْتُ قُرَيْشًا أَنْ لِي عِنْدَهَا مَوْقِفًا جَزَرَ جَزُورًا بِكُلِّ مَا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ أَوْ غَرَبَتْ!»<sup>(۱)</sup>

سپس «وارد مدینه می‌شود و قریش از او پنهان می‌شوند و این است معنی سخن علی عليه السلام که فرمودند: به خدا سوگند قریش آرزو می‌کنند که همه آنچه خورشید بر آن طلوع می‌کند و از آن غروب می‌نماید مال قریش باشد و آن را بدهند تا من به مدت نحر یک شتر در کنار آنان باشم!»

«ثُمَّ يُخْبِرُ حَدَّثًا.. فَإِذَا فَعَلَ قَالَتْ قُرَيْشٌ: أَخْرَجُوا بِنَا إِلَى هَذَا الطَّاعِيَةِ فَوَاللَّهِ لَوْ كَانَ مُحَمَّدِيًّا مَا فَعَلَ! وَلَوْ كَانَ عَلَوِيًّا مَا فَعَلَ! وَلَوْ كَانَ فَاطِمِيًّا مَا فَعَلَ! فَيَمْنَحُهُ اللَّهُ أَكْثَانَهُمْ فَيَقْتُلُ الْمُفَاتِلَةَ وَيَسْبِي الذَّرِيَّةَ!»<sup>(۲)</sup>

«آنگاه (حضرت مهدی) حادثه‌ای پدید می‌آورد که قریش می‌گوید: ما را نزد این افراط‌گر ببرید که اگر از تبار محمد بود چنین نمی‌کرد! و اگر از نسل علی بود چنین نمی‌کرد و اگر از اولاد فاطمه بود چنین نمی‌کرد! خداوند او را برگرداند آنان مسلط می‌سازد، جنگجویهای آنان را می‌کشد و خردسالان آنان را اسیر می‌گیرد.»

«يَقُولُ فِي الْمَدِينَةِ مُخَاطِبًا جَدَّهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا جَدُّاهُ، وَصَفْتَنِي وَذَلَّلْتَ عَلَيَّ، وَنَسَبْتَنِي وَسَمَّيْتَنِي وَكَنَيْتَنِي، فَجَحَدْتَنِي الْأُمَّةُ وَقَالَتْ: مَا وُلْدٌ، وَلَا كَانَ، وَأَيْنَ هُوَ؟ وَمَتَى كَانَ؟ وَأَيْنَ يَكُونُ؟ وَقَدْ مَاتَ وَلَمْ يُعَقَّبْ (أَيُّ أَبَوِهِ) وَلَوْ كَانَ صَحِيحًا مَا أَخْرَهُ اللَّهُ تَعَالَى إِلَى هَذَا الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ، فَصَبْرَتْ

۱ - بشارة الاسلام، ص ۲۲۸.

۲ - الملاحم و الفتن، ص ۵۲.

مُخْتَسِبًا، وَقَدْ أَدِنَ اللَّهُ لِي فِيهَا بِإِذْنِهِ» (۱)

«در مدینه منوره در کنار ضریح مقدس (پیامبر اکرم) خطاب به جدش صلی الله علیه و آله، عرضه می‌دارد: ای جد بزرگووار! مرا با نام و نشان معرفی کردی، اسم و کنیه‌ام را بیان فرمودی، همه را به سوی من رهنمون شدی، ولی امت مرا انکار کرد و گفت: متولد نشده، وجود نداشته، کجاست کی و کجا بوده؟ پدرش در گذشته، فرزندی نداشته! و اگر صحت داشت تاکنون دیر نمی‌کرد! من در برابر همه اینها صبر کردم و شکیبایی نمودم و اینک خداوند به من اذن داده است.»

امام حسن عسکری علیه السلام در مورد فرزند برومندشان حضرت مهدی موعود علیه السلام فرموده‌اند:

«كَأَنِّي بِكُمْ وَ قَدْ اخْتَلَفْتُمْ مِنْ بَعْدِي بِالْخَلْفِ مِنِّي. أَلَا إِنَّ الْمُقَرَّرَ بِالْأَيْمَةِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله الْمُنْكَرَ لَوْلَدِي، كَمَنْ أَقَرَّ بِجَمِيعِ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَ رُسُلِهِ ثُمَّ أَنْكَرَ نُبُوَّةَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله لِأَنَّ طَاعَةَ آخِرِنَا كَطَاعَةِ أَوْلَانَا، وَ الْمُنْكَرِ لِآخِرِنَا كَالْمُنْكَرِ لِأَوْلَانَا» (۲)

«گویا با چشم خود می‌بینم که بعد از من در مورد جانشینم به اختلاف افتاده‌اید، آگاه باشید که هر کس به همه امامان بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اعتراف کند ولی پسر مرا انکار نماید، همانند کسی است که به همه پیامبران اعتراف نموده، ولی رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را انکار کرده است؛ زیرا که اطاعت آخر ما، اطاعت اول ماست، و انکار آخر ما چون انکار اول ماست.»

در روایت آمده است: «مفضل بن عمر از امام جعفر صادق علیه السلام در مورد حضرت مهدی موعود علیه السلام سؤال کرد: که آن حضرت (پس از ظهور) از مکه به کجا می‌رود؟ حضرت فرمودند: مهدی آل محمد به مدینه جدم رسول خدا می‌رود و باعث مسرت مؤمنان و عذاب کفار می‌شود...» (۳)

در همین رابطه مرویست: حضرت مهدی علیه السلام در مدینه منوره بر عده‌ای از ستمگران که بر مظلومان عصر خود ستم روا داشته‌اند حد وارد کرده و از آنان انتقام

۱ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۲.

۲ - همان، ج ۵۱، ص ۱۶۰.

۳ - همان، ج ۱۳.



مظلومان را می ستاند که مورد ظلم واقع شده اند تا آنجا که بسیاری از آن ستمگران به دفعات قصاص می شوند و همچنین اعمال قبیح ایشان در هر دوره ای از زمان به افراد حاضر معرفی می شود تا مردمان به شخصیت واقعی آنان پی برند، آنگاه آن حضرت اعمال آنان را در هر کوره و دوره ای شرح می دهد، داستان کشته شدن هابیل فرزند آدم! برافروختن آتش برای ابراهیم! انداختن یوسف در چاه! زندانی شدن یونس در شکم ماهی! قتل یحیی! دار کشیده شدن عیسی! شکنجه دادن جرجیس و دانیال پیامبر! زدن سلمان فارسی! آتش زدن در خانه امیرالمؤمنین و فاطمه زهرا و حسن و حسین علیهم السلام! تازیانه زدن به بازوی دخت پیامبر فاطمه زهرا! زدن در به پهلوی مبارک حضرت زهرا و سقط شدن محسن بچه او! سم دادن به امام حسن و کشتن امام حسین! کشته شدن اطفال! عموزادگان! یاوران آن حضرت و اسیر کردن فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله و ریختن خون آل محمد و هر خونی که به ناحق ریخته شده! هر زنی که مورد تجاوز قرار گرفته! هر خیانت و اعمال زشت و گناه و ظلم و ستم که از زمان حضرت آدم تا موقع قیام قائم از بنی آدم سر زده همه و همه را به آنان نسبت داده و بر ایشان ثابت می کند و آنان را ملزم می گرداند تا اعتراف کنند و این چنین است سرنوشت ستمکاران عالم که در سایه نفسشان عمل کرده و به فرامین پروردگار عالمیان گوش فرا نداده و باعث گمراهی خود و دیگران شده اند.

مفضل عرض کرد: «... آقا! آیا این عذاب آخر آنان است؟»

حضرت فرمودند: نه! نه! ای مفضل به خدا قسم فردای قیامت هر مؤمن و کافری به صحرای محشر می آیند و آقای بزرگ رسول خدا و صدیق اکبر امیرالمؤمنین و فاطمه و حسن و حسین و ائمه اطهار علیهم السلام نیز حاضر می شوند و همه آنان از ایشان قصاص می کنند، تا جایی که آنان را در هر شبانه روز هزار بار می کشند و باز به امر خداوند به صورت اول بر می گردانند تا بار دیگر عذاب شوند.»<sup>(۱)</sup>

بارالها! ای پروردگار محمد بر او و آلش درود فرست و فرج آل محمد را هر چه زودتر محقق گردان و با وجود آخرین نفر از این خاندان، جهان را از لوٹ وجود جنایتکاران پاک فرما و آنچه بر ایشان وعده فرموده ای تحقق بخش به درستی که تو

خلف وعده نمی‌کنی چنان که در قرآن کریم آمده است:

﴿يُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ﴾<sup>(۱)</sup>

«خداوند ستمگران را بی‌راه می‌گذارد و هر چه بخواهد انجام می‌دهد.»

﴿جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا وَيَبْسُ الْقَرَارُ﴾<sup>(۲)</sup>

«(آنان در آن سرای هلاکت که) جهنم است وارد می‌شوند و چه بدقرار

گاهی است.»

همچنین امیرمؤمنان علیه السلام مسیر جنگ‌های حضرت مهدی موعود علیه السلام را در

احادیث فوق این‌گونه ترسیم فرموده‌اند:

«ثُمَّ يَتَوَجَّهَ الْمَهْدِيُّ إِلَى الْقُدْسِ الشَّرِيفِ بِأَلْفِ مَرْكَبٍ، فَيَنْزِلُونَ الشَّامَ وَفَلَسْطِينَ بَيْنَ صُورٍ

وَعَكَا وَعِزَّةَ وَعَسْقَلَانَ. وَيَنْزِلُ الْمَهْدِيُّ بَيْتَ الْمُقَدِّسِ.»<sup>(۳)</sup>

«آنگاه مهدی با هزار مرکب به سوی قدس شریف حرکت می‌کند و در شام،

فلسطین، صور، عکسا، غزه و عسقلان منزل می‌گزیند، سپس مهدی وارد

بیت المقدس می‌شود.»

«وَيَتَوَجَّهُ إِلَى الْأَفَاقِ، فَلَا يَبْقَى مَدِينَةٌ وَطَنُهَا ذُو الْقَرْنَيْنِ إِلَّا حَلَّهَا وَأَصْلَحَهَا. وَلَا يَبْقَى كَافِرٌ إِلَّا

هَلَكَ عَلَى يَدَيْهِ، وَيَشْفِي اللَّهُ قُلُوبَ أَهْلِ الْإِسْلَامِ.»<sup>(۴)</sup>

«آنگاه متوجه افقار و اکناف جهان می‌شود، هیچ شهری نمی‌ماند از شهرهایی که

ذوالقرنین وارد شده بود، جز این‌که در آن گام نهاده، آن را اصلاح می‌کند و هیچ

کافری بر کفر خود باقی نمی‌ماند مگر این‌که به دست او هلاک می‌شود، خداوند به

دست او دل‌های مسلمانان را تسکین می‌بخشد.»

«أَوَّلُ لُؤَاءٍ يَعْقُدُهُ الْمَهْدِيُّ، يَبْعَثُهُ إِلَى التُّرْكِ فَيَهْزِمُهُمْ، وَيَأْخُذُ مَا مَعَهُمْ مِنَ السَّبْيِ وَالْأَمْوَالِ. ثُمَّ

يَسِيرُ إِلَى الشَّامِ فَيَفْتَحُهَا، ثُمَّ يُغْتَبِقُ كُلَّ مَمْلُوكٍ وَيَعْوِضُ عَلَى أَصْحَابِهِ.»<sup>(۵)</sup>

«نخستین پرچمی را که مهدی ترتیب می‌دهد، به سوی ترک‌ها می‌فرستد و آنان

۱ - سورة ابراهيم (۱۴) آیه ۲۷.

۲ - همان، آیه ۲۹.

۳ - الزام الناصب، ص ۲۲۸.

۴ - همان، ص ۲۲۸.

۵ - بشارة الاسلام، ص ۱۸۵.

را شکست می دهد و تمام اسیران و اندوخته های آنان را بر می دارد و به سوی شام حرکت می کند و آنجا را فتح می نماید، سپس همه بردگان را آزاد می کند و قیمت آنان را به یارانش می پردازد.»

«وَيَسِيرُ إِلَى الْبَصْرَةِ حَتَّى يُشْرِفَ عَلَى بَحْرِهَا، وَمَعَ التَّابُوتِ وَعَصَا مُوسَى. فَيَغْرِمُ عَلَيْهِ فَيَزْفُرُ فِي الْبَصْرَةِ زَفْرَةً فَتَصِيرُ بَحْرًا لُجِّيًّا، لَا يَبْقَى فِيهَا غَيْرَ مَسْجِدِهَا كَجَوْجُ الْسَّفِينَةِ عَلَى ظَهْرِ الْمَاءِ»<sup>(۱)</sup>

سپس «به سوی بصره حرکت می کند تا به دریای آن (خلیج فارس) مشرف می شود و به سوی آن عزیمت می کند و در بصره انفجاری رخ می دهد که تبدیل به یک دریای ژرف می شود که چیزی از آن نمی ماند مگر مسجد، آن که همانند دکل کشتی بر روی آب دیده می شود.»

امام صادق علیه السلام در مورد درگیری آن حضرت با قوم یهود می فرماید:

«وَمِنَ الْغَدِ عِنْدَ الظُّهْرِ تَتَلَوْنُ الشَّمْسُ وَتَضْفُرُ فَتَصِيرُ مُظْلِمَةً. وَيَوْمَ الثَّالِثِ يَفْرُقُ اللَّهُ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ، وَتَخْرُجُ دَابَّةُ الْأَرْضِ، وَتَنْزِلُ الرُّومُ إِلَى سَاحِلِ الْبَحْرِ عِنْدَ كَهْفِ الْفِثِيَّةِ فَيَبْعَثُ اللَّهُ الْفِثِيَّةَ مِنْ كَهْفِهِمْ مَعَ كَلْبِهِمْ. مِنْهُمْ رَجُلٌ يُقَالُ لَهُ: مِلْحَا، وَآخَرُ: حَمَلَا، وَهَمَا الشَّاهِدَانِ الْمُسْلِمَانِ لِلْقَائِمِ. قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا، وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ﴾ وَهَؤُلَاءِ هُمُ الْأَشْهَادُ: أَيِ الشُّهُودِ الَّذِينَ يُسَلِّمُونَ عَلَى الْقَائِمِ بِاسْمِهِ»<sup>(۲)</sup>

«به هنگام ظهر، روز بعد خورشید رنگین و زرد و تیره می شود و در روز سوم خداوند حق و باطل را از یکدیگر جدا می سازد، آنگاه «دابة الارض» خارج می شود و رومیان در کرانه دریا در نزدیکی غار اصحاب کهف فرود می آیند و خداوند اصحاب کهف را همراه با سگشان بر می انگیزد، یکی از آنان (میلخا) نام دارد و یکی دیگر (حملاها) این دو نفر، دو شاهدی هستند که بر حضرت مهدی شهادت می دهند و سلام می گویند، چنان که خدای تبارک و تعالی می فرماید: (ما پیامبران خود را نصرت می دهیم و کسانی که در دنیا ایمان آورده اند و در روزی که گواهان برخیزند)<sup>(۳)</sup> اینها همان

۱ - نهج البلاغه.

۲ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۵.

۳ - سوره مؤمن (۴۰) آیه ۵۱.

گواهان هستند که به حضرت قائم به اسم سلام می دهند.»

«يَبْعَثُ الْمَهْدِيَّ بَعَثًا لِقِتَالِ الرُّومِ وَيُرْسِلُ مَعَهُ عَشْرَةَ تَسْتَخْرِجُ تَابُوتَ السَّكِينَةِ (۱) مِنْ غَارِ أَنْطَاكِيَّةٍ فِيهِ التَّوْرَةُ الَّتِي أَنْزَلَتْ عَلَى مُوسَى وَالْإِنْجِيلُ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَى عِيسَى، يَحْكُمُ بَيْنَ أَهْلِ (۲) التَّوْرَةِ بِتَوْرَاتِهِمْ، وَبَيْنَ أَهْلِ الْإِنْجِيلِ بِإِنْجِيلِهِمْ فَيُسَلِّمُونَ.» (۳)

«مهدی سپاهی را برای نبرد با رومیان گسیل می دارد و ده نفر از فرماندهان خود را با آنان می فرستد که تابوت سکینه را از غار انطاکیه (در جنوب شرقی ترکیه) بیرون آورند، توراتی که بر موسی فرود آمده و انجیلی که بر عیسی نازل شده در همان غار است، در میان یهود با تورات خودشان داوری می کند و در میان مسیحیان با انجیل آنان حکم می کند پس اسلام می آورند.»

«يَكُونُ أَهْلُ هَمْدَانَ وَرِزَاءَةَ، وَخَوْلَانَ جُنُودَهُ، وَحَمِيرَ أَعْوَانَهُ، وَمِصْرَ قُوَادَهُ. وَيُكَثِّرُ اللَّهُ جَمْعَهُ وَيَشُدُّ ظَهْرَهُ، فَيَسِيرُ بِالْجَيْوشِ حَتَّى يَصِيرَ إِلَى الْعِرَاقِ وَالنَّاسِ خَلْفَهُ وَأَمَامَهُ.» (۴)

«وزیران او از اهل همدان، سپاه او از خولان (شمال یمن) و معاونان او از حمیر (۵) و فرماندهان او از مصر می باشند، خداوند افراد او را بسیار فراوان و پشت او را بسیار محکم می گرداند، پس با لشکریان خود به سوی عراق حرکت می کند و مردم از هر طرف شمع وجودش را در میان می گیرند.»

خضر پیامبر علیه السلام نیز یکی از همراهان حضرت می باشد و در روایتی آمده است:  
«يَمْشِي الْخَضِرُ بَيْنَ يَدَيْهِ، وَيَقْفُو أَثَرَ رَسُولِ اللَّهِ... لَهُ مَلَكٌ يُسَدُّهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَرَاهُ... يَنْفَتَحُ الْمَدِينَةَ الرُّومِيَّةَ بِالتَّكْبِيرِ مَعَ سَبْعِينَ أَلْفًا مِنَ الْمُسْلِمِينَ يَشْهَدُونَ الْمَلْحَمَةَ الْعُظْمَى، مَأْدَبَةَ اللَّهِ بِمَرْجِ عَكَا، يُبِيدُ الظُّلْمَ وَأَهْلَهُ، يُقِيمُ الدِّينَ.» (۶)

۱ - در مورد تابوت سکینه و دیگر موارد، احادیث متعددی وجود دارد. از جمله مرویست: تابوت سکینه در دریاچه طبریه، در بیت المقدس و یا در غار انطاکیه است در هر صورت، در زمان موعود به دستور حضرت مهدی علیه السلام، فرشته، جن و انس موظف می شوند تا آن وسایل را از مکان مورد نظر بیرون آورده و در خدمت آن حضرت فرار دهند.

۲ - حکم آن حضرت بر مردم یهود و نصاری با تورات و انجیلی که تحریف نشده جاری می شود.

۳ - منتخب الاثر، ص ۳۰۹.

۴ - الزام الناصب، ص ۲۰۱.

۵ - حمیر نام قبیله ای از عرب قحطانیه است.

۶ - بشارة الاسلام، ص ۲۹۷.

«خضر در پیشاپیش او حرکت می‌کند و از مرام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پیروی می‌نماید، برای او فرشته‌ای است، از جایی که خود نمی‌بیند یاریش می‌کند، شهر روم را تکبیر گویان فتح می‌کنند، هفتاد هزار نفر از مسلمانان این پیروزی حماسه انگیز را مشاهده خواهند کرد، الطاف بیکران خدا در صحرای عکا است که ستم و ستمگران را ریشه کن کرده و دین را استوار می‌نماید.»

امام صادق علیه السلام در مورد خسف بیداء می‌فرماید:

«إِذَا بَعَثَ السُّفْيَانِيُّ جَيْشَهُ مِنْ اثْنَيْ عَشَرَ أَلْفَ رَجُلٍ يَطْلُبُ الْمَهْدِيَّ مِنَ الْمَدِينَةِ إِلَى مَكَّةَ. تَنْخَسِفُ بِهِ الْبَيْدَاءُ.»<sup>(۱)</sup>

«هنگامی که سفیانی دوازده هزار نفر از سپاهش را از مدینه به دنبال حضرت مهدی رهسپار مکه می‌کند، در سرزمین بیداء به زمین فرو کشیده می‌شوند.»  
امیر مؤمنان علیه السلام نیز در این مورد می‌فرماید:

«... ثُمَّ يُقْبَلُ عَلَى الْقَائِمِ رَجُلٌ وَجْهُهُ إِلَى قَفَاءٍ، وَيَقِفُ بَيْنَ يَدَيْهِ، وَيَقُولُ: يَا سَيِّدِي: أَنَا بَشِيرٌ، أَمَرَنِي مَلَكٌ مِنَ الْمَلَائِكَةِ أَنْ أَلْحَقَ بِكَ فَأُبَشِّرَكَ بِهَلَاكِ جَيْشِ السُّفْيَانِيِّ بِالْبَيْدَاءِ. فَيَقُولُ الْقَائِمُ: بَيْنَ قِصَّتِكَ وَقِصَّةِ أَخِيكَ، فَيَقُولُ الرَّجُلُ:

كُنْتُ وَأَخِي فِي جَيْشِ السُّفْيَانِيِّ وَخَرَبْنَا الدُّنْيَا مِنْ دِمَشْقَ إِلَى الرُّوزَاءِ وَتَرَكْنَاهَا جَمَاءً، وَخَرَبْنَا الْكُوفَةَ، وَخَرَبْنَا الْمَدِينَةَ وَكَسَرْنَا الْمُنْبَرَ فِي حَضْرَةِ الرَّسُولِ، وَرَأَيْتُ بِغَالِنَا فِي مَسْجِدِهِ. وَخَرَجْنَا مِنْهَا وَعَدَدُنَا ثَلَاثُونَ أَلْفَ رَجُلٍ، تُرِيدُ خَرَابَ الْبَيْتِ وَقَتْلَ أَهْلِ مَكَّةَ. فَلَمَّا صِرْنَا فِي الْبَيْدَاءِ عَرَّسْنَا فِيهَا، فَصَاحَ بِنَا صَائِحٌ: يَا بَيْدَاءُ، أَيْدِي الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ! فَانْفَجَرَتِ الْأَرْضُ وَابْتَلَعَتْ كُلَّ الْجَيْشِ، وَوَاللَّهِ مَا بَقِيَ عَلَيَّ وَجْهَ الْأَرْضِ عِقَالُ نَاقَةٍ فَمَا سِوَاهُ غَيْرِي وَغَيْرِ أَخِي. فَإِذَا نَحْنُ بِمَلِكٍ قَدْ ضَرَبَ وَجْهَيْنَا فَصَارَا إِلَى الْوَرَاءِ كَمَا تَرَى. فَقَالَ لِأَخِي: وَيْلَكَ يَا نَذِيرُ، إِنْ مَضَى إِلَى السُّفْيَانِيِّ بِدِمَشْقٍ فَأَنْذِرْهُ بِظُهُورِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ، وَعَرِّفْهُ أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ جَيْشَهُ بِالْبَيْدَاءِ، وَقَالَ لِي: يَا بَشِيرُ، إِنْ لَحِقَ بِالْمَهْدِيِّ بِمَكَّةَ، وَبَشَّرَهُ بِهَلَاكِ الظَّالِمِينَ، وَتُبَّ عَلَى يَدَيْهِ فَإِنَّهُ يُقْبَلُ تُؤْتِيكَ. فَيَمُرُّ الْقَائِمُ يَدَهُ عَلَيَّ وَجْهَهُ فَيُرَدُّهُ سَالِمًا سَوِيًّا كَمَا كَانَ، وَيُبَايِعُهُ وَيَكُونُ مَعَهُ.»<sup>(۲)</sup>

«... مردی که صورتش به طرف پشت سرش قرار دارد، به سوی قائم می‌شتابد و

۱ - الملاحم و الفتن، ص ۵۳.

۲ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۰.

می‌گوید: من بشیر هستم و فرشته‌ای به من دستور داد که به نزد شما آمده و هلاک شدن سپاه سفیانی را در سرزمین بیداء بشارت دهم، قائم می‌فرماید: داستان خود و برادرت را بازگویی، او می‌گوید: من و برادرم در سپاه سفیانی بودیم که شهرها را از دمشق تا زوراء (بغداد) خراب کردیم و به تل خاکی مبدل ساختیم، کوفه را خراب کردیم، مدینه را خراب کردیم و منبر آن را در مسجد النبی شکسته و استرهای خود را در مسجد النبی بستیم، از مدینه با سپاهی بالغ بر سی هزار نفر به قصد تخریب کعبه و کشتار مردم مکه بیرون آمدیم، چون به سرزمین بیداء رسیدیم مقداری در آنجا اتراق نمودیم، پس ناگهان بانگی برآمد که ای سرزمین بیداء قوم ستمگر را نابودشان سازا پس زمین شکافته شد و همه سپاه را در کام خود فرو برد، به خدا سوگند که به جز من و برادرم چیزی بر روی زمین باقی نماند، حتی افسار شتری هم نماند، پس ناگهان فرشته‌ای ظاهر شد و به صورت ما زد و صورت ما به عقب برگشت چنان‌که می‌بینید، آنگاه به برادرم گفت: ای نذیرا وای بر تو، برو به دمشق و سفیانی را با ظهور مهدی آل رسول بترسان و به او اطلاع بده که سپاهش در سرزمین بیداء در دل زمین فرو رفته است و به من گفت: ای بشیر! خودت را به مکه برسان و مهدی را با هلاکت قوم ستمگر بشارت بده و با دست او توبه کن که او توبه‌ات را می‌پذیرد، آنگاه حضرت قائم دست مبارکش را به صورت او می‌کشد و او به حال اولی بر می‌گردد و با آن حضرت بیعت می‌کند و به سپاه حق می‌پیوندد.»

امام صادق علیه السلام در مورد سفیانی و این جنگ سرنوشت ساز این چنین می‌فرماید:

«فَيَخْرُجُ بِخَيْلِهِ وَقَوْمِهِ وَرِجَالِهِ وَجَيْشِهِ، وَمَعَهُ مِئَةُ أَلْفٍ وَسَبْعُونَ أَلْفًا، فَيَنْزِلُ بُحَيْرَةَ طَبْرِيَّةَ وَيَسِيرُ إِلَيْهِ الْمَهْدِيُّ فِي اللَّيْلِ وَيَكْمُنُ فِي النَّهَارِ وَالنَّاسُ يَتَّبِعُونَهُ حَتَّى يُوَاقِعَ السُّفْيَانِيَّ عَلَى بُحَيْرَةَ طَبْرِيَّةَ، فَيَغْضِبُ اللَّهُ عَلَى السُّفْيَانِيَّ، وَيَغْضِبُ خَلْقَ اللَّهِ لِعْضَبِ اللَّهِ تَعَالَى فَتَرْتَشُّهُمْ الطَّيْرُ بِأَجْنِحَتَيْهَا، وَالْجِبَالُ بِصَخُورِهَا، وَالْمَلَائِكَةُ بِأَصْوَاتِهَا، وَلَا تَكُونُ سَاعَةٌ حَتَّى يُهْلِكَ اللَّهُ أَصْحَابَ السُّفْيَانِيَّ كُلَّهُمْ، وَلَا يَبْقَى عَلَى الْأَرْضِ غَيْرُهُ وَخَدَّهُ، فَيَأْخُذُهُ الْمَهْدِيُّ فَيَذْبَحُهُ تَحْتَ الشَّجَرَةِ الَّتِي أَغْصَانُهَا مَدْلَاءٌ عَلَى بُحَيْرَةَ طَبْرِيَّةَ، وَيَمْلِكُ مَدِينَةَ دِمَشْقِ.»<sup>(۱)</sup>

سفیانی «با سپاه و قوم و اسب سوارانش که تعداد آنان بالغ بر صد و هفتاد هزار نفر

است به نزدیکی دریاچه طبریه (فلسطین) می رود و آنجا فرود می آید، مهدی نیز به سوی او حرکت می کند، شب ها راه می رود و روزها مخفی می شود تا در کنار دریاچه طبریه با سپاه سفیانی روبرو می شود، آنگاه خشم خدا بر سپاه سفیانی فرود می آید و به سبب آن خشم، مخلوقات خدا نیز بر آنان برانگیخته می شوند پرنندگان آنان را با بال های خود می زنند، کوه ها، سنگ های خود را بر سر آنان فرو می فرستند، فرشتگان با صدای خود بر آنان نهیب می زنند، یک ساعت نمی گذرد مگر این که خداوند همه سپاه سفیانی را هلاک می سازد، از سپاه او کسی نمی ماند مگر شخص او که تنها می شود، پس مهدی او را گرفته و در زیر درخت پر باری که شاخه هایش به سوی دریاچه طبریه فرو ریخته، سر می برد و شهر دمشق را به تصرف خود در می آورد.

بدین ترتیب سفیانی آخرین جرثومه فساد و تباهی از خاندان بنی امیه به همراه سپاه خون خوار خویش راهی جهنم می شود تا خبر هلاکت خود و همراهانش را به اجداد کافر و معاندش برساند، کاش می شد او را در واپسین لحظات عمر پلیدش نظاره کرد که پی در پی می گوید: خدایا انتقام از خونم! خدایا انتقام از خونم! حال کدام خون معلوم نیست اگرچه این خاندان خون آشام ظلم و فساد را به معنای واقعی در لحظه لحظه های زمان به یادگار گذاشته و صفحات تاریخ را با وجود نحس خود کدر و آلوده کرده اند. آنان با اعمال شوم خود قلب بندگان خدا را شکستند و بذر غم و اندوه ابدی را در زمین دل انسان های پاک افشاندند و به راستی لعن و نفرین همیشگی بر آنان باد به سبب ظلم و ستمی که نسبت به اولیاء الله علیهم السلام روا داشتند. خداوند در همین باره در قرآن مجید به این جنایتکاران اشاره کرده و عاقبت به شری آنان را، برای شادی قلب پاک پیامبر عظیم الشان اسلام و خاندان بزرگوار ایشان علیهم السلام بیان فرموده و از جمله در سوره شریفه اسراء می خوانیم:

﴿وَإِذْ قُلْنَا لَكَ إِنَّ رَبَّكَ أَحَاطَ بِالنَّاسِ وَمَا جَعَلْنَا الرُّءْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً

لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ وَنُحَوِّثُهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا﴾ (۱)

[یاد کن] «هنگامی را که به تو گفتیم: به راستی پروردگارت بر مردم احاطه دارد و آن رؤیایی را که به تو نمایاندیم، و (نیز) آن درخت لعنت شده در قرآن را جز برای آزمایش مردم قرار ندادیم و ما آنان را بیم می دهیم، ولی

جز بر طغیان بیشتر آنان نمی‌افزاید.»

شیخ مفید رحمته الله در ارشاد از مسعدة بن صدقه روایت کرده که گفت: (۱) در این باره از امام جعفر صادق علیه السلام شنیدم که فرمود:

«حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در کوفه برای مردم خطبه خواند و پس از حمد و ثنای الهی فرمود: من سرور پیران می‌باشم و سنتی از ایوب در من است. (۲) به زودی خداوند کسان مرا با گذشت زمان و تغییر اوضاع روزگار مانند اولاد یعقوب گرد آورد و چون روزگار طولانی گردد، خواهید گفت: او گم شده یا مرده است آگاه باشید (۳) و پیش از آن موقع صبر پیشه سازید و عذر تقصیر به پیشگاه خدا آورید شما پاکی و پاکیزگی خود را بدینوسیله از کف دادید و چراغ ایمان خود را خاموش نمودید و از کسی پیروی کردید که مالک نفس خود و شما نیست و چشم و گوش بسته بر شما حکومت می‌کند (مقصود معاویه بن ابی سفیان است) به خدا قسم، هم آنان نقص دارند و هم شما کار خلاف نمودید، اگر در انجام وظایف دینی خود ضعف نشان ندهید و در نصرت دین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یکدیگر را زیون ننمائید و در محو باطل سستی نکنید، آنان که در شجاعت به پای شما نمی‌رسند، شجاعت و نیروی خود را به رخ شما نمی‌کشند و بر شما مسلط نمی‌گردند و وظیفه دینی خود را زیر پا نمی‌گذارند و مردم را از اطاعت خداوند باز نمی‌دارند و دیگر مانند بنی اسرائیل، زمان حضرت موسی حیران و سرگردان نخواهید شد.

به راستی می‌گویم: چون اولاد مرا مقهور کنید مانند بنی اسرائیل حیران و سرگردان می‌شوید و چون از سلطه شجره ملعونه که در قرآن ذکر شده (۴) پی در پی سیراب گردید، آنگاه از کسی پیروی خواهید کرد که مردم را به گمراهی سوق می‌دهد و دعوت باطل را می‌پذیرد (۵) و پیمانی که با دعوت کننده بسته بودید،

۱ - بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۳۳۴.

۲ - منظور از سنت ایوب، بهبودی بعد از گرفتاری بوده است.

۳ - منظور این است که مردم از بس در انتظار امام زمان صبر می‌کنند، آنان که ایمانی ضعیف دارند از گذشت زمان و نیامدن حضرت مایوس می‌شوند و می‌گویند: پس چرا نمی‌آید؟ گم شده و یا مرده است.

۴ - اشاره به آیه ﴿وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ﴾ به بنی امیه تفسیر شده است. (اسراء، آیه ۶۰)

۵ - مقصود سر سلسله بنی عباس و خلفای این دودمان است که پس از بنی امیه، مردم به آنان گرویدند و



می شکنید و رشته ارتباط خود را با اهل جهاد قطع می کنید و به کسانی می پیوندید که اهل جنگ و جهاد در راه خدا نیستند و چون وعده ها و بخششی که برای جلب شما در دست دارند آب شود، وقت امتحان و پاک شدن هر کس نزدیک می شود و انتظار به پایان می رسد و وعده ها تحقق می پذیرد! و برای شما ستاره ای از جانب شرق<sup>(۱)</sup> آشکار شود، سپس ماه شما ظاهر می گردد و مانند شب چهاردهم برای شما می درخشد، چون این علائم آشکار شود، توبه کنید و گناه را از خود دور سازید و بدانید که اگر از آن ستاره که از مشرق طلوع می کند پیروی کنید، او شما را به طریقه (شریعت) پیامبر اسلام ﷺ رهبری نماید و از کژی و گرسنگی شفا خواهید یافت و بار سنگین تحمل را از گردن ها فرود می آورید، خداوند در آن روز هیچ کس را بی نصیب نمی کند، جز آن کس که از رحمت او سرباز زند و خویشتن دار نباشد.»<sup>(۲)</sup>

در مورد این حدیث شریفه نقل شده است: می رسد روزی که مردمان از کژی و گرسنگی رهایی یابند، در مورد کژی شاید منظور همان عدم انجام واجبات، رجوع به محرّمات و گناهانی همچون ناباوری، بی تفاوتی، بی توجهی به مقدسات، عدم معرفت نسبت به دیگر مسئولیتها و... باشد که از بشر متمرّد صادر می شود.

منظور از گرسنگی شاید همان قحطی باشد که خود قحطی یکی از علائم نزدیک به ظهور آقا امام زمان علیه السلام است البته آن قحطی که برای اکثریت قابل لمس باشد و معضلاتی را به بار آورد، در این باره بسیار حدیث و روایت آمده است که هرگاه خداوند غضب بر امتی کند و عذاب بر ایشان نازل نکند به جای آن گرسنگی حاکم شود و سدهایشان کم آب گردد و به سالهای خشک و قحط مبتلا شوند و اگر بندگان خدا معتقدند که تنبیه الهی را می توان با توبه از گناهان گذشته و انجام اعمال صالحه به حداقل رساند پس امروز وقت آن رسیده است که توبه از گناهان گذشته شود و اگر دعا و استغاثه می تواند کلیدی برای گشودن درهای بسته باشد پس وقت آن رسیده است که با دعا و استغاثه به فریاد خود و هم نوعانمان برسیم و به توصیه

مجدداً ارتباط خود را با ائمه طاهرين علیهم السلام قطع کردند که خلفای واقعی پروردگار بودند.

۱ - «وَبَدَّالْكُمُ النَّجْمُ ذُوذَكَبٍ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ» «برای شما ستاره دنیاله دار از جانب مشرق ظاهر و طالع می شود.»

۲ - بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۳۳۴ - ۳۳۶.

بزرگ بانوی دو جهان حضرت زهرا علیها السلام گوش جان سپرده و پیام ایشان را حلقه گوشمان کنیم به امید رهایی از هر بندی که باعث شده تا ما به هدفمان دست نیافته و همچنان در کوچه پس کوچه‌های بن بست زندگی سرگردان باشیم و این است آن پیام گهربار که عزیز و محبوبه خداوند فرموده‌اند:

«به دوستان بگوئید: هر وقت خواستید دعائی در حق فرزندم مهدی کنید، ابتدا دعای کمیل را بخوانید تا خود را کاملاً تخلیه از ظواهر دنیا و حب دنیا کرده و سپس با عشق و اخلاص دعای فَرَج و امن یجیب را بخوانید که این ادعیه مخصوص فرزندم مهدی است، تسبیحات اربعه، استغفرالله و اتوب الی الله و تسبیح مرا بسیار بخوانید، توبه خود را حفظ کنید یا حجت ابن الحسن عجل علی ظهورک را بسیار خوانده و هر روز ذکر یا ابا صالح المهدی ادرکنی بر لب جاری کرده تا این جمله ملکه زبانتان گردد آخر اگر بدانید چه خوشبختی در انتظارتان است از فرط خوشحالی جان می‌سپارید در همان وقتی که فرزندم مهدی بر شما حکومت کند، در واقع مهدی من مضطر است؛ مهدی من ناراحت است و من نمی‌توانم ناراحتی فرزندم را ببینم من از شماها می‌خواهم بسیار دعا کنید و صلوات بفرستید و از خداوند فرزندم مهدی را طلب کنید و دست به دامان پدرم رسول الله و همسرم علی بشوید تا اتفاقاتی که در انتظار شماهاست روی ندهد شماها باید به قضا و قدر<sup>(۱)</sup> اعتقاد داشته باشید و اگر واقعاً مهدی مرا دوست داشته باشید او هم شما را

۱ - دو واژه قضا و قدر به معنای سرنوشت است از جمله: قضا به معنای حکم کردن، حکم الهی که در مورد مخلوق واقع شود. قدر: به معنای اندازه، سرنوشت، آنچه که خداوند برای بندگان خود مقدر نماید. اعتقاد به قضا و قدر الهی علاوه بر این که درجه ارزشمندی از معرفت خدا و موجب تکامل انسان در بُعد عقلی بشمار می‌رود آثار عملی فراوانی هم دارد و اصولاً کسی که پیدایش حوادث را تابع اراده خدای متعال و مستند به تقدیر و قضای الهی می‌داند از پیش آمدهای ناگوار نمی‌هراسد و در برابر آنها خود را نمی‌بازد و به جزع و فزع نمی‌افتد بلکه توجه به این که، این حوادث جزئی از نظام حکیمانه جهان است و طبق مصالح و حکمت‌های رخ داده و می‌دهد به همین دلیل با آغوش باز از آنها استقبال می‌کند و ملکات فاضله‌ای از قبیل صبر، توکل، رضا و تسلیم را به دست می‌آورد. (آموزش عقائد، ج ۱ و ۲، ص ۱۸۶)

و اما صدقه و احسان می‌تواند یکی از مجراهای معنوی در تغییر و تبدیل (سرنوشت) باشد «و دعا نیز قضا را بر می‌گرداند هر چند آن قضا محکم شده باشد» (سفینه البحار، ماده دعا)، باشد در هر شرایطی به خداوند توکل کنیم و در مابقی عمر باقیمانده با هدفی خدا پسندانه مسیر حیات را پشت سر گذاریم و به تحقیق آن کس که در راه حق به خداوند اعتماد کند خداوند او را بس است.

دوست خواهد داشت آخر می رسد روزی که دوستان و یاران فرزندانم شعار بیا مهدی، بیا مهدی را سر دهند همانطور که دوستان و یاران پدرم در مکه براثت از مشرکین کردند.»

باشد همه مؤمنان برای خوشنودی پروردگار عالمیان و شادی بانوی دو سرا! آن تنها حبیبه داور تجدید براثت از مشرکین کنند و برای ظهور فرزند آن یگانه کوثر هستی و آن دخت نبی و آن زوجه حیدر دعا و استغاثه به درگاه باری تعالی داشته و خداوند را به شفیعۀ محشر و آن مهر فروزان خاندان رسول گرامی قسم دهند و از خداوند طلب یاری نمایند.

آری، باید طلب یاری نمائیم و رو به آستان الهی کرده و دست نیاز به درگاه پروردگار مهربان بلند کنیم؛ زیرا وقت آن رسیده است که همگان بگوئیم: بارها! تو بدان که ما بندگان گنهکارت از امور خود خائف هستیم و از خالق خویش شرمندۀ ایم و تنها به امید بخشش و عفو تو خدای مهربان نفس می کشیم و آرزویمان این است که همگان از نجات یافتگان باشیم، باشد دعای ما را به اجابت رسانی و ما را به آبروی عزیزانی که نام می بریم از بند هر نوع اسارت رهایی بخشی و به حرمت فاطمه! آن گل پرپر شده<sup>(۱)</sup> علی مرتضی! آن علی که تنها مولود کعبه بود همه ما را ببخشی و به ما بندگان روسیاهت فرصت دهی تا در این آخرین مهلت داده شده به خود آئیم و خودمان را برای سوار شدن به کشتی نجات آماده کنیم چون ما بسیار هراس داریم صاحب خانه بیاید ولی ما لیاقت ماندن در خانه اش را نداشته باشیم و اگر او بیاید و بگوید: ای امت بی وفا بروید در خانه من جایی برای شما نیست؛ زیرا شما امتی بودید که سرگرم دنیا شده و از من غفلت ورزیدید و اگر به راستی چنین باشد تکلیف ما چه خواهد بود؟ اگر چه می دانیم که او چقدر مهربان است او که برای تک تک بندگان خدا خون دل می خورد و اشک خونینش هر روز و هر ساعت برای نجات همگان بر چهره مبارکشان جاری است همان آقایی که دلخوش دارند به دوستان و می فرمایند:

۱ - باشد، بر حاشیه برگ شقایق بنویسیم که گل طاقت ماندن بین در و دیوار ندارد!!

«من به فکر همه آنانی هستم که به فکر من هستند.»

و چه زیباست دست خط مبارک آقایمان در عالم رؤیا در دفتر مشق پسر بچه‌ای با این عناوین نقش بندد و ما آن را به عنوان بشارت یاد می‌کنیم. آری، آن متن زیبا این است:

«پسرم! مهدی آل محمد می‌آید به مردم بگو: من در تک‌تک قلب شماها هستم به آنان بگو: فقط قلب‌های خود را جستجو کنند، بگو: من می‌آیم و مردم باید خود را آماده کنند و به مردم بگو: به گروه ما ملحق شوید تا از نجات یافتگان باشید.»

آقا امام زمان و ای مولای کون و مکان! اگر به واقع یاران شما یک گروهند پس ما را به حرمت مادران فاطمه در گروه خود پذیرا باشید، اگر یارانتان یک لشکرند، ما را نیز در میان آن لشکر پذیرید و اگر دوستان و منتظرانتان به اندازه یک دنیا هستند ما را هم در آن دنیای زیبا راه دهید؛ زیرا ما منتظران به امید آن روز زنده هستیم که در کنار مولا و سرور خود حیات را پشت سرگذاریم و گرنه مرگ بر ما مبارک است و اگر قرار است ظهور شما را ببینیم و اگر قرار است انقلاب غیور مردان و زنان کشور عزیزمان به انقلاب جهانی شما پیوند نخورد و منتظران چشم‌به‌راه به دیدار امام و سرورشان افتخار نیابند پس از آن امام همام می‌خواهیم تا از آفریدگار جهان مرگ آن عده از بندگان خدا را که مشتاق مرگند طلب کنید، همانان که در انتظارند و انتظارشان به وصال نمی‌انجامد برای همانان که دنیا بدون آقا و مقتدایشان معنا و مفهومی ندارد و شما عزیزترین عزیزان بدانید که همه منتظران و یارانتان از روزی که با شما محبوب دل‌ها آشنا شده‌اند فقط با یک هدف ادامه حیات می‌دهند از جمله: آرزوی ایشان رسیدن به آن روز پاینده است، روزی که اسلام محمدی بر کرسی بنشیند و عدالتی نوین و صلحی پایدار بر پهنه گیتی حاکم شود تا در سایه وجود مقدس یگانه منجی عالم بشریت! همه مظلومان عالم نجات یافته و هیچ نوع غم، اندوه، بیماری، فقر، ترس و... بندگان خدا را تهدید نکند.

حال بارالها! تو را به بزرگواریت، به مهربانیت، به نیکوترین اسماء و بزرگترین آن اسماء یاد می‌کنیم و می‌خواهیم دعاهايمان را به اجابت رسانی و این عرض نیاز بندگان تو خدای مهربان است که می‌گویند:

پروردگارا! به درگاه حضرتت روی آوردیم و به ذات اقدسست تقرب می جوئیم.  
 آری، به ذات اقدسست و به کسانی که حق ایشان را، تو خود بر خویش فرض و  
 لازم قرار دادی یعنی: بحق محمد! فاطمه! حسن! حسین! علی بن الحسین! محمد  
 بن علی! جعفر بن محمد! موسی بن جعفر! علی بن موسی! محمد بن علی! علی بن  
 محمد! حسن بن علی و حجت بن الحسن العسکری صلوات الله عليهم اجمعین که  
 ما را حاجت روا و از این اموری که ترسانیم به کرمت کفایت فرمائی.

الهی! به کرمت کفایت فرما و ما را به حرمت این عزیزان از فتنه های آخرالزمان و  
 حوادث یاد شده امان بخش و اگر حوادث بر ما منتظران حضرت مهدی مسلط شد  
 رجعت را بر ما ارزانی دار و این وعده مبارک از جانب مولا و سرورمان ما را بس که  
 اگر حادثه ای بر جهان حاکم گشت، منتظران، محبان و مؤمنان واقعی حتماً رجعت  
 خواهند کرد و در عصر حکومت کریمه در کنار تنها شهسوار هستی به حیات مجدد  
 خواهند پرداخت و به تحقیق این پیام دل نشین ما را بر آن وا می دارد که امید به فردا  
 داشته باشیم، فردایی که بسیار مبارک است و به ما نیرو می بخشد چون همگان باور  
 داریم در فردایی نه چندان دور عدل علی! عدل علی بر جهان حاکم خواهد گشت و  
 مهدی! فرزند علی مجری آن قسط و عدالت خواهد شد و اوست که جهان را از  
 لوٹ آلودگیها و جنایات نجات خواهد داد. ان شاء الله

همچنین در روایات نقل شده است:

«ثُمَّ يَأْتُرُ الْمَهْدِيَّ بِإِنشَاءِ مَرَائِبَ، يُبْنِي أَرْبَعِينَ سَفِينَةً فِي سَاحِلِ عَكَا وَيُوَافِي الْمَهْدِيَّ  
 طَرطُوسَ فَيَفْتَحُهَا، وَيَتَقَدَّمُ إِلَى أَنْطَاكِيَّةَ فَيَفْتَحُهَا وَيُهَاجِمُ الْقُسْطَنْطِينِيَّةَ فَيَفْتَحُهَا، وَيَتَوَجَّهُ إِلَى بِلَادِ  
 الرُّومِ فَيَفْتَحُ رُومِيَّةَ مَعَ أَصْحَابِهِ»<sup>(۱)</sup>

«مهدی فرمان می دهد مرکب هایی ایجاد کنند (فرمان ساختن وسایل نقلیه  
 جدیدی صادر می کند) و در کرانه عکاء چهارصد کشتی می سازد، در مسیر خود به  
 طرطوس (از شهرهای بندری سوریه) می رسد و آنجا را فتح می کند، به انطاکیه  
 می رود و فتح می کند، به قسطنطنیه (استانبول) حمله می برد و آنجا را فتح می کند و  
 از آنجا با یاران خود به سوی کشورهای رومی (ممالک غرب) رهسپار می شود و  
 همه آن کشورها را فتح می کند.»

«ثُمَّ لَا يَلْبَثُ قَلِيلًا حَتَّى تَخْرُجَ عَلَيْهِ مَارِقَةٌ مِنَ الْمَوَالِي بِرُمَيْلَةِ الدُّسَكْرَةِ، فَيَدْعُو رَجُلًا مِنَ الْمَوَالِي فَيَقْلُدُهُ سَيْفَهُ فَيَخْرُجُ إِلَيْهِمْ حَتَّى لَا يَبْقَى أَحَدًا.»<sup>(۱)</sup>

«خیلی طول نمی کشد که یک گروه شورشگر از موالی در تپه های دستگرد<sup>(۲)</sup> بر او خروج می کنند، پس یک نفر از موالی را می خواند و شمشیرش را بر او حمایل می کند، پس او به سوی آنان خارج می شود و همه را از دم شمشیر می گذرانند.»

«إِنَّهُ أَوَّلُ قَائِمٍ يَقُومُ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ. يُحَدِّثُكُمْ بِحَدِيثٍ لَا تَحْتَمِلُونَهُ، فَتَخْرُجُونَ عَلَيْهِ بِرُمَيْلَةِ الدُّسَكْرَةِ فَتَقَاتِلُونَهُ فَيَقْتُلُكُمْ. وَهِيَ آخِرُ خَارِجَةٍ تَكُونُ.»<sup>(۳)</sup>

«او نخستین قائم از ما اهل بیت است که قیام می کند و به شما سخنانی می گوید که نمی توانید آن را تحمل کنید، از این رهگذر در تپه های دستگرد علیه او خروج کرده، با او می جنگید و (او) شما را طعمه شمشیر می سازد و آن آخرین گروهی است که علیه او خروج می کنند.»

«كَيْفَ يَحْتَاجُ الْجَبَّارُ تَعَالَى إِلَى مَعْرِفَةِ خَلْقِ أَنْشَأَتِهِمْ وَهَمْ خَلْقُهُ؟ لَوْ قَامَ قَائِمُنَا أَعْطَاهُ اللَّهُ السِّمِّيَاءَ، فَيَأْمُرُ بِالْكَافِرِ ثُمَّ يُخَبِّطُ بِالسَّيْفِ خَبْطًا.»<sup>(۴)</sup>

«چگونه خداوند تبارک و تعالی که مخلوقات را آفریده به شناخت آنان نیاز دارد؟ هنگامی که قائم ما قیام کند خداوند به او علم قیافه شناسی عطا می کند، پس کافران را دستور می دهد که با شمشیر گردن بزنند.»

«يُعِزُّ اللَّهُ بِهِ الْإِسْلَامَ بَعْدَ ذَلِكَ، وَيُخَيِّبُهُ بَعْدَ مَوْتِهِ. وَيَضَعُ الْجِزْيَةَ وَيَدْعُو إِلَى اللَّهِ بِالسَّيْفِ، فَمَنْ أَبِي قَتِيلٍ، وَمَنْ نازَعَهُ حُدَيْلٌ. يُظْهِرُ مِنَ الدِّينِ مَا هُوَ عَلَيْهِ الدِّينُ فِي نَفْسِهِ، مَا لَوْ كَانَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَخْتَكُمُ بِهِ. يَرْفَعُ الْمَذَاهِبَ مِنَ الْأَرْضِ فَلَا يَبْقَى إِلَّا الدِّينُ الْخَالِصُ.»<sup>(۵)</sup>

«خداوند به وسیله او اسلام را پس از ذلت به عزت می رساند و پس از افسردنش زنده می سازد، جزیه را کنار گذاشته، با شمشیر به سوی خدا دعوت می کند، هر کس نپذیرد کشته می شود و هر کس با او در افتد، خوار می گردد، از دین خدا ظاهر

۱ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۷۵.

۲ - دستگرد نام آبادی هایی در حوالی بغداد، مرو، طوس، بلخ، بروجن و یا فلاورجان است.

۳ - بشارة الاسلام، ص ۲۳۰؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۳ - ۳۷۵.

۴ - اختصاص مفید، ص ۳۰۴.

۵ - الملاحم والفتن، ص ۱۰۸.

می‌کند آنچه را که در واقع دین بود و آنچه را که اگر رسول اکرم صلی الله علیه و آله در میان مردم باشد به آن فرمان می‌دهد، مذاهب دیگر را از روی زمین بر می‌چیند و در روی زمین چیزی جز دین خالص باقی نمی‌ماند.»

«ثُمَّ يَسِيرُ إِلَى مِصْرَ فَيَدْخُلُهَا، وَيَضَعُ مِنْبَرَهَا فَيَخُطُبُ النَّاسَ، فَتَسْتَبِيرُ الْأَرْضُ بِالْعَدْلِ وَتُغَطِّي السَّمَاءَ مَطَرَهَا وَالشَّجَرُ ثَمَرَهَا، وَالْأَرْضُ نَبَاتَهَا وَتَتَزَيَّنُ لِأَهْلِهَا.. وَيَقُولُ الْقَائِمُ: ﴿كُلُوا وَأَشْرَبُوا هَنِيئًا، بِمَا أَسْلَفْتُمْ فِي الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ﴾» (۱)

سپس به سوی مصر حرکت می‌کند و وارد مصر می‌شود، بر فراز منبر قرار گرفته، برای مردم خطبه ایراد می‌کند، زمین نوید عدالت را می‌شنود، آسمان باران رحمتش را فرو می‌ریزد، درختان میوه‌هایش را ارزانی می‌دارد و زمین سبز و خرم شده، برای اهل زمین خود را آرایش می‌دهد و قائم می‌فرماید: «به گوارایی بخورید و بیاشامید، به سبب آنچه در روزهای گذشته پیش فرستادید.»

«ثُمَّ يَسِيرُ إِلَى مَدِينَةِ الرَّجِجِ وَيَفْتَحُهَا وَيَعُودُ إِلَى سَوَاحِلِ فَلَسْطِينَ، وَيَمُرُّ بِعَكَا وَبِعَسْقَلَانَ، وَيَقْتَرِبُ مِنَ الْقُدْسِ.» (۲)

«سپس به سوی شهر زنجی‌ها حرکت کرده و آنجا را فتح می‌کند (در شمال آفریقا و برخی از مناطق میانه‌ای آن) و به سوی فلسطین باز می‌گردد. از عکا، غزه و عسقلان می‌گذرد و به قدس نزدیک می‌شود.»  
قدس! خانه‌ای مقدس در سرزمین پربرکت، خانه‌ای که به دفعات شاهد نزول اجلال بسیاری از پیامبران پیشین بوده است که به آن سرا آمده و آفریدگار جهانیان را به عظمتش ستوده‌اند.

آری، آن حضرت بار دیگر به قدس نزدیک می‌شود، قدس! خانه‌ای مقدس که شاهد سفر و عروج پیامبری از پیامبران الهی بوده است، پیامبری به نام محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله که سفر آسمانی آن حضرت در یک شب از مسجد الحرام آغاز شد، (۳) سفر از مسجد الحرام تا مسجد الاقصی و از مسجد الاقصی تا به هفت آسمان ادامه

۱ - سورة حاقه (۶۹) آیه ۲۴.

۲ - الزام الناصب، ص ۲۰۲.

۳ - عروج ملکوتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در سوره‌های اسراء و نجم درج گردیده است، می‌توان به آیات فوق رجوع کرده و به عظمت این سفر روحانی و مقدس پی برد.

یافت تا آن حضرت در پرتو مشاهدات، بینه برای هدایت آدمیان بیابند و اتفاقاً آن حضرت آثار عظمت پروردگار عالمیان را مشاهده کرده و همان شب به شهر مکه باز گشتند تا از شکوه، جلال و منزلت پهنه آسمان و آفرینش باری تعالی بفرمایند و از سدره المنتهی بگویند، از همان درختی که در اوج آسمانها و در انتها الیه عروج فرشتگان و ارواح شهدا و علوم انبیا و اعمال انسانها قرار گرفته است جائی که ملائکه پروردگار از آن فراتر نمی روند، چنانکه حضرت جبرئیل در سفر معراج به هنگامی که به آن مکان رسید متوقف شد. (۱)

بالآخره قدس شریف در حریم مقدسش شاهد دیدار دو حجت از حجج الهیه خواهد بود که همراهان ایشان امم صالحه و فرشتگان هستند، همانان که در آن ایام خجسته نظاره گر بزرگترین تحول خواهند بود.

به راستی کدام تحول عظیم تر از آن که جهان در سایه آن دگرگونی حرکت نوینی را آغاز خواهد کرد، پرچم و حکومتی واحد بر عالم هستی حاکم خواهد گشت و حیاتی همراه با سعادت و سلامت از آن همگان خواهد شد، حال به امید آن روزهای درخشان هستیم که به خواست خداوند هر چه زودتر ظهور حضرت مهدی و رجعت حضرت عیسی علیه السلام تحقق یابد و آن دیدار تاریخی در بیت المقدس انجام گیرد. ان شاء الله

### رجعت حضرت عیسی علیه السلام

در روایات آمده است: به اذن خداوند متعال! حضرت عیسی و جمعی از فرشتگان از آسمان فرود می آیند و در بیت المقدس با امام زمان علیه السلام ملاقات می کنند. در همین رابطه حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«ثُمَّ إِنَّ الْمَهْدِيَّ يَزْجِعُ إِلَى بَيْتِ الْمَقْدِسِ فَيُصَلِّي بِالنَّاسِ أَيَّامًا. فَإِذَا كَانَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَقَدْ أَقِيَمَتِ الصَّلَاةُ يَنْزِلُ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ فِي تِلْكَ السَّاعَةِ مِنَ السَّمَاءِ وَعَلَيْهِ ثَوْبَانِ أَحْمَرَانِ، كَأَنَّمَا يَقَطُرُ مِنْ رَأْسِهِ الدُّهْنُ وَهُوَ رَجُلٌ صَبِيحُ الْمَنْظَرِ وَالْوَجْهِ، أَشْبَهُ الْخَلْقِ بِإِبْرَاهِيمَ، فَيَأْتِي الْمَهْدِيَّ وَيُضَافِحُهُ وَيُبَشِّرُهُ بِالنَّصْرِ، فَعِنْدَ ذَلِكَ يَقُولُ لَهُ الْمَهْدِيُّ: تَقَدَّمَ يَا رُوحَ اللَّهِ وَصَلِّ بِالنَّاسِ، فَيَقُولُ



عیسی: بَلِ الصَّلَاةُ لَكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ. فَعِنْدَ ذَلِكَ يُؤَدِّنُ عِيسَى وَيُصَلِّي خَلْفَ الْمَهْدِيِّ. (۱)

«آنگاه مهدی به بیت المقدس باز می‌گردد و چند روزی با مردم نماز می‌خواند، چون روز جمعه فرا رسد و نماز بر پا گردد، عیسی بن مریم در آن ساعت از آسمان فرود آید، به هنگام نزول دو جامه سرخ بر تن او خواهد بود و از سر او قطرات عرق چون روغن خواهد چکید، او مردی زیبا و خوش اندام و شبیه‌ترین مردم به حضرت ابراهیم علیه السلام است، به سوی مهدی می‌آید و با او مصافحه می‌کند و به او نوید پیروزی می‌دهد، آن هنگام حضرت مهدی به او می‌گوید: ای روح الله! جلو بایست و با مردم نماز بخوان، حضرت عیسی می‌فرماید: ای فرزند پیامبر! نماز برای تو برپا شده است، آنگاه حضرت عیسی اذان می‌گوید و پشت سر حضرت مهدی نماز می‌خواند.»

امام محمد باقر علیه السلام در تفسیر آیه شریفه می‌فرماید:

﴿وَأَنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ، الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِدًا﴾ (۲)

«هیچ کس از اهل کتاب نیست جز آن‌که پیش از مرگ به وی [عیسی]

ایمان خواهد آورد و روز قیامت، او بر نیک و بد آنان گواه خواهد بود.»

«إِنَّ عِيسَى، قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ، يَنْزِلُ إِلَى الدُّنْيَا، فَلَا يَبْقَى أَهْلٌ مِلَّةً، يَهُودِيٍّ وَلَا غَيْرُهُ، إِلَّا آمَنَ بِهِ

قَبْلَ مَوْتِهِ، وَيُصَلِّي خَلْفَ الْمَهْدِيِّ.» (۳)

«به طور مسلم، عیسی پیش از قیامت به این جهان فرود خواهد آمد، پیرو هیچ

آئینی از یهود و غیر آن در روی زمین نمی‌ماند جز این‌که پیش از وفاتش به او ایمان

می‌آورد و او پشت سر مهدی نماز می‌خواند.»

در انجیل یوحنا چنین آمده است:

«به او قدرت بخشیده است که داوری هم بکند؛ زیرا که پسر انسان است و از این

تعجب مکنید چون ساعتی می‌آید که در آن جمیع کسانی که در قبرها می‌باشند آواز

او را خواهند شنید و بیرون خواهند آمد، هر که اعمال نیکو کرد برای قیامت، حیات

و هر که اعمال بد کرد، به جهت قیامت داوری.» (۴)

۱ - تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۴۹۷.

۲ - سوره نساء (۴) آیه ۱۵۸.

۳ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۵۰.

۴ - انجیل یوحنا، بند ۲۶ - ۲۸.

در انجیل متی نیز نقل شده است:

«شما حاضر باشید؛ زیرا در ساعتی که گمان نبرید پسر انسان می آید، خوشا به حال آن غلامی که چون آقایش آید او را در چنین کار مشغول یابد.»<sup>(۱)</sup>

«در آن زمان ملکوت آسمان مثل ده باکره خواهد بود که مشعل های خود را برداشته به استقبال داماد بیرون رفتند، چون آمدن داماد به طول انجامید همه پینکی (چرتی) زده خفتند و در نصف شب صدایی بلند شد که اینک داماد می آید به استقبال وی بشتابید پس بیدار باشید؛ زیرا آن روز و ساعت را نمی دانید.»<sup>(۲)</sup>

«اگر شما را گویند اینک در صحراست بیرون مروید، یا آن که در خلوت است باور مکنید؛ زیرا همچنان که برق از مشرق ساطع شده تا به مغرب ظاهر می شود، ظهور پسر انسان نیز چنین خواهد شد، آنگاه علامت پسر انسان در آسمان پدیدار گردد و در آن وقت جمیع طوایف زمین سینه زنی کنند و پسر انسان را ببینند که بر ابرهای آسمان با قوت و جلال عظیم می آید.»

در مکاشفه یوحنا می خوانیم:

«اینک با ابرها می آید و هر چشمی او را خواهد دید و آنان که او را نیزه زدند و تمامی امت های جهان برای وی خواهند نالید.»<sup>(۳)</sup>

«آسمان را گشوده دیدم و ناگاه اسبی سفید که سوارش امین و حق نام دارد و به عدل داوری و جنگ می نماید و چشمانش چون شعله آتش، بر سرش افسرهای بسیار و اسمی مرقوم دارد که جز خودش هیچ کس آن را نمی داند و جامه خون آلود سرخ در بردارد و نام او را کلمه خدا می خوانند و لشکرهایی که در آسمان اند بر اسب های سفید و به کتانهای سفید و پاک ملبس از عقب او می آیند و از دهانش شمشیری نیز بیرون می آید تا به آن امت ها را بزند و آنان را به عصای آهنین حکمرانی خواهد نمود و فرشته ای را دیدم که در آفتاب ایستاده و به آواز بلند تمامی مرغانی را که در آسمان پرواز می کنند ندا کرده و می گوید: بیایید و به جهت

۱ - انجیل متی، بند ۴۴ - ۴۶.

۲ - همان، بند ۲۶ - ۲۷ و ۳۰.

۳ - مکاشفه یوحنا، رسول، بند ۷.

ضیافت عظیم خدا فراهم شوید، تا گوشت پادشاهان و گوشت سپهسالاران و گوشت جباران را بخورید.»<sup>(۱)</sup>

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در مورد حضرت عیسی علیه السلام می فرماید:

«يَكُونُ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ فِي أُمَّتِي حَكَمًا مُقْسِطًا، يَرْفَعُ الشُّحْنَاءَ وَالتَّبَاعُضَ وَيُفِيضُ الْمَالَ حَتَّى لَا يَقْبَلَهُ أَحَدًا. وَتُنزَعُ حَمَةٌ كُلُّ ذَابَّةٍ وَتَكُونُ الْأَرْضُ كَفَاتُورِ الْفِضَّةِ»<sup>(۲)</sup>

«عیسی بن مریم در میان امت من داور دادگری خواهد بود، کینه و دشمنی را از میان مردم برمی دارد و آن قدر ثروت می ریزد که دیگر کسی آن را نمی پذیرد، خشم و آزار هر جنبنده ای گرفته می شود و سرتاسر زمین به نر می نقره می گردد.»

«هُوَذَا الْآنَ وَقْتُ مَقْبُولٍ، هُوَذَا الْآنَ يَوْمُ الْخَلَاصِ»<sup>(۳)</sup>

«آن زمان، وقت مناسبی است آن روز، روز نجات است.»

عبدالله بن سلیمان قسمتی از انجیل را این گونه نقل می کند:

«من در اناجیل خواندم که خداوند به حضرت عیسی علیه السلام فرمود: من تو را به سوی خود بالا می برم، سپس تو را در آخر الزمان فرو می فرستم تا از امت این پیامبر شگفتی ها ببینی و آنان را در کشتن دجال یاری دهی، تو را در وقت نماز می فرستم، تا با آنان نماز بخوانی که آنان امت رحمت شده<sup>(۴)</sup> هستند.»<sup>(۵)</sup>

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مورد نزول حضرت عیسی علیه السلام فرموده اند:

«فَبَيْنَا هُوَ كَذَلِكَ إِذْ هَبَطَ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ بِشَرْقِي دِمَشْقٍ. عِنْدَ الْمَنَارَةِ الْبَيْضَاءِ، بَيْنَ مَهْرُودَتَيْنِ وَاضِعًا يَدَيْهِ عَلَى أَجْنِحَةِ مَلَائِكَةٍ، إِذَا طَاطَأَ رَأْسَهُ قَطَرَ وَإِذَا رَفَعَهُ تَحَدَّرَ مِنْهُ جَمَامَةٌ كَاللُّوْثِ، وَلَا يَجِدُ رِيحَ نَفْسِهِ أَحَدًا إِلَّا مَاتَ. وَرِيحُ نَفْسِهِ مَدُّ بَصَرِهِ، فَيَطْلُبُ الدَّجَالَ فَيُذْرِكُهُ بِبَابٍ لُدٍّ فَيَقْتُلُهُ»<sup>(۶)</sup>

«در چنین حالی عیسی بن مریم در شرق دمشق، در نزد مناره سفید، در میان دو

۱ - مکاشفه یوحنا رسول، بند ۱۱ - ۱۸.

۲ - بشارة الاسلام، ص ۲۷۹.

۳ - يوم الخلاص، ص ۵۶۱.

۴ - منظور از امت رحمت شده، امت رسول اکرم و شیعیان علی بن ابی طالب علیه السلام هستند که آمرزیده خواهند شد. ان شاء الله

۵ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۸۱.

۶ - منتخب الاثر، ص ۳۱۶ و ۳۱۸.

ابر رنگین، درحالی که دو دست خود را روی بال‌های دو فرشته نهاده فرود می‌آید، چون سرش را پایین بیندازد آب از آن می‌چکد و چون سرش را بلند کند، قطرات عرق چون دانه‌های لؤلؤ از سر و صورتش می‌ریزد، بوی نفس او به هر کس از کفار برسد نابود می‌شود، و بوی نفس او تا مقدار دید او پیش می‌رود، دجال را دنبال می‌کند، در باب (لد) به او می‌رسد و او را به هلاکت می‌رساند.»

در همین رابطه نقل شده: هلاکت دجال توسط حضرت عیسی علیه السلام به خاطر ضربه‌ای است که به او می‌زند و سپس دجال ملعون به دست مبارک حضرت مهدی علیه السلام به قتل می‌رسد.

همچنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره این دیدار از قبل تعیین شده فرموده‌اند:

«وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ بَشِيرًا، لَوْلَمْ يَبْتَدِئِ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمَ وَاحِدٍ، لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ فِيهِ وَوَلَدِي الْمَهْدِي، فَيَنْزِلُ رُوحُ اللَّهِ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ فَيُصَلِّي خَلْقَهُ، وَتُشْرِقُ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا، وَيَبْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ.»<sup>(۱)</sup>

«سوگند به آن کسی که مرا مژده آور راستین قرار داد، اگر از عمر جهان، جز یک روز نمانده باشد، خداوند همان یک روز را آن قدر طولانی می‌کند، تا فرزندم مهدی خروج کند پس از خروج او، عیسی‌ای روح الله فرود می‌آید و در پشت سر وی نماز می‌گزارد، آنگاه زمین با فروغ پروردگار خویش روشن می‌شود و حکومت مهدی به شرق و غرب گیتی می‌رسد.»

«مِنَّا الَّذِي يُصَلِّي عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ خَلْقَهُ.»<sup>(۲)</sup>

«کسی که عیسی بن مریم در پشت سر او نماز می‌خواند از ماست.»

«لَنْ تَهْلِكَ أُمَّةٌ أَنَا فِي أَوَّلِهَا، وَعِيسَى بْنُ مَرْيَمَ فِي آخِرِهَا، وَالْمَهْدِيُّ فِي وَسْطِهَا.»<sup>(۳)</sup>

«امتی که من در آغاز آن، عیسی بن مریم در پایان آن و مهدی در میان آن است،

هرگز هلاک نمی‌شود.»

بشارت حضرت عیسی علیه السلام نیز در قرآن کریم این چنین نقل شده است:

۱ - کمال الدین، ص ۱۶۳.

۲ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۴.

۳ - همان، ج ۵۱، ص ۸۵، البیان، ص ۸۸.

﴿ وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُبِينٌ ﴾<sup>(۱)</sup>

«هنگامی که عیسی پسر مریم گفت: ای فرزندان اسرائیل، من فرستاده خدا به سوی شما هستم، تورات را که پیش از من بوده تصدیق می‌کنم و به فرستاده‌ای که پس از من می‌آید و نام او (احمد) است بشارت‌تگرم پس وقتی برای آنان دلایل روشن آورد، گفتند: این سحری آشکار است.»

این آیه مبارکه، صریحاً بشارت انجیل مقدس را اعلام می‌کند که حضرت عیسی مسیح عليه السلام ظهور حضرت ختمی مرتبت رسول اکرم صلی الله علیه و آله را وعده داده است و او را با نام فارقلیط معرفی نموده که معنای آن «احمد» است.

مرویست: حضرت عیسی پس از نزول مجدد و حضور مبارکش، همگان را به پذیرش ولایت حضرت بقیه الله الاعظم ارواحنا له الفداء نیز فرا خواهد خواند و آنگاه آن دو بزرگوار با همراهان خود به کوفه عزیمت می‌کنند.

امام محمد باقر عليه السلام درباره حضرت مهدی عليه السلام می‌فرماید:

«وَيَسِيرُ نَحْوَ الْكُوفَةِ، وَيَنْزِلُ عَلَى سَرِيرِ النَّبِيِّ سَلِيمَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَيَمِينِهِ عَصَا مُوسَى، وَجَلِيسُهُ الرُّوحُ الْأَمِينُ وَعِيسَى بْنُ مَرْيَمَ، مُتَّشِحًا بِبُرْدِ النَّبِيِّ، مُتَّقَلِّدًا بِذِي الْفِقَارِ، وَوَجْهَهُ كَذَائِرَةِ الْقَمَرِ فِي لَيْالِي كَمَالِهِ، يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ ثَنَائِيَةِ نُورٍ كَالْبَرْقِ السَّاطِعِ، عَلَى رَأْسِهِ تَاجٌ مِنْ نُورٍ.»<sup>(۲)</sup>

«به سوی کوفه عزیمت می‌کند و بر تخت سلیمان پیامبر می‌نشیند، عصای موسی را در دست می‌گیرد و روح الامین (جبرئیل) و حضرت عیسی بن مریم همنشین او هستند، بُرد پیامبر را به تن دارد و ذوالفقار را حمایل کرده و صورتش چون قرص قمر در شب بدر می‌درخشد و از میان دندان‌های ثنایایش نوری چون برق ساطع می‌شود و بر سر مبارکش تاجی از نور قرار دارد.»

«كَأَنِّي بِقَائِمِ أَهْلِ بَيْتِي قَدْ أَشْرَفَ عَلَى نَجْفِكُمْ هَذَا وَأَوْمَأْبِيدَهُ إِلَى نَاحِيَةِ الْكُوفَةِ - فَإِذَا هُوَ أَشْرَفَ، نَشَرَ زَايَةَ رَسُولِ اللَّهِ، فَإِذَا هُوَ نَشَرَهَا أَنْحَطَّتْ عَلَيْهِ مَلَائِكَةٌ بَدَرٍ عَوْدُهَا مِنْ عَمَدِ عَرْشِ اللَّهِ وَرَحْمَتِهِ،

۱ - سورة صف (۶۱) آیه ۶.

۲ - الزام الناصب، ص ۲۰۸.

وَسَائِرُهَا مِنْ نَصْرِ اللَّهِ، لَا يُنْهَوِي بِهَا إِلَى شَيْءٍ إِلَّا أَهْلَكَهُ اللَّهُ! يَأْتِيهِ بِهَا جِبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ. (۱)

«گوئی قائم اهل بیتم را می بینم که وارد این نجف شما شده و با دست مبارکش به منطقه ای از کوفه اشاره کرده و پرچم رسول اکرم صلی الله علیه و آله را برافراشته، فرشتگان بدر بر او نازل شده اند، چوب آن پرچم از ستون عرش خداست، رحمت و نصرت خدا بر حاملان آن پرچم است با آن پرچم به هیچ چیزی هجوم برده نمی شود جز این که خداوند آن را نابود می سازد جبرئیل آن را (به پیشگاه حضرت مهدی) می آورد.»

«الْقَائِمُ مِنَّا مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ، مُؤَيَّدٌ بِالنَّصْرِ، تُطَوَّى لَهُ الْأَرْضُ وَتَظْهَرُ لَهُ الْكُنُوزُ وَيَبْلُغُ سُلْطَانَهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ.» (۲)

«قائم ما به وسیله رعب (در دل دشمنان) یاری شده و با نصرت الهی تأیید شده است، زمین زیر پایش پیچیده می شود و گنج های زمین برای او ظاهر می گردد و دولت او به شرق و غرب جهان می رسد.»

«يُجْرَدُ السَّيْفَ عَلَى عَاتِقِهِ ثَمَانِيَةَ أَشْهُرٍ هَزْجاً حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ.» (۳)

«هشت ماه تمام شمشیر بر دوش نهاده، (دشمنان خدا را) می کشد تا خدا خشنود شود.»

«إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ سَارَ فِي أُمَّتِهِ بِاللَّيْنِ وَالْمَنْزِلِ وَكَانَ يَتَأَلَّفُ النَّاسَ وَالْقَائِمُ يَسِيرُ بِالْقَتْلِ وَلَا يَسْتَتِيبُ أَحَدًا بِذَلِكَ أَمْرٌ فِي الْكِتَابِ الَّذِي مَعَهُ. وَيُنَلِّمُنَا نَاوَاهُ.» (۴)

«رسول اکرم در میان امتش به نرمش و ملامت مأمور بود و با محبت و مودت در میان آنان الفت ایجاد می کرد، ولی قائم (با زورمداران) با منطق شمشیر سخن می گوید و از آنان توبه مطالبه نمی کند، (آن حضرت) در کتابی که نزد اوست به چنین شیوه ای مأمور است بدا به حال کسی که با او سرستیز داشته باشد.»

«لَوْ قَدْ خَرَجَ قَائِمٌ آلِ مُحَمَّدٍ، لَنَصَرَهُ اللَّهُ بِالْمَلَائِكَةِ الْمُسَوِّمِينَ وَالْمُزْدَفِينَ وَالْمُنزَلِينَ وَالْكَرُوبِيِّينَ يَكُونُ جِبْرَائِيلُ عَلَى مُقَدِّمَتِهِ، وَمِيكَائِيلُ عَلَى سَائِقَتِهِ وَإِسْرَافِيلُ عَنِ يَسَارِهِ وَالرُّعْبُ يَسِيرُ أَمَامَهُ وَخَلْفَهُ وَعَنْ يَمِينِهِ وَشِمَالِهِ وَالْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ خُدَامُهُ. أَوَّلُ مَنْ يُبَايِعُهُ شَيْعَةُ مُحَمَّدٍ وَعَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَأْتِي وَلِلَّهِ سَيْفٌ مُخْتَرَطٌ يَفْتَحُ اللَّهُ لَهُ الرُّومَ وَالصِّينَ وَالتُّرْكَ وَالسُّنْدَ وَالْهِنْدَ وَكَابُلَ

۱ - غیبت نعمانی، ص ۱۶۵ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۶ و ۳۲۸ و ۳۸۷.

۲ - کشف الغمه، ج ۳، ص ۳۲۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۱.

۳ - الزام الناصب، ص ۱۸۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۳.

۴ - غیبت نعمانی، ص ۱۲۱.

شَاءَ وَالْخَزَرَ» (۱)

«هنگامی که قائم آل محمد قیام کند، خداوند او را با فرشتگان نشاندار، مقرب و فرستاده شده در صف‌های فشرده یاری می‌کند، جبرئیل در پیشاپیش آنان حرکت می‌کند، میکائیل از پشت سر آنان، اسرافیل از طرف چپ آنان، ابهت و رعب و وحشت از جلو، عقب، چپ و راست آنان پیش می‌تازد، فرشتگان مقرب خدمتگزاران او هستند؛ نخستین گروهی که به او دست بیعت می‌دهند شیعیان محمد و علی علیهما السلام می‌باشند، به خدا سوگند که آن شمشیر بُرنده خدا می‌آید خداوند روم، چین، ترک، سند، هند، کابل و خزر را برای او فتح می‌کند.»

آری، به خدا سوگند آن شمشیر بُرنده خدا می‌آید تا انتقام خون مظلومان را بگیرد، آن سرچشمه فیض ازلی می‌آید تا سنت خدا و رسول خدا را اشاعه دهد، آن فاتح بزرگ گیتی می‌آید تا برای تأمین سعادت بشر حرکت نوینی را آغاز کند، بشری که در نهایت یأس و نومیدی، فتح و ظفر نهایی را طلب می‌نماید، به تحقیق قافله سالار کاروان اهل بیت عصمت و طهارت می‌آید تا مجوز مرگ ابلیس و ابلیس صفتان را به سوی دوزخ صادر نماید، ابلیس که از روز ازل سرکشی کرده و بنای عصیان را گذاشت و آفرینش خود را از نظر مادی با آفرینش آدم مقایسه کرد و برتری آتش را بر خاک دلیل برتری همه جانبه خود عنوان نمود.

خداوند در این باره در سوره اعراف می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ لَمْ يَكُن مِّنَ السَّاجِدِينَ﴾ (۲)

«ما شما را آفریدیم سپس صورت بندی کردیم، آنگاه به فرشتگان گفتیم:

برای آدم خضوع کنید، آنان سجده کردند جز ابلیس که از سجده کنندگان نبود.»

﴿قَالَ مَا مَنَعَكَ أَلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِي مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ

مِن طِينٍ﴾ (۳)

۱ - الزام الناصب، ص ۱۲۲۹ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۸ - ۳۳۳.

۲ - سوره اعراف (۷) آیه ۱۱.

۳ - همان، آیه ۱۲.

خداوند به او «فرمود: چه چیز تو را مانع شد آن هنگام که به تو فرمان دادم سجده کنی. (ابلیس) گفت: من از او بهترم، مرا از آتش آفریده‌ای و او را از خاک.»  
پس خداوند فرمود:

﴿فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ لَا تَمْلِكُ لَهُمْ أَرْبَابٌ وَلَا يُعْتَبِرُونَ عِندَ اللَّهِ﴾ (۱)

«از آن (مقام و مرتبه‌ات) فرود آی! تو حق نداری در آن (مقام و رتبه) تکبر بورزی، بیرون رو که تو از زمرة پست‌ترین فرومایگانی.»

ابلیس گفت:

﴿أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ﴾ (۲)

«مرا تا روز رستاخیز مهلت ده (و زنده بگذار).»

خداوند فرمود:

﴿إِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ﴾ (۳)

«تو از مهلت داده شدگانی!»

ابلیس گفت:

﴿فَبِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ﴾ (۴)

«اکنون که مرا گمراه ساختی من نیز بندگان را از راه راست (که شرع و آئین توست) گمراه گردانم.»

بار دیگر ابلیس گفت:

﴿ثُمَّ لَأَتَيْنَهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ﴾ (۵)

«از پیش رو و از پشت سر و از طرف راست و از طرف چپ به سراغ آنان می‌روم و اکثر آنان را شکرگزار نخواهی یافت.»

۱ - سورة اعراف (۷) آیه ۱۳.

۲ - همان، آیه ۱۴.

۳ - همان، آیه ۱۵.

۴ - همان، آیه ۱۶.

۵ - همان، آیه ۱۷.



خداوند فرمود:

﴿أَخْرِجْ مِنْهَا مَذْءُومًا مَذْحُورًا لَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكُمْ أَجْمَعِينَ﴾<sup>(۱)</sup>

«از آن (مقام) با تنگ و عار و خواری بیرون شو که تو رانده درگاه مایی و سوگند یاد می‌کنم که هر کس از آنان، از تو پیروی کند جهنم را از شما همگی پر خواهم کرد.»

آری، به خدا سوگند جایگاه ابلیس و کسانی که از ابلیس لعین پیروی کنند جهنم خواهد بود، همچنان که در قرآن کریم می‌خوانیم که خداوند خطاب به ابلیس فرموده است:

﴿وَإِنَّ عَلَيْكَ اللَّعْنَةَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ﴾<sup>(۲)</sup>

«لعنت و دوری خدا تا روز رستاخیز بر تو خواهد بود.»

ابلیس گفت: پروردگارا! پس مرا تا روز قیامت که خلق مبعوث می‌شوند، مهلت و طول عمر عطا فرما.

خداوند فرمود: تو را مهلت خواهد بود.

﴿إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ﴾<sup>(۳)</sup>

«تا به وقت معین و روز معلوم.»

امام جعفر صادق عليه السلام از امیر مؤمنان عليه السلام روایت می‌کند:

«این آیه تحقق نمی‌یابد مگر در رجعت.»<sup>(۴)</sup>

در روایت آمده است:

«وقت معلوم روز قیام قائم آل محمد عليه السلام است، هرگاه خداوند حضرت مهدی را برانگیزد ابلیس به مسجد کوفه می‌آید در حالی که بر زانوهایش راه می‌رود و با خود می‌گوید: ای وای از این روزگارا! آنگاه از پیشانی‌ش گرفته شده گردنش زده

۱ - سورة اعراف (۷) آیه ۱۸.

۲ - سورة حجر (۱۵) آیه ۳۵.

۳ - همان، آیه ۳۸.

۴ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۱۸.

می‌شود، آن هنگام روز وقت معلوم است که مدت او به پایان می‌رسد. (۱)  
 امام جعفر صادق در مورد ابلیس و پیروانش این چنین توضیح می‌فرماید:  
 سپاه ابلیس در سرزمین (روحا) در نزدیکی کوفه اجتماع می‌کنند و اصحاب  
 امیرمؤمنان علیه السلام برای نبرد با آنان آماده می‌شوند و مهمترین جنگ تاریخ بشری در  
 آن روز واقع می‌شود و سرانجام سپاهیان ابلیس شکست می‌خورند و خود ابلیس پا  
 به فرار می‌گذارد و رسول اکرم صلی الله علیه و آله او را دنبال می‌کند، سپس یک ضربت کاری بر  
 شانه‌هایش وارد کرده، آنگاه او را به هلاکت می‌رساند. (۲)

در همین رابطه در صحف ادریس پیامبر علیه السلام طبق فرموده پروردگار خطاب به  
 شیطان لعین نقل شده است:

«تو ای شیطان تا زمانی که مقدر کرده‌ام... مهلت داده خواهم شد سپس (به جای  
 تو) بندگان خالص، پاکدل و با ایمان روی کار آیند آنان را خلیفه و حاکم زمین خواهم  
 کرد و دینشان را استوار خواهم نمود و آنان تنها مرا خواهند پرستید و هیچ کس را  
 شریک من قرار نخواهند داد، در آن روز است که تو و همه لشکریانت از پیاده و  
 سواره را نابود خواهم کرد.» (۳)

پس از هلاکت ابلیس (۴) و پیروانش، دیگر کسی جز خدا را نمی‌پرستد و هرگز  
 کسی به خداوند شرک نمی‌ورزد.

۱ - بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۶.

۲ - همان، ج ۵۳، ص ۴۲.

۳ - همان، ج ۵۲، ص ۳۸۴.

۴ - در مورد کشته شدن ابلیس به دست مبارک رسول اکرم: آقا امام زمان و یا حضرت عیسی علیه السلام باید گفت:  
 از احادیث و روایات یاد شده این گونه برداشت می‌شود که در آن روز خجسته حضرت مهدی پیشانی ابلیس لعین  
 را گرفته و با دست پر قدرت رسول اکرم گردنش زده می‌شود، اگرچه همان بس که او و رعیت پستش به اسفل  
 السافلین وارد می‌شوند و شر آن خبیثان به خودشان بر می‌گردد در واقع شاید بتوان گفت: منظور از کشته شدن  
 ابلیس و لشکریانش این است که قدرت و نیروی دشمن بیرون خنثی شده و دیگر قدرت و سوسه شدن توسط آن  
 ملعون و اعوان و انصارش وجود ندارد و فرد می‌ماند و نفس اماره که دشمن درون است و آن هم در عصر  
 حکومت کریمه و در سایه تدابیر حاکم و تعلیم و تربیت صحیح امکان مانور نخواهد داشت، بلکه آن نیرو زیر  
 چتر نیروی همچون عقل، ایمان و تقوا ره رستگاری را طی خواهد کرد و افراد در چنین شرایطی هرگز وقت و  
 عمرشان را با گناه تلف نخواهند نمود. ان شاء الله

امام محمد باقر عليه السلام در این مورد فرموده‌اند:

«إِذَا قَامَ الْقَائِمُ ذَهَبَتْ دَوْلَةُ الْبَاطِلِ» (۱)

«هنگامی که قائم قیام کند، دولت باطل نابود می‌شود.»

به تحقیق با ظهور حضرت بقیة الله الاعظم یگانه جلوه حق در عصر تاریکی، باطل و باطل‌گرایان برای همیشه نابود می‌شوند و حق بر کرسی صدارت می‌نشیند چنان‌که بشارت این پیروزی در قرآن کریم آمده است:

﴿وَأُخْرَى تُحِبُّونَهَا نَضْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشْرُ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (۲)

«و (نعمت دیگری) که آن را دوست دارید (به شما می‌بخشد) و آن یاری خداوند و پیروزی نزدیک است و مؤمنان را بشارت ده (به این پیروزی بزرگ).»

آری، بشارت باد بر مؤمنان که پیروزی نزدیک است و حقی روشن و ارکانی استوار بر کرسی صدارت خواهد نشست که هیچ‌گونه خدشه و خللی در آن راه ندارد و هر کس از ولایتش روی گرداند و راه نادانی در معرفت آن بزرگوار پیشه کند خداوند او را در آتش غضب خویش فرو خواهد افکند در حالی که بسیاری از بندگان خوب خدا به آینده می‌اندیشند به آینده‌ای پر امید، به آینده‌ای که ان شاء الله محرومان و دردمندان و انسان‌های ستم‌کشیده عالم شاهد ظهور قطب عالم امکان شده و با یک دنیا عشق و محبت رو به سوی تنها حجت زمان خواهند برد؛ زیرا باور دارند که تنها فرمانده عالم حضرت مهدی است که در سایه مبارکش همه دردها و رنج‌های بشر به فراموشی سپرده خواهد شد و آرزوهای دیرینه این بشر خسته از دردهای بی‌درمان به رواق نور خواهد پیوست و دل‌خستگان عالم در آن روز خجسته جشن‌رهایی گرفته و طعم دلنشین آزادی را استشمام خواهند کرد و حال ای برادران و خواهران صالح و ای تقوا پیشگان عصر حاضر و ای منتظران تنها حجت ناپنهان الهی! باید به مقدسات قسم یاد کرد که در این برهه از زمان وقت آن

۱ - منتخب الاثر، ص ۴۷۱.

۲ - سورة صف (۶۱) آیه ۱۳.

رسیده است تا به کمک هم شتافته و با یاری هم آن بناهای معاصی و معضل را ویران کنیم که روسیاهان با خشتی به نام گناه روی هم چیده‌اند، می‌بایست دسیسه‌های شیاطین جن و انس را از هم بپاشیم که بر دین، فرهنگ و اخلاق جوامع کنونی اثر سوء گذاشته‌اند.

آری، باید با یاری افراد صالح و صادق به سوی دشمنان حق یورش برده و صف پلیدان یزیدی را درهم شکنیم و در سنگر جهاد برای گشودن راه بسته آقا و سرورمان حضرت مهدی تلاش کنیم و یک بار دیگر برای رسیدن به سر منزل مقصود و به امید موفقیت به انجام توبه نصوح<sup>(۱)</sup> مبادرت ورزیده تا توفیق آن را بیابیم که در محراب عبادت از خدای منان استمداد جسته و او را به مدد خود طلب کنیم و در سایه تهجد و راز و نیازهای شبانه<sup>(۲)</sup> با خالق یکتا، زمینه‌ای برای عروج

- 
- ۱ - با توبه‌ای همراه با اخلاص میهمان خدا شویم: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا﴾ «برای توبه ابتدا باید غسل کرد، سپس وضو گرفت و بعد چهار رکعت نماز (دو تا دو رکعت) و در هر رکعت یک مرتبه سوره حمد و سه مرتبه سوره توحید و یک مرتبه معوذتین (سوره ناس و فلق) را خواند و بعد از نماز هفتاد مرتبه استغفار کرد و به «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» ختم شود، سپس هفت بار «يَا عَزِيزُ يَا عَفَّارُ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَ ذُنُوبَ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ» خوانده شود، امید است با توبه به موقع، آن شایستگی لازم را به دست آوریم که از نجات یافتگان باشیم. ان شاء الله
- ۲ - وان شاء الله با خواندن نماز شب دل‌هایمان را صیقل دهیم و برات سوار شدن به کشتی نجات را بگیریم.
- «نماز شب شامل: هشت رکعت نافله شب، که در هر دو رکعت به یک سلام تمام می‌شود، سپس دو رکعت نماز با نیت نماز شفع خوانده و آنگاه یک رکعت نماز با نیت نماز وتر که شامل: یک حمد، سه بار توحید و یک بار معوذتین که (سوره‌های فلق و ناس را گویند) خوانده می‌شود، سپس نماز گزار دست چپ را به حال قنوت مقابل صورت قرار داده و چهل نفر مؤمن را نام برده بطور مثال بگوید: «اللهم اغفر شیخ کلینی، اللَّهُمَّ اغْفِرْ... و با چهل بار بگوید: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُسْلِمَاتِ» بعد از آن هفتاد مرتبه «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَ أَنْتَ إِلَهِهِ» گفته و پس از آن هفت بار بگوید: «هَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ» بارها (این مقام کسی است که از آتش به تو پناه می‌برد) سپس سیصد مرتبه «الهی العفو» گفته و آخر بار بگوید: «رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ أَرْحَمْنِي وَ تُبِّ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ» (خداوندا! بیامرز و ببخش و بر من مرحمت کن و توبه مرا بپذیر که به تحقیق توبه پذیر مهربان هستی) و چون از قنوت فارغ شد به رکوع رود و سجود را هم بجا آورد، تشهد و سلام بخواند و نماز را تمام کند. پس از سلام، تسبیح حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را به جا آورده و به سجده رفته پنج مرتبه بگوید: «سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحِ» (بسیار منزّه و پاک از هر عیب و آلائش و آفریننده فرشتگان و روح است) سپس آیه‌الکرسی بخواند و باز به سجده رود و همان ذکر «سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحِ» را پنج بار تکرار نماید، بدین ترتیب نماز پایان می‌یابد. امید است نماز شب مؤمنان، کلیدی برای گشودن درهای بسته و براتی برای آزادی همه انسان‌های درد کشیده عالم باشد. ان شاء الله

معنوی خود به عالم ملکوت مهیا کرده و عامل نزول رحمت الهی شویم، ما وظیفه داریم تا در لحظه لحظه های سکوت و خلوت خویش از آفریدگار هستی استعانت جسته و خطاب به معبود عالمیان بگوئیم: الهی! ای آفریننده ارجمند، الهی! ای صاحب بزرگی و عزت، الهی! ای آگاه به اسرار نهان و آشکار، الهی! ای اجابت کننده هر دعا و ثنا، تنها تویی نجات بخش یوسف از دل چاه، تویی همان خدایی که دست های ابراهیم خلیل را از ذبح فرزندش باز داشت و دعای زکریا را به اجابت رساند و برای شادی قلبش یحیی را به او هدیه کرد.

پروردگارا! ای محبوب محبان تو همان خدایی هستی که یونس را از شکم ماهی بیرون آوردی و دریا را برای موسی بشکافتی تا امتش از آن عبور کرده و نجات یابند، به راستی تویی پاک و منزّه از هر عیب و آلائش که برای بندگانت جز خیر و نیکی نمی خواهی و خوب می دانیم هر آنچه که فرموده ای، خلف وعده نمی کنی و حتماً وعده حق به اذن و اجازه تو خدای مهربان تحقق خواهد پذیرفت، پس تو ای پناه بی پناهان برای ما همان را بخواه که سعادت ما در آن تأمین می شود، ای عطا بخش گدایان! برای ما همان را بخواه که رضا و قضای تو در آن است، همان قضایی که با برپایی دولت حقه، اسلام و اسلامیان به عزت و سربلندی رسیده تا والایی و کرامت دنیا و آخرت از آن آنان گردد.

الهی! تو را به عزت و جلالت که پایانی برای آن نیست.

الهی! تو را به مهر و عطوفت که بی منتها و لطیف است دیگر دعای ما بیچارگان و رنجدیدگان این جهان نفرین شده را بشنو و ما را بیش از این امتحان مکن و به ضعف و زیونی گنهکاران نظری افکن و همچنین به بزرگی و عظمت خود چشم انداز که ما نیز چشم امید به تو داریم و از تو خدای مهربان می خواهیم ما را ببخشایی و به ما توفیق عطا کنی تا با شناخت واقعیت ها به آن حقیقت والایی که در حال شکفتن است پی برده و در این فرصت باقی مانده به خود آئیم و خودمان را برای آن هدف مقدس آماده کرده و آن قصر شادی را بنا کنیم که هر خشت آن یاقوتی از عشق و ایثار و مرواریدی از اشک و انتظار همراه با صلوات بر محمد و آل محمد و عجل فرجهم و فرجنا بهم است.

آری، باید آن کاخ خوشبختی را بنا کنیم درحالی که باور داریم به امید خدا و به زودی زود وعده حق تحقق خواهد یافت، ما نیز باور داریم و تا آن روز چشم به راه می مانیم، امید است در آن روز خجسته و میمون، یگانه امین خالق منان، حضرت مهدی! ما را از پرتو نور وجود نازنینش روشنی بخشد و به خاطر خدا، ما بندگان عاصی را مشمول رحمت و احسانش قرار داده و مهربانیش را شامل حال ما گرداند که بسیار خسته، سرخورده و سرگردانیم و خوب می دانیم خواسته و آرزوهای ما در ظهور مبارک آن یگانه بازمانده حق تعالی تجلی خواهد یافت و با وجود مقدس آن تکسوار حق و عدالت، دین و سنت محمدی آشکار شده و ان شاء الله هیچ گونه حقی در پس پرده نخواهد ماند که به تحقیق بعد از هر سختی آسانی و بعد از هر غمی شادی است.

امید است هر چه زودتر آن روز فرا رسد و بانگ جبرئیل امین از میان آسمان و زمین بر تمام گستره گیتی طنین اندازد و خطاب به عالمیان بگوید: ای اهل ایمان مؤده، مؤده که ولی عصر و ناموس دهر ظهور کرد، به راستی مؤده باد آن لحظه موعود که گشاینده پریشانی و بر طرف کننده بلا و گرفتاری، ردای فرج بر تن کند و به اذن و اجازه یکتا خالق هستی ظهور کرده و تمام جوامع بشری را از این باتلاق شرّ و فتنه نجات دهد.

بارالها! رحمت و درودهای خجسته خویش را همچنان بر محمد و آل محمد فرست، بالاخص بر امام بزرگواری که صاحب دعوت محمدی و صولت حیدری است. بارالها! درود فرست بر او و پدران طاهرینش تا مادامی که ستارگان در سحرگاهان می درخشند و درختان برگ می آورند و میوه ها می رسند و شب و روز در حال گذارند و پرندگان در حال نغمه سرایی اند.

بارالها! حمد و ثنای تو را می گوئیم و از تو خدای مهربان نصرت حق و نابودی باطل را خواهانیم، به امید رحمتت ای مهربان ترین مهربانان و به امید پیروزی حق بر باطل.

آمین یارب العالمین برحمتک یا ارحم الراحمین

## «به نام نامی مهر و به یاد التیام بخش دل دردمندان که در اوج پنهانی، پیدا اوست»

پروردگارا! پاک و منزهی و ذکر نام مقدست شفاست، بارالها! حمد و ثنای تو را گفته و تا بی نهایت هستی از تو خدای مهربان سپاسگزارم که حقیر را مورد مرحمت قرار داده و توفیق شایانی عنایت کرده‌ای تا موفق به تدوین مصحف «الْبَيْعَةُ لِلَّهِ رسالت جهانی حضرت مهدی (عج)» باشم و آن را به سر منزل مقصود رسانده و همچون شاخه گلی تقدیم به پیشگاه سرور کائنات حضرت بقیه الله الاعظم ارواحنا له الفداء نمایم که نام درخشان آن حضرت در سراپرده قلبمان، یاد عزیزش بر تارک هستیمان و محبت بی پایانش در زوایای وجودمان جای دارد، باشد که آن حضرت از سر لطف نظری به ما منتظران کرده و به حرمت خون پاک شهیدان قدم بر چشمان گریان ما گذارند تا در سایه آن بزرگوار حیات مجدد یافته و شاهد آن همه پیروزی و بهروزی باشیم که به امید حق در شرف تحقق یافتن است و به تحفیق «وَإِنَّ بَعْدَ الْغَمِّ فَتْحًا عَجِيبًا» «مسلماً بعد از این اندوه فراوان، فتح عجیبی است» و بعد از هجرانی بس طولانی، مژده دیدار است. ان شاء الله

وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

«باز نویسی کتاب فوق در ماه جمادی الثانی سال ۱۴۲۱ ه.ق. برابر با سال ۱۳۷۹ ه.ش پایان یافت»

**فهرست آیات**

**فهرست روایات**

**فهرست موضوعی کتاب**

**منابع**



## فهرست آیات

- ﴿ أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ ... ﴾ ..... ۱۱
- ﴿ وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ ... ﴾ ..... ۱۲
- ﴿ سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ ... ﴾ ..... ۱۴
- ﴿ مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَى ﴾ ..... ۱۵
- ﴿ وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَى ﴾ ..... ۱۵
- ﴿ إِنَّ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَى ﴾ ..... ۱۵
- ﴿ أَفْتَمَارُوهَ عَلَىٰ مَا يَرَى ﴾ ..... ۱۵
- ﴿ لِثَرِيهَ مِنْ آيَاتِنَا ﴾ ..... ۱۶
- ﴿ هَذَا نَذِيرٌ مِنَ النَّذْرِ الْأُولَى ﴾ ..... ۱۸
- ﴿ نَذِيرًا لِلْبَشَرِ ﴾ ..... ۱۸
- ﴿ وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَ... ﴾ ..... ۱۸
- ﴿ مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَ... ﴾ ..... ۱۹
- ﴿ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ ﴾ ..... ۱۹
- ﴿ قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ ... ﴾ ..... ۱۹
- ﴿ أَلَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ ﴾ ..... ۱۹
- ﴿ لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ ﴾ ..... ۲۰
- ﴿ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ ... ﴾ ..... ۲۰
- ﴿ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ ... ﴾ ..... ۲۱
- ﴿ إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ ... ﴾ ..... ۲۳
- ﴿ وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ ﴾ ..... ۲۳

- ٢٤ ..... ﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ﴾
- ٢٤ ..... ﴿وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾
- ٢٤ ..... ﴿وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ﴾
- ٢٥ ..... ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾
- ٢٩ ..... ﴿قَلِيلٌ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمَوَاتِ وَرَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾
- ٢٩ ..... ﴿تَبَارَكَ الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَعِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ﴾
- ٢٩ ..... ﴿يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ...﴾
- ٣٠ ..... ﴿هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ...﴾
- ٣٠ ..... ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ فَمِنْكُمْ كَافِرٌ وَمِنْكُمْ مُؤْمِنٌ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾
- ٣١ ..... ﴿الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَانِ...﴾
- ٣١ ..... ﴿ثُمَّ أَرْجَعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ﴾
- ٣١ ..... ﴿وَهُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ...﴾
- ٣٧ ..... ﴿إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً...﴾
- ٣٧ ..... ﴿عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ...﴾
- ٣٧ ..... ﴿سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ﴾
- ٣٨ ..... ﴿يَا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ فَلَمَّا أَنْبَأَهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ...﴾
- ٣٨ ..... ﴿إِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى وَ...﴾
- ٣٨ ..... ﴿يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً...﴾
- ٣٩ ..... ﴿إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ...﴾
- ٣٩ ..... ﴿الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ...﴾
- ٣٩ ..... ﴿هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهَا فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ...﴾
- ٤٠ ..... ﴿أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا وَجَعَلَ...﴾
- ٤٠ ..... ﴿الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ...﴾
- ٤٠ ..... ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا...﴾
- ٤١ ..... ﴿هَلْ أَتَىٰ عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئًا مَّذْكُورًا...﴾
- ٤١ ..... ﴿أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِمْ مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ...﴾
- ٤١ ..... ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾
- ٤٣ ..... ﴿وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ...﴾

- ۴۳ ..... ﴿الَسْتُ بِرَبِّكُمْ﴾
- ۴۳ ..... ﴿قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا﴾
- ۴۴ ..... ﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَمِنْكَ وَمِنْ نُوحٍ وَإِصْحَاقَ﴾
- ۴۵ ..... ﴿فَطَرَتِ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا﴾
- ۴۷ ..... ﴿أَمَاتِي أَدَيْتَهَا وَمِيثَاقِي تَعَاهَدْتَهُ لِتَشْهَدَ لِي بِالْمُؤَافَاةِ﴾
- ۴۹ ..... ﴿أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ﴾
- ۴۹ ..... ﴿فَمِنْكُمْ كَافِرٌ وَمِنْكُمْ مُؤْمِنٌ﴾
- ۴۹ ..... ﴿وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ...﴾
- ۵۰ ..... ﴿فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَبُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ﴾
- ۵۰ ..... ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ﴾
- ۵۳ ..... ﴿إِغْلَبُوا أَنَّ اللَّهَ يُخَيِّبِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا﴾
- ۵۴ ..... ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ﴾
- ۵۴ ..... ﴿وَلِيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مِنَ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾
- ۶۵ ..... ﴿وَيَسْتَنْبِئُونَكَ أَحَقُّ هُوَ؟ قُلْ: إِي وَرَبِّي إِنَّهُ لَحَقٌّ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ﴾
- ۸۰ ..... ﴿وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدَّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾
- ۸۱ ..... ﴿جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا﴾
- ۸۱ ..... ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ...﴾
- ۹۱ ..... ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِقِينَ وَالنَّصَارَى...﴾
- ۹۸ ..... ﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً...﴾
- ۹۸ ..... ﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ...﴾
- ۱۰۲ ..... ﴿وَاشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا﴾
- ۱۰۳ ..... ﴿وَالْفَجْرِ وَلَيَالٍ عَشْرٍ وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ وَاللَّيْلِ إِذَا يَسْرِ﴾
- ۱۰۳ ..... ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَىٰ وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّىٰ﴾
- ۱۰۳ ..... ﴿سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ﴾
- ۱۰۳ ..... ﴿إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ﴾
- ۱۰۳ ..... ﴿وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا﴾
- ۱۰۴ ..... ﴿وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ...﴾
- ۱۰۴ ..... ﴿إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ وَكَتَبْنَا نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ﴾

- ﴿ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَ أَنْتُمْ تَشْهَدُونَ ﴾ ..... ١٠٤
- ﴿ مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴾ ..... ١٠٥
- ﴿ بَقِيَّةَ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ ﴾ ..... ١١٢
- ﴿ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ ﴾ ..... ١١٥
- ﴿ فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ، لَلَبِثَ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴾ ..... ١١٥
- ﴿ أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّى... ﴾ ..... ١١٦
- ﴿ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ ﴾ ..... ١١٨
- ﴿ وَ مَا قَتَلُوهُ وَ مَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا... ﴾ ..... ١١٨
- ﴿ يَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ قُلْ عَسَى... ﴾ ..... ١١٩
- ﴿ مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ... ﴾ ..... ١١٩
- ﴿ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً ﴾ ..... ١٢٠
- ﴿ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ ﴾ ..... ١٢٠
- ﴿ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَ عَدَّهُ وَ أَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَّبِعُ... ﴾ ..... ١٢١
- ﴿ فِي عَادٍ إِذْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الرِّيحَ الْعَقِيمَ ﴾ ..... ١٢١
- ﴿ قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَى إِبْرَاهِيمَ ﴾ ..... ١٢٢
- ﴿ فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴾ ..... ١٢٢
- ﴿ قَالُوا يَا لَوْ طُ إِنَّا نُرْسِلُ رَبَّكَ لَنْ يَصِلُوا إِلَيْكَ ﴾ ..... ١٢٣
- ﴿ بَقِيَّةَ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴾ ..... ١٢٥
- ﴿ فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمْ عَذَابٌ يَوْمَ الظُّلَّةِ إِنَّهُ كَانَ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴾ ..... ١٢٦
- ﴿ وَاعْدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَ أْتَمَمْنَاهَا بِعَشْرٍ فَتَمَّ مِيقَاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ﴾ ..... ١٢٦
- ﴿ لِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ يَمْحَقَ الْكَافِرِينَ ﴾ ..... ١٢٧
- ﴿ ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ... ﴾ ..... ١٢٧
- ﴿ إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ ﴾ ..... ١٢٧
- ﴿ وَ تُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ ﴾ ..... ١٢٨
- ﴿ أَنْ إِلَى رَبِّكَ الْمُنتَهَى ﴾ ..... ١٢٨
- ﴿ وَ لَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتَلَفَ فِيهِ ﴾ ..... ١٢٨
- ﴿ يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ ﴾ ..... ١٢٩
- ﴿ أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ وَ... ﴾ ..... ١٢٩

- فهرست آیات ..... ۴۱۵
- ۱۳۱ ..... ﴿ فَسَخَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ رِخَاءً حَيْثُ أَصَابَ ﴾
- ۱۳۲ ..... ﴿ أَزْكُضْ بِرِجْلِكَ هَذَا مُغْتَسَلٌ بَارِدٌ وَشَرَابٌ ﴾
- ۱۳۳ ..... ﴿ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَآتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُ لَآتٍ ﴾
- ۱۳۴ ..... ﴿ قَالَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ أَتَقْتُلُونَ... ﴾
- ۱۳۵ ..... ﴿ فَسْتَذَكُرُونَ مَا أَقُولُ لَكُمْ وَأَفْوُضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ... ﴾
- ۱۳۵ ..... ﴿ مَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ ﴾
- ۱۳۶ ..... ﴿ وَإِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتَى بِأَذْنِي ﴾
- ۱۳۸ ..... ﴿ قَالَتِ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ قُلُوبُهُمْ مُنْكَرَةٌ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ ﴾
- ۱۳۸ ..... ﴿ وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ يَمُوتُ بَلَى... ﴾
- ۱۴۷ ..... ﴿ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ ﴾
- ۱۴۷ ..... ﴿ وَإِنَّهُ لَعِلْمٌ لِلسَّاعَةِ ﴾
- ۱۵۲ ..... ﴿ اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا... ﴾
- ۱۵۳ ..... ﴿ إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا... ﴾
- ۱۵۳ ..... ﴿ يَا بُنَيَّ لَا تَقْصُصْ رُؤْيَاكَ عَلَى إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا إِنَّ الشَّيْطَانَ... ﴾
- ۱۵۳ ..... ﴿ وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ وَلِنُعَلِّمَهُ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ ﴾
- ۱۵۴ ..... ﴿ إِنِّي أَرَى سَبْعَ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ وَسَبْعٌ... ﴾
- ۱۵۴ ..... ﴿ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي رُؤْيَايَ إِنْ كُنْتُمْ لِلرُّؤْيَا تَعْبُرُونَ ﴾
- ۱۵۴ ..... ﴿ أَضْغَاثُ أَخْلَامٍ وَمَا نَحْنُ بِتَأْوِيلِ الْأَخْلَامِ بِعَالَمِينَ ﴾
- ۱۷۴ ..... ﴿ أَحْسِبَ النَّاسَ أَنْ يَشْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ ﴾
- ۱۷۵ ..... ﴿ وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ ﴾
- ۱۷۶ ..... ﴿ وَلِيَمْحُصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ ﴾
- ۱۷۸ ..... ﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنَ أَشْيَاءَ إِنْ تُبَدَّ لَكُمْ تَسْؤُكُمْ... ﴾
- ۱۸۳ ..... ﴿ وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴾
- ۱۸۳ ..... ﴿ فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُحَّسِ، الْجَوَارِ الْكُنَّسِ ﴾
- ۱۸۸ ..... ﴿ حَمِّ وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ ﴾
- ۱۸۸ ..... ﴿ بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ يَلْعَبُونَ ﴾
- ۱۸۸ ..... ﴿ فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُبِينٍ يَغْشى النَّاسَ هَذَا... ﴾
- ۱۸۹ ..... ﴿ هَذَا يَوْمُكُمْ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ ﴾

- ﴿ لَئِن أَخْرَجْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَّغْدُودَةٍ لَّيَقُولُنَّ مَا يَحْبِسُهُ... ﴾ ١٨٩
- ﴿ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِن دِيَارِهِمْ وَهُمْ أَلُوفٌ حُدَّزَ الْمَوْتِ... ﴾ ١٨٩
- ﴿ وَحَرَامٌ عَلَىٰ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ ﴾ ١٩٠
- ﴿ إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ ﴾ ١٩١
- ﴿ مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا ﴾ ١٩١
- ﴿ يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ، قُمْ فَأَنْذِرْ ﴾ ١٩٢
- ﴿ وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا، وَالْقَمَرُ إِذَا تَلَّيَهَا، وَالنَّهَارُ إِذَا جَلَّيَهَا ﴾ ١٩٢
- ﴿ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ، لِيُظْهِرَهُ عَلَىٰ الدِّينِ... ﴾ ١٩٢
- ﴿ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا ﴾ ١٩٣
- ﴿ حَتَّىٰ إِذَا فَتَحْنَا عَلَيْهِم بَابًا ذَا عَذَابٍ شَدِيدٍ إِذْهَبُوا فِيهِ مُبْلِسُونَ ﴾ ١٩٣
- ﴿ سَنَسِفُهُ عَلَىٰ الْخُرْطُومِ ﴾ ١٩٤
- ﴿ إِن نَّشَاءُ نُنزِّلُ عَلَيْهِم مِّنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ ﴾ ١٩٤
- ﴿ وَلَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ مَا فِي الْأَرْضِ لَافْتَدَتْ بِهِ ﴾ ١٩٥
- ﴿ وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ... ﴾ ١٩٥
- ﴿ وَلَئِن قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مُتُّمْ لَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَحْمَةٌ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ ﴾ ١٩٦
- ﴿ ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ... ﴾ ١٩٧
- ﴿ فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ، فَذَلِكَ يَوْمَئِذٍ يَوْمٌ عَسِيرٌ، عَلَى الْكَافِرِينَ غَيْرُ يَسِيرٍ ﴾ ١٩٨
- ﴿ فَذَلِكَ يَوْمَئِذٍ يَوْمٌ عَسِيرٌ، عَلَى الْكَافِرِينَ غَيْرُ يَسِيرٍ ﴾ ١٩٨
- ﴿ مُتَّعِطِينَ إِلَى الدَّاعِ، يَقُولُ الْكَافِرُونَ هَذَا يَوْمٌ عَسِيرٌ ﴾ ١٩٨
- ﴿ هَذِهِ النَّارُ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ ﴾ ١٩٩
- ﴿ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوَاقِعٌ ﴾ ١٩٩
- ﴿ وَيَوْمَ نَخَشِرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِّمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ ﴾ ١٩٩
- ﴿ وَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا عَذَابًا دُونَ ذَلِكَ، وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴾ ١٩٩
- ﴿ يَا وَيْلَتْنَا مَنْ بَعَثْنَا مِنْ مَرْقَدِنَا ﴾ ١٩٩
- ﴿ وَلَنَذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَذَى، دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ، لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴾ ١٩٩
- ﴿ وَتَرَى الظَّالِمِينَ لَمَّا رَأَوْا الْعَذَابَ يَقُولُونَ هَلْ إِلَىٰ مَرَدٍّ مِنْ سَبِيلٍ ﴾ ٢٠٠
- ﴿ قُلْ يَوْمَ الْقِيَامِ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيمَانُهُمْ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ ﴾ ٢٠٠
- ﴿ إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ ﴾ ٢٠٣

٢١٧	..... فهرست آيات
٢٠٣	﴿وَاسْتَمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ يَوْمَ يَسْمَعُونَ...﴾
٢٠٣	﴿يَوْمَ تَشَقُّقُ الْأَرْضِ عَنْهُمْ سِرَاعاً ذَلِكَ حَشْرٌ عَلَيْنَا يَسِيرٌ﴾
٢٠٥	﴿لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ﴾
٢٠٥	﴿وَيَوْمَ يَعْصُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلاً﴾
٢٠٦	﴿يَا حَسْرَتِي عَلَىٰ مَا فَرَطْتُ فِي جَنبِ اللَّهِ وَإِنْ كُنْتُ لَمِنَ السَّخِرِينَ﴾
٢٠٦	﴿يَا حَسْرَتِي عَلَىٰ مَا فَرَطْتُ فِي جَنبِ اللَّهِ﴾
٢١١	﴿فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا﴾
٢١٢	﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسِلُهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي...﴾
٢١٢	﴿وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ قَرِيبٌ يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ...﴾
٢٤١	﴿فَخَلَفَ مِنْ بَغْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ...﴾
٢٤١	﴿مَتَى نَضُرُّ اللَّهَ﴾
٢٤١	﴿أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُشْرَكَ سُدًى﴾
٢٤١	﴿... وَتَبْلُوكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً وَإِنَّا نُزَجِعُونَ﴾
٢٤٢	﴿إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحاً فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ...﴾
٢٤٦	﴿سَتْرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ﴾
٢٤٦	﴿حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمُ اللَّهُ الْحَقُّ﴾
٢٤٧	﴿وَلَنَذِقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَذْنَىٰ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ﴾
٢٤٧	﴿فَجَعَلْنَاهَا نَكَالاً لِمَا بَيْنَ يَدَيْهَا وَمَا خَلْفَهَا وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ﴾
٢٤٨	﴿مَا بَيْنَ يَدَيْهَا﴾
٢٥٠	﴿مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهَمُّ يَخِصِّمُونَ...﴾
٢٥١	﴿يَا ذَا الْقُرْنَيْنِ إِنَّ يَأْجُوجَ وَمَأْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ...﴾
٢٥٢	﴿حَتَّىٰ إِذَا فُتِحَتْ يَأْجُوجَ وَمَأْجُوجَ وَهُمْ مِنْ كُلِّ حَدَبٍ...﴾
٢٥٥	﴿مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذَكَرَ فِيهَا اسْمُهُ...﴾
٢٥٩	﴿وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ...﴾
٢٦١	﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَيْكُمْ عَذَابُهُ بَيَاتاً أَوْ نَهَاراً مَاذَا يَسْتَعْجِلُ مِنْهُ الْمُجْرِمُونَ﴾
٢٧٣	﴿جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقاً﴾
٣٠٠	﴿جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ...﴾
٣٠٠	﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْراً وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ﴾

- ٣٠٠ ..... ﴿مَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ﴾
- ٣١٤ ..... ﴿فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ...﴾
- ٣١٩ ..... ﴿أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا...﴾
- ٣٢٠ ..... ﴿بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾
- ٣٢٠ ..... ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾
- ٣٢٦ ..... ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَزِدْكُمْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ، فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ...﴾
- ٣٣٩ ..... ﴿فَإِذَا بَرِقَ الْبَصَرُ﴾
- ٣٣٩ ..... ﴿وَخَسَفَ الْقَمَرُ﴾
- ٣٣٩ ..... ﴿وَجُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ﴾
- ٣٣٩ ..... ﴿يَقُولُ الْإِنْسَانُ يُؤْمِنُ بِأَيِّ الْمَفْعُورِ﴾
- ٣٤٠ ..... ﴿كَلَّا لَا وَزَرَ﴾
- ٣٤٠ ..... ﴿هَلْ أَتَيْكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ﴾
- ٣٤٠ ..... ﴿هَلْ أَتَيْكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ﴾
- ٣٤٠ ..... ﴿وَجُودٌ يُؤْمِنُ خَاشِعَةً﴾
- ٣٤٠ ..... ﴿تَضَلَّى نَارًا حَامِيَةً﴾
- ٣٤٠ ..... ﴿أَقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُعْرِضُونَ﴾
- ٣٤٠ ..... ﴿وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا﴾
- ٣٤١ ..... ﴿إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً، فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ﴾
- ٣٤٣ ..... ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى﴾
- ٣٤٣ ..... ﴿وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى﴾
- ٣٤٣ ..... ﴿وَبَرَزُوا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ﴾
- ٣٤٤ ..... ﴿وَعَدَ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ﴾
- ٣٤٤ ..... ﴿وَيَوْمَئِذٍ يُفْرِحُ الْمُؤْمِنُونَ بِنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ﴾
- ٣٤٨ ..... ﴿أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ﴾
- ٣٤٩ ..... ﴿لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلِنُكْرِهٍ الْمُشْرِكُونَ﴾
- ٣٥٠ ..... ﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ﴾
- ٣٥٠ ..... ﴿وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾
- ٣٥٠ ..... ﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ﴾



- ۳۵۰ ..... ﴿مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ﴾
- ۳۵۰ ..... ﴿رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً﴾
- ۳۵۱ ..... ﴿حَتَّىٰ إِذَا أَذْرَكَهُ الْفَرَقُ قَالَ آمَنْتُ أَنَّهُ لِإِلَهِ إِلَّا الَّذِي آمَنْتُ بِهِ...﴾
- ۳۵۱ ..... ﴿قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ آمَنَّا بِاللَّهِ وَأَشْهَدُ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ﴾
- ۳۵۱ ..... ﴿وَلَهُ اسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ﴾
- ۳۵۲ ..... ﴿إِنَّا هَدَيْنَا إِلَيْكَ﴾
- ۳۵۲ ..... ﴿نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ﴾
- ۳۵۷ ..... ﴿إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ...﴾
- ۳۵۸ ..... ﴿وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ، إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا﴾
- ۳۵۹ ..... ﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ...﴾
- ۳۵۹ ..... ﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ...﴾
- ۳۶۴ ..... ﴿بَقِيَّةَ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾
- ۳۷۷ ..... ﴿يُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ﴾
- ۳۷۷ ..... ﴿جَهَنَّمَ يَضَلُّونَهَا وَيَسَّ الْقَرَارُ﴾
- ۳۸۲ ..... ﴿وَإِذْ قُلْنَا لَكَ إِنَّ رَبَّكَ أَحَاطَ بِالنَّاسِ وَمَا جَعَلْنَا الرِّءُوسَ الَّتِي...﴾
- ۳۹۲ ..... ﴿وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ، الْآلِيُومِينَ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِدًا﴾
- ۳۹۶ ..... ﴿وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ...﴾
- ۳۹۸ ..... ﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا...﴾
- ۳۹۸ ..... ﴿قَالَ مَا مَنَعَكَ أَلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي...﴾
- ۳۹۹ ..... ﴿فَأَمِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَاخْرُجْ إِنَّكَ مِنَ الصَّاغِرِينَ﴾
- ۳۹۹ ..... ﴿أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ﴾
- ۳۹۹ ..... ﴿إِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ﴾
- ۳۹۹ ..... ﴿فَبِمَا أَعْوَيْتَنِي لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ﴾
- ۳۹۹ ..... ﴿ثُمَّ لَأَيْتَنَّهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَ مِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ...﴾
- ۴۰۰ ..... ﴿أَخْرَجَ مِنْهَا مَذْمُومًا مَذْحُورًا لَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ لَأَمْلَأَنَّ...﴾
- ۴۰۰ ..... ﴿وَإِنَّ عَلَيْكَ اللَّعْنَةَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ﴾
- ۴۰۰ ..... ﴿إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ﴾
- ۴۰۲ ..... ﴿وَ أُخْرَى تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَ فَتْحٌ قَرِيبٌ وَ بَشْرٌ الْمُؤْمِنِينَ﴾

## فهرست احاديث و روايات

- ١٦ ..... «رَأَيْتُ عَلَى كُلِّ وَرَقَةٍ مِنْ أَوْراقِهَا مَلِكاً قائِماً يُسَبِّحُ اللهُ تَعَالَى».....
- ١٦ ..... «انْتَهَيْتُ إِلَى سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى، وَإِذَا الْوَرَقَةُ مِنْهَا تَطْفُلُ أُمَّةً مِنَ الْأُمَّةِ».....
- ١٧ ..... «يَا رَبِّ أَيُّ الْأَعْمَالِ أَفْضَلُ».....
- ١٧ ..... «لَيْسَ شَيْءٌ عِنْدِي أَفْضَلُ مِنَ التَّوَكُّلِ عَلَى، وَالرِّضَا بِمَا قَسَمْتُ، يَا مُحَمَّدًا!...».....
- ٢٠ ..... «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ...».....
- ٢٠ ..... «إِظْهَرِ ذَلِكَ».....
- ٢٠ ..... «كَلًّا؛ فَوَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ حَتَّى لَا يَبْقَى قَرْيَةٌ إِلَّا وَ يُنَادِي فِيهَا بِشَهَادَةٍ...».....
- ٢٠ ..... «إِنَّ ذَلِكَ يَكُونُ عِنْدَ خُرُوجِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ فَلَا يَبْقَى أَحَدًا إِلَّا إِقْرَبَ بِمُحَمَّدٍ».....
- ٢١ ..... «لَوْلَاكَ لَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلاكَ».....
- ٢١ ..... «وَلَوْلَا عَلِيٌّ لَمَا خَلَقْتُكَ».....
- ٢١ ..... «وَلَوْلَا فَاطِمَةُ لَمَا خَلَقْتُكُمَا».....
- ٢٢ ..... «لَمَّا عُرِجَ بِي إِلَى السَّمَاءِ نَظَرْتُ إِلَى سَاقِ الْعَرْشِ فَإِذَا مَكْتُوبٌ بِالنُّورِ...».....
- ٢٤ ..... «السَّلَامُ عَلَى الْمَهْدِيِّ الَّذِي وَعَدَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ بِهِ الْأُمَّةَ أَنْ يَجْمَعَ بِهِ الْكَلِمَ وَيَلْمَهُ...».....
- ٣٥ ..... «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ».....
- ٣٦ ..... «لَبَيْتِكَ يَا رَبِّي وَ سَعْدَيْكَ، تَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ».....
- ٤٣ ..... «أَلَيْسَ مُحَمَّدٌ نَبِيِّكُمْ».....
- ٤٣ ..... «أَلَيْسَ عَلِيُّ بِأَمِيرِكُمْ».....
- ٤٤ ..... «كَانَ الْمِشَاقُ مَا أَخُوذًا عَلَيْهِمُ اللهُ بِالرُّبُوبِيَّةِ وَلِرَسُولِهِ بِالنُّبُوَّةِ وَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ...».....
- ٤٤ ..... «وَلَايَةُ عَلِيٍّ مَكْتُوبٌ فِي جَمِيعِ صُحُفِ الْأَنْبِيَاءِ، وَلَنْ يَبْعَثَ اللهُ نَبِيًّا إِلَّا...».....

- ٤٥ ..... «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلِيٌّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَلِيُّ اللَّهِ»
- ٤٥ ..... «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى حَيْثُ خَلَقَ الْخَلْقَ خَلَقَ مَاءَ عَذْبًا وَمَاءَ مَالِحًا أَجَا جَاءَ...»
- ٤٧ ..... «الْحَجَرُ الْأَسْوَدُ يَمِينُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ»
- ٤٧ ..... «عَلَّةُ إِسْتِلَامِ الْحَجَرِ، أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمَّا أَخَذَ مَوَاقِيقَ بَنِي آدَمَ...»
- ٤٨ ..... «كَيْفَ الطَّرِيقُ إِلَى مَعْرِفَةِ الْحَقِّ»
- ٤٨ ..... «مَعْرِفَةُ النَّفْسِ»
- ٤٨ ..... «أَفْضَلُ الْمَعْرِفَةِ مَعْرِفَةُ الْإِنْسَانِ نَفْسَهُ»
- ٤٨ ..... «أَصْلُ الْإِنْسَانِ لُبُّهُ وَعَقْلُهُ دِينُهُ وَمَرْوَتُهُ حَيْثُ يَجْعَلُ لِنَفْسِهِ»
- ٤٨ ..... «قِيَمَةُ كُلِّ أَمْرٍ مَا يُحْسِنُهُ»
- ٥١ ..... «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَوْحَى إِلَيَّ لَيْلَةَ أُسْرِي بِي: يَا مُحَمَّدُ، مَنْ خَلَقْتَ فِي الْأَرْضِ...»
- ٥٣ ..... «يَعْنِي بِمَوْتِهَا كُفْرَ أَهْلِهَا؛ وَالْكَافِرُ مَيِّتٌ يُخَيِّبُهَا اللَّهُ بِالْقَائِمِ فَيُعْدِلُ...»
- ٥٤ ..... «هَلْ مِنْ نَاصِرٍ يَنْصُرُونِي»
- ٥٥ ..... «إِنَّ الْإِسْلَامَ بَدَأَ غَرِيبًا، وَسَيَعُودُ غَرِيبًا كَمَا بَدَأَ فَطُوبَى لِلْغُرَبَاءِ»
- ٥٦ ..... «هَلْ مِنْ نَاصِرٍ يَنْصُرُونِي»
- ٥٧ ..... «بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ»
- ٦٢ ..... «سَيَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ، وَيَمْلِكُ مَنْ هُوَ بَيْنَهُمْ غَرِيبٌ...»
- ٦٥ ..... «لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَقُومَ قَائِمٌ لِلْحَقِّ مِنَّا، وَذَلِكَ حِينَ يَأْذَنُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ...»
- ٦٥ ..... «هُوَ ابْنُ سَيِّدَةِ الْأَمَاءِ»
- ٦٥ ..... «هُوَ مِنْ وُلْدِي وَوَلَدُهُ يَزْدَجِرُذُ بْنُ شَهْرِيَّارَ»
- ٦٦ ..... «الْمَهْدِيُّ مِنْ هِشْرَتِي مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ يَقَاتِلُ عَلِيَّ سُنَّتِي كَمَا قَاتَلْتُ أَنَا عَلِيَّ الْوَحْيِ»
- ٦٦ ..... «مِنْ هَذَا مَهْدِيِّ هَذِهِ الْأُمَّةِ... لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَقُومَ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ...»
- ٦٦ ..... «مِنْهُمَا مَهْدِيُّ هَذِهِ الْأُمَّةِ»
- ٦٧ ..... «وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ، إِنَّ مِنْهُمَا مَهْدِيَّ هَذِهِ الْأُمَّةِ إِذَا ضَارَتِ الدُّنْيَا...»
- ٦٧ ..... «اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَ وَلِيِّكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ وَاجْعَلْ فَرَجَنَا مَعَ فَرَجِهِمْ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»
- ٧٤ ..... «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ»
- ٨٠ ..... «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ وَأَنَّ أَبِي أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَلِيُّ اللَّهِ...»
- ٨٠ ..... «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ»

- فهرست احاديث و روايات ..... ٢٢٣
- ٨٠ «اللَّهُمَّ أَنْجِزْ لِي وَهْدِي وَأْتِمِّمْ لِي أَمْرِي وَثَبِّتْ وَطَأْيِي وَأَمْلَأْ الْأَرْضَ بِبِي عَدْلًا وَقِسْطًا».....
- ٨٧ «مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ سَمَانِي فِي مَجْمَعٍ مِنَ النَّاسِ بِاسْمِي».....
- ٨٧ «الْخَلْفُ مِنْ بَعْدِي ابْنِي الْحَسَنُ. فَكَيْفَ بِكُمْ بِالْخَلْفِ بَعْدَ الْخَلْفِ؟».....
- ٨٨ «إِنْ دَلَلْتَهُمْ عَلَى الْإِسْمِ أَذَاهُؤُهُ وَإِنْ عَرَفُوا الْمَكَانَ دَلُّوا عَلَيْهِ».....
- ٩٧ «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ».....
- ٩٩ «تَوَاتَرَتِ الْأَخْبَارُ وَاسْتَفَاضَتْ، بِكَثْرَةِ رَوَاتِبِهَا عَنْ الْمُصْطَفَى فِي أَمْرِ الْمَهْدِيِّ».....
- ١٠٦ «الْمَهْدِيُّ مِنَّا أَهْلُ الْبَيْتِ يُضْلِحُهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِي لَيْلَةٍ».....
- ١٠٦ «السَّلَامُ عَلَى الْمَهْدِيِّ الَّذِي وَعَدَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِهِ الْأُمَّةَ أَنْ يَجْمَعَ بِهِ الْكَلِمَ».....
- ١٠٧ «الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي، وَجَهَةٌ كَالْقَمَرِ الدُّرِيِّ، أَلْوَنُ لَوْنِ عَرَبِيٍّ».....
- ١٠٧ «فِي شَعْرِهِ قَطَطٌ أَفْرَقَ الشَّيَاطِينَ، أَبْلَجُهَا، وَاضِحُ الْجَبِينِ».....
- ١٠٧ «الْمَهْدِيُّ أَتْبَلُ أَجْعَدُ، هُوَ صَاحِبُ الْوَجْهِ الْأَقْمَرِ، وَالْجَبِينِ الْأَزْهَرِ».....
- ١٠٧ «الْمَهْدِيُّ طَاوُوسٌ أَهْلُ الْجَنَّةِ وَجَهَةٌ كَالْقَمَرِ الدُّرِيِّ عَلَيْهِ».....
- ١٠٨ «لَمْ أَزُقْ فِي حُسْنِ صُورَتِهِ وَاعْتِدَالِ قَامَتِهِ».....
- ١٠٨ «هُوَ شَبِيهُهُ وَشَبِيهُهُ مُوسَى بْنُ هِزْرَانَ عَلَيْهِ جَلَابِيبُ النُّورِ تَتَوَقَّدُ».....
- ١٠٨ «عَلَامَتُهُ أَنْ يَكُونَ شَيْخَ السَّنِّ، شَابَّ الْمَنْظَرِ، حَتَّى أَنْ النَّاطِرَ إِلَيْهِ».....
- ١٠٩ «الْمَهْدِيُّ خَاشِعٌ لِلَّهِ كَخُشُوعِ النَّسْرِ لِجَنَاحِهِ».....
- ١٠٩ «يَكُونُ أَوْلَى بِالنَّاسِ مِنْ أَنْفُسِهِمْ، وَأَشْفَقَ عَلَيْهِمْ مِنْ آبَائِهِمْ وَأُمَّهَاتِهِمْ».....
- ١٠٩ «يَكُونُ أَهْلَمَ النَّاسِ، وَأَحْكَمَ النَّاسِ، وَأَتَمَّ النَّاسِ، وَأَحْلَمَ النَّاسِ».....
- ١١٠ «لَقَالَ يَسِيرٌ بِسِيرَةٍ مَا سَارَ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ حَتَّى يَظْهَرَ الْإِسْلَامَ. قُلْتُ...».....
- ١١٠ «يَكُونُ مِنَ اللَّهِ عَلَى حَذْوٍ، لَا يَغْتَرُّ بِقَرَابَةٍ وَلَا يَضَعُ حَجْرًا عَلَى حَجْرٍ».....
- ١١١ «يَبْلُغُ رَدَّ الْمَهْدِيِّ الْمَطَالِمَ حَتَّى وَلَوْ كَانَ تَحْتَ ضِرْسِ إِنْسَانٍ شَيْءٌ انْتَرَعَهُ حَتَّى يَرُدَّهُ».....
- ١١١ «تَعْرِفُونَ الْمَهْدِيَّ بِالسُّكِينَةِ وَالْوَقَارِ وَبِمَعْرِفَةِ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ».....
- ١١١ «الْمَهْدِيُّ سَمِحٌ بِالْمَالِ، شَدِيدٌ عَلَى الْعَمَالِ رَحِيمٌ بِالْمَسَاكِينِ».....
- ١١١ «يَطْلُبُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ: مَنْ يَصِلُهُ بِمَالِهِ وَيَأْخُذُ مِنْ زَكَاةِهَا لَا يُوجَدُ أَحَدٌ يَقْبَلُ».....
- ١١٢ «يَأْوِي إِلَى الْمَهْدِيِّ أُمَّةٌ كَمَا تَأْوِي النَّحْلُ إِلَى يَفْسُوبِهَا، وَيَسْتَظِيرُ الْعَدْلُ».....
- ١١٢ «هُوَ الَّذِي يَجْمَعُ الْكَلِمَ وَيَتِمُّ النِّعَمَ، وَيُجِئُ اللَّهُ بِهِ الْحَقَّ وَيُزْهِقُ الْبَاطِلَ».....
- ١١٢ «فَعِنْدَ ذَلِكَ تَفْرَحُ الطُّيُورُ فِي أَوْكَارِهَا وَالْحَيْثَانُ فِي بَحَارِهَا وَتَفِيضُ الْعَيُونُ».....

- ١١٣ ..... «وَلَا يَبْقَى مُؤْمِنٌ مَيِّتٌ إِلَّا دَخَلَتْ عَلَيْهِ تِلْكَ الْفَرَحَةُ فِي قَبْرِهِ».....
- ١١٣ ..... «وَلَا يَكُونُ مُلْكٌ إِلَّا لِلْإِسْلَامِ وَتَكُونُ الْأَرْضُ كَفَاتُورِ الْفِضَّةِ».....
- ١١٤ ..... «الْقَائِمُ مِنْ وَوَلَدِي إِسْمُهُ إِسْمِي وَكُنْيَتُهُ كُنْيَتِي وَشِمَائِلُهُ شِمَائِلِي وَسُنَّتُهُ...».....
- ١١٤ ..... «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَيُضْلِحُ أَمْرَهُ فِي أَمْرَةٍ فِي لَيْلَةٍ وَاحِدَةٍ، كَمَا أَضْلَحَ...».....
- ١١٧ ..... «...إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَدَارَ فِي الْقَائِمِ مِثْلًا ثَلَاثَةَ أَدَارَهَا لِثَلَاثَةِ مِنَ الرُّسُلِ: قَدَّرَ...».....
- ١١٧ ..... «فِي الْقَائِمِ مِثْلًا سُنَّ مِنْ سُنَنِ الْأَنْبِيَاءِ... فَأَمَّا مِنْ آدَمَ وَمِنْ نُوحٍ فَطَوَّلَ الْعُمُرَ».....
- ١١٧ ..... «إِنَّ وَلِيَّ اللَّهِ يُعَمِّرُ: عُمُرَ إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلِ عِشْرِينَ وَمِائَةَ سَنَةٍ...».....
- ١١٩ ..... «مَنْ كَذَّبَ بِالْمَهْدِيِّ فَقَدْ كَفَرَ».....
- ١٢٤ ..... «وَأَمَّا الْعَبْدُ الصَّالِحُ الْخَضِرُ، فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مَا طَوَّلَ عُمُرَهُ...».....
- ١٢٥ ..... «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي آرْضِهِ».....
- ١٢٩ ..... «أَيْنَ الْمُضْطَرُّ الَّذِي يُجَابُ إِذَا دَعَى».....
- ١٣٦ ..... «لَبَيْتِكَ يَا رُوحَ اللَّهِ وَكَلِمَتَهُ».....
- ١٣٨ ..... «الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ مِنْ وَوَلَدِي إِسْمُهُ إِسْمِي وَكُنْيَتُهُ كُنْيَتِي؛ أَشْبَهُ النَّاسِ بِي خَلْقًا وَخُلُقًا...».....
- ١٣٨ ..... «أَوْلْنَا مُحَمَّدًا وَآخِرْنَا مُحَمَّدًا وَأَوْسَطْنَا مُحَمَّدًا وَكُلْنَا مُحَمَّدًا فَلَا تَفْرُقُوا بَيْنَنَا».....
- ١٣٩ ..... «لَا يَزَالُ هَذَا الدِّينُ قَائِمًا إِلَى اثْنَيْ عَشَرَ مِنْ قَرْنَيْهِ فَإِذَا مَضَوْا سَاخَتِ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا».....
- ١٣٩ ..... «السَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا رَسُولِ اللَّهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ وَ...».....
- ١٣٩ ..... «أَوَّلُ مَا يَبْدَأُ الْقَائِمُ بِأَنْطَاكِيَّةَ، فَيَسْتَخْرِجُ مِنْهَا التُّورَةَ مِنْ غَارٍ فِيهِ عَصَا...».....
- ١٤٠ ..... «يُظْهِرُ عَلَى يَدَيْهِ ثَابُوتَ السَّكِينَةِ مِنْ بُحَيْرَةِ طَبْرِيَّةَ، يُحْمَلُ فَيُوضَعُ...».....
- ١٤١ ..... «إِنَّ الْمَهْدِيَّ يَسْتَخْرِجُ كُتُبًا مِنْ غَارِ أَنْطَاكِيَّةَ وَيَسْتَخْرِجُ الرَّبُورَ مِنْ بُحَيْرَةِ...».....
- ١٤١ ..... «كَانَتْ عَصَا مُوسَى قَضِيبَ آسٍ مِنْ: الْجَنَّةِ، أَتَاهُ بِهِ جِبْرَائِيلُ لَمَّا تَوَجَّهَ...».....
- ١٤١ ..... «كَانَتْ عَصَا مُوسَى لِآدَمَ، فَصَارَتْ إِلَى شَعِيبٍ، ثُمَّ صَارَتْ إِلَى مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ...».....
- ١٤٢ ..... «رَأَيْتُهُ مِرْطًا مُخْمَلَةً سَوْدَاءَ، مُرَبَّعَةً فِيهَا جَمَمٌ، لَمْ تُنْشَرْ مُنْذُ تُوُفِّي رَسُولِ اللَّهِ...».....
- ١٤٢ ..... «إِنَّ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ رَايَةً، مَنْ تَقَدَّمَهَا سُرِقَ، وَمَنْ تَأَخَّرَ عَنْهَا زَهَقَ، وَمَنْ...».....
- ١٤٢ ..... «فَإِذَا هَزَّ رَايَتَهُ أَضَاءَ لَهَا مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ، وَوَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى...».....
- ١٤٣ ..... «إِنَّهُ يَخْرُجُ مَوْتُورًا غَضْبَانَ أَسْفًا لِعُضْبِ اللَّهِ عَلَى هَذَا الْخَلْقِ، عَلَيْهِ...».....
- ١٤٣ ..... «حِلْيَةَ بَيْتِ الْمَقْدِسِ، وَالثَّابُوتَ الَّذِي فِيهِ السَّكِينَةُ، وَمَائِدَةً...».....
- ١٤٣ ..... «يَسْتَخْرِجُ الْكُنُوزَ، وَيَفْتَحُ مَدَائِنَ الشُّرُوكِ».....

- فهرست احاديث و روايات ..... ٢٢٥
- ١٤٤ ..... «بَلْ هُوَ دَائِمٌ أَبَدًا وَمَلِكٌ لَا يَنْفَدُ وَحُكْمٌ لَا يَنْقَطِعُ وَأَمْرٌ لَا يَنْطَلُ إِلَّا بِاخْتِيَارِ اللَّهِ...»
- ١٤٤ ..... «يَمُكُّكَ عَلَى ذَلِكَ سَبْعَ سِنِينَ. تَطُولُ لَهُ الْأَيَّامُ وَاللَّيَالِي حَتَّى تَكُونَ السَّنَةُ...»
- ١٤٤ ..... «يَكُونُ فِي أُمَّتِي الْمَهْدِيُّ، إِنْ طَالَ عُمُرُهُ أَوْ قَصُرَ، مَلَكَ سَبْعَ سِنِينَ، أَوْ ثَمَانٍ...»
- ١٤٥ ..... «يَمْلُكَ سَبْعًا وَعَشْرًا وَالسَّنَةُ مِنْ سِنِيهِ تَكُونُ بِمِقْدَارِ عَشْرِ سِنِينَ...»
- ١٤٥ ..... «يَمْلُكَ الْقَائِمُ تِسْعَ عَشْرَةَ سَنَةً وَأَشْهُرًا...»
- ١٤٥ ..... «يَمُكُّكَ الْمَهْدِيُّ فِيهِمْ تِسْعًا وَثَلَاثِينَ سَنَةً، يَقُولُ الصَّغِيرُ: يَا لَيْتَنِي كَبُرْتُ!...»
- ١٤٥ ..... «فَيَمُكُّكَ فِي الْأَرْضِ أَرْبَعِينَ سَنَةً...»
- ١٤٥ ..... «يَمْلُكَ سَبْعِينَ سَنَةً...»
- ١٤٥ ..... «إِنَّ الْقَائِمَ يَمْلُكَ ثَلَاثِينَ وَتِسْعَ سِنِينَ، كَمَا لَيْتَ أَهْلَ الْكَهْفِ...»
- ١٤٥ ..... «يَأْمُرُ اللَّهُ تَعَالَى الْفَلَكَ بِاللُّبُوثِ وَقِلَّةِ الْحَرَكَةِ، فَتَطُولُ الْأَيَّامُ لِذَلِكَ وَالسَّنُونَ...»
- ١٤٦ ..... «لَا يَخْرُجُ الْقَائِمُ إِلَّا فِي وَثَرٍ مِنْ السَّنِينَ. سَنَةٌ إِحْدَى أَوْ ثَلَاثٌ...»
- ١٤٦ ..... «وَتُشْرِقُ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا، وَيَبْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ...»
- ١٤٦ ..... «هَذَا مَوْضِعُ مَنْزِلِ الْقَائِمِ...»
- ١٤٦ ..... «دَارُ مَلِكِهِ الْكُوفَةُ، وَمَجْلِسُ حُكْمِهِ جَامِعُهَا، وَيَبْنِي سَكْنِيهِ، وَيَبْنِي مَالِهِ...»
- ١٤٧ ..... «دَوْلَتُهُ آخِرُ الدَّوَلِ وَخَيْرُ الدَّوَلِ تَغْفُبُ جَمِيعَ الْمُلُوكِ بِحَيْثُ لَمْ يَبْقَ أَهْلٌ...»
- ١٤٧ ..... «فَإِذَا تَمَّ الْأَمْرُ أَتَى الْحُجَّةَ الْمَوْتُ، فَفَتَلَّتْهُ امْرَأَةٌ مِنْ بَنِي تَمِيمٍ...»
- ١٤٧ ..... «إِنْتِهَاءُ مَلِكِهِ مِنْ أَشْرَاطِ السَّاعَةِ، إِذْ جَاءَ فِي الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ...»
- ١٤٧ ..... «هُوَ الْمَهْدِيُّ، يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَبَعْدَ خُرُوجِهِ يَكُونُ قِيَامُ السَّاعَةِ وَ...»
- ١٤٨ ..... «نَحْنُ وَوَلَاةُ أَمْرِ اللَّهِ وَخَزَنَةُ عِلْمِ اللَّهِ وَعَيْنُهُ وَخِي اللَّهِ...»
- ١٤٨ ..... «وَاللَّهُ إِنَّا لَخُزَانُ اللَّهِ فِي سَمَائِهِ وَأَرْضِهِ لَا عَلَى ذَهَبٍ وَلَا عَلَى فِضَّةٍ إِلَّا عَلَى عِلْمِهِ...»
- ١٤٨ ..... «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُؤْسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَكَمَلَتْ...»
- ١٤٩ ..... «الْعِلْمُ سَبْعَةٌ وَعَشْرُونَ حَرْفًا فَجَمِيعُ مَا جَاءَتْ بِهِ الرُّسُلُ حَرْفَانِ...»
- ١٤٩ ..... «سُئِلَ عَلَى عَنِ عِلْمِ النَّبِيِّ فَقَالَ: عِلْمُ النَّبِيِّ عِلْمُ جَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَعِلْمٌ...»
- ١٥٠ ..... «أَمِنُوا بِبَلِيَّةِ الْقَدْرِ، فَإِنَّهُ يُنَزَّلُ فِيهَا أَمْرُ السَّنَةِ. وَإِنَّ لِدَلِكِ وَوَلَاةً مِنْ بَعْدِي...»
- ١٥٠ ..... «يَا مَعْشَرَ الشَّيْعَةِ! خَاصِمُوا بِسُورَةِ ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾ تَمَلُّجُوا، فَوَاللَّهِ...»
- ١٥٠ ..... «... وَلَهَا نُورٌ سَاطِعٌ، فِي قَلْبِكَ وَقُلُوبِ أَوْصِيَائِكَ، إِلَى مَطْلَعِ فَجْرِ الْقَائِمِ...»
- ١٥١ ..... «لَوْ كَانَ لِأَلْسِنَتِكُمْ أَوْكِيَةٌ لَحَدَّثَ كُلُّ امْرِئٍ بِمَا لَهُ وَعَلَيْهِ...»

- ١٥١ ..... «بَعْدَ وَمَا يَنْقَطِعُ الْوَحْيَ وَلَا يَنْقَطِعُ الْمُبَشِّرَاتُ».
- ١٥١ ..... «الرُّؤْيَا الصَّالِحَةُ يَرَاهَا الْمَرْءُ الصَّالِحُ أَوْ يَرَاهَا لَهُ».
- ١٥١ ..... «الرُّؤْيَا الصَّالِحَةُ جُزْءٌ مِنْ سِتَّةٍ وَأَرْبَعِينَ جُزْءًا مِنَ النَّبُوءَةِ».
- ١٥١ ..... «إِنَّ الرُّؤْيَا الصَّادِقَةَ جُزْءٌ سَبْعِينَ جُزْءًا مِنَ النَّبُوءَةِ».
- ١٥٧ ..... «لَا يَطَّلِعُ عَلَى مَوْضِعِهِ أَحَدٌ مِنْ وَلِيِّ وَلَا خَيْرِهِ، إِلَّا الَّذِي يَلِي أَمْرَهُ».
- ١٥٧ ..... «لَا بُدَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ مِنْ عَزَلَةٍ، وَلَا بُدَّ لِي عَزَلَتِهِ مِنْ قُوَّةٍ، وَمَا بِثَلَاثِينَ...».
- ١٥٧ ..... «إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ بَيْتًا، يُقَالُ لَهُ: بَيْتُ الْحَمْدِ، لِيهِ سِرَاجٌ يُزْهِرُ...».
- ١٥٧ ..... «كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا بَقِيتُمْ بِلا إِمَامٍ هَدَى وَلَا عِلْمٍ يَرَى...؟».
- ١٥٨ ..... «لِلْقَائِمِ خَبِيثَانِ: إِخْذَاهُمَا صَغِيرَةٌ وَالْأُخْرَى طَوِيلَةٌ. فَالْأُولَى لَا يَغْلَمُ...».
- ١٥٨ ..... «اللَّهُمَّ اخْجِبْنِي عَنْ عِيُونِ أَهْدَانِي وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ أَوْلِيَائِي».
- ١٦١ ..... «... يَا عِيسَى مَا كَانَ لَكَ أَنْ تَرَانِي كَوْلَا الْمُكْذِبُونَ الْفَائِلُونَ بِأَيْنَ هُوَ؟...».
- ١٦١ ..... «مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ أَحْرَزَ الْعِشَاءَ حَتَّى تَشْتَبِكَ النُّجُومُ! مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ...».
- ١٦١ ..... «اللَّهُمَّ اجْزُلِي مَا وَعَدْتَنِي».
- ١٦١ ..... «اللَّهُمَّ انْتَقِمْ مِنِّي مِنْ أَهْدَانِي».
- ١٦٧ ..... «كَلِمَاتُ الْأِمَامِ زَيْعٌ مِنَ الْأَرْضِ سَاعَةً كَسَاعَتِ بِأَهْلِهَا وَمَا جِثَتْ كَمَا يَمْوُجُ الْبَحْرُ بِأَهْلِهِ».
- ١٦٧ ..... «وَلَيْ لَأَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ».
- ١٦٧ ..... «بِقَائِهِ بَقِيَّتِ الدُّنْيَا وَرِزْقُ الْوَرَى وَيُوجِدُهُ قَبَّتِ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ».
- ١٦٨ ..... «إِنَّ خُلَفَائِي وَأَوْصِيَائِي وَخُجَّجَ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ بَعْدِي، الْأَثْنَا عَشَرَ...».
- ١٦٨ ..... «الْمُقَرَّبِينَ مَوْتِينَ وَالْمُنْكَرِ لَهُمْ كَافِرًا».
- ١٦٨ ..... «إِنَّ هَذَا أَمْرٌ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ. وَسِرٌّ مِنْ سِرِّ اللَّهِ. جِلْتَةُ تَطَوُّيَّةٍ عَنْ حِبَابِ اللَّهِ...».
- ١٦٨ ..... «قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: وَأَعْطَيْتُكَ يَا مُحَمَّدٌ مَنْ أَخْرَجَ مِنْ صُلْبِي...».
- ١٦٩ ..... «لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ. لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ، حَتَّى يَمْلِكَ...».
- ١٦٩ ..... «إِلَى اللَّهِ أَشْكُو الْمُكْذِبِينَ لِي فِي أَمْرِهِ، وَالْجَاحِدِينَ لِقَوْلِي فِي شَأْنِهِ...».
- ١٧٠ ..... «مَنْ أَنْكَرَ خُرُوجَ الْمَهْدِيِّ فَقَدْ كَفَرَ بِمَا أَنْزَلَ عَلَى مُحَمَّدٍ».
- ١٧٠ ..... «مَنْ أَنْكَرَ الْقَائِمَ مِنْ وُلْدِي أَفْنَاءَ خَبِيثَةٍ، مَاتَ مَيْتَةً جَاهِلِيَّةً».
- ١٧٠ ..... «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ فَلَيْمَتْ إِنْ شَاءَ يَهُودِيًّا وَإِنْ شَاءَ نَصْرَانِيًّا».
- ١٧٠ ..... «مَنْ أَصْبَحَ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ لَا إِمَامَ لَهُ مِنَ اللَّهِ، أَصْبَحَ نَائِبًا مَتَّحِرًا طَالًا...».

- فهرست احاديث و روايات ..... ٤٢٧
- ١٧٠ ..... «وَمَنْ أَبْغَضَنَا وَرَدَّنَا أَوْرَدًا وَاحِدًا مِنَّا، فَهُوَ كَافِرٌ بِاللَّهِ وَبِأَيَاتِهِ».
- ١٧٠ ..... «مِنَ الْمُخْتَوِّمِ الَّذِي حَتَمَهُ اللَّهُ، قِيَامُ قَائِمِنَا. فَمَنْ شَكَّ فِيْنَا أَقْوَلُ، لَقِيَ اللَّهَ ...».
- ١٧١ ..... «إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ بَعَثَ مُحَمَّدًا إِلَى النَّاسِ أَجْمَعِينَ رَسُولًا لِلَّهِ وَحُجَّةً ...».
- ١٧٢ ..... «لَا بُدَّ لِلْغُلَامِ مِنَ غَيْبَةٍ... يُخَافُ فِيهَا الْقَتْلَ».
- ١٧٢ ..... «لَهُ غَيْبَةٌ يَطْوُلُ أَمَدُهَا، خَوْفًا عَلَى نَفْسِهِ مِنَ الْقَتْلِ، يَزْتَدُّ فِيهَا قَوْمٌ وَيَشْبُثُ آخَرُونَ».
- ١٧٣ ..... «لَيَغَيَّبَنَّ عَنْهُمْ حَتَّى يَقُولَ الْجَاهِلُ: مَا لِلَّهِ فِي آلِ مُحَمَّدٍ حَاجَةٌ».
- ١٧٥ ..... «وَاللَّهُ لَتَمَيِّزَنَّ، وَاللَّهُ لَتَمَحْصُنَّ، وَاللَّهُ لَتُغْرَبَنَّ كَمَا يُغْرَبُ الرُّؤَانُ مِنَ الثَّمْحِ».
- ١٧٥ ..... «وَاللَّهُ لَتُكْسِرَنَّ كَسْرَ الرُّجَاجِ! وَإِنَّ الرُّجَاجَ يُعَادُ فَيَعُودُ كَمَا كَانَ ...».
- ١٧٥ ..... «وَحَتَّى لَا يَبْقَى مِنْكُمْ إِلَّا كَالْكُخْلِ فِي الْعَيْنِ! هَيْهَاتَ، هَيْهَاتَ ...».
- ١٧٦ ..... «وَلَيَبْعَثَنَّ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ وُلْدِي يُطَالِبُ بِدِمَائِنَا، وَلَيَغَيَّبَنَّ عَنْهُمْ تَمَيِّزًا لِأَهْلِ الصَّلَاةِ ...».
- ١٧٦ ..... «وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ بَشِيرًا، إِنَّ الثَّابِتِينَ عَلَى الْقَوْلِ بِهِ زَمَانَ غَيْبَتِهِ ...».
- ١٧٦ ..... «إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً لَا بُدَّ مِنْهَا يَرْتَابُ فِيهَا كُلُّ مُبْطِلٍ ...».
- ١٧٧ ..... «إِنَّ الْإِمَامَ بَعْدِي أَبِي، أَمْرُهُ أَمْرِي، وَقَوْلُهُ قَوْلِي، وَطَاعَتُهُ طَاعَتِي. وَالْإِمَامُ ...».
- ١٧٧ ..... «فِي الْقَائِمِ مِثْلُ مَا سُنَّ مِنْ مِثْلِ الْأَنْبِيَاءِ سَنَةً مِنْ آدَمَ سُنَّةً مِنْ نُوحٍ ...».
- ١٧٨ ..... «وَأَمَّا عَلَّةٌ مَا وَقَعَ مِنَ الْغَيْبَةِ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ».
- ١٨٠ ..... «يَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ السَّمْرِيُّ، عَظَّمَ اللَّهُ أَجْرَ إِخْوَانِكَ فِيكَ، فَإِنَّكَ مَيِّتٌ ...».
- ١٨٢ ..... «الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي إِسْمُهُ إِسْمِي وَكُنْيَتُهُ كُنْيَتِي؛ أَشْبَهُ النَّاسِ بِي خَلْقًا وَخُلُقًا ...».
- ١٨٤ ..... «إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً، فَلْيَسْتَقِ اللَّهَ عَبْدًا، وَلْيَتَمَسَّكَ بِدِينِهِ ...».
- ١٨٥ ..... «لَا يَنْجُوا مِنْهَا إِلَّا مَنْ دَعَا دُعَاءَ الْغَرِيقِ».
- ١٨٥ ..... «يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّثْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ».
- ١٩٠ ..... «أَيَّامُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ ثَلَاثَةٌ يَوْمَ يَقُومُ الْقَائِمُ وَيَوْمَ الْكُرَّةِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ».
- ١٩٣ ..... «وَاللَّهُ مَا نَزَلَ تَأْوِيلُهَا بَعْدُ، وَلَا يَنْزِلُ تَأْوِيلُهَا حَتَّى يَخْرُجَ الْقَائِمُ، فَإِذَا ...».
- ١٩٨ ..... «إِنَّ لَنَا يَوْمًا يَخْسَرُ فِيهِ الْمُبْطِلُونَ».
- ٢٠٠ ..... «أَوَّلُ مَنْ يُحْكَمُ فِيهِمْ مُحْسِنُ بْنُ عَلِيٍّ وَفِي قَاتِلِهِ، ثُمَّ فِي قُنْفُذٍ ...».
- ٢٠١ ..... «يَوْمَ تُفْتَحُ الدُّنْيَا عَلَى الْقَائِمِ، وَلَا يَنْفَعُ أَحَدًا تَقَرُّبُ بِالْإِيمَانِ مَا لَمْ يَكُنْ ...».
- ٢٠١ ..... «إِذَا قَامَ أَبِي الْمُؤْمِنِينَ فِي قَبْرِهِ، فَيُقَالُ لَهُ: يَا هَذَا إِنَّهُ قَدْ ظَهَرَ صَاحِبُكَ، فَإِنْ تَشَأْ ...».
- ٢٠٤ ..... «إِذَا آنَ قِيَامَةُ مَطَرِ النَّاسِ جَمَادَى الْآخِرَةِ، وَعَشْرَةَ أَيَّامٍ مِنْ رَجَبٍ ...».



- ٢٠٤ ..... «العَجَب، كُلُّ الْعَجَبِ بَيْنَ جُمَادَى وَرَجَبٍ».
- ٢٠٥ ..... «لَبَيْتِكَ لَبَيْتِكَ يَا ذَا عِىَ اللَّهِ».
- ٢٠٥ ..... «وَأَمْوَاتٌ يُنْشَرُونَ مِنَ الْقُبُورِ حَتَّى يَرْجِعُوا إِلَى الدُّنْيَا فَيَتَعَارَفُونَ فِيهَا».
- ٢٠٦ ..... «جَنَّبَ اللَّهُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَكَذَلِكَ مَنْ كَانَ بَعْدَهُ مِنَ الْأَوْصِيَاءِ بِالْمَكَانِ ...».
- ٢٠٨ ..... «وَاحْضُرْنِي مَعَهُ لِبَيْعَتِهِ، وَتَأْكِيدِ عَقْدِهِ، بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ ...».
- ٢١٣ ..... «الْأَيَاتُ كَحَزَنَاتٍ مَنْظُومَاتٍ فِي سِلْكِ، فَانْقَطَعَ السِّلْكُ يَشْبَعُ بَعْضُهَا بَعْضاً».
- ٢١٧ ..... «سَيَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يُنَالُ الْمُلْكَ فِيهِ إِلَّا بِالْقَتْلِ وَالتَّجْبِيرِ وَلَا الْغِنَى ...».
- ٢١٨ ..... «... وَيُوضَعُ الدِّينُ، وَتُرْفَعُ الدُّنْيَا».
- ٢١٨ ..... «يَأْتِي عَلَى أُمَّتِي زَمَانٌ، الصَّابِرُ مِنْهُمْ عَلَى دِينِهِ كَالْقَابِضِ عَلَى الْجَمْرِ».
- ٢١٨ ..... «كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا مَرَجَ الدِّينُ وَظَهَرَتِ الرِّغْبَةُ وَحُرِقَ الْبَيْتُ الْعَتِيقُ وَ...».
- ٢١٩ ..... «يَأْتِي عَلَى أُمَّتِي زَمَانٌ، لَا يَبْقَى مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رَسْمُهُ، وَلَا مِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا إِسْمُهُ ...».
- ٢١٩ ..... «إِذَا اسْتَحْفَفُوا بِالْقُرْآنِ، وَكَانَتْ مَسَاجِدُهُمْ مَعْمُورَةً بِالْأَذَانِ، وَقَلُوبُهُمْ ...».
- ٢١٩ ..... «إِذَا بَقِيَ الدِّينُ بَيْنَكُمْ لَغَطاً بِالسِّتِّكُمْ».
- ٢١٩ ..... «يَسْتَحْذُ الْقُرْآنُ مَزَامِيرَ، وَيُوضَعُ عَلَى الْخَانِ الْأَغَانِي، يُقْرَأُ بِالْأَخْشِيَةِ».
- ٢١٩ ..... «وَضِيَعَتِ الصَّلَوَاتُ، وَعُصِرَتِ السَّمَاوَاتُ، فَحَيْثُ تَكُونُ ...».
- ٢١٩ ..... «رَأَيْتَ النَّاسَ قَدْ اسْتَوَوْا فِي تَرْكِ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالتَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَتَرْكِ التَّدْيِينِ بِهِ».
- ٢٢٠ ..... «إِذَا كَثُرَ الْجَوْرُ وَالْفَسَادُ، وَظَهَرَ الْمُنْكَرُ وَأَمَرَ النَّاسُ بِهِ، وَنَهَوْا عَنِ الْمَعْرُوفِ ...».
- ٢٢٠ ..... «تَقْسُو الْقُلُوبُ، وَتَمْتَلِي الْأَرْضُ جَوْرًا، وَيَكْثُرُ الْقَتْلُ حَتَّى تَحْزَنَ ...».
- ٢٢٠ ..... «يَقِلُّ الْوَرَعُ، وَيَكْثُرُ الطَّمَعُ، وَيُرَى الْمُؤْمِنُ ضَامِتًا لَا يَقْبَلُ قَوْلَهُ، وَالْكَاذِبُ ...».
- ٢٢٠ ..... «إِذَا اسْتَحَلُّوا الْكَذِبَ، وَاتَّبَعُوا الْأَهْوَاءَ، وَاسْتَعْلَنَ الْفَجُورُ وَقَوْلُ الْبُهْتَانِ ...».
- ٢٢١ ..... «إِذَا كُنْتَ فِي عِشْرِينَ رَجُلًا أَوْ أَقَلَّ أَوْ أَكْثَرَ، فَتَصَفَّحْتَ وَجُوهَهُمْ فَلَمْ ...».
- ٢٢١ ..... «مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي فِتْنَةَ أَخَوَفَ مِنَ النِّسَاءِ وَالْخَمْرِ».
- ٢٢١ ..... «وَأَخَوَفُ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ فِتْنَةَ السَّرَاءِ مِنْ قِبَلِ النِّسَاءِ إِذَا تَسَوَّرْنَ الذَّهَبَ ...».
- ٢٢٢ ..... «سَيَأْتِي بَعْدِي أَقْوَامٌ، يَأْكُلُونَ طَيِّبَ الطَّعَامِ وَالْوَانِهَا، وَيَزْكَبُونَ الدَّوَابَّ ...».
- ٢٢٢ ..... «... وَرَأَيْتَ الرَّجُلَ إِذَا مَرَّ بِهِ يَوْمٌ وَلَمْ يَكْسِبْ فِيهِ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ ...».
- ٢٢٢ ..... «وَرَأَيْتَ الرَّجُلَ مَعِيشَتَهُ مِنْ بَخْسِ الْمِكْيَالِ وَالْمِيزَانِ».
- ٢٢٢ ..... «يُنْفِقُ الرَّجُلُ مِنْ مَالِهِ فِي غَيْرِ طَاعَةِ اللَّهِ، فَلَا يُنْهَى وَلَا يُؤْخَذُ عَلَيْهِ ...».

- فهرست احاديث و روايات ..... ٢٢٩
- «وَيُعَيِّرُ الرَّجُلَ عَلَى صَوْنِ النِّسَاءِ» ..... ٢٢٣
- «هَلَكَتِ الرِّجَالُ حِينَ أَطَاعَتِ النِّسَاءَ» ..... ٢٢٣
- «يُطِيعُ الرَّجُلُ زَوْجَتَهُ، وَيَعْصِي وَالِدَيْهِ، وَيَسْعَى فِي هَلَاكِ أَخِيهِ، وَيَجْفُو جَارَهُ...» ..... ٢٢٣
- «فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ أَقْبَلَتْ عَلَيْهِمْ فِتْنٌ لَا قِبَلَ لَهُمْ بِهَا» ..... ٢٢٣
- «يَزِيدُ أَكْثَرُهُمْ، وَيَخْلَعُونَ رِبْقَةَ الْإِسْلَامِ مِنْ أَعْنَاقِهِمْ» ..... ٢٢٥
- «يَكُونُ أَسْعَدَ النَّاسِ بِالدُّنْيَا لَكَعِ ابْنُ لَكَعٍ، لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ...» ..... ٢٢٥
- «إِذَا تَقَارَبَ الزَّمَانُ انْتَقَى الْمَوْتُ خِيَارَ أُمَّتِي كَمَا يَنْتَقِي أَحَدُكُمْ خِيَارَ الرُّطْبِ مِنَ الطَّبَقِ...» ..... ٢٢٦
- «يَذْهَبُ الصَّالِحُونَ أَسْلَافًا: الْأَوَّلُ فَالْأَوَّلُ، حَتَّى لَا يَبْقَى إِلَّا خُثَالَةٌ كَخُثَالَةِ...» ..... ٢٢٦
- «وَرَأَيْتُ أَصْحَابَ الْأَذْيَانِ يُخْتَقَرُونَ، وَيُخْتَقَرُ مَنْ يُجِبُّهُمْ» ..... ٢٢٦
- «يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ هَمُّهُمْ بَطُونُهُمْ، وَشَرَفُهُمْ مَتَاعُهُمْ وَقِبْلَتُهُمْ...» ..... ٢٢٦
- «وَعِنْدَهَا يَظْهَرُ الرِّبَا، وَيَتَعَامَلُونَ بِالْغَيْبَةِ وَالرُّشَى، وَيُوضَعُ الدِّينُ وَتَرْفَعُ الدُّنْيَا...» ..... ٢٢٦
- «لَيَأْتِيَنَّ عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ، لَا يَبْقَى أَحَدٌ إِلَّا أَكَلَ الرِّبَا، فَإِنْ لَمْ يَأْكُلْهُ أَصَابَهُ عُبَاةٌ...» ..... ٢٢٧
- «مَا مِنْ قَوْمٍ يَظْهَرُ فِيهِمُ الرِّبَا، إِلَّا أَخَذُوا بِالسَّنَةِ وَمَا مِنْ قَوْمٍ يَظْهَرُ فِيهِمْ...» ..... ٢٢٧
- «حَتَّى لَا يَبْقَى النَّاسُ أَثَرُ نَبِيٍّ، وَلَا يَفْتَقِدُونَ بِعَمَلٍ وَصِيٍّ، وَلَا يُؤْمِنُونَ بِغَيْبٍ...» ..... ٢٢٧
- «لَتَمْلَأَنَّ الْأَرْضُ ظُلْمًا وَجَوْرًا، حَتَّى لَا يَقُولَ أَحَدٌ «اللَّهُ»، إِلَّا مُسْتَخْفِيًا...» ..... ٢٢٧
- «إِذَا ضَارَ لِأَهْلِ الزَّمَانِ وَجُوهٌ جَمِيلَةٌ وَضَمَائِرُ رَدِيئَةٌ، فَمَنْ رَأَاهُمْ أَعْجَبُوهُ...» ..... ٢٢٨
- «وَرَأَيْتُ الْجَارَ يُؤْذِي جَارَهُ خَوْفًا مِنْ لِسَانِهِ» ..... ٢٢٨
- «يَتَغَيَّرُ أَهْلُ الزَّمَانِ حَتَّى يُعِيدُوا الْأَوْثَانَ، وَيَبْتَلِيَ الْمُؤْمِنُونَ، وَتَوْلَدَ...» ..... ٢٢٨
- «لَا يَأْتِي عَلَيْكُمْ زَمَانٌ إِلَّا الَّذِي بَعْدَهُ شَرُّ مِنْهُ» ..... ٢٢٨
- «أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ أَحَادِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي...» ..... ٢٢٨
- «وَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ ضَائِنًا لِنَفْسِهِ، حَافِظًا لِدِينِهِ، مُخَالِفًا لِهَوَاهُ...» ..... ٢٢٩
- «وَإِنَّ لِمُخْرُوجِهِ لَعَلَامَاتٌ عَشْرًا: - أَوَّلُهَا تَخْرِيقُ الرِّوَايَا...» ..... ٢٢٩
- «طُلُوعُ الْكَوْكَبِ الْمُدْتَبِّ يُفْرِغُ الْعَرَبَ! وَهُوَ نَجْمٌ بِالْمَشْرِقِ يُضِيءُ كَمَا...» ..... ٢٣٠
- «يَظْهَرُ الْمَهْدِيُّ بَعْدَ غَيْبَتِهِ، مَعَ طُلُوعِ النُّجْمِ الْأَحْمَرِ، وَخَرَابِ الرِّيِّ وَخَسْفِ الرُّوزَاءِ...» ..... ٢٣٠
- «الْأَوْلُو ذَابَ مَا فِي أَيْدِيهِمْ لَقَدْ دَنَا التَّمْحِيصُ لِلْجَزَاءِ وَكُشِفَ الْغِطَاءُ وَ...» ..... ٢٣١
- «يَخْرُجُ بِقَرْوِينَ رَجُلٌ إِسْمُهُ نَبِيُّ يُسْرَعُ النَّاسُ إِلَى طَاعَتِهِ الْمُشْرِكِ وَالْمُؤْمِنِ...» ..... ٢٣٢
- «لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَمْلِكَ النَّاسَ رَجُلٌ الْمَوَالِي يُقَالُ لَهُ: جَهْجَاهُ...» ..... ٢٣٢

- ٢٣٢ ..... «يَخْرُجُ نَاسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُطَوِّنُونَ لِلْمَهْدِيِّ سُلْطَانَهُ».
- ٢٣٢ ..... «رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ قَوْمٍ يَدْعُوا النَّاسَ إِلَى الْحَقِّ، يَجْتَمِعُ مَعَهُ قَوْمٌ كَثِيرٌ مِنَ الْحَدِيدِ».
- ٢٣٤ ..... «بَيْنَا النَّاسُ وَقَوْفٌ فِي عَرَفَاتٍ إِذْ أَتَاهُمْ رَاكِبٌ عَلَى نَاقِلَةٍ ذُعْلَبِيَّةٍ».
- ٢٣٤ ..... «مَنْ يَضْمُنْ لِي مَوْتَ عَبْدِ اللَّهِ أَضْمَنْ لَهُ الْقَائِمَ. إِذَا مَاتَ عَبْدُ اللَّهِ لَمْ ...».
- ٢٣٥ ..... «فِيهَا نَاصِبَاتٌ مَوْتَاتٌ فِيهِنَّ مَوْتَاتٌ وَرَاكِبٌ الذُّعْلَبِيَّةِ».
- ٢٣٥ ..... «لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تَسِيلَ وَادٍ مِنْ أَوْدِيَةِ الْحِجَازِ بِالنَّارِ».
- ٢٣٥ ..... «إِذَا وَقَعَتِ النَّارُ فِي حِجَازِكُمْ، وَجَرَى الْمَاءُ بِنَجْفِكُمْ، فَتَوَقَّعُوا ظَهْرَةَ».
- ٢٣٥ ..... «عَامَ الْفَتْحِ يَنْبِئُ الْقُرَاطُ حَتَّى يَدْخُلَ أَرْقَةَ الْكُوفَةِ».
- ٢٣٦ ..... «لَا يُخْرِجُ أَهْلَ مِصْرَ مِنْ مِصْرِهِمْ عَدُوٌّ لَهُمْ، وَلَكِنْ يُخْرِجُهُمْ نَيْلُهُمْ هَذَا».
- ٢٣٦ ..... «يَجُفُّ مَاءُ بُحَيْرَةِ طَبْرِثَا، وَيَتَوَقَّفُ النَّخِيلُ عَنِ الثَّمَرِ، وَتَنْصُبُ ...».
- ٢٣٦ ..... «يَكُونُ جِفَافُ الْأَنْهَارِ وَيَقَعُ الْقَحْطُ وَالْغَلَاءُ ثَلَاثَ سِنِينَ».
- ٢٣٦ ..... «إِزْتِفَاعُ رِيحِ سَوْدَاءَ بِهَا أَوَّلُ النَّهَارِ، وَزَلْزَلَةٌ، حَتَّى يَنْخَسِفَ كَثِيرٌ مِنْهَا».
- ٢٣٧ ..... «وَأَمَّا الرُّوزَاءُ فَتَخْرُبُ مِنَ الْوَقَائِعِ وَالْفِتَنِ، وَأَمَّا وَاسِطُ فَيَطْفِئُ عَلَيْهَا».
- ٢٣٧ ..... «إِنَّ عُمَرَ بْنَ الْوَلِيدِ، خَرَابٌ يَثْرِبُ وَخَرَابٌ يَثْرِبُ خُرُوجَ الْمَلْحَمَةِ».
- ٢٣٧ ..... «مَلَأَ النَّاسُ خَمْسَ: قَدْ مَضَتْ إِثْنَتَانِ وَثَلَاثٌ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ: مَلْحَمَةُ التُّرْكِ».
- ٢٣٨ ..... «يَخْرُجُ بَعْدَ جِفَافِ مَاءِ بُحَيْرَةِ طَبْرِثَةَ».
- ٢٣٨ ..... «بَيْنَ يَدَيْهِ ثَلَاثُ سِنَوَاتٍ: سَنَةٌ تُمَسِكُ السَّمَاءَ فِيهَا تُلْكُ قَطْرُهَا».
- ٢٣٩ ..... «إِنَّ مَعَهُ نَارًا وَنُورًا. فَتَارُهُ مَاءٌ بَارِدٌ، وَمَاؤُهُ نَارٌ. فَمَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ مِنْكُمْ ...».
- ٢٣٩ ..... «أَيُّهَا النَّاسُ، مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا وَقَدْ أَنْذَرَ قَوْمَهُ الدُّجَالَ. وَإِنَّ اللَّهَ ...».
- ٢٤٠ ..... «إِنَّهُ لَمْ تَكُنْ فِئْتَةً فِي الْأَرْضِ، مُنْذُ ذَرَأَ اللَّهُ ذُرِّيَّةَ آدَمَ، أَعْظَمَ مِنْ فِئْتَةِ الدُّجَالِ!».
- ٢٤٢ ..... «أَيُّسَ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ».
- ٢٤٢ ..... «هَذَا كَافِرٌ حَقًّا».
- ٢٤٣ ..... «شَارَتَانِ بَيْنَ يَدَيْ هَذَا الْأَمْرِ: خُسُوفُ الْقَمَرِ بِخَمْسِ، وَكُسُوفُ الشَّمْسِ».
- ٢٤٣ ..... «... وَاجْتَمَعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَاسْتَدَارَتْ بِهِمَا الْكَوَاكِبُ وَالنُّجُومُ».
- ٢٤٣ ..... «عَمُودُ نَارٍ يَطْلُعُ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ فِي السَّمَاءِ، يَرَاهَا أَهْلُ الْأَرْضِ، فَمَنْ ...».
- ٢٤٤ ..... «تَوَقَّعُوا آيَاتِ مَتَوَالِيَاتِ كِنِظَامِ الْخَرَزِ، وَأَوَّلُ آيَاتِ الصَّوَاعِقِ».
- ٢٤٤ ..... «وَأَوَّلُ آيَاتِ الصَّوَاعِقِ، ثُمَّ الرِّيحُ الصَّفْرَاءُ، ثُمَّ رِيحٌ دَائِمٌ وَصَوْتُ ...».

- فهرست احاديث و روايات ..... ٢٣١
- «لَا يَقُومُ الْقَائِمُ إِلَّا عَلَى خَوْفٍ شَدِيدٍ وَزَلْزَلٍ وَفِتْنَةٍ وَبَلَاءٍ يُصِيبُ النَّاسَ ...» ..... ٢٤٢
- «إِذَا ظَهَرَتْ بِخُرَاسَانَ الزَّلَازِلُ، وَنَزَلَتْ بِهِمَذَانَ النَّوَازِلُ، فَرَجَعَتْ ...» ..... ٢٤٥
- «ثُمَّ رَجَعَتْ بِالشَّامِ يَهْلِكُ فِيهَا مِئَةٌ أَلْفٍ يَجْعَلُهَا اللَّهُ رَحْمَةً ...» ..... ٢٤٥
- «أَبَشْرُكُمْ بِالْمَهْدِيِّ، يُبْعَثُ فِي أُمَّتِي عَلَى إِخْتِلَافٍ مِنَ النَّاسِ وَزَلْزَلٍ.» ..... ٢٤٥
- «إِذَا ظَهَرَتْ الْفَاجِشَةُ كَانَتْ الرَّجْفَةُ.» ..... ٢٤٥
- «وَإِذَا تَرَكْتُمُ السَّنَةَ ظَهَرَتْ الْبِدْعَةُ، وَازْتَقَبُوا حِنْدَ ذَلِكَ رِيحاً حَمْرَاءَ ...» ..... ٢٤٥
- «تَكْثُرُ الْفِتْنُ فِي آفَاقِ الْأَرْضِ، وَالْمَسْخُ فِي أَغْدَاءِ الْحَقِّ.» ..... ٢٤٥
- «وَمَسْخٌ لِقَوْمٍ مِنْ أَهْلِ الْبِدْعِ حَتَّى يَصِيرُوا قِرْدَةً وَخَنَازِيرَ.» ..... ٢٤٦
- «سَيَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ خَسْفٌ وَقَذْفٌ وَمَسْخٌ.» ..... ٢٤٦
- «... يُرِيهِمْ فِي أَنْفُسِهِمُ الْمَسْخَ، وَيُرِيهِمْ فِي الْآفَاقِ انْتِقَاضَ الْآفَاقِ عَلَيْهِمْ ...» ..... ٢٤٦
- «وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ لِيُخَسِّفَنَّ بِهِمْ وَيَمَسْخُهُمْ قِرْدَةً وَخَنَازِيرَ.» ..... ٢٤٦
- «... لَمْ يَجْرِ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ شَيْءٌ إِلَّا يَكُونُ فِي أُمَّتِي مِثْلُهُ، حَتَّى الْخَسْفُ وَالْمَسْخُ وَالْقَذْفُ ...» ..... ٢٤٧
- «أَيُّ خِزْيٍ أَشَدُّ مِنْ أَنْ يَكُونَ الرَّجُلُ فِي بَيْتِهِ وَأَصْحَابِهِ، وَعَلَى خِوَابِهِ ...» ..... ٢٤٧
- «يُزَجَّرُ النَّاسُ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ عَنْ مَعَاصِيهِمْ بِنَارٍ تَظْهَرُ فِي السَّمَاءِ ...» ..... ٢٤٩
- «... يَكُونُ حِنْدَ ذَلِكَ ثَلَاثَةُ حُسُوفٍ: خَسْفٌ بِالْمَشْرِقِ ...» ..... ٢٤٩
- «طُلُوعُ الشَّمْسِ مِنْ مَغْرِبِهَا، وَالذُّجَالُ، وَدَابَّةُ الْأَرْضِ وَثَلَاثَةٌ ...» ..... ٢٤٩
- «مَا مَكَّنِي فِيهِ رَبِّي خَيْرٌ فَأَعِيبُونِي بِقُوَّةِ أَجْعَلْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ رَدْمًا ...» ..... ٢٥١
- «هَذَا رَحْمَةٌ مِنْ رَبِّي فَإِذَا جَاءَ وَعَدُّ رَبِّي جَعَلَهُ دَكَّاءَ وَكَانَ وَعْدُ رَبِّي حَقًّا.» ..... ٢٥١
- «يُوشِكُ بَنُو قَنْطُورَا أَنْ يَخْرُجُوا بِكُمْ مِنْ أَرْضِ الْعِرَاقِ.» ..... ٢٥٢
- «يُوشِكُ أَنْ يُطَوِّىَ مَلِكُ الْعَرَبِ. يُطَوِّيه بَنُو قَنْطُورَا، قَوْمٌ عِرَاضُ الْوُجُوهِ ...» ..... ٢٥٢
- «وَيُنِيلُ لِلْعَرَبِ مِنْ مُخَالَفَةِ الْأَثْرَاكِ، وَيُنِيلُ لِأُمَّةٍ مُحَمَّدٍ إِذَا تَحَمَّلَ أَهْلُهَا ...» ..... ٢٥٣
- «إِذَا قَتَلَ مَلُوكَ بَنِي الْعَبَّاسِ أَصْحَابُ الرَّمِيِّ عَنِ الْأَقْوَاسِ بِوُجُوهِ كَالْتُرَاسِ.» ..... ٢٥٣
- «وَأَكْثَرُ الْعَلَامَاتِ بَنُو قَنْطُورَا، وَمُلْكُهُمُ الْعِرَاقُ وَأَطْرَافُ الشَّامِ.» ..... ٢٥٣
- «كَأَنِّي أَرَاهُمْ قَوْمًا وَجُوهَهُمُ الْمَجَانُّ الْمُطْرَقَةُ، يَلْبَسُونَ السَّرَقَ وَالذِّيْبَاحَ ...» ..... ٢٥٤
- «إِذَا افْتَرَقَ بَنُو قَنْطُورَا عَلَى إِخْتِلَافٍ، وَآلُ بِهِمُ الْوَجَلُ إِلَى الْمَصَافِ ...» ..... ٢٥٤
- «إِنَّهُ إِذَا فُقِدَ الصِّينُ، وَتَحَرَّكَ الْمَغْرِبِيُّ، وَسَارَ الْعَبَّاسِيُّ، وَبَوَّعَ السُّفْيَانِيُّ، يُوَدَّنُ لِيُؤَلِّعَ اللَّهُ.» ..... ٢٥٤
- «يَأْبَنُ مَهْرِيَارَا أَلَا أَنْبُتُكَ؟! إِنَّهُ إِذَا فُقِدَ الصِّينِيُّ وَتَحَرَّكَ الْمَغْرِبِيُّ، وَسَارَ ...» ..... ٢٥٤

- ٢٥٦ «يَنْزِلُ عَلَى أُمَّتِي بَلَاءٌ لَمْ يُسْمَعْ بِبَلَاءٍ أَشَدَّ مِنْهُ، حَتَّى تَضِيقَ بِهِمُ الْأَرْضُ الرَّحْبَةَ».....
- ٢٥٧ «بَلَاءٌ يُصِيبُ هَذِهِ الْأُمَّةَ حَتَّى لَا يَجِدَ الرَّجُلُ مَلْجَأً يَلْجَأُ إِلَيْهِ مِنَ الظُّلْمِ...».....
- ٢٥٧ «وَسَتَأْتِي الْيَهُودُ مِنَ الْعَرَبِ لِإِنْشَاءِ دَوْلَتِهِمْ بِفِلِسْطِينَ قَالَ النَّاسُ: يَا أَبَا الْحَسَنِ...».....
- ٢٥٨ «فَعِنْدَ ذَلِكَ تَخْرُجُ الْعَجَمُ عَلَى الْعَرَبِ، وَيَمْلِكُونَ الْبَصْرَةَ... أَلَا يَا وَئِلَ...».....
- ٢٥٨ «لَأَبَدًا أَنْ يَكُونَ قُدَامَ الْقَائِمِ سَنَةٌ تَجُوعُ فِيهَا النَّاسُ، وَيُصِيبُهُمْ...».....
- ٢٥٩ «الْجُوعُ خَاصٌّ وَعَامٌّ: فَأَمَّا الْخَاصُّ مِنَ الْجُوعِ فَبِالْكُوفَةِ يَخْصُ اللَّهُ...».....
- ٢٥٩ «وَيَوْمَئِذٍ يَكُونُ إِخْتِلَافٌ كَثِيرٌ فِي الْأَرْضِ وَفِتْنٌ. وَيُضِجُ الزَّمَانُ مُكْلِحًا مُفْصِحًا...».....
- ٢٥٩ «إِنَّ الْعَذَابَ الْأَذْنَى هُوَ الْقَحْطُ وَالْجَدْبُ وَغَلَاءُ السَّعْرِ قُبَيْلٌ...».....
- ٢٦٠ «أَلَا إِنَّ فِي قَائِمِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ كِفَايَةً لِلْمُسْتَبْصِرِينَ، وَعِبْرَةً لِلْمُعْتَسِرِينَ...».....
- ٢٦٠ «بَيِّنَ ذَلِكَ تَبَجُّعُ أَعْوَجٍ، لَيْسُوا مِنِّي وَلَا أَنَا مِنْهُمْ».....
- ٢٦١ «لَتَأْتِيَنَّكُمْ بَعْدِي أَرْبَعُ فِتْنٍ: الْأُولَى تُسْتَحَلُّ فِيهَا الدِّمَاءُ...».....
- ٢٦١ «لَا يَقْتُلُكُمْ الْكُفَّارُ، وَلَكِنْ يَقْتُلُ الْجَارُ جَارَهُ وَيَقْتُلُ الْأَخُ أَخَاهُ وَابْنُ عَمِّهِ...».....
- ٢٦١ «فَهَذَا عَذَابٌ يَنْزِلُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ عَلَى فَسَقَةِ أَهْلِ الْقِبْلَةِ...».....
- ٢٦٢ «وَيُخِخَ هَذِهِ الْأُمَّةَ مِنْ مُلُوكٍ جَبَابِرَةٍ كَيْفَ يَقْتُلُونَ وَيُخَيِّفُونَ الْمُطِيعِينَ إِلَّا...».....
- ٢٦٢ «لَا يَخْرُجُ حَتَّى لَا يَبْقَى، قَيْلٌ وَلَا إِبْنٌ إِلَّا هَلَكًا!».....
- ٢٦٢ «إِنَّ مِنَ السَّنِينَ سَنَوَاتٍ جَوَادِعُ، تُجَدِّعُ فِيهَا عَطَارِفَةً وَهَرَاقِلَةً».....
- ٢٦٢ «يَذْهَبُ مُلْكُ السَّنِينَ، وَيَصِيرُ مُلْكُ الشُّهُورِ وَالْأَيَّامِ فَكَيْلٌ: هَلْ يَطُولُ ذَلِكَ؟ فَقَالَ: لَا...».....
- ٢٦٢ «وَعِنْدَ ذَلِكَ إِخْتِلَافُ السَّنِينَ، وَإِمَارَةٌ مِنْ أَوَّلِ النَّهَارِ وَقَتْلٌ وَخَلْعٌ فِي آخِرِ النَّهَارِ».....
- ٢٦٣ «بَيْنَمَا الرَّجُلُ عَلَى رَأْسِ الْقَائِمِ يَأْمُرُوهُ يَنْهَى، إِذْ أَمَرَ بِضَرْبِ عُنُقِهِ...».....
- ٢٦٣ «... يَبْعَثُ إِلَى رَجُلٍ لَا يَعْلَمُ النَّاسَ لَهُ ذَنْبًا فَيَقْتُلُهُ! حَتَّى أَنْ أَحَدًا يَتَكَلَّمُ...».....
- ٢٦٣ «قَبْلَ ذَلِكَ يَوْمٌ بُوُوحٌ».....
- ٢٦٣ «قَبْلَ هَذَا الْأَمْرِ قَتْلُ بِيُوحٍ. قَيْلٌ: وَمَا الْبِيُوحُ؟ قَالَ: ذَائِمٌ لَا يَفْتُرُ».....
- ٢٦٤ «الْقَائِلُ مِنْكُمْ: إِنْ أَدْرَكْتُ الْقَائِمَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ نَصَرْتُهُ، كَالْمُقَارِعِ مَعَهُ...».....
- ٢٦٥ «مَنْ تَبَتَّ عَلَى وَلَا يَتَنَاوَى غَيْبَةَ قَائِمِنَا، أَعْطَاهُ اللَّهُ أَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ مِثْلِ شَهِدَاءِ بَدْرٍ وَأَحَدٍ...».....
- ٢٦٥ «إِنَّ أَهْلَ زَمَانِ غَيْبَتِهِ وَالْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ وَالْمُنْتَظِرِينَ لِظُهُورِهِ، أَفْضَلُ...».....
- ٢٦٥ «مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ شَهِيدًا وَمَنْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ...».....
- ٢٦٥ «إِنْتَظِرُوا الْقَرَجَ وَلَا تَبْأَسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ، فَإِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ...».....

- فهرست احاديث و روايات ..... ٢٣٣
- ٢٦٦ ..... «سَيَاتِي قَوْمٌ مِنْ بَعْدِكُمْ، الرَّجُلُ مِنْهُمْ لَهُ أَجْرُ خَمْسِينَ مِنْكُمْ... قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ...»
- ٢٦٦ ..... «اللَّهُمَّ لَقْنِي إِخْوَانِي! مرتين فقال مَنْ حَوْلَهُ مِنْ أَصْحَابِهِ أَمَا نَحْنُ إِخْوَانُكَ...»
- ٢٦٧ ..... «عِنْدَهَا يَذُوبُ قَلْبُ الْمُؤْمِنِ فِي جَوْفِهِ كَمَا يَذُوبُ الْمِلْحُ فِي الْمَاءِ: مِمَّا يَرَى...»
- ٢٦٧ ..... «يَكُونُ الْمُؤْمِنُ مَحْزُونًا مُخْتَقِرًا لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُنْكِرَ إِلَّا بِقَلْبِهِ! يَبْلُغُ عِنْدَهُمْ كُلُّ هَوَانٍ...»
- ٢٦٧ ..... «الْمُؤْمِنُونَ يُبْتَلَوْنَ، ثُمَّ يُمَيِّزُهُمُ اللَّهُ عِنْدَهُ إِنَّ اللَّهَ لَمْ يُؤْمِنِ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ بَلَاءٍ...»
- ٢٦٧ ..... «سَيَاتِي عَلَيْكُمْ زَمَانٌ لَا يَنْجُو فِيهِ مِنْ ذَوِي الدِّينِ إِلَّا مَنْ ظَنَّنَا أَنَّهُ أَبْلَةٌ وَصَبَرَ...»
- ٢٦٧ ..... «لَوْ تَعْلَمُونَ مَا لَكُمْ فِي مَقَامِكُمْ بَيْنَ عَدُوِّكُمْ، وَصَبْرِكُمْ عَلَى مَا تَسْمَعُونَ...»
- ٢٦٨ ..... «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْ كُلِّ مُؤْمِنٍ الْعَاهَةَ، وَرَدَّ إِلَيْهِ قُوَّتَهُ...»
- ٢٦٨ ..... «إِنَّهُ لَوْ قَدْ كَانَ ذَلِكَ، أُعْطِيَ الرَّجُلُ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا وَجُعِلَتْ قُلُوبُهُمْ كَزُبُرٍ...»
- ٢٦٨ ..... «لَا يَكُونُ هَذَا الْأَمْرُ حَتَّى يَذْهَبَ ثُلُثَا النَّاسِ! فَقَالَ أَصْحَابُهُ وَمَنْ يَبْقَى؟...»
- ٢٦٨ ..... «أَمَا تَرْضَوْنَ أَنْ أَعْدَاءَكُمْ يَقْتُلُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا وَأَنْتُمْ آمِنُونَ فِي بُيُوتِكُمْ؟!...»
- ٢٦٨ ..... «نَعَمْ، وَلَكِنْ يُخْلَصُونَ بَعْدَهُ...»
- ٢٦٩ ..... «طُوبَى لِمَنْ لَقِيَهُ وَطُوبَى لِمَنْ أَحَبَّهُ، وَطُوبَى لِمَنْ قَالَ بِهِ. يُنَجِّهِمُ اللَّهُ...»
- ٢٦٩ ..... «طُوبَى لِلصَّابِرِينَ فِي غَيْبَتِهِ! طُوبَى لِلْمُقِيمِينَ عَلَى مُحَبَّتِهِ...»
- ٢٧٠ ..... «فَقَفَ أَمَدًا اللَّهُ بِعَوْنِهِ عَلَى أَعْدَائِهِ الْمَارِقِينَ مِنْ دِينِهِ عَلَى مَا نَذَرْتَهُ وَعَمَلٌ...»
- ٢٧٣ ..... «أَتَى أَمْرًا لِلَّهِ فَلَا تَسْتَفْجِلُوهُ هَذَا الْمَهْدِي خَلِيفَةُ اللَّهِ فَاتَّبِعُوهُ...»
- ٢٧٥ ..... «تَكُونُ آيَةٌ فِي رَمَضَانَ، ثُمَّ تَظْهَرُ عِصَابَةٌ فِي سُؤَالٍ، ثُمَّ تَكُونُ مَغْمَعَةً...»
- ٢٧٥ ..... «الرَّاحِلَةُ بِقُبَّتِهَا يَنْجُو عَلَيْهَا الْمُؤْمِنُ، خَيْرٌ مِنْ دَسَكْرَةٍ تَغْلُ مِثَّةَ أَلْفٍ!...»
- ٢٧٦ ..... «بَلَدَةٌ بِالشَّامِ. فَقِيلَ: إِنَّ أَعْمَالَ الشَّامِ مُتَّسِعَةٌ. فَقَالَ: بَلَدَةٌ بِأَعْمَالٍ...»
- ٢٧٧ ..... «إِنَّ اللَّهَ إِخْتَجَّ بِالكُوفَةِ عَلَى سَائِرِ الْبِلَادِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَهْلِهَا عَلَى غَيْرِهِمْ...»
- ٢٧٨ ..... «قَدْ يَجْتَمِعُ فِيهَا عِبَادُ اللَّهِ الْمُؤْمِنُونَ، يَنْتَظِرُونَ مُحَمَّدًا وَشَفَاعَتَهُ...»
- ٢٧٨ ..... «إِنَّمَا سُمِّيَتْ قُمْ هَكَذَا لِأَنَّ أَهْلَهَا يَجْتَمِعُونَ مَعَ قَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ...»
- ٢٧٨ ..... «قُمْ عَشْرُ آلِ مُحَمَّدٍ وَ مَاوَى شِيعَتِهِمْ وَلَكِنْ سَيَهْلِكُ جَمَاعَةٌ مِنْ شِيَابِهِمْ...»
- ٢٧٩ ..... «أَسْلَمَ الْمَوَاضِعُ يَوْمَئِذٍ أَرْضَ الْجَبَلِ. فَإِذَا إِضْطَرَبَتْ خُرَاسَانَ، وَوَقَعَ...»
- ٢٧٩ ..... «سَتُؤَخَذُ أُمَّتِي أَخَذَ الْأُمَمِ قَبْلَهَا: شِبْرًا بِشِبْرٍ وَ ذِرَاعًا بِذِرَاعٍ. حَتَّى لَوْ...»
- ٢٨٠ ..... «إِذَا أَقْبَلَتْ فِتْنَةٌ مِنَ الْمَشْرِقِ، وَفِتْنَةٌ مِنَ الْمَغْرِبِ، وَالتَّقْوَا، فَبَطْنُ الْأَرْضِ...»
- ٢٨٠ ..... «وَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ فِتْنَةِ الْمَشْرِقِ ثُمَّ مِنَ الْمَغْرِبِ! مَا مِنْ أَهْلِ ذِمَّتِكُمْ قَوْمٌ...»

- ٢٨٠ ..... «يوشك أن تداعى عليكم الأمم تداعى الأكلة على قصعتها وأنتم كثير...»
- ٢٨١ ..... «للتزك خزجتان: خزجة فيها خراب أذربيجان وخرجة يخرجون...»
- ٢٨١ ..... «إذا رأيتم أول التزك بالجزيرة فقاتلوهم حتى تهزموهم، أو يكفیکم...»
- ٢٨١ ..... «يسرع التزك على القرات. فكانى بدوابهم المعصفرات يضطفون على نهر القرات...»
- ٢٨١ ..... «ليردن التزك الجزيرة، حتى تشقى خيلهم من القرات. فيبتعث...»
- ٢٨٢ ..... «إذا استشارت عليكم الروم والتزك وجهاز الجيوش ثم يتخالف...»
- ٢٨٢ ..... «بين يدي الساعة فتح بيت المقدس، ومونان فيكم كقص الغنم، وإفاضة المال...»
- ٢٨٢ ..... «سيكون بغدي فتنة منها فتنة الإجلال، يكون فيها حرب وضرب، ثم من بعدها...»
- ٢٨٣ ..... «بينكم وبين الروم أربع هدين: يوم الرابعة على يد رجل من أهل هرقل...»
- ٢٨٣ ..... «بينكم وبين الروم سبع سنين. فقول: يا رسول الله من إمام الناس يومئذ؟...»
- ٢٨٤ ..... «... لا ترون ما تحبون حتى يختلف بنو فلان فيما بينهم...»
- ٢٨٥ ..... «إنا وآل أبي سفيان أهل بيتين تعادينا في الله قلنا: صدق الله وقالوا: كذب الله...»
- ٢٨٥ ..... «ثم يقع التداير والاختلاف بين أمراء العرب والعجم، فلا يزالون يختلفون...»
- ٢٨٥ ..... «توقعوا الصوت يأتيكم بغتة من دمشق. فيه لكم فرج عظيم يجيئكم...»
- ٢٨٥ ..... «أنى لكم بالسفلياني، حتى يخرج قبلة الشيباني. يخرج بأرض كوفان...»
- ٢٨٩ ..... «هو من ولد أبي سفيان، حتى يأتى أرض قرار ومعين فيستوي على منبرها...»
- ٢٨٩ ..... «ويخرج يوم الجمعة، فيصعد منبر دمشق، وهو أول منبر يصعد...»
- ٢٨٩ ..... «إن أمر السفلياني من المختوم، وخروجه في رجب، يأتى أرض قرار...»
- ٢٨٩ ..... «إمارة خروج السفلياني أن يحصل خسف بغرب مسجد دمشق حتى...»
- ٢٩٠ ..... «علامة خروج المهدي أوية تقبل من المغرب، عليها رجل أعرج من كندة...»
- ٢٩٠ ..... «من علاماته نفر أهل المغرب إلى مضر. وتلك إمارة السفلياني...»
- ٢٩٠ ..... «وظهور المغرب بمصر وتملك الشامات...»
- ٢٩٠ ..... «ويخرج البربر إلى سرّة الشام...»
- ٢٩٠ ..... «تقبل البربر بالرايات الصفري، على البرادين السبر، حتى ينزلوا مضر...»
- ٢٩٠ ..... «إذا بلغت الرايات الصفري مضر، فاهرب في الأرض جهدا هربا...»
- ٢٩١ ..... «إن لولد العباس والمرواني لوقعة بقرقيسيا يشيب فيها الغلام الحزور...»
- ٢٩١ ..... «من علاماته أن يكون خراب الشام حين التقاء الرايات الثلاث فيها: ألا تقع...»
- ٢٩١ ..... «وعلى العبيد على بلاد الشام...»

- فهرست احاديث و روايات ..... ٢٢٥
- ٢٩١ «فَأَوَّلُ أَرْضِ تَخْرُجِ أَرْضِ الشَّامِ: يَخْتَلِفُونَ عِنْدَ ذَلِكَ عَلَى ثَلَاثٍ...»
- ٢٩٢ «إِذَا دَارَتْ رَحَى بَنِي الْعَبَّاسِ، وَرَبَطَ أَصْحَابُ الرَّايَاتِ حُيُولَهُمْ بِرَيْثُونَ الشَّامِ...»
- ٢٩٢ «لَا يَزَالُ النَّاسُ فِي مَدَّةٍ حَتَّى يُفْرَعَ الرَّأْسُ. فَإِذَا قُرِعَ الرَّأْسُ هَلَكَ النَّاسُ.»
- ٢٩٢ «لَوْ رَأَيْتَ السُّفْيَانِيَّ رَأَيْتَ أَحَبَّ النَّاسِ، أَشَقَرَ أَحْمَرَ أَرْزَقَ، يَقُولُ: ثَارَى ثُمَّ النَّارِ...»
- ٢٩٢ «أَشَدُّ خَلْقِ اللَّهِ شَرًّا، وَأَكْثَرُ خَلْقِ اللَّهِ ظُلْمًا، شَرِيْسٌ، قَاسِي الْقَلْبِ...»
- ٢٩٣ «إِذَا مَلَكَ رَجُلٌ الشَّامَ، وَآخَرَ مِصْرَ، فَاقْتَتَلَ الشَّامِيَّ وَالْمِصْرِيَّ، وَسَبَى أَهْلَ الشَّامِ...»
- ٢٩٣ «... حَتَّى تَقْوَمَ الْحَزْبُ عَلَى سَاقٍ، بَادِيًا نَوَاجِدُهَا مَمْلُوءَةٌ أَخْلَاقُهَا...»
- ٢٩٤ «وَاللَّهُ لَا يَزَالُونَ، حَتَّى لَا يَدْعُوا مُحَرَّمًا إِلَّا اسْتَحْلَوْهُ، وَلَا عَقْدًا إِلَّا أَحْلَوْهُ...»
- ٢٩٤ «إِذَا اِخْتَلَفَ بَنُو فَلَانٍ فِيمَا بَيْنَهُمْ، فَعِنْدَ ذَلِكَ الْفَرَجُ. وَلَيْسَ فَرَجُكُمْ إِلَّا...»
- ٢٩٥ «أَلَا يَا وَيْلَ لِكُوفَانِكُمْ هَذِهِ وَمَا يَجُلُ فِيهَا مِنَ السُّفْيَانِيِّ! يَمْلِكُ حَرِيمَكُمْ...»
- ٢٩٥ «لَا يَظْهَرُ الْقَائِمُ حَتَّى يَشْمَلَ الشَّامَ وَدُورَ أَهْلِ الْبِلَادِ فِتْنَةً يَطْلُبُونَ...»
- ٢٩٥ «لَا يَكُونُ ذَلِكَ حَتَّى يَخْرُجَ خَارِجٌ مِنْ آلِ أَبِي سُفْيَانَ، يَمْلِكُ تِسْعَةَ أَشْهُرٍ كَحَمَلٍ...»
- ٢٩٦ «إِذَا بَلَغَ السُّفْيَانِيُّ الْكُوفَةَ، وَقَتَلَ أَعْوَانَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَقَتَلَ رَجُلًا مِنْ مُسَمِّيهِمْ...»
- ٢٩٦ «يُخْرِبُ جَيْشُ السُّفْيَانِيِّ بَغْدَادَ، ثُمَّ يَنْحَدِرُ إِلَى الْكُوفَةِ فَيُحْرِقُونَ مَا حَوْلَهَا...»
- ٢٩٦ «إِذَا رَأَيْتُمُ الرَّايَاتِ السُّودَ تَخْرُجُ مِنْ حُرَّاسَانَ فَاتَوْهَا وَلَوْ حَبِوًا عَلَى الثَّلْجِ...»
- ٢٩٧ «يَخْرُجُ رَجُلٌ يُقَالُ لَهُ: السُّفْيَانِيُّ فِي عَمَقِ دِمَشْقٍ، وَعَامَّةٌ مِنْ يَشْبَعَةَ مِنْ كَلْبٍ...»
- ٢٩٧ «يَبْعَثُ اللَّهُ جَبْرَائِيلَ فَيَقُولُ: يَا جَبْرَائِيلُ أَذْهَبَ فَأَبْدُهُمْ...»
- ٢٩٨ «إِنَّهُ لَا يَنْجُو سِوَى اثْنَيْنِ مِنْ قَبِيلَةِ جُهَيْنَةَ. وَهَذَانِ الْاِثْنَانِ...»
- ٢٩٨ «ثُمَّ يَقْبَلُ عَلَى الْقَائِمِ رَجُلٌ وَجْهَهُ إِلَى قَفَاهُ، وَيَقْفُ بَيْنَ يَدَيْهِ، وَيَقُولُ: يَا سَيِّدِي...»
- ٢٩٩ «يَخْرُجُ السُّفْيَانِيُّ بِمِئَةِ وَسَبْعِينَ أَلْفًا فَيَنْزِلُ بِحَيْرَةَ طَبْرِيَّةَ. وَيَسِيرُ إِلَيْهِ...»
- ٣٠٠ «اللَّهُمَّ الْعَنَّهُمْ جَمِيعًا...»
- ٣٠١ «يَكُونُ قَبْلَ خُرُوجِهِ خُرُوجُ رَجُلٍ يُقَالُ لَهُ: عَوْفُ السَّلْمِيِّ، بِأَرْضِ الْجَزِيرَةِ...»
- ٣٠١ «وَحَرَابُ الْبَصْرَةِ عَلَى يَدِ رَجُلٍ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ، يَشْبَعَةُ الرَّنُوحِ...»
- ٣٠١ «الْبَصْرَةُ! إِنَّهَا لِأَقْرَبُ الْأَرْضِ حَرَابًا وَأَجْسُهَا تُرَابًا، وَأَشَدُّهَا عَذَابًا...»
- ٣٠٢ «يَا أَهْلَ الْبَصْرَةِ: أَخْلَاقُكُمْ دِقَاقٌ، وَدِينُكُمْ نِفَاقٌ، وَمَاؤُكُمْ زُعَاقٌ! بِلَادُكُمْ أَنْتَنٌ...»
- ٣٠٢ «إِذَا حَرَبَتِ الْبَصْرَةَ، وَقَامَ أَمِيرُ الْأَمْرَةِ...»
- ٣٠٣ «وَيَحْكُ يَا بَصْرَةَ مِنْ جَيْشٍ لَا رَهْجَ لَهُ وَلَا حِسَّ! فَفِئْتُهُ يَكُونُ...»
- ٣٠٣ «خُرُوجُ الثَّلَاثَةِ: السُّفْيَانِيِّ وَالْحُرَّاسَانِيِّ وَالْيَمَانِيِّ فِي سَنَةِ وَاحِدَةٍ...»



- ٣٠٤ ..... «خُرُوجُ رَجُلٍ مِنْ وُلْدِ عَمَى زَيْدٍ، بِالْيَمَنِ».....
- ٣٠٤ ..... «يُوشِكُ أَنْ تَخْرُجَ نَارٌ بِالْيَمَنِ، تَسُوقُ النَّاسَ إِلَى الشَّامِ».....
- ٣٠٤ ..... «الْيَمَانِيُّ يَتَوَلَّى عَلِيًّا. الْيَمَانِيُّ وَالسُّفْيَانِيُّ كَفَرَسَى رِهَانٍ».....
- ٣٠٤ ..... «خُرُوجُ السُّفْيَانِيِّ وَالْيَمَانِيِّ وَالخُرَاسَانِيِّ فِي سَنَةِ وَاحِدَةٍ، وَفِي شَهْرِ وَاحِدٍ».....
- ٣٠٥ ..... «فَتَخْرُجُ رَايَةُ هُدَى مِنَ الْكُوفَةِ، فَتَلْحَقُ ذَلِكَ الْجَيْشَ فَيَقْتُلُونَهُمْ لَا يُقْلِبُ...».....
- ٣٠٥ ..... «كَأَنِّي بِالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَقَدْ قَادَاهَا، فَيَسْلَمُهَا الْحُسَيْنِيُّ، فَيُبَايِعُونَهُ».....
- ٣٠٦ ..... «يَقُومُ قَبْلَ السُّفْيَانِيِّ وَاحِدٌ هَائِمِيٌّ بِجِيلَانَ، وَيُعِينُهُ الْمَشْرِقِيُّ. وَيَأْتِي...».....
- ٣٠٦ ..... «وَيَكُونُ قَتْلُ سَبْعِينَ مِنَ الصَّالِحِينَ، وَعَلَى رَأْسِهِمْ رَجُلٌ عَظِيمُ الْقَدْرِ...».....
- ٣٠٧ ..... «تَخْرُجُ مِنَ الْمَشْرِقِ رَايَاتٌ سُودٌ، تُقَاتِلُ رَجُلًا مِنْ وُلْدِ أَبِي سُفْيَانَ...».....
- ٣٠٧ ..... «يَلْقَى أَهْلَ بَيْتِي بِلَاءٌ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ رَايَةً مِنَ الْمَشْرِقِ سَوْدَاءَ، مَنْ نَصَرَهَا...».....
- ٣٠٨ ..... «إِذَا رَأَيْتُمْ ذَلِكَ فَعَلَيْكُمْ بِالْفَتَى التَّمِيمِيِّ، فَإِنَّهُ يُقْبَلُ مِنْ جِهَةِ الْمَشْرِقِ...».....
- ٣٠٨ ..... «وَلَا يَذْفَعُونَهَا إِلَّا إِلَى صَاحِبِكُمْ قَتْلَاهُمْ شُهَدَاءَ، أَمَا إِنِّي لَوَأْدَرَكْتُ...».....
- ٣٠٨ ..... «الْفَرَجُ كُلُّهُ هَلَاكُ الْفُلَانِيِّ مِنَ بَنِي الْعَبَّاسِ».....
- ٣٠٩ ..... «لَتَضْرِبَنَّكُمْ الْأَعَاجِمُ عَلَى هَذَا الدِّينِ عَوْدًا، كَمَا ضَرَبْتُمُوهُمْ عَلَيْهِ بَدَاءً...».....
- ٣٠٩ ..... «إِذَا خَرَجَتْ خَيْلُ السُّفْيَانِيِّ إِلَى الْكُوفَةِ، بَعَثَ فِي طَلَبِ أَهْلِ...».....
- ٣١٠ ..... «خَمْسَ قَبَلِ قِيَامِ الْقَائِمِ: الْيَمَانِيُّ، وَالسُّفْيَانِيُّ وَالنُّدَاءُ، وَالْحَسَنُ بِالْبَيْدَاءِ...».....
- ٣١٠ ..... «إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ النَّبُوَّةِ، وَمَعْدِنِ الرَّسَالَةِ وَالْخِلَافَةِ. وَنَحْنُ ذُرِّيَّةُ مُحَمَّدٍ وَسَلَالَةٌ...».....
- ٣١١ ..... «الْبَيْعَةُ لِلَّهِ، الْبَيْعَةُ لِلَّهِ».....
- ٣١١ ..... «إِنَّ الْمَهْدِيَّ لَا يَخْرُجُ حَتَّى تُقْتَلَ النَّفْسُ الرَّكِيَّةُ. فَإِذَا قُتِلَتِ النَّفْسُ...».....
- ٣١١ ..... «وَآيَةٌ حَرَكْتِنَا مِنْ هَذِهِ اللَّوْنَةِ حَادِثَةٌ بِالْحَرَمِ الْمُعَظَّمِ مِنْ رِجْسِ مُنَافِقٍ مُذَمَّمٍ...».....
- ٣١٢ ..... «فَلَأَبْدُ مِنْ قَتْلِ غُلَامٍ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ».....
- ٣١٢ ..... «مَا بَقِيَ بَيْنَنَا وَبَيْنَ الْعَرَبِ إِلَّا الدَّبْحُ».....
- ٣١٢ ..... «وَقَتْلُ النَّفْسِ الرَّكِيَّةِ مِنَ الْمَحْتَمِ».....
- ٣١٣ ..... «يَنْزِلُ جِبْرَائِيلُ يَوْمئِذٍ عَلَى صَخْرَةٍ بَيْتِ الْمُقَدِّسِ، فَيَصيحُ فِي أَهْلِ الدُّنْيَا...».....
- ٣١٣ ..... «وَالأُ أَيُّهَا النَّاسُ: إِنَّ اللَّهَ قَدْ قَطَعَ مَدَّةَ الْجَبَّارِينَ وَالْمُنَافِقِينَ وَأَتْبَاعَهُمْ...».....
- ٣١٣ ..... «سَيَكُونُ فِي رَمَضَانَ صَوْتُ، وَفِي شَوَّالٍ مَغَمَّةٌ، وَفِي ذِي الْحِجَّةِ...».....
- ٣١٤ ..... «أَمَا سَمِعْتُمْ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ...».....
- ٣١٤ ..... «إِنْتظِرُوا الْفَرَجَ مِنْ ثَلَاثٍ: إِخْتِلَافُ أَهْلِ الشَّامِ فِيمَا بَيْنَهُمْ، وَالرَّايَاتُ...».....

- فهرست احاديث و روايات ..... ٤٣٧
- ٣١٤ ..... «وَاللَّهِ إِنَّ ذَلِكَ فِي كِتَابِ اللَّهِ لَبَيِّنٌ حَيْثُ يَقُولُ: وَاسْتَمِعْ يَوْمَ يُنَادَى...»
- ٣١٥ ..... «وَالصَّيْحَةُ لَا تَكُونُ إِلَّا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ، لِأَنَّ شَهْرَ رَمَضَانَ شَهْرُ اللَّهِ...»
- ٣١٥ ..... «يُنَادِي مُنَادٍ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ عِنْدَ الْفَجْرِ، مِنْ نَاحِيَةِ الْمَشْرِقِ: يَا أَهْلَ...»
- ٣١٥ ..... «سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ، رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ...»
- ٣١٥ ..... «يُنَادِي مِنَ السَّمَاءِ أَوَّلَ النَّهَارِ: أَلَا إِنَّ الْحَقَّ مَعَ عَلِيٍّ وَشِيعَتِهِ...»
- ٣١٦ ..... «إِذَا نَادَى مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ: إِنَّ الْحَقَّ فِي آلِ مُحَمَّدٍ، فَعِنْدَ ذَلِكَ يَظْهَرُ...»
- ٣١٦ ..... «وَالصَّيْحَةُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فِي لَيْلَةِ الْجُمُعَةِ، لَيْلَةُ ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ...»
- ٣١٦ ..... «الْعَامُ الَّذِي فِيهِ الصَّيْحَةُ، قَبْلَهُ الْآيَةُ فِي رَجَبٍ. فَقِيلَ لَهُ: وَمَاهِي؟...»
- ٣١٧ ..... «يَكُونُ فِرْقَةٌ وَاخْتِلَافٌ حَتَّى يَطَّلِعَ كَفٌّ مِنَ السَّمَاءِ، وَ يُنَادِي مُنَادٍ إِنَّ أَمِيرَكُمْ فَلَانٌ...»
- ٣١٧ ..... «إِذَا سَمِعُوا الصَّوْتِ أَصْبَحُوا كَأَنَّمَا عَلَى رُؤُوسِهِمُ الطَّيْرُ! أَمَا لَوْ كَانَتْ...»
- ٣١٧ ..... «فَإِذَا صَلَّيْتُمْ الْفَجْرَ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ الْمَذْكُورِ، فَادْخُلُوا بُيُوتَكُمْ، وَأَعْلَفُوا...»
- ٣١٨ ..... «سُبْحَانَ رَبِّنَا الْقُدُّوسِ...»
- ٣١٨ ..... «فَلَا يَبْقَى شَيْءٌ خَلَقَ اللَّهُ فِيهِ الرُّوحَ إِلَّا سَمِعَ الصَّيْحَةَ، وَلَا يَبْقَى رَاقِدٌ إِلَّا...»
- ٣١٨ ..... «... لَا بُدَّ مِنْ هَذَيْنِ الصَّوْتَيْنِ قَبْلَ خُرُوجِ الْقَائِمِ: صَوْتٍ مِنَ السَّمَاءِ...»
- ٣١٨ ..... «فَإِذَا دَنَّتِ الشَّمْسُ لِلْغُرُوبِ، ضَرَحَ صَارِخٌ مِنْ مَغْرِبِهَا...»
- ٣١٩ ..... «يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ يَسْمَعُهُ جَمِيعُ أَهْلِ الْأَرْضِ بِالدُّعَاءِ إِلَى الْقَائِمِ...»
- ٣٢٠ ..... «هَذَا الْمَهْدِيُّ خَلِيفَةُ اللَّهِ فَاتَّبِعُوهُ...»
- ٣٢٠ ..... «اللَّهُمَّ إِنِّي رَضِيتُ بِهِمْ أَيْمَةً فَارْضِنِي لَهُمْ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ...»
- ٣٢٤ ..... «وَالْمَهْدِيُّ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ، يُضِلُّهُ اللَّهُ فِي لَيْلَةٍ...»
- ٣٢٤ ..... «يُضْبِحُ أَحَدُكُمْ وَتَحْتَ رَأْسِهِ صَحِيفَةٌ عَلَيْهَا مَكْتُوبٌ: طَاعَةٌ مَعْرُوفَةٌ...»
- ٣٢٤ ..... «إِذَا أَدَانَ الْإِمَامُ دَعَا اللَّهُ بِاسْمِهِ أَيَّ بِاسْمِ اللَّهِ الْأَعْظَمِ فَاتَّيَحَّتْ لَهُ صَحَابَتُهُ...»
- ٣٢٤ ..... «يَجْمَعُهُمُ اللَّهُ فِي لَيْلَةٍ، فَمَنْ اسْتَطَاعَ الْمَسِيرَ سَارَ وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَقَدَ عَنْ فِرَاشِهِ...»
- ٣٢٥ ..... «...إِنَّهُمْ لَمُفْتَقِدُونَ عَنْ فِرَاشِهِمْ لَيْلًا، فَيُضْبِحُونَ بِمَكَّةَ، وَيَبْغُضُهُمْ...»
- ٣٢٥ ..... «أَلَا يَا بِي وَأُمِّي مِنْ عِدَّةِ أَسْمَائِهِمْ فِي السَّمَاءِ مَعْرُوفَةٌ وَفِي الْأَرْضِ مَجْهُولَةٌ!...»
- ٣٢٥ ..... «قَوْمٌ لَمْ يَمْنُوا عَلَى اللَّهِ بِالصَّبْرِ، وَلَمْ يَسْتَغْظِمُوا بِذَلِّ أَنْفُسِهِمْ فِي الْحَقِّ...»
- ٣٢٦ ..... «إِنَّهُمْ يَجْتَمِعُونَ مِنْ مَطْلَعِ الشَّمْسِ وَمَغْرِبِهَا، فِي نِصْفِ لَيْلَةٍ، إِلَى مَكَّةَ...»
- ٣٢٦ ..... «كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَيْهِمْ، وَالرَّيُّ وَاحِدٌ، وَالْقَدُّ وَاحِدٌ، وَالْجَمَالُ وَاحِدٌ...»
- ٣٢٧ ..... «هَذَا وَذَوَّةُ! ثُمَّ قَالَ: لَوْ كَانَ الدِّينُ مُعْلَقًا بِالشَّرْبِ لَتَنَاوَلَهُ رِجَالٌ مِنْ أَبْنَاءِ فَارِسٍ...»

- ٣٢٧ ..... «أَعْظَمُ النَّاسِ نَصِيْبًا فِي الْإِسْلَامِ أَهْلُ فَارِسٍ».....
- ٣٢٧ ..... «إِنْ تَتَوَلَّوْا يَا مَعْشَرَ الْعَرَبِ يَسْتَبْدِلُ قَوْمًا غَيْرَكُمْ يَعْنِي الْمَوَالِجَ».....
- ٣٢٧ ..... «وَيْحًا لِلطَّالِقَانِ! فَإِنَّ لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ بِهَا كُنُوزًا لَيْسَتْ مِنْ ذَهَبٍ وَلَا فِضَّةٍ...».....
- ٣٢٨ ..... «تَتَكَسِّفُ الشَّمْسُ بَعْدَ الصَّيْحَةِ فِي رَمَضَانَ، وَقَبْلَ النَّدَا. يَكُونُ الرُّومُ...».....
- ٣٢٨ ..... «إِنَّ أَهْلَ الْكَهْفِ كُلَّهُمْ أَعْجَامٌ، وَلَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا بِالْعَرَبِيَّةِ».....
- ٣٢٨ ..... «وَاللَّهِ لَوْ أَنَّ قَائِمَنَا قَامَ، يَجْمَعُ اللَّهُ إِلَيْهِ شِيعَتَهُ مِنْ جَمِيعِ الْبُلْدَانِ».....
- ٣٢٨ ..... «يُبَايِعُ الْقَائِمَ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ ثَلَاثُمِئَةً وَتَيْفَ رَجُلٍ، عِدَّةَ أَهْلِ بَدْرٍ...».....
- ٣٣١ ..... «... يَجِيءُ وَاللَّهُ ثَلَاثُ مِائَةٍ وَبِضْعَةَ عَشَرَ رَجُلًا فِيهِمْ خَمْسُونَ امْرَأَةً...».....
- ٣٣١ ..... «يَكُنْ مَعَ الْقَائِمِ ثَلَاثَةٌ عَشَرَ امْرَأَةً قُلْتُ وَ مَا يَضَعُ بِهِنَّ قَالَ يُدَاوِبْنَ...».....
- ٣٣١ ..... «وَتَصِيرُ إِلَيْهِ شِيعَتُهُ مِنْ أَطْرَافِ الْأَرْضِ، تُطَوِّئُ لَهُمُ الْأَرْضَ طَيِّبًا حَتَّى يُبَايِعُوهُ».....
- ٣٣٢ ..... «يَجْمَعُهُمُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِمَكَّةَ فِي لَيْلَةٍ وَاحِدَةٍ، وَهِيَ لَيْلَةُ جُمُعَةٍ...».....
- ٣٣٤ ..... «يَقِفُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ، فَيَضْرُحُ صُرْحَةً فَيَقُولُ: يَا مَعْشَرَ نَقْبَانِي...».....
- ٣٣٥ ..... «... هُمْ وَاللَّهُ الْأُمَّةُ الْمَعْدُودَةُ... يَجْتَمِعُونَ فِي سَاعَةٍ وَاحِدَةٍ قُرْعًا كَفْرَعِ الْخَرِيفِ...».....
- ٣٣٥ ..... «إِنَّ صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ مَحْفُوظٌ لَهُ أَصْحَابُهُ. لَوْ ذَهَبَ النَّاسُ جَمِيعًا أَتَى اللَّهُ...».....
- ٣٣٥ ..... «إِنِّي لَأَعْرِفُ أَسْمَاءَهُمْ وَ أَسْمَاءَ آبَائِهِمْ، وَ أَسْمَاءَ خِيُولِهِمْ. وَ هُمْ خَيْرٌ...».....
- ٣٣٦ ..... «يُؤَيِّدُهُ اللَّهُ بِثَلَاثَةِ أَجْنَادٍ: بِالْمَلَائِكَةِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ وَبِالرُّعْبِ».....
- ٣٣٦ ..... «الَّذِينَ كَانُوا مَعَ نُوحٍ فِي السَّفِينَةِ وَالَّذِينَ كَانُوا مَعَ إِبْرَاهِيمَ حِينَ أُلْقِيَ فِي النَّارِ...».....
- ٣٣٧ ..... «إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ».....
- ٣٣٧ ..... «قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَفْلِحُوا».....
- ٣٣٨ ..... «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا».....
- ٣٤١ ..... «سَيَفْعَلُ اللَّهُ ذَلِكَ بِهِمْ: رُكُودُ الشَّمْسِ مِنَ الزَّوَالِ إِلَى وَقْتِ الْعَصْرِ...».....
- ٣٤١ ..... «وَكَفَّ يَطْلُعُ مِنَ السَّمَاءِ مِنَ الْمَحْتَمِمْ».....
- ٣٤١ ..... «وَ وَجْهٌ وَ صَدْرٌ يَظْهَرَانِ لِلنَّاسِ فِي عَيْنِ الشَّمْسِ».....
- ٣٤١ ..... «إِمَارَةٌ ذَلِكَ الْيَوْمِ أَنَّ كَفًّا مِنَ السَّمَاءِ مُدَلَّاةٌ يَنْظُرُ إِلَيْهَا النَّاسُ».....
- ٣٤١ ..... «يَظْهَرُ كَفٌّ مِنَ السَّمَاءِ تُشِيرُ: هَذَا، هَذَا».....
- ٣٤٢ ..... «لَوْلَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ...».....
- ٣٤٢ ..... «إِنَّ أَمْرَنَا بِنَفْتَةٍ فَجَاءَ، وَإِنِّي أَخْرُجُ حِينَ أَخْرُجُ وَلَا بَيْعَةَ لِأَحَدٍ...».....
- ٣٤٢ ..... «وَأَمَّا وَجْهُ الْإِتِّفَاعِ بِي فِي عَيْبَتِي فَكَلَّاتِئِفَاعِ بِالشَّمْسِ إِذَا غَيْبَتْهَا عَنِ الْأَبْصَارِ السَّحَابُ».....

- فهرست احاديث و روايات ..... ٣٣٩
- ٣٤٣ ..... «مَثَلُهُ مَثَلُ السَّاعَةِ لَا يَجْلِيهَا لَوَقْتِهَا إِلَّا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ، لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً».
- ٣٤٣ ..... «هُوَ الَّذِي سَتَّطَوَى لَهُ الْأَرْضُ».
- ٣٤٤ ..... «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ لَا تَبْقَى أَرْضٌ إِلَّا تُودِي فِيهَا بِشَهَادَةٍ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ...».
- ٣٤٤ ..... «بِنَا فُتِحَ الْأَمْرُ، وَبِنَا يُخْتَمُ وَبِنَا اسْتَنْقَذَ اللَّهُ النَّاسَ فِي أَوَّلِ الزَّمَانِ وَبِنَا...».
- ٣٤٥ ..... «يَطْلَعُ عَلَيْكُمْ كَمَا تَطْلَعُ الشَّمْسُ أَيْنَمَا تَكُونُونَ، فَإِيَّاكُمْ وَالشُّكَّ...».
- ٣٤٥ ..... «إِذَا تَمَنَّى أَحَدُكُمْ الْقَائِمَ فَلْيَتَمَنَّهْ فِي عَافِيَةٍ. فَإِنَّ اللَّهَ بَعَثَ...».
- ٣٤٦ ..... «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا حَقًّا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِيْمَانًا وَصِدْقًا، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ...».
- ٣٤٧ ..... «يُنَادِي بِاسْمِ الْقَائِمِ فِي لَيْلَةِ ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ وَيَقُومُ...».
- ٣٤٨ ..... «يُظْهِرُ وَخَدَهُ، وَيَأْتِي الْبَيْتَ وَخَدَهُ، وَيَلِجُ الْكَعْبَةَ وَخَدَهُ، وَيَجْنُ اللَّيْلَ...».
- ٣٤٨ ..... «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَهُ، وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَّبِعُ مِنْ الْجَنَّةِ...».
- ٣٤٨ ..... «فَيَقُولُ جِبْرَائِيلُ: أَنَا أَوَّلُ مَنْ يُبَايِعُكَ. أُبْسِطُ يَدَكَ فَيَمْسَحُ عَلَيَّ يَدَهُ».
- ٣٤٨ ..... «أَوَّلُ مَنْ يُبَايِعُ الْقَائِمَ جِبْرَائِيلُ، فَيُنزِلُ فِي صُورَةِ طَيْرٍ أبيضٍ فَيُبَايِعُهُ...».
- ٣٤٩ ..... «هَذَا مَهْدِيُّ آلِ مُحَمَّدٍ بَابِعُوهُ وَلَا تُخَالِفُوا أَمْرَهُ».
- ٣٥٣ ..... «وَسَيَدُنَا الْقَائِمُ مُسْنِدًا ظَهْرَهُ إِلَى الْكَعْبَةِ وَ يَطْوُلُ يَا مَعْشَرَ الْخَلَائِقِ: أَلَا وَمَنْ...».
- ٣٥٦ ..... «وَجَعَلْنَا وَإِيَّاكُمْ مِنَ الطَّالِبِينَ بِشَارِهِ».
- ٣٥٦ ..... «يُنَادِي مِنَ السَّمَاءِ أَوَّلَ النَّهَارِ: أَلَا إِنَّ الْحَقَّ مَعَ عَلِيِّ وَشِيعَتِهِ...».
- ٣٥٧ ..... «لَا يَدْعُهُمْ إبْلِيسُ حَتَّى يُنَادِيَ فِي آخِرِ النَّهَارِ يُشَكِّكُ النَّاسَ...».
- ٣٥٧ ..... «إِنَّ الشَّيْطَانَ لَا يَدْعُهُمْ حَتَّى يُنَادِيَ كَمَا نَادَى بِرَسُولِ اللَّهِ يَوْمَ الْعَقَبَةِ!».
- ٣٥٧ ..... «يُسْنِدُ الْقَائِمُ ظَهْرَهُ إِلَى الْحَرَمِ، وَيَمُدُّ يَدَهُ إِلَى الْبَيْعَةِ فَتُرَى بَيْنَاضًا...».
- ٣٥٨ ..... «يُنزِلُ جِبْرَائِيلُ يَوْمئِذٍ عَلَى صَخْرَةِ بَيْتِ الْمُقَدِّسِ، فَيَصيحُ فِي أَهْلِ الدُّنْيَا...».
- ٣٥٨ ..... «يَقِفُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ، فَيَصْرُحُ صُرْخَةً فَيَقُولُ: يَا مَعْشَرَ نَقْبَائِي...».
- ٣٥٨ ..... «إِنَّ الْقَائِمَ إِذَا خَرَجَ دَخَلَ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ، فَيَسْتَقْبِلُ الْقِبْلَةَ وَيَجْعَلُ...».
- ٣٥٩ ..... «يَنْتَهِي إِلَى الْمَقَامِ فَيُصَلِّي رَكَعَتَيْنِ، وَيَنْشِدُ اللَّهَ وَيَقُولُ...».
- ٣٥٩ ..... «وَاللَّهِ لَكَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَيْهِ وَقَدْ أَسْنَدَ ظَهْرَهُ إِلَى الْحَجَرِ، ثُمَّ يَقُولُ: يَا أَيُّهَا النَّاسُ...».
- ٣٦١ ..... «أَوَّلُ مَنْ يُبَايِعُهُ جِبْرَائِيلُ، ثُمَّ الْأَنْصَارُ».
- ٣٦١ ..... «وَيَجِيءُ وَاللَّهُ ثَلَاثُمِئَةٍ وَبِضْعَةُ عَشَرَ رَجُلًا، مِنْهُمْ خَمْسُونَ امْرَأَةً، يَجْتَمِعُونَ فِي مَكَّةَ...».
- ٣٦٢ ..... «يُبَايِعُونَ عَلَى أَنْ لَا يَسْرِقُوا، وَلَا يَزْنُوا، وَلَا يَسُبُّوا مُسْلِمًا، وَلَا يَقْتُلُوا مُحْرِمًا...».
- ٣٦٣ ..... «وَكَأَنَّكَ يَا بُنَيَّ، بِتَأْيِيدِ نَصْرِ اللَّهِ وَقَدْ أَنْ وَبِتَيْسِيرِ الْقَرْجِ وَعُلُوِّ الْكَعْبِ وَقَدْ حَانَ...».

- ٣٦٤ ..... «أَوَّلُ مَا يَنْطِقُ بِهِ هَذِهِ الْآيَةُ ثُمَّ يَقُولُ: أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ...»
- ٣٦٤ ..... «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ...»
- ٣٦٤ ..... «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ هَدَمَ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ حَتَّى يَرُدَّهُ إِلَى أُسَاسِهِ...»
- ٣٦٥ ..... «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ قَرَأَ كِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى حَدِّهِ، وَأَخْرَجَ الْمُضْحَفَ الَّذِي كَتَبَهُ عَلِيُّ...»
- ٣٦٥ ..... «أَخْرَجَهُ عَلِيُّ إِلَى النَّاسِ حِينَ فَرَّغَ مِنْهُ وَكَتَبَهُ، فَقَالَ لَهُمْ: هَذَا كِتَابُ اللَّهِ...»
- ٣٦٧ ..... «أَنْتِ مِنِّي وَ أَنَا مِنْكَ...»
- ٣٦٩ ..... «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِسْمِكَ يَا اللَّهُ، يَا اللَّهُ، يَا اللَّهُ، يَا رَحْمَانُ...»
- ٣٦٩ ..... «وَاللَّهُ لَكَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَيْهِ بَيْنَ الرَّكْنِ وَالْمَقَامِ، يُبَايِعُ النَّاسَ...»
- ٣٧٠ ..... «إِذَا قَامَ بِمَكَّةَ وَأَرَادَ أَنْ يَتَوَجَّهَ إِلَى الْكُوفَةِ نَادَى مُنَادِيَهُ: أَلَا...»
- ٣٧١ ..... «يَنْزِلُ الْقَائِمُ يَوْمَ الرَّجْفَةِ بِسَبْعِ قِنَابٍ مِنْ نُورٍ وَلَا يُعْلَمُ فِي أَيِّهَا هُوَ...»
- ٣٧١ ..... «كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى شَيْعَتِنَا بِمَسْجِدِ الْكُوفَةِ، وَقَدْ ضَرَبُوا الْقَسَاطِيطَ...»
- ٣٧١ ..... «طُوبَى لِمَنْ شَهِدَ هَدْمَ مَسْجِدِ الْكُوفَةِ مَعَ قَائِمِ أَهْلِ بَيْتِي! أَوْلَيْكَ...»
- ٣٧١ ..... «فَإِذَا كَانَتِ الْجُمُعَةُ الثَّانِيَةَ قَالَ النَّاسُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ: الصَّلَاةُ...»
- ٣٧٢ ..... «كَأَنِّي بِالْقَائِمِ عَلَى نَجْفِ الْكُوفَةِ، وَقَدْ سَارَ إِلَيْهَا مِنْ مَكَّةَ بِخَمْسَةِ...»
- ٣٧٢ ..... «حَتَّى إِذَا صَعَدَ النَّجْفَ قَالَ لِأَصْحَابِهِ: تَعَبَدُوا بَيْنَ لَيْلَتِكُمْ هَذِهِ...»
- ٣٧٣ ..... «ثُمَّ تَسِيرُ الْمَهْدِيُّ إِلَى مَدِينَةِ جَدِّي رَسُولِ اللَّهِ، فَإِذَا وَرَدَهَا كَانَ لَهُ فِيهَا...»
- ٣٧٣ ..... «سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَبْقَرَ بِرِجْلِهَا فِثْنَةً شَرْقِيَّةً تَطُّ فِي حُطَايِهَا بَعْدَ مَوْتِهَا...»
- ٣٧٣ ..... «... لَيْسَ فِيهَا مَنَارٌ هُدًى، وَلَا عِلْمٌ يُرَى. نَحْنُ أَهْلُ الْبَيْتِ مِنْهَا بِمَنْجَاةٍ...»
- ٣٧٤ ..... «يَدْخُلُ الْمَدِينَةَ فَيَغِيبُ عَنْهُمْ عِنْدَ ذَلِكَ قُرَيْشٌ وَهُوَ قَوْلُ عَلِيٍّ: وَاللَّهِ...»
- ٣٧٤ ..... «ثُمَّ يُخْبِرُ حَدَّثًا.. فَإِذَا فَعَلَ قَالَتْ قُرَيْشٌ: أَخْرَجُوا بِنَا إِلَى هَذَا...»
- ٣٧٥ ..... «يَقُولُ فِي الْمَدِينَةِ مُخَاطِبًا جَدَّهُ: يَا جَدُّاهُ، وَصَفْتَنِي وَدَلَلْتَ عَلَيَّ...»
- ٣٧٥ ..... «كَأَنِّي بِكُمْ وَقَدْ اخْتَلَفْتُمْ مِنْ بَعْدِي بِالْخَلْفِ مِنِّي. أَلَا إِنَّ الْمُقَرَّبَ بِالْأَيْمَةِ...»
- ٣٧٧ ..... «ثُمَّ يَتَوَجَّهُ الْمَهْدِيُّ إِلَى الْقُدْسِ الشَّرِيفِ بِأَلْفِ مَرَكَبٍ، فَيَنْزِلُونَ الشَّامَ...»
- ٣٧٧ ..... «وَيَتَوَجَّهُ إِلَى الْأَفَاقِ، فَلَا يَبْقَى مَدِينَةٌ وَطَنُهَا ذُو الْقُرْنَيْنِ إِلَّا حَلَّهَا وَأَصْلَحَهَا...»
- ٣٧٧ ..... «أَوَّلُ لُؤَاءٍ يَغْتَدُّهُ الْمَهْدِيُّ، يَنْبَعُ إِلَى التُّرْكِ فَيَهْرِمُهُمْ، وَيَأْخُذُ مَا مَعَهُمْ...»
- ٣٧٨ ..... «وَيَسِيرُ إِلَى الْبَصْرَةِ حَتَّى يُشْرِفَ عَلَى بَحْرِهَا، وَمَعَهُ التَّابُوتُ وَعَصَا مُوسَى...»
- ٣٧٨ ..... «وَمِنْ الْعَدِ عِنْدَ الظُّهْرِ تَتَلَوَّنُ الشَّمْسُ وَتَضْفَرُ فَتَصِيرُ مُظْلِمَةً! وَيَوْمَ الثَّالِثِ...»
- ٣٧٩ ..... «يَتَّبَعُ الْمَهْدِيُّ بَعَثًا لِقِتَالِ الرُّومِ وَيُرْسِلُ مَعَهُ عَشْرَةَ تَسْتَخْرِجُ...»

- فهرست احاديث و روايات ..... ٢٢١
- ٣٧٩ ..... «يَكُونُ أَهْلُ هَمْدَانَ وَزُرَّاءَهُ، وَحَوْلَانَ جُنُودَهُ، وَجَمِيرَ أَعْوَانَهُ، وَمِضَرَ...»
- ٣٧٩ ..... «يَمْشِي الْخَضِرُ بَيْنَ يَدَيْهِ، وَيَقْفُوا نَزْرَ رَسُولِ اللَّهِ... لَهُ مَلَكٌ يُسَدُّهُ مِنْ حَيْثُ...»
- ٣٨٠ ..... «إِذَا بَعَثَ السُّفْيَانِيُّ جَيْشَهُ مِنْ اثْنَيْ عَشَرَ أَلْفٍ رَجُلٍ يَطْلُبُ الْمَهْدِيَّ مِنْ...»
- ٣٨٠ ..... «... ثُمَّ يَقْبَلُ عَلَى الْقَائِمِ رَجُلٌ وَجْهَهُ إِلَى قَفَاهُ، وَيَقِفُ بَيْنَ يَدَيْهِ...»
- ٣٨١ ..... «فَيَخْرُجُ بِخَيْلِهِ وَقَوْمِهِ وَرِجَالِهِ وَجَيْشِهِ، وَمَعَهُ مِئَةُ أَلْفٍ وَسَبْعُونَ أَلْفًا، فَيَنْزِلُ...»
- ٣٨٨ ..... «ثُمَّ يَأْمُرُ الْمَهْدِيَّ بِإِنْشَاءِ مَرَائِبٍ، يُبْنِي أَرْبَعِينَ سَفِينَةً فِي سَاحِلِ عَكَّا...»
- ٣٨٩ ..... «ثُمَّ لَا يَلْبَثُ قَلِيلًا حَتَّى تَخْرُجَ عَلَيْهِ مَارِقَةٌ مِنَ الْمَوَالِي بِرُمَيْلَةِ الدَّسْكَرَةِ...»
- ٣٨٩ ..... «إِنَّهُ أَوَّلُ قَائِمٍ يَقُومُ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ. يُحَدِّثُكُمْ بِحَدِيثٍ لَا تَحْتَمِلُونَهُ، فَتَخْرُجُونَ...»
- ٣٨٩ ..... «كَيْفَ يَحْتَاجُ الْجَبَّارُ تَعَالَى إِلَى مَعْرِفَةِ خَلْقِ أَنْشَأَتِهِمْ وَهُمْ خَلْقُهُ؟ لَوْ قَامَ قَائِمُنَا...»
- ٣٨٩ ..... «يُعِزُّ اللَّهُ بِهِ الْإِسْلَامَ بَعْدَ ذَلِكَ، وَيُخَيِّبُهُ بَعْدَ مَوْتِهِ. وَيَضَعُ الْجَزِيَّةَ...»
- ٣٩٠ ..... «ثُمَّ يَسِيرُ إِلَى مِضَرَ فَيَدْخُلُهَا، وَيَضَعُ مِنْبَرًا فَيَخْطُبُ النَّاسَ، فَتُسْتَبْشِرُ...»
- ٣٩٠ ..... «ثُمَّ يَسِيرُ إِلَى مَدِينَةِ الرَّجِجِ وَيَفْتَحُهَا وَيَعُودُ إِلَى سَوَاحِلِ فَلَسْطِينَ، وَيَمُرُّ...»
- ٣٩٢ ..... «ثُمَّ إِنَّ الْمَهْدِيَّ يَرْجِعُ إِلَى بَيْتِ الْمَقْدِسِ فَيُصَلِّي بِالنَّاسِ أَيَّامًا. فَإِذَا كَانَ...»
- ٣٩٢ ..... «إِنَّ عِيسَى، قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ، يَنْزِلُ إِلَى الدُّنْيَا، فَلَا يَبْقَى أَهْلٌ مِلَّةٍ...»
- ٣٩٤ ..... «يَكُونُ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ فِي أُمَّتِي حَكَمًا مُقْسِطًا، يَرْفَعُ الشَّخْنَاءَ...»
- ٣٩٤ ..... «هُوَذَا الْآنَ وَقَدْ مَقْبُولٌ، هُوَذَا الْآنَ يَوْمُ الْخَلَاصِ...»
- ٣٩٤ ..... «فَبَيْنَا هُوَ كَذَلِكَ إِذْ هَبَطَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ بِشَرْقِيِّ دِمَشْقٍ...»
- ٣٩٥ ..... «وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ بَشِيرًا، لَوْلَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ، لَطَوَّلَ اللَّهُ...»
- ٣٩٥ ..... «مِنَّا الَّذِي يُصَلِّي عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ خَلْفَهُ...»
- ٣٩٥ ..... «لَنْ تَهْلِكَ أُمَّةٌ أَنَا فِي أَوَّلِهَا، وَعِيسَى بْنُ مَرْيَمَ فِي آخِرِهَا، وَالْمَهْدِيُّ فِي وَسْطِهَا...»
- ٣٩٦ ..... «وَيَسِيرُ نَحْوَ الْكُوفَةِ، وَيَنْزِلُ عَلَى سَرِيرِ النَّبِيِّ سُلَيْمَانَ وَيَمِينِهِ...»
- ٣٩٧ ..... «كَأَنِّي بِقَائِمِ أَهْلِ بَيْتِي قَدْ أَشْرَفَ عَلَيَّ نَجْفِكُمْ هَذَا وَأَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى نَاحِيَةِ الْكُوفَةِ...»
- ٣٩٧ ..... «الْقَائِمُ مِنَّا مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ، مُؤَيَّدٌ بِالنُّصْرِ، تُطْوَى لَهُ الْأَرْضُ وَتَنْظَهُرُ...»
- ٣٩٧ ..... «يَجْرُدُ السَّيْفَ عَلَى عَاتِقِهِ ثَمَانِيَةَ أَشْهُرٍ هَرْجًا حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ...»
- ٣٩٧ ..... «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ سَارَ فِي أُمَّتِهِ بِاللَّيْنِ وَالْمَنْزِيِّ وَكَانَ يَتَأَلَّفُ النَّاسَ وَالْقَائِمُ...»
- ٣٩٨ ..... «لَوْ قَدْ خَرَجَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ، لَنْصَرَهُ اللَّهُ بِالْمَلَائِكَةِ الْمُسَوِّمِينَ...»
- ٤٠٢ ..... «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ ذَهَبَتْ دَوْلَةُ الْبَاطِلِ...»
- ٤٠٦ ..... «وَإِنَّ بَعْدَ الْعَمِّ فَتْحًا عَجِيبًا...»
- ٤٠٦ ..... «وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ...»

## فهرست موضوعی کتاب

۹	پیش‌گفتار:
۲۹	مقدمه:
۳۰	آفرینش:
۳۱	گذشته‌گان اهل زمین:
۴۱	عالم ذر:
۵۳	حیات زمین:
۵۵	غربت اهل بیت عصمت و طهارت <small>علیهم‌السلام</small> :
۶۵	او از نسل من و.....:
۷۱	اجداد حضرت مهدی:
۷۱	شاهزاده ملیکا:
۷۹	تولد صاحب الامر:
۸۶	نام‌ها و لقب‌های حضرت مهدی:
۸۶	نهی از بردن نام حضرت مهدی:
۸۸	ادیان در آخرالزمان:
۸۹	آئین زردشتی:
۹۱	آئین هندویی:
۹۳	آئین بودایی:
۹۳	آئین یهودی:
۹۵	آئین مسیحیت:
۹۸	آئین اسلام:
۱۰۷	سیما و روش ملکوتی:
۱۱۵	راز طول:
۱۲۰	شباهت حضرت مهدی به پیامبران:

۴۴۳	..... فهرست موضوعی کتاب
۱۲۰	..... شباهت به آدم
۱۲۱	..... شباهت به نوح
۱۲۱	..... شباهت به هود
۱۲۲	..... شباهت به ابراهیم
۱۲۳	..... شباهت به لوط
۱۲۳	..... شباهت به یوسف
۱۲۴	..... شباهت به خضر
۱۲۵	..... شباهت به شعیب
۱۲۶	..... شباهت به موسی
۱۲۸	..... شباهت به یوشع
۱۲۹	..... شباهت به داوود
۱۳۱	..... شباهت به سلیمان
۱۳۱	..... شباهت به ایوب
۱۳۵	..... شباهت به عیسی
۱۳۸	..... شباهت به خاتم الانبیاء
۱۳۹	..... مواردیث انبیا:
۱۴۳	..... مدت حکومت:
۱۴۸	..... موقعیت علمی:
۱۵۱	..... رؤیای صادق
۱۵۶	..... اقامتگاه حضرت مهدی:
۱۵۸	..... تشرف:
۱۶۷	..... ضرورت وجود امام:
۱۷۲	..... دوران زندگی حضرت مهدی:
۱۷۳	..... حکمت غیبت:
۱۷۴	..... امتحان سنت خدا:
۱۷۹	..... نواب اربعه:
۱۸۱	..... باییت و مهدویت
۱۸۲	..... غیبت کبری:
۱۸۵	..... انتظار فرج



۴۴۴	..... البيعة لله
۱۸۷	رجعت در رستاخیز صغری:.....
۱۹۱	رجعت حضرت رسول اکرم ﷺ.....
۱۹۳	رجعت حضرت علی ﷺ.....
۱۹۷	رجعت حضرت حسین ﷺ.....
۲۰۰	..... محکمة عدل.....
۲۰۱	..... روز رجعت.....
۲۰۷	..... فسخ بیعت.....
۲۱۱	..... نشانه‌های ظهور:.....
۲۳۲	..... مردی از اهل قم.....
۲۳۷	..... خروج دجال.....
۲۴۶	..... خسف - قذف - مسخ.....
۲۵۰	..... یاجوج و ماجوج.....
۲۵۲	..... بنوقنطوره.....
۲۵۶	..... قوم یهود.....
۲۵۸	..... بروز فتنه‌های متعدد.....
۲۶۴	..... خوشا به حال شکیبایان.....
۲۷۰	..... نامه حضرت مهدی به شیخ مفید.....
۲۷۵	..... دیگر نشانه‌ها.....
۲۷۶	..... شهر مقدس قم.....
۲۸۰	..... فتنه شرق و غرب.....
۲۸۱	..... سپاه ترک.....
۲۸۲	..... فتح بیت المقدس.....
۲۸۴	..... قیام سفیانی:.....
۲۹۶	..... فارسیان.....
۲۹۷	..... سرزمین بیداء.....
۳۰۱	..... قیام عوف سلمی:.....
۳۰۳	..... قیام یمانی:.....
۳۰۵	..... قیام سید هاشمی:.....
۳۰۷	..... قیام سید خراسانی:.....

۴۴۵	..... فهرست موضوعی کتاب
۳۱۰	..... قیام نفس زکیه:
۳۱۲	..... بانگ آسمانی:
۳۲۳	..... یاران حضرت ولی عصر:
۳۳۸	..... وقوع رستاخیز صغری:
۳۴۷	..... شب ۲۳ رمضان.....
۳۴۸	..... اتی امرالله.....
۳۵۰	..... دین اسلام.....
۳۵۶	..... دو صیحه.....
۳۵۸	..... رکن و مقام.....
۳۶۱	..... بیعت.....
۳۶۳	..... نصرت خدا.....
۳۶۴	..... بقية الله خير لكم ان كنتم مؤمنين.....
۳۶۵	..... کتاب آسمانی قرآن.....
۳۷۰	..... سنگ حضرت موسی.....
۳۷۲	..... نجف اشرف.....
۳۷۵	..... مدینه منوره.....
۳۷۷	..... مسیر جنگ‌های حضرت مهدی.....
۳۷۸	..... دابة الارض.....
۳۷۹	..... خضر پیامبر.....
۳۸۱	..... هلاکت سفیانی.....
۳۸۲	..... شجرة ملعونه.....
۳۸۹	..... تپه‌های دستگرد.....
۳۹۱	..... رجعت حضرت عیسی:
۳۹۴	..... عیسی داوری دادگر.....
۳۹۶	..... نام او (احمد) است.....
۳۹۷	..... فرشتگان نشاندار.....
۳۹۸	..... ابلیس لعین.....
۴۰۲	..... حق بر کرسی صدارت.....
۴۰۳	..... نماز توبه و نماز شب.....
۴۰۵	..... کاخ خوشبختی.....

## منابع

- قرآن کریم: ترجمه آیت الله ناصر مکارم شیرازی.
- قرآن کریم: ترجمه استاد مهدی الهی قمشه‌ای.
- قرآن کریم: ترجمه استاد محمد مهدی فولادوند.
- تفسیر المیزان: علامه طباطبایی رحمته الله علیه.
- تفسیر نمونه: آیت الله ناصر مکارم شیرازی.
- تفسیر ادبی و عرفانی قرآن کریم: اثر خواجه عبدالله انصاری رحمته الله علیه.
- نهج البلاغه: تألیف مرحوم فیض الاسلام رحمته الله علیه.
- مفاتیح الجنان: تألیف مرحوم حاج شیخ عباس قمی رحمته الله علیه.
- منتهی الامال: تألیف مرحوم حاج شیخ عباس قمی رحمته الله علیه.
- اصول کافی: تألیف الكلینی الرازی رحمته الله علیه.
- بحار الانوار: تألیف علامه مجلسی رحمته الله علیه.
- پرتویی از قرآن: تألیف سید محمود طالقانی رحمته الله علیه.
- نوائب الدهور: تألیف حجة الاسلام میرجهانی رحمته الله علیه.
- فروغ ولایت: تألیف استاد جعفر سبحانی.

عنوان الكلام: تأليف حجة الاسلام والمسلمين آخوند ملا محمد باقر فشاركي رحمته الله.  
 احتجاج طبرسي: تأليف شيخ جليل ابومنصور... طبرسي رحمته الله. ترجمه: حسن مصطفوي.  
 حقايق: تأليف محمد بن مرتضى مشهور به مولى محسن فيض كاشاني رحمته الله.  
 مكيال المكارم: تأليف آيت الله محمد تقى موسى اصفهاني رحمته الله.  
 نجم الثاقب: تأليف طبرسي نوري رحمته الله.  
 تحف العقول: تأليف ابو محمد الحسن بن على بن الحسين بن شعبة الحراني رحمته الله.  
 جامع النورين مشهور به انسان: تأليف مرحوم حاج ملا اسماعيل سبزواري رحمته الله.  
 مفتاح الفلاح: تأليف علامه شيخ بهاء الدين محمد العاملى رحمته الله.  
 مهدي منتظر عليه السلام: تأليف حجة الاسلام حاج شيخ محمد جواد خراساني رحمته الله.  
 شناخت تحليلي اسلام و برخى مسلكها و اديان: تأليف آيت الله نوري.  
 قصص قرآن: تأليف صدرالدين بلاغى رحمته الله.  
 انسان از دیدگاه قرآن و عترت: تأليف سيد حسن صدر رحمته الله.  
 كامل التعبير: تأليف شيخ ابوالفضل جيش بن ابراهيم تفليسي رحمته الله.  
 يوم الخلاص: تأليف كامل سليمان. ترجمه: على اكبر مهدي پور.  
 محمد عليه السلام در تورات و انجيل: تأليف پروفيسور عبدالاحد داوود.  
 انقلاب جهاني مهدي: آيت الله مكارم شيرازي.  
 ياتى على الناس: تأليف سيد محمود بن السيد مهدي الموسوي.  
 الملاحم: تأليف شيخ محمد حسين همداني طاوئى رحمته الله.  
 آفرينش و رستاخيز: تأليف شينيا ماكينو. ترجمه جليل دوستخواه.  
 الانسان فى مراحل الست: تأليف سيد جواد الحسينى آل على الشاهرودى.  
 خورشيد مغرب: محمد رضا حكيمى.  
 طلوع آفتاب مهدي عليه السلام: تأليف مؤسسه تحقيقاتى - علمى الغدير.  
 منتظر تاريخ: تأليف سيد علاء الدين مدرس.  
 ذهنيت مستشرقين و اصالت مهدويت: تأليف حسين منتظر و...